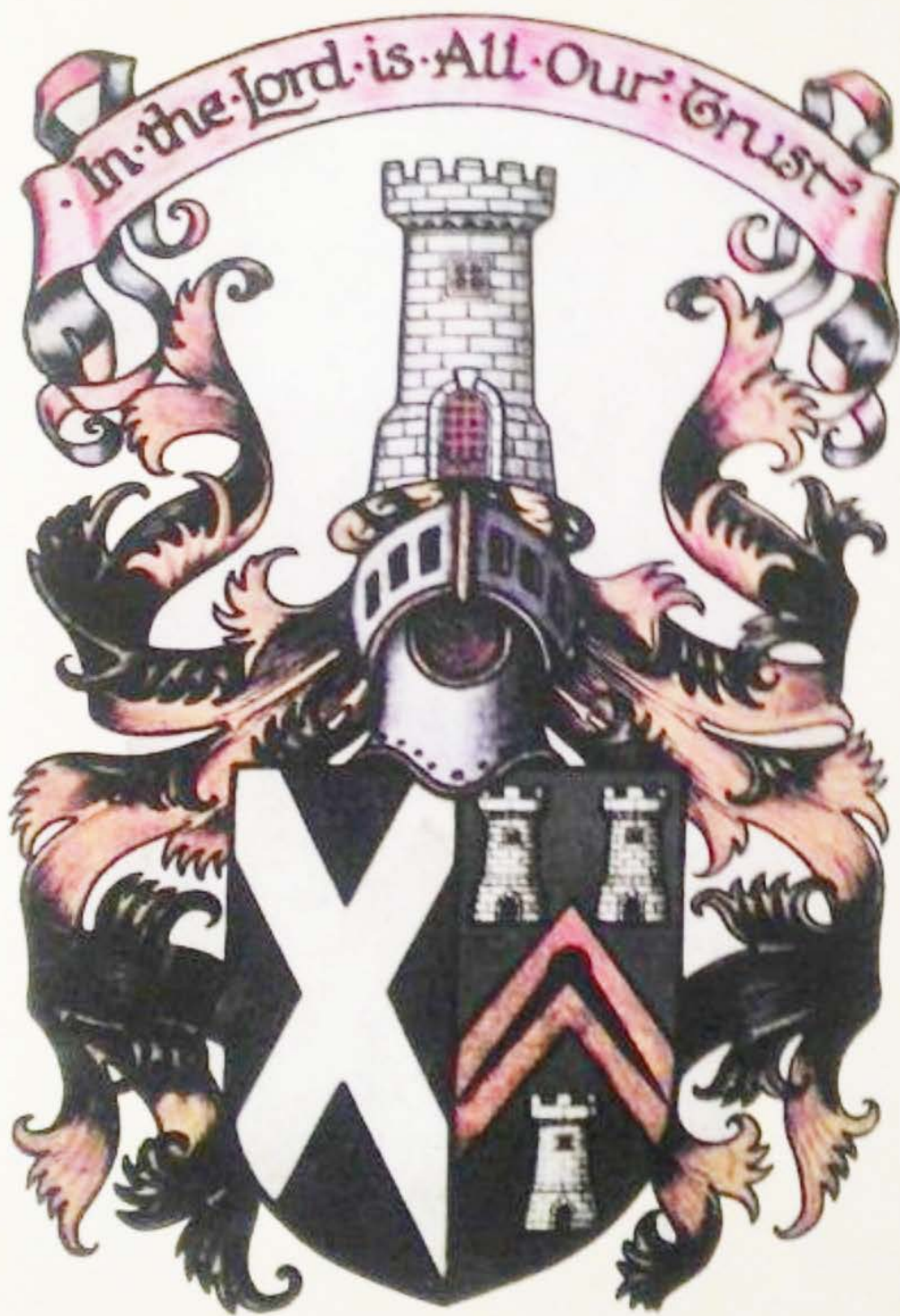


فراموشخانه فراماسونری در ایران



فراموشخانه و فراماسونری در ایران

جلد سوم

نوشته: اسماعیل رائین



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۵۷

استفاده از متن کتاب، اسناد و دیپلمها، عکسها و تصاویر،
بدون اجازه کتبی نگارنده ممنوع است.



دکتر، اسماعیل
فراموشخانه و فراماسونری در ایران (جلد سوم)
چاپ چهارم: ۱۳۵۷
چاپ پنجم: ۱۳۵۷
چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران
حق چاپ محفوظ است.

فهرست مندرجات

۱۰۸ - ۱	لژهایون - باشگاه حافظ	فصل بیست و پنجم
۱۸۵ - ۱۰۹	لژ روشنائی در ایران	فصل بیست و هشتم
۳۳۰ - ۱۸۶	لژهای انگلیسی تابع قانون اساسی اسکاتلند در ایران:	فصل بیست و هفتم
	۱ - لژ تهران ۲ - لژ کورش	
	۳ - لژ خیام ۴ - لژ اصفهان	
	۵ - لژ خوزستان ۶ - لژ اندارک	
	۷ - لژ نور ۸ - لژ آریا	
	۹ - لژ اهواز ۱۰ - لژ کرمان	
	باشگاه رازی - انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی	
۴۱۸ - ۳۳۱	لژهای فراماسونری فرانسه در ایران:	فصل بیست و هشتم
	۱ - لژ مولوی ۲ - لژ سعدی	
	۳ - لژ حافظ ۴ - لژ مزدا	
	۵ - لژ ابن سینا ۶ - لژ لافرانس	
	۷ - لژ کسرا	
۴۴۵ - ۴۱۹	سازمانهای نیمه مخفی:	
	انجمن بوعلی سینا - باشگاه خورشیدتابان	
	انجمن خواجه نصیر طوسی - انجمن فارابی	

۴۷۸ - ۴۴۶	لژهای امریکائی در ایران سازمان‌های علنی و تشکیلات مخفی : ۱ - تسلیح اخلاقی ۲ - روتاری کلوب ۳ - جمعیت برادری جهانی ۴ - باشگاه لاینز ۵ - ده انجمن خیریه دیگر فراماسونری آمریکا	فصل بیست و نهم
۵۰۵ - ۴۷۹	انجمن اخوت لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران	فصل سی‌ام فصل سی‌ویکم
۵۷۹ - ۵۰۶	وگراند لژ مستقل ایران : ۱ - لژهای : مهر - آفتاب - وفا - صفا ۲ - لژهای : ستاره سحر - ناهید ۳ - آئین‌نامه لژهای مستقل ۴ - اتحادیه جهانی فراماسون‌ها I.U.F	
۶۳۶ - ۵۸۰	عقاید نویسندگان ایرانی	فصل سی و دوم
۶۸۰ - ۶۳۷	معرفی ۸۵۷ نفر از فراماسون‌های کنونی	فصل سی و سوم
۷۷۳ - ۶۸۱	مکاتبه باکراند لژهای جهانی	فصل سی و چهارم

ضمائم :

- ۱ - مکاتبه با لژهای انگلیسی و آمریکائی
- ۲ - قانون اساسی - آئین‌نامه - نظامنامه
لژهای تابع قانون اسکاتلند در ایران
مأخذ و منابع فراماسونری در کتب ، جراید
و مجلات زبان فارسی

فصل بیست و پنجم

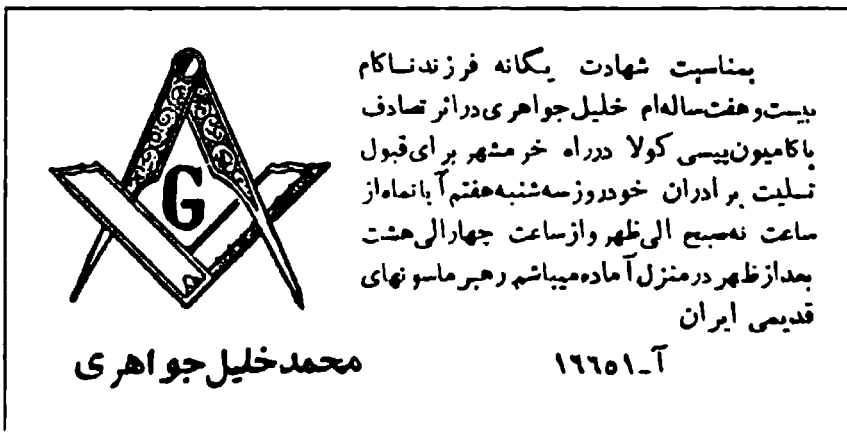


لژ همایون



استاد محمد خلیل جواهری مؤسس لژ همایون

قیل از اینکه در باره علل و چگونگی تأسیس لژ همایون در تهران سخنی گفته شود، لازم است، مردی را معرفی کنیم که در تاریخ فراماسونری ایران نقش مؤثری داشته است. این شخص محمد خلیل جواهری، اولین فراماسون ایرانی است که بدون ترس و وا همه علناً خود را معرفی کرده است. او در روز یکشنبه ۵ آبان ۱۳۳۶ در روزنامه اطلاعات اعلان درگذشت پسر خود را با علامت فراماسونها و کلمه (G) بدین شرح منتشر کرد: ^۱



« بمناسبت شهادت یگانه فرزند ناکام بیست و هفت ساله ام خلیل جواهری در اثر تصادف با کامیون پیسی کولا در راه خرمشهر برای قبول تسلیم برادران خود روز سه شنبه هفتم آبانماه از ساعت چهار الی هشت بعد از ظهر در منزل آماده میباشم. رهبر ماسونهای قدیمی ایران محمد خلیل جواهری. »

جواهری که در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۴ در جلسه علنی مجلس شورای ملی مورد حمله و کلاقرار گرفت و عده ای او را مؤسس لژ همایون معرفی کردند، نخستین فراماسون ایرانی است که بدون نگرانی در يك روزنامه مهم کشور علناً اسم و رسم فراماسونی خود را ذکر کرده است.

از روزیکه نخستین ایرانی در پاریس وارد سازمان فراماسونری شد تاکنون همچنان افراد و سازمانهای این فرقه در پرده اختفا باقی مانده اند و هیچکس از

افراد و اعمال آنها اطلاعی پیدا نکرده است و خود ماسنها نیز تاکنون از معرفی خود امتناع داشته و دارند. ولی محمد خلیل جواهری که درجهٔ مافوق ۳۳ را دارد، خود را معرفی کرده و در اطاق پذیرائی خانه‌اش نیز فرمانها و عکسهای خویش را در لباس ماسونی بمعرض تماشا گذارده است.

محمد خلیل جواهری، فرزند خلیل شیرازی است که ۱۳۰ سال قبل اجداد او از شیراز به سوریه مهاجرت کردند. شغل اصلی فامیل جواهری «حمله‌داری»، کاروانهای حجاج از ایران به خانهٔ کعبه بوده و برای انجام این شغل ناصرالدین‌شاه فرمان مخصوصی به این خانواده اعطا کرده است. خانوادهٔ جواهری اصولاً دمشق را مرکز کارهای حمله‌داری و تجاری خود قرار داده‌اند و در سوریه به خانوادهٔ «عجمی» معروف هستند. تا پیدا شدن اتومبیل و مسافرت حجاج با وسائل نقلیهٔ موتوری، خانوادهٔ جواهری به حمله‌داری مشغول بودند و آخرین فرد این خانواده «خلیل» پدر محمد جواهری بود که تا چهل سال قبل حجاج را به مکه می‌رسانید. محمد جواهری که با ذکر نام پدرش (محمد خلیل جواهری) نامیده می‌شود، تحصیلات مقدماتی خود را در دمشق و تحصیلات عالی را در کالج بیروت و دانشگاه اسلامبول به پایان رسانیده و در رشته روزنامه نگاری، فلسفه و تاریخ فارغ‌التحصیل شده است. وی پس از خاتمه تحصیل در شهر سامسون ترکیه روزنامهٔ «رنکین» را که به معنی «فضا» است منتشر کرد. او پس از ۱۵ سال اقامت در اسلامبول با داشتن گذرنامه ایرانی به دمشق مراجعت نمود و علاوه بر تجارت، خبرنگاری روزنامه‌های اردن، فلسطین و لبنان را نیز عهده‌دار بود.

محمد خلیل در سال ۱۳۱۹ شمسی (۱۹۴۰ م) برای اولین بار به ایران آمد و دو کتاب خود را به نامهای «آلبوم مسافرت رضاشاه به ترکیه» و «یادبود دوستی ایران و ترکیه» به زبان فارسی منتشر ساخت. او این دو کتاب را در شام چاپ کرده بود و در تهران توزیع کرد.

وی پس از یکسال اقامت در تهران «آژانس شرق» را در خیابان لاله‌زار

تأسیس کرد و شروع به ارسال اخبار ایران برای روزنامه‌ها و مجلات هفتگی سوریه، ترکیه، لبنان و سایر ممالک خاورمیانه نمود و مقالاتی هم در این روزنامه‌ها می‌نوشت. در مقابل مقالات و اخبار جراید خاورمیانه را نیز در تهران توزیع مینمود. در تمام مدت جنگ جهانی دوم (آژانس شرق) در تهران دایر بود، و طی فعالیتهای خود بیوگرافی‌های چرچیل، رضا شاه کبیر، روزولت، ابن سعود و تاریخ جنگ دوم و جزوه‌هایی درباره کشورهای مجاور ایران مانند عراق، سوریه و لبنان منتشر ساخت و از سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۷ م) تا کنون فعالیت مطبوعاتی را ترك گفته و مشغول بازرگانی و انجام قراردادهای مصالح ساختمانی و ساختمان است و هرگز از اعلام این نکته که فراماسون و حتی مؤسس لژهایون در ایران بوده امتناعی نداشته و ندارد.

وی در باره اینکه چگونه وارد سازمان فراماسونری

چگونه وارد ماسونی شد، چنین می‌گوید:

شدم در سال ۱۳۰۱ ش (۱۹۲۲ م) وارد سازمان فیلمبرداری معلولین جنگی ارتش ترکیه شدم. در آن زمان در ارتش ترکیه يك سازمان فیلمبرداری وجود داشت که درآمد آن مختص معلولین جنگ بود. من که در آن اوقات بیکار بودم، در این سازمان مدت سه ماه تعلیمات دیدم و موقع امتحان قرار شد، مستقلاً فیلمی تهیه‌کنم و به اتفاق دو نفر دستیار به از میر بروم و از فرار یونانیها فیلمبرداری کنم. از این رو با يك کشتی مسافری فرانسوی به نام «لامارتن» از اسلامبول به از میر رفتم و از مناظر فرار یونانیها و آتش زدن شهر مدت هشت ساعت فیلم برداری کردم و با همان کشتی به بیروت بازگشتم. ولی در طول این مسافرت واقعه جالبی روی داد. در چهارمیلی از میر به يك قایق پاروئی که در آن بیش از ده نفر نشسته بودند، برخوردیم. سر نشینان قایق با تکان دادن دست و دستمال کشتی را به کمک طلبیدند ولی ناخدای کشتی بدون توجه به حرکت خود ادامه داد. اما من، از دیدن قیافه مضطرب و وحشت زده سر نشینان قایق

ناراحت شدم و با اصرار و التماس از ناخدا درخواست کردم که به کمک آن عده و ازگون بخت بشتابد. ولی به علت آنکه قایق نشینان یونانی بودند، ناخدا به اینکار راضی نشد. ناچار با تهدید اینکه به کمک مسافرین او را دستگیر خواهم کرد، وی حاضر به نجات قایق نشینان گردید و قرار گذاشتیم از سرعت کشتی کم کند تا با کمک کارکنان کشتی آن بیچارگان را نجات دهیم.

نجات افراد خانواده فراری یونانی یکساعت طول کشید و آنها وقتی به عرشه کشتی رسیدند، مستقیماً به طرف فرمانده رفتند تا دست او را ببوسند ولی ناخدا مرا به آنان نشان داد و گفت این جوان شمارا نجات داده است، و من بر اثر اصرار او مجبور به کم کردن سرعت کشتی و نجات شما شده‌ام.

افراد خانواده یونانی ابتدا تصور می‌کردند که من یونانی و یا لااقل مسیحی هستم ولی وقتی مطلع شدند که مسلمان هستم و در خدمت ارتش ترکیه می‌باشم تعجبشان بیشتر شد. در حالیکه مشغول صحبت با نجات یافتگان بودم، یک پروفور فرانسوی که قیافه آرام و دوست داشتنی داشت، به ما نزدیک شد و خود را پروفور «ژویل» معرفی کرده و خطاب به من اظهار داشت: از وقتیکه برای نجات این خانواده اقدام کردید، تا این لحظه دقیقه‌ای شمارا از نظر دور نداشته‌ام. منم ابتدا تصور می‌کردم شما مسیحی هستید ولی حال که فهمیدم مسلمان و در خدمت ارتش ترکیه می‌باشید بسیار تعجب کردم زیرا شما و یونانیها با هم در حال جنگ هستید و بالطبع بایستی وسائل غرق این خانواده را فراهم می‌کردید.

به پروفور گفتم، من فارغ التحصیل رشته روزنامه‌نگاری و فلسفه هستم، در باره جنگ و علل و فلسفه آن بحثی نمی‌کنم ولی اینرا نمی‌توانم فراموش کنم که انسانیت و بشریت، ترك، یونانی، مسیحی و مسلمان نمی‌شناسد، همه ما یک نوع ساختمان بدنی داریم و بعلاوه من فرزند سرزمین سعدی در ایران هستم که هفتصد سال قبل گفته است «بنی آدم اعضای یکدیگرند» بنابراین غیر از رفتاری که کردم، کار دیگری نمی‌توانستم بکنم.

پروفسور (ژویل) از من خواهش کرد که در بیروت به ملاقات او بروم . من قبول کردم . با وجودیکه مدت توقفم در این شهر کوتاه بود ، بدیدنش رفتم و او در میان بهت و تحیر فوق العاده ای به من گفت: هر چه از شما دیدم به محفل فراماسونری بیروت گزارش دادم و پیشنهاد کردم شما را به عضویت ماسونی بپذیرند . ژویل بعد از آنکه دو روز درباره فرقه ماسونی با من صحبت کرد ، مرا طی تشریفات وارد سازمان ماسونی بیروت کردند. چند روز بعد در حالیکه مقام اول فراماسونی یعنی «شاگرد» بدست آورده بودم ، باسلامبول برگشتم .

وقتی وارد اسلامبول شدم چون قبلاً مرا از بیروت به این لژ معرفی کرده بودند ، در لژ مزبور شروع به فعالیت کردم . در مدت شش سال درجات شاگرد ، کارگر و استاد را گذراندم . مقارن این ایام مصطفی کمال اتاتورک زمامدار ترکیه شد و با وجود اینکه ماسنها در تغییر رژیم ترکیه و پیروزی انقلاب به اتاتورک و انقلابیون کمکهای فراوانی کرده بودند ، معذک به علت افراط کاریهایی که در انقلاب صورت گرفت به مخالفت با رژیم جدید برخاستند و سرانجام بنا بخواهش اتاتورک لژهای ماسونی گراند اوریان ترکیه کار خود را تعطیل کردند .

در سال ۱۳۱۴ ش (۱۹۳۵م) از اسلامبول به بیروت رفتم و تا سال ۱۳۱۷ ش (۱۹۳۸ م) در لبنان چند لژ ماسونی تأسیس کردم ، در مقابل هر لژی که تأسیس می کردم و یا هر فعالیت انسانی که از من سر میزد يك درجه می گرفتم ، بطوریکه تا درجه ۳۳ ارتقاء پیدا کردم . چون مرکز ماسنی گراند اوریان مرتباً اعمال مرا تقدیر می کرد ، درجه ۱۴ مکرر را که مقام عالی است به من دادند و در سال ۱۳۱۷ ش (۱۹۳۸ م) به ایران آمدم .

در ایران با مرحوم فروغی ، حکیم الملك و طباطبائی [سید محمد صادق] ملاقات کردم و مطلع شدم که فعالیت ماسونی در این منطقه تقریباً تعطیل شده است. بدینجهت از آنها خواستم که مجدداً فعالیت خود را آغاز کنند . ولی مؤسسين لژ گراند اوریان ایران بانظر من مخالفت نمودند ، و مقرر گردید که در صورت احتیاج

از اسناد موجود در خانه حکیم‌الملک که مربوط به لژ (بیداری ایران) بود استفاده کنم و از حافظه و اطلاعات ۱۴ نفر اعضای لژی‌بیداری ایران که در قید حیات بودند کمک بخواهم. چون احساس می‌کردم که محیط آنروز ایران احتیاج مبرمی به تزکیه روح و اخلاق و تعلیمات ماسونی دارد، لذا از هیچگونه کوششی خودداری نکردم. ولی هرگاه بایکی از مؤسسين لژی‌بیداری ایران سخن می‌گفتم جواب می‌دادند که محیط اجتماعی وقت، آماده فعالیت نیست.

حادثه شهریور ۱۳۲۰ ش (۱۹۴۱ م) و زمامداری مرحوم فروغی به من فرصتی داد تا بار دیگر درباره امکان فعالیت لژهای فراماسونری در ایران مطالعه کنم. از این رو چند ماه بعد از زمامداری مرحوم فروغی، روزی آن مرحوم را ملاقات نمودم و با وی درباره فعالیت لژ گفتگو کردم. فروغی ضمن ابراز خوشوقتی از افکارم گفت که از دو ماه قبل اعضاء لژی‌بیداری ایران مجدداً شروع به فعالیت کرده‌اند من هم می‌توانم با آنها کار کنم.

چون در آن هنگام فرانسه در اشغال قوای هیتلری بود و مرکز گرانداوریان نمی‌توانست فعالیت در خارج از فرانسه بنماید، بناچار با قاهره تماس گرفتم و پس از چندی با لژ الپینای سوئیس نیز مکاتبه برقرار کردم و در جواب این نامه را دریافت نمودم که عیناً در اختیاران قرار میدهم:

ژنو ۲۰ اکتبر ۱۹۵۴.

به آقای خلیل جواهری خیابان کاخ شماره ۱۱۲ تهران.

برادر بسیار عزیزم

پیام محبت آمیز شما را از کشور ایران که دارای سوابق تاریخی، فلاسفه و شعرا و متفکرین است با خوشوقتی کامل دریافت داشتم. مضمون آن نماینده بارزی از اتحاد روحی است که تمام ماسونهای جهانی را بهم مرتبط می‌سازد.

ضمن ملاقات برادرمان... هدایتی چنین استنباط کردم که در کشور شما ماسونری در حال تکامل است و آرزو مندم نتایج خوبی برای سعادت هموطنان شما

A. L. G. D. G. A. D. L. U.

Au nom de l'Ordre et sous les auspices



de la Grande Loge Suisse Alpin

La J. et P. □ de S-Jean PERSÉVÉRANCE

Or. de Genève, le 18 Octobre 1954

A Monsieur Mo. Khalil Djavahiri
Avenue Kakh No. 118, à Teheran.

Mon très cher Frère,

C'est avec le plus grand plaisir que j'ai pris connaissance de votre message si cordial, me parvenant de ce pays d'Iran, au si glorieux passé, par ses philosophes, ses poètes et ses penseurs. Votre communication est une parfaite manifestation de l'union spirituelle qui devrait unir tous les Maçons du monde.

La visite de notre Fr. Hadayati m'a appris que la Maçonnerie, dans votre pays, est en pleine évolution vers un avenir que je souhaite fécond en bonnes réalisations, pour le plus grand bien de vos concitoyens. L'essentiel, pour les nations qui cherchent encore leur voie, comme c'est encore le cas, je crois, pour l'Iran, est de pouvoir grouper une élite intellectuelle assez forte pour servir de guide spirituel, pour le reste de la nation. Je suis persuadé que l'idéal de liberté, de progrès social, de justice et de fraternité, qui est celui de notre Ordre Maçonnique, peut très favorablement influencer, par ceux qui en sont les représentants, l'évolution nécessaire de tous les pays.

Je serai très heureux de faire la connaissance des deux Frères dont vous me parlez. Je pourrai, si tel est leur désir, les introduire dans notre Loge, ce qui leur permettra de suivre régulièrement nos Travaux. Nous avons eu souvent l'occasion de nous trouver en rapport avec des Frères iraniens et nous avons le plaisir de compter au nombre des membres réguliers de notre Atelier, depuis 1890, alors qu'il s'agit encore un jeune homme, notre ami Forouhar Abolghassem, ministre de l'Iran, après de notre pays.

Il est très réjouissant de savoir que la Maçonnerie a repris, en Orient, la place à laquelle elle a droit. Si ses dirigeants sont basés sages et prudents, si le recrutement de ses membres se base sur le principe de la recherche de la qualité et non du nombre, son avenir ne peut être que glorieux.

نامه گرانند لژ الپینای سویس به استاد اعظم لژ همایون

بیار آورد. برای مللی مانند ملت شما ایران که در جستجوی راه ترقی هستند بهترین طریق این است که يك طبقه منورالفکر بتواند با وحدت فکری لازم مجتمع شود.

یقین دارم که آرزوی آزادی و پیشرفت اجتماعی و عدالت و برادری که سرمشق و دستورالعمل همه ماسونها است، بخوبی می‌تواند سرمشق ترقی و تکامل تمام کشورها بشود.

بسیار خوشوقت خواهم شد که با برادرانی که درباره آنها به من اطلاع داده‌اید در صورتی که میل داشته باشند ملاقات نمایم و آنها را به لژ خودمان معرفی کنم، تا شاید بدین وسیله موفق شوند در جریان کارهای ما قرار بگیرند.

اغلب اوقات ما برادران ایرانی را ملاقات می‌کنیم و بسیاری از آنها از سال ۱۸۹۰ اعضای دائم و مرتب کارگاه ما می‌باشند. بین آنها مرد جوانی وجود دارد که دوست ما است و نام او ابوالقاسم فروهر است که وزیر مختار ایران در کشور ما می‌باشد. بسیار جای خوشوقتی است که مطلع می‌شویم ماسونری در شرق جا و مقام شایسته خود را کسب نموده است. اگر رهبران لژها عاقل و محتاط باشند و اگر در انتخاب اعضاء اصلی تحقیق نمایند و صفات اشخاص نه تعداد آنها را در نظر بگیرند آینده لژها محققاً افتخارآمیز خواهد بود.

فرا ماسونری يك وسیله تفریح و تفنن اجتماعی نیست و باید يك طبقه منور-الفکر آنرا تشکیل دهند، تا اعضای آن بتوانند وظیفه سنگین خود را به انجام برسانند، نباید فراموش کرد که این تشکیلات ابتکاری فقط با توجه به صفات روحی و عواطف قلبی افراد هدایت می‌شود و نمی‌تواند دست‌آوریز عامه گردد.

برای اینکه نفوذ و قدرت لژ به نحو شایسته‌ای توسعه یابد، باید مخفی ولی در حال فعالیت بمانند و راهنمای آن باید به منزله منبع نورانی و درخشانی باشد که معبد را روشن می‌کند. لازم است همواره در اطراف لژها ابتکارات جدید و مداوم احساس گردد، تا از این راه تشکیلات ما بتواند در بهبود وضع خانواده

بزرگ بشریت وظیفه خویش را انجام دهد .

امضاء . استاد اعظم

باری ، لژ الپینا طی یکی از نامه‌های خود در جواب اظهار داشت که فقط در داخله کشور سوئیس می‌تواند فعالیت کند و از فعالیت در خارج از این کشور عاجز است . پس از خاتمه جنگ و آزادی فرانسه لژ گرانداوریان نیز به من اطلاع داد ترتیباتی بدهم تا هفت نفر به پاریس بروند و پس از تکمیل مقدمات ، فرمان تأسیس لژ صادر شود .

چون جواب مرکز لژ فراماسونری مصر « المحفل الاکبر المثلالی العالمی » از همه مساعدتر بود ، لذا مکاتبه را با لژ فراماسونری مذکور که شعبه‌ئی از گرانداوریان فرانسه بود ، دنبال کردم ، و در نتیجه قرارداد شخصی را به تهران بفرستند . در همین وقت یک کنفرانس بین‌المللی مرکب از لژهای گرانداوریان در قاهره تشکیل شد . من نیز به قاهره رفتم و در آنجا از نزدیک درباره ایران و عدم امکان فعالیت علنی شعبه و پوشیدن لباس و استعمال علامات ماسونری صحبت کردم و موضوع را به اطلاع رؤساء لژ قاهره رسانیدم ، و تأکید کردم که در ایران کلمه ماسونری در حکم کلمه جاسوس است و حتی مردم این سرزمین با سوء ظن شدید به این تشکیلات نگاه می‌کنند و حتی این فرقه طرف سوء ظن سازمانهای دولتی که در اکثر آنها فراماسنهای قدیمی کار می‌کنند می‌باشد . لژ قاهره موافقت کرد که نماینده‌ای برای مطالعه به تهران بفرستد که تا در صورت موافقت او ، لژ جدید در تهران تأسیس گردد .

در سال ۱۳۲۹ ش (۱۹۵۰ م) یکی از ماسنهای معروف مصری بنام « حنا ابوراشد » به تهران آمد . پس از مطالعه کامل در اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و ملاقات با عده‌ای از ماسنهای قدیمی تصمیم گرفت موافقت خود را با تأسیس لژ جدید اعلام کند ، ولی ناگهان اطلاع رسید که ماسنهای قدیمی ، مرحوم سپهد رزم‌آرا را وادار به مخالفت با تأسیس لژ کرده‌اند و حتی خبر زیر در مجله تهران‌منصور^۱ تحت

عنوان «نشان و حمایل فراموشخانه» منتشر شد :

«در این هفته مردی بنام (حنا ابوراشد) وارد تهران شده است که مدعی است برای يك مقام عالی ایران نشان فراموشخانه آورده است . هنوز مقامات مملکتی بطور رسمی از ورود این شخص اطلاعی ندارند ولی در محافل سیاسی گفته شده است نشانی که این مرد آورده است ، نشان و حمایل درجه سی و سوم یعنی عالیترین نشان افتخاری فراموشخانه است . از این نشان فقط به ژرژ ششم، ترومن و ونسان اوربول رئیس جمهور فرانسه داده شده است. در میان این سه نفر فقط ترومن عضو فراموشخانه است . هنوز نیز معلوم نیست در صورتی که حامل نشان مراجعه کند ، این نشان افتخاری مورد قبول واقع خواهد شد یا نه ؟»

این خبر که شخص رزم آرا آنرا دیکنه کرده و بدستور او در مجله تهرانمصور منتشر شده بود، زنگ خطر بود که برای فراماسنها بصدادرآمد. به همین جهت فراماسونهای ایران از آن روز دشمن سرسخت دهقان مؤسس تهرانمصور شدند و حال آنکه چون او ناسیونالیست افراطی بود ، با تأسیس فراماسونری در ایران مخالفت می کرد .

با وجودی که فکر تأسیس لژ فراماسونری با عدم موفقیت مواجه شده بود، معذلك همچنان در صدد تأسیس لژ در ایران بودم . زیرا مرکز لژی که من عضو آن بودم ، پس از استماع گزارش «حنا ابوراشد» و اطلاع از مشکلات ، تعصبات و حتی کارشکنیهای بعضی از ماسنهائی قدیمی ایران به من اطلاع داد که همچنان تصمیم دارد شعبه ای در ایران تأسیس کند ، به این منظور به زودی نماینده دیگری به ایران فرستاد .

این نماینده که بنام (خلیل ابوالخود) بود با در دست داشتن اعتبارنامه و دستور صریح استاد اعظم لژ «المحفل الاکبر المثالی العالمی»^۱ به تهران آمد و در نیمه دوم سال ۱۹۵۱ م - (۱۳۳۰ ش) در هتل کیلان شش نفر از افرادی را که من



خلیل ابوالخود استاد
اعظم لژایده آل جهانی
که برای تأسیس لژ
همایون بتهران آمد.

قبلاً از آمادگی آنها اطمینان یافته بودم ، به عضویت فراماسونری در آوردم.
این شش نفر به ترتیب عبارت بودند از : دکتر احمد هومن - دکتر محمود
هومن - سید ذبیح الله ملک پور - محمد علی امام شوشتری - ابراهیم پناه - میراسلاو -
بادین .

خلیل ابولخود ، در مدت بیست روزی که در تهران اقامت داشت ، شش نفر
فوق الذکر را با انجام تشریفات مختصری به عضویت «محل اکبرایده آلی جهانی»
در آورد و به آنها درجات مختلف تا مقام استادی داد . باید دانست که آئین نامه و

قانون اساسی ماسنی، به گراند لژها حق میدهد که در مواقع فوری و ضروری و در مدتی کوتاه درجات مختلف را به ماسنها بدهند.

باری ابوالخود پس از انجام تشریفات به مصر بازگشت و تقاضای کتبی تشکیل لژ را با خود به قاهره برد و پس از چندی اوراق رسمی را که هفت استاد فراماسنی می‌بایست ضمن تنظیم آنها تقاضای برقراری لژ بکنند، به تهران فرستاد، این اوراق را در حضور هرشش استاد ماسنی تکمیل کرده، و پس از امضاء کامل به قاهره برگردانیدم. یکماه بعد اجازه تأسیس لژ ... شرق ۴۵۱ برای ما فرستاده شد.

فرمان تشکیل لژ روز ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ که مطابق با سال فراماسنی ۵۹۵۱ و سال ۱۳۳۰ شمسی بود صادر گردید و به امضاء رسید. در این فرمان تأکید شده است که رئیس لژ محمد خلیل جواهری و اعضاء مؤسس آن: دکتر احمد هومن - میرسلاو - بادین - جعفر رائد - محمد علی امام - محمد قریشی و ارنست برون می‌باشند. چون نام لژ مورد اعتراض واقع گردید، با اجازه استاد اعظم قاهره نام آن را به «همایون» تغییر دادیم و شروع به کار کردیم اولین جلسه لژ در خانه مسکونی اینجانب واقع در خیابان کاخ شماره ۲۱۲ تشکیل گردید.

در این جلسه و جلسات دیگر همه آداب و رسوم و ریتول‌های اولیه انجام نشد زیرا با توجه بشرایط سخت آنروز، برگزاری همه تشریفات میسر نبود و لذا با اجازه استاد اعظم و آنچه را که مقدور بود و می‌توانستیم برای رسمیت تشریفات بکار بردیم. پس از تشکیل لژ و پایان مراسم اولیه، شروع به ترجمه قانون اساسی و آئین‌نامه‌های فراماسونی کردیم و این ترجمه‌ها را برای تصویب استاد اعظم به قاهره فرستادیم و آن‌گاه قسم‌نامه، وصیت‌نامه و تقاضانامه را به فارسی تنظیم و در چاپخانه نقش جهان چاپ نمودیم.

در آنروزها حزب منحلّه توده در تمام چاپخانه‌ها سازمان وسیعی داشت، لذا مامی‌بایست با احتیاط فراوان کار می‌کردیم. بدین جهت بود که باکمک مدیر چاپخانه

ترجمه فرمان تأسیس لژ همایون از جانب حنا ای راشد استاد اعظم

و رئیس بزرگ لژ شرق اکبر مثالی عالمی

بنام خدای آفریدگار - مهندس کون اعظم -

شرق بزرگ مثالی عالمی - از طرف رئیس اعظم

بتوده بنایان آزاده حقیقت پرور قدیم و پذیرفته در میان دولتهای عالم به بنایان آزاد ما ، با احترام تام ، و به آنان که به احترام و حرمت فائق آمده و رؤسای محترم و به برادران عزیز ... سلام تام و بزرگداشت و اکرام

اما بعد - ما اطلاع یافتیم که برادران گرامی ، استاد ما آقایان محمد خلیل جواهری و دکتر

احمد هومن و محمود هومن و میر سلو و بادین و جعفر رائد و محمد علی امام و محمد قریشی و ار نست برون خواسته اند که در باره ایجاد محفلی از محافل بنایان آزاده حقیقت پرور بنام محفل همایون تصریح شود که تابع محفل بزرگ مثالی عالمی امپراطوری ایران باشد در تحت نظام های شرق اکبر مثالی . و بسبب آنچه از قدرت فرمان جهانی ، ما راست ، که اصول بنایت آزاده اقتضای آنرا داد و خواست آنان را بپذیریم ، و ما خواهش آنهارا با لبیک اجابت کرده و بنا بتوصیه از محفل بزرگ آنها آنان را بپذیریم . و به علت اینکه ما به ایشان وثوق و اعتماد داریم موافقت کردیم به ایجاد محفلی اقدام شود به نام محفل همایون بشماره $\frac{1}{45}$ که در شرق - تهران - ایران دایر شود و بدین محفل در زمان اجتماع قانونی خود اجازه دادیم که طالبان را بپذیرد و آنهارا با سرار بنایان آزاده آگاه نماید و برادران ما را بدرجه دوم و سوم ارتقاء دهد و نیز غیر از اینها طالبانی را که بخواهند ملحق شوند ، پذیرا شود و اعمال دیگری که بحسب دستور ماسونی جهانی باشد و موافق با نظام و احکام داوری آن ، قبول نمایند .

جهت اجابت به تقاضای این گروه از برادران ، آقای محمد خلیل جواهری را رئیس محترم این محفل انتخاب کردیم و آقای دکتر احمد هومن را به عنوان استاد ارجمند اول و آقای محمد علی امام را به سمت استاد ارجمند دوم او برگزیدیم . و برعهده رئیس محترم است که محفل را بنام آفریدگار بزرگ جهان بگشاید ، و بداره اعمال آن قیام نماید و بگرداندن امور آن اهتمام کند تا آنجا که او برای خویش جا نشینی از برادران محترم سابق و یا از کسانی که عهده دار وظیفه بنائی در محفل حقیقت پرور منتظم باشد ، برگزینند ، و پس از انتخاب بر کرسی ریاست خود به نشینند بر حسب اصول بنایان آزاده کهن تا او را قدرتی کامل باشد که با آن ، قیام بوظیفه خویش را ندبیر نماید . و ما باو تأکید می کنیم ، بکسانی که از برادران با او همکاری می کنند اعتماد کنند و از آنها اعتماد بگیرد و آنهارا به هدایت و آگاهی راهبر باشد . و اینکه چمگلی به نصوص فرمان و نظام عمومی و قرارداتی را که شرق اکبر مثالی عالمی ، و محفل بزرگ مثالی وطنی هم قسم صادر کرده و می کنند ، عمل کنند ، و اینکه یک آئین نامه داخلی جهت اداره محفل بنویسند بطرزی که مخالف قوانین و دستورات ماسونی مثالی عالمی و نظام عمومی نباشد بعد از تنظیم این آئین نامه داخلی ، آنرا برای گواهی از طرف محفل بزرگ حقیقت پرور امپراطور ایرانی تابع برایشان برای ما بفرستند و اینکه مقید به لایحه و جمیع مواعید آن باشند و بوعده وفا کنند و به پیمان خویش عمل نمایند ، که از پیمان سؤال کنند .

و بموجب این فرمان به آنها اجازه میدهم که بدان عمل نمایند تا زمانیکه براین وصایا محافظ و مطیع باشند و در سجل عمومی مقید باشند .

این فرمان صادر شد از طرف بنایان آزاده و حقیقت پرور جهانی بدستور ما و مهر زده شد به مهر شرق اکبر مثالی عالمی در شهر قاهره و بیروت - روز شنبه ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ موافق ۲۴ نوامبر سال ۱۳۵۱ از تاریخ عمومی مهر حامل ختم اعظم - مهر و امضاء خزانه دار کل - مهر معماری بزرگ - کاتب - سرا عظم - رئیس دیوان اعظم - استاد اعظم

دو حرفچین را که عضو حزب منحلۀ توده نبودند ، به اختیار گرفتیم و کلیه اوراق لژ را به صورت حروف و صفحات در آوردیم و همین دو تن را به کار چاپ آنها واداشته از اواخر سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۲ م) فعالیت زیرزمینی ما بارعایت کلیه آداب و رسوم مخفی برای قبول عضو جدید و تشکیل جلسات شروع شد . البته در جلسات لباس رسمی نمی پوشیدیم . زیرا وسیله و محل تعویض لباس و سایر تشریفات در اختیارمان نبود . فقط سوگندنامه ای تنظیم کردیم که هر کس می خواند خود به خود عضو لژ همایون می شد . به نظر سوگندنامه را دکتر احمد هومن انشاء کرده و در آن چنین نوشته شده بود :

بنام با عظمت معمار بزرگ جهان

من . . . از سکنه . . . و تبعه . . . بخداوند بزرگ و به کتاب مقدس و عزیز و به شرافت خودم قسم می خورم که نسبت به لژ خودم همایون که تابع لژ بزرگ ایده آلی جهانی است وفادار باشم و عملی کردن آئین نامه اساسی و داخلی آنرا عهده دار گردم و به پادشاهم و دولت و میهنم شرافتمندانه و صمیمانه و صادقانه خدمت کنم و از شرافت خود و خانواده ام محافظت نمایم و نسبت به برادرانم در لژ و هر برادری که از عشیره آزاد است وفادار باشم و هیچگاه وجود خداوند یا یکی از ادیان آسمانی را انکار نکنم و مرتکب هیچگونه عمل زشتی نشوم که از مقام عشیره من بکاهد . و خانواده برادر فراماسون خود را خانواده خود و پدر و مادرش را پدر و مادر خویش و زنش را خواهر خود و نیز خواهرش را خواهر خود و دخترش را دختر خود و فرزندانش را فرزندان خود بدانم و تعهد می کنم که اسرار فراماسنی را فاش نکنم و راجع بر موز با کلمات یا اشارات آن چیزی ننویسم و نگویم و آنچه از دستم بر آید در راه خدمت به برادران فراماسنیم دریغ نکنم و نسبت به فقراء و نیازمندان مساعدت نمایم و نسبت به بیماران مهربانی کنم و همیشه در راه خدمت به بشریت بکوشم و از آلام و دردهای آن بکاهم و دایم در فکر ایجاد نقشه های انسانی و عمرانی بنفع برادران فراماسنیم علی الخصوص و به

نفع دیگران بطور عموم باشم و با دیگر برادرانم در راه مبارزه با ظلم و استبداد و دیکتاتوری مخرب و توانفرسا همدست باشم و در هیچ حالی بداندیش یا مستبد یا ستمکار نباشم و در کلیه کارهایم بشردوست باشم و به هم میهنانم کمک کنم تا پیشرفت کنند و سعادتمند شوند و از ظلم و جور نجات یابند و نسبت به حیثیت کشورم و میهنم صدمه‌ای نرسانم و با برادرانم اعضای لژ در هر کوششی که بنفع فراماسنی است، همکاری نمایم تا اینکه هر برادر فراماسن يك هم میهن بین المللی شود که هم دارای حرمت ملی و احترام شخصی است و هم دارای مقام عالی در جامعه جهانی باشد و اندیشه خود را بسوی ایده آلهائی که ضامن پیشرفت آزادی و مساوات و برادری هستند اوج دهم و به طبقه جوان تحصیل کرده میدان بدهم تا فراماسونری از او يك نسل جدید^۱ که دارای اندیشه‌هائی بلند است بوجود آورد و به آزادی افراد بر اساس قاعده «مقیاس مساوات در نمایندگی دوستانه بین هیئت‌های آنست» و به برادری بین افراد بشر بر اساس قاعده «برادری و همکاری در اتحاد بین دولتها و ملتها بدون در نظر گرفتن اختلاف نژاد است» کمک نمایم و با برادرانم بکوشم تا علماء و رهبران فکری و روزنامه‌نگاران و ادباء را بطرف خود جلب کنیم و برادرانی را که از فعالیت لژ باز نشسته‌اند بتکان آوریم تا به مقصود خودمان که عملی کردن هدفهای فراماسنی است برسیم و وقتی نتیجه مطلوب بدست خواهد آمد که در پستهای مهم مردانی دارای علم و اخلاق و اراده خلل‌ناپذیر و دل‌بیدار و شایستگی فوق‌العاده پشتیبان ما باشند تا در نتیجه هدفهای تحقق‌پذیرد، و به پیروزی حقیقی مورد نظر برسیم و در آن هنگام خواهیم دید که دیگر رهبران و متفکرین نه به اسم و بجاه و مقام محدود بلکه بعمل و خیر مطلق رهبر و متفکر خواهند بود و مشعل مثلث آزادی، برادری و مساوات را در دست خواهند داشت

۱- در لژ همایون و لژ مولوی نکته‌ئی که مورد توجه دقیق مؤسسين و کارگردانان بوده و هست عضویت عناصر جدید بخصوص جوانان است. این نکته موجب نا رضایتی دستجات دیگر فراماسونری بخصوص اعضاء قدیمی را فراهم آورده است.

وصیت

اینجانب رضا جعفری ساکنین تهران و تبعه ایران

بشرافت خودم و بکناب مقدس سوگند میخورم که نسبت بمحفل خودم
 محفل که تابع محفل اکبر ایده آلی جهانی است وفادار باشم و
 اجرای آئین نامه اساسی و آئین نامه داخلی آنرا بعهده بگیرم و برشرافت
 خود و شرافت خانواده ام محافظت نمایم و بیادشاهم و میهنم صمیمانه و
 شرافتمندانه و صادقانه خدمت کنم اگر چه در راه آن جان خود را از دست
 دهم و بنام نیک کشورم و میهنم بیچوجه آسیبی نرسانم و از برادر
 فراماسون و خانواده او نگهداری کنم و وجود خداوند یا دینهای آسمانی
 را انکار ننمایم و عمل زشتی مرتکب نشوم که برخلاف قانون باشد و اگر
 چیزی از آنچه گفتم عمل نکنم بحکم هیئت عالی فراماسونی سر فرود
 بیاورم اگر چه بریختن خون من و گرفتن جان من حکم کند


رضا جعفری
 ۱۳۰۵/۱۲/۲۵



۷۹

درخواست نامه داوطلب

جناب آقای رئیس و اعضاء محترمانه لوز

احساسات جوشان و اشتیاق روان مرا برانگیخته که خواهان
 دستیابی به لوز ارجمند  کردم تا بتوانم در ظل پرچم آن لوز
 ارجمند در راه رستگاری انبیا بشر از هر طبقه و نژادی که باشد بکوشم.
 از اینرو به تقدیم این درخواست میبادرت و امیدوارم که با پذیرش این
 نامه در جرگه بنامین آزاده و قدیمی سرافرازم درمابند.

با تقدیم احترامات فائقه

۳۱/۱/۳۳

نام	رضا
شهرت	صفتی
نام پدر	محمد علی
سن	۴۵
شغل	ارشد در آموزش
محل اقامت	تهران
نشانی منزل	خیابان ... - پلاک ... - ریه نامی
تلفن منزل	-
محل کار	در آموزش

درخواست عضویت در لژ همایون سنا تور رضا جعفری

و انشاء الله هیچ مانعی مرا از ادای وظیفهام باز نخواهد داشت زیرا عنایت الهی نگهبان و راهنمای من است و مرایاری می‌کند و خدا دست ما را می‌گیرد تا آنچه در آن سعادت اعضای ما و سعادت عشیره آزاد و سعادت افراد بشر است انجام دهیم.

اگر خلافتی از من نسبت به آنچه در این سوگند خود تعهد کرده‌ام سر بزنند خون من حلالست و مطابق تصمیمات هیئت عالی در مجلس عالی لژ بزرگ ایده‌آلی جهانی که افتخار و وابستگی به محافل آنرا دارم و مطابق آئین‌نامه‌های فراماسونی عمومی مستحق خواهم بود که سر مرا بزنند و زبانم را از بیخ بکنند و مرا رسوا و بی‌آبرو نمایند .
(محل امضاء)

علاوه بر این، کسیکه وارد این لژ میشد وصیت‌نامه‌ای نیز از او می‌گرفتند که ذیل آن را امضاء میکرد :

وصیت نامه

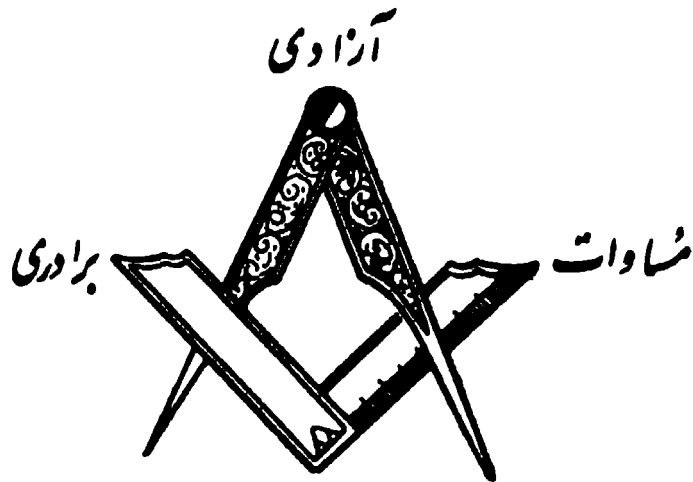
اینجانب..... از ساکنین..... تبعه.....

بشرافت خودم و به کتاب مقدس سوگند می‌خورم که نسبت به لژ خودم لژ-... که تابع لژ بزرگ ایده‌آلی جهانی است وفادار باشم و اجرای آئین‌نامه اساسی و آئین‌نامه داخلی آنرا بعهده بگیرم و بر شرافت خود و شرافت خانواده‌ام محافظت نمایم و به پادشاهم و میهنم صمیمانه و شرافتمندانه و صادقانه خدمت کنم اگر چه در راه آن جان خود را از دست دهم و بنام نیک کشورم و میهنم بهیچوجه آسیبی نرسانم و از برادر فراماسن و خانواده او نگهداری کنم و وجود خداوند یادینهای آسمانی را انکار ننمایم و عمل زشتی مرتکب نشوم که برخلاف قانون باشد و اگر به چیزی از آنچه گفتم عمل نکنم بحکم هیئت عالی فراماسنی سرفروود بیاورم اگر چه بریختن خون من و گرفتن جان من حکم میکند .

(محل امضاء)

اولین کاری که لژ همایون کرد ، ترجمه و چاپ قانون اساسی و آئین‌نامه داخلی لژ به این شرح بود :

قانون اساسی لژ همایون



قانون اساسی - درباره فراماسن ایده آلی و اصول آن

ماده اول- فراماسونی ایده آلی يك سازمان بشری جهانی است كه هدف آن خیر مطلق و جستجوی حقیقت و حكمت و معرفت و جمال میباشد. این سازمان با فضیلت سروكار دارد و به نشر علم و ادب و هنر می پردازد و در راه حق و عدالت می-كوشد و به ضعفاء و ستمدیدگان كمك می كند و همه این كارها را بر اساس « آزادی وجدان و همکاری بشری» انجام میدهد .

ماده دوم - این عشیره ایده آلی بر سه پایه قرارداد كه عبارت است از :

آزادی . . مساوات . . برادری . .

ماده سوم - فراماسنی ایده آلی خواهان احترام متقابل بین پیروان ادیان و مرامهای فلسفی و اجتماعی است و جداً سعی می كند كه آن نهاد رزیر پرچم ایمان بوجود خداوند آفریدگار و مهندس اعظم جهان متحد شوند و نیز به كتب مقدس آسمانی و

جاویدان روان اقرار می‌کند و حقوق انسان و آزادی او را در عقیده و عبادت محترم می‌شمارد .

ماده چهارم - طریقه فراماسونی ایده آلی - همه قانونها و آئینها و مقامات حاکمه موجوده را محترم می‌شمارد و از آلوده شدن به کشاکشهای سیاسی و حزبی اجتناب می‌ورزد و همیشه بنفع کشورهایی که در آن اقامت دارد می‌کوشد و بامساوات در حقوق اعضای خود را از عدالت بهره‌مند میسازد .

ماده پنجم - فراماسنهای قدیمی و فراماسنهای پذیرفته شده يك نوع عادات و رموز موروثی دارند که مقصود از آنها امروز فضاییلی است که باید هر برادر ایده آلی در شرق و غرب بدانها آراسته گردد .

ماده ششم - يك فراماسن ایده آلی از نظر اینکه يك هم میهن بین المللی است باید بازبان و قلم و سر مشق دیگران تمدن و آداب فراماسونی را توسعه و انتشار دهد و از کمک و راهنمایی و حمایت برادر خود ، گرچه به قیمت جان هم شده دریغ نکند و از او براساس یاری حق برضد باطل دفاع نماید .



آئین نامه داخلی

محفل شرق ایران - ۱

تحت سرپرستی

محفل اکبر ایده آلی جهانی

- ۱- داوطلب عضویت و تنصیب درخواست نامه‌ای تقدیم میکند که در آن نام و نام فامیلی و حرفه و محل اقامت و سال خود را می‌نویسد .
- ۲- تنصیب و عضویت یکماه بعد از تقدیم درخواست صورت می‌گیرد ولی ممکن است با موافقت استاد اعظم زودتر انجام یابد .
- ۳- کسیکه بعلت ارتکاب جنایتی بازداشت شده و یا مرتکب عطل زشتی شده باشد و کسیکه ادیان آسمانی را انکار کند یا به عظمت آفریننده بشر مهندس اعظم جهان اقرار ننماید به عضویت پذیرفته نمیشود .
- ۴- داوطلب باید دارای شرایط زیر باشد:
 - الف - دارای آزادی عمل باشد .
 - ب - کمتر از بیست و یکسال نداشته باشد .
 - ج - دارای رفتار پسندیده و اخلاق خوب باشد و نیز حرفه شریف و آزادی داشته باشد و بتواند وسائل زندگی خود را بطور کافی تهیه کند .
- ۵- داوطلب باید سوگند یاد کند که نسبت به محفل اکبر ایده آلی جهان فرمانبردار خواهد بود و آئین نامه‌های اساسی و داخلی را اجرا خواهد کرد و از

محفلی که در آن پذیرفته شده اطاعت خواهد نمود .

۶- شخص بعد از تنصیب نمی تواند به درجه بالاتری ارتقاء یابد مگر اینکه سه ماه از تاریخ تنصیب یا گرفتن درجه قبلی گذشته باشد ولی با اجازه مخصوص استاد اعظم ممکن است استثناء داده شود .

و نیز نمی تواند شخص به درجه بالاتری ترقی کند مگر اینکه راجع به درجه ای که حائز آنست قبلاً امتحان بدهد .

۷- داوطلب عضویت جز با اجازه مخصوص استاد اعظم از پرداخت حق تنصیب و حق درجه معاف نمی شود .

۸- اگر در حال پذیرفتن یا تنصیب معلوم شد که یکی از گزارشها خوب نیست یا در صندوق دو سنگ سیاه دیده شد، تنصیب موقوف میشود و محترم محفل يك کمیسیون مخفی تعیین می کنند که از علت گذاشتن دو سنگ سیاه تحقیق نماید و در باره اخلاق داوطلب منصفانه تحقیقات بعمل آورد در این صورت اگر کمیسیون رأی موافق داد در جلسه دیگری نسبت به پذیرفتن داوطلب اخذ رأی به عمل می آید و اگر دوباره دو سنگ سیاه دیده شد درخواست داوطلب مدت شش ماه را کدمی ماند و پس از پایان مدت در جلسه سومی درباره درخواست او رأی گرفته می شود و اگر باز هم دو سنگ سیاه پیدا شد درخواست داوطلب رد می شود .

۹- داوطلبی که درخواست او از طرف يك محفل یا بیشتر برای سه بار رد شود دیگر نباید درخواست او در هیچیک از محافل تابع محفل اکبر ایده آلی جهانی مطرح گردد .

۱۰- درخواست تنصیب داوطلب جدید پذیرفته نمیشود مگر بعد از اینکه جوابهای محافل مثبت و درست درباره او دریافت گردد .

۱۱- هر تنصیبی که برخلاف مقررات قانون فراماسونی بشود و برخلاف آنچه گفته شد صورت گیرد لغو است و هیچ ارزشی ندارد و محفلی هم که این خلاف را بکند، یا منهدم می گردد یا کارهای او متوقف می شود .

۱۲- درخواست کننده عضویت حق ندارد به محفلی که منتسب بیک محفل نابع نفوذ بیگانه است وابستگی پیدا کند .

۱۳- اعمال زیر جرائم درجه يك فراماسنی بشمار می‌رود :

۱- نقض تعهدات .

۲- فروش و توزیع اوراق فراماسنی یا چاپ آنها .

۳- فاش کردن اسرار .

۴- تعهد ضرر نسبت به شخص دیگر یا حیثیت یا دارائی او .

۵- تعدی اخلاقی نسبت به برادر فراماسنی و هر عملی که از مقام جامعه انسانی بکاهد یا به ضرر آن تمام شود .

مرتکب این نوع جرائم از حقوق و حمایت فراماسنی محروم می‌گردد و برای همیشه از آن طرد می‌شود .

۱۴- اعمال زیر از جرائم درجه ۲ بشمار می‌رود .

نافرمانی در صورت تکرار بعد از اجرای کیفر و آشکار گذاشتن علامتهای فراماسنی در معا بر عمومی مرتکب یکی از دو جرم مذکور کیفرش محرومیت از حقوق و وظائف فراماسنی برای مدت سه ماه خواهد بود .

۱۵- داوطلب باید تعهد شدید کند که نسبت به محفل اکبر ایده آلی جهانی صمیمی و فرمانبردار خواهد بود و نسبت بهر چه مربوط به مسائل فراماسنی بین - المللی است صادقانه تبعیت خواهد کرد و این تعهد از لحظه ای که وارد اسرار فراماسنی از هر درجه ای می‌شود الزام آور است .

اگر شخصی این تعهد را نقض کند محفل می‌تواند برای کیفر او از کلیه طرق قانونی و مطابق آئین نامه های اساسی و داخلی استفاده کند .

۱۶- هر برادر فراماسنی که به علت ارتکاب به عمل غیر شرافتمندانه ای حضوراً محکوم شود آنرا از فراماسونی طرد می‌گردد و نیز همین کیفر برای کسیکه از حقوق ملی یا مدنی یا خانوادگی محروم شده یا کسیکه مدعی افلاس دروغ بضرر دیگران

گردیده اجرا میشود .

۱۷- تنصیب داوطلب از طرف محفلی که مطابق قانون تشکیل یافته صورت می‌گیرد ولی با اجازه مخصوص استاد اعظم و سه برادر استاد می‌توان از اجرای این قاعده صرف نظر کرد .

تنصیب در داخل محفل بعد از آزمایشهای سخت و سئوالهایی که در اثنای تنصیب به عمل می‌آید صورت می‌گیرد .

وقتی که بعد از تنصیب راجع به داوطلب مشورت می‌شود لنگی که از پوست گوسفند سفید و به شکل مستطیل بعرض ۳۰ سانتیمتر و طول ۳۸ سانتی‌متر است به کمر او می‌بندند و لنگ مبتدی نامیده می‌شود کمر بندی هم از نوار سفید دارد لنگ کارگر مانند مبتدی است ولی در نزدیکی دو گوشه پائین آن دو تا گل از ابریشم سبز باز وجود دارد .

لنگ استاد هم مانند لنگ کارگر است و حاشیه‌ای از ابریشم به عرض ۴ سانتی‌متر و رنگ سبز باز دارد روی آن از طرف بالا یک قطعه پوست است که دارای حاشیه‌ای از ابریشم به عرض سه سانتی‌متر و گل سومی که در وسط مثلث می‌باشد و نیز دنباله‌هایی از گلابتون دارد که عرض هر یک ۴ سانتیمتر است و روی آن دو تا گل بوسیله نواری از همان رنگ آویزان می‌باشد. کمر بندی هم از ابریشم زرد دارد و پشت آن سیاه است .

حق درخواست ۲۵۰ ریال ، حق تنصیب ۱۰۰۰ ریال ، حق گواهی استادی ۱۵۰ ریال .

حق درجه کارگری دو پهلوی طلا و حق درجه استادی ۳ پهلوی طلا. محفل مطابق میل خود می‌تواند مبلغ را زیاده‌تر کند ولی بهیچ وجه کم کردن آن ممکن نیست .

مرحوم جواهری درباره اعضاء لژ همایون چنین گفت :

۲۸۱ عضو لژ مدت ۵ سالی که لژ همایون فعالیت می کرد ، دوست وسی و سه

همایون نفر از افراد برجسته کشور را در تهران و ۴۸ نفر را در لژهای

اهواز ، تبریز و خرمشهر ، اصفهان به عضویت لژ همایون در آوردم

که متأسفانه افساء نام چهار عضو لژ در تهران فعلاً میسر نیست . جواهری دنباله فعالیت

لژ را چنین بیان می کند :

طی جنجال سه ساله نفت ، ما در زیر زمین فعالیت می کردیم . در این مدت

دوبار مراکز فعالیت لژ ما مورد سوءظن و تعقیب مقامات دولتی قرار گرفت . ولی با

کمک دوستانی که در دستگاه دولت و بخصوص شهربانی داشتیم ، از تعرض مصون

ماند .

بسیاری از کارهای مهم را در جلسات خود حل و فصل می کردیم . لژ ما مرکز

فعالتهای اجتماعی ، سیاسی و تعاونی بود و بسیاری از کارهای خیریه و کمک به طبقات

مستمند بوسیله ما انجام میشد . وقتی احساس کردیم و بما هشدار دادند که مملکت

در خطر است ، از فعالیت علیه عناصر و دستجات مخالف کوتاهی ننمودیم .

در تمام مدت پنجسالی که لژ کار می کرد ، دکتر هومن دست راست و سید

محمدعلی امام شوشتری دست چپ من میشستند . مهندس اصغر مافی نیز دبیر لژ بود .

برای کارهای اداری لژ ، جوانی را که شغلش سراجی بود و « اصغر سلسبیلی »

نام داشت استخدام کردیم . این جوان که هم اکنون در لژ مولوی است ، جوانی امین

و درستکار بود که هیچگاه خاطره همکاری با او را فراموش نمیکنم .

اشکال بزرگ فعالیت لژ همایون در عضویت اعضاء لژهای چهارگانه ولایات

بود . تحقیق درباره سوابق کسانی که در ولایات می بایستی به عضویت قبول شوند ، بیشتر

وقت ما را می گرفت . به همین جهت نتوانستیم ، تشکیلات خود را در شهرهایی که

در آن شعبات نشر داشتیم گسترش بدهیم .»

اگر چه مرحوم جواهری تا زمانیکه زنده بود ، حاضر نمیشد اسامی همه

کسانی را که در لژ همایون با او همکاری داشتند و عضو سازمان فراماسونری مذکور بودند، فاش کند، ولی سه ماه پس از درگذشت ناگهانی او در بیروت،^۱ این اسامی با نامه‌ای که خود وی قبلاً بعنوان نویسنده نگاشته و گویا در دمشق یا آنکارا - نزد اولین دخترش بامانت نهاده بود، در اختیار نگارنده قرار گرفت.

با این نامه يك کتابچه بغلی چاپی همراه بود، که در دوران فعالیت لژ در تهران طبع شده و در آن اسامی به ترتیب حروف الفبا تدوین گردیده است. دفترچه شامل دو قسمت است که قسمت اول در ۲۸ صفحه و حاوی مشخصات اعضای لژ، نشانی خانه، محل کار و شماره تلفن آنان میباشد. در قسمت دوم نام ۷۱ نفر دیگر که ظاهراً پس از چاپ قسمت اول به عضویت لژ همایون درآمده‌اند، بدون رعایت ترتیب حروف اول اسامی، بترتیب تاریخ عضویت آنان در لژ آمده است. پس از رسیدن این دفترچه با توجه باوراق تقاضای عضویت ۲۵۰ داوطلب دیگر، با مشخصات کامل هر يك که قبلاً در اختیار نگارنده بود، ر همچنین دقتی که به خط سلسبیلی^۲ منشی لژ همایون است و از آن نیز استفاده گردیده، لیست کاملی از همه اعضای لژ در سراسر ایران بدست آمد، که در اینجا اسم و مشخصات آنها را (به جز پنج نفر که متأسفانه بعللی از ذکر نامشان خودداری میشود) عیناً نقل می‌کنیم:

۱- با اینکه اتهامات زیادی بمرحوم جواهری وارد آورده‌اند و برادران ماسونی‌اش او را شخصی سوء استفاده‌چی معرفی کرده و می‌کنند، معذای پس از درگذشت وی معلوم شد که فقط یک هزار و پانصد تومان پول نقد از او باقی مانده و خانه مسکونیش نیز استیجاری بوده است. بطوریکه موجر پانزده روز پس از درگذشت جواهری، همسر و فرزندان آن مرحوم را مجبور به تخلیه خانه اجاره‌ای نمود.

۲- علی اصغر سلسبیلی هم‌اکنون منشی و عضو طرف اعتماد لژ مولوی میباشد.

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
الف :					
آبتین	عیسی	محمد مهدی	۵۹	رئیس بانک پارس	۱۳۳۳ر۱۲ر۲۰
آبتین	منوچهر	عیسی	۳۴	نفت ملی	۱۳۳۳ر۳ر۸
آبتین	موسی	مهدی	۵۷	مدیر کل گمرک	۱۳۳۳ر۱۲ر۲۰
اخوی	سلیمان	-	۵۳	بازرگان	
ارسطوزاده	امیرقلی	اسمعیل	۵۰	نفت ملی	۱۳۳۳ر۱۲ر۹
آرین پور	قاسم	هدایت	۴۸	« «	۱۳۳۳ر۵ر۲۴
آذری	سر تیب محمد حسن	اسمعیل	۴۶	افسر ارتش	۱۳۳۳ر۲ر۱۲
اسکندانی	امیر قاسم	حسین	۵۴	وزیر پست و تلگراف	
اشراقی	حبیب اله	نقی	۴۸	بازرگان	
اشراقی	محمد تقی				
افتخار	محمد رضا	حاج محمد کاظم	۳۶	بازرگان	
افخمی	احمد	محمد حسن	۵۱	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۷ر۱۹
اقبال	احمد	ابوتراب		وزارتخانه	
امام شوشتری	سید محمد علی	محمد شریف	۴۶	رئیس گمرک	
امیر حکمت	دکتر علی	عبدالحسین		پزشک	۱۳۳۳ر۸ر۲۴
امیر نیرومند	دکتر عیسی		۶۷	نماینده مجلس	
امیری قراگوزلو	غلامحسین				
آموده	مهدی	فتحعلی	۵۶	پست تلگراف	۱۳۳۲ر۱۲ر۴
القانیان	حبیب اله	بابائی	۴۰	بازرگان	
القانیان	داود	بابائی	۴۳	بازرگان	۱۳۳۲ر۱۱ر۱۹
انصاری	دکتر ناصر	علی	۴۱	استاد دانشکده پزشکی	۱۳۳۳ر۶ر۲۳
ایزدی	علی	مهدی	۴۸	دربار	۱۳۳۲ر۱۰ر۱۵
ب :					
بادین	میروسلاو	اوگستین	۴۳	آبجوسازی	
بالاس	اوراهام				
بختیار	ابدال	غلامحسین	۴۰	زراعت	
براتلو	احمد	علی	۲۷	نخست وزیر	

تاریخ ورود	شغل	سن	نام پدر	نام	نام خانوادگی
-	-	-	-	محمد	بشیر سلطان
	سناتور	۵۹	علی اصغر	سر لشکر حسن	بقائی
۱۳۳۳ر۱۱ر۴	وکیل دادگستری	۴۹	موسی	عیسی	بهزادی
		۵۴	سلمان	سلیمان	بهبودی
	نماینده مجلس	۴۸	علی عظام الملك	غلام حسین	بوربور
					پ :
	وزارت خارجه	۴۷	محمد	دکتر علی	پرتو
	دارائی	۴۰	حسین	ابراهیم	پناه
	نماینده مجلس	۴۷	شیر محمد	فتح اله	پورسرتیب
					ت :
۱۳۳۲ر۱۰ر۱۱	مجلس سنا	۵۲	صادق	غلامعلی	تربیت
۱۳۳۳ر۱۲ر۹	نماینده مجلس	۶۳	علی	عبدالله	توماج
					ث :
۱۳۳۲ر۱۰ر۸	، ،	۴۲	محمود	موسی	ثقت الاسلامی
					ج :
۱۳۳۱	وزیر فرهنگ	۴۵	عین الله	رضا	جعفری
،	سازمان برنامه	۴۳	شمس الدین	دکتر فتح اله	جلالی
،	وکیل دادگستری	۴۷	محمد باقر مازندرانی	جعفر	جهان
					ح :
۱۳۳۳ر۸ر۱۴	مهندس میکانیک	۲۵	میشل	سمیر	حداد
۱۳۳۳ر۸ر۳	معاون فرهنگ	۵۰	محمد کریم	محسن	حداد
					خ :
۱۳۳۳ر۲ر۱۲	مالك	۴۱	میرزا کریمخان	نعمت الله	خان اکبر
۱۳۳۳ر۳ر۳	مالك	۴۲	امیر معصوم	امیر حسین	خزیمه علم
	قاضی دادگستری	۵۰	محمد نبی	تقی	خستو
	نماینده مجلس	۵۳	محمد هاشم ارباب	شهاب	خسروانی
	سازمان برنامه	۴۶	محمد علی	دکتر علی اصغر	خشایار
	مدیر کل دارائی	۳۹	محمد	موسی	خطاطان

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
خلعتیری	عباسعلی	نصرالله	۴۰	وزارتخارجه	
د :					
دانتنر	یهودالثون	لوتل	۳۷	رئیس آژانس یهود	
دادور	محمد	مهدی	۴۲	بازرس وزارت کشور	
داودیان	سید اسمعیل	سید مهدی	۴۰	وکیل دادگستری	
دولتشاهی	عباس	منوچهر	۵۸	وزارتخارجه	۱۳۳۲٫۹٫۲۷
دولوقاجار	جمشید	آصف السلطنه	۵۰	مهندس کشاورزی	
دهقان	محمود	محمد باقر	۵۰	-	۱۳۳۲٫۴٫۱۲
ذ :					
ذوالریاستین	دکتر مهدی	هادی	۴۷	پزشک	۱۳۳۱٫۲۴
ر :					
راجی	دکتر عبدالحسین	عبدالحمید	۵۰	جراح	۱۳۳۲٫۱۱٫۲۹
رافت	محسن	ابوالقاسم	۴۰	مدیر روزنامه رافت	
رامبد	هلاکو	محمد حسین سالار سعید	۳۳	ملاک	
رشیدی حائری	عبدالامیر	محمد	۴۴	وزارتخارجه	۱۳۳۲٫۱۱٫۲۹
ز :					
زریاب	عباس	علی	۳۳	کتابدار مجلس	۱۳۳۲٫۱۰٫۰۱
س :					
سرمد	صادق	سید محمدعلی	۴۵	وکیل دادگستری	
سرمد	سید مرتضی	سید محمدعلی	۴۲		۱۳۳۴٫۳٫۲۸
سردارگودرزی	عزت الله	امیر نصرت	۳۶	قاضی	۱۳۳۳٫۱٫۱۸
سعیدی	عبدالله	ابراهیم	۳۳	نماینده مجلس	۱۳۳۳٫۳٫۱۱
سلطانزاده پسیان	حسینعلی	غلامرضا	۴۷	معلم دانشگاه	
سلامت	مهندس محمود	عبدالحمید	۴۴	سازمان برنامه	۱۳۳۲٫۱۱٫۲۰
سلطان	محمد بشیر	محمد	-	بازرگان	۱۳۳۳٫۸٫۲۹
سنندجی	عبدالحمید	حاجی عزیز	۵۴	ملاک	۱۳۴۲٫۷٫۷
سهن	مرتضی	ربی	۵۵	بازرگان	
سیاسی منتظم	محمد ولی	طاهر	۵۳	وزارتخارجه	۱۳۳۳٫۱۲٫۲۲

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
سیف	امان‌اله	علی اکبر	۶۳	مالك	۱۳۳۳ر۲ر۴
سهیلی ش :	علی	غلامعلی	۵۷	سفیر ایران در لندن	۱۳۳۲ر۱۲ر۱۹
شایان	عباس	احمد	۵۹	معاون آمار کل	۱۳۳۴ر۲ر۲
شاهق	سید ابوالحسن	سید کاظم	۳۱	وزارت دارائی	
شاهیده	عباس	ابوالقاسم	۶۰		۱۳۳۳ر۲ر۷
شپیرا	موشی	میخائیل	۳۴	معاون مهاجرت اسرائیل	
شریتمنداری	عبدالرسول	مرتضی	۴۴	رئیس مبارزه با قاچاق	
شفا	دکتر جلال	ارسطو	۵۸	طبابت	
شفائی	اسمعیل	محمد کاظم	۵۴	افسر ارتش	۱۳۳۳ر۲ر۷
شفائی	دکتر احمد	علی	۴۶	استاد دانشکده پزشکی	۱۳۳۲ر۹ر۲۸
شقایق	مهندس حسین	علی	۵۵	مهندس	
شکوه	مسعود	مرتضی	۳۷	معاون گمرک	
شوکتی	مهدی	غلامرضا	۴۳	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۱ر۱۷
شهردار	دکتر یحیی	ابوالفتح	۴۴	پزشک	۱۳۳۳ر۱۰ر۶
شهشانی	باقر		۲۵		۱۳۳۲ر۱۱ر۲۵
ص :					
صارمی	غلامحسین	عزیزاله	۴۴	نماینده مجلس	۱۳۳۳ر۶ر۲۲
صباحی امین	تقی	مهدی	۵۰	مهندس	
صدیقی	محمد علی	محمد صادق	۴۱	پزشک	۱۳۳۴ر۱ر۱۴
سرافزاده	رضا	علی	۵۵	بازرگان	
صفائی	عبدالصاحب	محمد علی	۴۴	نماینده مجلس	۱۳۳۲ر۲ر۱۸
صلاحی	احمد	محمد	۶۰	وزارت خارجه	۱۳۳۳ر۱۱ر۱۸
ط :					
طالقانی	مهندس خلیل	علی اصغر	-	وزیر	۱۳۳۳ر۹ر۸
طوب	موسی	اسمعیل	۶۴	بازرگان	
ظ :					
ظفر	کیقباد	خروسردار ظفر	۴۵	مهندس	۱۳۳۲ر۱۱ر۲۰

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
ظلی	دریادار عبدالله	امیر اصلان	۵۴	افسر ارتش	۱۳۳۲/۱۲/۱۸
ع : عامری	احمد	لفته	۴۸	راه آهن	۱۳۳۳/۱/۷
عامری	مصطفی				
عجم	ناصر	احمد	۳۷	کشاورز	۱۳۳۳/۱/۷
عدل	احمد حسین	مسعود عدل الملك	۵۴	سازمان برنامه	
عدل	مجید	مسعود	۴۱	مدیر عامل دامپروری	
عرب شیبانی	اسداله	امیر سلیم	۴۸		۱۳۳۴/۴/۱۰
عرب شیبانی	عباسقلی	امیر سلیم	۵۰	نماینده مجلس	۱۳۳۲/۱۰/۸
علوی مقدم	مهدیقلی	علیقلی	۵۰	رئیس شهربانی	۱۳۳۳/۲/۲۷
عماد تربتی	عمادالدین	حاج شیخ عبدالرضا	۴۹	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۲/۱۴
ف :					
فرجام	مصطفی	ابوطالب	۵۸	بازرس راه آهن	۱۳۳۲/۱۱/۲۵
فرداد	علی	مرتضی	۳۵	گمرک امانات پستی	
فرود	دکتر اسداله	سید فضل اله	۴۴	بازرس اقتصاد ملی	۱۳۳۳/۱/۱۷
فرود	سید فتح اله	فضل اله	۵۰	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۳/۳
فروغی	محسن	محمد علی	۴۵	استاد دانشگاه	
فروغی	مسعود	محمد علی	۴۰	دبیر شورای عالی سازمان برنامه	
فروهر	غلامحسین	محمود	۵۱	کارمند دولت	۱۳۳۳/۱۲/۲۳
فرهودی	سید حسین	سید مرتضی	۵۱	عضو فرهنگ	
فریار	دکتر عبدالله	میرزا آقاخان	۴۲	عضو سازمان ملل در ایران	
فیلسوفی	دکتر اسماعیل	دکتر عبدالحسین	۴۱	استاد دانشگاه	۱۳۳۲/۱۱/۲۷
ق :					
قدس نخعی	حسین	علی اکبرزاده	۵۲	سفیر ایران در بغداد	۱۳۳۴/۷/۱۵
قریب	جمشید نصراله	عباسقلی	۴۱	وزارت خارجه	
قریشی	محمد	حسن	۴۴	ملاك	
قدعی نوائی	دکتر حسین	اسداله مستشار السلطنه	۴۹	وزارت خارجه	
قزل ایاغ	حسینقلی	قهرمان	۷۴	طبيب	

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
قوامی	رحمت‌اله	محمد حسن	۵۰	کنسرسیوم	
قهرمانی	محمد مهدی	کیومرث	۵۱	مدیر کل گمرک	
کاسمی	نصرت‌اله	اسداله و دبیر حرم	۴۰	طبيب	
کرامتی	محمد	عبدالحسین	۶۴	کشاورز	
کرامتی	دکتر نعمت‌اله	محمد	۳۱	پزشک	۱۳۳۲/۱۱/۱۸
کفائی	جعفر	احمد خراسانی	۴۴	وزارت خارجه	
کشفی	جمشید	میرزا آقا	۴۱	بازرگان	۱۳۳۳/۴/۲۲
کیا	دکتر امیر	طاهر	۴۲	جراح	
کیان	دکتر غلامرضا	محمد قاسم	۵۰	نماینده مجلس	
کوچکملی	علی	عبدالنبی	۳۵	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۱۷
کهنیم	مهدی	یعقوب	۴۴	بازرگان	
کئی :					
گبریل	ایوب	شکری	۴۵	مقاطعه کار	
گلشایان	عباسعلی	رضا قلی	۵۲	وزیر	
گنج‌اوش	فریدون	محمد تقی خان	۵۵	وزارت خارجه	
م :					
مانی	عباسقلی	ابوالقاسم	۳۹	مهندس	
مالک	لقمان‌الملک سمید	عیسی	۶۳	پزشک	۱۳۳۳/۸/۲۵
محمدی	مهندس عباس	حیدر علی	۴۰	راه آهن	۱۳۳۳/۳/۲
مدرس چهاردهی	مرتضی	محمد	۴۲	وزارت کشور	۱۳۳۳/۲/۱۴
مرادپور	حبیب‌اله	داود	۴۲	تجارت	
مرشد زاده	دکتر رحمت	تقی	۴۲	استاد دانشگاه	
مرعشی پور	علی اکبر	حسین	۴۲	وزارت دارائی	
مرندی	علی	جواد	۴۷	شرکت ملی	۱۳۳۳/۱۲/۱۸
مستوفی زاده	محمد جواد		۴۶	مقاطعه کار	
مشیری	رضا	عباسقلی	۴۰	وزارت خارجه	۱۳۴/۱/۳
مشکوتی	نصرت‌اله	نجم‌الدین	۴۲	فرهنگ	۱۳۳۳/۲/۲۱

تاریخ ورود	شغل	سن	نام پدر	نام	نام خانوادگی
	وکیل دادگستری	۴۶	حاجی مصدق الممالک	محسن	مصدقی
۱۳۳۳ر۳ر۱۸	اقتصاد ملی	۴۹	محسن	هدایت الله	مصدقی
	استاد هنر سرایمالی	۴۲	غلامحسین	دکتر عباس	معتضدی
۱۳۳۲ر۱۱ر۲۰	مالک	۴۲	اسحق	دکتر جمشید	مفخم
۱۳۳۳ر۳ر۶	وزارت خارجه	۴۷	اسمعیل شیخ الاسلام	محمود	ملایری
	بازرگان	۵۰	سید عزیز الله	سید ذبیح الله	ملک پور
	وزارت خارجه	۵۸	عبدالصمد	عبدالله	ممتاز
	وزارت خارجه		علی	حسنعلی	منصور
۱۳۳۳ر۴ر۸	کارمند دولت	۵۷	عبدالله	مهدی	منصور
	ملاك	۵۷	حاج سید آقا	اسداله	موسوی
	سردفتر اسناد رسمی	۴۸	سید عبدالغفور	سید علی اکبر	موسوی غروی
۱۳۳۳ر۱۲ر۱۶	فرهنگ	۴۵	صادق	احمد	مهران
۱۳۳۳ر۱۲ر۲۴	فرهنگ	۵۰	صادق	دکتر محمود	مهران
	وزارت دارایی	۵۰	سید عبدالباقی	سید محمد	میرهادی
	مهندس	۵۴	علی	مهندس غلامعلی	میکنده
	رئیس مدارس ارت ایران	۳۸	حجیم	اوراهام	مثیر بالاس
					ن :
۱۳۳۳ر۳ر۱۸	مهندس کشاورزی	۳۸	ناصرالدین	مهندس نصرالدین	ناصری
۱۳۳۴ر۱۲ر۲۴	بازرگان	۵۳	ناتان	شاوول	ناتان
	استاد دانشگاه	۴۶	مرتضی	دکتر ابوالقاسم	نجم آبادی
	پزشک	۴۹	مرتضی	دکتر محمود	نجم آبادی
۱۳۳۳ر۱۲ر۱۸	طبابت	۵۱	محمد	دکتر عباس	نخجوانی
۱۳۳۳ر۴ر۲۲		۵۲	سید احمد	سید علی	نصر
	بازرگان	۵۲	میرزا	داریوش	نسهچی
	مشاور فرهنگ	۴۲	عبدالله	سلیم	نیساری
۱۳۳۳ر۱۱ر۴	رئیس بانک کشاورزی	۴۴	ابوالحسن	عباسقلی	نیساری
					و :
	بازرگان	۴۲	علی	اسماعیل	واعظ پور

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
ه :					
هاشمی حائری	سید علی	سید حسن	۵۴	روزنامه نگار و نویسنده	۱۳۳۲/۱۰/۱
هدایتی	دکتر محمد علی	احمد	۴۲	استاد دانشگاه	۱۳۳۳/۳/۲
هنجندی	نصراله	محمد	۴۶	وزارت کشور	
ی :					
یدیدی	دکتر حبیب اله	فرج اله	۳۳	داروساز	
یفیموف	اژن	آنا تولی	۴۸	مهندس	
یکانگی	جمشید	بهرام	۴۶	بازرگان	
یوسفی	مهدی	حاج یوسف	۴۱		۱۳۳۴/۲/۱۳
لژ اصغریان :					
اشرف احمدی	علی	بزرگ	۴۳	قاضی دادگستری	۱۳۳۳/۱۱/۱۴
امیر نیرومند	دکتر ناصر	دکتر عیسی قلی	۳۵	جراح	۱۳۳۳/۱۱/۱۴
اسکندری	حسن	تیمور	۴۸	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۱۶
برومند	محمد باقر	محمد هاشم	۳۸	ملاك	۱۳۳۳/۱۰/۶
بنی سلیمان شیبانی	مصطفی	مهدی	۵۳	شرکت ملی نفت	۱۳۳۳/۹/۲۸
حکمت یار	فضل اله	عبدالوهاب	۳۲	رئیس آزمایشگاه شیمی	۱۳۳۳/۹/۸
صدری	دکتر احمد	مهدی مدیبر صدری	۴۳	شهرداری	۱۳۳۳/۱۰/۱۰
طویی	حاج حسین	حاج رضا	۳۲	بازرگان	۱۳۳۳/۱۰/۱۰
فیروزی	مهندس محمد علی	مهدی	۳۹	مهندس ساختمان	۱۳۳۲/۱۲/۴
مصطفوی	محمود	رضا	۳۷	بازرگان	۱۳۳۲/۱۰/۵
میرحسینی	دکتر احمد	هاشم	۴۱	طبابت	۱۳۳۲/۱۱/۶
نواب	دکتر عبدالباقی	رضا	۳۹	پزشک	۱۳۳۲/۱۰/۵
لژاهواز :					
آذری	نصراله	حاجی	۳۷	مالك	۱۳۳۳/۹/۱۱
امام	سید احمد	سید محمد باقر	۵۱	عضودارائی	۱۳۳۳/۱/۷
امام	دکتر سید ضیاء	سید حسن	۳۰	پزشک	۱۳۳۴/۱/۹
امام جمعه	جلال	محمد شریف	۳۵	شرکت ملی نفت	۱۳۳۴/۱/۹
اهدائی	محمد رضا	منصور	۳۵	کارمند دارائی	۱۳۳۳/۱/۷

تاریخ ورود	شغل	سن	نام پدر	نام	نام خانوادگی
۱۳۳۳۶۲۳	-	۳۲	محمد جعفر	محمد حسن	صدیقی
۱۳۳۳۱۷۷	تجارت	۵۱	قنبر علی	اسداله	صمیمی بهبهانی
۱۳۳۳۷۵	دندانپزشک	۳۳	نصراله	دکتر عبدالحسین	ضیائی
۱۳۳۳۱۷۷	ملاک	۵۰	-	ناصر	عجم
۱۳۳۳۱۷۷	ملاک	۴۵	لفته	احمد	عامری
۱۳۳۳۱۷۷	ملاک	۵۰	لفته	محمد	عامری
۱۳۳۴۱۷۹	بازرگان	۴۴	سید احمد	سید ابوالحسن	مرتضوی
۱۳۳۴۱۷۱۷	-	۳۲	حاج سید احمد	سید محمد علی	مرتضوی
۱۳۳۴۱۷۱۷	مالک	۴۰	حاج سید آقا	سید محمد علی	موسوی
۱۳۳۴۱۷۹	پزشک	۵۰		دکتر علی محمد	مهبین
۱۳۳۴۱۷۹	مالک	۵۵	عبدالحسین	سید کاظم	قطب
۱۳۳۴۱۷۹	نفت ملی			رحمت اله	قوامی
					لژ خرم شهر:
۱۳۳۳۱۲۲۴	بازرگان	۴۰	عبدالحسین	زید	آل کاظمی
۱۳۳۳۱۲۲۹	بانک ملی	۴۷	سید جعفر	سید محمد	بلادی
۱۳۳۳۱۲۲۹	پست و تلگراف	۴۴	خلف	محمد حسن	خلفی
۱۳۳۳۱۲۲۹	بازرگان	۴۷	حاج فیصل	حاج علی	فیصلی
۱۳۳۴۳۲۲	بازرگان	۴۵	حسین	علی	موقر
۱۳۳۴۱۲۲۹	،	۴۴	حاج یوسف بهبهانی	حاج علی	یوسنی
					لژ شیراز:
۱۳۳۴۳۱۰	بازرگان	۴۹	محمد شفیع	علی اکبر	خلیلی
۱۳۳۴۱۷۲۸	قاضی	۵۲	محمد جعفر	سید کاظم	دستغیب
۱۳۳۴۳۲۲	-	۳۶	احمد	دکتر تمدن	فرزانه
۱۳۳۴۱۷۲۸	طبابت	۴۹	علی	دکتر ذبیح	قربان
۱۳۳۴۳۱۰	ملاک	۴۷	حبیب اله	محمد قلی	قوامی
					لژ تبریز:
۱۳۳۲۱۰۱۵	مالک	۳۸	حسین	صالح	چاکوتاهی
۱۳۳۳۵۲۴	دادستان تبریز	۴۱	علیقلی	فضل علی	رفیعی

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
سولتی	مظفر	غفار	۴۰	مالك	۱۳۳۳/۱۰/۱۵
مجتهدی	دکتر علی اکبر	مصطفی	۵۱	دانشیار دانشکده	۱۳۳۳/۱۰/۱۹
محمودیه	احمد	محمود	۴۷	بازرگان	۱۳۳۳/۱۰/۲۶
موسوی	اسحق	مسیب	۵۰	،	۱۳۳۳/۵/۲۴
نبوی	مهدی	عبدالعلی	۵۱	دارائی	۱۳۳۳/۵/۲۴
یاسائی	حسن	اسماعیل	۴۵	وکیل دادگستری	۱۳۳۳/۵/۲۴

دیپلم فراماسونری

از روزیکه فراماسونری سیاسی بوجود آمد، (۱۷۱۷ م ۱۱۲۹ هـ)، سازمان‌های ماسونی در سراسر جهان به اعضاء خود اوراق و اسنادی میدهند که آنرا «دیپلم فراماسونری» نام نهاده‌اند. این اسناد هنگامی به عضو ماسون داده میشود که یکی از درجات (شاگرد - رفیق - استاد) را طی کرده باشد.

سازمان فراماسونری لژ همایون نیز به کلیه اعضاء خود دو نوع دیپلم میداد. در بالای این دیپلم‌ها مهر و امضاء «حنایی» (راشد) معمار بزرگ گرانند لژ «محفل اکبر مثالی عالمی» بچشم میخورد. مهر و امضاء دیگر متعلق به «خلیل ابوخدود» گرانند ماستر، مقیم بیروت است که مؤسسين لژ همایون در ایران میباشد، و در عین حال مشارالیه «تنصیب کننده» مؤسسين این لژ در تهران نیز بوده است.

اینک برای نخستین بار چند نمونه از دیپلم‌های اعطائی به لژ همایون که فتوکی آنها را یکی از دبیران لژ مذکور در اختیار ما گذارده، درین جا نقل میکنیم، امید است در آتی بتوانیم تعداد زیادتری منتشر کنیم:

المجلس العالمي للدرجات العالية



المجلس السامي المثالي العالمي للدرجة ٣٣ (الاخيرة)
 للطريقة الايكوسية القديمة والمقبولة لوزاي النيل والريفها والشرق الاوسط
Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33^e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
 POUR LA VALLÉE DU NIL, L'AFRIQUE ET LE MOYEN ORIENT

Nous Souverain Grand Commandeur Or.: Maître du Rite
 Essais certifiions que le T.: C.: F.: Farhudi
 a été admis au nombre des membres de l'Ordre et a été nommé Or.: de 18^e degré en qualité de Chevalier (Rose Croix) 18^e degré de la hiérarchie écosais, et que son nom a été enregistré au registre Matricule Général du L'Ordre sous le No. 25

Fait délivré et signé au siège de L'Ordre Or.: de Clere

Ce jour/hal le 10 Avril 1955

عن القطب الاعظم والاساذ الاعظم للطريقة
 الايكوسية تفران الاخ حسين فرهودي
 قد نيل عضو في مقام ما جيلان - رقم ٥٥ -
 بشرق سبيلو - ايران - رقم ٥٥ - فور ١٩٥٤ -
 بصفة فارس من الحكاه درجة ١٨ للطريقة
 الايكوسية واسمه نجل في السجل السام تحت
 مرة - ٢٥ -
 حرر في المجلس بشرق القاهره
 في تاريخ ١٠ أبريل ١٩٥٥



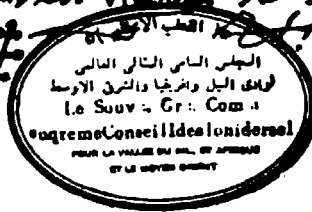
Le Souv.: Gr.: Com

القطب الاعظم

جانا ابي رشيد

Le Grand Chevalier
 Secrétaire Général

كاتب السر الاعظم



Gr.: Trésorier

امين الخزينة الاعظم

ديپلم فراماسوني درجة ٣٣ حسين فرهودي استاد دانشگاه

المجلس العالمي للإكسون الإغصير



المجلس العالمي المثالي للدرجة ٣٣ (الاحيرة)
للطريفة الاكوسية القديمة والمسولة لواءى النيل واورقيا والشرق الاوسط

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33^e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
POUR LA VALLÉE DU NIL, L'AFRIQUE ET LE MOYEN ORIENT

Nous Souverain Grand Commandeur Gr. Maître du Rit
Eminent, certifions par le 1. C. P. ٥٣٦٦
Schraf Schmedt a été admis au
nombre des membres de l'Ordre le 11/11/1904
Or. de **Leblon de France** en qualité de Chevalier (Rose
Cross) 18^e degré de la hiérarchie française et par son nom a
été enregistré au registre Matricule Général de l'Ordre sous le
No 23

Fait officiel et signé au siège de l'Ordre Or.
de Ciom

Le jour du 11/11/1904

نحن القطب الاكظم والاسناد الاكظم للطريفة
الاكوسية نقران الاخ علي اشرف احمدى
قد قبل صنوفى بشام ما حيلان رقم ٥٥
شرق **١٨٠٤** ابرام رقمه ١٥١٥ فورى ١٩٠٤
جيفة فارس بن المكاء درجه ٢٥٨٨ بطريفة
الاكوسية واسمه سجل فى الحبل السام حد
سنة ٢٣
مردى الوطن شرق القاهره
فى تاريخ ١١/١١/١٩٠٤



Le Secrétaire Gr. Com

القطب الاكظم

Le Grand Chancelier
Secrétaire Général
عبد السلام



الفرقة الاكسوية
Gr. Com

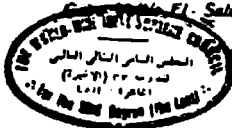
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ



المجلس السامي المثالي العالمي للدرجة ٢٢ ((الآخيرة))
 للطريقة الايكوسية القديمة و المقبولة لوادي النيل و افريقيا و الشرق الاوسط

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33^e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
 POUR LA VALLEE DU NIL, L'AFRIQUE ET LE MOYEN ORIENT

NOUS Souverain Grand Commandeur GR...
 Maître du Rite Écosais, certifions que le T. C. F.
Abdoulhamid KASSIICHINA est admis
 au nombre des membres de l'atopage de *Abou Loue*.
 Or: du *Couise*..... En qualité de Chevalier
 Kadosh 30^e Degré de la hiérarchie écosais, et que son
 nom a été enregistré au Régistre Matricule général de
 L'ordre Sous le No. *433*.....
 Fait délivré et signé au Siège de L'Ordre or: de
El-Salam.



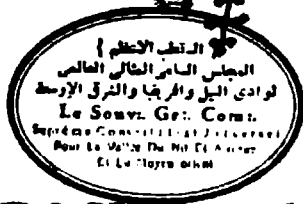
Dated hal Le *٥/5*..... 1954

نحن القطب الاعظم و الاستاذ الاعظم
 للطريقة الايكوسية نقران الاخ محمد قريشي
 قد قبل عضوفي مجلس الامم... رقم ١
 شرق المنظر.....
 بصفة فارس من العارفين درجة ٣٠ للطريقة
 الايكوسية واسمه تسجل في السجل العام تحت
 نمرة... ٤٣٣.....
 حررفي المركز الرئيسي شرق القاهرة بوادي
 السلام في تاريخ ٥/٥/١٩٥٤

Le Souv. Gr COM:
 القطب الاعظم

Le Gr: Chancelier
 Secrétaire Général
 كاتب السر الاعظم

Le Gr: Trésorier
 امين الخزانة الاعظم

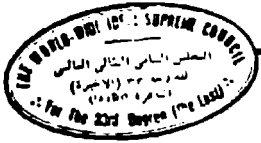


ديلم فراماسوني درجة ٣٣ محمد قريشي

1948 ١٦٤٨
 UNIVERSITERRARUM ORBIS ARCHITECTONIS AD GLORIAM INGENTIS
 المجمع العالمي الكوناني العظيم

المجمع العالمي الكوناني العظيم
 THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS
 للبناءيين الأحرار الكونانيين المقبولين



*To All
 Whom it may concern*

*These are to certify that our Brother
 Hassan Ali Mansour
 was both agreed and sworn in the
 Arabic Lodge was regularly received
 into the same on the 6th of
 April 1954. He was
 admitted to the 1st Degree on the
 26th day of July 1955 in the
 The World-wide Ideal
 Grand Lodge & that
 he is duly registered in the Books
 of this Grand Lodge accordingly
 In testimony whereof I have hereunto
 subscribed my Name and
 affixed the Seal of the Grand Lodge
 At Cairo the day of 30 Oct
 A.L. 5555 A.U. 1355*

*This CERTIFICATE shall not entitle
 the recipient to admission into any Lodge
 without due Examination*

لبن بعيننا هم الأحرار
 نشهد أنا الأخ حسني منصور الموقع علي
 بين هذه الشهادة قبل وكري عشيرة الثقلين
 الأحرار في يوم ٦ ابريل سنة ١٩٥٤ بمجمع
 هاوون رقم ١ بمشرق ايران ودر في
 لدرجة الاستاذ في ٢٦ تموز ١٩٥٥
 ١٩٥٥ وبتجلا اسمه بصحبات المجمع
 الأكبر
 حزر بمشرق القاهرة في ٣٠ اكتوبر
 من عام ١٩٥٥ (١٩٥٥) المنبر الموافق لعام
 للتبلاد

لايصح لاحام هذه الشهادة بزيارة
 اي مجمع الا بعد اختاره

٣٠٠ SEC: كاتر العام الاعظم

عبدالمعطي منصور

ديپلم فراماسونری حسعلی منصور نخست وزیر اسبق

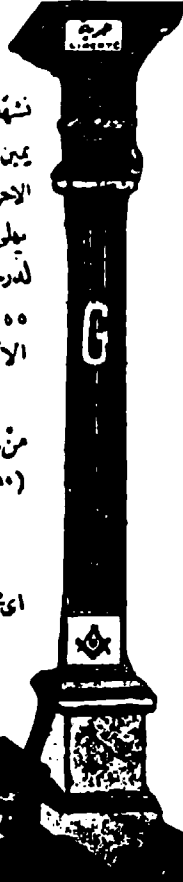
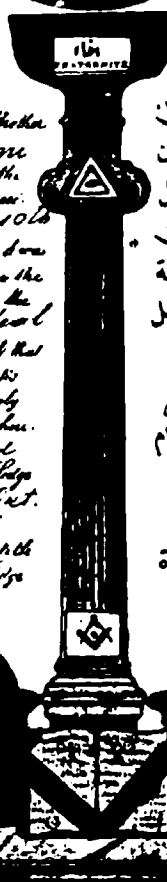
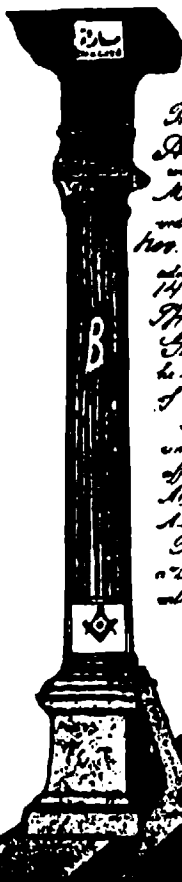
1948 1948
 UNIVERSI TERRARUM ORBIS ARCHITECTONIS AD GLORIAM INGENTIS
 للمجد والعتبة الكون الاغظيب

المحفل الاكبر المشيقي العالمي

THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

للبنائين الاخر انما المشيقي والمقبولين

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS



*To All
 Whom it may concern*
 These are to certify that one brother
Ahmad Afsham
 who hath signed his name in the
 Register hereof was regularly recei-
 ved into this Fraternity on the 10th
 day of 1954. He was
 admitted to the Grand Lodge on the
 14th day of October 1955 in the
 The World-Wide Ideal Grand Lodge
 and that he is duly registered in the Books
 of this Grand Lodge accordingly.
 In testimony whereof I have here-
 unto subscribed my Name and
 affixed the Seal of the Grand Lodge
 At Cairo the day of 30 Oct.
 A.H. 1355 H. A.D. 1955

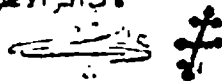
*This CERTIFICATE shall not enter the
 or written to admission into any Lodge
 without due Examination*

لمن يعنيه من الاخوة
 نشهد ان الاخ احمد افخمى الموقع على
 يمين هذه الشهادة قبل مركزه بشيرة السنتين
 الاخر في يوم 10 ابريل سنة 1954 بمحفل
 بعلوى رقم 1 بمشرق ايران ورفق
 لدرجة الامتياز في 14 اكتوبر سنة
 1955 وبمجل اسم بصلة المحفل
 الاكبر المشيقي العالمي
 حزم بمشرق القاهرة في 30 اكتوبر
 من عام 1955 (النمبر الموافق لعام
 1955) للشهاد
 لا يصحح لاحد من هذه الشهادة بزيارة
 اي محفل الا بعد اخذ

SIGNATURE



كتاب السر الاكبر G. SEC.



ديپلم فراماسوني احمد افخمى

1948 UNIVERSI TERRARUM ORBIS ARCHITECTONIS AD GLORIAM INCENTIS 1948

المجلس العالمي للأقرب الميثاق العالمي

المجلس العالمي للأقرب الميثاق العالمي

THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

للأقرب الميثاق العالمي والأقرب الميثاق العالمي

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS



To All Whom it may concern

These are to certify that our Brother Primeau Egh wal who both signed and swore in the Ancient Lodge was regularly received into this Meeting on the 16th Sept day of 1954. He was admitted to the Grand Lodge on the 27th day of Sept 1955 in the The World Wide Ideal Grand Lodge & that he is duly registered and the Grand of this Grand Lodge accordingly.

In testimony whereof I have hereunto subscribed my name and affixed the Seal of the Grand Lodge. It bears the day of 30 Oct 1955 A.D. 1955

This CERTIFICATE shall not be valid without the Commission

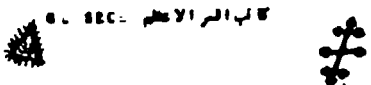
شهادة الأخ احمد اقبال الموقع على
 يوم هذه الشهادة قبل وكرد عشرة الثمانين
 الاحزاب يوم ١٦ سبتمبر سنة ١٩٥٤ بمجلس
 بطولي رقم ١ بمشرق ابرار ودفن
 لدرجة الاشراف في ٢٧ سبتمبر سنة
 ١٩٥٥. ومجلس اسمه بجملات المجلس
 الاكبر التالي للعالمى
 حزم بمشرق القاهرة في ٣٠ اكتوبر
 من عام ١٩٥٥. المنبر الموافق لتسام
 ١٩٥٥) للبلاد

لا يصح لحامل هذه الشهادة سر بارة
 اى مجلس الاقرب الميثاق

سادة
 امين
 مستر

B
 G

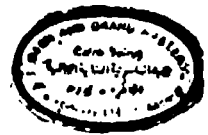
SIGNATURE



ديپلم فراماسونى احمد اقبال ديپلمات وزارت امور خارجه

1948 1948
 UNIVERSITATIS TERRARUM ORBIS ARCHITECTONIS AD GLORIAM INCIPIENS
 المجمع العالمي المثالي
 THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS

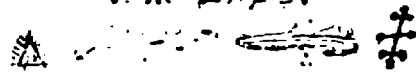


To All
Whom it may concern
There are to certify that we the
Shahid Rowshan Sale
are both regular and sworn in the
Shahid Rowshan Sale regularly and
and our Constitution on the 27th
Celebrating 11953 A.L. I am
admitted to the Grand Lodge on the
24th day of January 1954 in the
Way to the World Ideal
Grand Lodge & that
he is duly registered on the Book
of the Grand Lodge accordingly
I hereby certify that he
is a regular and sworn in
officer of the Grand Lodge
at the 24th day of January
A.L. 1354 11 1953
The Committee shall not be
responsible for any change
without due consideration

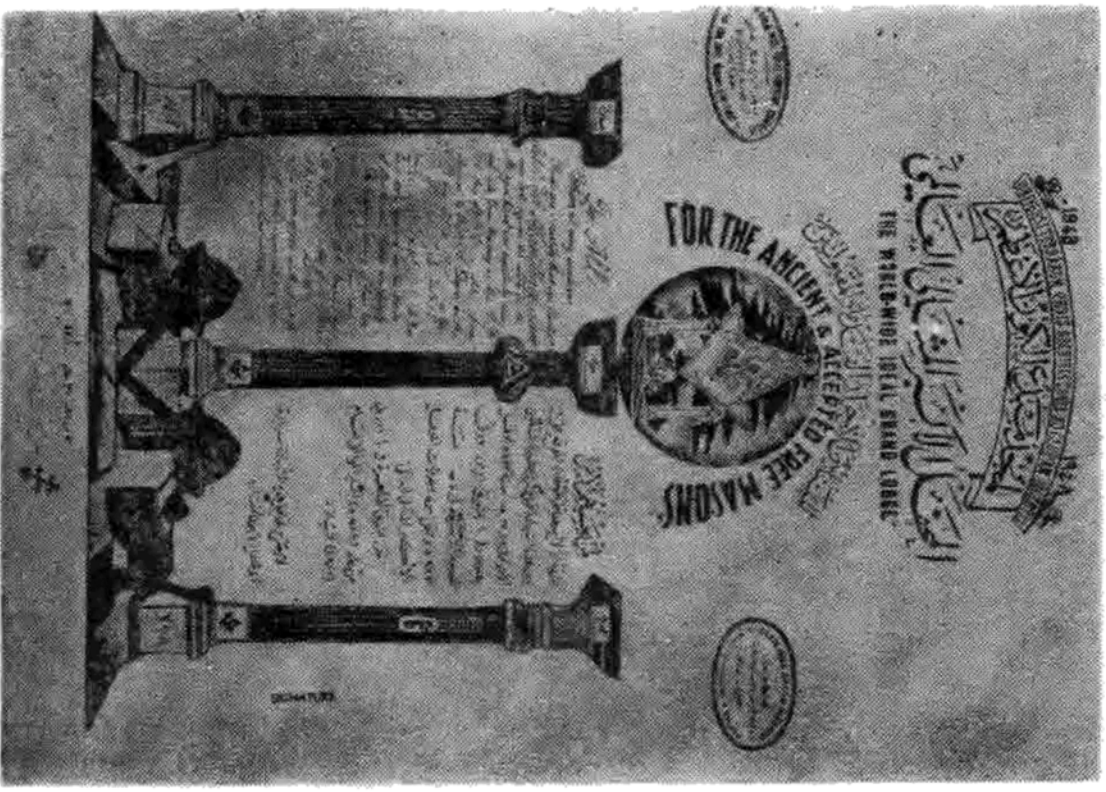
بسم الله الرحمن الرحيم
 تشهدنا الأخ احمد حسين عدل الموقع على
 بين هذه الشهادة في اوكريه بشيرة البستان
 الاحمد في يوم 27 ر 1 سنة 1354 هـ حصل
 في 1 بشرق ايران ورفق
 لدرسة الاشارة في 4 ر 1 سنة
 1354 هـ ونظرا اسمه بصحة المجمع
 الاكبر المثالي العالمي
 مزعوم شرقا لفاهمة في 20 ر 1
 من عام 1354 هـ المنبر الموافق لعام
 1354 هـ للشيلاد
 لا يتجرح لتمام هذه الشهادة بزيارة
 ان يحصل الا بعد اختياره

SIGNATURE

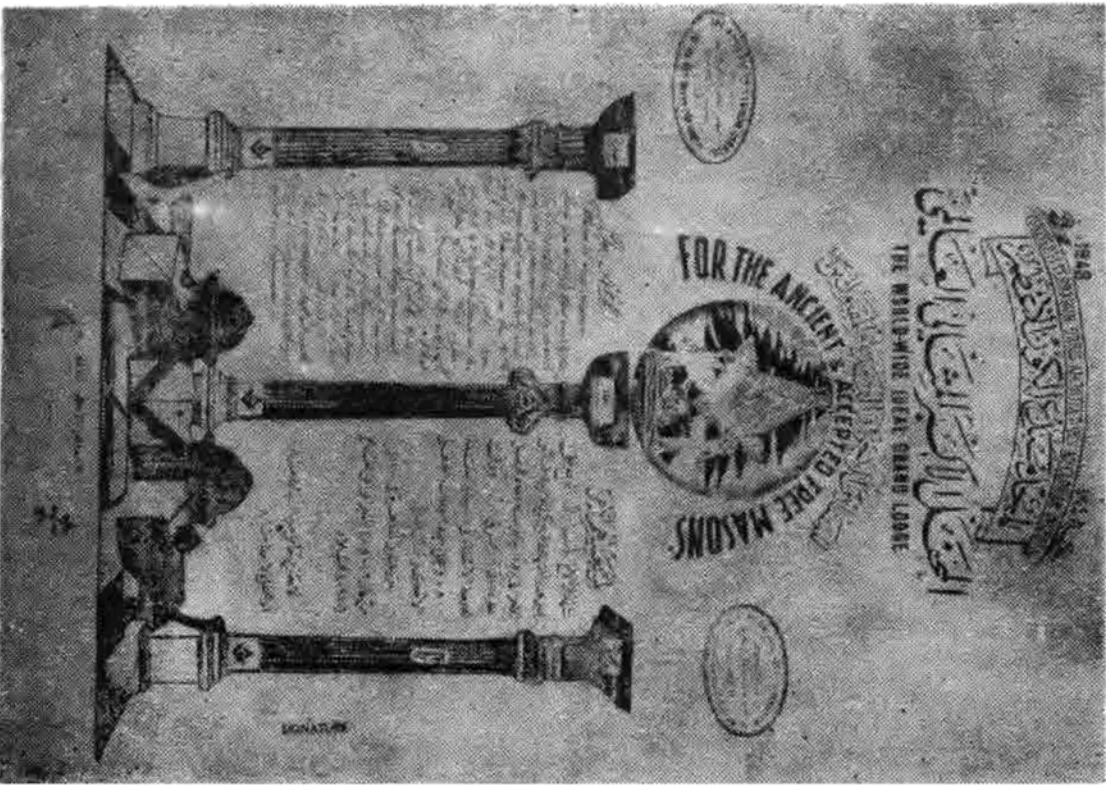
كتاب العلم الاكبر



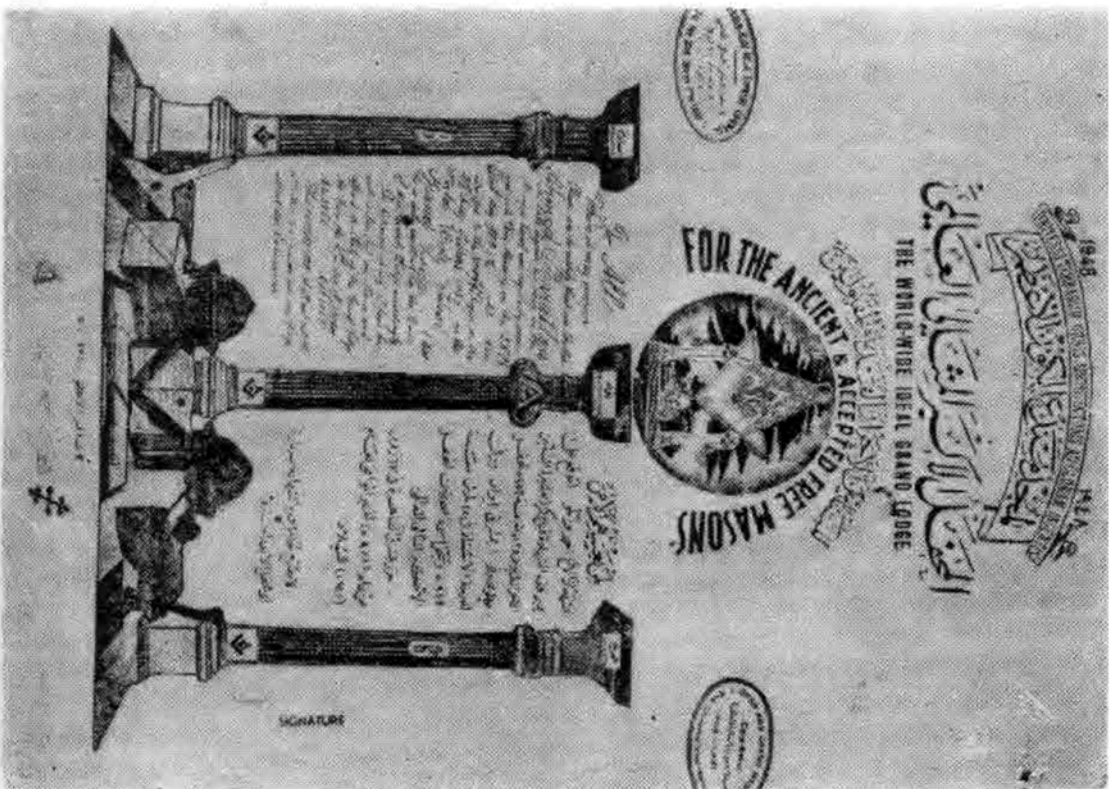
ديپلم فراماسوني احمد حسين عدل وزير اسبق كشاورزي



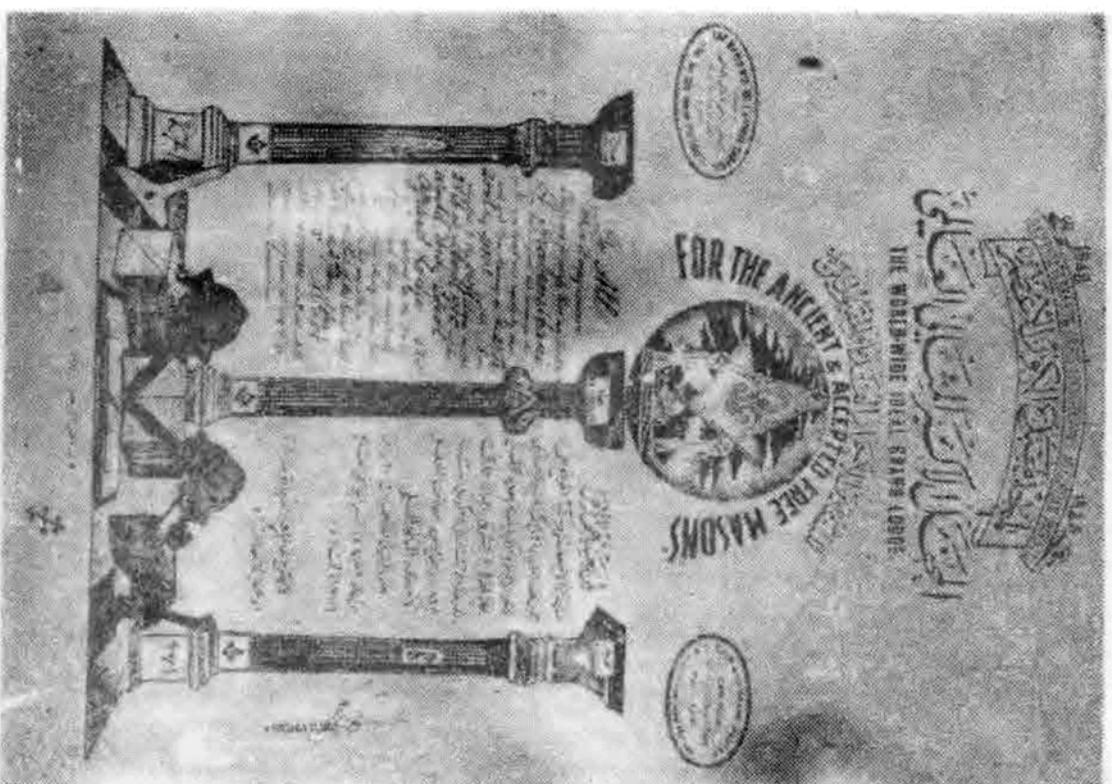
د. بیلم فراماسونی دکتر غلامرضا کیان استاد : انا لله



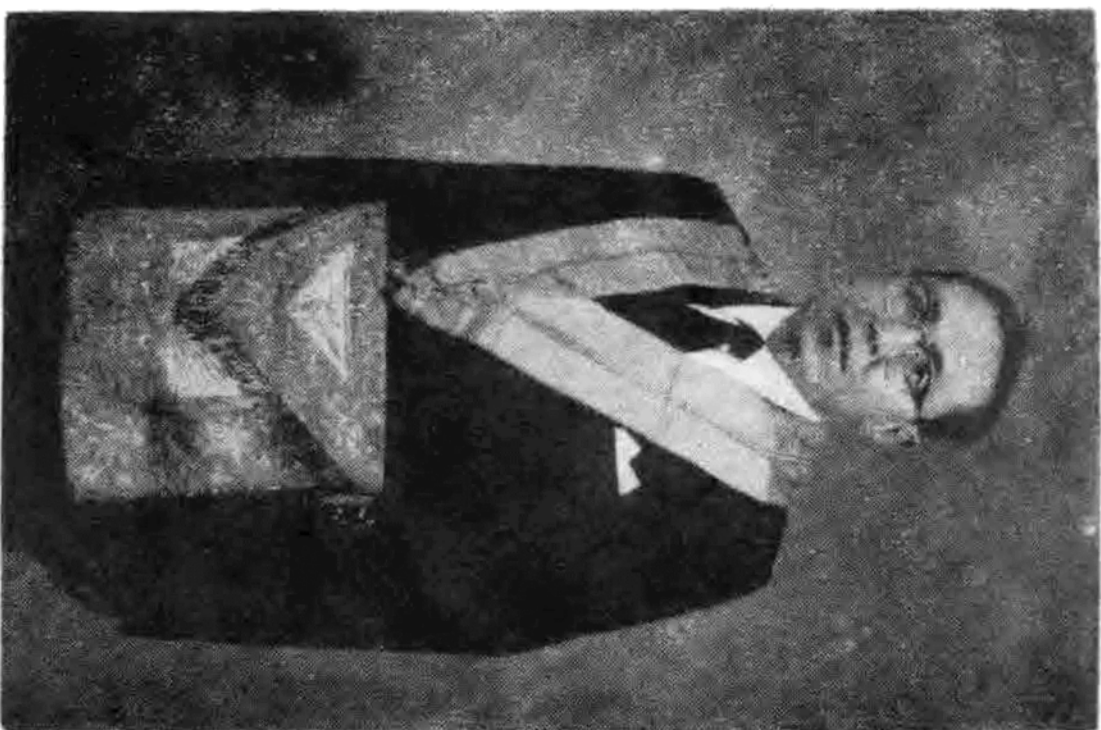
د. بیلم فراماسونی عباسقلی عربشیمانی



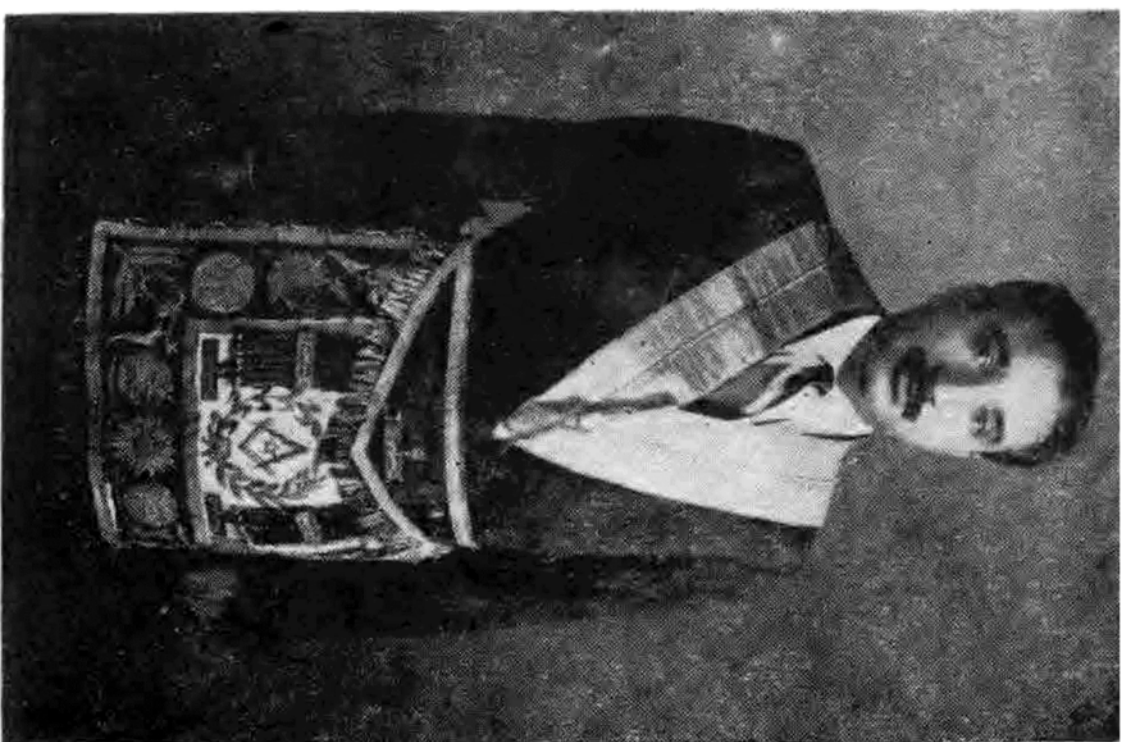
دييلم احمد بوراٹکو ریشی اسبق امر نخت وزیرى



دييلم ،اسوقى عباسقلى نىسارى



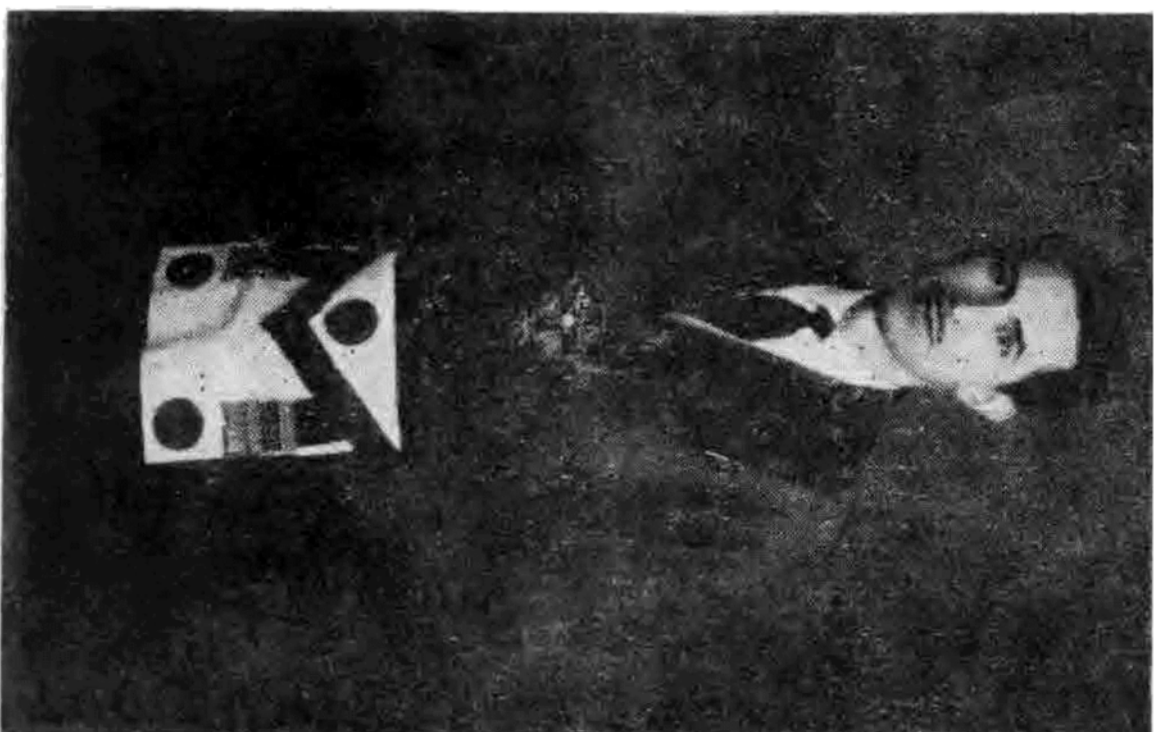
محمد مستوفی زاده مقاطعه کار و عامل شرکت سابق نفت در خوزستان



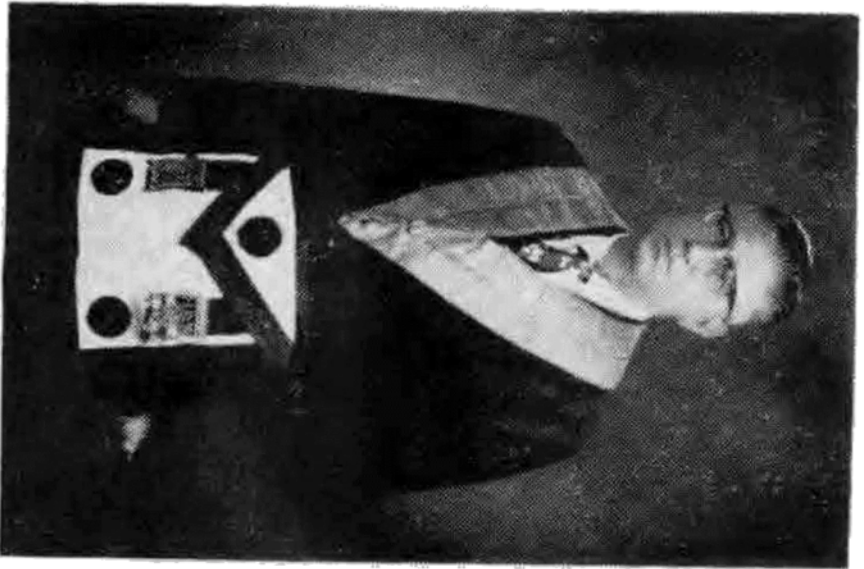
استاد اعظم محمد قریشی خراسانی



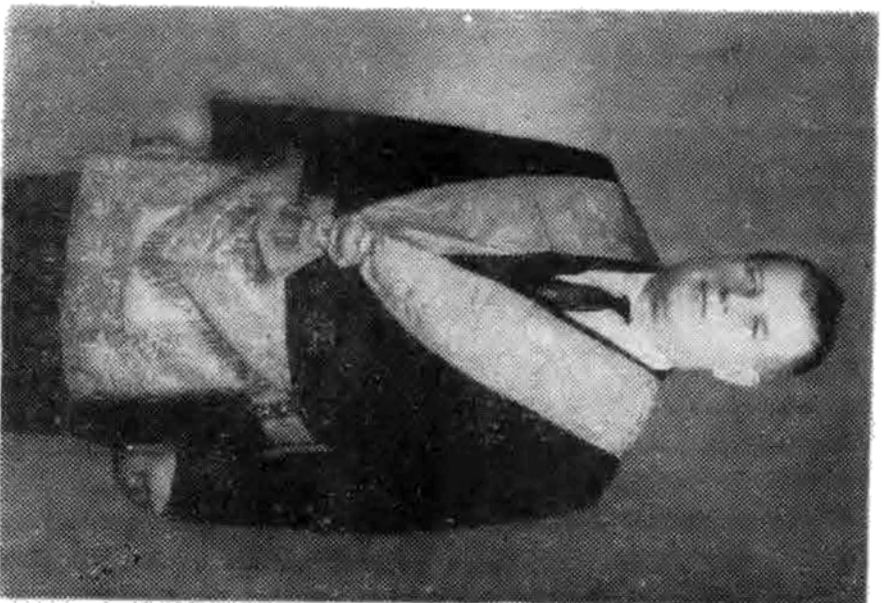
دکتر ذبیح قربان رئیس دانشکده پزشکی شیراز



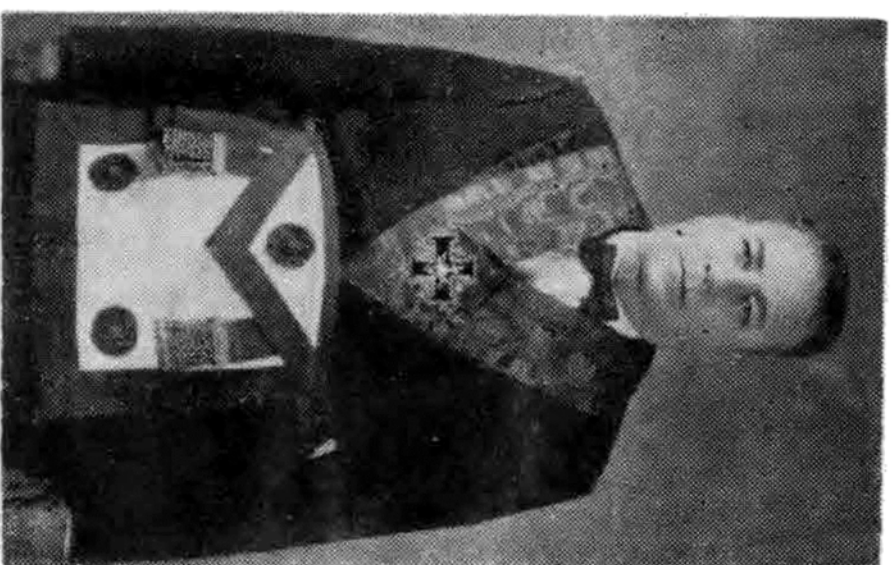
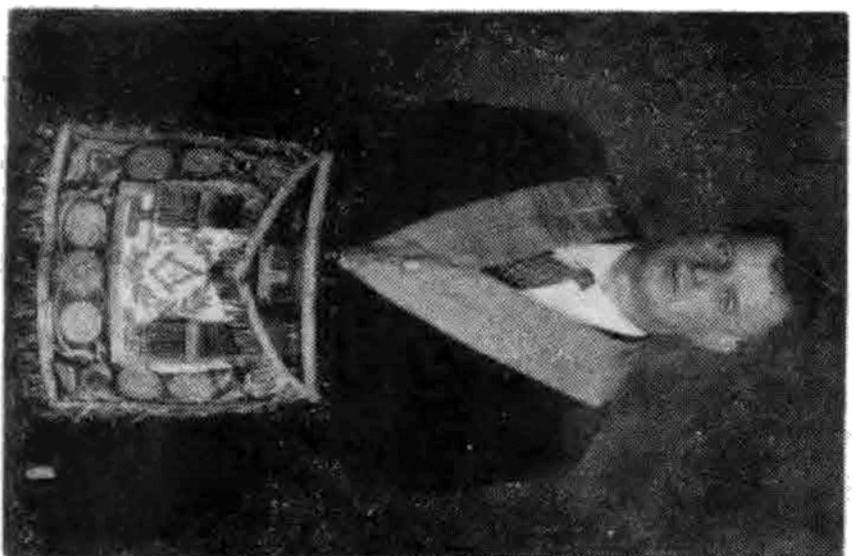
جهانگیر راسخی با پیش‌بند حاکم‌روی



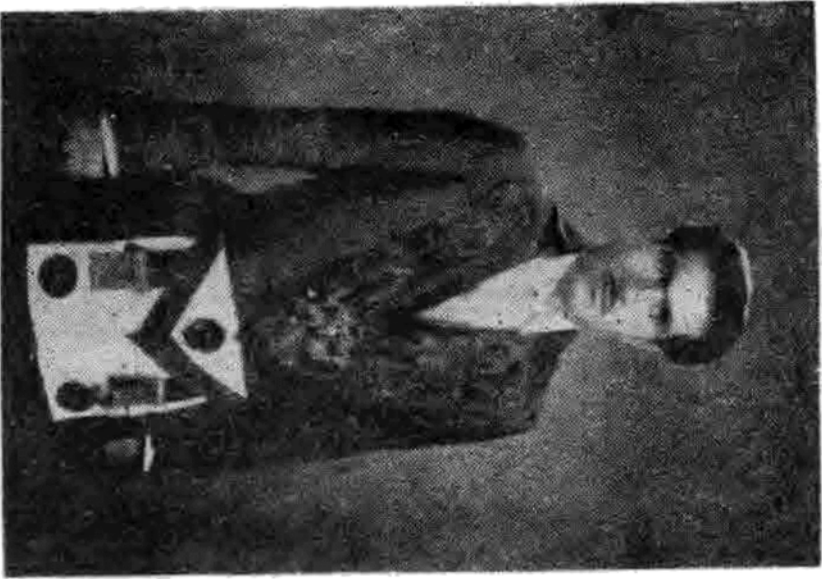
بالاس اوراهام تيمه چك اسلو اكي
كه به تبعيت ايران در آمد.



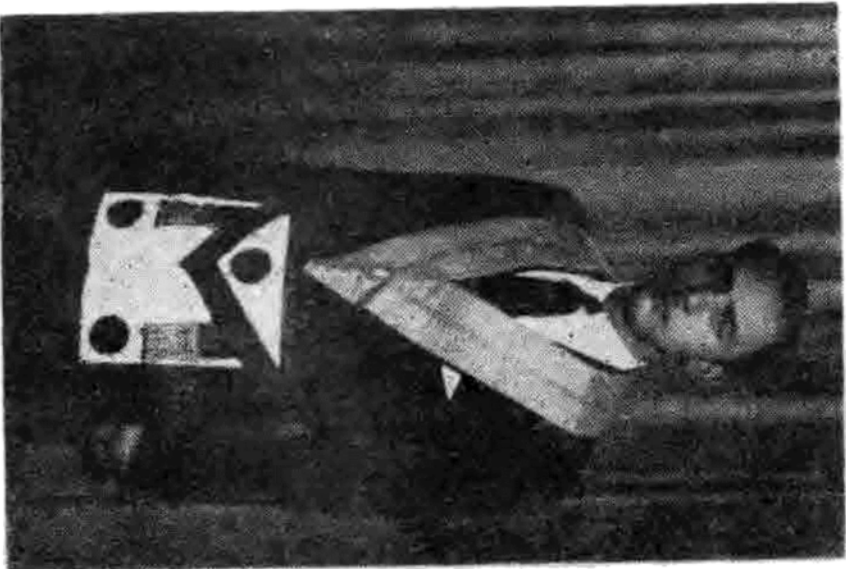
مير اسلاو بادين مدير كارخانه
آبجو سازي مجيديه



دو نفر از اتباع خارجی که بعد از جنگی تا بعیت ایران را قبول کردند و عضو لژ همایون شدند



حسین صدیقی مقاطعه کار ملایم خوزستان
با پیش بند (رفیق)



حاج حسین طوبی تاجر روده اصفهان
با پیش بند (شاهگرد)

میهمانی‌های سفید فراماسونها

فراماسونها در بیشتر کشورهای جهان، باشگاهها و رستورانهای ویژه‌ای دارند، که اوقات بیکاری خود را در این اماکن می‌گذرانند. ضیافت عمومی لژها و هم‌چنین میهمانی‌های خصوصی افراد، اغلب در همین باشگاهها و رستورانها برگزار میشود.

«میهمانی سفید» نام ضیافت‌هایی است که از طرف لژها بر پا می‌گردد و ماسونها با دعوتنامه رسمی لژ در این ضیافتها شرکت می‌کنند. نقش مهمی که «میهمانی» در گسترش و توسعه کار فراماسونها دارد، جلب افراد تازه و یافتن اعضای جدید برای لژهاست ... بدین-معنی که در اغلب این ضیافتها، کسانی که برای ورود به لژها در نظر گرفته شده‌اند، جزء مدعوین هستند و ماسونها ضمن صحبت در باره مسائل مختلف، آنان را برای تکمیل تقاضانامه ورود و پیوستن به لژها کاملاً آماده می‌کنند.



ضيافت فراماسونهای اردن در روز اول آذر ۱۳۴۰ در امان بافتخار جواهری



مهمانی سفید :

تقیزاده‌دشتی - جواهری (درهیچ نشریه وسند فراماسونی نام علی‌دشتی دیده نشده)



از راست بچپ : اسمعیل داودیان - احمد مهران - خان اکبر - دکتر احمد هومن - رضا جعفری -
محمد خلیل جواهری - محمد میر هادی - علی کوچکعلی - دکتر یدیدی - اصغر سلسبیلی



جواهری و یاران فراماسون او در مهمانی سفید:
جواهری - حکیم الملک - مافی - سعید مالک - متین دفتری

در گزارشی که لژروشنائی ایران برای فراماسنهای آمریکائی
امور مالی مقیم ایران تهیه کرده است،^۱ در باره لژ همایون و سوء -

استفاده مالی محمد خلیل جواهری چنین نوشته شده است :
 « ... در میان این ۲۵۰ نفر بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ
 کشور بودند، ولیکن جواهری مانند خدائی بر آنها حکومت می کرد و تا می توانست
 از آنها پول می گرفت . البته هدف او امور خیریه فراماسونری نبود بلکه پولها
 را به نفع خود ضبط می کرد . او عقیده داشت چراغی که به خانه رواست به مسجد
 حرام است . . . » از محمد خلیل جواهری درباره جمع آوری پول از اعضاء لژ
 همایون سؤال شد وی در جواب گفت :

« راست است که من از اعضاء لژ همایون بخصوص از ثروتمندان مبالغ
 قابل توجهی جمع کردم ولی آنچه که از اعضاء لژ همایون جمع آوری شده ، صرف
 خرید محل بزرگ و آبرومندی بنام « باشگاه حافظ » که یکی از ارگانهای
 علنی لژ بود گردید ، این محل را که در آب سردار واقع است و قبلاً در اجاره
 سفارتخانه های هلند و سوئیس بود به مبلغ پنج میلیون ریال بنام باشگاه حافظ
 خریدیم، و بعداً به وزارت فرهنگ به مبلغ يك میلیون تومان فروختیم. مابه التفاوت
 این معامله در اختیار لژ مولوی قرار گرفت ، که گویا قسمتی از آن نیز به اعضاء
 مسترد شده است .

بهر حال کلیه کارهای مالی لژ همایون تحت نظر کمیته ای بود که اعضاء آن
 همه از افراد برجسته و قابل اعتماد برادران بودند و اینان عبارتند از :
 موسی طوب - شهاب خسروانی - حبیب القانیان - داود القانیان - محمد جواد
 مستوفی زاده - عیسی بهزادی . و من ابدأ دخالتی در امور مالی نداشتم . »

۱- رجوع شود به فصل تشکیل لژهای امریکائی در تهران همین کتاب .

محمد خلیل جواهری درباره مذاکره خود با مرحوم حکیم-
اشیاء و دفاتر لژ الملك برای تحویل گرفتن اشیاء و اسناد لژ «بیداری ایران»
بیداری ایران اظهار داشت: «همه ساله در باشگاه حافظ، يك مهمانی سفید
 ترتیب داده می شد که فراماسنهای عضو لژ همایون و فراماسنهای
 ایرانی عضو لژهای جهانی و کسانی که ماسن نبودند به آن، دعوت می شدند.

در یکی از این مراسم مرحوم حکیم الملك پیشنهاد کرد تا کلیه علائم،
 تابلوها، پرچم و اسناد لژ «بیداری ایران» را که خود او مدت پنجاه سال، آنها را
 در خانه شخصی اش نگاهداری می کرد، تحویل بگیریم.

هم او گفت که مراتب را به مرکز «گرا انداوریان» نیز نوشته و موافقت آنها
 را جلب کرده است. ضمن تشکر از حسن ظن و نیت او درباره لژ خودمان، به او
 گفتم مادام که محفلی برای تشکیل جلسات لژ بوجود نیامده، قبول این اشیاء
 ممکن و صحیح نیست، گفتگوهای آن روز به همین جا خاتمه یافت ولی بعدها شنیدم
 که لژ مولوی قسمتی از اشیاء لژ بیداری ایران را بوسیله مسعود فروغی از حکیم-
 الملك تحویل گرفته است و این اشیاء، اکنون در مرکز لژ مولوی نگهداری
 می شود. باید دانست که قسمتی از اسناد و صورت جلسات محرمانه لژ بیداری ایران
 قبلاً بوسیله خود مرحوم حکیم الملك در پاریس تحویل مرکز گرا انداوریان شده
 بود. و بقیه اسناد نیز در يك صندوق در خانه مرحوم فروغی نگهداری می شد که از
 سر نوشت آنها اطلاعی نداریم.

در مدت پنجسالی که لژ همایون دایر بود و کار می کرد،
دخالت در سیاست گزارش جلسات ماهانه و کارهای آن مرتباً بوسیله خلیل
 جواهری به قاهره و بیروت فرستاده می شد. در این مدت
 افراد لژ همایون حتی در امور سیاسی کشور نفوذ و تأثیر زیادی داشتند و مثلاً
 یکی از گزارشهایی که محمد خلیل جواهری به مرکز لژ فرستاده است درباره
 ارتباط یکی از اعضاء جوان لژ با نخست وزیر وقت بوده است. وی در این باره

گفت: «بخاطر دارم در یکی از جلسات، یکی از اعضاء جوان لژ پیشنهاد کرد که از این پس افراد لژ در سیاست روز دخالت نکنند.. من که قبلا از هدف او اطلاع داشتم، در همان جلسه پیشنهادش را مطرح نموده و اعضاء حاضر نیز موافقت کردند که در سیاست دخالت نکنند. روز بعد برای اینکه به کارگردانان لژ ثابت کنم که او با دکتر محمد مصدق نخست وزیر ارتباط دارد بوسیله کارآگاه مخصوص نخست وزیر که متأسفانه در واقعه بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ کشته شد، اسامی کسانی را که فردای آنروز به خانه شماره ۱۱۰ «مصدق» آمده بودند بدست آوردیم. معلوم شد جوان مذکور يك روز پس از پیشنهاد عدم مداخله در امور سیاسی، دو ساعت با دکتر مصدق در خلوت گفتگو می کرده است. پس از این حادثه در روزهاییکه این جوان در لژ شرکت می کرد از گفتگو در امور سیاسی و تشریح کارهای سقوط دکتر مصدق خودداری می کردیم. یکی از کارگردانان لژ پیشنهاد کرد، تا او را محاکمه و بنام افشاء اسرار مجازات و اخراج کنیم. پیشنهاد او مورد قبول واقع نشد، زیرا یقین داشتیم که پس از اخراج او، دولت شخص دیگری را مأمور کسب اطلاعات از لژ خواهد کرد. وی پس از حادثه ۲۸ مرداد از لژ خارج شد ولی اکنون یکی از اعضاء لژ دیگر ماسونری است.»

تنها محاکمه ای که طی پنجسال فعالیت لژ صورت گرفت،

تنها محاکمه

محاکمه شهاب خسروانی بود. جریان از این قرار بود:

در روزهاییکه دکتر مصدق برای انحلال پارلمان به

فراندمون متشبث شده بود، بنابه تصمیم لژهیچیک از اعضاء حق شرکت در فراندوم و موافقت با دولت را نداشتند. ولی روز بعد از فراندوم یکی از روزنامه ها عکس شهاب خسروانی را در حال دادن رأی چاپ کرد. سه روز بعد طبق تصمیم اکثریت اعضاء، عده ای از برادران را برای محاکمه خسروانی انتخاب و احکام آنها را صادر کردیم. در این محاکمه دکتر جلالی رئیس محکمه دکتر هومن و دکتر خشایار عضو - صادق سرمد دادستان و جعفر جهان بازپرس بودند. اعضاء دادگاه پس از

محاكمه شهاب خسروانی و ارائه اسناد از طرف او اعلام کردند که عكس مذکور مربوط به چند سال قبل بوده و بدین ترتیب وی را تبرئه نمودند .

یکی از بزرگترین موفقیت‌های لژ همایون ، شناسائی این

شناسائی رسمی لژ بوسیله لژهای وابسته به گرانداوریان در سراسر جهان بود .

این شناسائی در سال ۱۹۵۴ صورت گرفت و از طرف همه گرانداوری وابسته به گرانداوریان نامه‌ها و تلگرافهای تهنیت آمیز برای لژ و استاد اعظم آن رسید. ژنرال مونیر دبیرکل گرانداوری «گرانداوریان» برای اینکه اهمیت بیشتری به لژ همایون بدهد ، در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۵۴ (اول اسفند ۱۳۳۲) دعوتنامه زیر را بعنوان استاد اعظم لژ همایون به تهران فرستاد .

گرانداوریان دو فرانس

پاریس عمارت مرکزی ۱۶ کوچه کاد۰

۱۹ فوریه ۱۹۵۴

ت . . ای-ال-ال . . جی . . م . .

ما بموقع خود برای شما يك دعوتنامه فرستادیم تا در کارهای مقدماتی مربوط به ایجاد يك اتحادیه برادری فراماسونری شرکت کنید. زیرا این اتحادیه آزادی کامل فکر را به رسمیت می‌شناسد و نخستین جلسه آن در تاریخ ۴ و ۵ ژوئیه ۱۹۵۳ در پاریس منعقد شد . و اینك از شما دعوت می‌کنیم که در جلسه سال آتیه آن که در تاریخ سوم و چهارم ژوئیه سال ۱۹۵۴ در پاریس تشکیل خواهد شد شرکت کنید .

اگر شما مایل به قبول این دعوت هستید ، خواهشمند است جواب قبولی خود را برای ما بفرستید . در عین حال شما می‌توانید سئوالاتی در باره دستور جلسه از ما بکنید . همچنین لازم است که قبلا به ما بگوئید که چه کسی نماینده شما در این جلسات خواهد بود و پیشنهادات خودتان در آن چیست ؟

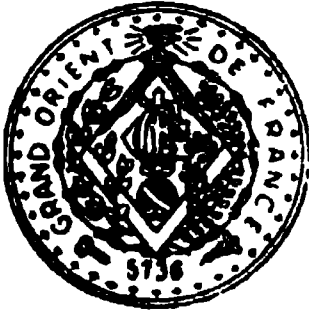
GRAND ORIENT DE FRANCE

PUISSANCE SYMBOLIQUE SOUVERAINE
POUR LA FRANCE METROPOLITAINE ET D'OUTRE-MER

16, RUE CADET, PARIS (9^e)

TÉLÉPHONE : PROVENCE 22-16 - 22-17

Adresse Télégraphique : METORIS-PARIS



- Ord. de Paris, le 19 Février 1954.

T. III. G. M.,

Nous vous avons fait parvenir en son temps une invitation aux travaux préliminaires à la création de l'"ALLIANCE FRATERNELLE DES PUISSANCES MASONNIQUES", reconnaissant la liberté complète de penser, dont la première réunion s'est tenue à PARIS, les 4 et 5 Juillet 1953.

Nous vous invitons, par la présente, à participer à la prochaine réunion qui aura lieu à PARIS les 3 & 4 Juillet 1954.

Si vous désirez répondre à notre invitation, nous vous serions reconnaissants de bien vouloir nous adresser votre acceptation. En même temps, vous pourriez nous prévenir des questions que vous désireriez voir figurer à l'ordre du jour, nous signaler quels seront vos représentants et, d'une façon générale, nous faire connaître vos suggestions.

Avec nos remerciements anticipés, veuillez agréer, T. III. G. M., l'expression de nos sentiments frat. dévoués.

Le Secrétaire Général du Grand Orient de France, Pour le Bureau Provisoire de l'ALLIANCE

Le Secrétaire

Général MEUNIER.

Marcel RAVEL.

دعوتنامه استاد اعظم گرانداوریان به استاد لژ همایون



Grand Orient de France

16 Rue Cadet Paris 19^e

*Telephon Centralographique
N° 10111 Paris*

*Code Postal 19^e Arrondissement
N° 2517 Paris*

Le Conseil de l'Ordre

O. de Paris le

10 Juin

1955. 810

GRANDE LOGE "PAHLAVI"
TEHRAN

TT: Ill: FF:.,

Nous avons la fav. de vous informer que le Convent du Grand Orient de France se tiendra du 19 au 23 Septembre 1955 dans notre Hôtel, 16 rue Cadet à Paris.

Le Conseil de l'Ordre serait particulièrement honoré de recevoir, à la Séance de clôture, qui aura lieu le Vendredi 23 Septembre, à 16 heures, une délégation de votre R. Obéd. conduite, si possible, par votre G. M.

Nous voulons espérer que vous accepterez de vous faire représenter à cette Séance, ainsi qu'au Banquet qui suivra (tenue de ville, nombre de préférence).

Pour la bonne organisation de ces Cérémonies, il nous serait agréable de connaître, en temps opportun, les noms et qualités des TT: Ill: FF: appelés à représenter votre R. Obéd.

Veuillez agréer, TT: Ill: FF:., avec nos remerciements anticipés, l'assurance de nos sentiments frat. dévoués.

Le Secrétaire
Général

General M. NIE

Un Gr. Secrétaire
du Cons. de l'Ordre

GRAND M. HIRT.



دعوتنامه استاد اعظم گرانداوریان از استاد لژهمایون برای شرکت درشورایعالی تربیت

خواهشمندیم درخاتمه قرائت این نامه احساسات برادرانه ما را بپذیرید .
 دبیرکل لژ گرانداوریان فرانسه و منشی کمیته تدارکاتحادیه لژهای گرانداوریان ژنرال مونییر
 متعاقب وصول این دعوتنامه ، نامه دیگری به لژ همایون رسید که در آن رسماً
 روز تشکیل کنگره جهانی ماسنهای گرانداوریان تعیین و اعلام شده بود متن این
 نامه چنین بود :

گرانداوریان دفرانس

۱۶ کوچه کاوه پاریس (نهم) - شورای عالی طریقت

تلفن . . . آدرس تلگرافی

۱۰ ژوئن ۱۹۵۵

لژ بزرگ . . . تهران

برادران عزیز

باکمال افتخار به اطلاع شما می‌رسانیم که از تاریخ ۱۹ تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵
 لژ بزرگ فرانسه در عمارت مرکزی ۱۶ کوچه کاوه پاریس جلسات خود را دایر
 می‌نماید . شورای مرکزی مفتخر خواهد بود که در آخرین جلسه لژ که روز ۲۳
 سپتامبر ساعت ۱۶ دایر می‌شود از يك هیئت اعزامی لژ (عضو) تهران R.O.O . .
 پذیرائی نماید . در صورت امکان توسط رئیس لژ قبولی خود را اعلام نمائید .
 امیدواریم که حضور در این جلسه را که با يك مهمانی برگزار خواهد شد
 قبول فرمائید .

(لباس تیره رنگ)

برای حفظ نظم و ترتیب تشریفات خواهشمندیم قبلاً اسامی برادرانی را که
 در مهمانی حضور مییابند با رتبه‌هایشان بما اطلاع دهید .

متمنی است تشکرات قبلی و احساسات برادرانه ما را قبول فرمائید .

منشی شورای مرکزی منشی عمومی ژنرال مونییر

گرا انداوریان نه تنها از لژ همایون که تابع گران دلژ مصر بود شرکت در کنفرانس دعوت کرد، بلکه برای لژ روشنائی ایران نیز دعوتنامه‌ای بین‌المللی فرستاد تا در کنفرانس بین‌المللی مذکور شرکت نماید، ولی لژ روشنائی که اصولاً یک لژ وابسته گران دلژ اسکاتلند است، به این دعوتنامه جواب منفی داد، زیرا فراماسونری اسکاتلند، گرانداوریان را غیر قانونی می‌داند و آنرا سازمانی می‌شناسد که حق مراوده با آن ممنوع است. ولی لژ همایون در خرداد ماه ۱۳۳۳ (ژوئن ۱۹۵۴) دعوت فوق را در جلسه‌ای که کارگردانان و رؤساء آن حضور داشتند مطرح کرد و موافقت نمود که نمایندگان جهت شرکت در کنفرانس مذکور اعزام دارد و مستقیماً تقاضا نماید که به گرانداوریان ملحق شود.

بموجب گزارش تکمیلی که گرانداوریان برای استاد اعظم لژ همایون فرستاد، اعلام داشت که: در کنفرانس مورد بحث از کلیه لژهای فراماسونری جهانی بمنظور رفع اختلافات دعوت شده تا مقدمات اتحاد، لژهای معظم جهانی را فراهم آورند. دستور جلسات کنفرانس بشرح زیر خواهد بود:

۱- قبول آزادی عقیده شخصی و اجتماعی که جزو لاینفک اصول ماسونی

است

۲- جستجوی طرق عملی برقراری آزادی عقیده.

۳- مسئله اعتقاد بخداوند و قسم خوردن به کتب آسمانی در مراسم پذیرش

فراماسنها.

شرکت جداگانه فراماسونهای ایرانی در این کنفرانس که برای نخستین بار صورت می‌گرفت، از اینجهت مهم بود که همیشه فراماسونهای جهانی عقیده داشتند که ماسنهای ایرانی لیاقت شرکت در کنفرانسهای جهانی را ندارند و هر جا چنین کنفرانسهایی تشکیل می‌گردید، ماسنهای انگلیسی به نمایندگی برادران ایرانی خود در آنها شرکت می‌نمودند. در مدت سی و پنج سالی که (لژ روشنائی) در ایران

تشکیل و فعالیت میکند، حتی برای یکبار نماینده‌ای (که فراماسون ایرانی باشد) از ایران به خارج اعزام نشده بود.

در جلسه‌ای که دعوتنامه‌های گرانداوریان مطرح شد، یکی از رؤساء لژ همایون که با انگلیسی‌ها ارتباط داشت پیشنهاد کرد که قبلاً موافقت فراماسنهای انگلیسی مقیم ایران جلب شود. ولی سایر اعضا با این پیشنهاد مخالفت کردند و چون تا تشکیل جلسات کنفرانس، زمان کوتاهی بیشتر باقی نمانده بود، محمد خلیل جواهری در همان جلسه اشخاص زیر را برای شرکت در جلسات کنفرانس به پاریس انتخاب کرد: دکتر احمد هومن، دکتر محمود هومن، شهاب خسروانی علی سهیلی، دکتر هدایتی، دکتر خلعتبری و ارنست پرون سویسی. چون آن ایام مصادف با سالگرد تأسیس لژ همایون بود. خود جواهری به بهانه انجام تشریفات جشن سالانه از رفتن عذرخواست و قرار شد، سایرین با هزینه لژ به پاریس بروند. دکتر احمد هومن گزارش این سفر را بتفصیل برای مرحوم جواهری چنین شرح می‌دهد:

۴ - ژوئیه ۱۹۵۴ - ۱۳ تیر ۱۳۳۳

استاد و برادر ارجمند انشاءالله سالم و موفق باشید. کاغذی از یوگسلاوی حضورتان عرض شد. قطعاً رسیده است. بطور خلاصه در تبریز برادران آقای واعظپور، دکتر نخجوانی، کوچصفهانی و دو نفر دیگر از برادران به مهمانخانه (متروپل) آمدند و فوق‌العاده مهربانی کردند. در اسلامبول هم برادران آقای کهنمویی و قاسم زاده را ملاقات کردم. خیلی اظهار برادری کردند. در یونان که کشور دزدان است، اتفاق بدی افتاد که در کاغذ یوگسلاوی حضورتان عرض کردم. جامه‌دان متعلق بخانم که روی سقف اتومبیل بود، دزدان طناب آنرا در تاریکی شب بردند و بردند.

قریب سه هزار تومان ضرر خورد چون عجله داشتم با وجودیکه پیشنهاد کردند برگردیم راه را ببینیم شاید افتاده باشد قبول نکردم چون یکروز کم می‌شد

و بموقع نمی‌رسیدیم. مسافرت ما ۱۵ روز طول کشید یکروز در آنکارا ماندیم برای گرفتن ویزای راننده یک روز هم اسلامبول آقای جمشید قریب را دیدیم الحق که جوان شایسته و برادر ارجمندی است پسر آقای سرتیپ کوپال موسوم به داریوش کوپال خیلی جوان شایسته‌ایست، مذاکره کردیم خیلی مایل است به ما به پیوند خواهرش مندم تقاضا نامه را بفرمائید به آدرس کنسولگری اسلامبول بفرستند به اسم داریوش کوپال. او وقتی تهران آمد تنصیب خواهد شد. در پاریس به زحماتی رسیدیم شوهر زیاد خوش اخلاق نبود دانتز هم نیامده معلوم نیست چه خواهد شد ...»

هیئت اعزامی روز ۱۱ تیر در جلسه اول کنفرانس و روز بعد در آخرین جلسه شرکت می‌کنند. دکتر احمد هومن از این جلسات گزارشی تهیه می‌کند که در آن جریان مذاکرات و اختلافات حل نشدنی فراماسونری دو کشور انگلیس و فرانسه را برای استاد اعظم شرح می‌دهد، هومن درباره فرانسویان عضو گرانداوریان که حاضر به قبول برتری لژهای انگلیسی و عقاید و رسوم آنها نیستند چنین می‌نویسد:

«... بلافاصله با برادران تماس گرفتم مردمان بسیار خونگرم و خوب و

برادر واقعی هستند. آنچه لازمه اقدام بود انجام دادم. به اتفاق آقای پرون در کنفرانس بین‌المللی شرکت کردیم. گرانداوریان در فرانسه قریب ۱۸۵۰۰ نفر عضو دارد و چندین لژ تحت نظر اوست. برخلاف شهرتی که دارد تمام اعضایش بی‌عقیده به خدا نیستند، فقط آزادی مطلق عقیده را قبول دارند ولی اگر کسی به خدا معتقد می‌باشد بدو کاری ندارند. همانطور که می‌شود به قرآن کریم قسم خورد در لژها می‌شود [یک کلمه خوانده نشد] انجیل و هر کتاب مقدس قسم دیگر خورد ولی اگر کسی بد چیزی معتقد نباشد آزاد است. موضوع کنگره بین‌المللی عبارت بود از موضوع زیر:

آزادی عقیده جزو لاینفک اصول ماسنی است. چطور باید آنرا کاملاً عمل کرد. چون در لژهای انگلیسی باید با کتاب آسمانی قسم خورد و آزادی کامل عقیده را قبول ندارند منظور اینها این بود که در کنگره راه حلی برای این موضوع پیدا

۱- نقل از گزارش ۲ ژوئیه ۱۹۵۴ - ۱۳ تیر ۱۳۳۳ که روی کاغذ مارکدار هتل

(ماک ماهون) نوشته شده است.

کنند، بین سازمانهای جهانی حداقل وحدت عقیده پیدا شود. از لرزهای انگلو ساکسون کسی دعوت را اجابت نکرده بود. فقط از لر سیاهان آمریکائی پرنس-هال^۱ و چند لر فرعی نماینده آمده بود. ما بامشورت آقای پرون اظهار کردیم که هر چه ما تصمیم بگیریم مشروط به آنست که لر تهران تصویب کند و آنها قبول کردند. بحث زیاد در اطراف موضوع شد، لر بلژیک پیشنهادی داد که مورد قبول اکثریت واقع شد. منم در خصوص وضع خودمان صحبت کردم و پیشنهاد کردم بعضی کلمات به پیشنهاد اضافه کنند که منظور ما تأمین شود قبول کردند و ما هم به پیشنهاد رأی دادیم. بعداً برای ایجاد سازمان بین المللی ماسنی بحث کردند و پس از مذاکره زیاد بنام لرهای شرکت کننده مرکزی در پاریس داشته باشند که محل مراجعات و اطلاعات و تشریک مساعی و تعاون و غیره باشد، همه رأی دادند. بنام مبلغ بیست و پنج هزار فرانک هم هر هیئت برای مخارج اولیه بپردازند. ما هم همان شرط را قبول کردیم. نطقهای دیگری شروع شد. ناهاری در گراند اوریان دادند عکس گرفتند و کنکره تمام شد.

نسبت به لر ما اولاً همه جا گراند لر نوشتند چون نماینده لر مصر (وادی نیل) آقای شرنری^۲ هم حاضر نشده بود و ما گفتیم تصمیم داریم در آینده نزدیکی لر خود را مستقل کنیم اعتراضی نکردند. دبیر کل آقای راول^۳ و استاد اعظم آقای ویو^۴ کمال مهربانی را مبفول داشتند و باهم مذاکره کردیم همه حاضرند هر جور کاری داشته باشیم انجام دهند.

سازمان دیگری موسوم به گراند لر دفرانس هست که اعضاء آن به کتاب آسمانی قسم می خورند. البته عده آن ده هزار نفر است و اهمیت گراند اوریان را ندارد با آنها هم تماس گرفتیم و بناست دوروز دیگر با استاد اعظم آن ناهار بخورم

1- Prince Hall

2- Shrenri

3- Ravel

4- Viot

اما موضوعی که پس از مطالعه دستور بفرمائید و تکلیف ما را معین کنید اینست که لژهای انگلیسی گراند اوریان را نمی‌شناسند و هیچ ارتباطی باهم ندارند و حتی هیچ ماسون انگلیسی حق ندارد پای خود را در آنجا بگذارند. اینها هم می‌گویند اگر آزادی عقیده کامل جزو اصول کلی است پس چرا باید به کتاب آسمانی قسم خورد، ما شما را آزاد می‌دانیم بهر کتاب آسمانی می‌خواهید قسم بخورید شما هم ما را آزاد بگذارید که اگر نخواستیم قسم نخوریم. کما اینکه در گراند اوریان عده زیادی هستند که به قرآن قسم می‌خورند هیچ اشکالی وجود ندارد. در مذاکره مقدماتی که با اینها شد حاضرند همه نوع کمک به ما بکنند ولی آیا مقتضی است با این اختلافی که بالژهای انگلوساکسون دارند ما جزو اینها بشویم، جزو آنها که معنی ندارد، یعنی وقتی مستقل شدیم استقلال خود را بهمه‌جا اعلان کردیم جزو لژهای معتقد به آزادی کامل عقیده کار کنیم و با اینها ارتباط نزدیک داشته باشیم و یا اینکه با گراند لژ فرانسه مذاکره کنیم. با آنکه از لحاظ عقیده با ما نزدیکتر است تماس داشته باشیم و یا اینکه استقلال خود را اعلان کنیم و با همه ارتباط داشته باشیم. این یک موضوع کلی است که باید صریحاً تصمیم اتخاذ بفرمائید و تکلیف ما را تعیین کنید دادن سرویس نقره بعقیده من حالا لازم نیست چون کنگره بین‌المللی بود اگر تصمیم اتخاذ فرمودید جزو آنها بشویم البته با تشریفات (سرویس نقره) خواهیم داد. فعلاً بنظر من زائد و غیر منطقی است. . . در روز نامه‌ها راجع به این موضوع چیزی نمی‌نویسند چون هیچ اطلاعی داده نمی‌شود ولی در رادیو پاریس گراند متر (استاد اعظم) شاید سخنرانی کند عکسی به اتفاق برادران گرفتیم... آقای سهیلی نیامدند ولی دکتر هدایتی و شهاب در روز دوم حاضر بودند. رویهمرفته فوق‌العاده با آبرومندی و احترام و وظائف خود را انجام دادیم ملحق شدن بهر کدام و یا هیچ‌کدام مربوط به اراده استاد اعظم است. . .^۱

با وجودیکه هیئت اعزامی فقط می‌بایستی در کنفرانس گراند اوریان شرکت کنند، معهداً چنانکه از متن گزارش مستفاد

مقام استادی اوریان شرکت کنند، معهداً چنانکه از متن گزارش مستفاد

میشود، دکتر هومن و سایرین با گراند لژ ناسیونال فرانسه نیز

تماس گرفتند. و در نتیجه رقابت بین این دو گراند لژ فرانسوی برای جلب لژ همایون و هیئت اعزامی به شدت آغاز گردید. گراند اوریان برای اینکه موفقیت پیدا کند به سرعت سه مقام بزرگ فراماسنی به دکتر هومن اعطا کرد و در هفته دوم ژوئیه ۱۹۵۴ - (هفته سوم تیر ۱۳۳۳) دومی مرتبه بطور فوق العاده جلسه گراند لژ را تشکیل داد.

در جلسه اول کلیه مراسم تنصیب درجه شاگرد *Apprenti* انجام گرفت و دفعه دوم دکتر هومن با تشریفات تمام از درجه (رفیق) به درجه (استادی) ارتقاء یافت و چهل تن از فراماسنهای معروف فرانسوی نیز در این مراسم حضور داشتند. علاوه بر این دکتر هومن یک کمر بند سیاه نیز که علامت درجه سی ام است دریافت داشت. وی در گزارشی که روز ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۴ برای استاد اعظم لژ همایون نوشته جریان را چنین شرح داده است^۱:

پاریس - ۱۶ ژوئیه مطابق ۲۵ تیر

استاد ارجمند امیدوارم سلامت و موفق باشید کاغذی که به وسیله آقای داتر ارسال فرموده بودید رسید، از مراحم آن برادر عزیز متشکرم - در این هفته دومی مرتبه در لژ حضور پیدا کردم یک مرتبه منصب *Apprenti* شاگرد و دفعه دیگر ارتقاء درجه رفیق به استادی بود با تمام مراسم و با تمام گفتگوها و مذاکرات و تشریفات با حضور چهارصد نفر بعمل آمد به من هم کمر بند سیاه علامت درجه ۳۰ *Chevalie de la Gadoche* دادند و من وارد شدم پرویک مینه اول و دوم مراتب را به *Venerable* (رئیس لژ) اعلام کردند (در لژهای فرانسه اول و دوم) نزد استاد نمی نشینند و نزدیک در مقابل استاد می نشینند. بعداً همه تشریفات را عملی کردم استاد جواب سلام داد و با من مصافحه کرد و مرا نزد خود نشانید گفت برادر من هومن همان کسی است که در کنگره از طرف لژ تهران شرکت کرد و معرفی بسیار خوب و پسندیده ای نمود در تمام تشریفات که تا نصف شب از ساعت ۹ تا ۱۲ طول کشید شرکت کردم ولی رأی ندادم بعداً اجازه بمن داد با کمال آرامش سلام

۱- در متن نامه دکتر احمد بهیچوجه تغییراتی داده نشده است.

برادران لژ ایران را به‌اعضاء لژ رسانیدم و از اینکه مرا پیش خود پذیرفته‌اند و در مهمانها ویزیتورهای با اهمیت نشانیده‌اند تشکر کردم شمه‌ای از مساعدتهای فرانسویها به‌ما در زمینه فرهنگ و اینکه پیغمبر ما زرتشت برای اولین دفعه از جنگ اهریمن و اهورامزدا (بدی باخوبی) یاد کرد و مشابه‌ای که داستان حیرام ابی و قتل او به‌وسیله بدکاران دارد و جاودان بودن ملکوتی و درستکاری بیان کردم که مورد توجه شد. رئیس مجدداً به‌پاخواست و جواب مفصلی داد و اظهار خوشوقتی کرد که در مشرق آنقدر تکامل پیدا شده که لژ . . . مرکب از چنین اشخاصی که نمونه آن حاضر است مرکب است و یقین است که بشریت رو به تکامل می‌رود آزادی - برادری - برابری صورت عمل در دنیا می‌گیرد و از این قبیل چون تعطیل تابستان لژهای پاریس بسته است نباشد در نیس و کان در لژهای مخصوص حضور پیداکنم و آدرس آنها را بمن دادند . . .

نامه دیگری که در همین ایام به‌استاد لژ همایون رسیده ولی بدون امضاء می‌باشد، داستان عضویت افراد هیئت اعزامی به پاریس را به طرز جالبی روشن می‌کند، متن این نامه از نظر اهمیت عیناً نقل می‌شود:

شنبه ۱۵ مهر - استاد ارجمند امیدوارم سالم و موفق و امیدوار باشید بحمدالله تشریفات باکمال نظم و ترتیب و بانهایت خوبی انجام شد. دکتر خلعتبری نمره ۱- دکتر هومن نمره ۲ و بنده در لژ نمره ۳ عمل کردیم و قبول شدیم. سایرین هم حضور داشتند سوگند یاد کردند. آقای ساعد مراغه هم بودند عمل کردند و دو مهمانی مفصل به افتخار ما دادند در آنجا نطق‌های مفصلی شد که من از طرف رفق جواب دادم به تصدیق همه مناسب و خوب بود. پنجشنبه آینده هم خود ما عمل خواهیم کرد یعنی بنده باشگاه را اداره خواهم کرد. شب آنها را در یکی از مهمانخانه‌های درجه اول دعوت کرده‌ایم که آنچه سابقاً فرستاده بودید و آنچه ما خود آورده‌ایم اهدا کنیم و تشکر کنیم. بعداً آئین نامه‌ای می‌خواستند که دیروز چندین ساعت وقت صرف آن کردیم و به آنها خواهیم داد مدارك ما را با [سه نقطه

پاریس

بنیاد دهند

استوارم خدمت و توفیق باشد که مندرجه ذیل را در اول فروردین ۱۳۵۵ در راه
 ان برادر عزیز شکرتم - در این هفته در نزد حضرت سید کریم کلمه را تمام صحبت
 بکر ارتقاء در صورت حق - بنیادی بود بنامم باسم و بنامم لغوی و بکارات و غیره بنامم لغوی
 فعلی در حق هم که بنده بنامم لغوی در صورت حق *chevalier de la Gadoche* دارد و در صورت حق بنامم لغوی
 و دوم مراتب را به *Vénéralité* (رأس لز) اعظم کردند (در اثرهای و غیره بنامم لغوی در صورت حق)
 همیشه و نزدیک در مقابل بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 بن مصافحه کرد و مرا سر عودت بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کرد و صورتی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کسب کثرت کردم ولی رای ندارم جدا افکاره کن بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کردم از مکتب کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 و افکاره را (رای خود) یاد کرد و وقت بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 بود که مکتوبی در دستکار بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 ان صاف است کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 در دنیا سرور دارم بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی
 کثرت کردم و در آنکه رای خود بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی بنامم لغوی

به جای اسم گذارده شده] خواهند داد و سراسر این کار مبلغ ۹۰ هزار فرانک هم پرداختیم روز ۲۰ مهر کار به این ترتیب تمام خواهد شد. دوسه روز هم برای ترتیب گرفتن تصدیق خواهیم بود اگر بایستی دمشق برویم آدرس آن شخص را مرقوم فرمائید و اگر لازم نیست مستقیماً خواهیم آمد آقای... الان رفتند برای آنروز مراجعت خواهد کرد آقای رشیدی حائری را يك معرفی کردم و باقی همه را سه. خیال می کنم همینطور بوده است. اثنائیه لازم را برای نمونه هم باشد باید خرید و برای اینکار در این شهر خوب نیست باید به شهر آقای سهیلی رفت آنجا سفارش داد ولی چون پول نداریم نمی دانیم چه باید کرد سفارشنامه ای آنجا نوشته اند که بدما ارزان بفروشند اگر لازم است آنچه لازم تشکیل يك باشگاه است بخریم که معطل نمایم مرقوم فرمائید و حواله هم بوسیله کمیسیون ارز بفرستید تا خودم شخصاً با وجود کار زیاد به آن شهر رفته خریده به وسیله ای حمل کنیم يك شخص بسیار خوب عالم که دو زبان میداند و بسیار تودل برو و پر حوصله و خوش بیان است معین کرده اند آنجا بیاید اسم [سه نقطه گذارده شده] و تبعه شهر آقای سهیلی است مرقوم فرمائید چه وقت باید بیاید به او اطلاع دهید به عقیده من خیلی مفید خواهد بود از شروع کار بانظر او انجام شود منتظر دستور رسمی در این مورد خرید لوازم از هر قبیل و تاریخ آمدن آن شخص هستم. بنامش کاغذی در جواب جنابعالی بنویسند بمن خواهند داد همه برادران و رفقا را سلام برسانید آقای امام را پیش دکتر بردم کرم خطرناکی داشت که در ریه و کبد رفته بود مشغول معالجه است همه را سلام میرسانند منتظرم زودتر جواب مرقوم فرمائید

(امضاء لایقراء)

علاوه بر پذیرائی و تشویقی که از هیئت اعزامی ایران در فرانسه بعمل آمد گرانداوریان بهمه شعب خود در جهان نیز توصیه کرد که ارتباط خود را با لژهایون محکم کنند.

پیرو این بخشنامه نامه هائی بین لژهایون و سایر لژهای گرانداوریان

مبادله شد که یکی از آنها بعنوان نمونه در اینجا نقل می‌شود :

بروکسل ۲۳ مه ۱۹۵۶

آقای استاد اعظم :

پس از بازگشت از مسافرت نامه محبت آمیز ۱۹ مارس شما را زیارت کردم و به نام گراند اوربان بلژیک از شما به خاطر احترام و ابراز دوستی که نسبت به ماسنی بلژیک ابراز نموده‌اید تشکر می‌کنم .

خدمات کوچکی که ما توانستیم به برادر . ف. رشیدی^۱ انجام دهیم خیلی ناچیز است من به شما اطمینان می‌دهم آنچه را که ماهمه روزه شرط کرده‌ایم به بهترین وجهی انجام می‌دهیم . تمام ماسنهای ایرانی که خود را به ما معرفی کنند یادرموقع عبور یا اقامت در بلژیک از وجودشان مطلع شویم از آنها پذیرائی می‌کنیم . ما مخصوصاً از پذیرائی از شما و دیدار برادران ایرانی در بلژیک بسیار خوشحال خواهیم شد . استاد اعظم از شما خواهش می‌کنم که احساسات برادرانه ما را قبول کنید^۲ .

ر. هاما نیه - گراند متر

نامه دیگری از یکی از لژهای فراماسونری سویس خطاب به استاد اعظم لژ ایران :

ژنو - ۲۷ مارس ۱۹۵۵ به آقای محمد خلیل جواهری

۲۱۲ خیابان کانخ - تهران - ایران .

برادر خیلی عزیزم .

پیغام و شیئی بسیار زیبای هنری که همراه آن بود دریافت کردم . بدبختانه غیبت من، و بعد، ابتلاء به بیماری، که گرچه یک گریپ خیلی ساده و نامطبوع بیش نبود سبب شد که من نتوانم آنچه را که می‌خواهم برای خانم فرهودی انجام بدهم .

۱- رشیدی عضو وزارت خارجه ایران می‌باشد .

۲- این نامه به وسیله مترجم لژهای یون ترجمه شده است .



BRUXELLES , le 23 mai 1956.
8, RUE DU PERAIL

CABINET DU
GRAND-MAÎTRE T. C. Vén. Maît. ,

Rentrant de voyage j'ai pris connaissance de votre aimable lettre du 19 mars et je vous remercie, au nom du Gr. Orient de Belgique, pour le geste d'amitié que vous avez eu à l'égard de la M^oonn. belge.

Les menus services que nous avons pu rendre au F. Rachidi sont peu de chose et je tiens à vous assurer de ce que nous réserverons toujours le meilleur accueil à tous les Ma^o. iraniens qui se présenteront à nous à l'occasion d'un passage ou d'un séjour en Belgique.

Il nous serait d'ailleurs particulièrement agréable d'être informé par vos soins de toute visite de P^o. iraniens en Belgique.

Je vous prie de croire, T. C. Vén. Maît. , à l'assurance de mes sentiments les plus fraternels.

R. Hamaide
Gr. Maît.

نامه سرانند لژ بلژیک در تایید لژ همایون

ولی برادر ما کفائی موفق شد به کارهای خواهر ما بپردازد و از این حیث همه چیز بخوبی مرتب است .

ولی برادر عزیزم سخاوت شما، نسبت به من ، به حدیست که من احساس ناراحتی می‌کنم و این واقعاً زیاد است. من جز اینکه به خاطر ارسال مظهرشکیل هنر ایرانی از شما تشکر کنم کار دیگری نمی‌توانم بکنم . ولی اگر شما اینجا حضور داشتید، خیلی برادرانه شمارا سرزنش می‌کردم و از شما خواهش می‌کردم به این قبیل اثبات دوستیهای خویش خاتمه بدهید، امیدوارم کارها بروفق مرادنان باشد و سرمست باشید. این یکی از با ارزش ترین نعمات است همچنین امیدوارم که لژ قابل احترام شما ، تحت رهبری عاقلانه شما به گسترش خود ادامه بدهد علیرغم ، اختلافات مذهبی و برداشتهائی که از نبوغ خاص قلبها یا کشورها اثر گرفته است ما راضی هستیم از اینکه یکی از عناصر رشته اتحادی باشیم که در سراسر جهان ، هدف نهائی آن متحد ساختن همه انسانهائی است که احساس مشترکشان همبستگی، گذشت، آزادی اخلاق، برابری فکری، و آنگنان برادری است که مرزهای مصنوعی را که باخباثت انسانها آن را به عنوان يك مانع در برابر حسن تفاهم میان همه عناصر متشکله بشریت ایجاد کرده است نمی‌شناسد.^۱ من آرزو می‌کنم که فراماسونری در ایران مبدل به يك عامل واقعی پیشرفت اجتماعی ، يك برگزیدگی فکری و انتخاب انسانهائی بشود. بدانید نوری را که ما در معبد دریافت می‌داریم در خارج منعکس سازید . نوری که یکی از زیباترین و گویاترین سمبلها می‌باشد. چون ما باید حاملین این نور باشیم این یکی از وظائف اصولی ماست .

در حالیکه بسیار به آنها می‌اندیشیم به برادران عضو لژ شما برادرانه درود می‌فرستم . اگر فرصتی برایتان پیش آمد ، خاطرات خوش و سلامهای مرا به -

۱- این جمله نمودار کاملی از افکار انترناسیونالیست بودن سازمان فراماسونی و از بین بردن مرزها و به دنبال آن استقلال کشورهاست .

برادرانمان هدایتی ابلاغ نمایند .

اما شما برادر عزیز ، خواهشمندم ، باتشکرات بهترین احساسات و سلامهای قلبی و برادرانه مرا بپذیرید .

رنه فوش

۱۶ خیابان هانرگدونان ، ژنو

در حالیکه به تدریج لژ همایون در بین لژهای ماسونی شناخته
خرید مرکز محفل می شد، در سال ۱۳۳۳ لژ در صدد بر می آید که محلی را برای
فراماسونری محفل فراماسونری ایران خریداری کند . برای اینکه
 پوششی بر روی اعمال لژ کشیده شود، قرار می شود مسئولین
 امر محل را به نام باشگاه حافظ خریداری نمایند. برای انجام این نظریه کمیته
 خرید محفل مرکب از : حبیب القانیان - داود القانیان ، صادق سرمد ، شهاب
 خسروانی، عیسی بهزادی، مستوفی زاده، سهنی وطوب تشکیل می گردد و سازمانی
 بنام «شرکت تعاونی حافظ» بوجود می آورند که سهام آن اسمی و هر یک به مبلغ
 پنج هزار ریال بوده است . شرکت تعاونی حافظ طی دو جلسه مقدماتی خود از ۲۹
 نفر از فراماسنها مبلغ ۲۳۸۵۰۰۰ ریال وصول می کند . چون خرید محل محفل
 مورد استقبال قرار می گیرد این نامه از طرف شرکت خطاب به همه فراماسنها
 صادر می گردد :

برادر ارجمند

چنانچه اطلاع دارید باشگاه حافظ که در حقیقت کانون روحانی همگی ما
 است تاکنون نتوانسته است جایگاه ویژه ای که احتیاجات عالی معنوی آنرا
 بر آورده سازد، برای خود آماده کند. و این مسئله مانعی بزرگ بود که در هر حال
 از پیشرفت سریع ما به مقاصد عالی و میل به هدف مقدس جلوگیری می کرده به-
 جهت حل این مشکل که با همه بزرگی در برابر همت عالی برادران بسیار کوچک
 است ، از چندی پیش کمیسیون مأمور بررسی شد و آن کمیسیون پس از مطالعه

جهات مختلف موضوع تصمیم گرفت شرکت سهامی تعاونی با سرمایه ۱۰ میلیون ریال تأسیس کند و این شرکت علاوه بر کارهای دیگری که به یاری خداوند متعال خواهد کرد در حله اول محل مناسبی به جهت کانون مرکزی باشگاه خریداری نماید .

اساسنامه این شرکت تهیه شده و هیئت مدیره موقت آن برگزیده گردیده است سهام شرکت اسمی است و بدون تصویب هیئت مدیره قابل انتقال به غیر نخواهد بود . بطور کلی تمام جهانی که لازم بوده مطالعه شده و مد نظر قرار گرفته است بهای اسمی هر سهم ۵۰۰۰ ریال است و تمامی ممکن است یکجا یا در سه قسط تأدیه شود . پس از آنکه سهام به فروش رسید شرکت طبق مقررات قانون تجارت رسماً در دفاتر شرکتها ثبت خواهد شد و برگ سهم رسمی برای شرکاء فرستاده می شود .

چون همانگونه که اشاره شد ایجاد این شرکت که نخستین اقدام آن تهیه جای ویژه به جهت کانون مرکزی باشگاه خواهد بود ، موضوعی بسیار مهم و ضروری است و پیشرفت ما به سوی هدف مقدس وابستگی بسیاری به آن دارد علیهذا بر تمام برادران فرض است در خرید سهام شرکت مشارکت جویند و میزان علاقمندی خویش را به کارهای عمومی عملاً نشان دهند .

آشکار است هر مبلغی که بابت خرید سهام به شرکت تأدیه شود بصورت سهم-الشرکه همیشه باقی خواهد ماند ، هر صاحب سهم در موقع احتیاج می تواند سهم خود را با تصویب هیئت مدیره به دیگری بفروشد و با پول آن که فی الحقیقه اندوخته اوست رفع احتیاج کند .

اینک به ضمیمه سه برگ سفته سفید به نام آن برادر گرامی فرستاده شده خواهشمند است هر مبلغی که استطاعت جوانمردیتان تجویز می کند تعهد در سفته قید و امضاء فرمائید سفته را به عنوان باشگاه حافظ با پست سفارشی دو قبضه بفرستید غرض از فرستادن سه برگ سفته آنست که هر کس نمی تواند مبلغ تعهد

شده را یکجا بپردازد مبلغ را در دو یاسه سفته بنویسید در دو یاسه قسط به تاریخ هائی که مقتضی می‌دانید تأدیه کنید .

در پایان مژده می‌دهد که ۲۹ نفر از برادران تاکنون مبلغ ۲۳۸۵۰۰۰ ریال از سهام شرکت را خریده بزرگواری و علاقه خود را به پیشرفت کارها عملاً بمنصه ظهور رسانیده‌اند .

کمیسیون چشم براه وصول نتیجه تصمیم جنابعالی است و امید دارد هر چه زودتر بتوانند به خرید جای مناسب اقدام و آنرا به جهت کارهای معنوی بزرگی که در پیش داریم آماده و مجهز سازد . باتقدیم سلام .

هیئت مدیره موقت شرکت تعاونی حافظ

شرکت تعاونی حافظ پس از یکماه موفق می‌شود ۶۰۰ هزار تومان پول جمع کند. از این پول ۵۰۰ هزار تومان به خرید ساختمان سفارت هلند در خیابان عین‌الدوله (ایران) اختصاص داده می‌شود و بقیه صرف خرید لوازم و مبلمان آن می‌گردد . در سال ۱۳۳۶ که لژ مولوی تشکیل شده بود کارگردانان لژ همایون موفق می‌شوند ساختمان لژ را به مبلغ قریب یک میلیون تومان به وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش فعلی) بفروشند. سند انتقال محل مذکور که به نام صادق سرمد بوده به نام وزارت فرهنگ صادر می‌شود و در همان وقت متصدیان لژ محل جدیدی را که در خیابان بوعلی پلاک ۴۱۰ واقع است به مبلغ پانصد هزار تومان خریداری می‌کنند. چون چهارصد هزار تومان باقی مانده محلی برای مصرف نداشته، لژ مولوی این مبلغ را بین اعانه دهندگان و صاحبان سهام اولیه تقسیم می‌نماید و آنها که مایل به پس گرفتن وجوه پرداختی بوده‌اند ، عیناً و بقیه نصف سهام خود را دریافت می‌دارند. با این ترتیب مرکز فعلی محفل مولوی نزدیک به صد هزار تومان تمام می‌شود. و این اولین و تنها ملك خصوصی است که سازمان فراماسونری اکنون در ایران دارد .

علیرغم تشویق‌ها و پذیرائی‌هایی که از هیئت اعزامی ایران در
مقدمات انجعال فرانسه بعمل آمد ، دکتر هومن و اعضای هیئت اعزامی در
لژهمایون بازگشت اظهار عقیده کردند که بهتر است لژ همایون به -
 گراند اوریان ملحق نشود زیرا گراند اوریان با برادران
 انگلیسی بشدت مخالف است. دکتر هومن در گزارشی که به استاد اعظم داده صریحاً
 نوشته است که با این اختلافی که بین لژهای انگلوساکسون و گراند اوریان موجود
 است، نباید به این لژ ملحق شد. در توضیحات حضوری نیز که به رؤساء لژ همایون
 داد، عقیده صریح خویش را در باره الحاق به گراند ناسیونال دو فرانس که برتری و
 عبودیت لژهای انگلیسی را قبول دارد، اعلام داشت. او جریان مذاکرات اولیه خود را با
 استاد اعظم گراند ناسیونال نیز به اطلاع رسانید. در این بین دکتر محمود هومن
 نیز که در پاریس حضور داشت و واسطه گراند لژ ناسیونال و لژ همایون شده بود،
 مکاتباتی با محمدخلیل جواهری نمود. بطوریکه گمان می‌رفت الحاق دو لژ بزرگ
 بزودی عملی گردد ولیکن در این وقت نامه محرمانه‌ای از «حنا ابی‌راشد» به تهران
 رسید که در آن به برادران ایرانی خود اطلاع داده بود که جمال عبدالناصر رئیس
 جمهوری مصر، در لژهای ماسونیک این کشور رخنه کرده و قصد تصرف اداره سازمان
 های تابعه مصری را به نفع خود دارد.

مقارن رسیدن این نامه اختلافاتی نیز بین اعضاء لژ همایون روی داد که سر
 دسته مخالفان سپهبد حاج علی کیا بود. سپهبد کیا که مأمور بود لژ همایون را
 تعطیل کند ، به عده‌ای از اعضاء تکلیف استعفا کرد و با استعفای ۱۵ نفر از طرفداران
 او به محمدخلیل جواهری نیز تکلیف استعفا شد. خود جواهری در این باره گفته
 است: «در حالیکه در پاریس برای الحاق به «گراند اوریان» و «گراند ناسیونال
 دو فرانس» مشغول مطالعه بودیم، در تهران حوادثی پیش آمد که منجر به کناره‌گیری
 من شد و چندین بار به من اخطار گردید که مستعفی شوم. مدتی مقاومت کردم ، ولی
 سرانجام پس از چندماه مذاکره خصوصی و وساطت دکتر سید حسن امامی امام جمعه،

تصمیم گرفتم برای مدت سه ماه کار لژ را متوقف کنم .
چون در قانون اساسی فراماسونری قید شده که اگر لژی سه ماه بدون عذر -
موجه فعالیت نکند ، بخودی خود تعطیل و منحل می شود لذا منم از اختیاراتی
که داشتم استفاده کردم ، سه ماه کار لژ را متوقف ساختم و بدین ترتیب آن را منحل
کردم .

پس از اعلام انحلال به اعضای لژ همایون اطلاع دادم که می توانند در لژ
جدید (مولوی) که مقدمات تأسیس آن کاملاً فراهم شده است فعالیت کنند و یا در
لژهای دیگر بکار پردازند. مقارن با تعطیل لژ همایون ناگهان در مجلس شورای ملی
نطق شدیدالحنی بوسیله آقای رضا افشار علیه لژ همایون ایراد شد که پس از آن
بنا به مصلحت عمومی و برای توسعه و بقاء مرام ماسنی از کارکناره گیری کردم .

نطق کوتاه و کوبنده رضا افشار در مجلس شورای ملی پس از

نطقهای شدیدالحن عباس اسکندری و رضا آشتیانی زاده در

مجلس شورای ملی ایران راجع به فراماسونری بسیار مستدل

و منطقی بود. افشار در نطقی که در جلسه ۱۱۵ روزدهم اردیبهشت

ماجرای نطق

رضا افشار

۱۳۳۴ ایراد کرد در این باره گفت :

« . . . در دنیا احزاب سیاسی که علناً در امورات کشورشان مداخله می کنند

نمایندگان می دانند خیلی زیاد است و يك احزابی هم در اروپا در قرن نوزدهم به

این طرف وجود داشته از قبیل کاربوناری ، ایلی میناتی ، فیلادلفی ، توگون بند و

فراماسون ، فراماسونها در ایران بی سابقه نیستند ، مرحوم ملکم خان مؤسس

فراماسونری در ایران بوده است که آنوقت فراموشخانه میگفته اند يك حکایتی

هم راجع بفراماسونری در افواه و افکار مردم بود اخیراً نسبت بقیة السیف

فراماسونهاى موجود یکمده خیلی زیادی افزوده شده است و حتی در بین آقایان

وزیران و آقایان نمایندگان و آقایان سناتورها بعنوان فراماسون وجود دارد يك

لژ همایون هم تشکیل شده است . و اخیراً جواهری نامی بعنوان رابط از مصر

آمده بوده است، اینجا عذر این آقای جواهری را خواستند یکی از سناتورهای محترم رابط این حزب فراماسون در ایران یعنی لژ ایران بالتراروپاست. فراماسونری روی تحقیقات و تفحصاتی که بنده کرده‌ام و مطالعه کرده‌ام يك حزبی است بین‌المللی ما نباید اجازه بدهیم در این مملکتی که هنوز ملیت مبتنی بر يك اصول و پایه صحیحی نیست يك اشخاص بین‌المللی بیایند در اینجا و يك حزب فراماسونری تشکیل بدهند (صحیح است) این حزب یالتر تشکیل شده است، بنده اسامی لا اقل ۲۷۵ نفر را می‌دانم (دکتر جزایری - صحیح است) دو تا فراماسونری دردنیاهست یکی سکاتیش رایت در امریک است یکی هم گراند اوریان است در اروپا .

فراماسونری‌های گراند اوریان کارشان اطاعت کورکورانه از يك مبدائی است این مبداء (داراب کجاست) انگلستان (صحیح است) اولاً ما نباید بگوئیم که فلان آقا انتحار سیاسی می‌کند یا بعضی جرایم مطالبی بنویسند .

من کشور خودم را بهر مقام و منزلتی ترجیح می‌دهم و از هیچ چیز در مقابل سعادت ملت و مملکت خودم بیم ندارم (احسنت) ما در درجه اول باید سعادت این مملکت مد در نظر قرار بدهیم (صحیح است) ما باید سعی بکنیم آن اشخاصی که با يك تغییر قیافه‌ای با يك تغییر شکلی با يك عنوان ظاهرالصلاحی وارد جامعه ما شده‌اند و می‌خواهند کشور ما را بصورت يك کشور انترناسیونال در بیاورند و اطاعت کورکورانه از يك سیاستی می‌کنند که متأسفانه این مملکت را همین سیاست خراب کرده است ما نباید این اشخاص را بگذاریم اقدامی کنند (احسنت) و کلای ملت آقایان نمایندگان محترم باید شجاعت اخلاقی داشته باشند . فلان آقا وکیل می‌شود می‌رود فلان آقا وزیر می‌شود می‌رود ولی این مملکت باید بماند .

در این مملکت بعوامل و ایادی که سرسپرده سیاستهای خاصی هستند اجازه جنبش و نمو نباید داد (صحیح است - آفرین) اگر يك روزی مصلحت بود بنده حاضرم در جلسه محرمانه تمام آقایان را با جزئیات تشکیلاتشان با آن لژهایون تمام بعرض آقایان برسانم (یک نفر از نمایندگان در جلسه علنی بفرمائید) احسنت.



رضا افشار وکیل مجلس شورایی



جها نگیر تفضلی مدیر روزنامه ایران ما

چندی بعد از ایراد این نطق، در هفته نامه ایران ما سلسله روزنامه ایران ما، پیشقدم مقالاتی بقلم جهانگیر تفضلی بنام «گفتگو با يك فراماسون» انحلال لژ همایون و چند مقاله نیز با نام های مستعار «منوچهر شاپور» منتشر گردید که بنظر می رسید نوشته های دکتر مگری و شاپورزند دنیا باشد. در دو مقاله ایران ما، لژ همایون مستقیماً مورد حمله قرار گرفته و تحت عنوان «جمعیت برادران لژ همایون، باشگاه حافظ» و «گفتگوی يك ناسیونالیست و يك فراماسون» چنین نوشته شده است :

«... من بفراماسونها حمله نکرده ام، و بعضی از فراماسونها قدیمی، از نظر شخصی و اخلاقی و گاهی علمی بسیار مورد احترام من بوده اند و هستند. اما در کارهای سیاسی کشور خودمان نه تنها روش آنها را نمی پسندم بلکه بسیاری از گرفتاریهای يك قرن و نیم اخیر ایران را نتیجه روش سیاسی آنها می دانم و اصولاً کسی که دارای افکار ناسیونالیستی باشد نمی تواند با عقاید انترناسیونالیستی که معنی صریح آن بیوطنی است سازگار باشد، هر چند این بیوطنی بصورت عالیجنابی و بشردوستی و برادری بوده باشد.

- مگر فلان نخست‌وزیر را دسته فراماسون‌ها و توده‌ای‌ها درهم نشکستند؟
 - اولاً این کار در اوائل نهضت ابداً مربوط به حزب توده نبود ثانیاً من قبول دارم که فراماسون‌ها بقدری که با نخست‌وزیر... دشمنی داشتند و دارند هرگز با کمونیستها مخالف نبوده‌اند...

... البته سناتور جمال امامی و اقلیت دوره‌ی شانزدهم بخصوص سعید مهدوی هم مؤثر بودند و نمایندگان اقلیت دوره‌ی هفدهم نیز خیلی تأثیر داشتند و هیچکدام از اینها نه از فراماسونهای قدیم بودند و نه جدید...

- شما از لژ تازه فراماسونری در ایران از کجا خبر دارید؟

- در اواخر دولت سپهبد زاهدی یکی از وزیران مهم آندولت و ایندولت که مردی مطلع و دانشمند است روزیکه در منزلش به اتفاق دکتر امینی و علم رفته بودیم، برای ما سه نفر به تفصیل از خلیل جواهری و دوستان نفری که عضو لژ او شده بودند از وزیر و وکیل و مدیرعامل شرکت... گرفته تا... صحبت کرد و در ضمن گفت:

عده‌ای از بد نامترین و بد سابقه‌ترین اشخاص را جمع کرده‌اند و... و در باره‌ی بعضی از آنها گفت که تمام کثافت و فساد را که ممکن است فردی در سنین مختلف داشته باشد، بعضی از این عده دارا می‌باشند و ضمناً از بعضی از فراماسونهای قدیمی هم خیلی تعریف کرد و گفت: - آنها بهیچوجه از قماش این دسته «دوستان نفری که لیدر آنها از فلسطین آمده است و اصلاً اهل سوریه است نمی‌باشند.

- خوب دیگر چه؟

- دیگر راجع بیاشگاه حافظ و (جمعیت برادران) در تهران که سردمدارانش دو سه نفری را مأمور توزیع هر وئین و کوکائین در میان جوانان کرده بودند و عده‌ای از مردمان بی‌آزار و کم اطلاع و شریف را نیز جمع کرده بودند و آنها را بنام طبقات جوانان و مترقی که طرفدار سیاست انگلستان و مخالف نفوذ امریکا در ایران

۱- این جمله اشاره بفعالیت مهم و علنی اعضاء فراماسونری لژ همایون علیه یکی از نخست‌وزیران است که خود جواهری هم آنرا تأیید می‌کند.

می‌باشند بحساب می‌گذاشتند و در همین گیرودار بود که برخی از مؤثرترین این (برادران) در همان هفته‌ها به‌گروه ایران نو رفتند و در کار روابط دوستانه آمریکا و ایران کوششهای مؤثر کردند و مورد محبت و احترام و استقبال امریکائیان نیز واقع شدند یعنی درست در جهت مخالف لژ دوئیست نفری فعالیت آغاز کردند و لژ- نشینان و برادران قدیم و جدید هم سخت بدشمنی آنها پرداختند و با شدت بیشتری مخالفت آنان با این (مرتد) ادامه دارد ...

... من راجع بفراماسونری خارج اطلاع زیادی ندارم اما می‌دانم که فراماسونری ایران شعبه‌ای از لژ قاهره است و آنها شعبه‌ای از (گرانداوریان) پاریس و فراماسونهای کشور ما از علاقمندان و هواداران سیاست‌کهنه‌ی استعماری انگلستان می‌باشند و در کشورهای خاورمیانه نقش اصلی آنها مبارزه با نفوذ مادی و معنوی امریکاست و به نظر من با شرایط سیاسی و جغرافیائی سی چهل سال اخیر ایران، فعالیت برادران فراماسون نه تنها بزبان ایران است بلکه با سیاست جدید انگلستان هم سازگار نیست بلکه برای انگلستان کاملاً مضر است.

در شماره دیگر ایران ما درباره لژ همایون تحت همان عنوان چنین نوشته شده است: «- آنچه راجع بخلیل جواهری و لژ (همایون) می‌گوئید درست است و اصولاً آنها فراماسون نبودند و یک دستگاہ تقلبی بود و بهم خورده ابداً با فراماسونهای اصلی و قدیمی ارتباط نداشت.

- باید گفت شکست خورد و همانطور که می‌دانید و گفتم حمله شدیدی که یکسال و نیم پیش ایران ما به آن دسته کرده و آقای افشار هم در مجلس اندکی پرده بازی آنان را بالا زد و بالاخره وقتی که روشن شد که اینها یکدسته‌ئی هستند که کارگردانان آن دسته، آنها را برای مبارزه با نفوذ مادی و معنوی آمریکا در ایران درست کرده‌اند دیگر مصلحت آن سیاست‌های خارجی که ایندسته خود را

۱ - از بین اعضاء لژ همایون فقط هشت نفر از آنها در لژهای کنونی فراماسونری

اسکاتلند و فرانسه در ایران شرکت ندارند.

وابسته آن سیاست می‌دانستند اقتضا نمی‌کرد که فعالیت چنین دسته‌ای به آن صورت ادامه پیدا کند.

- خلیل جواهری اصولاً فراماسون نبود.

- شاید هم بود (شارتر) فرمان او بالتر فراماسون‌های قدیمی اختلاف داشت، جواهری از هر کس که وارد می‌شد در همان وحله‌ی اول پنج لیره طلا به‌عنوان (تنصیب) می‌گرفت بعد هر کدام برای امور خیریه و سایر کارها مبالغ مهمی در اوائل کار می‌پرداختند و عده‌ای از نمایندگان خوشنام و درست‌کار مجلس را نیز به‌عنوان عضویت باشگاه حافظ و مهمانی بارجال بزرگ به‌دام کشیده بودند و این (بنایان آزاد) در مجلس هم علاوه بر اعضای متفرقه‌ای که پیدا کرده بودند يك فراکسیون مخصوص داشتند که اغلب آنها مردم خوشنامی بودند و با آن که آنها بپای خود به‌دام (بنایان آزاد) افتاده بودند نمی‌دانستند که چه بنائی را می‌خواهند به دست آنها آزادانه خرابتر کنند.

این‌ها اغلب بسراغ کسانی رفته بودند که پدر آنها یا از فراماسن‌ها بودند یا معروف بفراماسون و بیشتر در دنبال نمایندگان بی‌سروصدا و متین و بقول ما (طرفداران بیطرف دولت) می‌رفتند ...».

علاوه بر حمله مستقیم و علنی که روزنامه ایران ما به لژ همایون و محمد خلیل جواهری کرد در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ نیز در ایران، مقالات دیگری علیه لژ همایون نوشته شده بود.

چون دشمنی ایران ما نسبت به لژ همایون علنی بود، برای اینکه تنها مندرجات ایران ما را نقل نکرده و یکطرفه قضاوت نکرده باشم در باره حمله جهانگیر تفضلی مدیر ایران ما، به لژ همایون از محمد خلیل جواهری سؤال کردم وی در جواب گفت:

من با آقای جهانگیر تفضلی از سال ۱۳۲۳ آشنا بودم، در آنسال ایشان به

اتفاق مرحوم محمد مسعود، خسرو اقبال و جعفر جهان بودند و هفته‌ای یکبار با یکدیگر ملاقات می‌کردیم و در محل فعلی سینما پارك باهم نهار می‌خوردیم. در این جلسات که چند سال طول کشید من درباره اصول روزنامه‌نگاری جهان و سوژه مقالات با چهار روزنامه‌نویس مزبور گفتگو و مذاکره می‌کردم.

روابط من با آقای تفضلی صمیمانه بود و تصور می‌کنم حملاتی که ایشان به من کرده‌اند به دستور سر تیپ حاجعلی کیا یا مهندس قباد ظفر عضو لژ همایون بود که هم‌اکنون نیز در یکی از لژهای دیگر عضویت دارد^۱ چون درین مقالات مکرر نام باشگاه حافظ برده شده، بی‌مناسبت نیست که این باشگاه فراماسونری ایران را نیز معرفی کنیم:

باشگاه حافظ یکی از ارگانهای علنی لژ همایون بود. این

باشگاه حافظ باشگاه در سال ۱۳۳۱ در تهران خیابان نادری کوچه مسعود-

سعد تشکیل گردید.

باشگاه حافظ تا سال ۱۳۳۵ ش (۱۹۵۷ م) در تهران بود و فقط فراماسن‌های

عضو لژ همایون حق داشتند، به آن رفت و آمد کنند. حق عضویت باشگاه ماهانه ۲۵۰ ریال بود که علاوه بر استفاده از وسائل تفریح، از بار و رستوران نیز برای صرف شام و نهار استفاده می‌شد.

در باشگاه حافظ فستیوال سالانه فراماسونری لژ همایون که فقط اعضاء لژ

حق شرکت در آن داشتند، تشکیل می‌شد. علاوه بر این مهمانیهای سفید فراماسنی که در آن «بیگانگان»^۱ نیز شرکت داشتند، برگزار می‌گردید.

اساسنامه باشگاه حافظ، نخستین نوشته ایست که فراماسن‌های ایرانی در

سازمان دولتی ایران به ثبت رسانیده‌اند. این اساسنامه که بعدها از طرف اعضاء لژ کورش و تهران و خیام تقلید شد و «باشگاه رازی» بر اساس آن تشکیل گردید

۱- فراماسن‌ها به کسانی که عضو لژهای فراماسونری نیستند، بیگانه می‌گویند.

بوسیله مرحوم صادق سرمد ، جعفر جهان و دکتر پرتو نوشته شده است . این سه نفر در عین حال اعضاء هیئت مدیره باشگاه حافظ بودند ولی کارگردان اصلی و مدیر عامل شخص محمد خلیل جواهری بود .

اینک فصول اساسنامه باشگاه حافظ را که در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسیده است عیناً نقل می‌کنیم :



پرچم مخصوص لژ همایون که در کنار کرسی
استاد اعظم برافراشته میشد



اساسنامه باشگاه حافظ

فصل اول - کلیات :

ماده ۱- باشگاهی بنام باشگاه حافظ برای مدت نامحدود در ایران تأسیس و طبق مواد این اساسنامه اداره میشود .

ماده ۲- منظور از تشکیل باشگاه حافظ عبارت است از : ایجاد روابط دوستی بین اعضاء باشگاه بمنظور تعاون و معاضدت و راهنمایی یکدیگر و همچنین همکاری و همفکری و تشریک مساعی آنها در امور خیریه و خدمات نوعی و علمی و فرهنگی و نیکوکاری نسبت بمردم ایران .

ماده ۳- باشگاه حافظ دارای شخصیت حقوقی و تابع قانون شخصیت های حقوقی غیربازرگانی میباشد و مسئول تعهدات مالی باشگاه فقط دارائی باشگاه است.

ماده ۴ - باشگاه حافظ دارای تابعیت ایران و مرکز آن در ایران خیابان نادری - کوچه مسعود سعد است .

فصل دوم - عضویت :

ماده ۵ - عضو باشگاه کسی است که عضویت او بتصویب هیئت مدیره رسیده و بر طبق مصوبات این هیئت کارت عضویت (باعکس) بنام او صادر و ملغی نشده باشد .

تبصره - اشخاصیکه دوستی آنها با اکثریت اعضاء باشگاه میسر نبوده یا

دارای اخلاق و ایمان و تربیت و سواد و معلومات کافی نباشند نمیتوان به عضویت پذیرفت .

ماده ۶ - علاوه بر اعضای رسمی باشگاه فقط کسانی حق ورود به عمارت و محوطه باشگاه حافظ را دارند که در انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی و علمی و فرهنگی (که برقراری محل تشکیل جلسات آنها در این باشگاه بتصویب هیئت مدیره برسد) عضو باشد و کارت عضویت آنها بر طبق مصوبات این هیئت صادر و ملغی نشده باشد . معذالك اعضاء این انجمنها و سازمانها جز در ایام و ساعات و اطاق یا اطاقهاییکه از طرف مدیر عامل باشگاه برای آنها تخصیص داده شده نمیتوانند در باشگاه حافظ حضور یابند و جز تا موقعیکه مدیر عامل مزبور صلاح بداند نباید حضور داشته باشند .

فصل سوم - ارکان باشگاه :

ماده ۷ - باشگاه حافظ دارای سه رکن میباشد : مجمع عمومی - هیئت مدیره - مدیر عامل .

الف - مجمع عمومی

ماده ۸ - مجمع عمومی مرکب است از کلیه اعضاء رسمی باشگاه و تشکیل آن در پایان هر سال برای تعیین هیئت مدیره جدید و اخذ تصمیم نسبت به پیشنهادات هیئت مدیره قدیم الزامی است و بعلاوه در ظرف سال ممکن است بطور فوق العاده برای اخذ تصمیمات مهم دعوت شود .

ماده ۹ - مجمع عمومی بوسیله اعلان در عمارت باشگاه و در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تهران دعوت میشود و با حضور نصف بعلاوه يك عده اعضاء حاضر (باستثنای هیئت مدیره و مدیر عامل) اتخاذ خواهد نمود . چنانچه در دفعه اول حد نصاب حاصل نشد در دفعه دوم جلسه مجمع عمومی با حضور اعضاء حاضر رسمیت خواهد یافت و تحت ریاست رئیس باشگاه و یامسن ترین اعضاء اداره

خواهد شد و دبیر باشگاه یا جوان ترین اعضاء حاضر که دارای درجه فرهنگی لیسانس باشد منشی مجمع عمومی خواهد بود .

ب - هیئت مدیره

ماده ۱۰ - هیئت مدیره مرکب از هفت نفر است که برای مدت یکسال در مجمع عمومی سالیانه از بین اعضاء باشگاه انتخاب میشوند و مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است هیئت مدیره قدیم بوظایف خود عمل خواهد کرد .

ماده ۱۱ - در صورت فوت یا استعفاء یکی از اعضاء هیئت مدیره (بیش از سه ماه قبل از انتهای دوره انتخاب) باید مجمع عمومی برای تعیین جانشین دعوت گردد . مجمع عمومی سالیانه سه نفر را از بین اعضاء باشگاه بعنوان علی - البدل اعضاء هیئت مدیره انتخاب میکند تا بجای اشخاص ممنوع یا مسافر برای شرکت در جلسات هیئت مدیره دعوت شوند ولی در صورتیکه بهر دلیل عدم حضور عده ای از مدیران یا اعضاء علی البدل بیش از دوبار یا بیش از یکماه باعث عدم تشکیل جلسه هیئت مدیره گردد رئیس یا سه نفر از اعضاء هیئت مدیره یا ۱۵ نفر از اعضاء باشگاه میتوانند مجمع عمومی برای تجدید انتخاب تمام یا عده ای از اعضاء هیئت مدیره و اعضاء علی البدل دعوت نمایند .

ماده ۱۲ - هیئت مدیره سال اول تأسیس در تاریخ ۳۱/۲/۲۵ از طرف مؤسسين انتخاب شده اند و اسامی آنها بشرح زیر است :

- ۱ - دکتر علی پرتو ۲ - صادق سرمد ۳ - مهندس عباس مافی ۴ - جعفر جهان
- ۵ - سید محمد میرهادی ۶ - دکتر حبیب اله یدیدی ۷ - علی اصغر سلسبیلی .

ماده ۱۳ - هیئت مدیره در اولین جلسه یکنفر از اعضاء خود را بعنوان رئیس و یکنفر از بین خود بعنوان دبیر انتخاب خواهد نمود رئیس و دبیر هیئت مدیره رئیس و دبیر باشگاه نیز میباشند و صورت جلسات هیئت مدیره مانند صورت جلسات مجمع عمومی باید بامضای رئیس و دبیر رسیده تحویل مدیرعامل باشگاه گردد و در دفاتر مخصوص ثبت و ضبط گردد .

ماده ۱۴ - هیئت مدیره در هر ۱۵ روز لااقل یکبار تشکیل جلسه میدهد و رئیس هیئت و همچنین مدیر عامل باشگاه میتوانند در هر موقع لازم بدانند هیئت مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت نمایند .

ماده ۱۵ - هیئت مدیره با حضور پنج نفر از علماء رسمیت یافته و تصمیمات آن به اکثریت آراء حاضر اخذ میشود ولی در هر حال هر تصمیم لااقل محتاج به چهار رأی میباشد .

ماده ۱۶ - وظائف هیئت مدیره بقرار زیر است :

۱ - تعیین و تغییر مدیر عامل باشگاه .
 ۲ - قبول عضو جدید (در صورت واجد بودن شرائط و داشتن دو معرف از بین اعضاء) و ابطال عضویت کسانی که عدم صلاحیت آنها را پس از رسیدگی محرز بداند .

۳ - مراقبت در حسن جریان امور باشگاه .

۴ - قبول یا رد تقاضاهای مربوط به برقراری محل تشکیل جلسات انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی یا علمی یا فرهنگی در باشگاه و تعیین مقررات مربوط باین کار و همچنین تصویب مقررات مربوط به جشنها و میهمانیها .

۵ - تصویب تراز نامه و گزارش عمل سالانه باشگاه .

۶ - تصویب بودجه باشگاه .

۷ - بحث در باره پیشنهادات مدیر عامل یا نظریات اعضاء باشگاه و قبول یا رد آنها بر طبق موازین این اساسنامه .

۸ - تصویب برقراری کلیه آئین نامه‌هایی که در اجرای این اساسنامه ضرورت پیدا میکند .

۹ - تعیین حدود اختیارات مدیر عامل و کسانی که میتوانند باشگاه را متعهد یا مدیون نموده از وجوه و دارائی آن برای آموزشگاه استفاده یا از طرف آن قرارداد منعقد نمایند .

۱۰ - دعوت مجمع عمومی و تهیه پیشنهادات برای تصویب آن .
تبصره - تصویب تغییر اساسنامه یا انحلال باشگاه از مختصات جلسه مجمع عمومی است و در تشکیل جلسه برای اینکار حضور لااقل دو نلک از اعضاء باشگاه ضروری می باشد .

ج - مدیر عامل

ماده ۱۶ - مدیر عامل باشگاه حافظ توسط هیئت مدیره آن خواه از بین اعضاء این هیئت و خواه از بین سایر اعضاء باشگاه برای مدت یکسال انتخاب می گردد و حدود وظائف و اختیارات آن علاوه بر آنچه در این اساسنامه ذکر گردیده و در حدود این اساسنامه بسته بنظر هیئت مدیره است .

ماده ۱۷ - مدیر عامل در جلسات هیئت مدیره حضور یافته و می تواند هر نوع پیشنهاد که صلاح بداند برای تصویب تقدیم نماید .

ماده ۱۸ - مدیر عامل مسئول کلیه امور اداری و مالی و انتظامات و حفظ دارائی و دفاتر و آرشیو باشگاه بوده سرپرستی کارمندان داخلی از قبیل اعضاء دفتری و پیشخدمت و باغبان و غیره را برعهده داشته و مأمور اجرای تصمیمات هیئت مدیره و مجمع عمومی میباشد و نیز تهیه و تنظیم ترازنامه و گزارش علمی سالیانه و بودجه باشگاه و گذرانیدن آنها از تصویب هیئت مدیره با مدیر عامل است .

فصل چهارم : درآمد و مخارج و ترازنامه باشگاه

الف - درآمد

ماده ۱۹ - باشگاه حافظ دارای عوائد زیر خواهد بود :

۱ - ورودیه اعضاء باشگاه .

۲ - حق عضویت ماهیانه .

۳ - حق پذیرائی از انجمنها و سازمانهای نوعی و علمی یا فرهنگی

مواقعیکه در باشگاه حافظ تشکیل جلسه می دهند .

۴ - عوائد رستوران و بوفه باشگاه .

۵ - عوائد جشنها و میهمانیها .

۶ - هدیه و بخشش هائیکه بصورت اموال منقول و یا غیر منقول یا وجه نقد باشگاه می شود و ه نوع عوائد دیگری که هیئت مدیره بر طبق موازین این اساسنامه تصویب نماید .

تبصره - باشگاه حساب جاری یا نسبه کاری با هیچکس نخواهد داشت و اعضاء باشگاه مانند انجمنها و سازمانهایی که در باشگاه حافظ تشکیل جلسه می دهند باید تعهدات خود را برای هر ماه حد اکثر تا پانزدهم ماه ببعده به صندوق باشگاه واریز نمایند .

ب - مخارج و مصارف

ماده ۲۰ - مخارج و مصارف باشگاه عبارت خواهد بود از :

۱ - هزینه اداری و تهیه اسباب و لوازم و تهیه چیزهایی که در باشگاه صرف یا مصرف می شود حقوق مدیرعامل و پرداخت حقوق و دستمزد بکارمندان و کارکنان داخلی که تحت تعلیمات مدیر عامل در باشگاه انجام وظیفه می نمایند و پرداخت پاداش هائیکه بتصویب هیئت مدیره رسیده باشد .

۲ - کمکهای باشگاه بامور خیریه و خدعات ملی و نوعی و علمی و ادبی یا فرهنگی و انجمنها و مؤسسات مربوط به این امور .

ج - ترازنامه

ماده ۲۱ - مدیرعامل موظف است ترازنامه عمل باشگاه و گزارش عملیات خود را قبل از انقضای هر سال هجری شمسی برای تصویب تسلیم هیئت مدیره بنماید و تنظیم ترازنامه مستلزم این است که قبلا انواتر بعمل آمده باشد .

ماده ۲۲ - هیئت مدیره قبل از رسیدگی و تصویب ترازنامه یکنفر از اعضاء باشگاه را که وارد در امور مالی باشد و اگر یافت نشود از خارج بعنوان بازرس ترازنامه تعیین می نماید- این بازرس در مقابل اخذ حق الزحمه معین باید ترازنامه و گزارش عملیات تقدیمی مدیر عامل را با دفاتر و اموال و انبار و اوراق و اسناد

تطبیق نموده در ظرف یکماه گزارش خود را نسبت به صحت ارقام و ایراداتی اگر داشته باشد و همچنین هر نوع نظرهای اصلاحی که صلاح بداند به هیئت مدیره باشگاه تسلیم نماید .

ماده ۲۳ - هیئت مدیره ذر تعیین تکلیف سود خالص (پس از وضع هر نوع عوارض یا مالیات یا پاداش) با رعایت هدفهای این اساسنامه مختار است و مازاد سود مزبور - حساب دارائی باشگاه جهت سال بعد منتقل میگردد .

فصل پنجم : مواد متفرقه

ماده ۲۴ - کلیه اموال باشگاه باید در دفتر مخصوص (با ذکر خصوصیات و نحوه تعلیک و محل قرار گرفتن هر یک در باشگاه) ثبت گردد و مدیر عامل نمی تواند عاریه یا امانت و غیره یا در مقابل اجرت المثل بدون اجازه مخصوص هیئت مدیره از اختیار خود خارج نماید و مسئولیت محافظت آنها بمعهده شخص مدیر عامل است .

ماده ۲۵ - قبول مهمان یا برقراری جشنها و مجالس که اشخاص غیر عضو باشگاه بتوانند در آن شرکت نماید خواه در عمارت یا محوطه یا رستوران و یا بوفه باشگاه تابع مقررات موضوعه از طرف هیئت مدیره بوده و در غیر اینصورت ممکن نیست .

ماده ۲۶ - هر نوع فعالیت سیاسی از قبیل متینگ و دفتر روزنامه یا حزب در باشگاه حافظ ممنوع است .

باشگاه حافظ همزمان با فعالیت لژ همایون در تهران و ولایات همچنان بکار خود ادامه می داد.

جلسات روزانه باشگاه ظاهراً برای وقت گذرانی،

صرف مشروب الکلی و غیرالکلی و شام و ناهار می شد، ولی

در حقیقت کسانی که در آن محل اجتماع می کردند، بکارهای سیاسی می پرداختند و حتی می توان گفت که در انحلال دولت ها و روی کار آوردن برادران فراماسون

خود مؤثر بودند .

اما بعد از روی کار آمدن سپهبد زاهدی و زمامداری این نخست وزیر مقتدر که فقط مجری او امر شخص اول مملکت بود، بتدریج احساس شد که وجود باشگاه حافظ و دخالت‌های بی جا و بی مورد فراماسونها در امور مملکت ، لازم نیست بدین سبب دستور انحلال باشگاه مذکور داده شد .

همینکه دستور انحلال لژ همایون و باشگاه حافظ صادر شد ، هیئت مدیره باشگاه دعوتی از سی و پنج نفر اعضاء مؤسس باشگاه کرد تا مقدمات تعطیل و انحلال را صادر کنند .

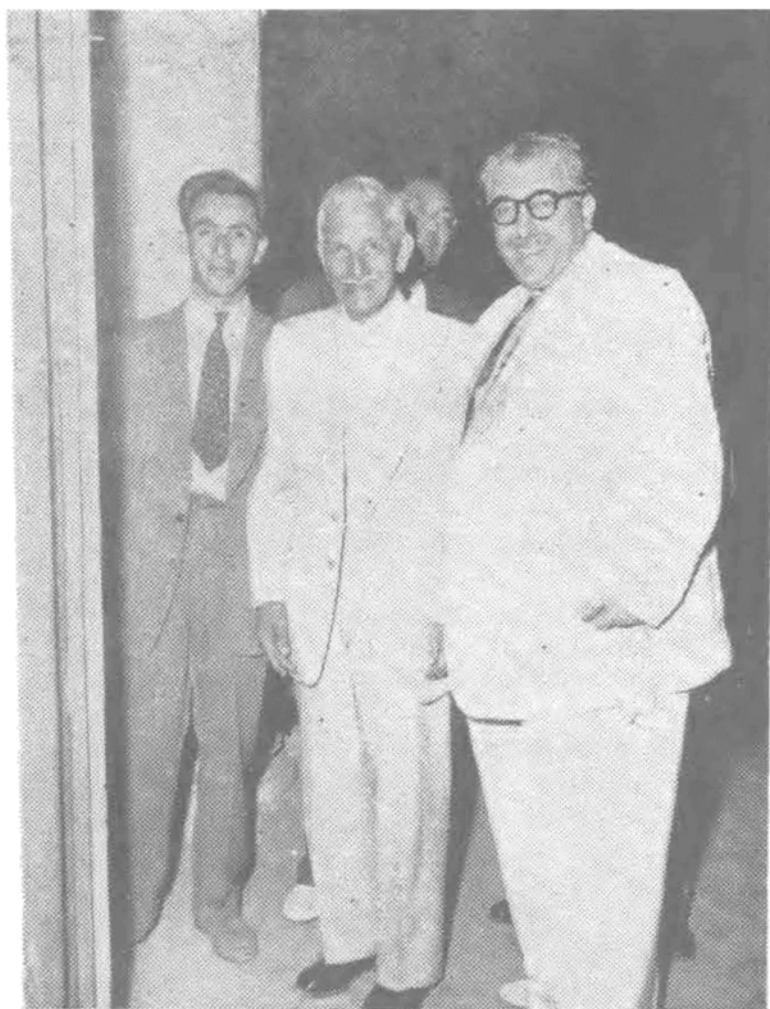
در روز ۲۳ شهریور ۱۳۳۵ بیست و چهار نفر از اعضاء مؤسس که اسامی آنها بد شرح زیر است ، در محل باشگاه اجتماع کردند :

- ۱- دکتر احمد هومن ۲- دکتر اسمعیل فیلسوفی ۳- دکتر رحمت مرشدزاده ۴- دکتر یحیی شهردار ۵- دکتر نوال ریاستین ۶- دکتر حبیب‌الله یدیدی ۷- دکتر فتح‌الله امیرجلالی ۸- دکتر جعفر جهانی ۹- مهندس تقی صباحی امین ۱۰- سیداسدالله موسوی ۱۱- عباس شایان ۱۲- مصطفی عامری ۱۳- عبدالله ظلی ۱۴- غلامحسین بوربور ۱۵- سید علی نصر ۱۶- سید محمد میرهادی ۱۷- علی کوچکعلی ۱۸- مهدی منصور ۱۹- سید ابوالحسن شاهرخ ۲۰- سیدعلی اکبر موسوی ۲۱- محمد علی امام شوشتری ۲۲- محمدرضا افتخار ۲۳- علی اصغر سلسبیلی و یکنفر دیگر که اسم او خوانده نشد .

این‌عده در همان جلسه فرمایشی ، باشگاه پنج ساله خود را منحل کرده جعفر جهان و صادق سرمد را مأمور تصفیه امور باشگاه کردند . همه لوازم و دارائی باشگاه عیناً به لژ مولوی که تازه تأسیس شده بود ، اختصاص داده شد و با

۱- پس از تشکیل لژ مولوی و سایر سازمانهای وابسته ماسونی در ایران دو نفر از اعضاء باشگاه حافظ حاضر بادامه فعالیت ماسونیک نشدند . اولی مهدی منصور صاحب منصب بازنشسته و شرافتمند وزارت دارائی و دیگری دکتر حبیب‌اله یدیدی کلیمی دارو - ساز بود .

از راست بچپ: محمدخلیل
 جواهری - ابراهیم حکیمی
 (حکیم الملک) استاد اعظم
 لژگرانداوریان فرانسه که
 پنجاه و سه سال فراماسون
 بود - علی اصغر سلیمی



فراماسونهای خوزستانی لژ همایون

چاپ آگهی زیر در روزنامه رسمی کشور و روزنامه اطلاعات در روز ۲۷ شهریور ۱۳۳۵ باشگاهی که نیم میلیون تومان دارائی داشت منحل گردید :

« ... پیرو آگهی های منتشره در روزنامه اطلاعات و طلوع دائر به دعوت اعضاء باشگاه حافظ برای تشکیل مجمع عمومی در تاریخ و ساعت مقرر امضاء کنندگان زیر در باشگاه حاضر و پس از مذاکرات کافی در اطراف انحلال باشگاه معتقد بانحلال باشگاه شدیم. لذا آقای جعفر جهان را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کرده و ذیل این ورقه را امضاء نمودیم که مراتب به اطلاع ثبت شرکت ها برسد ۲۵ شهریور ۱۳۳۵ »

در میان اسناد باقیمانده لژ همایون يك جزوه خطی بنام **يك رساله مخفی** اثرهای اولیه ای که برادری در من کرده است و وجود دارد که نموداری از افکار مؤسسين و کارگردانان فراماسنی و طرز

کار لژ همایون می باشد ، بدنیست عین این رساله را نقل کنیم :

آنچه که باید يك فراماسون بداند

اثر اول : راجع به مفهوم برادری و فلسفه آن .

برادر - مردی است آزاد و متقی . نیکوکار و خوش رفتار . یا راهنما و حامی و مدافع هر برادر و دوست تمام مردم دنیا از سفید و سیاه و فقیر و غنی بشرط آنکه متقی باشد .

برادری - اجتماعی است محرمانه و جهانی - مرکب از مردانی که بر اساس شرائط مذکور در فوق انتخاب شده اند . این تشکیلات دارای سنتی است موروثی و قدیمی که اسرار، آنرا تشکیل می دهند و اسرار دیگری بر حسب مقتضیات به وجود می آیند و نیز ممکن است طبق مصلحت روز در يك مملکت وجود محفل و هویت برادران جزء اسرار، قرار گیرد « مانند وضع فعلی ایران »

محیط - فعالیت این جمعیت در تمام نقاطی است که نوع بشر در آن زندگی می کند و هدف آن سعادت مردم دنیا از راه جستجوی حقیقت و حکمت و علم و معرفت و جمال می باشد .

فلسفه - مکتب برادری عبارت است از: اعتقاد و ایمان قطعی بوجود مهندس

بزرگ عالم و پیروی از قوانینی که از راه توجه و بوسیله چراغ عقل می بینیم او یعنی خداوند در نهاد طبیعت قرار داده است^۱. اهم این قوانین در مورد نوع و اجتماعات بشر عبارتند از: آزادی - مساوات - برادری .

غرض از آزادی خودسری و هرج و مرج نیست بلکه این کلمه را برادر همیشه باید با دستور ذیل: « آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران روا مدار و آنچه از دیگران در حق خود انتظار داری در باره آنها بجا آور. » توأمأ ویکجا در مدنظر قرار دهند زیرا: آزادی هر فرد محدود است به آزادی دیگران و در تلو همین معنی آزادی هر برادر محدود است به:

اصول - مکتب برادری یعنی: مساوات . برادری . و خدمت بنوع .
دلیل - پیدایش و بقاء مکتب و تشکیلات برادری عبارت است از: لزوم یافتن نور حقیقت و حکمت و ادب و هنر و اخلاق و همچنین لزوم تأمین آزادی و اجرای حق و عدالت برای سعادت بشر .

نتیجه - این فلسفه و توسعه این مکتب و تشکیلات عبارت خواهد بود از: اشاعه تقوی و ازدیاد اشخاص متقی - توسعه نیکوکاری و خدمت بخلق - ترقی و تکامل انسان و نتایج کارهای آن و وسایل زندگی نوع بشر، چون هرکس برادر می شود معمولاً پایبند به فلسفه دین خود و وجدان ملی و حس قومیت خود یا وطن پرستی نیز می باشد لازم می داند رابطه مکتب برادری با دین و نیز ارتباط آن با ملیت و وطن پرستی روشن باشد و بعقیده من:

۱ - قبول فلسفه مکتب برادری با داشتن مذهب مباینیت ندارد بلکه «تا این مرحله از سیر تکاملی که بشر رسیده و ما هستیم» با آن ملازمه دارد زیرا: اعتقاد بوجود مهندس بزرگ عالم که پایه مکتب برادری است اولین اصل هر یک مذاهب آسمانی نیز می باشد - کسیکه به این اصل معتقد نباشد برادر نیست و

۱- فراماسونها استاد اعظم خود را « مهندس بزرگ عالم » خطاب می کنند و خداوند را در وجود طبیعت می دانند .

هر کس این اصل را مسلم داند اولین پایه تمام مذاهب آسمانی را هم قبول کرده است. منتهی برادری چون خواهان آزادی نوع بشر است نسبت به بقیه اصول مذاهب برادر را بر حسب مذهبی که دارد آزاد می‌گذارد و هر برادر در عین حال که مذهب خود را حفظ می‌کند بصاحبان مذاهب دیگر بشرط خداپرست بودن آنها با دیده اغماض و احترام متقابل می‌نگردد و اختلاف مذهب را مانع برادر شدن ندانسته و سعی می‌کند تمام مردم دنیا را در زیر لوای ایمان بوجود مهندس بزرگ عالم متحد نماید.

۲ - و نیز بعقیده من: مادام که آزادی و مساوات و برادری بین تمام اقوام و ملل و افراد نوع بشر بدرجه کمال نرسیده و این اصول در تمام نقاط دنیا بی هیچ استثناء از طرف نوع انسان پیروی نشود برادری با وطن پرستی نیز ملازمه دارد زیرا: وجدان ملی بمفهوم واقعی و ممدوح کلمه چیزی جز فداکاری در راه آزادی هموطنان و برقراری مساوات بین ابناء وطن با سایر ملل عالم در حقوق بین الملل و حفظ حقوق و شرافت هموطنان در مقابل متجاوزین و تعدی کنندگان نبوده و نیز جز نیکوکاری درباره مردم میهن و کمک به آنها «بر اساس یاری حق بر ضد باطل» و بهره‌مند ساختن آنها از عدالت و سعادت چیز دیگر نیست - بنابراین وطنپرستی و حس قومیت مادام که بمرحله تجاوز به حقوق دیگران نرسیده باشد بدبختی و بردگی سایر ملل عالم را بنبفع میهن مشخص مد نظر نداشته باشد هم با برادری مبیانت نداشته و هم با فلسفه این مکتب ملازمه دارد و زیست شرافتمند که وظیفه هر برادری است نیز به او حکم می‌کند که در راه حفظ شرافت ملت خود از هیچ فداکاری و جان‌بازی خودداری ننماید.

بعلاوه چنانچه افراد هر ملت و مملکت وطن پرستی را به مفهومی که ذکر شد حقیقتاً پیروی کنند و در عین حال معتقد به آزادی فردی و اجتماعی و مساوات و برادری برای تمام ملل و ابناء بشر نیز باشند بی هیچ شبهه سعادت نوع بشر «بطور کلی» که هدف اصلی مکتب ما و فلسفه برادری است خود بخود حاصل و صلح و

صفا را در دنیا برقرار و ضمناً تمام نقاط کره زمین آباد و وسایل زندگانی تمام مردم دنیا به اوج ترقی خواهد رسید .

۳ - ضمناً باید گفته شود که مکتب برادری حزب سیاسی نیست - فقط برادر بودن با ورود در احزابی که منکر آزادی - مساوات و برادری بوده یا برخلاف اصول آن عمل کنند مبیانت دارد.

وظائف برادر - بنا بر توضیحات فوق وظائف يك برادر را می توان در چهار جمله زیر خلاصه کرد :

عشق بخدا یا مهندس بزرگ عالم - عشق به هم نوع - عشق به شرافت خود و سعی کافی و وافی در حفظ نوامیس برادری و تشکیلات و اسرار آن - اینک توضیح:

۱ - عشق به خداوند عبارت است از پرستش و شکر مهندس بزرگ عالم و تحقیق رضایت او از راه خدمت به خلق و کمک به بیچارگان از دل و جان و دلسوزی بحال اشخاص منحرف و سعی در عودت دادن آنها به راه راست .

۲ - عشق به هم نوع - عبارتست از مراعات آزادی دیگران و رفتار و معامله با مردم بر اساس مراعات برادری و انصاف و حکم در باره آنها از روی عدالت متقابل و ترجیح دادن منافع عموم بر منافع شخص خود . بعبارت اخری و بطوریکه قبلاً گفته شد - برادر باید نسبت بدیگران همانطور رفتار کند که باطناً مایل است دیگران درباره او عمل کنند و آنچه بر خود نمی پسندد نباید بر دیگران روا دارد .

۳ - عشق بنخود - البته مقصود خودخواهی و خود پرستی نیست - بلکه برعکس کسیکه برادر می شود دیگر بنخود تعلق ندارد . مقصود از این عشق این است که برادر همیشه باید با در نظر داشتن حقیقت و اهمیت امور از هر عمل یا رفتاری گفتاری که موجب هتك شرافت یا تنزل حیثیت او می شود اجتناب ورزد - نزاکت و عفت بیان و عفت قلم را حتی در مواقع ذیحق و مظلوم واقع شدن رعایت

کند و خود را در زندگی طوری هدایت کند که در پیشگاه عقل و در دادگاه عدل مفتخر و سر بلند و شرافتمند باشد. - بهمین جهت بر هر برادر واجب است که از بلند پروازیهای بیجا - تکبر و غرور - داشتن و دادن نظریات بی اساس - و بالخصوص از اشتباه و خبط احتراز کنند و در عین حال با جهل و دروغ و تعصب های خرافاتی و موهومات «که چهار بلا و چهار مانع سعادت بشرند» جداً مبارزه نماید - و در جهت عکس بلند همتی و پشتکار و استحکام اخلاقی و استقامت و صمیمیت و صراحت را همواره شعار خود قرار دهد .

۴ - سعی کافی و وافی در حفظ جمعیت و تشکیلات و اسرار برادری بطور خلاصه عبارت از این است که برادر باید در رعایت انضباط جمعیت برادری نهایت درجه بکوشد و اسرار این جمعیت و اسرار برادران را حتی به قیمت جان خود حفظ نماید و در راه پیشرفت هدف مکتب برادری و کمک به برادران از هیچ چیز مضایقه و دریغ ننماید و همیشه در نظر داشته باشد که در صورت خیانت به برادری یا به برادر مستحق شدیدترین مجازاتها خواهد بود .

اثر دوم : آنچه از علامات و تصاویر و البسه و نشانها و سنن موروثی برادری و ترتیب دادن محفل و زینتهای آن و بالاخره هر یک از اسرار برادری استنباط می کنم این است که هیچیک از آنها بی دلیل مقرر نشده و بی فلسفه نیست. مثلاً وقتی : در موقع انجام تشریفات قبولی برادر تمام شمشیرها بطرف تازه وارد روی می آورند اولاً علامت این است که در مواقع گرفتاری و احتیاج تمام برادران به کمک برادر خواهند شتافت و ثانیاً - در صورت بروز رفتار ناجوانمردانه و مفرضانه از طرف برادری نسبت به برادر دیگر - یا فاش کردن اسرار برادری و خیانت باین اجتماع تمام برادران در گرفتن انتقام و مجازات مشارکت نموده یا از یکدیگر سبقت خواهند گرفت.

اثر سوم : تعجب من است از تضادی که بین مکتب برادری و افکار عمومی

مردم ایران نسبت به آن وجود دارد. البته چون برادری برای تأمین آزادی و مساوات و پیشرفت حقیقت برضد دیکتاتوری و بردگی نوع بشر مبارزه می کند همیشه از طرف حکومت‌های استبدادی و طرفداران آنها و هم چنین از طرف زورمندانی که ستونهای قدرت خود را بر روی تعصبات و خرافات مردم جاهل قرار می دهند مورد حملات ناروا و موضوع تبلیغات سوء بوده است ولی در هیچ يك از ممالك دنیا که شکل حکومت آنها مانند ما بصورت دمکراسی باشد تا این درجه حقیقت برادری وارونه و برعکس معرفی نشده است و اینجانب برای تخفیف این جریان تأسف آور راهی بنظرم رسیده که هر موقع اساتید و بزرگان محفل ما صلاح بدانند بعرض خواهم رسانید.

اثر چهارم: با اینکه ایران مهد زردشت یعنی موطن یکی از بزرگترین

کسانی است که تاریخ برادری، نام آنها را بعنوان مؤسسين مکتب خود ثبت و یا لااقل از فلسفه و نحوه عمل آنها استفاده و اقتباس کرده است، معذک امروز در بین ملل متمدن دنیا کمتر ملتی بقدر ایرانیان از اصول و روش برادری دوری جسته و کمتر مردمی باندازه هموطنان ما احتیاج به ارشاد دارند. نظر به نکات اخیر - الذکر ما برادران ایران قاعدتاً باید نسبت به برادران سایر ممالك متمدن و وظائف سنگین تر و بیشتری بر روی دوشهای خود حس کنیم و وظائف ذیل را علاوه بر آنچه قبلاً گفته شد انجام دهیم:

۱- کوشش زیاد در ازدیاد تعداد برادران و در عین حال دقت بیشتر در قبول اشخاص و مخصوصاً اجتناب از اشخاص ظاهرالصلاحی که با حربۀ دوروئی و دروغگوئی برای حفظ موقعیت خود بهر سازی می رقصدند.

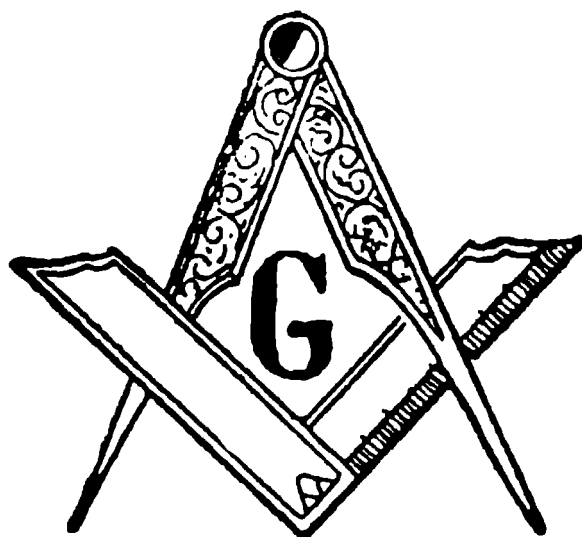
۲- سعی بیشتری در سری نگاهداشتن تشکیلات و محفل و هویت برادران

« نسبت به سایر ممالك دنیا »

۳- کوشش فراوان در اجرای اصل نیکوکاری و کمک فوق العاده در راه

تأمین سعادت ملت ایران .

ما اگر واقعاً برادریم باید با جهل و ظلم و دروغ و خرافات و فقر که گریبان
ملت ما را گرفته است شدیداً مبارزه کنیم و بیش از این نگذاریم این کشور در
خرابی و عقب‌ماندگی و این ملت در بدبختی باقی بماند .





LODGE LIGHT IN IRAN

N° 1191 S. C.

TEHRAN, PERSIA.



فصل بیست و ششم

لو روشنائی در ایران

لژ روشنائی در شیراز

نخستین لژ فراماسونری با اجازه انگلیس در ایران، که می‌توان آن را قدیمی‌ترین لژ دانست، لژ نظامیان انگلیسی بنام « روشنائی در شیراز » - Light in Shiraz است. این لژ که بموجب فرمان، گراند لژ اسکاتلند در روز بیستم فوریه ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ هـ) در شهر شیراز بوسیله افسران و گروهبانان ارتش مستعمراتی انگلیس تشکیل شد، مدت نیم قرن است که با شماره ۱۹۱۱ بفعالیت خود ادامه می‌دهد. فرمان تأسیس لژ مذکور بموجب فرمان کتبی و ضمانت برادر بسیار ارجمند فراماسونی انگلیس بنام ماژور ژنرال جنینگر W. E. Jennings. M. D. IMS صادر شده است و افسران زیر را می‌توان از جمله مؤسسين این لژ در ایران دانست:

Rt. Wor. Bro. W. H. Hallsworth .

- ‘ E. F. Orton .
- ‘ C. H. Carr .
- ‘ S/ Howard .
- ‘ J. E. B. Horson .
- ‘ F. W. Hurse .
- ‘ N. Briggs .
- ‘ J. B. Dalzell - Hunter .
- ‘ A. G. Woosnam .
- ‘ W. Hayes .
- ‘ H. M. McIntyre .
- ‘ J. W. Smalley .
- ‘ H. Webber .
- ‘ A. D. Wise .
- ‘ J. H. Kerson .
- ‘ A. Williams .
- ‘ De. V. Condon .
- ‘ H. A. K. Gongh .
- ‘ W. J. Marmion .

از روزیکه وزارت مستعمرات انگلیس برای پیش بردن مقاصد شوم استعماری و استثماری خود در صدد استفاده از سازمانهای فراماسونری برآمد، ایجاد لژهای نظامی انگلیس، در مناطقی که مورد نظر استعمار طلبان امپراتوری بریتانیا بود، آغاز شد و گسترش یافت .

نخستین باری که استعمار طلبان انگلیس در صدد استفاده از لژهای فراماسونری نظامی در مناطق مختلف گیتی برآمدند، بسال ۱۷۲۸ - ۲ (۱۳۴۶ - ه) و در جبل الطارق بود. در آن ایام، تنگه جبل الطارق شاهراه حیاتی انگلیس و پایگاه منحصر بفردی برای نفوذ و هجوم ارتش امپراتوری به افریقا و خاورمیانه بود.

لژ نظامی مانند سایر تأسیسات هنگهای ارتش انگلیس که به افریقا و یا خاورمیانه اعزام می شدند، در حال حرکت نبود، بلکه سازمانی بود که همیشه در خارج از محیط سر بازخانه استقرار داشت. بعد از تشکیل این لژ ماسونی انگلیس در سال ۱۷۳۲ - م (۱۱۴۴ - ه) گراند لژ ایرلند، فرمانی برای تأسیس لژ ماسونی در هنگ شماره یک ایرلند صادر کرده و در سال ۱۷۴۷ - م (۱۱۵۹ - ه) نیز گراند لژ اسکاتلند لژی بنام «دوک اف نور فوک» را در دوازدهمین هنگ پیاده اسکاتلند که هم اکنون بنام هنگ «سافوک» نامیده می شود تأسیس کرد.

نتایج سودمندی که استعمارگران انگلیسی از تأسیس لژهای فراماسونری نظامی انگلستان در پیشرفت هدفهای مستعمراتی خود در مناطق مورد نظر گرفتند، سبب شد تا همه ساله لژهای نظامی در کشورهایی که هدف وزارت مستعمرات بودند، تأسیس شود.

آخرین لژهای نظامی که انگلیس ها تشکیل دادند لژ «دوستان اجتماعی شماره ۴۹۷» نام داشت و وابسته به هنگ هشتم و نهم سلطنتی ایرلند بود، و در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد بموجب نوشته مجله «فراماسونری رکورد» در فرمانی که «رویال اسکاچ» صادر کرده است، تمام سر بازاری که در ایرلند در لژهای نظامی هستند، ایرلندی نژاد محسوب می شوند و هر کدام از آنها دارای فرامین بخصوصی می باشند، که می توانند مثل یک لژ مقیم و ثابت فعالیت کنند و با هنگها عزیمت نکنند. در همین مجله فراماسونری، اهمیت لژهای نظامی تشریح شده و آنها را مانند «پل مستحکم و ثابتی در تاریخ فراماسونی انگلیس» با اهمیت معرفی می کند. در همین

فرمان نوشته شده است «بدون شك و تردید ترویج فراماسونی در ماوراء دریاها، مرهون مجاهدتها و فعالیت‌های مستمر اعضای لژهای نظامی بوده است. اعضای لژهای نظامی بهر جای می‌نهادند، همراه خودشان فراماسونری را رواج می‌دادند، اینان که مدت کوتاهی در پادگان‌ها و شهرها مقیم بودند، فراماسونری را برای مردم سرزمین‌های دوردست و ماوراء بحار به ارمغان می‌بردند، و درحالی‌که خود آنها بعد از مدتی آن نقاط را ترك می‌کردند، لژهای ماسونری را همچنان در آن کشورها باقی می‌گذاشتند که تا به امروز نیز مشغول کار و فعالیتند.»

لژ روشنائی در ایران که مدت کوتاهی نیز بنام لژ شیراز موسوم بود بوسیله افسران نظامی انگلیس و قشون مستعمراتی «اس. پی. آر» در فارس و جنوب ایران تأسیس شد.

طراحان نظامی و مستعمراتی انگلیس از اوائل قرن نوزدهم، همواره در صدد تشکیل نیروی نظامی در جنوب ایران بودند. دیپلماتها و نظامیان انگلیسی، هرگاه فرصتی بدست می‌آوردند، سعی می‌کردند، يك نیروی نظامی قوی در جنوب ایران تشکیل دهند. در اوایل سال ۱۹۰۳ - م (۱۳۲۰ - ه) این فکر شوم بمرحله اجراء درآمد و دولت انگلیس اعلام کرد که نیروئی بنام «پلیس بومی» در جنوب ایران بوجود می‌آورد. نخستین اظهار نظر رسمی که در این باره شده، در روز پنجم مه ۱۹۰۳ - م (۱۳۲۰ - ه) بوسیله لرد «لانسدوان» وزیر امور خارجه وقت انگلیس و در مجلس اعیان آن کشور بوده است. او در نطقی که در آنروز ایراد کرد، گفت: «... ما کوشش کرده‌ایم که تجارت و نفوذ بریتانیا را بهر وسیله‌ای که در دست داریم تأمین و تشویق کنیم و همچنین پروژه‌های متعددی روی همین زمینه از قبیل تشکیل يك قوه پلیس بومی برای حفظ امنیت راههای جنوبی - تحت مطالعه است...»^۱

تلاش دیپلماسی انگلیس برای تأسیس «پلیس بومی» در جنوب ایران با نام

و زیر عنوان فریبنده «حفظ امنیت تجارت و راه‌های تجارتي» با مقاومت دولت و مردم ایران مواجه شد. و در مقابل این اقدام يك جانبه انگلیسها، فکر تشکیل ژاندارمری تحت نظر افسران سوئدی بمرحله عمل در آمد. انگلیسها ابتدا با این فکر موافقت کردند ولی بطوریکه بعدها رجال انگلیسی گفتند آنها تصور می‌کردند که با انتخاب افسران طرف اعتماد و یا تحت نفوذ خودشان خواهند توانست مقاصد خویش را بوسیله افسران ایرانی و سوئدی بمرحله عمل در آورند. اما پس از تشکیل ژاندارمری و شروع فعالیت افسران سوئدی، انگلیسها متوجه اشتباه خود شدند و بقول جهانگیر قائم مقامی «... افسران سوئدی دریافتند که انگلیسها قصد دارند آنها را آلت اجرای مقاصد خود نمایند. آنهم نیات و مقاصدی که با اصول خدمتگذاری ایشان نسبت بدولت ایران وفق نمیداد» در سال ۱۹۰۷-م (۱۳۲۴ - ه) که نقشه شوم تجزیه ایران بدو منطقه نفوذ انگلیس و روس به‌روی کاغذ آمد، در معاهده مزبور تأیید شده بود که منطقه بیطرف از میان رفته است و دولتین روس و انگلیس این امتیاز و حق را برای خود قائل هستند که بتوانند هر يك لشکری از سربازان ایرانی تحت هدایت و فرماندهی افسران خویش در مناطق نفوذ خود تشکیل و تربیت دهند.^۱

پس از امضاء این قرارداد، روسها بلافاصله شروع بکار کرده، بریگاد قزاق را توسعه دادند و امتیاز نامه ۱۹۰۷-م (۱۳۲۴-ه) را منطبق با این اقدام دانستند. انگلیسها هم برای اینکه از رقیب خود عقب نمانده باشند، بدون موافقت دولت ایران، سازمان تفنگچیان جنوب ایران *South Persian rifells* را که مخفف آن با سه حرف (S. P. R.) نشان داده می‌شد، تشکیل دادند. این سازمان تحت نظر ژنرال سرپرسی سایکس^۲ اداره می‌شد.

و ثوق الدوله که در آن زمان رئیس‌الوزراء ایران بود، وقتی خود را در برابر

۱ - تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران ص ۲۰۵.

عملی انجام شده دید، برای اینکه اثر آنها را اندازه‌ای خنثی و یا لااقل تعدیل کرده باشد^۱ به صورتی موافقت کرد که پلیس جنوب تا پایان جنگ، آنهم بطور موقت، در فارس و کرمان دائر باشد.

پلیس جنوب در حقیقت سپاهی منظم و مرکب از ۵۴۰۰ گروهبان و سرباز ۴۷ افسر ارشد انگلیسی و ۱۹۰ افسر ایرانی و ۲۵۶ افسر جزء انگلیسی و هندی بود.

مورخ الهوله سپهر در این باره می‌نویسد: «این نیروی نظامی تحت او امر یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی بعنوان جنرال اینس پکتور قرار گرفته و ارکان حرب او در شیراز مرکب است از هشت نفر صاحب‌منصب اتاماژور انگلیسی و سه افسر ایرانی و بریگاد تقسیم شده با اسم بریگاد فارس و بریگاد کرمان. مرکز فرماندهی هم یکی در شیراز و دیگری در کرمان جای دارد. فرماندهی هر دو بریگاد با افسران انگلیسی بود و بهر یک از دو فرمانده، چهار نفر افسر انگلیسی و دو افسر ایرانی کمک داده شده بود...»^۲

در تهران سفارت انگلیس و مقامات نظامی سعی داشتند سندی بدست آورند که بموجب آن دولت ایران «پلیس جنوب» را برسمیت بشناسد، تا بدین ترتیب بتوانند به عملیات خودسرانه خود جنبه رسمیت بدهند.

هنگامیکه وثوق‌الدوله در ماده سوم قرارداد شوم ۹ اوت ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ هـ) موافقت کرد که «... قشون ایران متحدالشکل شود و پلیس جنوب هم بدان منضم گردد...» انگلیسها نظر خود را تأمین شده دیدند. چون اگر این قرارداد تصویب می‌شد، علاوه بر رسمیت یافتن «پلیس جنوب» محققاً بار سنگین مخارج آن نیز به بودجه دولت ایران تحمیل می‌شد. ولی در نتیجه مبارزاتی که مردم، مطبوعات، نمایندگان مجلس، دولتها و رجال مملکتی با انگلیسها کردند آنان در این زمینه موفقیتی بدست نیاوردند.

۱- ایران در جنگ بزرگ - ص ۱۲۷.

۲- ایضاً همین کتاب ص ۱۲۷.

پس از کودتای ۱۲۹۹-ش (۱۹۲۰-م) سیدضیاءالدین طباطبائی تلگرافی بد والی فارس مخابره کرده و اطلاع داد: «... بفرماندهی قشون جنوب امر شده که يك ستون قشون بانوپخانه بدتهران اعزام دارد...»^۱ سید ضیاء می خواست بدین وسیله پلیس جنوب را منحل و آنرا ضمیمه ژاندارمری ایران کند، ولی انگلیسها موافقت نکردند، زیرا رؤسای ژاندارمری همه از دشمنان انگلیسها بودند.

پس از اینکه سردار سپه ارتش را متحدالشکل کرد و آنرا به صورت منظمی درآورد، درصدد انحلال پلیس جنوب برآمد و به سفارت انگلیس درتهران فشار آورد تا انحلال پلیس جنوب را رسماً اعلام کند. روز سوم اسفند ۱۳۰۰-ش (۲۶ ژانویه ۱۹۲۱-م) لرد کرزن نطقی در مجلس عوام انگلیس ایراد کرد و گفت: «پلیس جنوب روزهای آخر عمر خود را طی می کند، در نتیجه انحلال پلیس جنوب، فرماندهی انگلیس دو اب خود را کشته، آذوقه و علوفه را آتش زده با باقیمانده سلاح و ساز و برگ از ایران رفتند»^۲ اکنون به بینیم افسران و اعضاء پلیس (اس. پی. آر) درلتر فراماسونری چه می کردند.

لژ روشنائی شیراز، در سالهائی که در شیراز کار می کرد، علاوه بر نظامیان انگلیسی، عده ای از اتباع آندولت را نیز به عضویت پذیرفت، که در بین آنها ژنرال کنسول انگلیس در شیراز، رئیس بانگک شاهی، رئیس گاراژ و تجارتخانه زیگلر انگلیس و چند انگلیسی دیگر را می توان نام برد.

فعالیت افسران

انگلیسی در لژ

فراماسونری

در این لژ اولین دبیر و کارگردانی که شیرازی های سرشناس او را می شناختند، سرهنک «هنتر» بود. او محفل فراماسونی «روشنائی در شیراز» را در خانه «فتح - الملك شیرازی» تشکیل می داد و مبلمان مخصوص لژ را که از هندوستان آورده بودند، بعد از تعطیل لژ به «مارتیروس سرکیس» تحویل دادند.

۱- کتاب تاریخ سیاسی نظام ایران ص ۲۲۱

۲- ایضاً همین کتاب ص ۲۲۱

مارتیروس سرکیس ارمنی تنها ایرانی غیر نظامی عضو لژ روشنائی در شیراز است که مدتها پیش در لندن به عضویت یکی از لژهای انگلند درآمده بود. او سالها قبل به نویسنده گفت: «پس از تشکیل لژ روشنائی، فرمانفرما - والی فارس - وقوام شیرازی، هردو به ژنرال سایکس مراجعه کرده و از او می‌خواهند تا وسائل ورود آنان را به لژ فراهم کند. ولی ژنرال سایکس به آنها می‌گوید، فقط رؤساء و کارگردانان لژ می‌توانند در این باره تصمیم بگیرند... نه من و نه سفیر انگلیس، هیچکدام نمی‌توانیم شماها را به لژ تحمیل کنیم...» این جملات که عیناً از دفترچه خاطرات سرکیس نقل شده، تا اندازه‌ای اغراق آمیز به نظر می‌رسد. زیرا در حالیکه خود او، یا چند افسر ایرانی دیگر عضو این لژ بودند، تصور نمی‌رود ژنرال سایکس پیشنهاد دو شخصیت مهم فارس را برای عضویت در لژ روشنائی رد کند!

یکی از افسران قشون «اس. پی. آر» که مدت پنجاه سال عضویت لژ روشنائی در ایران را داشت و در شیراز به این سازمان فراماسونی ملحق شده بود دکتر امیر مظفرالدین ارفع السلطنه خان فرخ بود، که در سال ۱۹۰۰م (۱۳۱۷-۵) در آمریکا به لژ ماسونی پیوست. او فرزند میرزا علی نقی خان بود که همراه مهدعلیا به حج رفته و مدتها در قاهره بسر برده بود.

میرزا علی نقی خان پس از ۱۲ سال اقامت اجباری در مصر و همکاری با سید جمال‌الدین اسدآبادی به وسیله مهدعلیا تقاضای بازگشت به تهران را کرد. شش ماه بعد از ورود به تهران، يك روز هنگام عبور از پاقاپوق شاهد کشته شدن سه نفر به دست فراشهای شاهی بود. او از دیدن این وضع ناراحت شده روز بعد بایکی از درباریان ملاقات کرد و ضمن اعتراض باین عمل فراشان، گفت: «این وضع قابل تحمل نیست.» چند روز بعد نامه‌ای که به آقاخان نوشته بود بدست شاه افتاد، شاه او را احضار کرد، پس از فحاشی فراوان مجدداً از ایران تبعیدش کرد. میرزا علی - نقی خان بار دیگر به مصر رفت و یکسال در آنجا بسر برد. او در این مدت با مخالفین شاه ایران همکاری می‌کرد.

وقتی شاه ایران از این جریان با خبر شد قاصدی به مصر فرستاد تا فرمان قتل میرزا علی نقی خان را به سفیر ایران برساند. همینکه قاصد به مصر رسید، سفیر میرزا علی نقی خان را احضار کرد و در حضور قاصد شاه دستور قهوه داد. وقتی پیشخدمت قهوه را آورد سفیر در تکی از قهوه ها مقداری زهر ریخت... و بدین ترتیب میرزا علی نقی خان را به قتل رسانید و جسد او را در «تل زبیه» بخاک سپردند.

در آنوقت امیر مظفرالدین فرخ در تهران بسر می برد و مخارج زندگی و سرپرستی او را خاله اش عهده دار شده بود. هنگامیکه به سن ۱۲ سالگی رسید، او را به مصر فرستادند تا با بقیه دارائی و اموال پدرش زندگی کند. و امیر مظفرالدین مدتی بدین ترتیب بسر برد... وقتی دارائی پدرش تمام شد یکی از آمریکائیان ثروتمند او را به امریکا برد تا در مدرسه نظام کلمبیا به تحصیل پردازد.

پس از مراجعت به ایران وارد خدمت وزارت دارائی شده در مکران، بلوچستان و کرمان بخدمت مشغول شد و سپس وارد خدمت «اس. پی. آر» گردید و تادرجه سرگردی ترقی کرد. پس از انحلال «اس. پی. آر» وارد خدمت شرکت نفت شد و با «سرجان کدمن» کار می کرد.

در اعتصاب ۱۳۰۸ کارگران در آبادان، از پست سیاسی شرکت نفت معزول گردید.^۱ بطوریکه تحقیق شده است، پس از آن دکتر امیر مظفرالدین خان فرخ از راه بوشهر به شیراز و تهران آمده مدتی بیکار می ماند و سپس وارد خدمت دانشگاه تهران شده، استاد زبان انگلیسی می شود. او در همه دورانی که لژ روشنائی در ایران پنهانی و در اختفا کار می کرد و جلسات خود را در کلیسای انجیلی تشکیل می داد، در روزهای سه شنبه آخر هر ماه مسیحی به محفل ماسونی انگلیسها می رفت. در یک سند رسمی ماسونی که در اختیار نویسنده است، نوشته شده: «لژ

۱- برای اطلاع بیشتر از حالات او رجوع شود به (دست پنهانی سیاست انگلیس در

LODGE LIGHT IN IRAN

NO. 1191 S.C.

P.O. BOX NO. 529
Tehran.
Tel: - 44300

5th. April 1959.

Dear Sir and Brother,

A Cocktail Party in honour of Bro. Arfa Es Saltaneh, who celebrates his 50th. Anniversary in the Craft this year, will be held at the Tehran Club on Monday 20th. April 1959 from 6.30 to 8.30 p.m.

All Masons and their Ladies are cordially invited to this Cocktail Party for which the cost will be Rls. 150/- per person.

If you wish to attend, please send in your name with the appropriate amount to me at the above address before 16th. April 1959.

Yours sincerely and fraternally,

C. I. Farrey.
Secretary.

دعوتنامه استاداعظم لژروشنائی درایران بمناسبت پنجاهمین سال فراماسونی خان فرخ

لژروشنائی درایران نمره-۱۱۹۱ اس. س .

تهران ۵ اپریل ۱۹۵۹ -

سرور و برادر عزیز

بمناسبت آغاز پنجاهمین سالگرد عضویت برادر ارفع السلطنه (خان فرخ) در سازمان عالی فراماسونری، ضیافتی در روز دوشنبه ۲۰ آوریل ۱۹۵۹ در تهران کلوب از ساعت ۶۳۰ - تا ۸۳۰ - بعد از ظهر منعقد خواهد بود .

از همه برادران فراماسون و بانوان آنان دعوت می شود که در ضیافت کوکنل مشارالیه شرکت فرمایند . هزینه شرکت برای هر یک از مدعوین ۱۵۰ ریال می باشد .

چنانچه جنابعای مایل به حضوردرین ضیافت باشید، خواهشمندم موافقت خودتان را قبل از روز ۱۶ آوریل ۱۹۵۹ به اینجانب اطلاع دهید.

برادر وفادار شما . سی . ای فری

دبیر لژ روشنائی در ایران



دکتر مظفرالدین ارفع -
 السلطه خان فرخ، فراماسونی
 که شصت سال در لژهای امریکا
 و ایران عضویت داشت و
 صاحب دستار سبز و پیش بند
 طلائی بود .

مزبور در مدت ۱۶ سال سلطنت اعلیحضرت رضاشاه فقید همچنان محرمانه کار می‌کرد ولی طبق تعهدی که مقامات لژ به پلیس ایران سپرده بودند، لژ حق پذیرفتن اعضای ایرانی را نداشت. اما می‌توانست «اتباع انگلستان» را به عضویت قبول کند. خود دکتر فرخ به نویسنده اظهار داشت «دولت ایران مدت ۱۶ سالی که اعلیحضرت ققید رضاشاه کبیر سلطنت می‌کرد، همواره از عضویت من با اطلاع بودند و هرگاه دولت تغییر می‌کرد، لژ روشنائی در ایران عضویت مرا به اطلاع رئیس دولت جدید می‌رساند.»

دکتر ارفع السلطنه بعلمت طول مدت عضویت در لژ روشنائی صاحب بزرگترین مقام فراماسونی در ایران بود و دستار طلائی داشت. علی‌مشیری محقق ایرانی پس از سه بستری شدن در لژ در باره او مینویسد «اخیراً شخصیت ایرانی بسیار بزرگی در لندن ماه‌مرض سرطان در گذشته، که واقعاً باعث افتخار ایرانیان در تمام جهان بود مشارالیه تنها ایرانی بود که دارای عالی‌ترین درجات فراماسونی در دنیا بود و درجه او هم‌ردیف سلاطین و رؤساء جمهوری بود که ماسون می‌باشند مشارالیه شخصی بود بسیار پاک، خداشناس و مذهبی، نام آن فقید پروفیسور دکتر امیر مظفرالدین فرخ (ارفع السلطنه) بود که در ۹۱ سالگی در لندن در گذشت»^۱.

در سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۹ م) لژ روشنائی ایران ضیافتی بافتخار پنجاهمین سال فراماسونی او ترتیب داد و دعوتنامه‌ای را برای فراماسونهای ایرانی فرستاد که جداگانه نقل شده.

اگر چه مرحوم ارفع السلطنه مورد احترام همه فراماسونهای ایرانی بود، با اینحال رفتار و کردار عده‌ای از فراماسونها همواره موجب شکوه و گلایه او بود و آنها را گرگانی در لباس آدمی می‌دانست. یک روز در حضور سرتیپ بهرامی افسر بازنشسته ارتش برای نویسنده حکایت می‌کرد:

یکی از برادران فراماسونش که وکالت او را در دادگستری پذیرفته بود، با وجود دریافت مبلغ هنگفتی به عنوان حق الوکاله با طرف دعوی او سازش کرده

و باعث محکومیت او در محاکم دادگستری شده است ... و این بود سرنوشت تنها ایرانی فراماسون دستارطلائی عضو لژروشنائی در ایران که در انگلیس درگذشت. پس از انحلال پلیس جنوب (اس - پی - آر) در ایران و

لژروشنائی
در ایران

عزیمت افسران و گروهبانان انگلیسی و هندی عضو لژ روشنائی در شیراز، این لژ در اکتبر ۱۹۲۱م (ابان ۱۳۰۰هـ) رسماً تعطیل شد. ولی بار دیگر روز دوازدهم نوامبر ۱۹۲۲م (ابان ۱۳۰۱ش) زیر نظر لژ بزرگ اسکاتلند در هندوستان و با نام جدید «روشنائی در ایران» تجدید حیات کرد. احیاء کنندگان لژ مذکور در تهران عبارت بودند از :

- Bro. William Cunningham Fairly, Lodge Radnor E.C.No.2587.
- " Dr. Joseph Scott. M.D. Lodge St.Campbelltown S.C. No. 141.
- " James McMurray C.B.E., Lodge St. John Falkirk, S. c. No. 16.
- " Edward Thompson, Lodge Wyden-shawe, Cheshire, S. C. No. 2688.
- " Henry Ian Dawglas, Lodge St. Andfes S.C.
- " Bernard Messervy, Lodge Light in Iran S.C.No.1191/
- " William Hubbert Ward, O.B.E., Lodge McMahon Quetta, E. C. No. 3262.
- " Frederick York Hamphreys, Lodge Ordanance E.C.No.2399.
- " Alan Henry Wright, Lodge Light in Iran S.C.No.1191.
- " Alfred John Gardener, Lodge Sir Edward Clark, E. C. No. 3601.
- " George Julian Ieverse, Lodge Anglo Argentine, E. C. No. 3623.
- " Arthur Robbetsen, Lodge Union E.C. No. 767.
- " George Alfred Jacob, Lodge Union E.C. No.767.

این لژ که از روز نخست بمنظور حفظ موقعیت و پاسداری مستعمره بزرگ انگلیس یعنی هندوستان تأسیس شده بود، در سال ۱۹۳۲ م - (۱۳۱۱ ش) تقاضا نامه‌ای به لژ بزرگ فراماسونری سراسر اسکاتلند در هندوستان تقدیم داشت و طی آن تقاضا کرد که رابطه‌اش با لژ هند، قطع شده و در عوض تحت فرمان لژ بزرگ اسکاتلند در «ادنبورگ» در آید.

در این ایام شوم، دولت ایران مشغول مبارزه با تراست بزرگ نفتی انگلیس «بریتیش پیترولیوم» بود. مبارزه‌ای که از آن سال آغاز شد، تا سال‌های بعد همچنان ادامه داشت. انگلیسها برای اینکه بتوانند هسته مرکزی قابل اعتمادی با پوشش نام فراماسونری و اجتماع در کلیسای انجیلی داشته باشند ارتباط تنها لژ فراماسونری خود را مستقیماً با اسکاتلند برقرار کردند. بدین ترتیب که تقاضا نامه رؤسای کرسی لژ مورد قبول واقع شده و برادر بسیار ارجمند «آرنولد» و «فورستر» انگلیسی و کشیش خدا پرست امریکائی (ج - د - پین) مأمور اداره لژ در تهران و ایجاد ارتباط مستقیم با انگلستان شدند.

جالب اینجاست که «پین» Payne امریکائی که در لباس زهد و تقوی و بعنوان خدمت به عالم مسیحیت در ایران می‌زیست، در خدمت سازمانهای مختلف انگلیسی بود و در سال‌های شوم اشغال ایران بوسیله انگلیسها با سازمان‌های اطلاعاتی قوای اشغالگر نیز کمک می‌کرد. او که ۱۲ سال قبل از ایران رفت، بعدها دوبار برای تشکیل لژهای «تهران» و «کورش» به ایران آمد و اکنون عکس اوزینت - بخش محفل فراماسونری انگلیس در خیابان شاهرضا کوچه پشت دبیرستان انوشیروان دادگرمی باشد. نخستین اقدام لژروشنائی در ایران تهیه و تنظیم آئین نامه داخلی لژ بود که بتصویب گراند لژ اسکاتلند رسیده و به این شرح است:

قانون ویژه محلی لژ روشنائی در ایران

بشماره ۱۱۹۱ - ق - ۱ - ۱۱

جلسات لژ بزرگ آزادی قدیم و قبول شده بوسیله ماسون‌های اسکاتلند .

اول - جلسات لژ

۱ - تمام جلسات ملاقات باید در سالن ماسونیک واقع در داخل محوطه میسیون امریکا واقع در خیابان استالین در تهران تشکیل گردد .

ساعت : ۲ - جلسات مرتب باید در آخرین سه شنبه هر ماه دز ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر و یا در ساعاتی که لژ در جلسه قبل تعیین کرده باشد تشکیل گردد .

انتخابات : ۳ - تعیین و انتخاب کارکنان اداره و اعضای مؤثر کمیته عمومی و کمیته تحقیق باید در جلسه منظم در ماه مارس صورت گیرد .

سالیانه : ۴ - جلسه سالیانه باید جلسه منظمی باشد که در آخرین سه شنبه ماه اپریل تشکیل می‌گردد . در آن جلسه باید حساب و گزارشهای سالیانه تحت مذاقه قرار گیرد . و همچنین اداره کنندگان اداره برای سال آینده تعیین گردند .

اعلان : ۵ - تمام جلسات بجز آنهاییکه بعد به آن اشاره می‌شود باید با صدور بخشنامه که ۵ روز قبل از تشکیل آن بوسیله پست و یا نامه رسانی به هر یک از اعضای مقیم در ایران تسلیم می‌گردد، تشکیل شود . جلساتی که در آن باید درخواست‌های عضویت مورد مذاقه قرار گیرد ، باید بموجب قانون شماره ۱۷۹ تشکیل شود . جلساتی که در آن باید درجه افتخاری کاندیداهائی که رأی آورده‌اند داده شود، باید پس از اعلان بخشنامه‌ای ۴۸ ساعت تشکیل گردد همان طوریکه در زیر اشاره می‌شود :

استاد ارجمند .

نایب رئیس اول

قائم مقام استاد

معاون استاد

سرپرست اول
 سرپرست دوم
 دبیر
 خزانه دار
 راهنمای اول
 راهنمای دوم
 نگهبان داخلی
 نگهبان خارجی
 سر پیشخدمت

دوم - انتخاب و انتصاب

انتخاب شوندگان و انتصاب شوندگان : ۱ - رئیس باید معاون خود را تعیین کند .

۲- تمام کارکنان اداره باید هر سال بوسیله لژ انتخاب شوند :

سوم : کمیته عمومی

اعضاء - ۱ - کمیته عمومی باید مرکب باشد از رئیس و معاون رئیس لژ که می توانند از اعضای صاحب صلاحیت باشند و مدیران ارشد و کوچک و منشی خزانه - دار و دو عضو صاحب صلاحیت دیگر باید در جلسه منظم لژ که در ماه مارس هر سال تشکیل می گردد انتخاب شوند .

وظایف کمیته : ۲ - تمام اموال موروثی ، قابل حمل بهر تفصیلی بجز موجودی نقدی در بانک باید زیر نظر کمیته عمومی قرار گیرد و تحت اختیار و اداره لژ می باشد .

۳ - کمیته عمومی باید اموال لژ را در مقابل کم شدن و خسارت دیدن و آتش سوزی و سرقت بهر قیمتی که لازم بنظر می آید بیمه کند .

کمیته تحقیق : ۴ - کمیته تحقیق باید مرکب باشد از کارکنان اداره که بموجب

قانون شماره ۱۷۷ تعیین شده‌اند و دو عضو دیگر باید سالیانه در جلسات منظم ماه مارس بوسیله لژ انتخاب گردند .

چهارم- حق عضویت

- ۱ - برای ورود و قبول و نمره گرفتن و ارتقاء ۳۰۰۰ ریال
 - ۲ - برای نمره گرفتن (ثبت نام دیپلم) ۱۰۰ «
 - ۳ - برای هم بستگی با قانون اساسی اسکاتلند ۵۰۰ «
 - ۴ - برای هم بستگی با قانون اساسی دیگر ۷۰۰ «
 - ۵ - شهریه سالیانه هر يك از اعضای بزرگ ماسیون که در ۱۰ میلی مرکز تهران زندگی می‌کنند قابل پرداخت بطور پیش پرداخت دو بار در سال اول آوریل و اول اکتوبر هر سال ۳۶۰ ریال
 - ۶ - شهریه سالیانه هر يك از اعضای بزرگ ماسیون که خارج از شعاع بالا زندگی می‌کنند . پیش پرداخت در اول آوریل هر سال ۱۰۰ ریال
 - ۷ - حق ارتقاء -
 - اعضای مقیم ۳۶۰۰ ریال
 - اعضای غیر مقیم ۱۰۰۰ «
- مگر اینکه در مورد اعضای غیر مقیم چنانچه به شعاع محل اقامت عضو مقیم بازگشت نماید وی مختار خواهد بود در هر زمانی پس از مراجعت تفاوت بین شهریه عضو غیر مقیم و نیز شهریه عضو مقیم را در تاریخی که شهریه سالیانه را می‌پردازد پرداخت نماید .
- تا مادامیکه چنین کاری نکرده نامبرده باید شهریه سالیانه را بصورت عضو مقیم بپردازد .
- این اختیار باید برای هر عضو غیر مقیم بصورت گواهی عضویت مادام‌العمر صادر گردد .
- ۸ - برای هر کناره‌گیری ۲۰ ریال .
 - ۹ - شهریه قابل پرداخت به بودجه عمومی لژ بزرگ بوسیله هر عضو تازه-

وارد و منصوب از هر حوزه دیگر ۳۵ ریال

۱۰ - شهریه افتخاری .

رئیس ۲۰۰ ریال

سرپرست ارشد ۱۰۰ ریال

سرپرست کوچک ۵۰ ریال

ششم : بودجه شهریه تغییرات

وجوهی که از این حساب سالیانه برداشت می شود بموجب قانون باید ۱۰ درصد وجه موجود در حساب در آخر سال مالی هر سال باشد .

هفتم - بودجه خیریه

اعتبارات : ۱ - بودجه خیریه باید از هر شهریه - سالیانه ۳۶ ریال دریافت دارد و نیز نسبت معادل با مبلغی که سالیانه از بودجه تغییرات برداشت می شود .
اداره امور: ۲ - بودجه خیریه باید زیر نظر کمیته عمومی اداره شود .
۳ - رئیس می تواند با اداره خود گاهی اوقات خیریه و کمک پردازد ولی در هیچیک از موارد جمع مبلغی که بیک شخصی پرداخت می شود نباید از ۳۰۰ ریال تجاوز کند .

هشتم - صورت حساب

بازرسان : ۱ - در جلسات منظم ماه اپریل باید بازرسان و یا بازرسانی که عضو کمیته عمومی نیستند انتخاب کردند تا فهرستی از موجودی لباس و سایر اموال لث بردارند و نیز باید دفاتر و اوراق دفاتر حساب و کتاب های خزانه داری را هر سال تا پایان ۲۱ مارس بازرسی و در عرض ۱۴ روز قبل از شروع جلسه سالیانه گزارش لازم را تهیه نمایند .

صورت وضعیت : ۲ - صورت وضعیت حساب و ترازنامه و گزارش بازرسان باید چاپ و به همراه بخش نامه اعلام تاریخ تشکیل جلسه سالیانه برای اعضای ذی -

صلاحیت فرستاده شود .

نهم- اعلامیه‌ها و قوانین محلی

اعلامیه‌ها، قوانین محلی باید لااقل سالی یکبار در لژهای علنی خوانده شود.

یکسال پس از تشکیل لژ روشنائی در ایران ، در آبادان

لژهای تابعه لژ دیگری بنام پیشاهنگ Pioneer و در سال ۱۹۲۴ - م

اسکاتلند در ایران (۱۳۰۳ - ش) نیز لژی بنام «مسجد سلیمان» در منطقه نفتی مسجد سلیمان تشکیل شد .

در این لژها کلیه مکاتبات، گفتار و اعمال و افعال به زبان انگلیسی انجام

می‌شد ، و صدی نود از اعضای آن انگلیسی‌های عضو شرکت سابق نفت بودند .

بموجب گزارش ضمیمه نامه ۱۴ فوریه ۱۹۶۶ دبیر کل لژ اسکاتلند که به علامت

(M. O. ۱/۱) مشخص شده و خطاب به یکی از فراماسونهای ایرانی است : «درسه لژ

انگلیسی زبان اولیه در ایران عموماً اتباع انگلیسی پذیرفته می‌شدند . فقط در

بعضی از آنها تعداد کمی ایرانی فعالیت مینمودند .»

این سه لژ انگلیسی بدون تردید به خاطر حفظ منطقه نفت خیز خوزستان

در ایران فعالیت می‌کردند. ولی از سال ۱۹۲۹ - م (۱۳۰۸ - ش) که اعتصاب بزرگ

کارگران نفت در آبادان بوجود آمد و بدستور اعلیحضرت فقیدکنل «الکتن» مدیر

عامل نفت «گاردنر» کنسول انگلیس مقیم خوزستان از ایران اخراج شدند، دامنه

فعالیت فراماسونری در منطقه نفت خیز محدود شد ، و بدستور پلیس ایران از این

پس هیچیک از ایرانیان حق نداشتند ، با لژهای فراماسونری همکاری کنند .

نه تنها حضور ایرانیان در لژها ممنوع شد ، بلکه بدستور پلیس ایران دکترخان

فرخ ارفع السلطنه نیز که در لژ پیشاهنگ آبادان شرکت می‌کرد ، از این شهر

تبعید شد .

آغاز مبارزات نفتی اول ایران با شرکت سابق ۱۹۳۲ - م (۱۳۱۱ - ش) که

پادشاه دولت و مردم ایران همه از این دستگاه جابر و غارتگر نفرت داشتند و

از الفاء قرارداد داری ابراز خرسندی می کردند ، افراد زیر عهده دار کرسی
لتر روشنائی در ایران بودند :

List of Officers 1931/32

Rt. Wor. Bro. R. H. Arnold . . .	R. W. M.
Wor. Bro. E. J. Goodwin	I. P. M.
” ” F. Y. Humphreys	P.M.
” ” A. G. Forster	W. S. W.
” ” J. D. Payne	W. J. W.
Bro. C. M. George	Secretary
” P. C. Dodd	Treasurer
” Rt. Rev. Bishop J. H. Linton D. D	Chaplain
” Rev. Dean Hutchison . . .	Asst. Chaplain
” W. Kennedy	S. D.
” W Spence	J. D.
” J. Legatte Wood	I. G.
” W J. Townshend-Smith . . .	Tyler

بعد از اینکه دولت ایران با تهدید نیروی دریائی انگلیس و قشون کشی این
دولت به شط العرب و خوزستان، روبرو گشت و مجبور به امضاء قرارداد جدید نفت با
شرکت سابق شد، نه تنها در خوزستان بلکه در تهران و سراسر مملکت نیز تنفر عامه
نسبت به انگلیسها افزایش یافت، در این زمان افکار عمومی متوجه آلمانها شد و هیجان

عمومی مردم سبب گردید که بتدریج از فعالیت لژ روشنائی در ایران کاسته شود، تا جائی که لژ مزبور فقط ماهی یکبار تشکیل می شد آنهم در اختفای بسیار شدید و بدون امکان دخالت در کارهای عمومی و مملکتی.

پس از اشغال ایران نیز با آنکه انگلیسها در جنوب کشور قدرت زیادی بدست آوردند، با اینحال فراماسونها نتوانستند خود را ظاهر سازند و یا فعالیت دامنه داری را بنفع اربابان لژ نشین اسکاتلند خود آغاز کنند.

زیرا بفرمایش شاهنشاه آریامهر «مداخلات پی در پی متفقین در امور سیاسی کشور ایران من و مردم ایران را کاملاً متنفر کرده بود^۱... من اصولاً و عملاً با عمل متفقین در اشغال ایران مخالف بودم و بنظر من بدون جهت به استقلال و حق حاکمیت ما لطمه زده بودند. بهر طرف چشم می انداختم مردم کشور ایران را گرفتار بدبختی و مشقتی که ثمره روش سیاسی و اقتصادی متفقین بود می دیدم. و روح من از آزمندی بعضی از ثروتمندان ایرانی که پشت پا بمنافع کشور ایران و رفاه مردم این سامان زده بودند بیشتر از هر چیز رنج می برد...^۲» این اشاره صریح شاهنشاه آریامهر، به آن دسته از نوکران اجنبی و عمال متفقین در آن روزهای شوم است که از بستگی به هر دسته و مقامی که آنها را به خارجیان نزدیکتر می کرد، دریغ نداشتند. و متأسفانه باید اقرار کرد که نخبه و وطنپرستان و روشنفکران ایران، فراماسونها را از عوامل انگلیس می دانند، یعنی عوامل همان کشوری که به اعتقاد مردم ایران بدبختی، عقب افتادگی، فقر و تجزیه دو بیست سال اخیر کشور ما ناشی از سوء نیت، عناد، دشمنی و نظراستعماری انگلیسها می باشد و بس. به همین سبب درین سالهای شوم تا اخراج ارتشهای مهاجم انگلیس و روس از ایران، فراماسونهای لژ روشنائی، پیشرفتی نصیبشان نشد، در این سالهای شوم و از اول تشکیل لژ روشنائی در ایران تا سال ۱۹۴۷ - م (۱۳۲۶ - ش) افسران و کارگردانان لژ روشنائی در ایران بشرح زیر بودند:

۱ - مأموریتم برای وطنم ص ۹۶

۲ - ایضاً ص ۹۹

<u>Year</u>	<u>Rt. Worhip Master</u>	<u>Senior Warden</u>	<u>Junior Warden</u>
1919-20	W. H. Hallsworth	E. F. Orton	C. H. Carr
1920-21	W. H. Hallsworth	J. B. Dalzell- Hunter	H. C. Jenkins
1921-22	J. B. Dalzell-Hunter J. T. Avison	J. T. Avison A. J. Arthur	A. J. Arthur C. M. Renshaw
1922-24	W. C. Fairly	J. Scott	A. H. Wright
1924-26	J. Scott	E. Thompson	F. J. Harris
1926-27	E. Thompson	F. J. Harris	B. Messervy
1927-28	E. Thompson	F. Y. Humpherys	W. T. Trower
1928-29	F. Y. Humpherys	E. Wilkinson	W. T. Trower
1929-39	F. Y. Humpherys	W. T. Trower	E. J. Goodwin
1930-31	E. J. Goodwin	G. J. Mackie	H. M. Eyres
1932-33	J. D. Payne	W. Kennedy	W. Spence
1933-34	M. B. Hicks	G. J. Mackie	J. L. Wood
1934-35	W. J. A. D'Alton	S. E. Akerib	G. S. Goldsworthy
1935-36	S. E. Akerib	C. D. Lunn	Arfa es-Saltaneh
1936-37	M. B. Hicks	J. F. Luttrell	A. Binns
1937-38	A. Binns	G. R. Wright	J. Badhni
1938-39	G. R. Wright	J. Badhni	E. Blair
1939-40	J. Badhni	G. S. Goldsworthy	C. H. Goadby
1940-41	F. L. Peters	J. Phillips	A. W. W. Bessel
1941-44	D. J. Payne	T. M. Tagg	C. B. Fisher
1944-45	C. B. Fisher	E. A. Connolly	G. Obadiah
1945-46	W. R. Fenwick	G. Obadiah	R. H. Stirling
1946-47	G. Obadiah	R. H. Stirling	C. H. Goadby



رؤساء لژ روشنائی در ایران در سال ۱۹۵۰ - در این تصویر شناخته شدها ، نشسته از راست ، چپ ، صالح چتایات-ادوار دچتایات-نفر چهارم
الیا سدی-امتاد اعظم- کریمتوفوری-دریدفوم-یستاده ازچپ بهراست ؛ نقر دوم - اوانسف مدبر سینماهما - محمد نمازی-ارفع اللطنه خان فرخ



اعضاء کرسی لژ روشنائی در ایران در سال ۱۹۴۵ - در این تصویر يك ایرانی (دکتر خان فرخ) ایستاده از چپ به راست نفر دوم دیده می شود تا این سال هنوز ایرانیان فراماسون عضویت لژهای انگلیسی را نداشتند



ده نفر از استادان کرسی لژ روشنائی در ایران در سال ۱۹۶۳ - در این سال تعداد یهودیان کارگردان لژ مذکور بیشتر از مسیحیان بودند .



یازده نفر از رؤساء لژ روشنائی در ایران در سال ۱۹۶۵ - این تصویر از سالن محفل فراماسونری در کلیسای انجیلی خیابان قوام السلطنه برداشته شده



سه برادر فراماسون ، الیاس دبی یهودی عرب - دکتر خان فرخ استاد دانشگاه - محمد نمازی بازرگان فارسی

ضيافت در زير پرچم فراماسونري



در مهمانی سفید لژ تهران در کلوب تهران ، از راست بچپ ، در یادار ظلی - (بانوی شناخته
نشده) - دکتر خشابار - اوانسف



بک اسکاتلندی و بک کانادائی عضو لژ روشنائی

دو استاد اعظم فراماسونری



دکتر مظفرالدین ارفع السلطنه خان فرخ استاد دانشگاه - زرژ اوانسف مدیر شرکت مریخ
دوبرادر فراماسون و دو استاد اعظم - مرحوم فرخ ، فقط به اوانسف ارادت می‌ورزید



سه استاد لژ اسکاتلند - از راست به چپ ، صالح جتایات - دکترخان فرخ - کریستوفر اسحق فری



ضيافت سفيد در كلوب تهران- درين مهماني همسران فراماسونها درشام برادرانه شركت دارند



دو استاد فراماسونری انگلیسی با کوبه‌های مخصوص ریاست لژ در کنار کرسی استادی



د- ۱ - دراپر **Drapper** عضو کنسرسیوم نفت و استاد فراماسونی - شهرت دارد که این انگلیسی معاون سازمان اینتلیجنس سرویس در سازمان اطلاعات کنسرسیوم نفت در ایران بوده که در پنجسال اول تأسیس کنسرسیوم فعالیت می‌کرد.

تجدید فعالیت لژ روشنائی در ایران

پس از خروج ارتش انگلیس از ایران باردیگر
از فعالیت فراماسونهای لژهای روشنائی،
پشاهنگ و مسجد سلیمان کاسته شد، تا اینکه
در تهران محمد خلیل جواهری لژ همایون

را تأسیس کرد. بطوریکه برخی از کارگردانان این لژ قدیمی مدعی هستند وی
با کمک میجر جاکسن انگلیسی که در سفارت انگلیس در تهران سمت ظاهری
(وابستگی اقتصادی) داشت عده‌ای از افراد مورد نظر سفارت انگلیس را وارد این
تشکیلات کرد.

استقبالی که طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه ایران از لژ همایون کردند،
سبب شد تا لژ روشنائی در ایران نیز در صدد فعالیت وسیعتر و پذیرفتن عضو ایرانی
بر آید، بدین منظور بخشنامه زیر در سال ۱۹۵۶ - م (۱۳۳۵ - ش) از طرف رؤسای
کرسی لژ روشنائی و بامضاء دورابجی خطاب به همه فراماسونهای خارجی و ایرانی
سرتاسر ایران صادر شد:

لژ روشنائی در ایران ساختمان پیرنیا - کاشی شماره ۵

تهران - ایران خیابان چرچیل

بتاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵۶ -

سرور و برادر گرام

چون دیر زمانی است که اطلاعی از گروه نسبتاً زیادی از اعضای خود در
کشورهای خارج و مخصوصاً از اعضای قدیمی لژ خود نداریم احساس می‌کنیم که
شاید بعضی از اعضاء نشانی خود را بدون اطلاع ما تغییر داده و این امر باعث قطع
مراوده بین ما شده باشد.

ازینرو کمیته تصمیم گرفته است که در فهرست اعضاء تجدید نظر کرده و
آنها اصلاح سازد. برای انجام اینکار خواهشمند است قسمت پائین این نامه را
پر کرده و هرچه زودتر آنها برای اینجانب بفرستید.

LODGE LIGHT IN IRAN
No 1191 S. C.
Teheran, Iran

PIRNIA BUILDING
5, Avenue Churchill,
Teheran, Iran

20th June 1956

Dear Sir and Brother,

As we have not heard for a long time from a considerable number of our overseas members, especially from our older members, it is felt that we may have lost touch with them due to a change in their address which has not been notified.

The Committee has therefore decided to review our Membership List and to bring it up to date. In order that this may be done, I shall be most grateful if you will kindly fill in the slip below and return it to me as soon as possible.

If we get no response from you within a reasonable time it will be assumed that we have lost touch with you, and we shall have no alternative but to drop you very reluctantly from our membership list. However we do not want to take this step if it can be avoided, and would therefore ask your co-operation which will be greatly appreciated. In order to give you the least amount of trouble, I enclose an addressed envelope for your reply.

Yours sincerely and fraternally,

F. S. Darabee,
Secretary.

Kindly detach the slip below and return it, duly filled in, to:-
F. S. Darabee, PIRNIA Building, 5, Avenue Churchill, Teheran, Iran.

The Secretary,
Lodge Light in Iran, No. 1191 S. C.,
Teheran.

Date _____

Dear Sir and Brother,

Kindly retain my name on your Membership List.

Name in full (in block) _____

Present address: _____

Permanent address: _____

Signature _____

دعوت عام و بخشنامه دبیر نژادشنائی برای تجدید فعالیت در سال ۱۹۵۷

اگر در عرض مدت کافی پاسخی از شما نرسد، فرض می‌کنیم که تماس ما بکلی قطع شده است و چاره‌ای، هر چند با اکراه باشد، جز حذف نام شما از فهرست عضویت نخواهیم داشت.

البته مایل هستیم تا آنجا که مقدور باشد از انجام چنین کاری خود داری کنیم و بنابراین همکاری شما در این مورد باعث مزید تشکر خواهد بود. برای آنکه زحمت شما را بعد اقل برسانیم یک پاکت نشانی‌دار برای ارسال پاسخ شما

به پست فرستاده شد . دوستدار و مخلص برادر شما .

ف . س . دورا بچی

چند هفته پس از ارسال بخشنامه مزبور، عده‌ای از انگلیسی‌هایی که عضویت لژ را داشتند ولی برای همیشه ایران را ترك گفته بودند، به سایر لژهای تابع اسکاتلند در دنیا پیوستند . وعده‌ای نیز کماکان به عضویت در لژ تهران باقی ماندند و باب مکاتبه را با دبیر لژ همچنان مفتوح نگاهداشتند .

در نتیجه خروج عده‌ای از لژ تهران و با موافقت دبیر اعظم لژ اسکاتلند، قرار شد که به جای آنهاییکه در خارج از ایران هستند و در سایر لژها کار می‌کنند، عده‌ای ایرانی که تقاضای عضویت کرده بودند به عضویت لژ در ایران پذیرفته شوند . علاوه بر این مرکزگراند لژ اسکاتلند موافقت کرد که از مجموع ۹ عضوی که حد نصاب پذیرفتن عضو جدید برای لژ روشنائی در ایران است ، همه ساله صدی بیست عضو ایرانی و صدی هشتاد بقیه عضو انگلیسی زبان و تابع انگلستان به عضویت پذیرفته شوند .

باید دانست که هر يك از لژهای فراماسونی برای پذیرفتن عضو جدید تعداد معینی سهمیه دارند که از طرف مرکز لژ اسکاتلند تعیین می‌شود و نسبت به تعداد پذیرش عضو جدید جلسات سالیانه تعیین می‌شود که در آن شرایط ورود عضو مورد بررسی قرار می‌گیرد .

در هر يك از جلساتی که پیشنهاد عضو جدید و اوراق تکمیل او را مورد بررسی قرار می‌دهند ، چنانچه با نظر همه اعضاء و به اتفاق آراء صلاحیت عضو جدید مورد قبول واقع شد ، رسمیت عضو را اعلام می‌کنند . و در غیر این صورت بار دیگر که شاید تا یکسال طول بکشد ، پیشنهاد عضویت بتعویق می‌افتد و آنگاه مجدداً مطرح می‌شود ، و چنانچه همه حضار هنگام اخذ رأی با (مهره سفید) به (تقاضای بیگانه) رأی دادند ، عضویت او رسمیت پیدا می‌کند و وی را با تشریفات وارد لژ می‌کنند .

اینک به معرفی و فعالیت لژ روشنائی و سایر لژهای انگلیسی زبان در ایران که در کتابهای سال گراند لژ اسکاتلند چاپ شده می‌پردازیم :

لژ شماره ۱۱۹۱ بنام روشنائی در ایران **Light in Iran**

مرکز این لژ از سال ۱۹۱۹ - م (۱۲۹۸ - ش) در تهران خیابان قوام السلطنه کلیسای میسیون مذهبی امریکائی و کلیسای انجیلی تهران است که هر سه شنبه آخر ماه مسیحی کلیه اعضا، در محل کلیسا اجتماع می‌کنند. لژ مزبور روز هفتم اگست ۱۹۱۹ در تهران افتتاح شده است. چون از سال ۱۹۵۲ - م (۱۳۳۱ - ش) کتابهای سال فراماسونی وابسته به گراند لژ اسکاتلند منتشر شده، لذا فقط به ذکر اسامی رؤساء لژ از آن سال به بعد اکتفا می‌شود :

سال ۱۹۵۲ :

LT, - col. Albert G. Campbell, 75 Leamington terrace pr. m. Edinburgh, 10 .

James R. Cameron, 2 western terrace, Edinburgh, 12 Pr. S.W. Pr. Archibald Ramsay, 20 wood street, coatbridge .

J. D. Payne, American mission, Avenue Marshal Stalin, Teheran

سال ۱۹۵۳ :

در این سال هیچگونه تغییراتی در رؤسای لژ در ادنبرگ و تهران داده نشده است .

سال ۱۹۵۴ :

در سال ۱۹۵۴ تغییرات نسبتاً مهمی در لژ روشنائی در ایران دیده شد، که می‌توان آنرا مقدمه فعالیت بعدی آنها دانست. بین Payne که ۲۵ سال در ایران به عنوان کشیش کلیسای انجیلی امریکائیان روزهای یکشنبه موعظه می‌کرد و روزهای سه شنبه آخر هر ماه مدیر و خزانه دار جلسات لژ بود، با امریکا رفت. فراماسونهای ایرانی هنگام عزیمتش ضیافت بزرگی به افتخار وی برپا کردند. ویک فالیچه گرانبها نیز بعنوان یاد بود باو هدیه شد. که هم اکنون در خانه‌اش آویزان است .

رئیس کل لژ روشنائی نیز بنام آلبرت کامبل برکنار شد و بجای او شخص دیگری مأمور ارتباط و اداره لژ در انگلستان گردید. تغییرات مزبور با انتصاب فیروز دورابجی که در سرای دلگشا واقع در خیابان بوذرجمهری تجارت می کند، بسمت دبیر لژ آغاز شد. پس از ۳۳ سال این اولین باری بود که یک شرقی دبیری لژ روشنائی را که مخصوص انگلیسی زبانهاست عهده دار می شد. شاید بتوان این تغییرات را برای پذیرفتن اعضای ایرانی انگلیسی زبان دانست که از آن سال به بعد عضویت پذیرفته شدند. تغییرات مزبور باین شرح است :

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12 Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoz S. Dorabje, Serai Delgosa Avenue, Buzarjomehri, Teheran Iran.

در سال ۱۹۵۵ بار دیگر کارگردانان لژ دچار تغییر و تبدیل شدند باین شرح :

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk .

James R Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.

Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoze S. Dorabje, Seraye Delgosa, Teheran, Iran.

در سال ۱۹۵۶ هیچگونه تغییراتی در کادر لژ و اداره کنندگان آنها در انگلستان روی نداده است .

در این سال کمابن اتباع انگلیسی در بریتانیا، ماسون های ایرانی را در ایران رهبری و اداره می کردند و اجازه ندادند که ایرانیان در اداره لژ شرکت داشته باشند .

سال ۱۹۵۷ کارگردانان لژ دارای مقامهای زیر بودند :

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk James .

R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12 .

Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge .

Firoz S. Dorabje, Pirnia building, 5 avenue Churchill, Tehran Iran

در سال ۱۹۵۸ بار دیگر تغییراتی در لژ داده شد. و به عنوان دبیر لژ نیز

مانند سالهای قبل از انتخاب «دورابجی»، یکنفر انگلیسی انتخاب گردید .
 کریستوفر فری که همسر ایرانی (خواهر یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری
 یونایتدپرس) را دارد، بجای دورابجی بسمت دبیر انتخاب و یک تغییر دیگر نیز باین
 شرح در انگلستان رویداد :

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk.

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12 .

John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10 .

Christopher I. Rairey C/O Lynch and Co. Avenue Foroughi, Teheran Iran.

در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ تغییراتی دیده نمی‌شود و مثل سال قبل همچنان
 انگلیسی زبانها و اتباع انگلستان بر لژ مزبور حکومت می‌کردند . ولی در سال
 بعد این تغییرات در واسطه‌ها و سازمان‌های لژ مذکور پدید آمد :

سال ۱۹۶۱ :

peter Mcmain. 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12

John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10

Firoze S. Dorabjee. 77 Avenue Ferdowsi, Teheran. Iran Ser.

از سال ۱۹۶۲ به بعد چون لژهای فارسی زبان وابسته به این سازمان
 فراماسونری انگلیس بوجود آمدند ، تغییرات آن ذکر نمی‌شود . و تنها آنچه را
 که در سالنامه سال ۱۹۶۸ نوشته شده است ، نقل می‌کنیم :

واسطه این لژ در سال ۱۹۶۸ در انگلستان :

Peter Mcmain, 712 Parkfoot Court, Glenbrac, Falkirk.

و منشی لژ در ایران Percy J. Waghorn, P. O. Box 1508 می‌باشند .

لژ مذکور کماکان روزهای سه شنبه آخر هر ماه مسیحی در کلیسای انجیلی
 در خیابان قوام السلطنه تشکیل جلسه می‌دهد و عده‌ای از هموطنان ایرانی با شرکت
 در جلسات آن ، به دست بوسی استادان اعظم انگلیسی لژ روشنائی نائل می‌شوند
 و این افتخار را در خاندان خود باقی می‌گذارند .

اینک بهم معرفی دولتر انگلیسی زبان دیگر که خوشبختانه با ملی شدن صنعت نفت و اخراج انگلیسها از خوزستان، تعطیل شد، می‌پردازیم:

لتر شماره ۱۳۰۵ بنام پیشاهنگ Pioneer

این لتر در اول فوریه سال ۱۹۲۳ (بهمن ۱۳۰۱) در شهر آبادان تشکیل شد. اکثریت قریب باتفاق اعضای این لتر فراماسونی که وابسته به گراند لتر اسکاتلند بود، اعضای شرکت نفت مقیم آبادان بودند. همانطور که اشاره شد، محل لتر مذکور در قسمت اروپائی نشین شهر آبادان بود و محل مخصوص معبد را بخرج شرکت نفت ساخته بودند. اهالی آبادان به لترمزبور و محفل آنها (شیطون خانه) می‌گفتند. در موقع ملی شدن صنعت نفت و اخراج کارکنان انگلیسی از آبادان، لترمزبور تعطیل و کلیه اثاثیه و لوازم آن موقتاً به بصره حمل شد. فقط تعدادی عکس اعضای لتر بدست ایرانیان افتاد که آنهم مفقود شد و از بین رفت.

در سال ۱۹۵۲ که نخستین نشریه سالانه گراند لتر اسکاتلند منتشر گردید، این لتر تعطیل شد و متینگ‌های ماهانه آن برگزار نمی‌شد، معذالک اشخاص زیر سمتهای مختلفی در آن داشتند:

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscott, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny road, Edinburgh. 4.

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead Road, Lyme Regis, Dorset.

در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ تغییراتی که در لترمزبور داده شده فقط تعویض

دبیر لتر بوده. بدین ترتیب که در سال ۱۹۵۳:

Frederick. T. Yorwarth, Beach Lodge, 11 Granville road. Little-hampton, Sussex.

دبیر لتر پیشاهنگ شده و سال بعد:

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead road, Lyme Regis, Dorset.

بسمت دبیری انتخاب گردید. در سال ۱۹۵۶ نیز یکی از اعضای شرکت نفت عدن بنام (E. L. Allsup) دبیر لتر شد. لترمزبور، با همان تشکیلات و سازمان اداره‌کننده

در حال تعطیل بود، تا اینکه در سال ۱۹۵۷ با تصویب گراند لژ اسکاتلند، لژ مزبور با همان نام به عدن منتقل شد. در عدن این لژ اعضای انگلیسی‌زبان عضو شرکت نفت را به عضویت پذیرفته و هیئت رئیسه و اداره‌کننده‌ای باین شرح از طرف گراند لژ برای شروع بکار لژ تعیین نمود:

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscott Terrace, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny Road, Edinburgh, 4.

Walter J. Smith, 85 Dalkeith Road, Dundee.

John I. Henson, c/o B. P. Refinery (Aden) Ltd. P.O. Box 3003 Aden.

این لژ در دومین سه‌شنبه هر ماه جلسات تشکیل می‌شده و مدت ضیافت محافل از اکتبر تا اپریل هر سال بوده است. لژ مذکور نیز پس از سال ۳۴ در ایران تعطیل شد و به عدن منتقل گردید. از سال ۱۹۵۹ به بعد لژ پیشاهنگ در عدن به صورت لژ (فعال) و مشغول (عمل و کار) در آمده است. محفل آن از اکتبر تا جون باز است. هر چهارشنبه هفته مسیحی در ماه، جلسات لژ مزبور تشکیل می‌شود. و بعداً این لژ بنام «Arabia Felix» نامیده شده است.

لژ شماره ۱۴۴۲ بنام مسجد سلیمان Masjid - I - suleman

لژ مسجد سلیمان در روز ۷ فوریه ۱۹۲۴ (بهمن ۱۳۰۲) یعنی یکسال و هفت روز بعد از لژ پیشاهنگ آبادان برای انگلیسیان و تعداد معدودی ایرانی که بزبان انگلیسی تکلم می‌کردند، در منطقه مسجد سلیمان و اهواز تشکیل شد. لژ مزبور تا قبل از اخراج انگلیسها از آبادان، هر سه‌شنبه آخر ماه و از اکتبر تا اپریل هر سال باز بود و فعالیت می‌کرد.

شرکت سابق نفت محل بزرگ و مجللی، مخصوص لژ ساخته بود که پس از ملی‌شدن، کلیه اثاثیه و لوازم آن برچیده شد و کاشیهای کف و دیوارها که به اشکال ماسونی مزین بود تا تصرف تأسیسات نفت بوسیله ایرانیان همچنان باقی بود. چون

این محل بعداً محل حسابداری شرکتهای عامل نفت شد، متصدیان امر روی کاشیها را با گچ سفید مستور کردند و کاشیهای کف محفل نیز تعویض شد .

از سابقه فعالیت این لژ مثل سایر لژهایی که در مناطق شرکت نفت سابق بود، هیچگونه اطلاعی در دست نیست و برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ در نشریه سالانه گراند لژ اسکاتلند، نام رابطین این لژ در حال تعطیل باین شرح نوشته شده است :

John Bernard, 18 Lansdowne Creseent Glasgow, N.W

James Pearson, Cemetery Lodge, East kilbride.

James Maitland, 6 Comely Bank Grove, Edinburgh, 4

Robert L. Cunningham, Victoria Motel, Largs.

در سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ لژ مسجد سلیمان با همان نام و مشخصات، کماکان تعطیل بود و رؤسا و اداره کنندگان آنهم تغییری نیافتند . در سال ۱۹۵۵ فقط

James H. Mcnamara, 30 Prest wick Street, Glasgow, S. W. 3

با داشتن سمت (استادی) بریاست لژ در حال تعطیل برگزیده شد و به استاد و اداره کننده سالهای قبل این لژ ، سمت دیگری دادند .

کسانیکه مسئول و اداره کننده لژ در حال تعطیل بودند ، تا سال ۱۹۵۷ کماکان سمتهای سابق را داشتند . در سال ۱۹۵۸ رؤسای لژ تغییر کردند و فقط یکنفر دبیر **Robert L. Cunningham** در پست خود باقی بود و برای سایر مشاغل مسئولی تعیین نشد .

از سال ۱۹۵۹ به بعد در کتاب سال گراند لژ اسکاتلند ، حتی شماره ردیف لژ مسجد سلیمان حذف شده است . چنین بنظر می رسد که گراند لژ اسکاتلند این حقیقت مسلم را که انحلال لژ با اخراج انگلیسها از خوزستان کاریست انجام شده و اجتناب ناپذیر ، قبول کرده است . منتهی چون امید به بازگشت انگلیسها به خوزستان در منطقه نفت خیز را داشته اند ، لژ مزبور را به نام مسجد سلیمان حفظ کرده اند تا بار دیگر فعالیت خود را از سر گیرد .

نکته جالب توجه اینکه فراماسونری اسکاتلند ، تا قبل از ملی شدن صنعت

نفت در ایران ، لژ فراماسونری «اندريو مقدس» را که در بحرین فعالیت می کرد، زیر نظر لژ روشنائی در ایران قرارداد داده بود، که بعد از اخراج انگلیسها از آبادان، این لژ نیز زیر نظر لژهای خلیج فارس به فعالیت پرداخت. اینک این لژ را بطور اجمال معرفی می کنیم :

لژ شماره ۱۳۳۱ بنام اندريو مقدس بحرین Bahrein st Andrew

لژ مزبور روز ۴ نوامبر ۱۹۴۸ در اوالی مرکز جزیره بحرین تشکیل شد. این لژ هر ۱۵ روز یکبار آنهم روزهای سه شنبه تشکیل می شود و اعضای انگلیسی و بحرینی در جلسات لژ شرکت دارند . مدت تشکیل لژ از سپتامبر تا می هر سال است . در سالنامه سالانه از نشانی لژ ذکری نشده، فقط نام شماره صندوق پستی آن ۱۷۳ در نشریه آمده است . در لیست رؤساء لژ مزبور فقط نام منشی لژ مقیم بحرین است. لژ مزبور جزء لژهای فراماسونی منطقه ایران است و رئیس آن استاد اعظم مقیم ایران می باشد .

در سال ۱۹۵۲ رؤسای لژ مزبور بدین شرح بوده اند :

**Andrew Macbride C/O Sutherland, 144 Woodlands Road,
Glasgow, C. 3**
William P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.
George B. Watson, West End House, Pitlochry.
C. H. P. Smith, P. O. Box 173. Awali, Bahrein Island, Persian Gulf .

در سال ۱۹۵۳ هیچگونه تغییراتی در لژ بحرین داده نشد ، ولی در سال ۱۹۵۴ بر تعداد جلسات سالانه آنها اضافه شده و در این تغییرات هر دو مین سه شنبه و دومین چهار شنبه ماه جلساتشان تشکیل می شده است .

در سال ۱۹۵۵ کلیه رؤساء و کارگردانان همچنان مسئول اداره و واسطه لژ هستند ، ولی منشی لژ عوض شده است . این شخص بنام :

William M. Kil Gour, 113 Bangorshill Street, Thornliebank Glasgow.

در سال ۱۹۵۶ در اداره کنندگان لژ در انگلستان و بحرین فقط يك تغییر

داده شده و آنهم دبیر لژ بوده است .

دبیر لژ در این سال :

Lawrence Johns, Box 471, Awali, Bahrein, Persian Gulf می باشد .

در ۱۹۵۷ بار دیگر دبیر لژ عوض شده و در کادر اداره کننده در انگلستان

نیز تغییراتی باین شرح پیدا شده است :

Andrew Macbride, 144 Woodlands Road, Glasgow, C. 3

Billiam P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.

George B. Watson, 52 High Street, Elie, fife.

E. W. Huschmann, P. O. Box 693, Awali, Bahrin Island . Persian Gulf.

در ۱۹۵۸ نیز بار دیگر دبیر لژ عوض شده ولی در سمتهای کارگردانان دیگر

تغییراتی داده نشده .

دبیر لژ در این سال: Alen H. Bland, Box 700 Awali Bahrein بوده است.

در ۱۹۵۹ نیز دبیر لژ بحرین عوض شده و یک انگلیسی دیگر بنام :

Herbert S. Clarkson, Box 118, Awali, Bahrain . میباشد .

سال ۱۹۶۱ :

در این سال دبیر لژ تغییر سمت یافته و Patrick A. Bishop, C/O Bapco 3

که ساکن خانه ۳۸ شهر اووال بحرین می باشد به سمت دبیر انتخاب شده است .

در سال ۱۹۶۲ نیز بار دیگر دبیر این لژ تغییر کرده و شخصی بنام

John D. Taylor بدین سمت منصوب گردیده است .

در سال ۱۹۶۸ لژ اندریو مقدس بحرین در خیابان رفاه شرقی شهر منامه

تشکیل می گردد . نماینده و واسطه انگلیسی این لژ در ادنבורگ اسکاتلند :

W. S. Wallace, 17 Murray Filed, Ave. می باشد .

و دبیر لژ در بحرین یک یهودی بنام: Samuel Barr, P. O. Box 266 مقیم خیابان

اوالی شهر منامه است. فراماسونها انگلیسی به علت عنادی که با ایران دارند در آدرس

این لژ بجای خلیج فارس ، خلیج عربی ذکر می کنند .

لژ روشنائی در ایران ، از روزی که شروع به کار کرد ، محل
کلیسای انجیلی تشکیلات محفل ماسونی و فعالیت خود را کلیسای انجیلی
 خیابان قوام السلطنه قرارداد. این کلیسا که در سال ۱۹۲۲ م -
 (۱۳۴۰ هـ) مقارن با تأسیس لژ روشنائی در ایران ساخته شد، بموجب قوانین ایران
 که مراکز مذهبی را از شرکت در فعالیت‌های سیاسی منع کرده است ، حق نداشت
 در فعالیت‌های غیر مذهبی شرکت کند . زیرا بموجب ماده ۳۵ قانون مدنی ایران :
 «حق عبادت بر این جاری است که نمایندگان دیپلماتیک بتوانند در داخل مسکن
 خود معبدی داشته باشند» با اینکه مؤسسين کلیسای انجیلی از روز آغاز فعالیت
 نعهد کرده بودند که در امور سیاسی کشور مداخله نکنند ، با اینحال اولیای کلیسای
 امریکائی پنجاه سال است که به فراماسونها اجازه می‌دهند تا در داخل کلیسا اجتماع
 کنند و با شرکت در بحث‌های سیاسی و مذاکرات دیپلماتیک ، رسماً در اموری که
 با مذهب ارتباطی ندارد، مداخله نمایند. با وجودیکه در قوانین و مقررات موضوعه
 ایران ، صریحاً اینان را از فعالیت در امور غیر مذهبی منع کرده^۱ ، با اینحال
 «بین» کشیش امریکائی کلیسا بیست سال کارگردان اصلی لژ روشنائی در ایران بود.
 در دوران بیست ساله سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر که تشکیل
 اجتماعات غیر ایرانی قذغن بود ، فراماسونهای انگلیسی و امریکائی بنام انجام

۱ - بموجب تصویب نامه هیئت وزیران که عین آن در نشریه شماره سوم جلد اول شهر یور
 ۱۳۲۸ وزارت امور خارجه چاپ شده ، پیروان مذاهب نمی‌توانند پیشوای مذهبی غیر ایرانی
 داشته باشند و در امور سیاسی دخالت کنند . با اینحال بطوریکه دیدیم (بین) کشیش کلیسای
 امریکائی مدت بیست سال در خدمت تشکیلات مخفی انگلستان بود و به آنها خدمت می‌کرد.
 اینک دو ماده از تصویب نامه را نقل می‌کنیم :

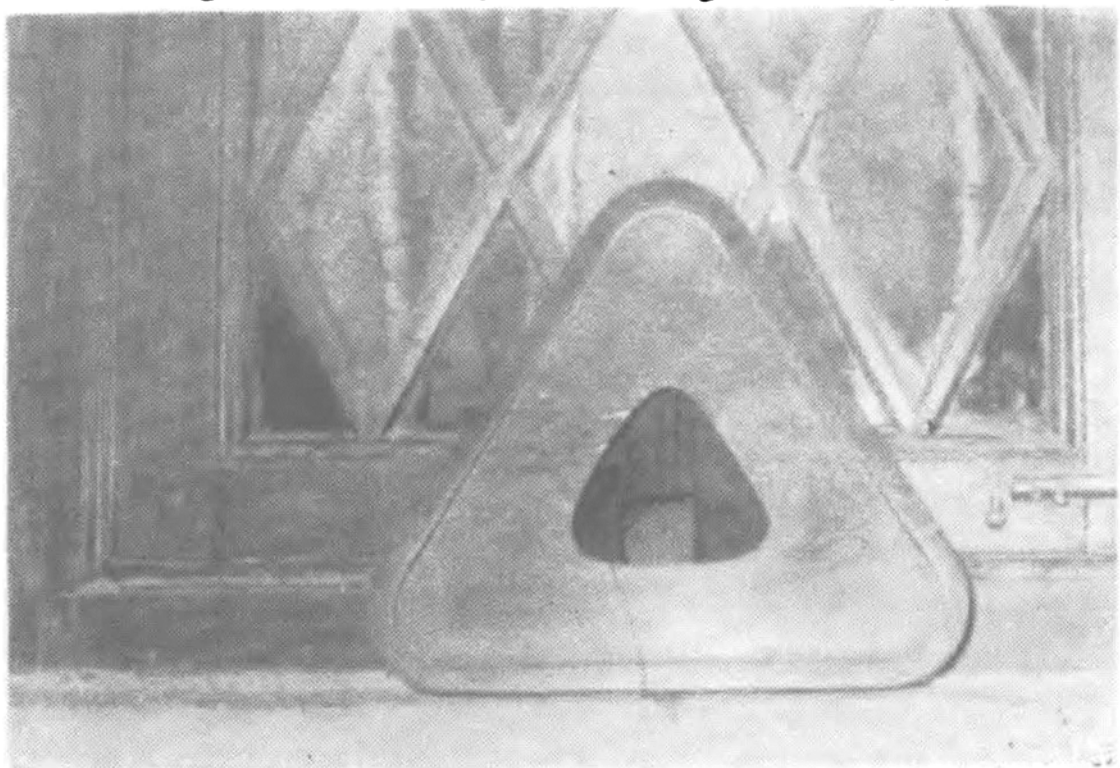
اول - به پیروان کلیه مذاهب مختلفی که در کشور شاهنشاهی اقامت دارند و از مزایای
 قوانین جاریه کشور استفاده می‌نمایند اخطار می‌گردد که پیشوایان مذاهب خود را از پیروان
 همان مذاهب که تبعه دولت شاهنشاهی هستند انتخاب نمایند .

دوم - پیشوایان انتخاب شده فقط در امور مذهبی شرکت خواهند نمود .

ساخ بنایان آزاد



نمای خارجی کلیسای انجیلی که بنام عبادتگاه ساخته شده ، ولی فراماسونهای انگلیسی آنرا کاخ بنایان آزاد می نامند و جلسات لژ را در آنجا تشکیل می دهند



دریچه‌ای که شب‌های سه‌شنبه هفته چهارم هر ماه مسیحی بر پشت در ورودی کلیسای انجیلی نصب می‌شود . این دریچه کیسه ساهی است که نگهبان داخلی لژ روشنائی با آن تازه- وارد را می‌بیند و علامت مخصوص را رد و بدل می‌کند

مراسم مذهبی از ساعت شش بعد از ظهر ، روزهای سه شنبه چهارمین هفته هرماه مسیحی ، در یکی از سالن‌های اجتماعات مذهبی کلیسای انجیلی گرد می‌آمدند ، و لژروشنائی درایران را تشکیل می‌دادند که تا به امروز نیزتشکیل این جلسات ادامه دارد .

چون درایران همواره آزادی مذهب وجود داشته و پیروان مذاهب مختلف درانجام آداب و رسوم مذهبی خویش آزادی کامل داشته‌اند ، فراماسونهای عضو این لژ ، با سوء استفاده از این آزادی و به عنوان تشکیل جلسات مذهبی، دراین محل اجتماع کرده و می‌کنند .

تشکیل این جلسات ، همراه با تشریفات جالب و مراسم خاصی است که افراد غیرماسون از آن آگاهی ندارند . و این مراسم بدین نحو است که یکساعت قبل از آغاز مذاکرات رسمی لژ ، دو نفر از اعضای کرسی روشنائی در ایران که به سمت مأمور تشریفات و دبیر انتخاب شده‌اند ، سالن را تزئین کرده ، پرچم مخصوص لژروشنائی را با مثلثی که چشم خدای فراماسونها در آن نقش شده است، همراه با سایر تزئینات بدرو دیوار نصب می‌کنند . در ساعاتی که جلسات لژتشکیل شده و مشغول فعالیت است ، بمنظوراستقرار محل دریچه‌های سالن که با شیشه‌های رنگین تزئین شده ، با پرده‌های سیاه پوشانیده می‌شود و برای اینکه (غیر فراماسون) وارد این سالن نشود ، درخارج ساختمان دو مستخدم واردین را کنترل می‌کنند . وقتی اعضای لژ از در ساختمان وارد سالن کوچک و رخت‌کن می‌شوند ، نگهبان داخلی لژ که قبلاً برگزیده و انتخاب شده است و شمشیر برهنه‌ای در دست دارد ، تازه وارد را یکبار دیگر و بدقت کنترل می‌کند . آنگاه عضو لژ ، دست راست خود را به محفظه مثلثی شکلی که از آنطرف سالن با پرچم سیاهی بطول نیم متر و بشکل آستین کت احداث شده است ، فرو می‌کند و با نگهبان داخلی لژ که در آنسوی دیوار است دست می‌دهد . لازم به یادآوری

است، که فراماسونها برای اینککه همدیگر را بشناسند، بطرز مخصوصی با هم دست می‌دهند و با انگشتان دست، مخصوصاً با انگشت سبابه دست راست علامت لژ را بطرف منتقل می‌کنند. همینکه نگهبان داخلی شمشیر بدست، مطمئن شد که تازه وارد بیکانه نیست، در ورودی داخلی سالن لژ را باز می‌کند و اجازه ورود به معبد را می‌دهد. هنگامی که کار لژ پس از چهار ساعت پایان یافت، مأمور تشریفات لژ با کمک دو نگهبان داخلی و خارجی، همه علائم و عکس‌ها و پرچم لژ و سایر لوازم تزئینی را جمع کرده، داخل چمدانی می‌گذارند و آن را به منزل دبیر لژ و یا محل دیگری که قبلاً در باره آن با استاد اعظم توافق شده است، می‌برند.

در سایر لژهای فراماسونری که دارای محل مخصوص و محفل و معبد هستند، چنین تشریفات صورت نمی‌گیرد، زیرا اماکنی که برای لژها تعیین شده، در اختیار اعضاء کرسی انتخاب شده می‌باشد و نگهبانی سالن و اطاق‌های پذیرائی و دفتر و رخت‌کن با استاد اعظم و دبیر لژ است.

بدین ترتیب ملاحظه فرمودید که چگونه در راه تأمین اغراض و هدف‌های سیاسی و استعماری، حتی مذهب و الهیات نیز بصورت بازیچه و ابزار و وسیله در می‌آید. یعنی محلی که با تکیه به معتقدات معنوی انسان و برای انجام فرایض و آداب و مراسم مذهبی بنا شده است، با سوء استفاده از اصل آزادی مذهب و زیر سرپوش تشکیل اجتماعات مذهبی، بمرکز توطئه و محل تشکیل جلسات سیاسی و دخالت در امور کشور مستقلی که هدفش تأمین (سیاست مستقل ملی) است، مبدل می‌گردد.

از سال ۱۹۲۲ م (۱۳۴۰ هـ) که کلیسای انجیلی تهران بنا شده است، تا با امروز - یعنی نزدیک به نیم قرن - هر ماه یکبار و در حقیقت متجاوز از ششصد جلسه و اجتماع لژ فراماسونری انگلیسی درین کلیسای مذهبی امریکائی که بنام مسیحیت و خداپرستی بوجود آمده، تشکیل شده است. و اعضای لژ روشنائی در ایران، زیر سرپوش اجتماعات مذهبی و در پناه ساختمان کلیسا، بیش

از ششصد بار در جلساتی که هدف آن مذاکرات سیاسی و دخالت در امور کشوری که به آنها آزادی اجتماعات مذهبی داده است، شرکت کرده و به بحث و مذاکره، پرداخته‌اند. ایکاش روزی می‌آمد که این لانه‌های فساد (مذهبی و سیاسی) درین مملکت برچیده می‌شد تا مردم میهن ما از تحریکات و دسیسه‌ها رهائی می‌یافتند.^۱

۱- تاریخ تأسیس کلیسای انجیلی تهران بموجب نوشته دکتر «جان‌الد» بدین شرح است: «... تادهه اول پس از سال ۱۹۲۰، در شهر تهران دو کلیسای انجیلی وجود داشت، که یکی مخصوص ارمنیان بود، و دیگری به مسیحیان فارسی زبان اختصاص داشت. چون عده مسیحیان فارسی زبان رو بزویی نهاد، آنها تصمیم گرفتند برای خود پرستشگاهی بنا کنند. در سنه ۱۹۲۲ کلیسای تهران بنام «کلیسای انجیلی تهران» موسوم گشت، ولی هنوز دارای دو شعبه یا دو سازمان متفاوت بود. در سال ۱۹۳۳، این دو سازمان بهم ملحق گردیدند.

هنگام تعطیل مدارس میسیون، کلیسای تهران نیز آموزشگاهی بنام دبستان مهر تأسیس نمود، که هنوز برجاست... در فصول قبل باشغال شهر رشت در سال ۱۹۲۰ توسط کمونیست‌ها، و تاراج اثنائیه میسیون اشاره شد [منظور از کمونیست‌ها، حزب کمونیست احسان‌اله‌خان می‌باشد که بنام فرقه کامونیست خوانده می‌شد]. نقل از (تاریخ میسیون امریکائی ایران ترجمه سهیل آذری ص ۹۵).

ننگ

نقرت

نقرین

برآن

ایرانی

که دست بیگانه‌ای ببوسد

ناظر اعظم لژ ناحیه ایران



کریستوفر اسحق فری استاد اعظم و ناظر اعظم لژ ناحیه ایران که ششصد
ایرانی بردست او بوسه می‌زنند ۱۱

**گریستوفر اسحق
فری یهودی الاصل
تبعه انگلیس**

اکنون می‌پردازیم به معرفی یکی از برجسته‌ترین اعضای لژ روشنائی در ایران که هم اکنون بر دوازده لژ دیگر وابسته به سازمانهای جهانی گراند لژ اسکاتلند در ایران ریاست دارد. او که دو سال قبل به سمت ناظر اعظم لژهای انگلیس در ایران انتخاب شده، «گریستوفر اسحق فری» نام دارد و تبعه انگلیس است. این انگلیسی یهودی الاصل^۱ که مدعی پیروی از مذهب مسیح است از چهل سال قبل تا کنون در ایران بسر می‌برد. از سوابق او در انگلستان هیچ اطلاعی در دست نداریم ولی از دوران اولیه خدمتش در شرکت سابق نفت گزارشهای نأسف آوری موجود است.

او زمانی در نجارخانه شرکت نفت و بعدها در سازمانهای کسب اطلاعات شرکت سابق نفت فعالیت داشت و آخرین پستش ریاست اداره کلرگزینی بوده است که پس از ملی شدن صنعت نفت به خدمتش خاتمه داده‌اند. فری پس از اخراج از ایران به عراق رفت و مدتی در بصره علیه دولت ایران فعالیت می‌کرد، ولی بعداً به ردمزیا رفته و پس از دو سال بار دیگر به تهران بازگشت. شغل ظاهری او نمایندگی شرکت‌های انگلیسی در ایران و داد و ستدهای بازرگانی است. دوران فعالیت سیاسی و فراماسونری گریستوفر فری از سال ۱۹۴۵ - م (۱۳۲۴-ش) در شهر آبادان آغاز می‌شود. بدینترتیب که او در این شهر وارد لژ پیشاهنگ Pioneer که لژ شماره ۱۳۰۵ - وابسته به لژ اسکاتلند بود، شد. او در سال ۱۹۵۰-م (۱۳۳۰-ش) به لژ روشنائی در ایران پیوست^۲ و پس از اینکه بدستور حکومت وقت ایران از خدمت در شرکت نفت اخراج شد، فعالیت فراماسونری خود را در لژ فراماسونری (فیجا Faiba شماره ۱۳۱۱) که یکی از لژهای تابعه اسکاتلند

۱ - در سالنامه سال ۱۹۶۸ - گراند لژ اسکاتلند اسم اول او را اسحق Isaac ذکر می‌کنند و این خود بهترین دلیل یهودی بودن اوست. رجوع شود به صفحه ۲۱ سطر ۱۶ سالنامه سال ۱۹۶۸.
۲ - ایضاً ص ۲۱ سالنامه سال ۱۹۶۸ گراند لژ اسکاتلند.

در بصره است و اساس آنرا پسران شیخ خزعل بنیان نهاده اند دنبال کرد. در سال ۱۹۵۳ - م (۱۳۳۲ - ش) که مجدداً به ایران بازگشت باردیگر در لژ روشنائی در ایران فعالیت خود را از سر گرفت^۱ و به موجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گرانلدز اسکاتلند در بین سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ (۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶) یکی از معروفترین و فعالترین اعضای لژهای انگلیسی در ایران بوده است، بطوریکه در کتاب سال مذکور، این دوران از فعالیت او را با عنوان «*Moster Thereof*» توصیف کرده اند. هنگامی که لژ تهران شماره ۱۵۴۱ وابسته به لژ اسکاتلند که مؤسسين آن در بصره، زیر نظر شیخ خزعلی به افتخار عضویت در سازمانهای فراماسونری درآمدند و این لژ در تهران تأسیس شد، اسحق فری بعضویت لژ تهران درآمد و از آن پس در سایر لژهای فراماسونری ایران نقش اصلی و اساسی را داشته است و دارد. فعالیت او در لژهای انگلیسی، بدان پایه و مقام رسیده که استاد اعظم لژ اسکاتلند به این یهودی انگلیسی مقام *Honorary Junior Grand Warden* را داده است. کریستوفر اسحق فری یهودی الاصل که همه جا تظاهر به دیانت مسیح می کند، از روزی که از خدمت شرکت نفت اخراج شده تا به امروز عنوان اداره چندین شرکت و مشاغل گوناگون را داشته است و هم اکنون نیز در پناه این عنوانین به زندگی سیاسی، اجتماعی و فعالیت فراماسونری خود ادامه می دهد. چنانکه اینک به اتفاق یوسف مازندی - برادر همسر درگذشته اش - شرکت اسکو *ASCO* در خیابان سپهد زاهدی را اداره می کند.

این یهودی انگلیسی که در سازمان فراماسونری به مقام «ناظر اعظم» لژ ناحیه ایران، رسیده است، بالاترین مقام در سازمان فراماسونری ایران دارد. او برپانصد نفر از فراماسون های انگلیسی، تبعه ایران حکومت می کند، و این گروه ناچارند دست او را ببوسند و فرامین او را بدون درنگ و چون و چرا اطاعت و اجراء کنند. فراماسونها از روزیکه تأسیسات خود را در جهان گسترش داده اند تا به امروز همواره مدعی بوده هستند که معلم اخلاق، مجسمه شرافت و درستی و پاکدامنی

۱ - در اصطلاح فراماسونری این گونه اتصالات را (*Affiliated*) می گویند.

می‌باشند. شاید بتوان قبول کرد که در بین فراماسونهای ایرانی، در گذشته و حال مردان شرافتمند، درستکار و طرفدار حق و عدالت، و معتقد به دیانت اسلام و وجود ذات باری تعالی، وجود داشته و دارند. چنانچه هم اکنون نیز در اجتماعات فراماسونهای ایرانی - و در لژهای وابسته به انگلیس، فرانسه، آلمان و لژ مستقل ایران که وابستگی به هیچیک از سازمان‌های جهانی را ندارد - چنین افرادی یافت می‌شوند. اینان در اجتماع ایران نیز به نیکنامی و پاکدامنی مشهور هستند و خود نیز بدین صفات عالیله انسانی اعتقاد دارند.

ولی بطوریکه در جلد چهارم همین کتاب خواهد آمد^۱ عده‌ای از فراماسونهای کنونی ایران مورد تنفر عامه مردم هستند، بلکه در محاکم دادگستری ایران سوابقی داشته و در بسیاری از سوء استفاده‌ها و سوء جریانات سهم و شریک بوده‌اند. و هنوز هم هستند... و پرونده‌های بعضی از آنها به پایه محکومیت قطعی نیز رسیده است.

به عنوان مثال همین اسحق فری ناظر اعظم فراماسونری ایران و کسیکه پانصد فراماسون ایرانی مجبور به بوسیدن دستهایش هستند، پرونده‌هایی در شعبه اول دادسرای تهران واقع در خیابان فرصت دارد که خلاصه‌ای از آنرا برای شناختن هر چه بیشتر این استاد اعظم و رهبر سازمان فراماسونری انگلیس در ایران، نقل می‌کنیم: این پرونده‌ها که به شماره ۴۶ - ۲۹۸۹ و ۴۷ - ۴۹۰ در شعبه اول دادگاه بخش تهران تشکیل شده مبنی بر ادعای او علیه بانو «انی مازندی» مادر همسر فقید او «رزی مازندی» است. قبل از اینکه خلاصه پرونده او را نقل کنیم لازم است، شمه‌ای از زندگی خانوادگی وی را که منجر به طلاق همسر اولش و ازدواج با رزی مازندی شده است، بنظر خوانندگان ارجمند برسانیم:

۱ - در جلد چهارم سوابق نگین و سوء استفاده و محکومیت سی و هفت نفر از صاحبان مقام فراماسونری کنونی ایران با اسناد و مدارک انکار ناپذیر منعکس شده است، که در ایتالیا زیر چاپ می‌باشد.

هنگامیکه اسحق فری به ایران آمد همسری بنام «مادلین ماتیلدا» داشت که او را بنام خانوادگی شوهرش «مادلین فری» می‌نامیدند. دوران زندگی این زن و شوهر همیشه با نزاع و کشمکش توأم بود. و با اینکه آنان یک پسر و یک دختر^۱ نیز داشتند، با اینحال فری در ۲۶ مه ۱۹۴۷ همسرش را طلاق داد. در این ایام رزی مازندی در آبادان در شرکت سابق نفت کار می‌کرد. واسحق فری نیز سرکارگر نجارخانه و یا باصطلاح کارگران نفتی (فورمن) بود، «رزی» در این ایام دو خواستگار داشت. نخست یکنفر هندی با مقام و درآمد بیشتر و دیگری اسحق-فری کارگر نجارخانه که همسر اولش را طلاق داده بود. فری بعد از چندین سال رفت و آمد به خانه مازندی سرانجام «رزی» را حاضر به ازدواج با خود ساخت. با وجود اینکه بین اسحق فری متولد هفتم ماه ۱۸۹۸ - با «رزی» که از او بیست سال جوان‌تر بوده است، اختلافات سنی زیادی وجود داشت. با اینحال «رزی» حاضر به ازدواج با اسحق شد. قبل از انجام مراسم عقد بموجب قوانین مدنی ایران «اسحق فری» که مذهب خود را مسیحی اعلام کرده بود می‌بایستی به دین اسلام درآید. زیرا بموجب ماده ۱۹۵۹ قانون مدنی ایران (نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست) به دنبال این ماده قانون، قانونگذار ماده دیگری تصویب کرده که می‌گوید: (ماده - ۱۰۶۰ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در موردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است).

بناچار اسحق فری در محضر یکی از علمای شرع (احتمالاً مرحوم آیت‌الله بهبهانی بوده) به دین اسلام درآمده و نام «علی» را بجای «اسحق» بروی خود گذاشت. سپس ازدواج این دو که در تهران انجام شد، در محضر رسمی نیز به ثبت رسید و در قباله ازدواج مذهب زوجین مسلمان عنوان شده است. ولی ملیت رزی مازندی «ایرانی» و ملیت «علی فری» انگلیسی به ثبت رسیده است.

۱ - دختر باقی مانده از «مادلین» شغل اولیه‌اش اربیتست، در مراجع مختلف بوده که هم اکنون همسر یک امریکائی ثروتمند است. پسرش نیز خلبان هواپیماست.

پس از اینکه زوجین از تهران به آبادان رفتند «فری» که در پاسپورت انگلیسی‌اش نام اورا کریستو فرایزاک (اسحق) فری نوشته‌اند، ازدواج با همسرش «رزی مازندی» را در جون ۱۹۴۷ - م (تیر ماه ۱۳۲۶) به کنسولگری انگلیس در خرمشهر اطلاع داد. از دوران زندگی مشترک این دو نفر که بیست سال و سه روز بطول انجامید، ذکری نمی‌کنیم، زیرا نمی‌خواهیم وارد خصوصیات اخلاقی طرفین و اختلافات خانوادگی استاد اعظم فراماسونری که می‌بایستی مریی اخلاق و مجسمه درستی و درستکاری باشد - بشویم. همینقدر می‌گوئیم که رزی مازندی مبتلا به ناراحتی اعصاب شده، تا جائیکه مرتباً با خوردن قرص‌های خواب آور، اعصاب خود را تسکین می‌داد. او هرچند سال یکبار وصیت‌نامه‌ای می‌نوشت که يك نسخه از آن را به مادرش و نسخه دیگری به خواهرش که همسر کاشانی (عضو کنسرسیوم) و فراماسون لژ آریا وابسته به اسکاتلند است، می‌سپرد.

در روز اول مرداد ۱۳۴۶ که مدت دو سال مهلت وصیت‌نامه‌اش بسر آمده بود، بار دیگر وصیت‌نامه‌ای به وسیله ماشین نویس کنسرسیوم نوشت که نسخه‌ای از آن را به همسرش «اسحق فری» و نسخه دیگری به «لیلی کاشانی» خواهرش سپرد. در وصیت‌نامه خواهرش مبلغی از موجودی یکی از بانک‌های انگلیس را به او بخشیده و مبلغی را نیز به مادرش اختصاص داده بود. جالب توجه اینکه در سال‌های اخیر «رزی مازندی» از زندگی خانوادگی خود ابراز تنفر می‌کرده و همواره از عملیات و کارهای عمومی شوهرش شکایت داشته است. در همین ایام «اسحق فری» به - همسرش پیشنهاد می‌کند که پس از آغاز تعطیلات تابستانی لژهای فراماسونری به اتفاق او به انگلستان برود. با اینکه رزی تبعه ایران بود، با اینحال همسرش با کمک دوستان فراماسونرش در سفارت انگلیس برای او پاسپورت انگلیسی می‌گیرد. و حال آنکه تا آن تاریخ در همه اسناد رسمی و پرونده کنسرسیوم، ملیت او را ایرانی نوشته‌اند، و هیچ مجوز و مصوبه‌ای نیز وجود ندارد که باستناد آن، دولت ایران به وی اجازه ترك تابعیت داده باشد.

پاسپورت و ویزای کنسولگری انگلیس روز ۱۸ جولای ۱۹۶۷ صادر می‌شود. ولی «رزی فری» راضی به رفتن به انگلیس نبوده و به دوستان و اقوامش گفته بود اگر مجبور به هزیمت از ایران شوم نمی‌دانم چه کنم . . . از طرفی همسرش اصرار داشته است که با اتفاق وی عازم انگلستان شود. این کشمکش خانوادگی ادامه داشته است تا اینکه روز ۱۴ جولای (۳ مرداد ۱۳۴۶) موقعیکه مستخدم منزل طبق معمول همه روزه، برای بیدار کردن «رزی» می‌رود و روزنامه را به اطاق خواب مشارالیه‌ها می‌برد، وی را نیمه جان می‌یابد. بلافاصله برادر و مادر و همسرش او را به بیمارستان رضاپهلوی شمیران می‌برند ولی معالجات مؤثر واقع نمی‌شود و در بیمارستان فوت می‌کند.

مرگ رزی در دفتر گورستان به شماره ۸۶۸۱ روز سوم مرداد ۱۳۴۶ ثبت شده است و او را در محل مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده‌اند. در جواز دفن او هویت مشارالیه‌ها را بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ مسلمان و تبعه ایران ثبت کرده‌اند، مراسم ختم او نیز در مسجد مجید و هفته و چهارم در گذشتش را در سر قبر ظهیرالدوله، طبق آئین اسلام برگزار کردند.

يك هفته بعد از خاتمه تشریفات مذهبی خانواده مازندی و اسحق فری دور هم جمع می‌شوند و موضوع ماترك و باقیمانده دارائی «رزی» را مطرح می‌کنند. در این جلسه ابتدا خانم لیلی کاشانی نوشته و وصیتنامه او را عنوان کرده و عین ورقه‌ای را که همراه داشته بدست «فری» داد. ولی او نوشته رزی را در حالیکه می‌گریست پاره کرد و گفت: «بین من و برادران فراماسونم (یوسف مازندی و کاشانی) و مادر رزی کاغذ و نوشته لازم نیست و بزودی ترتیب تقسیم ارثیه و ماترك آن مرحومه را می‌دهیم»، چندی بعد اسحق فری و مادر مازندی مشترکاً و کالتنامه‌ای به‌صداق بهداد و کیل پایه‌یک دادگستری دادند، تا وی پرونده انحصار وراثت را در

محاكم دنبال کند. صادق بهداد به علت دوستی که با یوسف مازندی دارد، حاضر شد و کالت افتخاری مادر او را بپذیرد، و موضوع را تعقیب نماید. پس از این توافق، او از طرف بازماندگان «رزی» عرضحالی به شعبه اول دادگاه بخش تسلیم کرده و پرونده‌ای با شماره ۴۶-۲۹۸۹ تشکیل شد، ولی ناگهان اسحق فری یهودی‌الاصل که خود را مسیحی و همسرش را نیز پیرو همین دین معرفی می‌کرد، با انتخاب سید محمد باقر حجازی بوکالت خود، عرضحالی به همین دادگاه تسلیم کرد و باستناد قوانین مسیحیت از دادگاه خواست که مادر همسر و سایر افراد خانواده‌اش را از حق الارث محروم کند. اسحق فری در عرضحال ۱۲ خرداد ۱۳۴۷ - و هم چنین در پرونده ۴۷/۴۹۰ می‌نویسد: طبق ورقه نکاحیه ثبت شده در کنسولگری انگلیس بانوی مزبور عیال اینجانب تبعه انگلستان می‌باشد و طبق قوانین انگلستان کلیه دارائی آن مرحومه به اینجانب تعلق دارد.

دارائی شخصی «رزی» عبارت بود: از يك خانه چهار هزار متری در نیاوران به ارزش يك میلیون و پانصد هزار تومان - موجودی او در بانک انگلیس (که قبل از خاتمه انحصار وراثت «فری» آنها را برداشت کرده بود). موجودی دفترچه پس انداز بانک ایران و انگلیس شعبه تخت جمشید - حساب سیار شماره ۵۱۸۹۰ بانک بازرگانی مرکز و سایر دارائی نقدینه‌اش باضافه جواهرات و البسه...

مادر مازندی که بانوئی بدون درآمد و حقوق بازنشستگی است، و سال‌ها قبل همه دارائی و مایملک خود را به دخترش «رزی» داده بود، وقتی با این رفتار و رویه استاد اعظم فراماسونی که خود را معلم اخلاق و رهبر پیش از پانصد فراماسون ایرانی و مدافع (آزادی، برابری و برادری) می‌دانست، روبرو شد، از وکیل افتخاریش تقاضا کرد تا عرضحالی علیه «فری» به محکمه بدهد. صادق بهداد در عرضحال تقدیمی به محکمه به دلایل زیر ادعای استاد فراماسونها را نا صحیح و غلط می‌داند:

- ۱ - رزی مازندی تا هنگام فوت ایرانی بوده و شناسنامه ایرانی داشته است چنانچه سند فوت او بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ تنظیم و باطل شده است .
- ۲ - هیچیک از زنان مسلمان نمی‌توانند ، به عقد مرد غیرمسلمان درآیند، مگر اینکه شوهر او قبل از ازدواج مسلمان شده باشد .
- ۳ - طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی هیچیک از اتباع ایرانی نمی‌توانند، تبعیت خود را ترك کنند ، مگر با اجازه و تصویب هیئت وزیران .
- ۴ - رزی مازندی بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ که تا زمان فوت معتبر بوده و همچنین طبق اسنادی که در اوراق هویت او در پرونده استخدامیش در کنسرسیوم موجود است ، تابعیت ایرانی داشته و برای تکمیل اثبات ایرانی بودن او به حساب‌های او در بانکهای زیر استناد می‌شود :
 - ۱ - بانک ایران وانگلیس شعبه تخت جمشید که در سند شماره ۱۰۲۰۶۲ - ملیت او را ایرانی ذکر کرده‌اند .
 - ۲ - حساب شماره ۵۱۸۹۰ بانک بازرگانی مرکز .
 - ۳ - حساب بانک اعتبارات شعبه نادری ساختمان آلومینیم .
 (که خود آن مرحومه در همه این موارد ملیت خود را ایرانی اعلام کرده‌است.)
- ۵ - هیچ تبعه خارجی حق داشتن ملك غیر منقول در ایران ندارد . و حال آنکه طبق سند شماره ۱۰۳۰۱۹ - رزی مازندی صاحب ملك شخصی در نیاوران است .
- ۶ - هیچ تبعه خارجی نمی‌تواند در ایران اقامت نماید مگر اینکه اداره گذرنامه شهربانی به او ورقه اقامت بدهد ، و هویت و محل اقامت و سایر مشخصات او در پرونده‌ها و اسناد اداره اتباع خارجی مقیم ایران ثبت شده باشد .
- ۷ - هیچ تبعه خارجی حق اشتغال بکار در ایران را ندارد ، مگر با اجازه وزارت کار . حال آنکه رزی مازندی از بدو استخدام در شرکت نفت همواره خود را تبعه ایران دانسته و احتیاج و لزومی بداشتن ورقه کار نداشته است .

۸ - بموجب قبالة ازدواج موجود در پرونده دادگاه بخش زوجین مسلمان هستند و ثبت ازدواج آنان که اسحق فری مدعی است در کنسولگری انگلیس ثبت شده، صحیح نبوده و کنسولگری مذکور حق ثبت این ازدواج را نداشته است. بعد از تقدیم این عرضحال به دادگاه ساعت ۸ صبح روز هفتم آبانماه ۱۳۴۷ را برای رسیدگی به عرضحال اسحق و دلایل و مدارك اشاره شده وکیل مدافع تعیین کرد^۱ ... البته اسحق منتظر اعلام رأی دادگاه نشد و در حدود دو ماه قبل از تشکیل جلسه دادگاه با سومین همسر خود - عیال سابق مرحوم حسابی استاد لژ فراماسونی تهران - ازدواج کرد. این زن وارث چندین میلیون تومان ثروت از شوهر درگذشته خویش است.

امید است با مطالعه این شرح اجمالی بخصوصیات اخلاقی، زندگی اجتماعی و بطور کلی رفتار و کردار مردمی که مدعی پیامبری اخلاق و تمدن و عالیترین خصوصیات انسانی هستند واقف شده باشید. منظور از انعکاس این مطالب فقط و فقط هشدار به آن گروه از ایرانیان پاک نهادی است که بدون آگاهی دقیق و کامل از منظوره‌های سیاسی و هدفهای استعماری بیگانگان، تنها به این دلخوشی، که در راه اصلاح اصول اخلاقی و انسانی بشر گام برمی‌دارند، ناچار به دست بوسی و تبعیت از افرادی می‌شوند که خود فرسنگها از اخلاق و انسانیت بدورند. هشدار به کسانی است که با اطاعت کورکورانه‌ی خود از سازمانهای ساخته و پرداخته بیگانه، تنگ و نفرین ابدی را برای خود و خانواده و اعقاب خویش می‌خرند ... غافل از اینکه تاریخ قاضی عادل است که هرگز مرتکب گناه نمی‌شود. و تنگ و نفرت دست بوسی بیگانگان - آنهم با خصوصیات اخلاقی و اجتماعی اشاره شده - برای همیشه در صفحات تاریخ بر پیشانی این افراد و فرزندان آنها باقی خواهد ماند.

۱ - متأسفانه چون تاریخ تشکیل جلسات دادگاه مصادف با روزهایی بوده که صفحات این کتاب زیر چاپ می‌رفت، موفق به انعکاس رأی نهائی دادگاه نشدیم.

لژ روشنائی در ایران برای اینکه برتری و سروری خود
قبول عبودیت و برتری را بر روی همه فراماسونهای ایرانی و کنترل خود را بر اعمال
 آنان حفظ کند، و از کارها و اطلاعات آنها حداکثر بهره -
 برداری را بنماید مسئلهی «نظارت کامل» را عنوان کرده و
 آنرا بر لژهای ایران تحمیل نموده است.

این اقدام که به نفع سازمانهای اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی انگلیس در
 ایران است بدون درنگ با موافقت مرکز لژ اسکاتلند در ادنبورگ روپرو شد.
 آنها به کارگردانان لژ دستور دادند تا «سروری» و «برتری» و قبول «عبودیت»
 از گراند لژ اسکاتلند را در هرزمینه بر لژهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی
 جدیدالتأسیس بقبولانند. عدهای از فراماسونهای جوان که قبل از ورود به لژهای
 ماسونی هدف این تشکیلات مخفی را فقط و فقط استعانت و کمک و همراهی به
 نوع بشر میدانستند، با قبول برتری و سروری و عبودیت لژهای انگلیس
 مخالفت کردند، ولی چون قوانین فراماسونی اطاعت محض و کورکورانه از دستورات
 اولیه را ایجاب می کند، به ناچار همه فراماسونهای سه دسته مذکور حاضر به
 پذیرفتن «عبودیت» و «سروری» و «برتری» گراند لژ اسکاتلند شدند و بدین-
 ترتیب است که بعد از مدت کوتاهی «کریستوفر اسحق فری» یهودی تبعه انگلیس
 که همه جا خود را حاکم مطلق و آمر حقیقی فراماسونهای ایرانی می داند، در
 رأس کلیه سازمانهای ماسونی قرار می گیرد. منتهی چون در این ایام زمزمه های
 مخالفت در لژها علیه این انتصاب برخاست و بیشتر اعضای لژهای آلمانی باطاعت
 کورکورانه و قبول عبودیت انگلیس ها مبارزه ای شدید را آغاز کردند، موضوع
 انتخاب سناتور دکتر سعید مالک در رأس گراند لژ محلی ایران عنوان شد.

این سازمان فراماسونری که District Grand Lodge of Iran نامیده
 می شود، وظیفه اش ایجاد هماهنگی بر مجموع فعالیتها، کسب اطلاعات واصله، حتی
 نظارت بر مشاغلی است که در ایران به افراد واگذار می شود. گر چه سازمانهای

انگلیسی با انتصاب سناتور دکتر سعید مالک در رأس این سازمان موافقت کردند، ولی يك معاون دائمی بنام «کلنل استراکر» در لندن برای او تعیین شد که وظائفش را در ایران به «گریستوفر-فری» واگذار کرد. انتخاب سناتور دکتر سعید مالک که مورد اعتماد دستگاه حاکمه ایران است، و به علت عدم آلودگی به فساد و رشوه - خواری مورد احترام عده زیادی از فراماسنهاست، تا اندازه‌ای به مخالفت‌ها و مبارزات مورد بحث پایان داد. ولی کارگردانان انگلیسی لژها از این حسن انتخاب سوء استفاده کرده و سازمان گراند لژ محلی ایران را به صورت پوششی بر روی اعمال خود در آوردند. این بهره‌برداری نادرست، همراه با تحریکات و گفتگوهای که از درون لژهای انگلیسی شنیده می‌شد و مخالفت‌هایی که انگلیسی‌های عضو لژ علیه کارهای عمومی مملکتی آغاز کرده بودند بار دیگر حوادثی در لژها بوجود آورد که جدا شدن لژهای آلمانی (مهر- وفا - آفتاب - ستاره سحر) از گراند لژ محلی ایران را بایستی نتیجه آن و اولین نشانه طغیان دسته جمعی علیه «عبودیت لژهای انگلیسی» دانست.

این مبارزات تا سالهای اخیر نیز ادامه داشت. یکی از استادان فراماسونری. انگلیس که نامه سپتامبر سال جاری دبیرکل و استاد اعظم لژ اسکاتلند را خطاب به «گریستوفر-فری» خوانده بود، می‌گفت: در این نامه از اینکه دکتر احمد هومن با او به مبارزه برخاسته و مانع انتخاب او در گراند لژ ملی ایران شده است، ابراز تأسف شده و باو تأکید کرده بودند که دکتر هومن همیشه خودخواهی داشته است. منتهی شما سعی کنید بهر نحوی هست در این سازمان انتخاب شوید و نگذارید ایرانیها شما را کنار بگذارند.

همانطور که گفته شد ، طغیان علنی علیه سیاست انگلستان

طغیان علیه سیاست انگلستان در سالهای اخیر افزایش یافت تا جائیکه در بین بعضی از جوانان که در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی عضو لژهای فراماسونری شده‌اند حالت عیبیان و طغیان علیه سیاست

جابرانه انگلستان در ایران دیده می‌شود. این جوانها با آنکه می‌دانند سیاست : اطاعت محض از فرامین و اوامر استادان اعظم لژ، و به‌کردن نهادن طوق عبودیت استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند و انگلند و همچنین پیروی کورکورانه و تبعیدی از گراند لژهای انگلستان و پذیرفتن رهبری و برتری سازمانهای انگلیسی‌نخستین دستور در سازمانهای فراماسونری است، معذالک‌گاهی دیده شده که یکی دوجوان ایرانی حس ناسیونالیستی و وطنپرستی را بر قبول دستورات و اوامر استادان و انترناسیونالیستها ترجیح داده ، علیه سیاست جابرانه انگلستان سخن گفته و با مقاله و کتاب نوشته‌اند .

شاهد زنده این‌گونه جوانها « حسین رامتین » نویسنده کتاب « امریکائیان در ایران » است . وی که به‌اتفاق برادرش در لژهای تهران و کورش وابسته به لژ روشنائی در ایران و در سال‌های اخیر در گراند لژ انگلستان عضویت و رهبری دارند ، با اینحال او در کتاب مذکور درباره سیاست ظالمانه و سبعمانه انگلستان در ایران که مجریان آنها اکثراً « برادران فراماسون » و یا « لژهای ماسونی » هستند چنین می‌نویسد :

« ... تاریخ دو بیست ساله اخیر روابط بین‌المللی بهترین شاهد ، مشکلات و ناراحتیهائی است که از شمال و جنوب ایران، یا صریحتر بگوئیم از جانب زمامداران روس و انگلیس برای ما فراهم شده است .

« هر ایرانی که قدری در اوضاع فعلی و گذشته سرزمین خود عمیق شود و با تاریخ سالهای اخیر را تحت مطالعه دقیق قرار دهد ناچار است با کمال صراحت اعتراف کند که هر چه بر سر این ملت آمده است نتیجه سیاستهای استعماری همسایگان شمالی و جنوبی ما بوده است و بس .

هدف‌ها و مقاصد استعماری انگلستان در سراسر آسیای میانه ، جنوبی و مرکزی بطوری چشمان‌مأمورین و متصدیان امور کشورهای این مناطق را کور کرده بود که جز سیادت و نفوذ انگلستان بهیچ چیز دیگر نمی‌اندیشیدند و سرزمین خود را ملک مطلق و منطقه نفوذ این سیاست استعماری می‌دانستند . دیگر برای

آنها هیچ فرقی نداشت که با چه وسیله و بدست چگونه اشخاصی این نفوذ و قدرت سیاسی اعمال می‌شود.

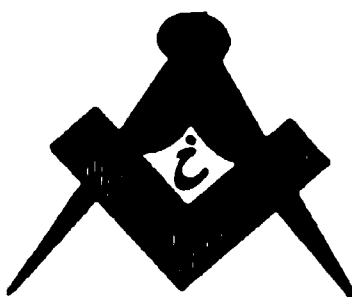
«آنها فقط هدف خود را می‌دیدند و کوچکترین تفکر درباره نحوه اعمال نفوذ و ترحمی نسبت ب مردم نداشتند، گاهی راهزنی را از پشت کوهی می‌آوردند و بر جان و مال مردم مسلط می‌ساختند و زمانی آخوند بیسواد روضه خوانی را از دهستانی دور افتاده ... هنگامی نیز یکی از اشراف جنایتکار و دزد را پروبال می‌دادند که با هر وسیله و عنوانی که میسر است بقدرت برسد و بر مردم بی‌پناه این کشور حکومت کند. طبعاً اینگونه افراد پس از استقرار بر سریر حکومت آنچه در قدرت داشتند، از بی‌شرافتی و دزدی و غارت اموال مردم و هر خیانت دیگری ... کوتاهی نمی‌کردند فقط وظیفه آنها این بود که دستورها و اوامر نمایندگی عالی یا سفیر اعظم بریتانیا را اطاعت کنند ...»

این نویسنده فراماسون در حالیکه خود از نفوذ برادران ماسونش در سازمانهای دولتی: مقننه، مجریه و قضائیه مملکت در دوران مشروطیت آگاه است، با صراحت فراوان و بدون ذره‌ای ترحم، آنها و سایر نوکران و دست پروردگان سیاست استعماری را کوبیده و تنها آرزوی خود را محو و نابودی این لانه‌های جاسوسی و تار عنکبوتی که بدست و پای مردم ایران بسته شده عنوان کرده است.

«حسین رامتین» روش قاطع و راه‌نهایی برای محو سیاست استعماری انگلستان را نابودی فراماسنها، جاسوسان انگلستان و عمال مارکدار آنان، و حتی اطفال شیرخوار این گروه دانسته، و چنین می‌نویسد:

«... مردم ایران بهیچ وجه من‌الوجه باور ندارند که پسران و اعقاب و اخلاف آن خانواده‌ها با کتاب خواندن و نطق کردن و انقلابی شدن رنگ واقعی خود را از دست داده باشند.

مردم ایران تا وقتی به چشم خود نبینند که ریشه این دسته فاسد الاصل از بیخ و بن کنده شده و دیگر اثری از اطفال شیرخواره آنها هم یافت نمی‌شود، نمی‌توانند قبول کنند که تخم فساد که بوسیله سیاست استعماری سیاه انگلستان و روسیه از دو قرن پیش در این کشور کاشته شده، بکلی نیست و نابود گردیده است.»



کارگردانان لژهای انگلیسی، برای اینکه بدون مزاحمت
لژ اعظم ناحیه ایران و اشکال تراشی و مخالفت لژهای فرانسوی به کار خود ادامه
 دهند، ایجاد «لژ اعظم ناحیه ایران» را به مرکزگران لژ در
 ادنبورک پیشنهاد کردند. استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند، بدون درنگ با تشکیل
 «لژ اعظم» موافقت کرد و ضمن پذیرفتن این پیشنهاد به رؤسای لژهای انگلیسی
 اخطار کرد که در توسعه سازمانهای فراماسونی در ایران و ایجاد لژهای تابعه
 اسکاتلند اقدامات وسیع و دامنه‌داری را آغاز کنند.

برای تأسیس و باصطلاح خود فراماسونها «تنصیب» لژ اعظم ناحیه ایران
 لرد بروس وزیر دربار اداری انگلیس و استاد اعظم سال ۱۹۶۶ - م (۱۳۴۵ - ش) به
 تهران آمد، و باشکوه و عظمت خاص فراماسنها، این سازمان فراماسونری را
 در ایران بوجود آورد.

سازمان مذکور بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گراند لژ اسکاتلند^۱
 بدست اشخاص زیر سپرده شد:

ناظر اعظم لژ اعظم ناحیه ایران	کریستوفر اسحق فری
قائم‌مقام ناظر اعظم مقیم انگلستان	کنت. او. بیرس ^۲

۱- رجوع شود به صفحه ۳۳ سالنامه .

۲- در صفحه ۳۳ سالنامه مذکور این شخص Kenneth. O. Byers مقیم لان‌شایر
 انگلیس معرفی شده است .

شهر	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تهر
۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲	۱۳۶۲
1963	1963	1963	1963	1964	1964	1964	1964	1964	1964	1964
		۱۱ 2 Nov.								لزبندگ ناحیه ایران
	۲ 25 Sep.		۱ 27 Nov.		۲ 22 Jan.			۲ 22 Avril	۱ 27 Mai	شاپور مولوی
	۱۴ 6 Oct.		۱۰ 1 Dec.		۱۲ 1 Fev.		۱۶ 5 Avril		۱۷ 7 Juin	فروغی ۶۷
	۹ 1 Oct.	۱۴ 5 Nov.	۱۲ 3 Dec.	۱۷ 7 Jan.	۱۰ 4 Fev.	۱۳ 3 Mars	۱۸ 7 Avril	۱۰ 5 Mai	۱۲ 2 Juin	حافظ ۶۸
	۹ 1 Oct.	۱۴ 5 Nov.	۱۲ 3 Dec.	۱۷ 7 Jan.	۱۰ 4 Fev.	۱۳ 3 Mars	۱۸ 7 Avril	۱۰ 5 Mai	۱۲ 2 Juin	شمس تبریزی ۷۲
	۱۶ 8 Oct.	۲۱ 12 Nov.	۱۹ 10 Dec.	۲۴ 14 Jan.	۲۲ 11 Fev.	۲۰ 10 Mars	۲۰ 14 Avril	۲۲ 12 Mai	۱۰	صدیقی ۶۶
	۲۳ 15 Oct.	۲۸ 19 Nov.	۲۶ 17 Dec.	۲۹ 21 Jan.	۲۹ 18 Fev.	۲۹ 21 Avril	۲۹ 21 Avril	۲۹ 19 Mai		مولوی ۶۹
	۲۷ 19 Oct.	۲۰ 16 Nov.	۲۰ 21 Dec.	۲۸ 18 Jan.	۲۱ 15 Fev.	۲۱ 14 Mars	۲۹ 18 Avril	۲۱ 16 Mai		ابن سینا ۷۶
		۱۱ 2 Nov.		۱۴ 4 Jan.		۱۷ 7 Mars		۱۲ 2 Mai		سزدا ۷۹
۹ 30 Juin	۰ 26 Mai	۸ 28 Avril	۱۱ 31 Mars	۶ 25 Fev.	۸ 28 Jan.	۱۰ 31 Dec.	۱۰ 26 Nov.	۷ 29 Oct.		لایت این ایران ۱۱۹۱
	۱۱ 1 Juin	۱۴ 4 Mai	۱۷ 6 Avril	۱۲ 2 Mars	۱۴ 3 Fev.	۱۶ 6 Jan.	۱۱ 2 Dec.	۱۳ 4 Nov.	۱۰ 7 Sep.	خیابان ۱۰۸۰
	۲۳ 13 Juin	۱۹ 7 Mai	۲۲ 11 Avril	۲۴ 14 Mars	۱۹ 8 Fev.	۲۱ 11 Jan.	۲۳ 14 Dec.	۱۸ 9 Nov.	۲۰ 12 Oct.	تبرستان ۱۰۴۱
	۲۷ 27 Juin	۲۰ 20 Mai	۲۶ 15 Avril	۲۸ 18 Mars	۲۰ 19 Fev.	۲۰ 15 Jan.	۲۷ 18 Dec.	۲۷ 20 Nov.	۲۴ 16 Oct.	کوروش ۱۰۷۴
		۲۲ 12 Mai			۲۲ 11 Fev.		۱۹ 10 Dec.		۱۶ 8 Oct.	شاپور مولوی

برنامه سالانه لژهای فراماسونری انگلیسی و فرانسوی در ایران

مهندس حسین شقافی	قائم مقام استاد لژ اعظم ناحیه ایران
فیروز دورابچی	سرپرست اول گراند لژ محلی ایران
صالح چتایات یهودی	سرپرست دوم لژ اعظم ناحیه ایران
فتح الله فرود	منشی گراند لژ محلی ایران
ژرژ اوانسف	ناظر لژ اعظم ناحیه ایران در منطقه خوزستان
مهندس علی اصغر بختیار	شمشیردار لژ اعظم ناحیه ایران

این سازمان که بر دوازده لژ فراماسونری انگلیسی نظارت کامل دارد، در سال فقط چهار روز، آنهم در ماههای (خرداد - شهریور - آذر - اسفند) که برابر با ماههای مسیحی (ژوئن - سپتامبر - دسامبر - فوریه) است، تشکیل می‌شود. روزهایی که این سازمان ماسونی انگلیسی در ایران در انجمن رازی تشکیل جلسه می‌دهد، درباره خطمشی و طرز کار و فعالیت لژهای ایران، ترازنامه سالانه، ایجاد لژهای جدید و بالاخره بهره‌برداری از اطلاعات و فعالیتهای سیاسی و اقتصادی اعضای لژ در سرتاسر ایران مذاکره می‌شود. در روزهای تشکیل جلسات که به آن نام «جلسات ارتباطیه» داده‌اند هر يك از لژها نماینده‌ای برای شرکت در جلسات اعزام می‌دارد و به دستورات و کارها رسیدگی می‌کنند.

چون در تشکیل لژ ناحیه اعظم ایران نامی از «صالح چتایات»

یهودیان مهاجر برده شد، بی‌مناسبت نیست که ایشان را از قول یکی از
در لژ روشنائی یهودیانی که سالها با او کار می‌کرده است معرفی کنیم^۱ :

صالح چتایات یهودی عراقی که سالها پیش به ایران

مهاجرت کرده از سال ۱۹۴۵ تاکنون چندین بار مقام‌های عالی از جمله ریاست کرسی لژ روشنائی در ایران را داشته است و هم‌اکنون نیز از فعالین سازمان ماسونی انگلیس در ایران است. در رساله‌ای که اسحق یعقوبیان دانشجوی علوم اجتماعی (ساکن

۱- رساله‌ای که این قسمت از آنرا نتا کرده‌ایم در کتابخانه انجمن کتاب به شماره

تهران، خیابان سیروس، کوچه سادات اخوی، شماره ۱۰۰) نوشته درباره صالح چتایات و سایر مهاجران عرب فراماسون چنین نوشته است :

«... سازمان جاسوسی انگلستان در ایران (ام-آی-۵ M. I. 5) که هموطنان ما به غلط و یا به اصطلاح معمولی آنرا «اینتلیجنت سرویس» می نامند، ریشه قدیمی و کهن دارد. یکصد و هشتاد سال است که این سازمان لعنتی در ایران کشتار می-کند، رژیم عوض می کند، خانواده ها برباد می دهد، اقتصاد و سیاست ما در دست عمال کثیف «اینتلیجنت سرویس» است بچه های شیرخواره ایرانی در گهواره بدست جاسوسان اینتلیجنت سرویس خفه می شوند. پیرمردان و وطنپرستان ایرانی را بخاک سیاه می نشانند و آنرا بعنوان «سکته» و مرگ ناگهانی بدیار عدم می فرستند. عمال این سازمان قدیمی در ایران بیشتر مهاجران و عده کمی هم اقلیت های مذهبی هستند. بیشتر عمال «اینتلیجنت سرویس» در سی ساله اخیر که شناخته شده اند، جهودهای عرب هستند که از کشورهای سوریه - لبنان - عراق و مصر با ایران آمده اند.

اینها روزی که با ایران آمدند بظاهر صراف - ماشین دار - نماینده کمپانیهای خارجی بودند و با سرمایه هایی که می آوردند بهترین کارهای تجارنی را در دست می گرفتند.

همین ها پس از مدتی که در ایران متوقف می شوند با پرداخت پول و رشوه ورقه تابعیت ایران را بدست می آورند - و بنام يك ایرانی مشغول کار می شوند...» اسحق یعقوبیان آنگاه نحوه کار این سازمانها و افراد آنرا چنین تشریح می کند :

«... اینتلیجنت سرویس برای اینکه پرده بر چهره کثیف عمالش بکشد، برای آنها شرکت های سهامی تشکیل می دهد، و مقداری از سرمایه این نوع شرکتها که بصورت سهام درمی آید با نام و مقداری بدون نام است. سهام بانام، بنام مدیران و اعضای شرکت است و سهام بی نام در گاوصندوق اینتلیجنت سرویس در

ایران باقی می ماند .

انگلیسها هر وقت بنخواهند به عمال تازه خود کمکی کنند ، بآنها سهام بدون نام می دهند . اگر ارزش کار عمال و جاسوسان آنها کم و کوچک باشد یکی از شرکتهای سهامی دستور می دهند که از فروش و یا مازاد در آمد، مبلغی بجهت جاسوسان مورد نظر بریزند .

چهار شرکتی که سهام آن در دست اینتلیجنت سرویس است و نیمی از در آمد آنها مستقیماً بجهت عمال این سازمان می رود و از پنجاه سال قبل ویانندگی کمتر در ایران تشکیل شده [اند] عبارتست از:

۱ - شرکت انگلیسی لینچ واقع در خیابان ثبت .

۲ - شرکت سهامی سیار خیابان سعدی .

۳ - شرکت کتانه خیابان برق .

۴ - شرکت شبدیز خیابان سعدی .

شاید کمتر کسی باشد که کلنل «استراکر» رئیس شرکت لینچ در ایران را که ۲۰ سال در تهران بود و در سال ۱۳۴۰ از ایران رفت نشناسد .

این کلنل کاسب کار انگلیسی که در عین حال رئیس لژ فراماسونری در ایران - عراق - کویت و بحرین نیز بود ، سالها در ایران بشغل شریف (تجارت) مشغول بود .

او بر برادران فراماسونش در لژهای اسکاتلند که در شرکت شبدیز هستند (چتایات - شعشو و برادرانش و همچنین دامادش ادوارد) همیشه ریاست (برادرانه) داشت . کلنل استراکر هیچگاه برادران فراماسون ارجمند خویش را در شرکت سیار هم فراموش نمی کرد - الیاس دبی - صالح چتایات - جمشید ... - شائول ناتان برادران فراماسون او که همگی عضو اینتلیجنت سرویس نیز هستند ، همیشه مورد لطف و عنایت مخصوص کلنل استراکر بودند . اینان در شرکت سیار و سایر تشکیلات طوق عبودیت افسر سازمان جاسوسی انگلستان را بگردن می نهند و هر چه معمار



الیاس دبی یهودی عرب سهامدار
عمده شرکت سیار

اعظم «فرمایشی» بآنها بگوید و یا هر دستوری که برای خرابکاری بدهد آنها اطاعت می نمایند .

کلنل استراکر که یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری یونایتدپرس هنگام عزیمتش از ایران ضیافت مجللی در الهیه بافتخار اوداد وقتی استراکر و داماد انگلیسی مازندی (کریستوفر-اسحق) را بمدعوین معرفی می کرد ، خیلی از عوامل جاسوسی اش را بگریه انداخت ... نویسنده رساله بدنبال این بحث چنین ادامه می دهد :

شرکت سیار در حین اشغال ایران بوسیله قوای انگلیس و روس در تهران



صالح چتایات، یهودی عرب‌سهمدار
عمده شرکت شب‌دیز، درکنار پرچم
فراماسونی لژیونشائی

تشکیل گردید. مؤسس این شرکت يك عرب جهود عراقی بنام «شائول ناتان» است که هم اکنون روزها فقط بشغل تجارت و داد و ستد و معامله حلال و شب بشغل کسب خبر و ارسال خبر و اداره شبکه ... مشغول است .

روزیکه ناتان از عراق بایران آمد تا «شرکت سیار» را تشکیل دهد. سازمان جاسوسی «اینتلیجنت سرویس» یکی از پادوهای باهوش و زرنگ خودش را بنام «جمشید» باو معرفی و تحمیل کرد . . . این دو نفر شریک دیگری بنام «ناوی» داشتند . این

ناوی که دخترش را بعقد صالح چتایات درآورده بزودی جای خود را به «چتایات» داد. چتایات عرب که يك انگشت او هنگام جنگ «کویت‌العمار» و در حین عملیات علیه عثمانیها و بنفع انگلیسها قطع شده است، از ۱۷ سال قبل تا کنون ظاهراً فقط بشغل تجازت مشغول است و ابداً کاری با سازمان جاسوسی انگلیس در ایران ندارد. و اورئیس شبکه‌ای در این سازمان مخوف نیست!! صالح چتایات شريك و همدم جمشید... که اطاق مجللی در شرکت سیاردارد، در عین حال رئیس لژ فراماسونری «لایت در ایران» وابسته به اسکاتلند بوده و فقط برای تفریح و تفنن «کلوپ تهران» را که مخصوص انگلیسها و تعدادی از ایرانیان علاقمندبسیاست انگلستان است نیز اداره می‌کند. چتایات نه تنها با کمک کشفی در سازمان‌های مختلف... فعالیت می‌کند، بلکه شرکت سیار را نیز که محل دیگری برای ایجاد ارتباط با عوامل فراماسونی و انگلیسها و... است، اداره می‌کند. تهران کلوپ را که باصطلاح جاسوسان (صندوق پست) سازمان جاسوسی انگلستان است صالح چتایات و دیگر اعراب یهودی اداره می‌کنند. اکنون سالهاست که جمشید... با همکاری ناتان و صالح چتایات و شعشو مشغول خرابکاری و ایجاد ارتباط با عوامل انگلیسی است...»

این بود قسمتی از آنچه را که اسحق یعقوبیان در باره چندین تن از فراماسونها نوشته و صحت و سقم آن بعهده نویسنده رساله است و بس. به علت عدم دسترسی به اسناد و مدارك و اتهاماتی که نویسنده این رساله به یهودیان مهاجر عرب و اعضاء لژ فراماسونری وارد آورده، نمی‌توان همه مندرجات رساله را که در باره فعالیت ایندسته از فراماسونهاست، نقل کرد. امید است روزی مندرجات این رساله مورد توجه محققین و کسانی که علاقمند به شناخت بیشتر آنها هستند، قرار گیرد.

سازمان فراماسونری اسکاتلند که مرکز آن در شهر «ادنبورگ»
بولتن اطلاعات است، همه ماهه بولتن اخبار مخصوصی دارد که برای استادان
فراماسونری اعظم فراماسونری وابسته به این لژ در سراسر جهان
می فرستد. این بولتن نیز مثل همه اسناد و مدارك ماسونی
محرمانه است و غیر ماسون ها (بیگانگان) حق ندارند بدانها دسترسی پیدا کنند
خوشبختانه بوسیله یکی از محققین، شماره های اخیر این بولتن بدست ما رسید
و اینک برای نشان دادن این اخبار و اطلاعات بسیار بسیار محرمانه ای که فراماسونها
متون آنرا از جمله اسرار ماسونیک می دانند! ترجمه بولتن شماره پنجم ماه
سپتامبر ۱۹۶۸ را نقل می کنیم:

نخست امیدواریم که کلیه برادران توانسته باشند، در تعطیلات
بولتن تابستانی استراحت کافی کرده و از ایام گذشته استفاده ثمر-
شماره ۵ بخشی برده باشند. امید است که برادران برای شروع
فعالیت در سال ماسونی جدید که دارای اهمیت فوق العاده
است، خود را آماده کنند. زیرا در این سال جلسه همگانی سه ساله (یعنی جلساتی که
هر سه سال یکبار تشکیل می شود) کلیه مجامع و سازمان های فراماسونی در ماه
دسامبر [آذر ماه - دی] تشکیل خواهد شد.

مقررات عمومی ماسونیک صراحت دارد که کلیه پیشنهادات (جلسه همگانی
سه ساله) بایستی حداقل شش هفته قبل از تشکیل مجمع، برای دبیر کل جلسه
ارسال شود، تا وی آنها را تسلیم کمیسیون عالی نماید. کمیسیون عالی پس از
بررسی پیشنهادات نظر خود را درباره طرح و یا رد پیشنهادات مطرح و اعلام می کند.
برای اینکه لژهای مختلف بتوانند به نمایندگان خود که در جلسه همگانی
شرکت می کنند، دستورات لازم را بدهند، دبیر کل کلیه اطلاعات ضروری را در مورد
وضع کنونی تشکیلات در ماه اکتبر برای این مجمع خواهد فرستاد. امسال احتمالاً
جلسات ساعت چهار بعد از ظهر جمعه ششم سپتامبر و صبح شنبه هفتم سپتامبر

MASONIC INFORMATION BULLETIN

1968 - N° 5

September 1968

Let us first express the hope that all Brn. have been able to enjoy a summer vacation, both restful and beneficial, so as to be ready to face a new Masonic year of more than usual importance, since the Triennial General Meeting of Grand Lodge will take place in the course of December.

In accordance with the terms of Art. 8 of our General Regulations, the Grand Master and Grand Treasurer will be elected at this Assembly for the ensuing three-year period.

The General Regulations lay down, moreover, that "all propositions must be addressed in writing to the Grand Secretary at least six weeks before the date of the Assembly, for submission to the Sovereign Grand Committee who will decide whether or not they shall be put on the agenda."

In order to allow Lodges to give complete instructions to their Delegates for the work done in Commissions, the Grand Secretary will send all relevant information to the Lodges, during the month of October, regarding the present state of the Obedience.

This year, it is likely that the Commissions will meet on Friday afternoon, December 6th., at approx. 4.00 p.m. as well as on Saturday morning December 7th.

Bienfaisance Maçonique

A General Meeting of the Bienfaisance Maçonique is foreseen for Saturday, December 7th during the forenoon. It would no doubt be helpful if Lodges prior to this Assembly, would look into ways and means of endowing the Bienfaisance Maçonique with regular sources of income.

بولتن ماهانه گراند لژ اسکاتلند

(از مستر رابرت الدریدج استاد دانشگاه متشکریم که فتوکپی بولتن فوق را برای نویسنده فرستاد.)

تشکیل خواهد شد .

همچنین يك جلسه همگانی در این سال پیش‌بینی شده است که پیش از ظهر روز شنبه هفتم سپتامبر تشکیل می‌گردد . بدون شك بسیار بجا خواهد بود ، اگر لژهای ماسونی قبل از تشکیل این مجمع مطالعه‌ای در راه جمع‌آوری عطایای بیشتر به درآمد معمولی

جمع‌آوری اعانه

تشکیلات بنمایند .

لژهاییکه مایلند در جشن‌های کریسمس شرکت نمایند، لطفاً هرچه زودتر مراتب را به اطلاع دبیرکل برسانند .

کاج کریسمس

استاد اعظم و ریاست عالی‌ه ماسونی جهانی روز ۲۱ سپتامبر در مراسم موقوفه معبد ماسونی لژ استراسبورگ ما ، که بنام (کارلوس مگنوس)^۱ می‌باشد ، برای مدت محدودی نظارت خواهد داشت . این مجلس تقدیس ، در معبد ماسونی جی -

انجمن شماره ۱۴۸

کارلوس مگنوس

ال - ان - اف در شهر متز^۲ برپا خواهد بود .

يك مجلس تقدیس لژ ماسونيك دیگر در روز ششم اکتبر ۱۹۶۸ ساعت ده‌ونیم صبح برای تشکیل لژانته^۳ ۱۳۲ درمخل دراگوایگنان^۴ به سرپرستی استاد اعظم جهانی برپا خواهد شد . اطلاعات مربوط به این لژ جدید را می‌توان از جی -

لژ شماره

۱۳۲ انته^۳

ال - ان - اف یا شورای طریقت کسب نمود .

استاد اعظم جهانی فراماسونری و هیئت کمیته بزرگ ، پس از اطلاع از وقوع زلزله اسفناک ایران ، در خواست فوری به تمام لژهای اسکاتلند در جهان فرستاد . او پیشنهاد کرد

مصیبت در ایران

1 - Carolus Magnus .

2 - Metz .

3 - Antea .

4 - Draguignan .

LODGE LIGHT IN IRAN
No. 1191 S.C. Teheran

77 Avenue Ferdowsi,
Teheran,
5th January 1963

Dear Sir and Brother,

You are hereby summoned to attend to 400th Emergency meeting of this Lodge to be held at the Masonic Hall, Teheran, on Tuesday 15th, January 1963 at 6.30. p.m.

By command of the R. W. M.

S. F. S. Dorabjee,
Secretary.

Dress: Black Tie or Uniform.

AGENDA

1. To open the Lodge.
2. To read the summons convening the meeting.
3. To pass the Lodge to the Followcraft Degree and examine as to their proficiency in the Second Degree, Bros. Leonard H. Black, and George A. Stracke.
4. To open the Lodge in the Third Degree, and Raise to the Sublime Degree of Master Mason, the following:

Bro. Leonard H. BLACK, (Courtesy to Army Lodge No. 1105.
San Antonio, Texas.)

Bro. George A. STRACKE. (Courtesy to Chapman Lodge No. 2.
Las Vegas, New Mexico.)
5. To close the Lodge in the Third and Second Degree.
6. To pass the broken column.
7. To close the Lodge.

There will be no dinner after this meeting.

جلسه ارتقاء مقام به دو فراماسون آمریکائی بنام های: لئونارد بلیک عضو لژ شماره ۱۱۰۵ وابسته به اسکاتلند در «سان آنتونیو تکزاس» و «جورج ستریک» عضو لژ «لاس واکاس نیو مکزیکو» در لژ روشنائی ایران

فراماسون های انگلیسی، سعی زیادی در حفظ آداب و رسوم و حفظ نظم در برقراری جلسات خود دارند. لاقلاً يك هفته قبل از تشکیل جلسه ماهانه، دعوت نامه ای از طرف دبیر لژ برای اعضای فرستاده می شود. درین دعوت نامه ها ضمن تعیین روز و حتی ساعات تشکیل لژ، دستور جلسات و موضوع هائی که مطرح خواهد شد، قبلاً به اطلاع اعضای می رسد. در پایان هر جلسه ای طبق معمول

LODGE LIGHT IN IRAN.
No. 1191, S.C., Teheran.

77, Ave. Ferdowsi,
Teheran.
5th, January 1963

Dear Sir and Brother,

You are hereby summoned to attend the 401st. Regular meeting of this lodge to be held at the masonic Hall, Teheran, on Tuesday, 29th, January 1963 at 8, 30 p. m.

By command of the Right worshipful Master.

Dress: Black tie or uniform.

F. S. Dorabjee.
Secretary.

AGENDA

1. To open the Lodge.
2. To read the summons convening the meeting.
3. To read and put for confirmation the minutes of the following meetings:-
399th. Regula. Meeting held on 19th, January 1963.
General & Enquire Committee Meeting held on 30th, December 1962.
400th. Emergency Meeting held on 18th, January 1963.
4. To pass the Lodge to the followcraft Degree, and examine as to their proficiency in the 2nd. Degree, Bro. Alexander G. Nicholas and Bro. John D. Miller.
5. To Raise the Lodge to the 3rd. Degree, and Raise to the Sublime Degree of Master Mason, the following:-

Bro. Alexander Gregory Nicholas.
Bro. John D. Miller. (Courtesy to west University Lodge No. 1292,
Houston, Texas.)
6. To close the Lodge in the 3rd. and 2nd. Degrees.
7. To transact any other business which may be properly brought forward.
8. To pass the broken column.
9. To close the Lodge.

After the meeting there will be a dinner as usual at the Teheran Club.
Price Ris. 200/-per person.

جلسه ارتقاء مقام‌های: «الکساندر گریگوری نیکولوس» و «جان میلر» امریکائی که از لژ تابع اسکاتلند در «هوستن تکزاس» به لژ روشنائی در تهران منتقل شده بودند. این جلسه در روز ۵ ژانویه ۱۹۶۳ در کلیسای انجیلی تهران برگزار شده است.

مراسم شام برگزار می‌شود. لژ روشنائی به علت اینکه در کلیسا تشکیل می‌شود، در آنجا صرف شام میسر نیست و لذا «شام برادرانه» را در (تهران کلوپ) که بوسیله عده‌ای انگلیسی و یهودی عرب اداره می‌گردد، صرف می‌کنند.
برای آشنائی با جلسات عادی لژ روشنائی دو دعوتنامه و برنامه تنظیمی این لژ عیناً گراور می‌شود.

که تا حدود امکان از طریق جمع‌آوری اعانات برای اهداء به قربانیان زلزله فاجعه آمیزی که قسمتی از ایران را ویران کرده است، اقدام نمایند. خواهشمند است هدایا را فوراً به صندوقدار کل جی - ال - ان - اف با ذکر جمله «وجوه کمک به فاجعه ایران» ارسال نمایید.

وجوه جمع‌آوری شده فوق، برای رئیس کل منطقه‌ای تشکیلات ما در ایران ارسال خواهد شد. و بنظر می‌رسد برادران ما در ایران کوشش لازم را برای التیام این فاجعه تا حد ممکن معمول خواهند داشت.

برادران فراماسون ما از خبر درگذشت، همسر برادر ما **مجلس یاد بود** «امانوئل دراپانسکی» متألم خواهند شد. سپاس مابه ذکوت فوق‌العاده و استعداد سازنده او. مادام ژرمن موردانت - دراپانسکی^۱ رهبر دسته کراپرای پاریس بود. وی سال‌ها بود که به خاطر کارهای برجسته‌اش بخصوص تشکیلات دادن عملیات و برنامه‌های هنری فستیوال بزرگ گراندر لژ بانوان، موفقیت‌های شایانی داشت و از طرف کلیه برادران قدردانی می‌شد.

به همین علت نه فقط بخاطر همدردی با برادر دراپانسکی برای ضایعه موله‌اش - بلکه بیشتر بخاطر وداع با يك دوست که جمعی از برادران نیکوکار در مراسم یاد بود او در روز سیزدهم سپتامبر در *Eglise de le sainte* شرکت دارند. مراتب را به اطلاع می‌رسانیم.

دبیر کل به اطلاع لژهاییکه مایلند در متن سالنامه گراندر لژ **اطلاعیه دبیر کل** تغییراتی بدهند، می‌رساند، که باید هرچه زودتر جزئیات موضوعات تجدید نظر شده را برای دبیر کل بفرستند.

دبیر کل و خزانه دار کل به علت نزدیک شدن سال ماسونی جدید، از کلیه دبیران لژها و صندوقداران لژها درخواست می‌کنند که در ارسال اسناد و مدارک

۱ - Germaine Mordant - Drapanaski .

اداری چه مربوط به حوزه خودشان و چه گراندلرهای محلی و ایالتی تأخیر نمایند. در سال‌هایی که مشغول تحقیق در باره لژهای فراماسونری نامه دبیر کل در ایران بودم، با بسیاری از سازمان‌های ماسونی جهان لژ اسکاتلند مکاتبه کرده و از آنها اطلاعات لازم و منابع برای مطالعه خواستیم. چندگراند لژ امریکائی و همچنین شورای عالی طریقت فراماسونری امریکا با ارسال فتوکپی بعضی از صفحات مختلف خود ما را یاری کردند، ولی گراند لژ اسکاتلند پس از ارسال چند نامه در جواب سؤالات گوناگون این نامه را به امضاء دبیر کل گراند لژ، برای نگارنده فرستاده:

۱۹ - اکتبر - ۱۹۶۰ - R/I/I

آقای اسماعیل رائین . تهران . ایران

آقای عزیز

عطف بنامه مورخ ۱۱ اکتبر معلوم می‌شود که نماینده ما با شما تماس نداشته است. تنها دلیلی که سبب تعجب و تحیر اینجانب شده آن است که معمولاً تاریخ فراماسونری را فقط آقایانی برشته‌تحریر در می‌آورند، که خودشان حتماً فراماسون هستند. و چون جنابعالی از جمله برادران فراماسون ما نیستید، نماینده ما در ایران چنین تشخیص داد که تماس با شما را صلاح ندانسته است.

تا آنجا که من اطلاع دارم راجع به فراماسونری بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۰ در مملکت شما اطلاعاتی در دست نیست. و از نظر پرونده‌های لژ اسکاتلند تردیدی در این امر وجود ندارد. و گمان می‌کنم که از نظر لژهای ایرلند و انگلستان نیز جز این نباشد. باز هم تکرار می‌کنم که اطلاعات من در باره سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۰ اینست که لژ فراماسونری بریتانیا اصلاً در ایران وجود نداشته است و وقتی هم که سال ۱۹۱۹ لژی در ایران تشکیل شده، اعضای آن فقط انگلیسی و امریکائی بودند.

THE GRAND LODGE OF SCOTLAND

Telegraphic Address
"MASONICA. EDINBURGH"

FREEMASONS' HALL
26 GEORGE STREET
EDINBURGH 2

Ra/1/1.

19th October, 1960.

Ismail Rezin, Esq.,
Eshratyabed, Kooy Shafel,
House 11,
Teheran, I r a n.

Dear Sir,

With reference to your letter of 11th October, I note that our Representative has not been in touch with you. In a way I am not surprised as I would say that normally Histories of Freemasonry are only written by gentlemen who happen to be Freemasons themselves, and as you are not a Freemason our Representative has obviously come to the conclusion that it would not be advisable to get in touch with you. I would say, however, that as far as I know there is no information available about Freemasonry in your country between the years 1800 and 1920. That is certainly true as far as Scotland is concerned, and I should imagine that England and Ireland are in the same position. As far as I am aware there were no British Masonic Lodges at all in Persia (or Iran) between 1800 and 1920, and, indeed, when one was established in 1919, its members were composed of British and Americans. After that there were two Lodges whose members were employed by the Old Anglo-Persian Oil Company, but when this Company left Persia the Lodges there ceased to exist. My own view is that there is no one in Teheran who would know about Freemasonry between the years 1800 and 1920 unless there were Lodges from such places as France, Syria, etc.

Yours faithfully,

Alex. T. James
Grand Secretary.

نامه دبیر کل گراند لژ اسکاتلند به نویسنده

بعدها نیز دولت دیگر در ایران تشکیل شده که اعضای آن کارکنان شرکت نفت انگلیس و ایران بودند. و با رفتن شرکت نفت از ایران لژها نیز از بین رفتند. نظر شخصی ام این است که اکنون در تهران هیچکس نیست که بتواند در باره فراماسونی بین سالهای ۱۸۰۰ - تا ۱۹۲۰ - اطلاعات و دانستنی‌هایی داشته باشد. تنها اطلاع این است که لژهایی از فرانسه و سوریه و غیره در کشور شما تشکیلاتی داشته‌اند.

ارادتمند شما - الکس - ج. جوینان. دبیر کل



آرم لژ تهران

فصل بیست و هفتم

لژهای انگلیسی

تابع

قانون اساسی اسکاتلند

در ایران

(۱)

لژ تهران



برج لژ تهران

لژ تهران ۱۵۴۱ ق. اس

نخستین لژ رسمی که با اجازه فراماسونری انگلیس در ایران به زبان فارسی کار می‌کند لژ تهران (شماره ۱۵۴۱) است. این لژ که با صدور منشوری از طرف استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند، در ایران رسمیت یافت، پایه اولیه‌ای برای تربیت و تعلیم فراماسونهای ایرانی، در تشکیل لژهای فارسی زبان سال‌های اخیر شد. تأسیس لژ فارسی زبان فراماسونری در ایران بعد از انحلال لژ همایون صورت گرفت. همانطوریکه در فصول قبل گفته شده انگلیس‌ها اساساً چندان رغبتی نسبت به تشکیل لژ رسمی و با اجازه فراماسونری در ایران که همه تشریفات و اعمال را بزبان فارسی انجام بدهد نداشتند. ولی هجوم و استقبال بعضی از اعضای هیئت حاکمه ایران و برخی افراد سودپرست و مقام دوست از لژ همایون تغییراتی در تصمیمات فراماسونهای انگلیسی بوجود آورد. بخصوص که سیاست شکست‌خورده انگلیس در ایران بعد از جنگ جهانی دوم و حوادثی که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد، نه تنها عوامل و طرفداران آنها را بدامن امریکائی‌ها انداخته بود، بلکه سختگیریهائی که از جانب دستگاه‌های دولتی علیه عمال و عوامل همه خارجی‌ان در ایران بعمل می‌آمد، لزوم توسعه شبکه‌های مخفی فراماسونری انگلیسی را در این کشور ایجاب می‌کرد.

این بار انگلیس‌ها به‌جانب سازمانی روی آوردند که در قرون گذشته همواره مورد توجه ایرانیان بوده. تاروپود این تشکیلات مخوف، و شبکه‌های مخفی آن با اسرار و سکوت محض و اطاعت بدون چون و چرائیکه، اوامر آن از طرف مرکز «گراند لژ در انگلستان» صادر می‌شود، تشکیل یافته و با این مرکز پیوند و پیوستگی دارد. اگر در قرون گذشته گاه‌گاهی عمال انگلیس در ایران از دستورات اربابان انگلیسی سرپیچی می‌کردند و حاضر به ادامه خدمتگذاری نمی‌شدند، حد اقل

مجازات آنان برکناری از سیاست و خانه نشینی بود. ولی این بار انگلیسها، اینگونه افراد را گرفتار مقررات سخت و وحشتناک فراماسونری و تهدید به مجازات قتل و نابودی خود و خاندانشان می‌نماید. بدین سبب رهائی از دام سازمان مخوف فراماسونری را برای فراماسون ایرانی غیر ممکن و بالا اقل بسیار دشوار می‌سازد. انگلیسی‌های فرصت طلب برای اینکه پایه‌های محکمی را برای فراماسونری در ایران بنیان نهند، چند تن از عوامل و اتباع طرف اعتماد و شایسته خود را که در لژ روشنائی در ایران فعالیت داشتند، مأمور لژهای فارسی زبانان کردند. که از جمله کفل استراکر - کریستوفراسحق فری - اوانس اوانسف - چتایات - الیاس دبی و غیره را می‌توان نامبرد.

در سال ۱۳۳۳ - ش (۱۹۵۴ - م) لژ روشنائی در ایران هفت نفر از فراماسونهای عضو لژ همایون را بشرح زیر انتخاب و به لژ فیحای بصره معرفی کرد:

مهندس حسین شقاقی - سلیمان بهبودی - مهندس فروغی - دکتر کیان -
دکتر خشایار - مهندس ناصر بهبودی - نصرالله آذری

این هفت نفر با معرفی و ضمانت شیخ احمد خزعلی که از خاندان شیخ خزعل است و با مهندس حسین شقاقی خویشاوندی سببی دارد، به عضویت لژ فیحا در آمدند. اینان پس از گرفتن مقام‌هایی که بوسیله آن بتوانند در ایران لژ تشکیل دهند، به تهران باز گشتند. منتهی سازمان فراماسونری اسکاتلند که مقید به اجرای همه اصول و آداب و رسوم و تشریفات ماسونی است، برای اینکه تعلیم یافتگان در کارها و عملیات آینده دچار اشتباه نشوند، سه سال آنها را در لژ روشنائی پذیرفته و تحت تعلیم قرارداد. در این مدت اینان، هم‌درجات بالاتری را احراز کردند و هم به رموز و تعالیم و دستورات سری و علنی آگاه شدند.

پس از اینکه این هفت نفر مورد اعتماد و اطمینان کامل انگلیسها و مرکز لژ در ادنبروک واقع شدند، تقاضای تشکیل لژ فارسی زبان را بنام «تهران» و به شماره «۱۵۴۱» کردند. این لژ که تابعیت انگلیسی دارد، ابتدا عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی را قبول کرد، سپس فرمان تشکیل لژ بنام آنها صادر گردید.

منشور و فرمان تأسیس این لژ در روز ۱۶ آبان ۱۳۳۶ - (۷ نوامبر ۱۹۵۷-م) بنام چهارده عضو لژ روشنائی و سایر لژها که افراد زیر بودند، صادر گردید:

- ۱ - برادر مهندس حسین شقاقی .
- ۲ - برادر دکتر غلامرضا کیان .
- ۳ - برادر شیخ احمد فیصل خزعلی .
- ۴ - برادر مهندس ابدال بختیار .
- ۵ - برادر دکتر محمد حسابی .
- ۶ - برادر دکتر علی اصغر خشایار .
- ۷ - برادر مهندس عبدالرسول میر عبدالباقی .
- ۸ - برادر مهندس ناصر بهبودی .
- ۹ - برادر مهندس فروغی .
- ۱۰ - برادر مهندس عباس محمدی .
- ۱۱ - برادر مهندس کیقباد ظفر .
- ۱۲ - برادر حسن اسکندری .
- ۱۳ - برادر دکتر عبدالحسین راجی .
- ۱۴ - برادر نصراله آذری .

مؤسسين لژ مذکور، پس از انجام تشریفات عادی «لژ تهران» را در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ - (۹ می ۱۹۵۸ - م) در تهران تأسیس و رسمیت آنرا به همه سازمان‌های فراماسونری جهان اعلام داشتند .

برای تأسیس لژ مذکور دو شخصیت مهم گراند لژ اسکاتلند به نام‌های :

۱ - دکتر الکساندر فیرلی بوخان Alexander. F. Buchan که عنوان عالی ماسونی «حضرت دبیر ارجمند اعظم» Right Worshipful grand Secretary را دارد .

۲- ماکنیل واتسون D. Macneill Watson که دارای عنوان حضرت خزانه-

دارارجمند اعظم Rightworshipful Grand Trasurer است، بتهران آمدند که در حضور آنها و همه استادان فراماسونی حاضر در تهران لژ مذکور را رسمیت و تشکیل دهند.

همان روزیکه «لژ تهران» باصطلاح فراماسونها «تقدیس» یافت، فراماسونهای زیر به عنوان «اولین افسران لژ تهران شماره ۱۵۴۱ - ق. اس» به مرکز لژ در انگلستان معرفی شدند :

افسران لژ تهران شماره ۱۵۴۱ ق. اس

- | | |
|-----------------------|--------------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر مهندس حسین شقاقی |
| ۲ - قائم مقام استاد | « دکتر غلامرضا کیان |
| ۳ - معاون استاد | « ابدال بختیار |
| ۴ - سرپرست اول | « دکتر محمد حسابی |
| ۵ - سرپرست دوم | « دکتر علی اصغر خشایار |
| ۶ - دبیر | « مهندس عبدالرسول میرعبدالباقی |
| ۷ - خزانه دار | « سلیمان بهبودی |
| ۸ - امین خیریه | « مهندس محسن فروغی |
| ۹ - خطیب | « مهندس عباس محمدی |
| ۱۰ - رهنمای اول | « مهندس قباد ظفر |
| ۱۱ - رهنمای دوم | « مهندس ناصر بهبودی |
| ۱۲ - مدیر تشریفات | « سرلشکر اسماعیل شفائی |
| ۱۳ - زیور دار | « نصراله آذری |
| ۱۴ - کتاب بر | « رضا مشیری |
| ۱۵ - نگهبان داخلی | « حسن اسکندری |
| ۱۶ - نگهبان خارجی | « دکتر عبدالحسین راجی |
| ۱۷ - کارپرداز | « محمود فرمند |

پنج ماه بعد ، دومین انتخابات «افسران لژ تهران» بدین شرح صورت گرفت :

دوره اجلاسیه سال ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸

و نتیجه انتخابات روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷

- | | |
|-----------------------|---|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | دکتر محمد حسابی |
| ۲ - رئیس محترم قبلی | مهندس حسین شقاقی |
| ۳ - قائم مقام استاد | دکتر غلامرضا کیان |
| ۴ - معاون استاد | ابدال بختیار |
| ۵ - سرپرست ارجمند دوم | دکتر علی اصغر خشایار |
| ۶ - سرپرست ارجمند دوم | مهندس قباد ظفر |
| ۷ - دبیر | مهندس میر عبدالباقی |
| ۸ - خزانه دار | محمود فرمند |
| ۹ - کمک خزانه دار | مهندس علی اصغر بختیار |
| ۱۰ - امین خیریه | مهندس محسن فروغی |
| ۱۱ - خطیب | سلیمان بهبودی |
| ۱۲ - راهنمای اول | مهندس ناصر بهبودی |
| ۱۳ - راهنمای دوم | حسن اسکندری |
| ۱۴ - تشریفات | سر لشکر اسماعیل شفائی |
| ۱۵ - زیور دار | هادی مصدقی |
| ۱۶ - کتاب بر | مهندس عباس محمدی (تاد) |
| ۱۷ - نگهبان داخلی | حسن اسکندری - محمود فرمند - فضل الله مقدم |
| ۱۸ - نگهبان خارجی | سرهنگ فضل الله مقدم |
| ۱۹ - بازرسان حساب | سی - ای - فری - اف - اس - دورا بچی |

همانطوریکه گفته شد ، هنگام افتتاح «لژ تهران» دو نماینده
گزارش افتتاح عالیقدر از طرف «فراماسون اعظم اسکاتلند» بتهران آمدند.
لژ تهران اعزام این دو نماینده ، درجه اهمیت افتتاح لژ فارسی زبان
 را در ایران ثابت می‌کند . پس از خاتمه تشریفات افتتاح

لژ و انتخاب اولین دوره کارگردانان لژ تهران ، دکتر بوخان و ماکنیل واتسون
 به انگلستان برگشتند ، تا گزارش کارهای انجام شده را به استاد اعظم بدهند .
 چندی بعد ، ماکنیل واتسون گزارش عادی و غیر محرمانه افتتاح لژ را در سالنامه
 گراند لژ اسکاتلند ، منتشر کرد . توجه به سطور این گزارش بسیاری از مسائل
 مهم و مبهم را روشن می‌کند . در این گزارش واتسون نقش پسر شیخ خزعل و
 تأثیری که لژ (فیحا)ی بصره در تشکیل لژ تهران داشته ، بخوبی آشکار و روشن
 شده است . دقت در کلمات - واتسون این نکته را روشن می‌کند که لژ فراماسونی
 فرانسه گراند لژ ناسیونال دفرانس در جهان و ایران با لژ اسکاتلند هر دو دارای
 اشتراك منافع بوده و در صورتیکه لازم باشد از همکاری با یکدیگر دریغ نخواهند
 ورزید .

مقاله واتسون نکات تاریک دیگری را هم روشن می‌کند که خواننده از لابلای
 سطور آن می‌تواند پی به حقایقی ببرد . این نکته را هم بایستی تذکر داد که از
 سال ۱۹۵۲ که گراند لژ اسکاتلند ، همه ساله سالنامه منتشر می‌کند^۱ ، این نخستین
 گزارشی است که درباره فعالیت فراماسونی در ایران در سالنامه این لژ نقل می‌شود.
 اینک ترجمه متن کامل گزارش (برادر قابل پرستش) تحت عنوان «سفر به ایران»:
 وقتی که فراماسون اعظم بمن افتخار داد ، به همراه دبیرکل برای تأسیس
 و تقدیس لژ تهران شماره ۱۵۴۱ به دعوت برادران فراماسون و بعنوان میهمان

۱ - گراند لژ اسکاتلند از سال ۱۹۵۲ - سالنامه‌ای منتشر می‌کند که در آن مشخصات
 لژهای تابعه در سراسر جهان و همچنین اطلاعات دیگر چاپ و منعکس می‌شود . گزارش افتتاح
 لژ تهران در سالنامه سال ۱۹۵۹ درج شده است .

اداره کنندگان لژ به ایران سفر کنم ، احساس کردم که این مسافرت بسیار جالب توجه خواهد بود .

در آنوقت من اطلاعی از اوضاع ایران و عراق نداشتم لذا این سفر را با چشم و گوش باز آغاز نمودم . در اندک مدتی دریافتم که لژ بزرگ اسکاتلند در ایران دارای یک لژ بسیار فعال و قدیمی است که تحت عنوان و نام (روشنائی در ایران شماره ۱۱۹۱) خوانده می شود . و در عرض سال گذشته برای اولین بار این لژ به عنوان سرپرست ناحیه ای این قسمت از خاورمیانه تعیین شده است که لژهای ما را در ایران ، عراق و بحرین سرپرستی می کند . اعضای لژ روشنائی در ایران را بیشتر اتباع انگلیسی ، تشکیل می دهند و چند نفر امریکائی و ایرانی و ملیت های دیگر نیز در آن عضویت دارند .

سه و یا چهار سال پیش عده ای ایرانی تصمیم گرفتند که به عضویت فراماسونری در آیند ، و بالاخره موفق شدند ، اجازه تأسیس لژی را در تهران بگیرند . این ها از آن دسته برادران ماسونی هستند که توانستند با قبول طریقت اسکاتلندی و تبعیت از اساسنامه گراند لژ اسکاتلندی ، لژ جدیدی برای خود تأسیس کنند . این برادران فراماسون از ما [گراند لژ اسکاتلند] خواستند تا اقدام به افتتاح و تقدیس لژ آنها کنیم . ما آنها را فراماسونهای بسیار علاقمند دریافتیم که به خوبی متوجه اهمیت کاری که می خواهند بکنند ، هستند . ولی با اینکه سه سال است آنها تقاضای منشور تأسیس لژ کرده اند ، معذک مادام که همه نکات را نیاموخته اند ، نمی توانند به افتخار دریافت منشور (تأسیس لژ) نائل آیند .

آنها در طی مدتی که انتظار دریافت منشور را می کشیدند ، بطور دائم معلومات فراماسونری خود را توسعه داده و شعائر ماسونیک (فراماسون بودن) و همچنین اداره لژ را بخوبی فرا گرفته اند . برادران ما در این مدت شعائر ما را به زبان

فارسی، یعنی زبانی که لژ با آن فعالیت خواهد کرد، ترجمه کرده‌اند.^۱ [منظور نویسنده ترجمه ریتول‌هاست]

برادر لینیول د-استراکر^۲ سرپرست ناحیه و بسیاری از برادران لژروشنائی در ایران - شماره ۱۱۹۱ - بخصوص برادر کریستوفر فری استاد اعظم و همچنین برادر اف - اس - دورابجی^۳ استاد اعظم دیگر در تهیه مقدمات و تدارکات تشکیل لژ تهران کمکهای شایانی نموده‌اند.

هنگام ورود به تهران ما با استقبال شایانی روبرو شدیم و خود را در یک محیط سرمست‌کننده یافتیم که آکنده از برادری و دوستی و محبت بود.

ما را به محفل و معبد جدید لژ طهران راهنمایی کردند و این لژ را بسیار عالی یافتیم. این لژ در محلی که سابقاً خانه مسکونی بود، تأسیس شده و حقیقتاً لژی امیدوارکننده بود.^۴

ما این لژ جدید را تحت ریاست برادر ا. ح. [مهندس حسین] شقاقی و کمک برادران لژ روشنائی در ایران ۱۱۹۱ و کمکهای بی‌شایبه برادر شیخ احمد خزعلی استاد اعظم لژ فیحا شماره ۱۳۱۱ که در بصره واقع در عراق تشکیل می‌شود، افتتاح و تقدیس نمودیم.

برادر خزعلی به عنوان ستون قدرتی برای برادران لژ تهران در کمک به

۱- در سال ۱۳۳۹ لژ تهران تعداد زیادی ترجمه فارسی ریتول‌ها را از لندن وارد تهران کرد. این اسناد که بنام مهندس میرعبدالباقی بود، در گمرک ضبط شده و سازمانهای انتظامی اجازه خروج آنها را از گمرک ندادند. ولی تلفن یکی از متنفذین که طبق اظهار میرعبدالباقی عضو شرکت ملی نفت (مرحوم حسین علاء بوده‌است) گمرک امانات پستی اوراق ماسونی را به عنوان رساله خاتمه تحصیلی مهندس میرعبدالباقی شناخته و اجازه ترخیص آنها را می‌دهد.

۲- L. D. Straker سالها رئیس شرکت لینچ در ایران بوده. او در سال ۱۳۳۸ - از ایران رفت و تغییر مأموریت یافت. ولی بار دیگر برای سرپرستی لژهای ناحیه ایران در سال ۱۳۴۰ - تهران بازگشت و مدتی در آبادان - اهواز و شیراز بود.

۳- دورابجی تبعه هند است که شرح حال او خواهد آمد.

۴- اولین محل جدید لژ طهران. خیابان شاهرضا کوچه ثنائی بود.

فعالیت آنها بوده است. لژ جدید خوشبختانه دارای دبیری فعال و پرکار چون برادر
۱- ار میرباقی [مهندس میرعبدالباقی] نیز می باشد که در ایران بهر کجا که رفتیم
ما را راهنمایی و همراهی کرد.

شب بعد، ما دیدار کوتاه یکساعت و نیمی از لژ مولوی شماره ۴۹ نمودیم
که نسبتاً لژ جدیدی است که تحت نظر لژ بزرگ ناسیونال ملی فرانسه تأسیس
شده. در اینجا ما با استقبال بسیار دوستانه و برادرانه‌ای روبرو شدیم و بقیه این
شب را در لژ روشنائی ایران شماره ۱۱۹۱ گذرانیدیم.

در اینجا ما گزارش دست اولی را از طرف استاد اعظم لژ استماع نمودیم و
دریافتیم که نحوه کار حقیقتاً عالی است. روز بعد ما با پرواز ۵۰۰ میل به شیراز
رفتیم. در اینجا یکدسته فراماسونر از ما پذیرائی کردند در حالیکه تا بحال در
شیراز لژ تأسیس نشده است. در طی اقامت خود از آثار کاخ تخت جمشید بازدید
کردیم و شب هنگام افتخار صرف شام را بطور غیر رسمی در حضور یکی از نخست
وزیران و دو تن از وزرای وی که یکی از آنها خدمتگذار اداری لژ تهران می باشد
کسب کردیم.

در خاتمه نیز باردیگر با احساساتی مسرورکننده و صمیمی و علاقه واقعی
به این حرفه مخصوص «طریقه اسکاتلندی» در ایران روبرو و مواجه شدیم.

روز بعد ما با طی مسافت سیصد میل راه با اتومبیل به اصفهان
در اصفهان و بصره سفر کردیم. در اصفهان نیز ما دسته‌ای از فراماسونرها را
ملاقات کردیم و از آنجا با پرواز چهارصد میل عازم آبادان
شدیم. در آبادان یکی از رؤسای شرکت نفت ضیافت ناهاری بافتخار ما ترتیب داد،
سپس از مرز گذشته به بصره واقع در خاک عراق وارد شدیم.
در بصره عده زیادی از افراد لژ (فیحا) شماره ۱۳۱۱ در سرحد از ما استقبال
کردند.

شامگاهان ما در جلسه لژ شرکت کردیم، در حالیکه برادر شیخ خزعلی روی صندلی مخصوص قرارداد داشت، مراسمی بسیار عالی به زبان عربی انجام پذیرفت. روز بعد ما از بغداد به سوی اسکاتلند پرواز کردیم.

در خاتمه و بطور خلاصه من عقیده دارم که فراماسونری هم‌اکنون در ایران بر پایه‌ای مستحکم استوار است. این پایه می‌تواند منشاء توسعه خوبی گردد. گوا اینکه فراماسونری ایران هم‌اکنون وچک می‌باشد.

در روزهاییکه دکتر بوخان و ماکنیل واتسون در تهران **اولین استاد اعظم** بودند، نخستین استاد اعظم ایرانی (مهندس حسین شقاقی) **انگلیسی در ایران** انتخاب شد. در مراسم تنصیبوی، تشریفات مخصوصی انجام گردید که عیناً از رساله‌ای که به زبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته شده نقل می‌کنیم. این نخستین باری است که در نشریات فارسی و یا احتمالاً در جهان، اسناد محرمانه و کاملاً سری فراماسنها منتشر می‌گردد:





لژ تهران ۱۵۴۱

تابع

قانون اساسی اسکاتلند

لژ اعظم اسكاتلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

تأسیس و تقدیس

لژ تهران

شماره ۱۵۴۱

در محل لژ

در تاریخ دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷

و

تنصیب

برادر حسین شقاقی

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و

افسران لژ

بوسیله

برادر دکتر الکساندر فیروزی بوخان

حضرت دبیر ارجمند اعظم

و

برادر د. ماکنیل واتسون

حضرت خزانه‌دار ارجمند اعظم

افسران تقدیس‌کننده لژ اعظم اسكاتلند

افسر تقدیس کننده و استاد تنصیب کننده

برادر الکساندر فیولی بوخان

حضرت دبیر ارجمند اعظم

(با معاونت)

(برادر د. ماکنیل واتسون)

حضرت خزانه دار ارجمند اعظم

سرپرست اول تنصیب کننده برادر ل. د. استریکر حضرت ناظر ارجمند
ناحیه و ناظم اعظم ارجمند افتخاری

سرپرست دوم تنصیب کننده برادر . ف . س . دورابجی رهنمای اعظم دوم
بسیار ارجمند افتخاری

خطیب تنصیب کننده برادر . د . ماکنیل واتسون خزانه دار
اعظم ارجمند

رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر . د . ماکنیل واتسون خزانه دار
اعظم ارجمند

شمشیردار تنصیب کننده برادر ث . ی . فیری رهنمای اعظم دوم بسیار
ارجمند افتخاری

نگهبان داخلی تنصیب کننده برادر ارفع السلطنه کتاب بر اعظم افتخاری
کارپرداز تنصیب کننده برادر شیخ احمد خزعلی رهنمای اعظم بسیار
ارجمند افتخاری

برنامه

- ۱- برادران در طالار مجتمع شده می‌ایستند .
- ۲- هیئت نمایندگی لژ اعظم اسکاتلند بدسته منظم داخل لژ می‌شوند .
- ۳- لژ بنایان آزاد :
- در درجه اول افتتاح می‌شود .
- بدرجه دوم برده می‌شود .
- بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .
- ۴- خطیب تنصیب‌کننده دعا می‌خواند .
- ۵- برادران سرود تقدیس را می‌سرایند .

سرود تقدیس

آهنگ ملکب

ای تویی که از قدرت آفرینندگیت
جهان در آغاز به نظم در آمد
و از راههای روشن خرد
انسان ها را براه برادری هدایت کردی
ما بر تو درود می‌فرستیم برای انگیزه‌راستین

Consecration Hymn Tune Melcombe.

Oh Thou by whose creative might
The world at first in order stood.
And who in wisdom's ways of light
Hast led men on to brotherhood,
We bless Thee for the impulse true
The motive pure the purpose high,
That first possessed a faithful few
In concord's bond to live and die.
Let masonry thus born on earth
Lead every virtue in its train,
And gather men of sense and worth
To projects wise from pursuits vain.
Bless now, we pray thee, God of Grace,
This Lodge, we consecrate to Thee,
And may the brightness of The face
Shine on our whole fraternity.

- 6 -

برای انگیزه پاک برای قصد والا
که در ابتدا فقط به دل وفادارانی چند
که میثاق یکرنگی برای زیستن و مرگ بسته بودند، راه یافت
بگذار ماسونری که بدینسان بر زمین زاده شده
همه صفات نیک را به دنبال داشته باشد
و مردان هوشمند و با ارزش را
سرکارهای خردمندانه جمع کند و از امور غرورآمیز بازدارد
ای خدای عنایت، ما به درگهات دعا می‌کنیم
که این لژ را به نام تو تبرک می‌کنیم
مشمول رحمت خود سازی
و نور سیمای تو بر تمامی جامعه اخوت ما بتابد

۶- خطیب تنصیب‌کننده مزمور ۱۲۳ را قرائت می‌نماید.

سرود از داوود

آیه ۱- اینک چه خوش و چه دلپسند است. که برادران بیکدلی با هم ساکن شوند.
 آیه ۲- مثل زوغن نیکو بر است. که بریش فرود می آید. یعنی بریش هارون.
 آیه ۳- که بدامن ردایش فرود می آید.
 و مثل شبنم هرمون است. که بر کوههای صهیون فرود می آید. زیرا که در
 آنجا خداوند برکت خود را فرموده است. یعنی حیات را تا ابد آبادا.

۷- دبیر اعظم برای برادران خطبه ایراد می کنند.

۸- افسران تنصیب کننده لژ اعظم ناحیه منظم دور لژ می گردند و در این
 هنگام بخش اول مزمور سرائیده می شود.
 افسران مزمور در شرق توقف کرده حضرت دبیر اعظم ارجمند بذرافشانی
 می نمایند.

مزمور بخش ۱

آهنگ گریموند

Psalm 23, Verse 1.

Tune Crimond

The Lord's my Shepherd, I'll not not want
 He makes me down to lie.
 In pastures green; He leadeth me
 The quiet waters by.

آیه ۱- تا ۳- خداوند شبان من
 است. محتاج بهیچ چیز نخواهم بود.
 در مرتعهای سبز مرا می خواباند. نزد
 آبهای راحت مرا رهبری می کند.

۹- دسته افسران مزمور دور لژ می گردند و در این هنگام بخش دوم
 مزمور ۲۳ سرائیده می شود و سپس دسته افسران در غرب توقف کرده و حضرت
 دبیر اعظم ارجمند شراب می ریزد.

۱- کتاب مقدس - کتاب مزامیر یعنی زبور داود (از توراة) ص ۹۳۶
 ۲- مزمور ۲۳ آیه های يك تا سه از توراة به نقل از کتاب مقدس ص ۸۴۵

مزمور ۲۳ - بخش ۲

Psalm 23. Verse 2.

My Soul he doth restore again;
And me to walk doth make
Within the paths of righteousness,
Ee'n for his own name's sake.

آیه - ۲ - جان مرا برمی گرداند.
و بخاطر نام خود پراهای عدالت
هدایت می نماید

۱۰- دسته مزمور برای بار سوم دور لژ می کردند و در این حال بخش سوم
مزمور سرانیده می شود. دسته در جنوب توقف کرده و حضرت دبیر اعظم ارجمند
روغن می ریزد.

مزمور ۲۳ - بخش ۳

Psalm 23. Verse 3.

Yea, though I walk in death's dark vale
Yet will I fear none ill;
For Thou art with me; and thy rod
And staff me comfort still.

آیه - ۳ - چون در وادی سایه
موت نیز راه روم. از بدی نخواهم
ترسید زیرا تو با من هستی. عصا و
چوب دستی تو مرا تسلی خواهد داد

7

۱۱- دبیر اعظم و افسران اعظم بمقرهای خود باز می گردند.
۱۲- دبیر اعظم فرمانیکه به عنوان لژ تهران شماره ۱۵۴۱ صادر شده است
قرائت می نمایند.
۱۳- خزانهدار اعظم به مدیر تشریفات دستور می دهد تا سیس لژ را اعلام نماید.
۱۴- خطیب تنصیب کننده خطبه برکت را ایراد می نماید.
۱۵- مدیر تشریفات افسران تعیین شده لژ تهران را دعوت می نماید که دور
لژ گشته و بوسیله دادن سلام استادی به حضرت دبیر اعظم نسبت به لژ اعظم ادای
احترام نمایند.

۱۶- خطیب تنصیب کننده دعا می خواند

۱۷- حضرت دبیر اعظم ارجمند می‌گویند « در عرش اعلا تجلیل برای ایند

« متعال

برادران در پاسخ می‌گویند « و در روی زمین صلح و سعادت برای بشر «

۱۸- مزمو ۷۲ سرانیده می‌شود .

مزمو ۷۲- آهنگ دانفرملاین

Psalm 72 - Tune Dunfermline

How blessed be the Lord our God
The God of Israel,
For He alone doth wondrous works,
In glory that excel.
And blessed be His glorious name to all
Eternity:
The whole earth let his glory fill.
Amen, so let it be.

آیه ۱۸- متبارك با ديهوه خدا كه

خدای اسرائیل، كه او فقط كارهای عجیب
می‌کند.

آیه ۹- و متبارك باد نام مجید

او تا ابد الاباد. و تمامی زمین از جلال
او پر بشود. آمین و آمین

۱۹- لژ بنحوه مقرر و باستانی بسته می‌شود .

مراسم تنصیب

۲۰- لژ تهران شماره ۱۵۴۱ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده

در درجه اول افتتاح می‌شود .

۲۱- مدیر تشریفات برادر حسین شقاقی استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید.

۲۲- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده

ایراد می‌نماید .

۲۳- مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت می‌نماید .

۲۴- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یادکردن سوگند و وفاداری

را اداره می‌نمایند .

۲۵- انجام مراسم سرود .

سفر اعداد^۱

	آیه ۲۴- یهوه ترا برکت دهد و ترا محافظت نماید
The Lord bless thee and keep thee;	آیه ۲۵- یهوه روی خود را بر
The Lord make his face to shine upon thee	تو تابان سازد و بر تو رحمت کند
And be gracious unto thee.	آیه ۲۶- یهوه روی خود را بر
The Lord lift up his countenance	تو برافرازد و ترا سلامتی بخشد
Upon thee and give thee peace.	آیه ۲۷- و نام مرا بر بنی اسرائیل بگذارند و من ایشان را برکت خواهم داد

- ۲۶ - کارآموزان از لث خارج می شوند . لث بدرجه دوم برده می شود .
 ۲۷ - کاریاران از لث خارج می شوند . لث بدرجه سوم ارتقاء می یابد .
 ۲۸ - استاد بنیان از لث خارج می شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل
 می گردد .

۴۹ - تنصیب

- ۳۰ - لث بدرجه سوم ادامه داده می شود - استاد بنیان بداخل لث پذیرفته
 می شوند .
 ۳۱ - بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می شود و ابزار استادی باو
 ارائه می شود .
 ۳۲ - لث بدرجه دوم تنزل داده می شود و کاریاران به داخل لث پذیرفته می گردند .
 ۳۳ - به حضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می شود و ابزار کار یاری به
 او ارائه می گردد .
 ۳۴ - لث به درجه اول تنزل داده می شود و کارآموزان به داخل لث پذیرفته
 می گردند .

۳۵ - به حضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود و ابزار کار آموزی باو ارائه داده می‌شود .

۳۶ - فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی باستاد لژ ارائه می‌شود . .

۳۷ - سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نماید و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۳۸ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطبه‌هایی ایراد می‌نماید .

برای . حضرت استاد ارجمند

سرپرستان ارجمند

برادران

۳۹ - برادران مزبور صدم را می‌سرایند - (آهنک صدم قدیم) .

آیه ۱ و ۲- ای تمامی روی زمین .

خداوند را آواز شادمانی دهید

خداوند را با شادی عبادت نمائید و

بمخبر او با ترنم بیائید

آیه ۳- بدانید که یهوه خداست او

ما را آفرید . ما قوم او هستیم و

گوسفندان مرتع او

آیه ۴- بدو ازه‌های او با حمد

بیائید . و بصلح‌های او با تسبیح .

او را حمد گوئید و نام او را متبارک

خوانید

آیه ۵- زیرا که خداوند نیکو است

و رحمت ابدی . و رحمت وی تا ابد

الابد

All people that on earth dwell
Sing to the Lord with cheerful voice
Him serve with mirth, his praise Forthtell
Come ye before Him and rejoice.
Know that the Lord is God indeed,
Without our aid he did us make
We are his flock, He doth us feed,
And for His sheep He doth us take.

۴۰ - خواندن دعا بوسیله خطیب .

۴۱ - حضرت دبیر اعظم ارجمند کوبه را که علامت قدرت است از ظرف لژ

- اعظم به حضرت استاد ارجمند اعطا می نماید .
- ۴۲ - حضرت استاد ارجمند پاسخ می دهد .
- ۴۳ - اعطای عصای مدیر تشریفات برادر د. ماکنیل خزانه دار ارجمند اعظم .
- ۴۴ - برادر شقافی مدیر ارجمند تشریفات جواب می دهد .
- ۴۵ - حضرت استاد ارجمند دیپلم ها و نشانهای مؤسین و نشانهای لیاقت را اعطا می نماید .
- ۴۶ - هیئت نمایندگی لژ اعظم اسکانلند بدسته منظم از لژ خارج می شوند .
- ۴۷ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می شود .

۴۸- سرود اختتام - آهنگ الرس

losing Ode - Tune Ellers

Father again to Thy dear name We raise
 With one accord our parting hymn of praise
 We stand to bless Thee ee'r our worship
 cease
 Then lowly kneeling wait Thy word of peace
 Grant us Thy peace Lord through the
 coming night
 Turn' Thou for us it's dakness into light
 From harm and danger keep Thy children free
 For dark and light are both alike to Thee.

پدر بار دیگر به نام تو یکصد
 سرود پرستایش بدود خود را
 می سرائیم
 می ایستیم تا پیش از پایان نیایش
 درود خود را بر تو نثار کنیم
 سپس از سر تواضع زانوزنان در
 انتظار کلام آشتی تر می مانیم
 خداوند گارا روشنی خود را در این
 شبی که در راه است بما عنایت فرما
 و تاریکی آنرا بروی ما بروشنی
 مبدل ساز
 اطفال خود را از گزند و خطر فارغ
 نگاهدار
 چون تاریکی و روشنی هر دو برای
 تو یکسانند .



Dr. Alexander F . Buchan

M . B . E و SC و F . PH . D

دکتر الکساندر فرلی بوخان دبیر اعظم لژ اسکاتلند که نخستین لژ
فارسی زبان را در ایران افتتاح کرد.



L. D . Straker

ل. د. استراکر، رئیس شرکت لینچ در ایران و استاد اعظم فراماسونری در حالیکه کوبه استادی را بدست راست دارد. پشت سر او پرچم نژادشنائی در ایران آویزان است. او ۲۰ سال بر فراماسونهای ایرانی ریاست و سروری داشته و هنوز هم دارد.



شیخ احمد خزعلی استاد اعظم لژیچا در بصره که هفت ایرانی را در لژیچا فراماسون کرده و آنها را مأمور تشکیل لژی فارسی زبان در تهران کرد .

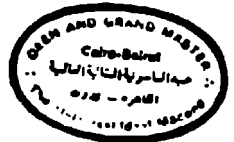


مهندس حسین شقاقی نخستین استاد اعظم لژاسکاتلند در ایران و مؤسس لژ تهران،
او مورد احترام بسیاری از هموطنان غیر فراماسون می باشد

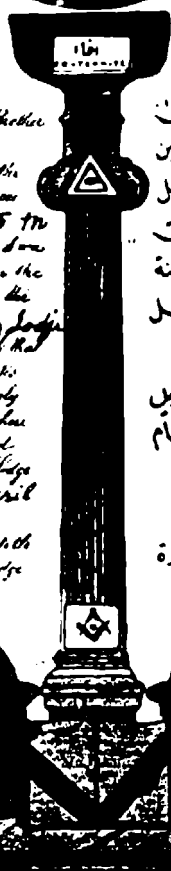
1948 UNIVERSITERRARUM ORBIS ARCHITECTONIS AD GLORIAM INGENTIS 1948
 للمجفلة العالمية الكبرى المشيخة العالمية

المجفلة العالمية الكبرى المشيخة العالمية
 THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

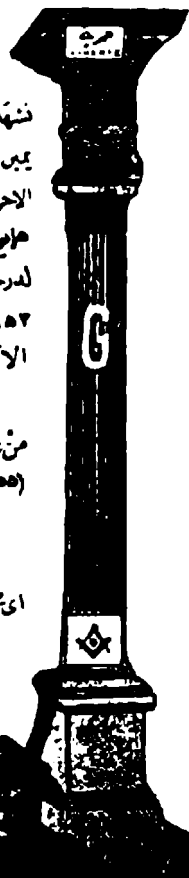
للبنائين الأحرار الأقدمين والمقبولين
 FOR THE ANCIENT & ACCEPTED FREE MASONS



To All
 Whom it may concern
 These are to certify that our brother
ENG. H. Shaghaaghi
 was both registered his name in the
 Morgan book was regularly seen
 and into the book on the 15th of
 the day of 1953. He was
 admitted to the Grand Lodge on the
 8th day of April 1953 in the
World-Wide Ideal Grand Lodge
 he is duly registered in the books
 of this Grand Lodge accordingly
 In testimony whereof I have hereunto
 subscribed my name and
 affixed the seal of the Grand Lodge
 At Cairo the day of 8th April
 A.L. 5555 A.D. 1955
 This CERTIFICATE shall not entitle
 a Brother to admission into any Lodge
 until due Examination

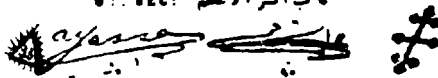


لبنائنا الأحرار
 نشهد أن المهندسين المعماريين
 في هذه الشهادة قبل مركزه بشيخة المشيخة
 الأحرار في يومها من سنة ١٩٥٣ بمجفلة
 هارون رقم ١ بمشرق إيران ورق
 لدرجة الاستناد في ٨ من مكنة
 ١٩٥٣ وتقبل اسمه بجملات المجفلة
 الأنسكرا المشيخة العالمية
 حرم بمشرق القاهرة في ٨ أبريل
 من عام ١٩٥٥ هـ) المنبر الموافق لعام
 (١٩٥٥) للبلاد
 لا يصحح لحامل هذه الشهادة بزيارة
 أي مجفلة إلا بعد اختبار



SIGNATURE

كاتب السر الاعظم : SEC



ديپلم فراماسونري لژهمايون مهندس شقاقي

اکنون که برای نخستین بار، با سرودهای رسمی فراماسونری
سرودهای رسمی
فراماسونری
«گوسفندان یهوه» که چگونه این سرودها، عیناً از «توراة» - کتاب مذهبی
 یهودیان - اقتباس شده است، و ما نیز بمنظور حفظ امانت
 در ترجمه و مستند بودن مطالب کتاب، متن این سرودها را از ترجمه فارسی و
 رسمی مزامیرداوود، از «کتاب مقدس» - انتشارات دارالسلطنه لندن - نقل کردیم،
 بد نیست از نکته بسیار جالبی نیز، که در جریان ترجمه و نقل این سرودها،
 بر نگارنده فاش شد، آگاه شوید.

از هنگامی که «لژ تهران» در پایتخت ما تأسیس شد و فعالیت خود را آغاز
 کرد، تا به امروز دهها رساله درباره «افتتاح لژها»، «تنصیب مقام استادی» و سایر
 مراسم تشریفات بطور محرمانه از طرف لژها تدوین و طبع و بین فراماسونهای
 ایرانی توزیع شده است. نکته حیرت انگیزی که در همه این رسالات و انتشارات
 بچشم می خورد، این بود که فراماسونها با وجود ابداع واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص،
 برای ترجمه و برگردان کلیه مطالب خود بزبان فارسی، همه جا از ترجمه فارسی
 سرودهای فراماسونری و قسم‌نامه‌های توأم با موزیک ظفره رفته و از نقل ترجمه
 سرودها خودداری کرده‌اند.

البته این مطلب در آغاز زیاد غیر عادی بنظر نمی‌رسد، چرا که بسیاری
 از سرودها و ادعیه و اوراد، در میان فرق و مذاهب و آئین‌های مختلف، از زمان
 پیدایش بزبانهای سانسکریت، عبری، عربی و بطور کلی بصورت اولیه و بزبان اصلی
 آن فرقه و آئین باقیمانده و بعدها نیز، طی قرون و اعصار، پیروان آن مذاهب
 و فرق، ترجیح داده‌اند که ادعیه و اوراد و یا سرودهای رسمی خود را با همان
 زبانهای اولیه بیاموزند و بکار برند. چنانکه در مورد دین حنیف اسلام نیز، ایرانیان
 که پیرو این آئین مقدس و شریف هستند، نماز و بسیاری از آداب و مراسم مذهبی

دیگر خود را ، با زبان اولیه آن ، یعنی عربی که زبان کلام الله مجید و پیامبر بزرگ اسلام است ، برگزار می کنند ، نه با زبان فارسی . . .

طبعاً با این منطق خودداری فراماسونها از ترجمه متن سرودهای رسمی و قسم نامه ها ، غیر عادی بنظر نمی رسد ، اما چون همه جا ، در متن همین رسالات که بزبان انگلیسی منتشر شده ، عین سرودهای آئین گشایش ، تنصیب مقام استادی و قسم نامه ها نقل و منعکس شده بود ، حس کنجکاوی نگارنده تحریک شد ، زیرا چنانکه گفتیم فراماسونها نه تنها همه رسالات و مراسم و آئین خود را به فارسی ترجمه می کنند ، بلکه در اغلب موارد ، لغات و اصطلاحات واژه های خاصی نیز برای بیان مقاصد خود ابداع کرده اند که نمونه هایی از آن در همین کتاب آمده است . با توجه به این مقدمات ، و آگاهی بر این امر که هیچیک از اقدامات لژها بدون علت و انگیزه نمی تواند باشد ، برای ترجمه دقیق متن سرودهای رسمی و قسم نامه ها اقدام شد . و در جریان همین کار بعلت خودداری و طفره رفتن از ترجمه سرودها آگاهی یافتیم .

توضیح اینکه هنگام ترجمه قسمتی از سرودها و آنچه که همراه با موزیک اجرا می شود جملات و کلمه ها آشنا بنظر می رسد ، و آمدن اسامی خاصی چون «یهوه» و تأکید بر پرستش او ، نگارنده را باصل و منبع این سرودها رهنمون شد . با این راهنمایی متن انگلیسی توراۃ را گشودیم و در اینجا بود که بعلت خودداری فراماسونها از ترجمه سرودها پی بردیم ، زیرا این سرودها جز مزامیر داوود که از کتاب مقدس نقل شده بود چیز دیگری نبود و طبعاً کسانی که قصد داشتند پیروان همه مذاهب ، از جمله گروهی از مسلمانان ساده دل را ، زیر عنوان « برادری » بهمکاری باخود بخوانند ، چگونه امکان داشت علناً آنها را وادار سازند که بنام سرود رسمی « یهوه » را پرستند و خود را «گوسفندان او» بخوانند ؟

با وقوف بر این حقیقت هنگام نقل رساله تشریفات نخستین استاد اعظم ترجمه آیات توراۃ را از «کتاب مقدس» - چاپ لندن ، ۱۹۵۴ - با ذکر صفحات و

سطور آن بیان کردیم و اینک برای اینکه بدانیم فراماسنها ، در لژهای خود چه سوگندهائی یاد می‌کنند و چگونه پیروان همه مذاهب را به پرستش « یهوه » - خدای اسرائیل - وامی‌دازند ، یکبار دیگر قسمتی از آیات توراۃ - «مزمور صدم» را نقل می‌کنیم و سپس توضیحاتی درباره سرودهای فراماسونها می‌دهیم :

« ای تمامی روی زمین * خداوند را باشادی عبادت نمایند * »

« و به‌حضور او با ترنم بیائید * بدانید که یهوه خداست . او ما را آفرید * »

« ما قوم او هستیم و کوسفندان مرتع او ☩ »

بطوریکه قبلاً گفته شد ، در آئین تشکیل و گشایش لژهای فراماسونری و برقراری سمت استادی ، سرودهای مخصوصی همراه با موزیک خوانده می‌شود و شرکت‌کننده‌گان اعم از مسلمان یا مسیحی - مسلمانان عادی یا پیشوایان روحانی که در آن جلسات حضور دارند ، در مراسم با این سرودها به تشریفات فراماسونی خود تبرک و میمنت می‌بخشند .

تردید نیست که استفاده از سرودهای مخصوص و احیاناً ترنم موزیک در اینگونه مراسم و آداب و تشریفات مشابه ، امری غیر عادی نیست . و هرگروه و دسته و سازمانی می‌توانند ، برای خود سرودهای مخصوصی داشته باشند . اما نکته اینجاست که سرودهای مخصوص فراماسنها چنانکه در آئین برقراری سمت نخستین استاد اعظم فراماسونری انگلیسی ، ملاحظه فرمودید ، جملات و آیاتی از مزامیر داوود - از توراۃ - از کتاب مقدس یهودیان است که طی آن بارها ، یهوه را خداوند آدیان‌شناخته و همه مردم را بندگان و کوسفندان مرتع او دانسته است . چنانکه طی فصول این کتاب ملاحظه شد ، در طول مدت فعالیت سازمان‌های فراماسونری در ایران ، بسیاری از کسانی که خود را پیرو دین مبین اسلام می‌دانستند و حتی داعیه هدایت دیگران را داشتند و به کسوت شریف پیشوایان مذهبی درآمده بودند ، عضویت این سازمانها را پذیرفته و ضمن بوسه زدن بر دست استاد اعظم ، همراه با سایر اعضاء بارها همین سرودهای رسمی را می‌خوانده‌اند و طبعاً هنوز اینگونه افراد در خدمت لژهای فراماسونی هستند ...

هنوز هم در کسوت شریف روحانیت ، بر دست‌های اساتید اعظم ! بوسه می‌زنند و هم‌صدا با سایر «برادران» می‌خوانند که :

« مبارک باد یهوه خدا ، که خدای اسرائیل است »

و این جملات بر زبان کسانی جاری می‌شود که نه تنها داعیه مسلمانی و پیروی از دین حنیف اسلام را دارند ، بلکه مدعی هدایت دیگران و آشنا ساختن طبقات مردم با اصول مذهب و وادار ساختن آنان به پرستش خدای یگانه نیز هستند . آنچه مسلم است ، عضویت این افراد در سازمان‌های فراماسونری و انجام آداب و مراسم مخصوص از طرف آنان - از جمله خواندن سرودهای رسمی اجباری مشمول یکی از این دو حالت است :

نخست اینکه ناآگاهانه و بدون اطلاع از مقاصد اصلی گردانندگان ، و تنها بخاطر خدمت به مردم و اجتماع از طریق اخلاق و انسانیت باین سازمان‌ها پیوسته‌اند و از مفهوم سرودهایی که می‌خوانند آگاه نیستند ... که درین صورت ، همین مطالبی که از نظر تان می‌گذرد ، می‌تواند هشدار برای همه آنان باشد ، بدین معنی که :
- آقایان ! شما که خود را مسلمان می‌دانید ... شما آقای آیت‌الهی که در کسوت شریف روحانیت هستید ، و همه شماها که به قصد و منظور خدمت به خلق ! بوسه بردست بیگانگان می‌زنید ، شما که با گفتن « اشهدان لا اله الا الله » به وحدانیت خدای یگانه ایمان آورده‌اید ، ببینید ، چگونه افرادی که ظاهراً ملیت و مقدسات مذهبی را محترم شمرده‌اند ، ندانسته شما را به راه دیگر می‌کشانند . معتقدات مذهبی شما را به‌ریش‌خند و مسخره می‌گیرند . شما را وامیدارند ، با جملاتی که خود از معنی و مفهوم آن آگاه نیستند ، وجود خدای یگانه ، پیامبر مرسل و آیات کلام‌اله مجید را تکذیب کنید و هم‌زبان با آنان بگوئید :

« بدانید که یهوه خدای ماست ، ما قوم او و گوسفندان مرتع او هستیم »

و هم‌چنین وادارتان می‌سازند که تعلیمات تو را هم‌را کلمه به کلمه اجرا کنید :

« خداوند را با شادی عبادت نمائید و به حضور او با ترنم بیائید »

و با استناد به همین تعلیمات، به اصطلاح سرودهای مخصوص را همراه با موزیک اجرایی کنند.

اگر به راستی نادانسته و نا خود آگاه قدم درین راه نهاده‌اید، اکنون بخود آئید و یکبار دیگر کلمات این « سرودهای مخصوص » را که ترجمه فارسی آن‌ها را از کتاب مقدس چاپ لندن نقل کرده‌ایم، مرور نمائید و بخوانید و ببینید که چگونه معتقدات الهی و مقدسات مذهبی شما نیز به ریشخند و مسخره گرفته شده است.

... و اما گروه دوم، آنان که آگاهانه و با اطلاع از معنی و مفهوم « سرودهای مخصوص » با سایر اعضاء هم زبان می‌شوند، تکلیفشان روشن است. این گروه نه تنها با دین مقدس اسلام بیگاندهاند، بلکه پیرو هیچ شریعت و آئینی نمی‌توانند باشند. آنان کسوت شریف روحانیت و یا نام مقدس اسلام را با وجود خود آلوده‌اند. لباس روحانیت و افتخار به مسلمانی، تنها سرپوشی است برای اقدامات سودجویانه آنان و انجام فعالیت‌های زیان‌بخشی که فرامین اجرای آن از طرف بیگانگان صادر شده است.

گفتم که اینان پیرو هیچ طریقت و آئینی نیستند، زیرا کسی که در ملاءعام، و منابر و مساجد، بخاطر دین و بنام اسلام گریبان چاک می‌کند و در پنهان بر دست بیگانه‌ای که پیرو مذهب دیگری است، بوسه می‌زند و از آن بالاتر با خواندن ادعیه و اوراد توراة و « سرودهای مخصوص » وجود خدای یگانه را رسماً انکار می‌کند و بجای تعالیم عالی و آسمانی قرآن کریم، جملات و اوراد کتاب مذهبی دیگری را می‌خواند که در آن « بهوه » خدای عالمیان شناخته شده است و همراه با ترنم موسیقی، آداب و مراسمی را انجام می‌دهد که در کتاب « توراة » توصیه شده است، جز یک فرد « هرهری و لامذهب » چه نامی می‌توان روی او نهاد.

همین افراد هستند که با سوء استفاده از نام اسلام و کسوت شریف روحانیت

به همه مقدسات مردم پشت پا می‌زنند و باعث رواج حس بدبینی در میان مردم نسبت به همه روحانیون واقعی و شریف و سلب اعتماد آنان از گفتارها و تعالیم مذهبی می‌گردند. در مورد گروه دوم هرگونه هشدار یا راهنمایی بی‌نتیجه است، زیرا اینان خود بخوبی واقفند که چه راهی را در پیش گرفته‌اند. اعتقاد آنها بدین مقدس اسلام، از حدود اعتقادشان به «یهوه» تجاوز نمی‌کند. و دین و مذهب برایشان فقط يك دکان تجارت و منبع سود و در آمد است. و در مورد آنان، این مردم هستند که بایستی با هوشیاری و دقت افراد فاسق و فاجر را از مردمان متقی و پرهیزگار و روحانیون واقعی تمیز دهند. با برداشتن نقاب پرهیزکاران و شناساندن سیمای واقعی آنها به همه مردم نشان دهند که چگونه افرادی که دعوی روحانیت می‌کنند، افرادی که لباس مقدس روحانیت را بتن دارند، ولی بردست و شانه «استاد اعظم یهودی و مسیحی» خود بوسه می‌زنند و با قرائت «سرودهای مخصوص» که آیاتی از «توراة» است، تعلیمات این کتاب مقدس را بکار می‌بندند و خدای یهودیان را پرستش می‌کنند!

اجرای مراسم تقدیس و تنصیب‌لر‌ها و استادان فراماسونری
يك نظریه عالمانه با ترنم موزیک و خواندن اوراد و آیات توراة و مغایرتی که این مراسم و سرودهای آن با آئین مقدس اسلام دارد، چون برای نخستین بار است که در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، به تفسیر و اظهار نظر بیشتری احتیاج دارد. زیرا چنانکه اشاره شد تاکنون در این زمینه بحث و گفتگویی نشده است. بدین سبب در صدد برآمدیم تا نظریه یکی از دانشمندان معاصر را در این باره استفسار کنیم. با دانشمند محترم استاد محمد محیط طباطبائی که مطالعات عمیقی در مسائل مذهبی و تاریخی دارند، صحبتی داشتیم، ایشان نظر خود را کتباً برایمان نوشتند که اینک عین نوشته استاد را نقل می‌کنیم:

« ایرادی که در این قسمت بر مسلمانان تازه‌وارد به لژ فراماسونری گرفته‌اید وارد و درخور یادآوری است :

به فرض اینکه سوگند به‌خدای اسرائیل و توسل به یهوه و ایلویهیم (به صیغه جمع عبری) برای مسیحیان به اعتبار اینکه تورا به کتاب دینی معتبر ایشان است و هنوز بیش از عهد جدید رفع نیازمندیهای ایشان را می‌کند، اثری مانوس و انشاء مزامیر داود در کلیسا همچون کنیسه معمول باشد؛ برای مسلمانان که تورا به زبور و انجیل را پس از نزول قرآن منسوخ و غیر قابل پیروی می‌دانند و به‌خدای یگانه و عادل‌ی اعتقاد دارند که پروردگار جهانیان یارب‌العالمین است و در میان بنی اسرائیل و بنی - اسماعیل و یا اسرائیل و اردن با مصر و سوریه تفاوتی نمی‌گذارند، توسل به یهوه صباوت خدای اختصاصی اسرائیل که با هیچ قوم و ملت و خلق دیگری نظر عنایت بلکه حق توجه ندارد، مخالف اساس اعتقاد دینی ایشان است. علاوه بر این اشکال عقیده‌ای که در این توسل و تشبث به خدای خاص بنی اسرائیل وجود دارد مشکل تازه قضیه در دلالت لفظ اسرائیل بر مفهوم جدیدی غیر از مصداق دیرین معهود از این کلمه است و آن کشوری و دولتی جدید متشکل از یهودیان آلمانی و روسی مهاجر در سرزمین فلسطین است که اینک به نام اسرائیل معروف شده است. کثرت اتصال و اختصاص این مفهوم سیاسی و اعتباری جدید به لفظ اسرائیل دیگر برای خدای اسرائیل در ذهن مردم عصر ما جز خدای دولت اسرائیل مفهومی ندارد که آنهم مانند ستاره شش‌پر دیگر مهر و محبت و طلسم نیکبختی دعا نویسان نیست بلکه نشان رسمی يك کشور نوزادی شمرده می‌شود.

در این صورت توسل بخدای اسرائیل در روزی که دیگر مردم روی زمین از این کلمه مفهوم قوم مظلوم و آواره‌ای را در نمی‌یابند که از ستم

مسیحیان در رنج و عذاب باشد بلکه دلالت بر مفهوم حکومتی نوظهور دارد که به سعی انگلیس و امریکا در قلب عالم اسلام پدید آمده و با جنگ و تصرف اراضی مسلمانان اثبات وجود می‌کند، آنهم از طرف يك فرد مسلمان تازه- وارد به لژ فراماسونری، ناشی از جهل این مسلمان به حقیقت امور و اوضاع و قضایای اجتماعی و تاریخی است .

صرف نظر از جنبه‌های دینی و تاریخی و اخلاقی چنین امری باروش عمومی مسلمانان در این قضیه سیاسی مشترك هم آهنگی و موافقت ندارد . با غلبه روح سودپرستی در عصر ما بر افراد و جماعات مسلم است که غالباً شرکت در اینگونه جمعیت‌های رمزی و پوشیده از انظار ، برای تأمین مصالح خصوصی و جلب کمک‌های غیبی به منافع شخصی صورت می‌پذیرد و ابداً جنبه اخلاقی و یا قصد قربتی در کار نیست .

بنابر این وقتی که فراموشخانه دیگر در انگلیس و فرانسه هم نمی‌تواند به ایجاد رابطه برادری و دوستی حقیقی در میان یهود و مسیحی کمک کند بطور اولی قادر نخواهد بود که میان يك تن یهودی با مسلمانی متأثر از سیاست تجاوزکارانه اسرائیل در منطقه خاورمیانه ، بازگر نام‌خدای اسرائیل و توسل به یهوه صبایوت ، عقد محبت و اخوتی ببندد .

از خدای جهانیان و پروردگار عالمیان باید خواست تا چشم‌خردبندگان خود را بکشاید و عقل و وجدان اجتماعی را به جای غرور و غرائز و سیاس در نهاد همگنان متمکن دارد و همه افراد جوامع را در ظل مفهوم انسانیت مطلق نیکخواه و خدمتگزار واقعی بشریت تربیت کند تا این توطئه‌های کهن جهت استقرار روابط خصوصی میان دسته‌ها و افراد معین از میان برخیزد و صفای حقیقی جای این سرابهای زندگانی را بگیرد . **محیط طباطبائی**»

نخستین اقدام لژ تهران، تهیه و تنظیم آئین نامه داخلی برای اداره لژهای فارسی زبان بود. به موجب این آئین نامه، هر عضو تازه وارد می بایستی مبلغ ششصد تومان ورودیه بدهد،

آئین نامه داخلی لژها

که از این مبلغ، چهارصد تومان آن را به نفع مرکز گراند لژ به ارز تبدیل گردیده به ادنبورگ می فرستند. همچنین مقررات دیگری برای حق عضویت، ارتقاء مقام، دریافت نشان، دیپلم و غیره وضع کرده اند که هر يك از آنها نیز متضمن درآمدهای دیگری برای لژ است، و از اینگونه درآمدها نیز، بیشتر از نصف مبلغ پرداختی هر عضو به اسكاتلند حواله می شود. اینک عین آئین نامه داخلی را که هم اکنون در همه لژهای فارسی زبان اجراء می شود، نقل می کنیم:

آئین نامه داخلی ل. شماره ۱۵۷۳ تاریخ قانون اساسی ل اعظم اسكاتلند

طهران - ایران

- ۱- جلسات ل. در خیابان — طهران ایران تشکیل می گردد.
 - ۲- جلسات عادی ل با استثناء ماههای ژوئیه و اوت (تیر و مرداد) در سومین چهارشنبه هر ماه میلادی در ساعات شش و نیم بعد از ظهر یا در ساعتی که ل در جلسات عادی قبل تعیین کرده است تشکیل می گردد.
 - ۳- افسران عبارتند از ۰۱۰۱ - ۰۱۰۱ - پیشین - قائم مقام ۰۱۰۱ - جانشین ۰۱۰۱ - س. اول - س دوم - دبیر - خزانه دار - مدیر تشریفات - خطیب - کتاب بر - ر. اول - ر. دوم - کارپرداز دو نفر - ن. داخلی - ن. خ -
 - ۴- تعیین و انتخاب افسران ل و کمیته امور عمومی و کمیته تحقیق بایستی در جلسه عادی ل که در ماه آوریل (اردیبهشت) منعقد می گردد بعمل آید.
 - ۵- جلسه سالیانه يك جلسه عادی است که در سومین چهارشنبه ماه می (خرداد) تشکیل می گردد.
- در همین جلسه محاسبات سالیانه و گزارشهای مربوطه شنیده شده و افسران

انتخاب شده منصوب می‌گردند.

۶- جز در مواردی که قوانین اسکاتلند ترتیب خاصی مقرر کرده دعوتنامه‌ها پیوست دستورکار جلسه بایستی حداقل پنج روز قبل از تشکیل جلسه عادی و ۴۸ ساعت قبل از تشکیل جلسه فوق‌العاده بدست برادران برسد.

۷- قائم مقام ۰۱۰۱ در جلسه‌ایکه افسران تنصیب می‌گردند از طرف ۰۱۰۱ تعیین و تنصیب می‌شود.

۸- اعضاء کمیته امور عمومی عبارت می‌باشند از ۰۱۰۱-۰۱۰۱ های قبلی. قائم- مقام و جانشین ۰۱۰۱- س اول- س دوم- دبیر خزانه‌دار و دونفر از استادان که جلسه عادی ل که در ماه آوریل (اردیبهشت) تشکیل می‌شود انتخاب می‌گردند. وظائف کمیته امور عمومی عبارت است از نظارت و حفظ اموال موجود اعم از منقول و غیر منقول (باستثنای وجوه نقدی در بانک) از هر قبیل در تمام دوره تصدی کمیته بعهدہ آن کمیته و تحت نظر ل خواهد بود.

۹- کمیته تحقیق عبارتند از افسران مذکور در ماده ۱۷۷ ق ۱ و دونفر استاد که از طرف ل در جلسه عادی ماه آوریل (اردیبهشت) انتخاب می‌گردند.

۱۰- تعرفه حقوق بشرح زیر است:

حق ورود و ترفیع و ارتقاع و مارک ۶۶۰۰ ریال حق‌الحاق اعضاء ل های تابع اسکاتلند ۱۲۰۰ ریال

حق‌الحاق از سایر ل های اعظم ۱۶۰۰ ریال

حق عضویت سالیانه (تهران و حومه) ۱۸۰۰ ریال

حق عضویت سالیانه (خارج از تهران و حومه) ۸۰۰ ریال حق انتصاب ۰۱۰۱ ۱۰۰۰ ریال

حق انتصاب س اول ۵۰۰ ریال

حق انتصاب س دوم ۲۵۰ ریال

حق‌السهم بهل اعظم اسکاتلند برای ورود و الحاق از ل های غیر اسکاتلند طبق

مقررات ل اعظم اسکا تلند)

حق استعفای ازل ۱۰۰ ریال

حق عضویت دائمی (تهران و حومه) ۱۸۰۰۰ ریال

حق عضویت دائمی (برای دائم خارج از تهران و حومه) ۵۰۰۰ ریال

۱۱- هر عضو که بیست و یکسال مرتباً حق عضویت سالیانه را پرداخته است برای تمام عمر از پرداخت حق عضویت تصدیق سالیانه معاف شده عضویت دائمی را دریافت خواهد داشت .

۱۲- از هر حق عضویت سالیانه مبلغ ۵۰ ریال بصندوق خیریه داده می شود و بهمین تناسب از حق ورودیه و حق عضویت های شامل تخفیف نیز برداشت می شود. همچنین از کلیه هدایا و عطایا هم بصندوق مزبور پرداخت می گردد .

۱۳- صندوق خیریه تحت نظارت کمیته امور عمومی اداره می شود .

۱۴- ۱۰۱۰ می تواند تا مبلغ دو هزار ریال به تشخیص خود در موارد لازم به يك برادر بپردازد .

۱۵- هر سال يك یا چند بازرسی که از اعضاء کمیته های امور عمومی و تحقیق نباشند باید در جلسه عادی ماه مارس (فروردین) انتخاب گردند تا بکلیه اساسیه و اموال ل و همچنین به دفاتر خزانه دارو حسابهای او در سال مالی رسیدگی کند و گزارش آنرا کتباً ۱۴ روز قبل از جلسه عادی سالیانه که در ماه می (خرداد) تشکیل می شود بدهند .

۱۶- تکالیف باستانی و آئین نامه را بایستی لا اقل سالی يك بار در جلسه عادی و علنی ل قرائت نمود .

یکی از اقدامات بسیار مفید و لازمی که «لژ تهران» از بدو تأسیس انجام داده، ترجمه صحیح و دقیق لغات و اصطلاحات مخصوص فراماسونهاست. شاید همه مترجمین و محققین که تا کنون در این باره مطالعه کرده اند، برای پیدا کردن

ترجمه لغات

فراماسونری

لغات و اصطلاحات و واژه‌هایی که مشابه آنها در زبان فارسی وجود ندارد، دچار مشکلات و گرفتاریهای ناشی از نارسائی ترجمه و نبودن کلمات معادل این اصطلاحات شده باشند. بدین جهت و بمنظور استفاده محققان و مترجمانی که قصد مطالعه و کار در این زمینه را داشته باشند، با استناد به مجموع اسناد و مدارك، رسالات و نشریاتی که بدو زبان (انگلیسی - فارسی) بوسیله لژ تهران و سایر لژهای تابعه اسکاتلند چاپ و منتشر شده، این کلمات و اصطلاحات مخصوص با ترجمه فارسی آنها در اینجا منعکس می‌شود. لازم به تذکر است که ترجمه این لغات مورد تأیید و قبول لژهای مذکور می‌باشد:

Ancient	باستانی
Summary of the Ancient charges	تکالیف و مقررات باستانی
Constitution and Laws	قانون اساسی
Laws of the Lodge	آئین نامه داخلی لژ
Charter	فرمان منشور
Accepted	پذیرفته شده
Installation	تنصیب
Lodge Funder Members	بنیانگذاران لژ
Officer bearers	افسران لژ
Respective Kings and Rulers	پادشاهان و رؤساء کشورها
The G.L of Scotland rulers	لژ اعظم اسکاتلند
of the craft	و رؤساء آن
Rulers of Sister Constitutions	رؤساء لژهای اعظم وابسته
The D. S. And G. officers of	رؤساء و افسران لژ اسکاتلند
the G. L. of Scotland In Iran	در ایران

Craef	دعای برکت
Warden	سرپرست
Loyal Toast	به سلامتی هنگام صرف شام
Cavel	کوبه استادی فراماسونری
The Adress	خطبه
Obligated	قسم خوردن

در مراسم تأسیس لژهای فراماسونری اصطلاحات زیر بکار می‌رود :

Board of Insalled Masters	هیئت استادان تنصیب شده
Installing Righ Wopshipful Master	حضرت استادارجمند تنصیب‌کننده
Installing Past Master	حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب‌کننده
Installing Jonior Master	سرپرست ارجمند اول تنصیب‌کننده
Installing Jonior Master	سرپرست ارجمند دوم تنصیب‌کننده
Installing Master of Ceremonies	رئیس تشریفات تنصیب‌کننده
Installing Inner Guard	نگهبان داخلی تنصیب‌کننده
Installing Tyler	نگهبان خارجی تنصیب‌کننده

در لژهای انگلیسی مقام‌ها و اصطلاحات زیر بکار می‌رود :

The 2 nd Degree	لژ درجه دوم
The 3 nd Degree	لژ درجه سوم
M. M. (Master Mason)	استاد بنایان (با علامت مخفف)
E. As	کارآموزان
E. Cs	کاریاران

افسران لژ که برای يك سال فراماسونری (مهر تا خرداد) انتخاب می‌شوند

Right Worshipful Master	حضرت استاد ارجمند
Depute Master	فائم مقام استاد
Substitute Master	معاون استاد
Senior Warden	سرپرست اول
Jonior Warden	» دوم
Secretary	دبیر
Treasurer	خزانه‌دار
Senior Deacon	راهنمای اول
Jonior Deacon	» دوم
Director of Ceremonies	مدیر تشریفات
Bible Bearer	کتاب بر (جامل کتاب مقدس)
Inner Guard	نگهبان داخلی
Tyler	نگهبان خارجی

از سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ - ه) که «لژ تهران» - نخستین لژ

معرفی لژ تهران

فارسی زبان تابع اسکاتلند - رسمیت یافت، در سالنامه های

گراند لژ مذکور مشخصات لژ و همچنین اسامی و مشخصات

در کتاب سال

لژ اسکاتلند

واسطه‌ها، رابطین، دبیران و رؤسای لژ در انگلستان و

ایران در ردیف ۱۵۴۱ لژهای جهانی اسکاتلند، همه ساله

مرتباً چاپ می‌شود. برای آشنا شدن با نظرگراند لژ اسکاتلند، درباره لژ تهران

و مطالبی که از طرف مرکز جهانی این لژ پیرامون فعالیت فراماسونری‌های

ایرانی منتشر می‌شود، در اینجا قسمتهای کوتاهی از مندرجات سال‌های مختلف

سالنامه گراند لژ اسکاتلند را نقل می‌کنیم:

اولین واسطه‌هایی که نام آنها در ردیف لژ مذکور ثبت شده،
لژ تهران ۱۵۴۱ دو انگلیسی مقیم انگلستان هستند. یکی «جیمز مک نامارا»
 که سال‌ها در لژ مسجد سلیمان فعالیت داشته و دیگری یکی
 از اعضای شرکت سابق نفت در ایران می‌باشد که به این شرح معرفی شده‌اند :

سال ۱۹۵۷

James H. Mcnamara, 32 Prestwick street, Glasgow, S. W.3 pr.M.
Thomas I. Robertson, 19 the crescent, Gowkshill, Gorebridge
Pr. S. W.

در سال ۱۹۵۸ هیچگونه تغییراتی در مشخصات داده نشده، ولی سال بعد
 شخص دیگری بنام :

James M. Gray, 223 Broomfield
Crescent, Edinburgh, 12

بمندرجات سالنامه اضافه شده است .

سال ۱۹۶۱ بدون تغییرات است و سال بعد تا ۱۹۶۴ رابطه لژ در انگلستان
 و تهران این اشخاص بوده‌اند :

James H. Mcnamara, 32 Prestwick street, Glasgow.
Thomas I. Robertson, 19 The crescent, gewkshill, Goreb.
James M. Gray, 228 Broomfield crescent, Edinbourg, 12 .
Dr. Hadi mossadeghi, 94 Boulward Nahri Karadg, Teheran,

در آخرین سالنامه گراند لژ اسکاتلند، نماینده و رابط لژ در انگلستان
 « جیمز مک نامارا » سابق‌الذکر و در ایران دکتر جواد پیروزبخت ساکن خیابان
 ننائی کوی شفا شماره ۵۵ معرفی شده‌اند .

آخرین انتخابات داخلی لژ تهران که تا آغاز چاپ کتاب صورت گرفته نیز
 بدین شرح می‌باشد :

صورت پیشنهادی کمیته انتخابات لژ تهران^۱

برای سال ۱۳۴۷ - ۴۸ - ۶۸ - ۱۹۶۹ -

- ۱- استاد ارجمند برادر مصطفی عامری
- ۲- استاد ارجمند قبلی برادر محمود فرمند
- ۳- قائم مقام استاد برادر دکتر نصرالله هنجنی
- ۴- معاون استاد برادر خستو
- ۵- سرپرست ارجمند اول برادر دکتر ضیاءالدین صفی نیا
- ۶- سرپرست ارجمند دوم برادر مهندس علیرضا امیر سلیمانی
- ۷- دبیر برادر مهندس جمال گنجی
- ۸- خزانه دار برادر علی اصغر توکلیان
- ۹- امین خیریه برادر عباس خرازی
- ۱۰- خطیب ارجمند برادر دکتر محمد حسن نوری
- ۱۱- راهنمای اول برادر دکتر بهادر عامری
- ۱۲- راهنمای دوم برادر مهندس همایون فرود
- ۱۳- مدیر ارجمند تشریفات برادر دکتر فتح اله فرود
- ۱۴- کتابدار ارجمند برادر دکتر غلامرضا کیان
- ۱۵- مهندس کارگاه برادر مهندس محمد علی قطبی
- ۱۶- زیوردار برادر دکتر محمد حسن اسدی
- ۱۷- حامل ارجمند کتاب برادر مهندس حسین شقاقی
- ۱۸- شاعر کارگاه برادر حسنعلی حکمت
- ۱۹- شمشیردار ارجمند برادر دکتر پرویز کاظمی
- ۲۰- معاون رئیس تشریفات برادر بهرام داوید خانیان

۱- توضیح اینکه انتخاب کارگردانان لژ تهران پایانش سال فراماسویری است نه سال

- ۲۱- معاون دبیر برادر دکتر حمید بهزاد
- ۲۲- مدیر ارجمند انتظامات برادر دکتر علی اصغر خشیار
- ۲۳- بیرق‌دار برادر ارجمند مدرسی چهاردهی
- ۲۴- نگهبان داخلی برادر حسن سراج حجازی
- ۲۵- میهمان‌دار برادر کاظم کورس
- ۲۶- کارپرداز برادر دکتر هیئت
- ۲۷- نگهبان خارجی برادر سرهنگ مقدم
- ۲۸- عضو کمیته تحقیق و امور عمومی برادر محمد عریضی
- ۲۹- عضو کمیته تحقیق و امور عمومی برادر دکتر رضا امینی
- ۳۰- ممیز حساب برادر حمید نیری
- ۳۱- ممیز حساب برادر محمد کاریابی

لژهای فراماسونری علاوه بر اعمال و افعال کاملاً سری و
يك نمونه از برنامه محرمانه که دست یافتن به آنها برای غیر فراماسون ها
جلسات ماهانه بسیار دشوار ، حتی در پاره‌ای موارد ممتنع است ، در جلسات
 معینی به امور زیر می‌پردازند :

- ۱- دادن ارتقاء مقام به اعضای پیشین لژ
 - ۲- اهداء نشان و دیپلم به « برادران » ی که برای دریافت این عناوین
 پیشنهاد شده‌اند .
 - ۳- موافقت با تقاضای عضویت و پذیرش « بیگانگان » به لژ جدید که با مراجع
 به آراء اعضای لژ صورت می‌گیرد .
- برای انجام این منظورها قبلاً دبیر لژ دعوتنامه‌ای برای همه اعضای لژ
 می‌فرستد که در آن برنامه کار آنروز و آن جلسه بخصوص ذکر شده است .

اینک برای نمونه ، یکی از دعوتنامه‌های لژ تهران را عیناً نقل می‌کنیم :

آقای گرامی و برادر عزیز

بنا به تصمیم کمیته ل - محترم طهران جلسه عادی ل . محترم طهران در ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز شنبه نوزدهم آبانماه ۱۳۴۱ - (دهم نوامبر ۱۹۶۲) در میدان فردوسی کوچه نیائی شماره ۱۱ تشکیل می‌گردد. بدینوسیله از آن برادر گرام تقاضا می‌شود که در این جلسه حضور بهم رسانند . سلطان محمد سلطانی

برنامه

- ۱- افتتاح ل.
- ۲- قرائت دعوتنامه
- ۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۱ و صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخ ۲۹ مهرماه ۱۳۴۱
- ۴- مراسم ارتقاء برادران نامبرده زیر بدرجه استادی:
احمد صدرید- هوشنگ اربابی- علی تیموریان- محمدعلی نشاط
- ۵- گردانیدن کیسه خیریه
- ۶- انجام امور دیگری که طبق مقرر لازم آید
- ۷- بستن ل
- ۸- صرف شام

در لژهای فراماسونری صرف شام ، بعد از انجام تشریفات **شام برادرانه** رسمی ضروری است . به موجب آداب و رسوم جهانی فراماسونری ، دو نوع مراسم «شام برادرانه» وجود دارد . یکی مراسم شام عادی بعد از خاتمه کارهای لژ ، در مواقع عادی . و دیگری شام رسمی بعد از پایان تشریفات رسمی . تشریفات رسمی لژها هم به سه طریق برگزار می‌شود:

- ۱- تشریفات رسمی صرف شام ، بعد از پایان اعطای مقام استادی به اعضا .
- ۲- در مراسم تشکیل و تقدیس لژها .
- ۳- ضیافت‌های رسمی که به افتخار رؤسای لژ در انگلستان یا سایر مراکز لژها برپا می‌شود .

TOAST LIST

TOAST MASTER: BRO. DR A KHASHAYAR

Cheer	<i>Bro. Eng. Djafar Fozouni</i>
Loyal Toast:	
His Majesty the Shahanshah	<i>Bro. « « «</i>
Respective Kings and Rulers	<i>Bro. « « «</i>
The G. I. of Sc and Rulers of the Craft	<i>Bro. « « «</i>
Rulers of Sister Constitutions	<i>Bro. « « «</i>
The R. W. M.	<i>Bro. Dr Zorjassatrin</i>
Reply	<i>Bro. Eng Djafar Fozouni</i>
Ins. M. and P. M.	<i>« « « «</i>
Reply	<i>Bro. Fatollah Foroud</i>
The Visitors.	<i>Bro. Reza Djafari</i>
Reply	<i>Bro. Dr Amir Hekmat</i>
The Founder Members	<i>Bro. Ali Asghar Mehamadi</i>
Reply	<i>Bro. Dr. R. Morshed sadch</i>
The D.S. and G. Officers of the G. I. of Scotland in IRAN	<i>Bro. R. W. Shaghoghi</i>
Reply	<i>Bro. R. W. C. J. Fairey (D.S.)</i>
Tyles's Toast	<i>Bro. Dr Partow</i>

برنامه میز شام برادرانه
زبان انگلیسی

برای آشنا شدن با چگونگی تشریفات رسمی این قبیل «شام‌های برادرانه»
و انجام مراسم مخصوص، درینجا تشریفات را که به مناسبت ارتقاء و تفویض مقام
استادی به مهندس جعفر فزونی انجام شده، عیناً نقل می‌کنیم:

تشریفات سر میز شام

رئیس تشریفات میز: برادر بسیار ارجمند مهندس شقاقی

برادر مهندس جعفر فزونی	دعای برکت
« « « «	بسلامتی پادشاهان و رؤسای کشورهای
« « « «	برادران حاضر
« « « «	بسلامتی لژ اعظم اسکاتلند و رؤسای آن
« « « «	بسلامتی رؤسای لژهای اعظم وابسته
برادر ارجمند ذوالریاستین	بسلامتی ح. ا. ا.
فزونی « «	جواب « «
فزونی « «	بسلامتی استاد تنصیب کننده و استاد پیشین

- جواب
برادر ارجمند فتح‌الله فرود
سلامتی مهمانان
» » رضا جعفری
- جواب
برادر علی اصغر محمدی
سلامتی اعضاء مؤسس
- جواب
برادر ارجمند مرشدزاده
سلامتی ن. ا. ن. و افسران
- لژ اسکانلند در ایران
برادر بسیار ارجمند شقاقی
- جواب
برادر ك. ی. فری ن. ا. ن.
دعای نگهبان خارجی اوانسف
برادر ارجمند دکتر پرتو
- روزهای تشکیل**
فراماسنهای انگلیسی در حفظ همه تشریفات و انجام آداب
و رسوم و حتی منظور داشتن روزهای تشکیل جلسات، مقید
لژهای انگلیسی هستند. هیچیک از لژها حق ندارند، جلسات لژ خود را به
جز در روزهایی که در منشور تأسیس لژ از مرکز «گراند لژ»
صادر شده، در روز دیگری تشکیل دهند. عده زیادی از لژها از سال ۱۷۱۷
تاکنون، بهیچوجه تغییری در روز تشکیل جلسات لژ نداده‌اند، لژ روشنائی در ایران
نیز جلسات ماهانه خود را در روز چهارمین سه‌شنبه هر ماه مسیحی تشکیل می‌دهد و
در مدت چهل و نه سال گذشته حتی برای یکبار هم، تغییری در روز تشکیل لژ
مذکور داده نشده است.
- لژهای فارسی زبان هم از روزیکه تشکیل شده‌اند، مرتباً جلسات خود را
در روز تعیین شده در منشور تأسیس لژ و حتی ساعت مقرر، برگزار می‌کنند.
ساعات تشکیل لژهایی که زیلا خواهد آمد، از ساعت ۶ بعد از ظهر تا پایان کار
لژها می‌باشد، که در باشگاه رازی واقع در کوی انوشیروان دادگر در خیابان
شاهرضا، برگزار می‌شود. در نقل ررزه‌های تشکیل لژها نام لژ کرمان که در روز
دهم آبان ۱۳۴۷ تشکیل شده، نیامده و امید است در جلد چهارم از آن یاد شود:

روزهای تشکیل لژهای انگلیسی تابع گراند لژ اسکاتلند
در هفته‌های معین

اسم	شماره	جلسات
لایت ^۱	۱۱۹۱	چهارمین سدشنبه ماه مسیحی
تهران	۱۵۴۱	دومین شنبه « »
کورش	۱۵۷۴	سومین چهارشنبه « »
خیام	۱۵۸۵	اولین دوشنبه « »
اصفهان	۱۶۱۰	چهارمین چهارشنبه « »
آریا	۱۶۲۲	دومین سدشنبه « »
خوزستان	۱۶۲۳	اولین سد شنبه « »
ژاندارك	۱۶۰۸	چهارمین چهارشنبه « »
نور	۱۶۳۱	دومین چهارشنبه « »
اهواز	۱۶۲۷	سومین دوشنبه « »
ل. ا. ن. ا. ^۲	- -	خرداد - شهر یور - آذر - اسفند

۱- به زبان انگلیسی کار می‌کند.

۲- لژ اعظم ناحیه ایران.

جلیات سال ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶

جلیات	اهواز	نور	زاهدان	خوزستان	آریا	اصفهان	خام	کورش	تهران		لایت
									سه شنبه	چهارشنبه	
ل. ا. ن. ۱		۲۲			۲۱	۱		۲۹			سه شنبه
جلیه ارتباطیه ل. ا. ن. ۱					۱۸	۵	۱۰	۲۶	۲۲		مهر
	۲۹	۱۷	۲	۱۶	۲۳	۲	۱۵	۳۴	۲۰	۲	آبان
جلیه ارتباطیه ل. ا. ن. ۱	۳۷	۲۲	۱	۱۴	۲۱	۸	۱۳	۲۹	۱۸	۷	آذر
	۲۵	۲۰	۶	۱۲	۱۹	۶	۱۱	۳۷	۲۳	۵	دی
	۲۰	۲۵	۴	۱۷	۲۴	۱۱	۱۶		۲۱	۱۰	بهمن
جلیه ارتباطیه ل. ا. ن. ۱	۲۸	۲۳	۹	۱۵	۲۲	۹	۱۴	۲۰ ^۲	۱۹	۸	اسفند
	۲۶	۲۱	۷	۱۳	۲۰	۷	۱۲	۲۸	۲۴	۶	فروردین
	۲۰	۱۸	۴	۱۷	۲۴	۴	۱۶	۲۵	۲۱	۱۰	اردیبهشت
جلیه ارتباطیه ل. ا. ن. ۱	۳۷		۱	۱۴		۸	۱۲	۲۹	۱۸	۷	خرداد

فراماسونری در ایران نیز مثل احزاب و جمعیت‌هایی که بعد
اتهامات و از جنگ بین‌المللی دوم تشکیل شدند ، گرفتار عده زیادی
اختلافات جاسوس و کسانی که سوابق سیاسی و اجتماعی ننگینی دارند
 و حتی افرادی که دست‌هایشان در اختلاس‌ها و سوء استفاده‌ها آلوده بوده و هست
 شد. در بین استادان فراماسونری ایران ، رؤساء و کارگردانان و مؤسسين لژها
 افرادی وجود دارند که در دادگستری ایران سوابق دزدی، اختلاس و رشوه‌خواری
 دارند .

در یکی از سالنامه‌های گراند لژ اسکاتلند ، عکسی از مؤسسين يك لژ در
 تهران چاپ شده که بسیار جالب است .

در این عکس دو ایرانی باگردن افراشته دیده می‌شوند که یکی از آنها در
 محاکم دادگستری ایران به‌علت سوء استفاده و اختلاس ، محکومیت پیدا کرده و
 برای مدت ده سال از حقوق اجتماعی محروم شده است .

پزشک داروسازی را نیز که رئیس یکی از مؤسسات داروئی کشور بوده و در
 لژ تهران عضویت دارد می‌شناسیم که از این فرد ناپاک یازده پرونده سوء استفاده
 موجود است که مشخصات آنها در بازرسی نخست وزیری و دیوان‌کیفر منعکس شده
 است .

در همین لژ مقاطعه‌کار دیگری عرض اندام می‌نمود که بیش از ۳۵ سال
 برای شرکت نفت سابق جاسوسی می‌کرد و در حوادث شهریور سال ۱۳۲۰ علمدار
 و پیشقراول قشون انگلیسی هنگام اشغال خوزستان بوده و خود او شخصاً در
 دستگیری ایرانیان وطنپرست و معرفی آنها به سازمان اینتلیجنس سرویس انگلستان،
 در خوزستان شرکت داشت و بعد از تشکیل کنسرسیوم نفت نیز ، او بزرگترین
 کارچاق‌کن و سوء استفاده‌چی بوده .

تا آنجا که مقدور بوده و توانسته‌ایم مشخصات ۷۲ نفر از کسانی را که دارای
 سوابق ننگین سیاسی و اجتماعی هستند ، تهیه کرده‌ایم که در جلد چهارم کتاب آنها

را معرفی خواهیم کرد. در این فصل به نقل چند سند می‌پردازیم و ضمن معرفی یکی دو نفر از مقامات مهم و اختلافاتی را که بین دسته‌های فراماسون و در درون «سیاه پرده» های لژها رویداده است فاش می‌کنیم :

نخستین برخورد و مبارزه‌ای که بین فراماسنهای ایرانی
کدامیک راست رویداده و طرفین یکدیگر را متهم به سوء استفاده از لژهای
می‌گویند فراماسونری در راه‌های غیر صحیح کرده‌اند ، پس از تعطیل
 لژ همایون بوده است .

دسته‌ای از فراماسونها که خود را از قید اطاعت و ریاست مرحوم محمد خلیل جواهری مؤسس لژ همایون آزاد کرده بودند ، هر وقت در هر محفل و در هر گزارشی صحبت از مشارالیه می‌شد، درباره وی آنچه را که نمی‌بایست می‌گفتند، ناجائیکه در گزارشی که لژروشنائی در ایران برای سرگرد «باتیسا»ی امریکائی تهیه کرده درباره او چنین می‌نویسند : «در میان این ۲۵۰ نفر بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ کشور بودند ، ولیکن جواهری مانند خدائی بر آنها حکومت می‌کرد و تا می‌توانست از آنها پول می‌گرفت .

البته هدف او امور خیریه فراماسونری نبود ، بلکه پولها را بنفع خودش ضبط می‌کرد. او عقیده داشت چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است»

مرحوم محمد خلیل جواهری مدتها درباره اتهاماتی که باو می‌زدند سکوت می‌کرد او بارها می‌گفت : «اگر من سوء استفاده چچی بودم ، لااقل صاحب يك خانه مسکونی و یا برنده يك مقاطعه بزرگ و یا حکم يك پرونده می‌شدم» پس از اینکه نسخه‌ای از گزارش لژروشنائی در ایران را برای لژ امریکائی و امریکائیان فراماسون بدست آوردیم باو مراجعه نموده و آنچه را که در بالا نقل شده برای ایشان خواندیم. محمدخلیل جواهری باز هم درباره خود سکوت کرده و تنها عکسی از گزارش ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۴-۲۵ تیر ۱۳۳۳ دکتر احمد هومن که خود را نخستین گراند متر «استاد اعظم» ایرانی می‌داند ، در اختیارم گذاشتند .

که مراجع کار را می بیند و نگردد که نام او در صورت نام آنرا به هیئت وزیران پیوسته می نماید
 این کار را کرده اند و حق مسلم که در این صورت در این صورت هم نرود و نه می باشد
 اساساً همانطور که می بیند و بنده مذاکره کرده اند خود و طائف آنست. اگر این کار شود
 می شود مبلغی از حق الوکاله آنرا بجز آن تخصیص داد. دیگر منتظر دستور آن استاد از هیئت
 نامتواری که در این مجلس مهم می باشد و در آنجا در این صورت در این صورت در این صورت
 نمی خواهد که راضی که در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت
 و از نوعی که تصدیق شده و از نوعی که تصدیق شده و از نوعی که تصدیق شده و از نوعی که تصدیق شده
 و در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت
 در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت در این صورت

در صفحه دوم و سوم این گزارش چنین نوشته شده است. «خواهشمندم به آقای
 عدل وزیر کشاورزی تلفن بفرمائید که مراجع بکار رعایای ونك که بنا بود تصویب نامه آنرا
 به هیئت وزیران ببرد مضایقه ننمائید. اینکار علاوه بر آنکه حق مسلم رعایاست
 اساساً همانطوریکه با جنابعالی و بنده مذاکره کرده اند جزء وظایف انسانیت است.
 اگر این کار بشود، می شود مبلغی از حق الوکاله آنرا برای لژ تخصیص داد. دیگر
 منتظر دستور آن استاد ارجمند هستم...» جریان پرونده ونك و حقوقی که عده ای
 متنفذ بنام «رعایای ونك» مطالبه می کنند به موجب مندرجات پرونده شماره ۹۰۳-۲۸
 در دیوان کشور بدین شرح است:

پرونده ۴۶ ساله

سی و شش سال است که دولت با عده ای از مالکان قریه اوین که در پشت سر
 آنها متنفذین و ثروتمندان بزرگ ایستاده اند در محاکم دادگستری طرح دعوی دارد. این
 محاکمه بر سر احراز مالکیت قسمت زیادی از اراضی اوین است که به ۸۱۵۷۶۰۰
 متر مربع بالغ می شود. مدعیان این اراضی ابتدا ۴۲ نفر از ساکنان قریه اوین
 بودند، ولی اکنون ۶۷۲ نفر از بازماندگان آنها در این پرونده سهم هستند. در

سال ۱۳۳۲ که برای چهارمین بار اراضی مذکور تقویم شد. ۷۶۵/۰۰۰/۰۰۰ میلیون تومان ارزش داشت ولی امروز ارزش واقعی آن ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیارد تومان است.

حق الوکاله و هزینه دادرسی

طرفین دعوا در مورد این اراضی، دولت و دو نفر از اهالی اوین و ۳۹ نفر از متنفذین و سرشناسان پایتخت هستند. در پرونده قطور این دعوی ۲۴ قاضی شرکت داشتند که در مدت ۳۶ سال گذشته بآن رسیدگی کرده‌اند و نام چندین وکیل مدافع مشهور در آن بچشم می‌خورد.

حق الوکاله هشت میلیون متر از اراضی مذکور بالغ بر ۲۵ میلیون تومان می‌شود که تاکنون همه با وعده و وعید بوده است. اگر مدعیان پرونده بخواهند هزینه تمبر پرونده را با محاسبه هفتصد میلیون تومان بهای ملک مورد دعوی بپردازند، می‌بایستی ۷/۱۱۰/۰۰۰ تومان پول تمبر ب صندوق دادگستری تأدیه کنند. چنانچه این عده محکوم شوند، مبلغی که می‌بایستی بابت هزینه دادرسی توسط آنها پرداخت شود معادل صدی شش می‌باشد که جمعاً بالغ بر ۴/۲۰۰/۰۰۰ تومان می‌گردد.

سابقه تاریخی

قریه اوین که در شمال غربی تهران واقعست قریب ۸/۱۵۷ میلیون متر مربع مساحت دارد که اراضی واقعه در داخل و اطراف قریه مزروعی و مشجر و از سنوات قبل در تصرف زارعین اوین بوده و آنها حتی قبل از شروع محاکمات مربوطه در دادگستری کم و بیش بدولت حق الارض و بهره می‌پرداخته‌اند.

در آن قسمت از این اراضی که در خارج از قریه و شامل اراضی بسیار مرغوب و قیمتی است تأسیسات دولتی و ملی ساخته شده و بقیه ابتدا در تصرف بنگاه خالصه، بعد در تصرف بانک ساختمانی بوده و بالاخره در اختیار وزارت آبادانی و مسکن قرار گرفته است.

جالب است که شش دانگ قریه اوین قبلاً موقوفه استان قدس رضوی بوده و بموجب وقف نامه عضدالملکی که از معتبرترین وقف نامه‌های ایران است جزو موقوفات حضرت رضا علیه السلام بشمار می‌رفته است.

در سال ۱۳۰۸ که ثبت شمیران آگهی ثبت اراضی اوین را منتشر کرد ابتدا خالصی زاده معروف آنرا ملك طلق خود دانست و ادعای ثبت آنرا نمود ولی چون نتوانست سند ثبتی یا وقفنامه‌ای برای احراز مالکیت آن ارائه دهد، پس از چندی از ادعای خود صرف نظر نمود.

نود روز پس از ادعای خالصی زاده مبنی بر مالکیت اوین، نقیب زاده مشایخ وکیل دادگستری بنمایندگی ۴۲ نفر از رعایا به ثبت استان قدس رضوی اعتراض می‌کند و در نامه اعتراضیه‌اش می‌نویسد که این اراضی متعلق به رعایای اوین است و استشهادی که شامل امضاها و گوناگون بوده است ارائه می‌دهد. موضوع در شورای عالی ثبت مطرح و قرار می‌شود اعتراض مزبور بدادگاه‌های عمومی احاله گردد. بدین طریق از روز ۲۸ اسفند ۱۳۰۸ که اعتراض نقیب زاده به نمایندگی ساکنان اوین در دادگستری مطرح می‌گردد، پرونده بجریان می‌افتد. تا در سال ۱۳۱۸ بنگاه خالصه تصمیم می‌گیرد اراضی مزبور را با ۳۵ میلیون متر زمین در سرخس معاوضه کند. پس از يك سلسله مکاتبات که بین نایب التولیه استان قدس رضوی و دولت صورت می‌گیرد، بالاخره تعویض اراضی عملی می‌گردد و بموجب سند رسمی بنام بنگاه خالصه بدولت انتقال داده می‌شود.

نقض حکم

در شکایت و اعتراضی که نقیب زاده مشایخ در سال ۱۳۰۸ به ثبت شمیران و سپس محاکم دادگستری داده مدعی شده است که بموجب حکم محکمه صلح مرکز صادره ۲۶ اسفند ۱۳۰۸ قریه اوین متعلق به ساکنان این قریه است. ولی وی در دادخواستی که برای اثبات این ادعا نوشت مرتکب اشتباه کوچکی شد و سواد حکم صادر از «محکمه صلح» و حتی وکالتنامه اهالی اوین را بنام خود ضمیمه نکرد. وکلای دولت، بنگاه خالصه و استان قدس رضوی از این نقطه ضعف پرونده استفاده کردند و لوایح مجددی به مراجع دادگستری دادند. در سال ۱۳۳۳ که این پرونده جالب به شعبه ۱۳ دادگاه شهرستان تهران احاله شد نقیب زاده مشایخ از وکالت رعایای اوین استعفا داد و در استعفا نامه‌اش ذکر کرد که برای رفع نقائص پرونده

باید بخود اهالی اوین رجوع شود. از این بیعدکه پرونده با جدیت ودقت جریان پیدا می کند عده ای از متنفذین و سرمایه داران پایتخت بنام اینکه قسمتهائی از اراضی بآنها منتقل شده است، با اعمال نفوذهای فراوان سعی کردند، رأی شعبه ۱۳ دادگاه را بنفع خود برگردانند ولی چنانکه گفته شده قاضی محکمه زیر بار نرفت و رائی را که خود صحیح می دانست صادر کرد و دیوان کشور نیز بعداً آنرا تأیید و ابلاغ نمود وزارت کشاورزی و بنگاه خالصه پس از صدور این حکم از نخست وزیر تقاضا کردند که دکتر کیانوری را مورد تقدیر قرار دهد و برای وی پاداشی در نظر گرفته شود لیکن پس از چندی که دولت تغییر کرد کیانوری بجای اخذ پاداش از خدمت برکنار گردید و شعبه ۱۳ دادگاه شهرستان منحل شد.

دومین مبارزه

دومین مبارزه ای که در بین فراماسونهای ایرانی بر سر احراز مقامات لژ و بخاطر احراز مقامات ماسونی، بین دودسته از اعضاء لژ تهران، ویداد، در سال ۱۹۶۲-م (۱۳۴۱ - ش) بود. درین سال بین مهندس عباس تاد (که سابقاً نام خانوادگی وی محمدی بوده) با مهندس حسین شقاقی و عده ای از فراماسونهای دیگر درباره دسته بندی هائی که بین فراماسونها می شود، و همچنین وجود عده ای از افراد نایاب که متهم به سوء استفاده هستند، رویداد. مهندس تاد که در خارج از ایران به عضویت لژ فراماسونری در آمده و مرد پاك و درست و شایسته ایست، عقیده داشت که عده ای نایاب را بایستی از لژ جدید التاسیس تهران طرد کرده و دسته بندیهای انتخابات کرسی استادی لژ را از بین برد.

کار اختلاف آنها تا مرکز لژ در «ادنبورگ» کشیده شد و طرفین موافقت کردند که دکتر خان فرخ و کریستو فر فری دو استاد فراماسون واسطه شده آنها را آشتی داده و اختلافات را حل کنند. ولی مهندس تاد حاضر به قبول نظرات هیچیک از برادران فراماسونش نشد و از فعالیت در لژهای ایران دست کشید. نامه زیر سند ارزنده و بسیار جالبی است که واقعیت درون لژهای فراماسونری ایران را فاش می سازد، و امیدواریم با نقل این نامه موفق شده باشیم گوشه ای از فعالیت درون لژها را آشکار کنیم:

يك سنداز : اختلافات واتهامات ونزاع داخلي در لژ تهران



The Grand Lodge of Scotland

OF ANCIENS FREE AND ACCEPTED MASONS

TELEPHONE NO.
CAL 6000 - 5304/5

GRAND SECRETARY
101 F. BUCHAN - 401.230. P.O.D

FREEMASONS' HALL
36 GEORGE STREET
EDINBURGH 2

17. TORRAN
MASONIC EDINBURGH

Fa/1/2

26th September, 1962.

Dr. Arfa de Farrokh,
c/o Leicester Court Hotel,
41 Queen's Gate Gardens,
South Kensington,
LONDON, S.W.7.

Dear Brother Dr. Farrokh,

I acknowledge with thanks your very kind letter of 22nd September.

Like yourself I am indeed very upset by the unhappiness which has recently been prevailing in Lodge Tehran. I had hoped that after the Office-bearers of the Lodge had their meeting with Brother Fairey they would all withdraw their resignations. From what I can gather the Office-bearers of the Lodge, with the exception of Brother Tod, withdrew their resignations but Brother Tod did not. It might quite well be that Brother Tod had very good reasons for this but if he did hand in his resignation and did not offer to withdraw it, it seems to me that the Lodge had no choice but to accept it. I am naturally very sorry about this and I did explain to Brother Fairey that despite the resignation of the Master, the Brethren of the Lodge could not elect a new Master until the next regular day of election. It might quite well be that Brother Tod has the view that by his resignation he is doing what is best for the Lodge and quite frankly it would be unwise for me to interfere as I am quite sure that Brother Tod and Brother Fairey must have gone into this matter very carefully.

You will be interested to know that at the meeting of Grand Committee held here last Thursday the sum of £500 was granted to the Persian Earthquake Relief Fund. About a month ago I had a delightful visit from Brother Marandi who was in Edinburgh for a few weeks.

نامه دبیرکل گراند لژ اسکاتلند به دکتر خان فرخ

۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ - شماره ف الف ۲/۱

دکتر ارفع فرخ

برادر عزیز دکتر فرخ

وصول نامه مورخ ۲۶ سپتامبر شما را با عرض تشکر اطلاع می‌دهد. منم مثل جنابعالی از مصیبتی که بر کرسی تهران وارد آمده است، ناراحت شده‌ام. امیدوار بودم که متصدیان کرسی تهران بدنبال ملاقات با برادر فری استعفا نامه‌های خود را پس بگیرند. آنچه درک می‌کنم این است که متصدیان کرسی پس از ملاقات با فری استعفا نامه‌های خود را پس گرفتند ولی برادر تاد پس نگرفت. بعید نیست که برادر تاد دلایل قانع کننده‌ای در این باره داشته باشد و کرسی نیز چاره‌ای جز قبول آن نداشته است. بدیهی است که از این امر متأسف هستم و به برادر تاد توضیح دادم که با وجود استعفاء رئیس لژ سایر برادران کرسی نمی‌توانند تا روز فرارسیدن روز مخصوص انتخابات رئیس جدید را تعیین کنند. ممکنست برادر تاد تصور کرده که با عمل خود کاری به نفع کرسی انجام داده است. وبدون پرده پوشی باید بگویم که دخالت بنده در این امر عاقلانه نخواهد بود. زیرا کاملاً مطمئن هستم که برادر تاد و برادر فری با دقت هر چه تمامتر به این موضوع رسیدگی کرده‌اند. مسلماً خوشحال می‌شوند اگر اطلاع حاصل کنند، در جلسه کمیته بزرگ که روز پنجشنبه گذشته در اینجا تشکیل شده مبلغ پانصد لیره برای کمک به زلزله زدگان ایران تصویب گردیده. یکماه قبل جلسه لذت بخشی با برادر مرندی که جز هفته‌ای در ادینبورگ توقف نموده، بوده داشتم. امیدوارم حالتان خوب باشد و از مسافرت خود به این کشور مستفیض شده باشید. با احترامات فائقه دوستدار و فادار دبیر کل

همین دکتر خان فرخ ارفع السلطنه که به سبب وصلت

شريك دزد و باخانواده علی اصغر حکمت وهم چنین فارسی بودن به ما

رفیق قافله نظر لطف و محبت داشت در روزهای واپسین عمرش روزی با

عجله مرا بر بستر بیماری خود احضار کرد.

وقتی در کنارش نشستم بی اختیار گریست. او که قطب و پیر طریقت بیش از چهارصد فراماسون ایرانی، انگلیسی، امریکائی و سایر ملیتها در تهران بود و هر روز جمعه ده‌ها برادر فراماسون بدیدنش می‌رفتند و روی او را می‌بوسیدند و مطابق سنین ماسونی مصافحه ماسونی می‌کردند، آن روز خود را بی‌کس، تنها و درمانده می‌دانست. و می‌گفت ای تف به برادران بی‌حقیقتم. من که با او بحث و جدال بر سر فراماسونهای ایرانی داشتم در آن روز لبخندی به صورت اشک آلوده اوزده، در جوابش گفتم خوشحالم که جدال و بحث چند ساله‌ام امروز به ثمر رسیده و شمارا مثل خودم بدبین و متنفر می‌بینم. او تقاضا کرد سکوت کنم و لب فرو بندم.

سپس رونوشتی از وکالتنامه‌ای که می‌خواستند از او بگیرند بدستم داد و از من خواست که با فریدون منو وکیل دادگستری که سر تپ بهرامی او را معرفی کرده و وکالت ایشان را پذیرفته بود تماس بگیرم. در آن روز مرحوم دکتر فرخ به من گفت که دو نفر از برادران فراماسون او با گرفتن وکالتنامه و حق الوکاله هنگام با طرف دعوایش که مالک سابق خانهاش بوده همدست شده و او را در چند مرحله در محاکم دادگستری محکوم کرده‌اند. دکتر فرخ از آن روز به بعد به همه می‌گفت که دکتر ج. ج. - وکیل دادگستری که از استادان فراماسونی است، از نادرست‌ترین مردان جهان است. او هم از توبره می‌خورد هم از آخور. این داستان تأسف آور را که یقیناً یکی از علل مرگ استاد اعظم فراماسونری ایران که ۶۵ سال در لژهای امریکائی و انگلیسی و ایرانی عضو بوده، از آن جهت نقل کردیم تا اگر عده‌ای فریب کلمه (برادری) و کمک و معاضدت برادران فراماسون با یکدیگر را می‌خورند چشمشان باز شده و به امید داشتن برادران و یاران فداکار و از خود گذشته، خود را به دام لژ نشینان نیاندازند^۱

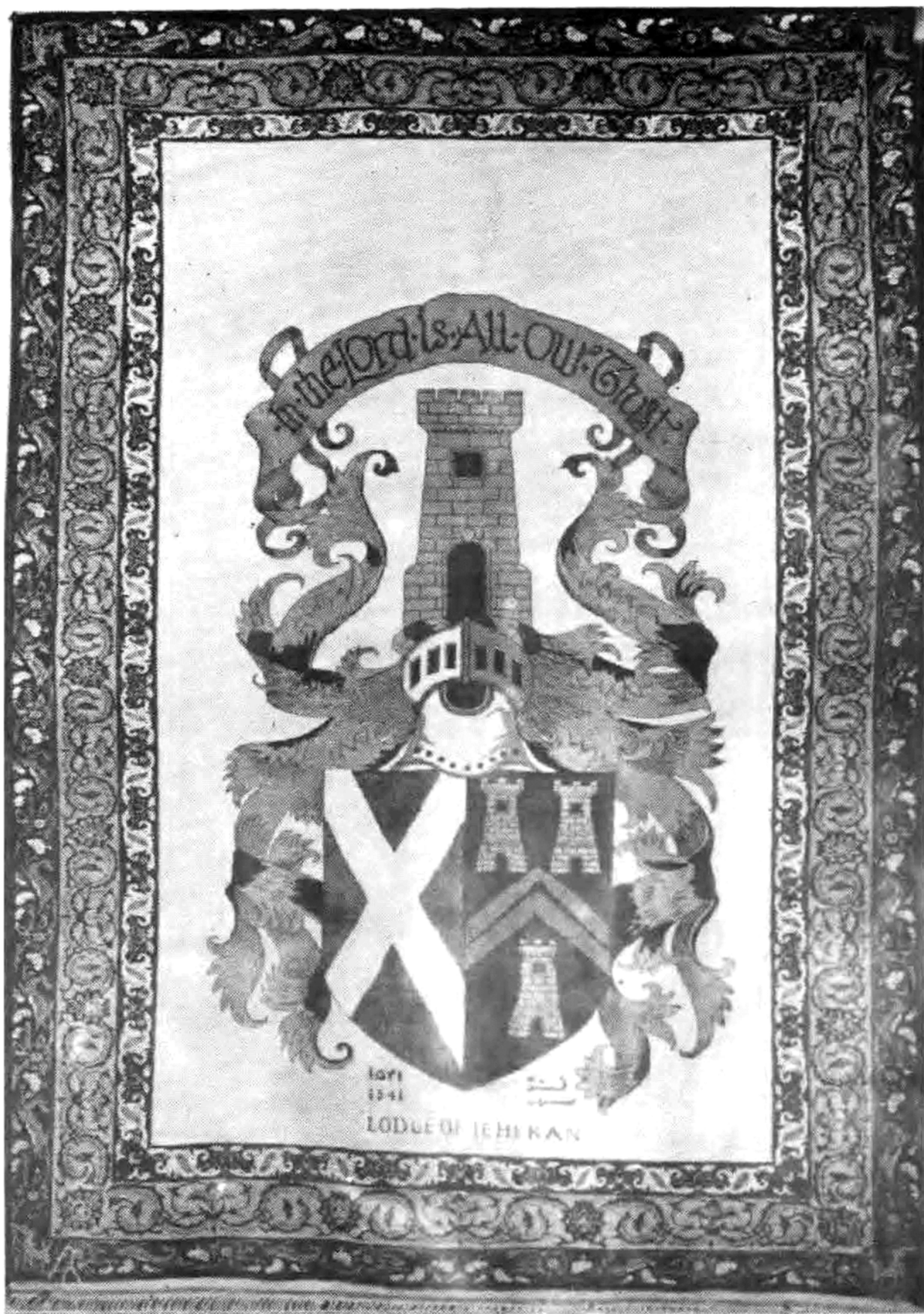
(۱) مرحوم دکتر فرخ سالها در خیابان لاله کوی کاخ سکونت داشت و خانه او مدتها

مرکز لژ فراماسونری و اجتماع فراماسونها بوده.

در بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ شمسی (۱۹۵۶-۱۹۶۱ م) لژ
دو قالی باعلائم روشنائی در ایران که شعبه‌ای از گراند لژ اسکاتلند است و همچنین
لژهای تهران (لژ تهران) که مؤسسين آن « تنصیب شده » از گراند لژ
 عراق (فیحا) است ، دو قالی با آرمهای مختلف که کار یکی
 از معروفترین قالیبافان اصفهان است ، سفارش دادند .

قالیباف مذکور که در ساختن قالی‌های نفیس تازه و ابتکاری در جهان بی
 رغیب است ، در مدت چهار سال موفق شد قالیچه‌های سفارش شده را تهیه کند .
 مدتها بود که درباره این دو قالیچه نفیس لژهای فراماسونی فعلی تهران داستانهائی
 شنیده بودیم ، ولی چون می‌دانستیم این قالیچه‌ها به موزه گراند لژ اسکاتلند در
 شهر « ادنبورگ » انگلستان داده شده و دیگری نیز در لژ تهران و در داخل محفل
 ماسونی لژ در باشگاه رازی آویزان است ، لذا هیچ امیدی بدیدن قالیچه‌ها و
 اطلاع از نقش آنها نداشتیم . اتفاقاً در یکی از روزهای گرم تابستان سال ۱۳۳۹
 ش - (۱۹۶۰ م) که از چهارراه منبرالدوله (میدان ۲۸ مرداد فعلی) می‌گذشتیم ،
 در مغازه عتیقه فروشی باقری چشمم به قالیچه‌ای افتاد که با علامات فراماسونی
 لژ اسکاتلند منقوش بود ، و در زیر نقوش این قالیچه با حروف لاتین و سه کلمه
 Lodge of Teheran و به فارسی نیز لژ تهران نوشته شده بود . از باقری در باره
 این قالیچه و قیمت آن جو یا شدم . او گفت که قیمت آن یکصد هزار ریال و بافت
 هنرمند معروف اصفهانی است . ماکه هیچگاه در تمام مدت عمر چنین مبلغی نداشته‌ایم ،
 درباره قیمت قالیچه صحبتی نکردیم ، فقط از او خواهش کردم که اجازه عکسبرداری
 از آن را بماندهد . صاحب مغازه با تهیه عکسی از آن موافقت کرد . ولی روز بعد که
 بد مغازه عتیقه فروشی مذکور رفتم ، متأسفانه قالیچه را ندیدم و صاحب مغازه
 گفت آنرا بیکی از علاقمندان به آثار عتیقه فروخته است .

ششماه بعد در نوروز سال ۱۴۴۰-ش (۱۹۶۱-م) یکی از دوستانم ضمن دیداری



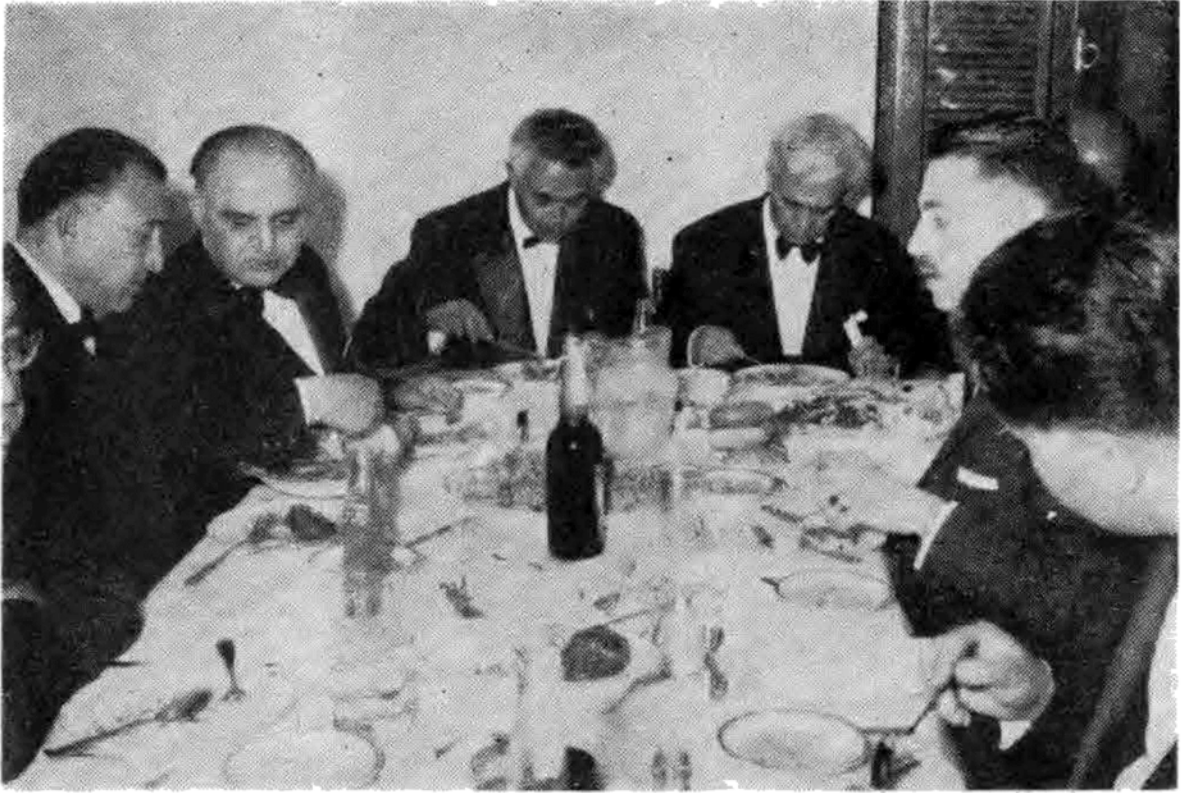
نقش قالی اهدالی لژ تهران به عوزه گراند لژ اسکاتلند - این قالی دراصفهان بافته شده

که از ما کرد گفت بهترین عیدی که می‌توانم بتو بدهم این است که تو را از محل يك قالیچه فراماسونی آگاه کنم . و سپس مالك قالیچه را که اسماعیل اصائلو مدیرالدوله^۱ بود ، بمن معرفی کرد .

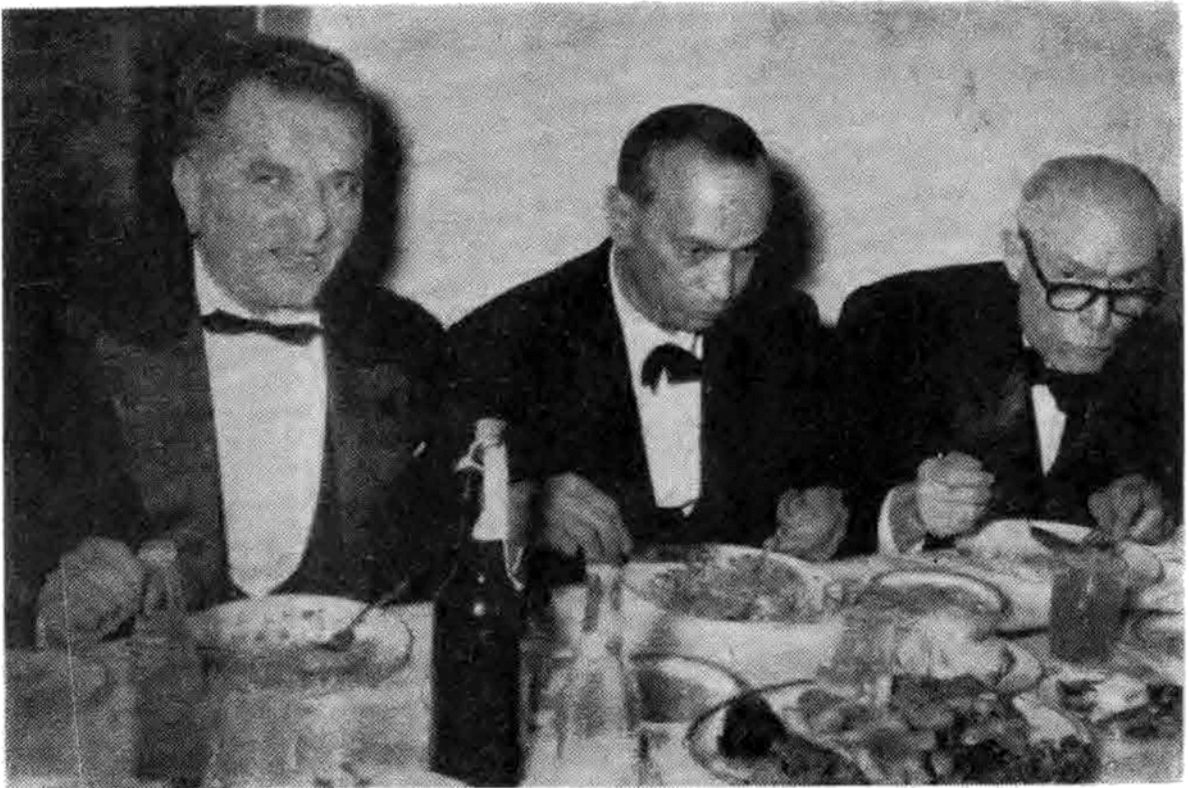
روزی که بد ملاقات اصائلو رفتم اتفاقاً دکتر عبدالله معظمی استاد دانشگاه و نماینده سابق مجلس شورایی نیز حضور داشتند. پس از اینکه علت ملاقات را شرح دادم، ایشان بدون مضایقه قالی نفیس را به من نشان داده و حتی اجازه عکسبرداری و چاپ آنرا در کتاب دادند .

قالی مزبور يك متر و ۴ سانتیمتر طول و يك متر عرض دارد . زمینه آن کرم رنگ است و سه حاشیه برنگهای قرمز، کرم و آبی دارد و نوع جنس آن كرك و ابریشم است. در نقوش قالی که علامت لژ اسکا تلند است، رنگهای آبی، سفید ، بژ، سبز خاکستری ، کرم و قرمز بکار برده شده است . آقای اصائلو توضیح دادند ، که هنرمند اصفهانی پس از بافتن قالی سفارشی لژ تهران چون نمی‌دانسته که نمی‌بایستی از نقش و نگار و طرحی که برای بافت آن تهیه کرده کپیدای تهیه کند ، به همین جهت دومین قالی را که اینک در اختیار من می‌باشد ، بافته و برای فروش به تهران آورده است. من این قالی را بقیمت مناسبی خریداری کرده‌ام . گرچه خودم فراماسون نیستم ولی چون هنرمند ایرانی در ساختن طرح مزبور اعجاز نموده از آن جهت قالیچه را خیلی عزیز می‌دارم و از آن نگهداری می‌کنم . بعدها شنیدیم که لژ تهران برای خرید قالیچه مزبور تلاش کرده ولی موفق نشده است .

۱ - اسماعیل اصائلو از خاندان ایل اصائلو خمه است که سالهای قبل اجدادش به تهران آمده و در پایتخت سکونت دارند . وی سالها در خدمت وزارت کشور بوده . استاندار غرب - کردستان و مدیر کل وزارت کشور و يك دوره (دوره پنجم) نیز نماینده مجلس شورایی بوده است. اکنون ایشان بازنشته‌اند و دارای سه فرزند بنامهای مهندس داریوش ، مهندس منوچهر و دکتر جراح پلاستیک اصائلو می‌باشد. زبان فرانسه می‌دانند و آثاری ترجمه کرده‌اند ، و باشیاء عتیقه علاقه و دلبستگی فراوانی دارند.



از چپ به راست، مرشدزاده، دکتر متمدی، دکتر محمود هومن، مهندس شقاقی، صالح چنایات، دکتر رسا

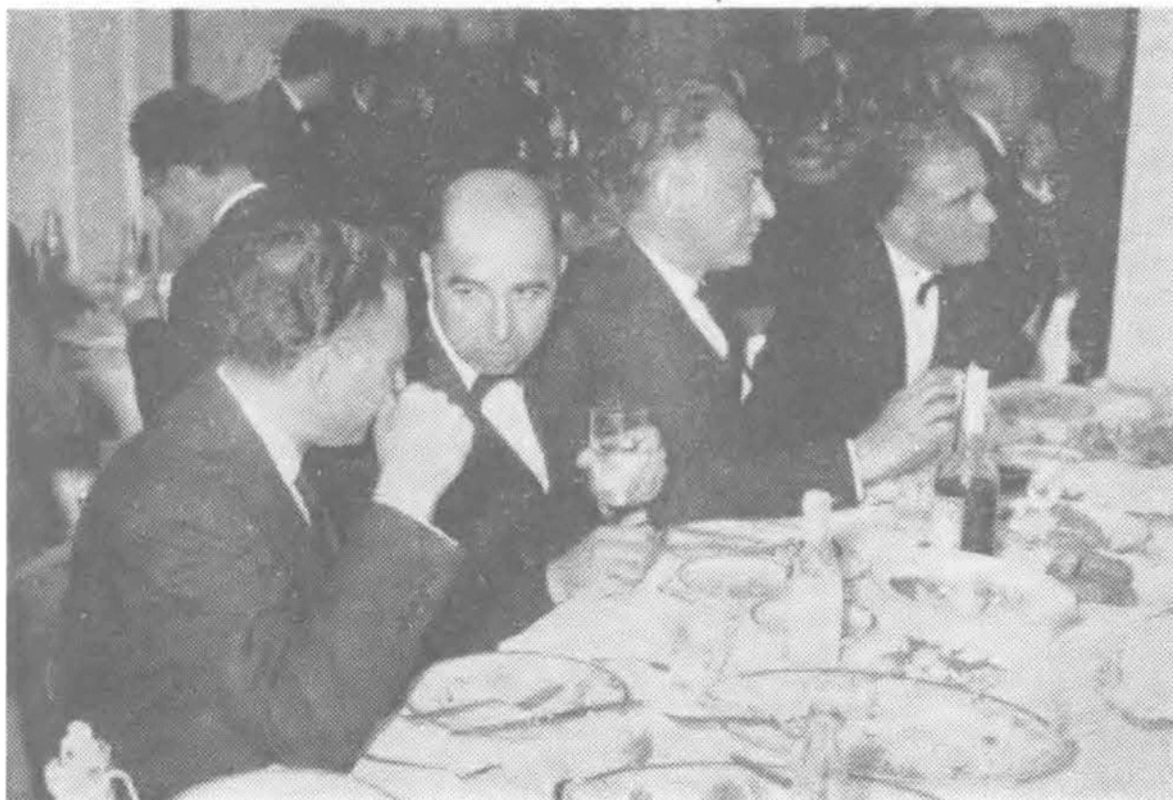


از راست به چپ، دکتر خشیار، دکتر کمان، اسحق فری

در ضیافت سفید کلوپ تهران
 و در زیر پرچم فراماسونری
 او انف خانم دیلانپان -
 زوریک دیلانپان عضو
 سفارت انگلیس



در ضیافت سفید لژ تهران ،
 از راست به چپ : دکتر ضیائی ، هرمز پرنیا ، دکتر رحمتیان ، دکتر پیرنیا



سه استاد فراماسونری در حال نوشیدن شراب سلامتی رؤساء لژهای انگلیسی و اسکاتلندی



در این تصویر از چپ به راست : دکتر محمود دهمن ، مهندس حسین شقاقی ، فتح الله فرود ، دکتر خشیار ، دکتر کیان ، کریستوفر اسحق فری ، صالح چنایات دیده می شوند

در داخل محفل لژ روشنائی
در ایران. از چپ به راست:
دکتر مرشدزاده ، دکتر
کیان ، فرمند ، عرب
شیبانی ، نجات، قراگوزلو
عبدالرسول .





در این تصویر از راست به چپ : موحد ، کوچکملی ، فراگوزلو ، جلالی ، رشیدی حائری ، الیاس
دبی ، خان فرخ ، فری ، ایتین برسر میز شام برادرانه دیده می‌شوند

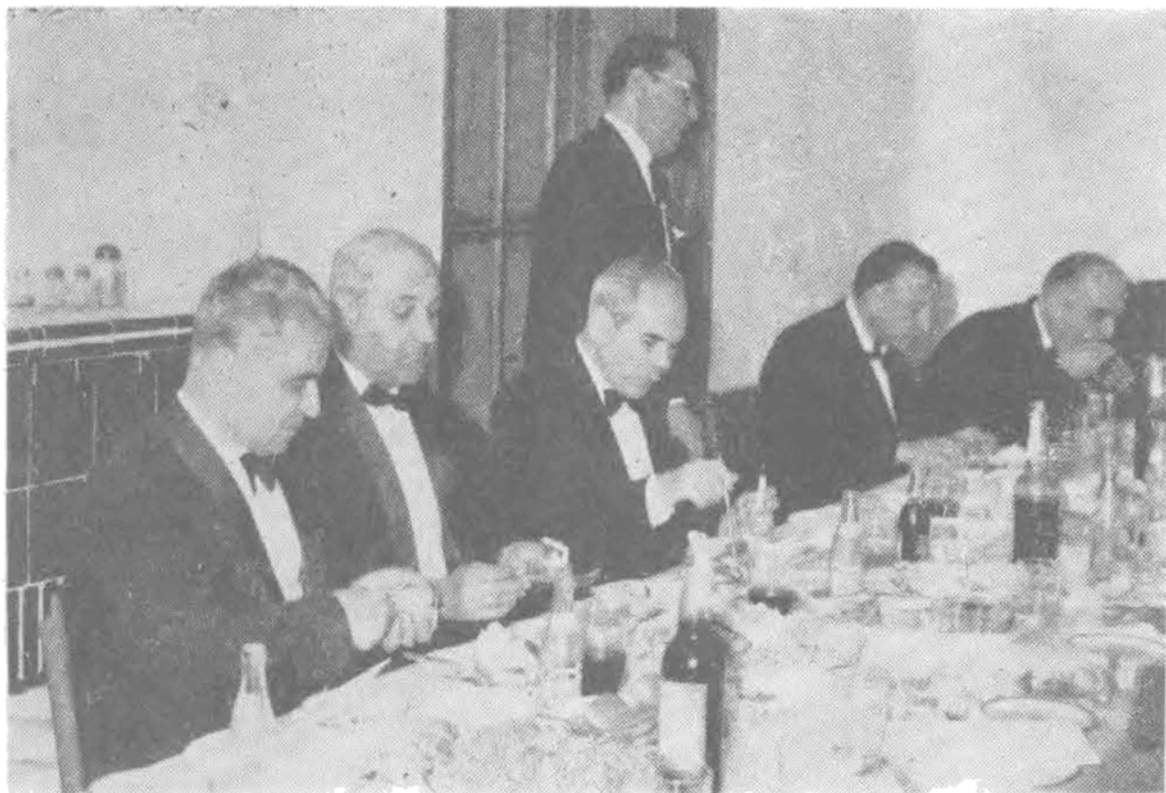


در ضیافت سفید کلوب
تهران از چپ به راست :
فرمند ، جمفر جهان ،
دکتر مرتضی رسا ، فرهنگ
و بانوانشان .

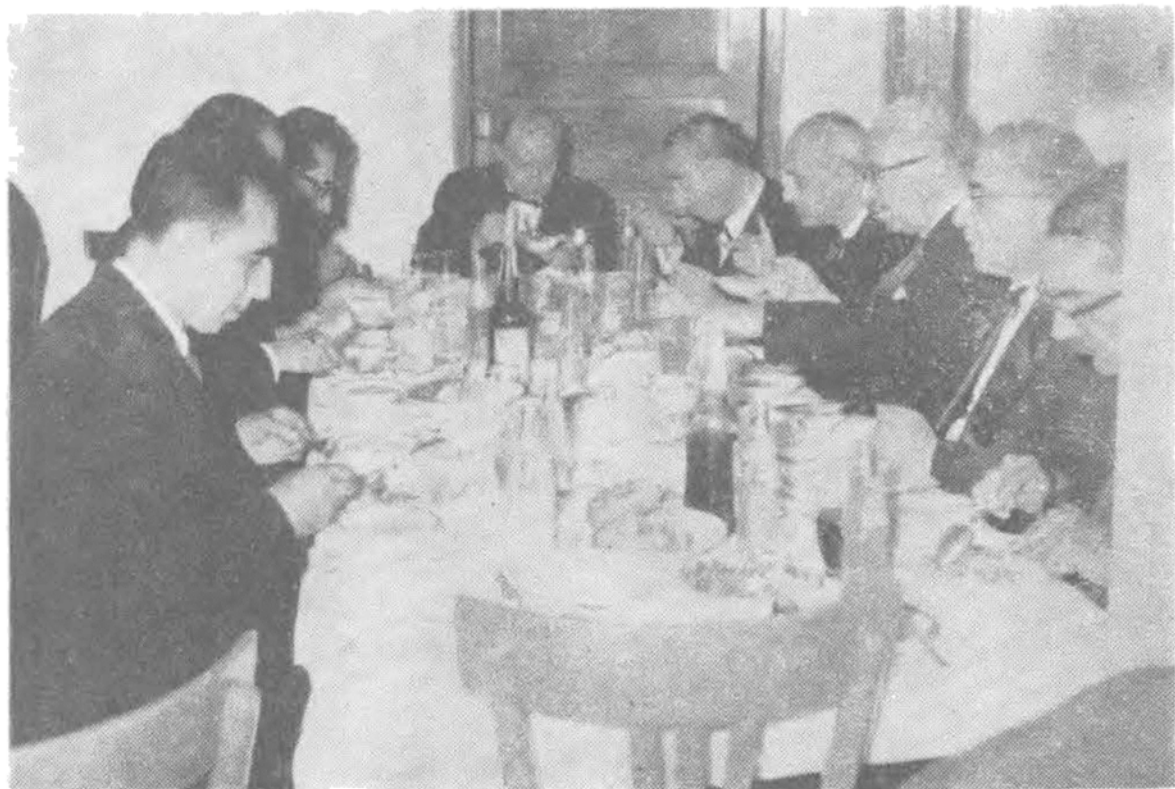


ضیافت سفید و شام برادرانه
در «تهران کلوب» در زیر
آرم فراماسونری ،
از راست به چپ ،
فرمند - دکتر خان فرخ -
رزی و لیلی مازندی -
یوسف مازندی

غلامحسین صارمی استاد لژهای فراماسونری فرانسه در حال نطق



از چپ به راست، مهندس جعفر فزونی، ملکی یزدی، دکتر پرتو، غلامحسین صارمی، دکتر مرشدزاده مهندس معتمدی
در ضیافت سفید دومین محفل لژ تهران در کوچه ثنائی



از راست به چپ، فردوم دکتر حسابی، سرهنگ فضل الله مقدم، افخمی، رضا جعفری، حسنعلی حکمت

تا پایان سال ۱۳۳۹-ش (۱۹۶۰-م) جلسات لژهای تهران و **باشگاه رازی** کورش در محل لژ (لایت) واقع در کلیسای انجیلی تهران در خیابان قوام السلطنه تشکیل می‌شد. در این سال محمد جواد مستوفی زاده مقاطعه کار نفت و کنسرسیونم که سرمایه هنگفتش را از راه انجام مقاطعه- کاری و خدمت به شرکت نفت ایران و انگلیس بدست آورده، محلی در خیابان شاهرضا - کوچه نیائی - پلاک شماره ۲۱- برای شعبات لژ «روشنائی در ایران» خریداری کرد که سپس بمحل جدید منتقل شد.

محمد جواد مستوفی زاده همواره به برادران ماسون خود می‌گفته «من بودم که شما را از آن محل کثیف نجات دادم» محل جدید که بنام باشگاه رازی نامیده می‌شود، خانه بزرگی است که طبقه فوقانی آن را با علائم و اشکال ماسونی تزئین کرده‌اند. و اکنون در این محل لژهای تهران، کورش، خیام، نور، ژاندارک، واریا با تمام تشریفات تشکیل می‌شود. هنگام تشکیل جلسات لژها، هیچیک از افراد غیر ماسون حق رفتن به طبقه فوقانی را ندارند. باشگاه رازی سومین (۱) سازمان نیمه مخفی لژ های ماسونی انگلیسی و فرانسوی است که در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱م) تقاضای تشکیل و ثبت آن از وزارت کشور، ثبت اسناد و شهربانی شده و موافقت این سازمان های دولتی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ (اپریل ۱۹۶۲-م) اعلام شده است.

فراماسونهای عضو لژهای انگلیسی برای اینکه محل تشکیل لژهای خود را از نظر مردم و سازمانهای دولتی مخفی کنند، با استفاده از مقررات تأسیس باشگاهها و مجامع متشابه مصوب سال ۱۳۰۴ هیئت دولت، تقاضای ثبت مؤسسه مذکور را نموده‌اند. تقاضای تأسیس لژ از شهربانی بوسیله دکتر علی شین پرتو عضو سابق وزارت خارجه و رئیس فعلی کتابخانه دانشکده پزشکی تسلیم شده است.

اودر تقاضا نامه اش نام: محمد جواد مستوفی زاده- دکتر رحمت مرشدزاده-

(۱) جلسات لژهای فرانسوی در خیابان ابن سینا کاشی ۴۱۰ و لژ لایت در کلیسای انجیلی

تشکیل می‌شود.

سرهنك فضل‌اله مقدم (۱) و حسين رامتين رابنعنوان عضو هيئت‌مدیره ذكر كرده و دكتور نوال رياستين و دكتور جعفر جهان رابنام بازرسين باشگاه معرفى نموده است. بموجب ماده هشتم، مقررات سال ۱۳۰۴-ش (۱۹۲۵-م) كه در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰-م) تكميل و تائيد شده است «اعمال، مقاصد و مذاكرات سياسى و ايراد خطابه و متينك‌ها و نطق‌هائيكه جنبه سياسى داشته باشد در كلوپها، قرائتخانه و مجامع ممنوع است» و حال آنكه باشگاه رازى براى تشكيل جلسات مجمع سياسى فراماسونى بوجود آمده و در همه جلسات نطق و گفتگو و مذاكرات سياسى مى‌شود.

مقررات خاص و استثنائى باشگاه رازى نمودارى از طرز تفكر و چگونگى پنهان كردن مقاصد اصلى كارگردانان فراماسونى از نظر مردم و اجتماع است: در ماده دوم اساسنامه باشگاه رازى نوشته شده:

«... منظور از تشكيل باشگاه رازى عبارتست از: ايجاد روابط دوستى بين اعضاى باشگاه بمنظور تعاون و معاضدت و راهنمايى يكديگر و همفكرى و تشرىك- مساعى آنها در امور خيريه و خدمات نوعى و علمى و فرهنگى و نيكوكارى نسبت بمردم ايران»

فراماسونها براى اينكه هيچيك از غير ماسون‌ها رابه باشگاه راه ندهند. تبصره‌اى در ماده ۱۵ اساسنامه گنجانيده‌اند كه ارتباط اعضاى باشگاه را با مردم قطع مى‌كند: «اشخاصى كه دوستى آنها با اكثريت ميسر نبوده و يا داراى اخلاق و ايمان و تربيت و سواد و معلومات كافى نباشد، نمى‌توان بعضويت پذيرفت.»

فراماسون‌هاى انگليسى براى اينكه سرپوشى بروى اعمال خود در درون لژها بكنند و درهاى باشگاه را بروى يگانگان (ماسون‌ها به كسانيكه فراماسون نيستند بيگانه مى‌گويند) ببندند در اساسنامه ۲۸ ماده‌اى باشگاه رازى مقررات

(۱) در شهر بايى دوسرهنك فضل‌اله مقدم خدمت مى‌كرده‌اند كه اكنون باز نشسته شده‌اند سرهنك مقدم - فوق‌الذكر آخرين سمتش مأمور انتظام شهردارى تهران بود. و سرهنك - فضل‌اله مقدم ديگر قبل از باز نشسته شدن رئيس كارگزينى شهر بايى.

خاصی برای عضویت ورود به باشگاه در بسته و حتی حضور در اتاقهای باشگاه قائل شده‌اند. هیچکس حق ندارد، حتی به بار، رستوران و سالن باشگاه «بدون اجازه» و یا عضویت در لژ فراماسونی وارد شود. مقرراتی که اعضای هیئت مدیره باشگاه ظاهراً و کارگردانان لژ باطناً در اساسنامه وضع کرده‌اند عبارتند از:

ماده سوم: باشگاه رازی دارای شخصیت حقوقی و تابع قانون شخصیت‌های حقوقی غیر بازرگانی می‌باشد و مسئول تعهدات مالی باشگاه فقط دارائی باشگاه است.

ماده ششم: علاوه بر اعضای رسمی باشگاه، فقط کسانی حق ورود به عمارت و محوطه باشگاه را دارند که در انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی و علمی و فرهنگی (که برقراری محل تشکیلات آنها در این باشگاه به تصویب هیئت مدیره برسد) عضو باشند و کارت عضویت آنها طبق مصوبات این هیئت صادر شده و ملغی نشده باشد معذک آنکه اعضای این انجمنها و سازمانها جز در ایام و ساعات و در اطاق و یا اطاقهایی که از طرف مدیر عامل باشگاه برای آنها تخصیص داده شده، نمی‌توانند در باشگاه رازی حضور یابند، و جز موقعی که مدیر عامل مزبور صلاح بداند نباید حضور داشته باشند.

ماده شانزدهم: قسمت چهارم: قبول یا رد تقاضای مربوط به برقراری محل تشکیل جلسات انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی یا علمی یا فرهنگی در باشگاه و تعیین مقررات مربوطه به این کار و همچنین تصویب مقررات مربوطه به جشنها و میهمانیها.

ماده بیست و هشتم: قبول مهمان با برقراری جشنها و مجالس که اشخاص غیر عضو باشگاه بتوانند در آن شرکت نمایند خواه در عمارت یا محوطه یا در رستوران و بوفه باشگاه باشد تابع مقررات موضوعه از طرف هیئت مدیره بوده و در غیر اینصورت ممکن نیست.

ماده بیست و هفتم: هر نوع فعالیت سیاسی از قبیل متینگ - ایجاد دفتر

روزنامه یا حزب در باشگاه ممنوع است .

فراماسون‌ها برای اینکه اداره و درآمد باشگاه رازی را که جنبه غیر بازرگانی دارد موجه و قانونی جلوه دهند ، محل درآمد مؤسسه مذکور را به موجب بند ۲ ماده ۲۱ از : «کمک‌های نقدی اشخاص - امور خیریه - انجام خدمات ملی و نوعی - علمی و ادبی یا فرهنگی انجمنها و مؤسسات مربوط به این امور دانسته‌اند .»

. نکته جالب و قابل تعمق و تأمل در تدوین اساسنامه باشگاه رازی این است که کلیه مواد مندرجه در آن ، عیناً و تنها با تغییر کلمه (حافظ) به (رازی) از اساسنامه باشگاه حافظ لژ همایون که محمد خلیل جواهری آنرا تأسیس و محل تشکیل اجتماعات اعضای لژ مذکور قرار داده بود ، اقتباس شده است . در حالیکه فراماسون‌های کنونی ایران همه افعال و کردار جواهری را ناصواب دانسته و هر وقت از او و سازمانهای لژ همایون یاد می‌کنند ، ابرو هارا در هم کشیده و حتی از گفتن ناسزا به برادر فراماسونشان دریغ نمی‌کنند . بطوریکه در فصل بیست و پنجم همین کتاب گذشت ، محمد خلیل جواهری برای سرپوش گذاشتن روی اجتماعات و فعالیت‌های لژ همایون در دوران زمامداری نخست‌وزیر آن زمان و اعمالی که ماسونها برای سقوط حکومت وی می‌کردند ، باشگاه حافظرا تشکیل داده بود . و در همین محل بود که طرفداران وی و فراماسونهای لژ همایون ، جلسات خود را تشکیل می‌دادند و با اصطلاح ماسونها لژ کار می‌کرد .

فراماسونهای لژهای انگلیسی برای اینکه محل استیجاری **تجدید انتخابات** را خریداری کنند و آنرا به صورت محفل و معبد فراماسونری در آورند ، تصمیم گرفتند از اعضای خود مبلغ يك ميليون تومان جمع آوری کنند . بدین منظور اعضای هیئت مدیره انتخاب شده توسط هیئت مؤسس مستعفی شدند و روز ۲۸ اسفند ۱۳۴۴ - هیئت مدیره جدیدی بدین شرح انتخاب شدند :

۱- مهندس حسین شقاقی - رئیس هیئت مدیره

۲- محمد مجلسی - دبیر انجمن

۳- مصطفی عامری - خزانه‌دار

۴- فتح‌الله فرود - عضو هیئت مدیره

۵- مهندس جمال گنجی - عضو هیئت مدیره

نخستین تصمیم هیئت مدیره جدید تصویب ماده‌ای برای جمع آوری پول والحاق آن به اساسنامه انجمن زکریای رازی بدین شرح بوده:

«هیئت مدیره تصمیم گرفت به شورای انجمن پیشنهاد نماید، اشخاص صلاحیتداری که با تصویب رئیس هیئت مدیره برای پرداخت بهای ساختمان محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر یا اهداء مبلغی شرکت کنند، عضو انجمن رازی شناخته می‌شوند.»^۱

وقتی کار الحاق ماده فوق‌الذکر به اساسنامه انجمن فراماسونری مذکور پایان یافت، مهندس حسین شقاقی استاد اعظم لژهای انگلیسی بخشنامه زیر را برای همه فراماسونهای انگلیسی فرستاد و از آنها خواست تا هر يك از آنها دوهزار تومان برای ساختمان محفل فراماسونری پرداخت نمایند.

اینك عین بخشنامه مذکور نقل می‌شود:

آقای محترم و برادر عزیز

بر آن برادر عزیز پوشیده نیست که محل سابق انجمن رازی واقع در خیابان شاهرضاکوی نیائی با مال‌الاجاره نسبتاً زیادی که پرداخت می‌شد استعداد کافی و سالون مناسب برای پذیرائی برادران مخصوصاً در اوقاتی که جلسات رسمی و عمومی در آنجا تشکیل می‌شد نداشت و اینمعنی بارها مورد تذکر واقع می‌گردید، توسعه

۱- روزنامه اطلاعات روز ۴ شهریور ۱۳۴۴ و روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی روز ۱۴ مهر ۱۳۴۴ آگهی اداره ثبت شرکت‌ها را که حاوی ماده جدید الحاقیه اساسنامه و انتخابات دومین هیئت مدیره انجمن زکریای رازی بود چاپ و منتشر کردند.

و پیشرفت امور انجمن و ازدیاد تعداد اعضا بویژه در دو سال اخیر این نگرانی را بوجود آورده که دیگر تجمع این عده از برادران در چنین محل کوچک و نامتناسب امکان پذیر نیست بطوریکه عده‌ای از برادران بسیار عزیزماکه از دیر باز متوجه این تقیصه شده بودند در صدد برآمدند محل دیگری که متناسب با تعداد اعضا و انجام کارها باشد تهیه نمایند. جستجوی مکان وسیعتر و آبرومند مصادف با معامله یکی از برادران نسبت به محل فعلی انجمن گردید که امکان تحقق بخشیدن باین آرزوی دیرینه را فراهم می‌ساخت و لذا بازحمات زیاد و صرف مبلغ معتناهی بالاخره محل فعلی که از هر جهت آبرومند و شایسته می‌باشد تهیه گردید که متأسفانه تاکنون بملکیت انجمن در نیامده است.

برای اینکه طبق مقررات قانون بتوان اموال غیر منقول تهیه نمود لازم بود قبلاً انجمن رازی دارای شخصیت حقوقی شود و باین منظور با سعی بلیغ عده‌ای از برادران اساسنامه انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی که هدف آن پیش برادران معلوم و روشن می‌باشد و فاقد جنبه انتفاعی است تنظیم گردید و انجمن مزبور در تاریخ ۳۰/۵/۴۴ تحت شماره ۷۰۹ به ثبت رسید و دارای شخصیت حقوقی شد و باین ترتیب امکان تحصیل اموال غیر منقول برای انجمن فراهم گردید.

از یکسال قبل تاکنون جلسات متعددی تشکیل تا بر نامه‌ای برای تهیه مبلغ لازم جهت خرید این محل تنظیم گردد و تاکنون در حدود - / ۸۰۰۰۰۰۰ ریال تهیه و بابت تغییرات ساختمان بمالك طبق مدارك و دفاتر موجود پرداخت گردیده. با مطالعاتی که در ظرف مدت مزبور بعمل آمد معلوم شد برای پرداخت بهای محل و تهیه اثاثیه و مخارج لازم و هزینه‌های بانکی در حال حاضر در حدود - / ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال لازم است که جزاز طریق توسل به هم‌عالیه برادران عزیز میسر نیست.

در جلسه روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۴۵ که با حضور ۲۰ نفر از اعضاء مؤسس و غیر مؤسس انجمن تشکیل گردیده بود با مطالعه دقیق و بادر نظر گرفتن تعداد اعضاء و امکانات مالی آنها اینطور بنظر رسید که اگر حداقل هر يك از برادران ۲۰ هزار

ریال نقداً یا با قسط ماهیانه (باسفته) پرداخت و تعهد نمایند با جوهی که باهمتهای عالی برادران دیگر که دارای قدرت مالی بیشتر می باشند جمع آوری یا تعهد شود خواهند توانست انجمن و مالک محل را از مضیقه مالی رهایی بخشند و مرکزی را که از روی نقشه صحیح و هم آهنگ با منویات انجمن ساخته و پرداخته شده است نگاهداری نمایند، ضمناً باستحضار برادران عزیز می رساند که انجمن باتیبه این محل مرکزی هم برای دیدار دسته جمعی برادران و دید و بازدید اعیاد فراهم ساخته و در نظر دارد وسائل پذیرائی ناهار و شام و بوفه آبرومند تهیه نماید که اقبال برادران ماهی چندبار بتوانند ناهار یا شام دوستانه و برادرانه در آنجا صرف نمایند.

برای انجام مقاصد فوق دست توسل به عنایت برادران عزیز دراز کرده و بوسیله برادران علاقمند که از راه محبت و اشتیاق عهده دار جمع آوری و جوه و سفته ها شده اند بشما مراجعه خواهد شد و یقین دارد که همت عالی و تصمیم شایسته شما انجمن را در راه مقصودی که در جهت نفع برادران و حفظ آبروی آنها است موفق خواهد ساخت.

انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی

در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴-م)، سازمان های فراماسونری

انجمن زکریای انگلیسی، در صدد برآمدند نام باشگاه رازی را به «انجمن

رازی طرفداران حکیم زکریای رازی» تغییر داده و همه فعالیتها

و دعوتنامهها و کارهای ماسونی لژهای تابعه را تحت عنوان

نام جدید از سرگیرند. برای انجام این منظور از بیست و سه نفر از فراماسونها عضو

لژ تهران - که نخستین لژ انگلیسی در ایران است دعوت بعمل آمد، و آنان بدین

شرح و بدعنوان هیئت مدیره انتخاب شدند:

۱- دکتر احمد امامی - ۲- دکتر احمد علی احمدی - ۳- دکتر محمد حسن

توران - ۴- رضا جعفری - ۵- مهندس حسین شقایق - ۶- دکتر پرویز کاظمی - ۷-

حسین اشرف سمنانی-۸- حسنعلی حکمت-۹- مصطفی عامری-۱۰- دکتر غلامرضا کیان-۱۱- حاج سید ذبیح‌الله ملکپور-۱۲- حسن صابرزاده-۱۳- عباسقلی عرب شیبانی-۱۴- دکتر علی اصغر خشایار-۱۵- دکتر احمد علی آبادی-۱۶- محمد مجلسی-۱۷- اسدالله موسوی-۱۸- دکتر علی پرنو-۱۹- دکتر مهدی ذوالریاستین-۲۰- دکتر رحمت مرشدزاده-۲۱- عیسی بهزادی-۲۲- محمد تقی خستو-۲۳- فتح‌الله فرود .

هیئت مؤسس ، نخستین جلسه انجمن حکیم زکریای رازی را روز ششم اسفند ۱۳۴۳- در محل محفل فراماسونری انگلیسی واقع در خیابان انوشیروان دادگر تشکیل داد و افراد زیر را به عنوان هیئت مدیره انجمن انتخاب کرد :

هیئت مدیره اصلی : مهندس حسین شقاقی - فتح‌الله فرود - ذبیح‌الله ملک - پور - محمد مجلسی - مصطفی عامری

اعضاء علی البدل : دکتر احمد امامی - رضا جعفری - اسدالله موسوی .

بازرسان : دکتر علی اصغر خشایار - عباسقلی عرب شیبانی

اعضاء هیئت مؤسس و هیئت مدیره پس از اینکه انتخاب شدند ، سه نسخه صورت مجلس تأسیس انجمن را امضاء کردند که دو نسخه آنرا طبق ماده ۱۲۷ اساسنامه برای کسب اجازه به شهربانی کل کشور - اداره ثبت شرکتها فرستادند و نسخه سوم را برای بایگانی در لژ فراماسونری تهران ضبط کردند .

همانطوریکه قبلاً گفته شد، فراماسونها وقتی تصمیم می‌گیرند،

شعبه انجمن رازی در یکی از شهرها لژ ماسونی تأسیس کنند ، قبلاً در آن محل **در خوزستان** «باشگاه» و یا «انجمن» بوجود می‌آورند، که ظاهر آهیچ ارتباطی با سازمان پنهانی و مخفی ماسونی ندارد . این تشکیلات که

در سازمان های دولتی، شهربانی و اداره ثبت شرکتها به ثبت می‌رسد و برای فعالیت

آنها کسب اجازه رسمی می‌شود، پایه و اساس فعالیت‌های بعدی فراماسونی خواهد بود. و لژهای انگلیسی که همواره سعی دارند در مناطق نفتی لژهای ماسونی تأسیس و اعضاء این لژها را حافظ منافع غارتگران نفت نمایند، موفق شدند از استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند اجازه تأسیس لژی بنام (خوزستان شماره ۱۶۲۳) را در شهر اهواز کسب کنند. قبل از تأسیس و یا باصطلاح فراماسونها «تنصیب و یاتقدیس» لژ مذکور ابتدا شعبه انجمن رازی را در این شهر بوجود آوردند. اجازه تأسیس لژ مذکور روز ۲۲ مرداد ۱۳۴۶ از طرف هیئت مدیره انجمن رازی صادر شده و روز دهم آذر ۱۳۴۶ به نصراله آذری عضو مؤسس لژهای فراماسونهای تهران و کورش اختیار داده شد که شعبه انجمن را در اهواز به ثبت برساند آگهی ثبت و تأسیس این انجمن روز ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ در روزنامه صدای مردم منتشر گردید، که تا امروز نیز این انجمن در آن شهر فعالیت می‌کند.

پس از انتشار آگهی ثبت «انجمن زکریای رازی» در روزنامه‌ها، **انتقاد از مؤسین آقای محمد جنابزاده که از محققان و نویسندگان ایران انجمن رازی** است و سال‌ها در رأس مقام‌های قضائی در دادگستری ایران بوده و هت، یک مقاله انتقادی درباره تشکیل انجمن مذکور بوسیله اشخاصی که نام آنها در آگهی برده شده بود، نوشت. ایشان بدون اینکه از هویت و هدف اصلی فراماسونها اطلاع داشته باشد، در روزنامه کوشش (۱) چنین می‌نویسد:

یکی از دوستان نقل می‌نمود که انجمنی بنام (انجمن طرفداران **انجمن نوزاد حکیم حکیم زکریای رازی**) تشکیل شده و از اداره ثبت شرکت‌ها **زکریای رازی!** و مالکیت صنعتی تقاضای ثبت رسمی شده است.

پرسیدم غرض از تشکیل چنین انجمنی آنهم با چنین نام چه

می‌باشد؟

ایشان اظهار داشتند که موضوع بزرگداشت عالم و فیلسوف و طبیب عالیقدر

ایرانی محمد زکریای رازی و ترویج کتب و کشفیات عالم مزبور در ایران و جهان است .

گفتم البته آقایان مؤسسين انجمن می‌دانند که زکریا بنا به تحقیق کمال و معرفتی نداشته، و بهمین دلیل فرزند خود (محمد) را دنبال کسب و کاری مانند زرگری و صرافی و غیره گسیل داشته است و این اشتباه را که در عنوان انجمن شده در بیان موضوع با افزایش کلمه (محمد) مرتفع نموده‌اند .

دوست من عده‌ای از اعضاء انجمن را معرفی نمود .

نخست چنین گمان داشتم که انجام این کار مهم مشترك را باید اهل فن یعنی پزشکان حاذق و روانشناسان و آگاهان بعلوم طب نفسانی و داروشناسی و دانشمندان حکمت و فلسفه بعهدہ گرفته باشند و جای بسی خوشوقتی و مباهات است که چنین فکری بمرحله عمل رسیده و ما را در آینده نزدیک از تبعات خاورشناسان که بالاخره از روی ناچاری و پراکندگی منابع تحقیق نزد ما نیازمند آنان نموده است واقوالشان برای عموم خواه دلیل و حجت قرار گرفته و طوعا و کرها باید آنچه گفته‌اند و نوشته‌اند بپذیریم آسوده خواهد ساخت و برآستی چرا باید ما بزرگان خودمان را از حکماء و عرفا و ادبا و شعرا و اطباء و هنرمندان و نقاشان و معماران و مهندسان از دریچه دیدگان بیگانگان بشناسیم؟ این اقدام کار بسیار مفید و ثمر بخشی است و البته مستلزم دقت و فرصت زیاد و مخارج لازم و اطلاعاتی عمیق و جامع و عشقی سوزان و نه تنها در مورد محمد زکریای رازی بلکه نسبت بتمام بزرگان این سرزمین بایک روش صحیح که اصول و نوع عمل و تحقیق را دیگران که در این کار بر ما پیشی گرفته‌اند نشان داده و در حقیقت راه را تا درجه هموار ساخته‌اند .

ولی اگر بخواهیم تسلیم نظرات دیگران شویم و کارهای شده را بصورت ناقص و تبلیغاتی در آوریم بیفائده بلکه زیان آور است .

نام کسانی را که مؤسس این انجمن شده‌اند غالباً شنیده‌ایم ولی تخصص و اطلاعات هر یک از آقایان که بعنوان هیئت مدیره معرفی شده‌اند در رشته‌ها و علوم و کارهای

دیگری است که ارتباطی باموضوع سخن درباره محمد زکریای رازی ندارد . ولی این گمان و پندار موجود است که شاید ۲۱ نفر دیگر که نامشان درج نشده از میان دانشمندانی واجد صلاحیت برگزیده شده باشند و در غیر این صورت اشتغال باین کار علاوه بر آنکه آنها را از اشتهار و هنر مخصوص خودشان باز می‌دارد در این راهی که پیش گرفته‌اند توفیقی نخواهند یافت مگر آنکه (نمودبالله) در رشته های پزشکی و ادبی و فلسفه ایرانی هم قصد انحصار و احتکار در میان باشد تا بعنوان تشکیل انجمن طرفداران فلان دانشمند سایر دانشجویان و فرهنگ پژوهان از مطالعه و مراجعه و مباحثه و اظهار نظر فی‌المثل درباره محمد زکریای رازی ممنوع باشند و تحقیقات و نوشته‌های آنان تا وقتیکه مورد تأیید واقع نشود در مطبوعات منعکس نگردد .

دوست من گفت این بدگمانی شما برای چیست ؟

گفتم مارگزیده از ریسمان سیاه می‌ترسد و من ایام و روزگاری را دیدم که هنگامیکه می‌خواستم درباره آثار سعدی بحث کنم و کتاب بنویسم مواجه با طلسمات عجائب و هفت خوان رستم گشتم و راهنمایان نامه نگاری برای اینکه مهر (روا) روی نوشته‌های من بزنند حتی گفته سعدی را هم اصلاح می‌نمودند و قسمت زیادی از نثر و نظم استاد سخن را حذف می‌کردند...

در هر حال اگر در زیر نام انجمن قصد تجارت در میان است امری جداگانه است .

ولی تحقیق و تدقیق در آثار رازی و سایر بزرگان ثبت رسمی و انحصاری نمی‌خواهد کاشفان و مخترعان و هنرمندان و مؤلفان و محققان حق دارند از قانون مالکیت صنعتی بهره‌مند شوند و طلب انحصار نمایند .

ولی هیچ قانونی اجازه نمی‌دهد که جمعی بیابند و بعنوان طرفداران حکیم زکریای رازی در بست مالک تألیفات و تحقیقات (محمد زکریای رازی) شوند وزیر

این نام عکس‌العملی بوجود آید که هیچکس درباره این مرد بزرگ افتخار ایران و سرشناس در فرهنگ جهان در کشور ما وارد بحث و مطالعه نگردد و تنها خاورشناسان که اجبار به متابعت از این حق‌انحصاری انجمن ندارند کماکان در کار خویش آزاد و دستشان باز باشد.

در فراخنای جهان متمدن که از برکت تعمیم فرهنگ دیو خود خواهی و نادانی فراری شده هنوز انحصار طلبی و احتکار موروثی بانواع و اشکال برنگ روز در افکار و اخلاق افراد باقی است.

شاهنشاه بزرگ ما با انقلاب ششم بهمن ۱۳۳۱ هر نوع انحصار مذموم را درهم شکستند و بهمه افراد آزادی عطا فرمودند که هر کس در شغل و مقام خود روی دانائی و عقل و خرد پیش برود و بمدارج لیاقت و شایستگی خود برسد.

اما کسانی در میان ما وجود دارند که برای نوید نمودن نسل جوان و محرومیت آنان از تعلیمات عالی حتی حق تحقیق مستقل درباره بزرگان نقشه های عجیب و غریب طرح می کنند.

البته این نقشه های انحصار طلبی نقش بر آب است و هیچکس حق ندارد فرهنگ و آثار بزرگان را هر چند به ثبت رسمی برسد حق مطلق خود بدانند و چرا باید اشخاصی که در کارهای خاصی صلاحیت دارند از دائره خویش گام فراتر بگذارند و بکارهای افراد صالح دستبرد بزنند؟

اگر در جامعه ما مانند جوامع مترقی هر کس بکار خود مشغول باشد و همه نخواهند همه کاره، ولی وقتی فی‌المثل عطار سیمان و هندوانه و منسوجات می فروشد و دارو فروش کتاب فروشی راهم ضمیمه کار خود می نماید نه عطار در کارش توفیق پیدا می کند نه دارو فروش و کذا فعلاً و تفعللاً.

(پایان)

اینک عین اساسنامه انجمن را نقل می کنیم :

اساسنامه

ماده ۱ - اسم - انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی می باشد که بطور اختصار انجمن رازی نامیده می شود.

ماده ۲ - موضوع انجمن - عبارت از بزرگ داشتن عالم و فیلسوف و طبیب عالیقدر ایرانی محمد زکریای رازی و ترویج کتب و کشفیات علمی عالم مزبور در ایران و در جهان .

ماده ۳ - مدت انجمن - از تاریخ تأسیس (اول اسفند ۱۳۴۳) نامحدود است.

ماده ۴ - مرکز انجمن - تهران و نشانی فعلی آن خیابان شاهرضا - خیابان انوشیروان دادگر کوی دست چپ شماره ۶۶ و در صورت اقتضا شعب آن در شهرستانها و سایر کشور های خارجی با اجازه قبلی مقامات صالحه قانونی کشور امکان پذیر خواهد بود .

ماده ۵ - انجمن دارای شخصیت حقوقی بوده و بهیچوجه جنبه انتفاع مادی برای مؤسسين و اعضاء آن ندارد ولی می تواند باتصویب هیئت مدیره هدیه یا بجه قبول نماید و برای تأمین موضوع و منظور خود معاملات حقوقی انجام دهد و مدعی باطرف دعوی واقع شود .

ماده ۶ - هر شخصی که دارای حسن اخلاق و رفتار بوده و علاقمند بموضوع انجمن باشد می تواند باتصویب هیئت مدیره یا هیئت هائیکه از طرف این هیئت مأمور شده باشند به عضویت انجمن پذیرفته شود .

ماده ۷ - هیئت مؤسسين مرکب از ۲۳ نفر است که ذیل این اساسنامه را امضاء نموده و صورت اسامی آنها در ذیل صورت مجلس اولین جلسه هیئت مؤسس نیز ذکر خواهد شد . این هیئت از این ببعده در این اساسنامه شوری نامیده می شود .

ماده ۸ - سازمان انجمن عبارت است از :

۱ - شوری

۲ - هیئت مدیره .

۳ - مدیر عامل .

۴ - هیئت نظار یا بازرسان .

ماده ۹ - شوری از اشخاص مذکور در ماده ۷ تشکیل و در صورت فوت یا استعفا هر يك جانشین او از طرف شورای مزبور در جلسه‌ای که منظمأ تشکیل شده باشد برای اکثریت دوسوم (دوثلث) نسبت بتعداد کل انتخاب خواهد شد و تعداد اعضاء شوری علاوه بر مؤسسين بر حسب احتیاج به پیشنهاد هیئت مدیره و به ترتیب مزبور قابل افزایش است .

ماده ۱۰ - کلیه معاملات غیر منقول بنام انجمن باید بتصویب شوری رسیده باشد ولی سایر معاملات ضروری انجمن با تصویب هیئت مدیره یا در حدود اختیار آنیکه هیئت مدیره بدهد انجام خواهد یافت .

ماده ۱۱ - شوری در هر سال لااقل یکبار برای شنیدن گزارش هیئت مدیره و بازرسان و تصویب تراز نامه و برنامه عمل انجمن و انتخاب بازرسان تشکیل و همچنین در هر موقع که هیئت مدیران (با اکثریت آراء) یا هیئت بازرسان (باتفاق آراء) و با يك ربع تعداد اعضاء شوری ضروری دانسته و دعوت نمایند تشکیل می‌گردد .

تبصره - حضور دوثلث اعضاء برای رسمیت یافتن جلسه شوری ضروری است و تصمیمات با اکثریت آراء حضار اتخاذ می‌گردد ولی چنانچه برای موضوعی دعوت بعمل آید و در مرتبه اول اکثریت دوسوم حاصل نشود جلسه بعد بفاصله لااقل ده روز بوسیله دعوت نامه و اعلان در روز نامه کثیرالانتشار دعوت می‌شود و در این جلسه با هر تعداد از اعضاء که حضور یابند تصمیمات با اکثریت آراء حضار اتخاذ می‌گردد باستثنای تغییر اساسنامه و انحلال انجمن و تعیین عضو جدید شوری که این موضوعات در همین جلسه بدون موافقت دوثلث از تعداد اعضاء شوری میسر نخواهد بود و در هر دعوت که از این شوری بعمل می‌آید باید دستور جلسه در دعوتنامه قید گردد.

ماده ۱۲ - هیئت مدیره و بازرسان انجمن از طرف شوری از بین اعضاء آن

انتخاب می‌گردند و در مقابل آن مسئول می‌باشند .

ماده ۱۳ - تعداد اعضاء هیئت مدیره پنج نفر است و این هیئت دارای سه نفر اعضای علی‌البدل نیز خواهد بود و کلیه آنها برای مدت سه سال انتخاب می‌گردند و در صورت فوت یا استعفای هر یک در ظرف سه سال جانشین او نیز باید از طرف شوری انتخاب گردد .

ماده ۱۴ - هیئت مدیره مسئول حسن انجام امور انجمن بوده و لااقل ماهی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و در اولین جلسه باید از بین اعضاء خود یک نفر رئیس - یک نفر دبیر و یک نفر خزانه‌دار برای انجمن انتخاب نماید و همچنین باید در همین جلسه یک نفر مدیر عامل برای انجمن یا خارج با رأی مخفی برای مدت سه سال انتخاب گردد .

تبصره - دبیر و خزانه دار در ظرف مدت مأموریت خود جز در صورت فوت یا استعفاء و یا بنا به تصویب شوری قابل تعویض نخواهند بود ولی مدیر عامل در هر موقع از طرف هیئت مدیره قابل تعویض است و نیز هیئت مدیره می‌تواند یک نفر کمک خزانه دار از اعضاء انجمن یا از خارج انتخاب کند .

ماده ۱۵ - هیئت مدیره بدعوت رئیس آن و یا بدعوت دبیر و خزانه‌دار (توأمأ) و یا بدعوت مدیر عامل باید تشکیل گردد . این هیئت با حضور چهار نفر از اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات با اکثریت سه نفر اتخاذ می‌گردد و در صورت تساوی آراء تصمیم طرفی که رئیس هیئت مدیره در آن واقع است قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۱۶ - مدیر عامل در مقابل هیئت مدیره مسئول است و مأمور حسن اداره انجمن در حدود اختیاراتیکه از طرف هیئت مدیره معین می‌شود بوده و مسئول حفظ و حراست کلیه دارائی منقول و غیر منقول انجمن و انتظام امور آن می‌باشد و بر کلیه مستخدمین و حقوق بگیران انجمن ریاست دارد .

ماده ۱۷ - کلیه دریافتیهای انجمن بخزانه‌دار انجمن تحویل و پرداختها با اعضاء خزانه‌دار و مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره انجام می‌پذیرد .

ماده ۱۸ - مدیرعامل با تصویب هیئت مدیره یا در حدود اختیاراتیکه باو داده شده حق استخدام برای انجمن دارد ولی پرداخت حقوق باید در حدود بودجه ومصوبات هیئت مدیره باشد و در صورت اختلاف نظربین مدیرعامل و خزانه‌دار و همچنین در صورت غیبت هر يك از آنها رئیس هیئت مدیره با امضاء خود رفع اختلاف نموده و یا بجای یکی از آن دو نفر حوالجات و چکها و اوراق بهادار را امضاء خواهد نمود .

ماده ۱۹ - کلیه وجوه نقدی انجمن بیش از یکهزار ریال باید بیانکی که مورد تصویب هیئت مدیره واقع باشد سپرده شود و امضاهای رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و خزانه‌دار هزسه بیانك مزبور معرفی گردد تاچکها بامضای دو نفر از آنها قابل پرداخت باشد .

تبصره - مسئول تنظیم ترازنامه سالیانه انجمن مدیرعامل است .

ماده ۲۰ - شوری به پیشنهاد هیئت مدیره یا پنج نفر از اعضاء خود آئین‌نامه و کمیسیونهائی را که ضروری بداند تعیین و تصویب خواهد نمود و هیئت مدیره و مدیرعامل مأمور اجرای تصمیمات شورای مزبور می‌باشد .

ماده ۲۱ - هیئت نظار یا بازرسان مرکب از دو نفر است که از بین اعضاء شوری یا از بین سایر اعضاء انجمن برای مدت یکسال انتخاب می‌گردند .

ماده ۲۲ - نظار یا بازرسان بکلیه اوراق و اسناد و دفاتر انجمن حق رسیدگی داشته و موظفند این بازرسی را بطور منظم لا اقل ماهی یکبار انجام و گزارش سالیانه خود را از برای شوری تهیه و لا اقل پانزده روز قبل از تاریخ جلسه سالیانه شوری يك نسخه آنرا در اختیار هیئت مدیره بگذارند و این گزارش باید قبل از تاریخ جلسه سالیانه شوری تهیه و يك نسخه آنرا در اختیار هیئت مدیره بگذارند و این گزارش باید قبل از تصویب ترازنامه و تصویب گزارش هیئت مدیره و در جلسه سالیانه شوری قرائت گردد. بازرسان متفقاً در مواقع پیش آمدهای مهم می‌توانند هیئت مدیره شوری را برای تشکیل جلسه فوق العاده دعوت نمایند .

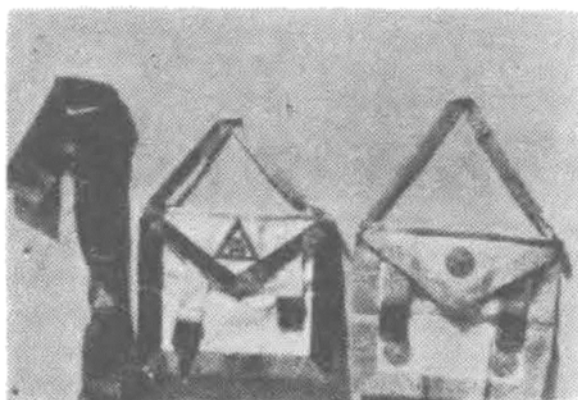
ماده ۲۳ - انحلال انجمن در حکم تغییر اساسنامه بوده و حد نصاب آراء برای تصویب آن دو سوم تعداد اعضاء اصلی شوری می باشد .

ماده ۲۴ - در صورت تصمیم بانحلال انجمن سه نفر یا بیشتر از بین اعضاء شوری یا از خارج انتخاب می گردند که بتصفیه مأمور انجمن اقدام خواهند نمود و مازاد دارائی انجمن پس از انحلال و تصفیه یکی از انجمن هائیکه مقاصدی نظیر موضوع انجمن داشته یا بمنظور امور خیریه تشکیل یافته باشند از طرف شوری و یا تصویب آن اختصاص داده خواهد شد .

ماده ۲۵ - نسبت بمسائلی که در این اساسنامه پیش بینی نشده به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شوری اخذ تصمیم خواهد شد .

ماده ۲۶ - این انجمن مطلقاً در امور سیاسی مداخله نخواهد نمود .

ماده ۲۷ - کلیه تغییرات حاصله در مواد این اساسنامه و یا تدوین و تنظیم آئین نامه اجرائی آن با مقررات جاریه کشور مغایرتی نداشته و پس از اطلاع و تصویب مراجع صالحه بمورد اجراء گذارده خواهد شد .



(۲)



لٹر گورنمنٹ شمارہ ۱۵۷۴

تابع قانون اساسی اسکاٹلند

سومین لژ فارسی زبان وابسته به گراندر لژ اسکاتلند ، لژ کورش
 شماره ردیف ۱۵۷۴ می باشد . این لژ انگلیسی را می توان
 لژ کورش شماره ۱۵۷۳
 کانونی برای پذیرش اعضای جدید سایر تشکیلات فراماسونی
 انگلیسی دانست . زیرا برخلاف لژ خیام که در آن تحصیل
 کرده ها و روشنفکران عضویت دارند ، در این لژ اشخاص رنگارنگ با افکار و
 عقاید و مشاغل گوناگون و حرف مختلف گرد هم آمده اند .

فرمان تأسیس لژ کورش در ۱۴ اگست ۱۹۶۰ از طرف استاد اعظم گراندر لژ
 اسکاتلند ، صادر شده و در ۹ آذر ۱۳۳۹ در تهران در کاخ بنایان آزاد (کلیسای انجیلی)
 زیر نظر استادان انگلیسی لژ روشنائی در ایران گشایش یافته است . در سالنامه
 سال ۱۹۶۱ نام این لژ در ردیف سایر لژهای جهانی اسکاتلند ثبت گردیده و از سال
 بعد نخستین رابطین لژ در انگلستان و ایران بدین شرح معرفی شده اند :

**John Mitchell , CBE , T. D. , 9 Atholl Crescent , Edinburg , 3
 P. A. Melrose, Viewbang, Gilmerton, Edinburg, q Frederick T. Farr-
 nant, 382 Holborn Street, Aberdeen . Hormoz Pirnia , AV. Lalezar-
 now, Kucheh , Pirnia Tehran .**

بنیان گزاران لژ کورش که در نشریه های رسمی این لژ معرفی شده اند به شرح
 زیر می باشند :

- ۱- برادر دکتر علی پرتو
- ۲- برادر دکتر جعفر جهان
- ۳- برادر دکتر رحمت مرشدزاده
- ۴- برادر حسین رامتین
- ۵- برادر دکتر مهدی ذوالریاستین

- ۶- برادر احمد افخمی
- ۷- برادر علیرضا هروی
- ۸- برادر دکتر احمد توکلی
- ۹- برادر مهندس علی اصغر بختیار
- ۱۰- برادر یوسف مازندی
- ۱۱- برادر فتح‌الله فرود
- ۱۲- برادر کیقباد ظفر
- ۱۳- برادر مهندس حسین شقاقی
- ۱۴- برادر دکتر عبدالحسین راجی
- ۱۵- برادر دکتر ارفع السلطنه فرخ
- ۱۶- برادر هرن
- ۱۷- برادر دکتر گزنی
- ۱۸- برادر صالح چتایات
- ۱۹- برادر ادوارد چتایات

لژ کورش در سومین چهارشنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی ، تشکیل جلسه می‌دهد و همانطور که گفته شد ، لژهایی که در تهران یا یکی از شهرهای ایران تشکیل می‌شود ، ابتدا اعضای آن در این لژ پذیرفته شده ، سپس به سایر لژها منتقل می‌شوند .

در دوران فعالیت هشت ساله لژ مذکور تاکنون ، چندین « استاد ارجمند » که یکی از مقامات عالی فراماسونی است ، درین لژ پذیرفته شده‌اند که برای نمونه تشریفات ورود و نفر از استادان را از نشریه بسیار محرمانه خود آنها نقل می‌کنیم :

لژ اعظم اسکاتلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

لژ کورس شماره ۱۵۷۳

تنصیب

برادر دکتر مهدی ذوالریاستین

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و

افسران لژ

بوسیله

برادر دکتر علی پرتو

استاد ارجمند تنصیب کننده

در محل لژ

در تاریخ چهارشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۴۲

مراسم تنصیب

- ۱- لژ کوروش شماره ۱۵۷۴ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می شود .
- ۲- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر ارجمند دورابجی استاد تعیین شده را معرفی می نماید .
- ۳- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه ای برای استاد تعیین شده ایراد می نماید .
- ۴- حضرت استاد ارجمند پیشین تکالیف و مقررات باستانی را قرائت می نماید .
- ۵- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم آراء سوگند استاد انتخاب شده را انجام می دهد .
- ۶- کارآموزان از لژ خارج می شوند . لژ بدرجه دوم برده می شود .
- ۷- کاربران از لژ خارج می شوند . لژ بدرجه سوم ارتقاء می یابد .
- ۸- استاد بنایان از لژ خارج می شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می گردند .

۹- تنصیب

- ۱۰- لژ در درجه سوم ادامه داده می شود - استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می شوند .
- ۱۱- بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می شود و ابزار استادی باو ارائه می گردد .
- ۱۲- لژ بدرجه دوم تنزل داده می شود و کاربران بداخل لژ پذیرفته می گردند .
- ۱۳- بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می شود و ابزار کاریاری باو ارائه می گردد .

- ۱۴- لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردد .
- ۱۵- بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود و ابزار کارآموزی باو ارائه می‌گردد .
- ۱۶- فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ باستاد لژ ارائه و تحویل می‌شود .
- ۱۷- سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نمایند و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .
- ۱۸- حضرت استاد بسیار ارجمند برادر عباسقلی گلشائیان جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می‌نماید .
- ۱۹- حضرت استاد ارجمند برادر رشیدی حائری جهت سرپرست‌ها خطبه ایراد می‌کند .
- ۲۰- حضرت استاد ارجمند برادر دکتر جعفر جهان برای برادران خطبه ایراد می‌نماید .
- خواندن دعا بوسیله خطیب .
- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده کوبه راکه علامت قدرت است بحضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .
- ۲۱- حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد .
- ۲۲- لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

اسامی استادان ارجمند تنصیب‌کننده

- ۱- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده برادر دکتر علی پرتو
- ۲- حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب‌کننده برادر حسین شقاقی
- ۳- سرپرست ارجمند اول تنصیب‌کننده برادر فتح‌الله فرود

- ۴- سرپرست ارجمند دوم تنصیب کننده برادر دکتر رحمت مرشدزاده
 ۵- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر دورابجی
 ۶- دربان داخلی تنصیب کننده برادر ارجمند صالح چنابان
 ۷- نگهبان خارجی تنصیب کننده برادر ارجمند اوانسوف

تشریفات مقام استادی مهندس جعفر فزونی

برای نشان دادن تشریفات داخلی لژ کوروش، مراسمی که در ارتقاء مقام استادی مهندس جعفر فزونی نیز در روز ۴ آذر ۱۳۴۳ انجام گردیده، عیناً از رساله چاپ شده، نقل می‌کنیم.

اسامی استادان ارجمند تنصیب کننده :

- ۱- حضرت استاد ارجمند
 تنصیب کننده برادر بسیار ارجمند دکتر علی پرتو
 ۲- حضرت استاد ارجمند پیشین
 تنصیب کننده برادر ارجمند دکتر مهدی نوالریاستین
 ۳- سرپرست ارجمند اول
 تنصیب کننده برادر ارجمند فتح‌الله فرود
 ۴- سرپرست ارجمند دوم
 تنصیب کننده برادر ارجمند دکتر محمود ضیائی
 ۵- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
 ۶- نگهبان داخلی تنصیب کننده برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی
 ۷- نگهبان خارجی تنصیب کننده برادر عامری

مراسم تنصیب

- ۱- لژ کوروش شماره ۱۵۷۴ - بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می شود .
- ۲- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر ارجمند مهندس حسین شقاقی استاد تعیین شده را معرفی می نماید .
- ۳- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه ای برای استاد تعیین شده ایراد می نماید .
- ۴- حضرت استاد ارجمند پیشین تکالیف و مقررات باستانی را قرائت می نماید .
- ۵- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یادکردن سوگند استاد انتخاب شده را انجام می دهد .
- ۶- کارآموزان از لژ خارج می شوند . لژ بدرجه دوم برده می شود .
- ۷- کاریاران از لژ خارج می شوند : لژ بدرجه سوم ارتقاء می یابد .
- ۸- استاد بنایان از لژ خارج می شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می گردد .
- ۹- تنصیب .
- ۱۰- لژ درجه سوم ادامه داده می شود . استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می شوند .
- ۱۱- به حضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می شود و ابزار استادی باو ارائه می گردد .
- ۱۲- لژ بدرجه دوم تنزل داده می شود و کاریاران بداخل پذیرفته می گردد .
- ۱۳- به حضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می شود و ابراز کاریاری باو

ارائه می‌گردد .

۱۴- لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردد.

۱۵- بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود . و ایزار کارآموزی

باو ارائه می‌گردد .

۱۶- فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ باستاد لژ ارائه

و تحویل می‌شود .

۱۷- سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نمایند و بادریافت نمودارهای سمتهای

خود تنصیب می‌شوند .

۱۸- حضرت استاد ارجمند برادر دکتر خشیار جهت استاد ارجمند خطبه ایراد

می‌نماید .

حضرت استاد ارجمند برادر دکتر محمود هومن جهت سرپرستها خطبه

ایراد می‌کند .

حضرت استاد ارجمند برادر دکتر امیر حکمت برای برادران خطبه ایراد

می‌نماید .

۱۹- خواندن دعا بوسیله خطیب

۲۰- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است

بحضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .

۲۱- استاد بسیار ارجمند پاسخ می‌دهد .

۲۲- لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

در هر يك از لژهای فراماسونی انگلیسی ، فارسی زبان

برنامه‌های منظم ۹ ماهه تنظیم می‌شود که در روز و ساعات

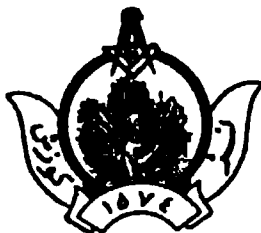
معین عیناً اجراء می‌گردد . برای نشان دادن طرز کار لژ

کوروش دو برنامه ماهانه را نقل می‌کنیم :

برنامه‌های

ماهانه

ل. کورش. شماره ۱۵۷۴ ق. ا. ا.



تاسیس دسامبر ۱۹۶۰

ح. ا. ا.

برادر ارجمند رضا جعفری

س. ا. ا.

برادر ارجمند دکتر محمود علومی

س. ا. د.
برادر ارجمند حسن مصطفوی

تهران بتاريخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۴۳ جلسه شماره ۸۰ ل. در درجه ۴ کار میکند.
برادر گرامی :

بنا با مرح. ا. ا. از آن برادر گرامی دعوت میشود که در جلسه ^{مادی} _{مردانه} ل. کورش که ساعت ۲/۳ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۵ اسفندماه ۱۳۴۳ مطابق با ۱۶ اسفندماه ۱۹۶۶ میلادی در محل انجمن رازی واقع در خیابان شاهرضا خیابان انوشیروان دادگر شماره ۶۶ تشکیل میشود حضور بهم رسانید.

دیر ل.

دکتر ذوالریاستین

برنامه کار

- ۱ - افتتاح کارگاه .
- ۲ - قرائت دعوتنامه . و صورت جلسه عادی ۳۰ بهمن ماه و صورت جلسه فوق العاده ۱۱ اسفند
- ۳ - قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی.
- ۴ - آقایان مشروحه زیر :

۵ - قرائت و اخذ رأی به درخواست عضویت بیگانگان ۱ - عیسی سالاربهزادی - متولد به سال ۱۲۹۹ ساکن کوی کاخ خیابان جلال پلاک ۲۶ مرف برادر حسین مصطفوی و استاد ارجمند رضا جعفری ۲ - محمد کشاورزبان - معاون پارلمانی وزارت پست و تلگراف متولد ملایر سال ۱۲۹۹ ساکن خیابان امیر ابراهیم شماره ۲۹ مرف برادر حسین مصطفوی و دکتر طاهر ضیائی ۳ - دکتر سید محمد مصطفی طباطبائی مدیر کل پزشکی قانونی متولد سال ۱۲۹۸ ساکن ۱۹۶ خیابان فرصت مرف برادر دکتر علومی و حسن مصطفوی ۴ - هادی ادیبی بمرگ دکتر مرشد زاده و دکتر ذوالریاستین

لژ کورش شماره ۱۵۷۳ ق . اس اسکاتلند
تأسیس دسامبر ۱۹۶۰

استاد ارجمند لژ کورش
برادر دکتور محمود علومی

س . ارجمند اول س . ارجمند دوم
برادر حسن مصطفوی برادر حسن صابرزاده

برادر گرامی

بنابا امر حضرت استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می‌شود در جلسه عادی شماره ۹۳ لژ محترم کورش که در ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۱ خرداد ماه ۴۶ مطابق با ۲۱ ژون ۱۹۶۷ در محل انجمن رازی واقع در بن بست انوشیروان دادگر تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند .

لژ در درجه ۳ کار میکند دبیر لژ کورش
لباس اسمو کینگک یاتیره ف. طباطبائی

برنامه کارها

- ۱ - افتتاح لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه و صورتجلسه عادی شماره ۹۲ و صورتجلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخه دهم خردادماه ۱۳۴۶
- ۳ - ارتقاء برادران مسعود عرب شیبانی و دکتور حسین داودی و هرمز دیار - ورهرامیان و مهندس علی اصغر اربابی به درجه ۳ استادی
- ۴ - اخذ رأی نسبت بو رود داوطلبان (سید علی اکبر طباطبائی رئیس دادگاه شعبه ۳ دیوان کیفر متولد سال ۱۲۹۸ ساکن خیابان نصرت غربی شماره ۱۹۶ - تلفن - ۹۴۸۷۹ بمعرفی برادران جعفر فزونی و دکتور علومی (۲ دکتور سید علی افقه مدیر کل اداره اعزام محصل متولد ۱۳۰۲ ساکن خیابان ۴۰ متری نواب - کوچه عقیلی شماره

لژگرونی

شماره ۱۰۷۴ و ۱۰ اس

تهران - بتاريخ ۱۶/۱۰/۵۱

آقای عزیز و برادر گرامی **دکتر عزیز**

بدینطور استاد ارجمند از آن برادر محترم دعوت میشود که در جلسه تادی لژ محترم کوشش

که در ساعت شش بعد از ظهر ۲۶/۱۰/۵۱ مطابق ۱۶/۱/۵۴

در محل لژ تشکیل میشود حضور بهرسانید

لژ در درجه **۱** کار میکند

لباس اسکوئینگ

۱۲ تلفن ۹۵۳۴۴۴ بمعرفی برادر کاظم فشارکی طباطبائی و تائید برادر ارجمند دکتر پرتو (۳) دکتر احمد عاطفی معاون وزارت بهداشتی متولد سال ۱۳۰۰ ساکن یوسف آباد خیابان محمدرضا شاه تلفن ۶۲۵۷۸۰ بمعرفی برادران دکتر علومی و جعفر فزونی.

۵ - گردانیدن کیسه خیریه

۶ - بستن لژ بنحو مقرر و باستانی

از ازمنه قدیمه در بنائی آزاد رسم براین بوده است که هیچ بنای آزاد نمی تواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتیکه برای حضور دعوت شده باشد مگر اینکه محظور شدید و غیر قابل اجتنابی داشته و محظور او برای استاد ارجمند لژ مسلم شده باشد.

اقتباس از تکلیف باستانی

دوره اجلاسیه ۱۳۴۳-۱۳۴۴

لژ کورش شماره ۱۵۷۳ ق ۱ . اس-تهران

استاد ارجمند لژ کورش

برادر مهندس جعفر فزونی

سرپرست ارجمند اول سرپرست ارجمند دوم

برادر رضا جعفری برادر دکتر محمود علوی

آقای محترم و برادر عزیز

بنا بامر حضرت استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می شود در جلسه عادی لژ کورش که در ساعت شش بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۳ مطابق با هفدهم مارس ۱۹۶۵ در محل جدید باشگاه خیابان شاهرضا - خیابان بن بست - جنب انوشیروان دادگر - کوچه دست چپ شماره ۶۶ - تشکیل می گردد حضور بهم رسانید .

دبیر لژ کورش

مهندس عنایت بهبهانی

لژ در درجه ۱ - کار می کند

لباس : اسمو کینگک یا تیره

برنامه کارها

۱ - قرائت دعوتنامه

۲ - قرائت صورت جلسه عادی مورخه ۲۸/۱۱/۴۳ و اخذ رأی

۳ - قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخه ۱۲/۱۲/۴۳

و اخذ رأی .

۴ - قرائت درخواست ورود بیگانگان : محمد جواد مرید بازرگان مقیم اهواز - معرف برادر سید محمدعلی مرتضوی و برادر صدری کیوان - ساکن اهواز مهندس منوچهر ایازی رئیس کل کشاورزی خوزستان - معروف برادر علی اصغر محمدی و برادر مهندس کمال الدین موسوی - فعلا ساکن اهواز - دکتر سید ضیاء - امام ، دکتر در طب ، معرف برادر مهندس سلطانی و برادر مهندس موسوی - ساکن اهواز .

۵ - اخذ آرا نسبت به ورود بیگانگان : دکتر کمال الدین آرمین - دکتر حسن هاشمیان و مهندس محمد قره گز لو .

۶ - انجام تشریفات ورود بیگانگان محمد مهدی لاری زاده و سید کاظم فشارکی طباطبائی

۷ - گرداندن کیسه خیریه

۸ - بستن لژ

شام برادرانه در محل لژ صرف خواهد شد

از ازمینه قدیمه در آئین بنائی آزاد رسم بر این بوده است که هیچ بنای آزاد نمی تواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتی که برای حضور دعوت شده باشد . مگر اینکه محظور شدید و غیر قابل اجتنابی داشته و عدم حضور او برای استادار جمند لژ مسلم شده باشد .

اقتباس از تکلیف باستانی

همانطوریکه گفته شد ، در آغاز هر سال فراماسونری عده ای انتخابات سالانه بنام «افسران اداره کننده لژ» ها بارای مخفی اعضاء هر لژ انتخاب می کردند. افسران لژ هر يك دارای مقامات و مشاغل مختلفی هستند که رایگان وظائف محوله را انجام می دهند. در زیر افسران پنج دوره پنجساله لژ کوروش را نقل می کنیم :

صورت اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره اول نژاد محترم کورش

- | | |
|-----------------------|------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | دکتر علی پرتو |
| ۲ - قائم مقام استاد | دکتر جعفر جهان |
| ۳ - معاون استاد | مهندس قباد ظفر |
| ۴ - سرپرست اول | دکتر مرشدزاده |
| ۵ - سرپرست دوم | حسین رامتین |
| ۶ - دبیر | دکتر نوال ریاستین |
| ۷ - خزانه دار | احمد افخمی |
| ۸ - خطیب | دکتر عبدالحسین راجی |
| ۹ - راهنمای اول | علی رضا هروی |
| ۱۰ - راهنمای دوم | دکتر احمد توکلی |
| ۱۱ - مدیر تشریفات | فتح اله فرود |
| ۱۲ - کتاب بر | دکتر ارفع السلطنه فرخ |
| ۱۳ - نگهبان داخلی | مهندس علی اصغر بختیاری |
| ۱۴ - نگهبان خارجی | یوسف مازندی |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره دوم لژ محترم کورش

- | | |
|-----------------------|------------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر دکتر رحمت مرشدزاده |
| ۲ - حضرت استاد پیشین | برادر دکتر علی پرتو |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر دکتر فرخ |
| ۴ - سرپرست اول | برادر حسین رامتین |
| ۵ - سرپرست دوم | برادر دکتر مهدی نوال ریاستین |
| ۶ - دبیر | برادر هرمز پیرنیا |
| ۷ - خزانه‌دار | برادر احمد افخمی |
| ۸ - خطیب | برادر محسن حداد |
| ۹ - راهنمای اول | برادر دکتر طاهر ضیائی |
| ۱۰ - راهنمای دوم | برادر دکتر محمود علومی |
| ۱۱ - مدیر تشریفات | برادر محمد جواد مستوفی‌زاده |
| ۱۲ - کتاب بر | برادر دکتر احمد علی آبادی |
| ۱۳ - نگهبان داخلی | برادر مهندس جعفر فزونی |
| ۱۴ - نگهبان خارجی | برادر مهدی خازنی مقدم |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره سوم نژ محترم کورش

- | | |
|-----------------------------|-----------------------|
| برادر حسین رامتین | ۱ - حضرت استاد ارجمند |
| برادر دکتر رحمت مرشدزاده | ۲ - حضرت استاد پیشین |
| برادر ارجمند مهندس شقاقی | ۳ - قائم مقام استاد |
| برادر ارجمند دکتر علی پرتو | ۴ - معاون استاد |
| برادر دکتر مهدی ذوالریاستین | ۵ - سرپرست اول |
| برادر مهندس جعفر فزونی | ۶ - سرپرست دوم |
| برادر علی اصغر محمدی | ۷ - دبیر |
| برادر احمد افخمی | ۸ - خزانه دار |
| برادر رضا جعفری | ۹ - خطیب |
| برادر دکتر محمود علومی | ۱۰ - راهنمای اول |
| برادر محمد مشیری یزدی | ۱۱ - راهنمای دوم |
| برادر دکتر طاهر ضیائی | ۱۲ - مدیر تشریفات |
| برادر محسن حداد | ۱۳ - کتاب بر |
| برادر مهندس رضارزم آراء | ۱۴ - نگهبان داخلی |
| برادر احمد براتلو | ۱۵ - نگهبان خارجی |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افران

دوره چهارم لژکورش

- | | |
|-----------------------------|-----------------------|
| برادر دکتر مهدی ذوالریاستین | ۱ - حضرت استاد ارجمند |
| برادر حسین رامتین | ۲ - حضرت استاد پیشین |
| برادر دکتر رحمت مرشد زاده | ۳ - قائم مقام استاد |
| برادر احمد افخمی | ۴ - معاون استاد |
| برادر جعفر فزونی | ۵ - سرپرست اول |
| برادر دکتر طاهر ضیائی | ۶ - سرپرست دوم |
| برادر مهندس عنایت بهبهانی | ۷ - دبیر |
| برادر دکتر محمود علومی | ۸ - خزانهدار |
| برادر دکتر علی بهزادی | ۹ - خطیب |
| برادر علی اصغر محمدی | ۱۰ - راهنمای اول |
| برادر دکتر ابوالقاسم پیرنیا | ۱۱ - راهنمای دوم |
| برادر دکتر خلیل ضیائی | ۱۲ - مدیر تشریفات |
| برادر دکتر علی معارفی | ۱۳ - کتاب بر |
| برادر حسن مصطفوی | ۱۴ - نگهبان داخلی |
| برادر احمد براتلو | ۱۵ - نگهبان خارجی |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره پنجم لژگورش

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر مهندس جعفر فزونی |
| ۲ - حضرت استاد ارجمند پیشین | برادر دکتر مهدی ذوالریاستین |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر دکتر رحمت مرشدزاده |
| ۴ - معاون استاد | برادر دکتر طاهر ضیائی |
| ۵ - سرپرست ارجمند اول | برادر رضاجعفری |
| ۶ - سرپرست ارجمند دوم | برادر علی اصغر محمدی |
| ۷ - دبیر | برادر مهندس عنایت بهبهانی |
| ۸ - خزانه دار | برادر محمد علی مرتضوی |
| ۹ - خطیب | برادر مهندس عبدالله والا |
| ۱۰ - راهنمای اول | برادر احمد براتلو |
| ۱۱ - راهنمای دوم | برادر حسن مصطفوی نائینی |
| ۱۲ - مدیر تشریفات | برادر صدری کیوان |
| ۱۳ - کتاب بر | برادر دکتر علی معارفی |
| ۱۴ - نگهبان داخلی | برادر مهندس نظام عامری |
| ۱۵ - نگهبان خارجی | برادر شاپور بهبهانی |

قبلا گفتیم که لژ کورش را پایگاهی برای پذیرش اعضاء جدید
اعضاء لژ کورش و انتقال آنان به لژ های دیگر قرار داده اند . در زیر نام
 کسانی که از اسناد رسمی و چاپی این لژ بدست آمده ، نقل می شود . بایستی گفت
 که ممکن است نام اینعده در سایر لژ های انگلیسی یا فرانسوی نیز برده شود بدین
 سبب نمی توان همه آنها را اکنون عضو فعال این لژ دانست . فراماسونها می توانند ،
 در چندین لژ عضویت داشته باشند و حق عضویت بپردازند .

آ

آرمین - دکتر کمال الدین

الف

ادیب - علی اصغر	اربابی - مهندس علی اصغر
اژدری - دکتر احمد	اسماعیلی - دکتر اسماعیل
افخمی - احمد	افقه - دکتر سید علی
امام - دکتر سید ضیاء	اوانسوف
ایازی - مهندس منوچهر	

ب

بختیار - مهندس علی اصغر	براتلو - احمد
برومند - دکتر	بهبهانی - شاهپور
بهبهانی - مهندس عنایت	

پ

پونو - دکتر علی	پیرنیا - هرمز
-----------------	---------------

ت

توکل - عبدالله	توکلی - دکتر احمد
----------------	-------------------

ج

جعفری - رضا	جهان - دکتر جعفر
-------------	------------------

چ

چتایات - ادوارد

چتایات - صالح

ح

حداد - محسن

حریری - محمدجواد

خ

خازنی مقدم - مهدی

خدایاری - قدرت‌اله

د

دانشی - دکتر مسیح

داودی - دکتر حسین

دورابجی -

دروقی - محمد

دهستانی - عبدالعلی

دیارورهرامیان - هرمز

ذ

ذوالریاستین - دکتر مهدی

ر

رئیزی - محمد

راجی - دکتر عبدالحسین

رامتین - حسین

رزم آراء - مهندس رضا

رامتین سیروس

رشیدی - حائری

ز

زند - مهندس علیمراد

س

سالاز بهزادی - عیسی

سینا - دکتر عبدالله

ش

شقایق - مهندس حسین

شهابی - میرشهاب‌الدین

ص

صابر زاده - حسن
صدری - کیوان

ض

ضیائی - دکتر طاهر

ط

طباطبائی - ف.
طباطبائی - سید علی اکبر

طباطبائی - دکتر سید محمد

ظ

ظریف - عباس
ظفر - کیقباد

ع

عاطفی - دکتر احمد
عامری - مهندس نظام

عدل - مهندس فیروز
عرب شیبانی - مسعود

عطری - سید علی
علمی - دکتر محمود

علی آبادی - دکتر احمد

ف

فرخ - دکتر ارفع السلطنه
فردوس - هوشنگ

فرود - فتح اله
فزونی - مهندس جعفر

فشارکی طباطبائی - کاظم

ق

قراگوزلو - مهندس محمد
قہاری - دکتر ضیاء الدین

ک

کشاورز

کشاورزیان - محمد
کیوان - صدری

گ

گرنی - دکتر
گلشائیان - عباس

ل

لاری زاده - محمد مهدی

م

مازندنی - یوسف

محمدی - علی اصغر

مرات اسفندیاری - حسن

مرتضوی - سید محمد

مرشدزاده - دکتر رحمت

مستوفی زاده - محمد جواد

مشیری یزدی - محمد

معارفی - دکتر علی

مهدوی - دکتر یحیی

ن

نجفی - غلامرضا

و

والا - فتح‌اله

والا - عزت‌اله

ه

هاشمیان - دکتر حسن

هرن

همایونفر - مهندس ابراهیم

ی

یارورهرامیان - هرمنز

یگانه حائری - دکتر

مخاطب رفیعی - مهندس عزت‌اله

مداوی - دکتر علی

مرتضوی - ابوالحسین

مرتضوی - محمد علی

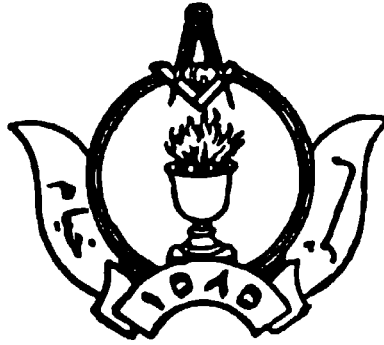
مرید - محمد جواد

مسعودی - محمد علی

مصطفوی نائینی - حسن

موسوی ماکوئی - میر اسداله

(۳)



لژ خيام شماره ۱۵۸۵
تابع قانون اساسی گراند لژ اسكاتلند

دومین لژ فارسی زبان که گراند لژ اسکاتلند در ایران تشکیل داد ، لژ خیام شماره ۱۵۸۵ در تهران تشکیل شد و تقدیس یافت و اعضای مؤثری که در مراسم افتتاح تأسیس آن دخالت داشتند ، عبارتند از :

دکتر احمد علی آبادی

» مرتضی رسا

» هوشنگ رام

» باقر عاملی

» فرزین

» کرباسفروشان

» ناصر یگانه

» ایرج وحیدی

» حسین اسفندیاری

» ناصر حداد

» محمد طاهری

مهندس شیلاتی فرد

رحیم متقی ایروانی

عباس اسفندیاری

هاشم حکیمی

دکتر احمد توکلی

» مصطفی نامدار

هوشنگ عامری

مهندس طاهر محمدی

در تأسیس این لژ ، نکته بسیار جالبی که به چشم می خورد، انتخاب اعضای آن است که از طبقه روشنفکران و تحصیل کرده می باشند . شاید در روزهایی که این لژ تشکیل می شده ، نظر بر این بوده است که با انتخاب روشنفکران و افراد

خوشنام، جبران انتخاب پیشین بعضی از افرادی را که سابقه سیاسی و اجتماعی روشنی نداشتند، و در لژ تهران وارد شده بودند، بنمایند.

تظاهرات آزادیخواهانه و مخالفت‌های پنهانی و آشکار بعضی از اعضای لژ با پاره‌ای تصمیمات و اقدامات قوه مقننه، حتی در یک مورد سبب شد که یک استاد لژ مقام مهم دولتی خود را از دست بدهد. زیرا در حالیکه، همین مقام دولتی، خود نویسنده و تهیه‌کننده یکی از لوایح دولت بود، به یکی دیگر از اعضای لژ دستور داده شده بود که در مجلس با آن مخالفت کند.

جریان واقعه از این قرار است: در سال ۱۳۴۴ شمسی هیئت دولت ایران، تصمیم گرفت، تغییراتی در کار دادگاه‌های کشور و انحلال و یا ابقاء پاره‌ای از دادگاه‌ها و قضات آن بدهد. دکتر باقر عاملی استاد لژ انگلیسی خیام که در آن ایام وزیر دادگستری بود، لایحه‌ای در این زمینه به مجلس شورایی تقدیم کرد. ولی خود او در یکی از جلسات بسیار محرمانه، استادان لژهای انگلیسی می‌گوید که با تنظیم و تصویب لایحه مزبور موافق نیست. در نتیجه تصمیم به مخالفت با این لایحه گرفته می‌شود و برای اینکه لژهای فراماسونری انگلیسی، بخصوص لژ خیام که اغلب از افراد طبقه روشنفکر تشکیل شده است، نظر اصلی لژ را که مخالف لایحه پیشنهادی از طرف استاد ماسونی دکتر باقر عاملی بوده است، ابراز کنند. به سه نفر از اعضای لژ (رامبد، بهبودی، والا) مأموریت می‌دهند که در جلسه علنی مجلس بالا لایحه مخالفت کنند. این سه نماینده که عضو فراکسیون حزب مخالف دولت بودند، از بین خود مهندس والا نماینده خلخال را انتخاب می‌کنند و او در روز بیست و هشتم آذرماه ۱۳۴۴ نطقی در مخالفت بالا لایحه در جلسه علنی مجلس شورایی ایراد می‌کند، که خلاصه آن ذیلاً نقل می‌شود:

«... مجلس شورای ملی برای این بوجود آمد و مشروطیت در این مملکت از این جهت پی‌ریزی شد که فلسفه عدالت و بسط داد و دادگستری جزو احتیاجات زمان شده بود.. اگر تاریخ مشروطیت ایران را ملاحظه کنیم خواهیم دید که ملت ایران و روشنفکران ایران اول ب فکر تأسیس عدالت خانه افتادند و تقاضایشان

از حکومت مستبد وقت این بود که ابتدا عدالت خانه تأسیس شود . بنابراین اگر ما ادعا کنیم که وجود پارلمان و اساس مشروطیت ما باید بر پایه عدل و داد استوار بشود مطلبی را گزافه گوئی نکرده ایم . بنابراین وقتی مسأله دادگستری مطرح می شود و ما درباره لوایح آن موافقت یا مخالفت می کنیم حتی این صحبت بدرازا می کشد ، بنظر من بهیچوجه من الوجوه جنبه شخصی ندارد (صحیح است) مسأله مسأله مملکتی است مسأله مسأله خواست مردم است والا از نظر شخصی بنده یکی از مریدان شخص دکتر عاملی هستم و برای ایشان احترام خاصی هم قائل هستم . اما جزء آرزوهای من یکی این بود که وزارت دادگستری یا هر وزارتخانه دیگری بدست اشخاص صلاحیتدار و وارد بیفتد و وقتی مرحوم منصور دکتر عاملی را از مجلس همراه خودش برد واقعاً من خودم این احساس را کردم که يك همکار واردی را در مجلس از دست می دهیم ولی خدا کند این مرد بتواند در دادگستری منشأ اثر باشد . مهندس والا اضافه می کند :

« اساس فکر تقدیم این لایحه است برای گرفتن اختیارات، بنده روی کلمه اختیارات برعکس فرمایش جناب آقای دکتر عاملی اصرار دارم آقای دکتر عاملی می فرماید من اختیارات نمی خواهم به بینم آیا اختیار این است که فقط سر ببرند؟ اختیار دیگر برای چه می خواهید؟ شما می آئید با تصویب يك لایحه اساس دادگستری را بهم می زنید ، شعب را منحل می کنید دادگاه بخش را دادگاه شهرستان و دادگاه شهرستان را دادگاه استان می کنید و دادگاه استان را دو درجه ای دادگاه جنائی را يك و دو مرحله ای می نمائید .

بنابر این بمحض اینکه این قانون تصویب شد، آن قاضی که پشت آن میز نشسته دیگر در آن مقام قرار نمی گیرد و باید حکم جدیدی برایش درست کرد این چی است؟ ... ببخشید جناب آقای وزیر دادگستری ، می فرمایند دلیل وجودی و دلیل انشاء این قانون آنست که ما می خواهیم تشریفات زائد دادگستری را از بین ببریم هیچکس منکر این حرف نیست می خواهیم دادگستری را در مسیر انقلاب شاه و ملت قرار بدهیم، همه باین گفته تمکین می کنیم اما جناب آقای دکتر عاملی وزارت

دادگستری که ۱۲۰۰ نفر قاضی بیشتر ندارد چند مرتبه باید در طول مدت کوتاهی دستخوش نظرات صحیح یا ناصحیح و نظرات بجا و یا نابجای وزرای وقت بشود! وزرای دادگستری، آمدند در طول مدتی که مصدر کار بودند آن اصلی را که بنا به تجویز قانون اساسی، اصل تفکیک قواست لگدکوب کردند. من اگر ثابت کنم وزیر دادگستری قیام بر علیه قانون اساسی کرده، آنوقت است که وقتی لایحه‌ای می‌آمد که در آن وزیر می‌تواند هر قاضی را از جایش عوض کند اسباب نگرانی‌ام می‌شود. شما وزیر دادگستری داشتید که آمده يك دادگاهی را منحل کرده بعد آمده آن دادگاه را دوماه تأسیس کرده.

مهندس عبدالله والا سپس اشاره به دادگستری انگلستان نموده گفت:
 آقای دکتر عاملی شاهکار شما، تحول اساسی شما این بود که می‌آمدید می-گفتید وزارت دادگستری را از نظر وزارت منحل می‌کنیم ولی مقام قضا و استقلال قوای قضائی و مصونیت قضائی را آنچنان مستحکم می‌کنیم که هیچ عامل دیگری نمی‌تواند آنرا بهم بزند ما انتظارمان این است که اگر ایشان تحصیل کرده اروپا هستند، اگر نسبت به قوانین اساسی دنیا مطلع هستند به بینند دنیا چکار کرده است آیا وزارت دادگستری در انگلستان وجود دارد؟ در صورتیکه مقام قضا در انگلستان و قضاوت در انگلستان در تمام دنیا حتی برای تمام دشمنان و مخالفان سیاست‌های استعماری دولت آن کشور مورد احترام است چرا؟»

چندی پس از ایراد این نطق، وقتی که یکی از اعضاء مؤثر لژهای انگلیسی ماجرا را افشاء کرد، دکتر باقر عاملی از پست وزارت دادگستری برکنار شد، و مهندس عبدالله والا هم بعلت اینکه دستورات لژ را بدون چون و چرا اجراء کرده بود، نتوانست در انتخابات دوره بیست و دوم پشتیبانی رأی دهندگان خلخال را بیاورد، و شخص دیگری بجای او انتخاب شد. بدین ترتیب یکی از بازیهای سیاسی پشت پرده فراماسونهای انگلیسی باشکست خاتمه یافت. یکسال بعد ازین ماجرا، گراندلژ اسکاتلند اجازه داد که باقر عاملی به مقام استادی ارتقاء یابد

لژ اعظم اسکا تلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

لژ خیام شماره ۱۵۸۵

تنصیب

برادر دکترباقر عاملی

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و تنصیب

افسران لژ

بوسیله

برادر دکتراحمد علی احمدی

استاد ارجمند تنصیب کننده

در محل لژ

انجمن رازی

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵

استادان ارجمند تنصیب کننده

- ۱ - حضرت استاد ارجمند
برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی
- ۲ - سرپرست ارجمند اول
برادر بسیار ارجمند فری ح. ا. اعظم
ناحیه و. س. ا. د. د. افتخاری ل. اعظم
اسکاتلند
- ۳ - سرپرست ارجمند دوم
برادر ارجمند فتح اله فرود کتاب بر ل ،
اعظم
- ۴ - مدیر تشریفات
برادر بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
ق. ح. ا. اعظم. ناحیه و. ر. د.
افتخاری ل. اعظم اسکاتلند
- ۵ - نگهبان داخلی
برادر ارجمند دکتر مرشدزاده ر. د.
ل. اعظم ناحیه
- ۶ - نگهبان خارجی
برادر ارجمند صالح چتایات
امین خیریه ل. اعظم ناحیه
- ۷ - خطیب
برادر ارجمند دکتر خشایار س
ا. د. ل. اعظم ناحیه

مراسم تنصیب

- ۱ - لژ خیام شماره ۱۵۸۵ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در
درجه اول افتتاح می شود .
- ۲ - مدیر تشریفات برادر ارجمند مهندس شقاقی برادر دکتر باقر عاملی
استاد تعیین شده را معرفی می نماید .
- ۳ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه ای برای استاد تعیین شده

ایراد می‌نماید .

- ۴ - مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی راقرائت می‌نماید .
- ۵ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یاد کردن سوگند و فاراری را بانجام می‌رساند .
- ۶ - کارآموزان از لژ خارج می‌شوند . لژ بدرجه دوم برده می‌شود .
- ۷ - کاریاران از لژ خارج می‌شوند . لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .
- ۸ - استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد .

تنصیب

- ۹ - لژ در درجه سوم ادامه داده می‌شود . استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می‌شوند .
- ۱۰ - بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌شود .
- ۱۱ - لژ بدرجه دوم تنزل داده می‌شود و کاریاران بداخل لژ پذیرفته می‌گردند .
- ۱۲ - بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو ارائه می‌گردد .
- ۱۳ - لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردند .
- ۱۴ - بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود و ابزار کارآموزی باو ارائه می‌شود .
- ۱۵ - فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ باستاد لژ ارائه می‌شود .

۱۶ - سایر افسران لژ سوگندیاد می نمایند و بادریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می شوند .

۱۷ - برادر بسیار ارجمند برادر دکتر سعید مالک جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می نماید .

۱۸ - برادر بسیار ارجمند و بزرگوار دکتر امیر حکمت جهت سرپرست ها خطبه ایراد می نماید .

۱۹ - برادر ارجمند و بزرگوار دکتر حسن علوی برای برادران خطبه ایراد می نماید .

۲۰ - خواندن دعا بوسیله خطیب

۲۱ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است بحضرت استاد ارجمند اعطا می نماید .

۲۲ - لژ بنحو مقرر وباستانی بسته می شود .

یکسال بعد از انجام تشریفات مذکور ، ومقام استادی که به دکتر باقر عاملی داده شد، او به ریاست لژ در سال فراماسونری ۴۶-۱۳۴۵ انتخاب گردید .
اداره کنندگان لژ مذکور در آن سال بدین شرح انتخاب شدند :

افسران لژ خیام شماره ۱۵۸۵

ق . ۱۰ . س .

دوره اجلاس ۴۶-۴۵

- | | |
|-----------------------|----------------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر دکتر باقر عاملی |
| ۲ - حضرت استاد پیشین | برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر مهدی خازنی مقدم |
| ۴ - سرپرست ارجمند اول | برادر دکتر عدل نخستین |

- ۵ - سرپرست ارجمند دوم برادر دکتر مرتضی رسا
- ۶ - دبیر برادر دکتر ناصر حداد
- ۷ - خزانه‌دار برادر سروش فروهر
- ۸ - امین خیریه (معاون خزانه‌دار) برادر مصطفی فرهنگ
- ۹ - خطیب برادر عباس اسفندیاری
- ۱۰ - راهنمای اول برادر دکتر محمدحسین حائری
- ۱۱ - راهنمای دوم برادر محمدعلی کرباسفروشان
- ۱۲ - مدیر تشریفات برادر دکتر هوشنگ رام
- ۱۳ - زیوردار و کارپرداز بعداً تعیین می‌شود
- ۱۴ - کتاب‌بر برادر دکتر حسینعلی اسفندیاری
- ۱۵ - نگهبان داخلی برادر نصرت‌الله شیلاتی
- ۱۶ - نگهبان خارجی برادر دکتر محمد طاهری



(۴)



لڑ اصفهان شماره ۱۶۱۰

تابع قانون اساسی لڑ اسکاتلند

نخستین لژ فارسی زبان فراماسونری اسکاتلند که بعد از لژ
لژ اصفهان ۱۶۱۰ های پایتخت در شهرستانها، تشکیل شد لژ اصفهان است.
 فرمان تأسیس این لژ که با شماره ۱۶۱۰ به ثبت رسیده است
 روز چهارم فوریه سال ۱۹۶۵ صادر شد و در شهر اصفهان گشایش یافت. اهمیت تأسیس
 این لژ برای فراماسونری انگلیسی آنقدر زیاد بود که «لرد بروس» استاد اعظم گرانند
 لژ اسکاتلند را برای مراسم تأسیس آن به ایران فرستادند. ولی او به علت ابتلا
 به بیماری نتوانست به اصفهان برود و نماینده‌ای از جانب خود به این شهر فرستاد.
 مؤسسين این لژ در شهر اصفهان افراد زیر بودند:

دکتر کاظم امین

عبدالباقی نواب

علی اصغر بختیار

قدرت‌اله برومند

محمد طاهر برومند

عبدالغفار برومند

علی محمد آزما

سید کاظم صدریه

احمد صدریه

دکتر اصغر محی

دبیر این لژ در سال جاری دکتر علی اصغر محبی است که در سالنامه سال ۱۹۶۸
 شانی او را «بیمارستان احمدیه» اصفهان نوشته‌اند^۱. در انگلستان هم نماینده و واسطه
 لژ اصفهان:

J. I. R. Shepherd, Greenbridg, Milltimber, Aberdednshire

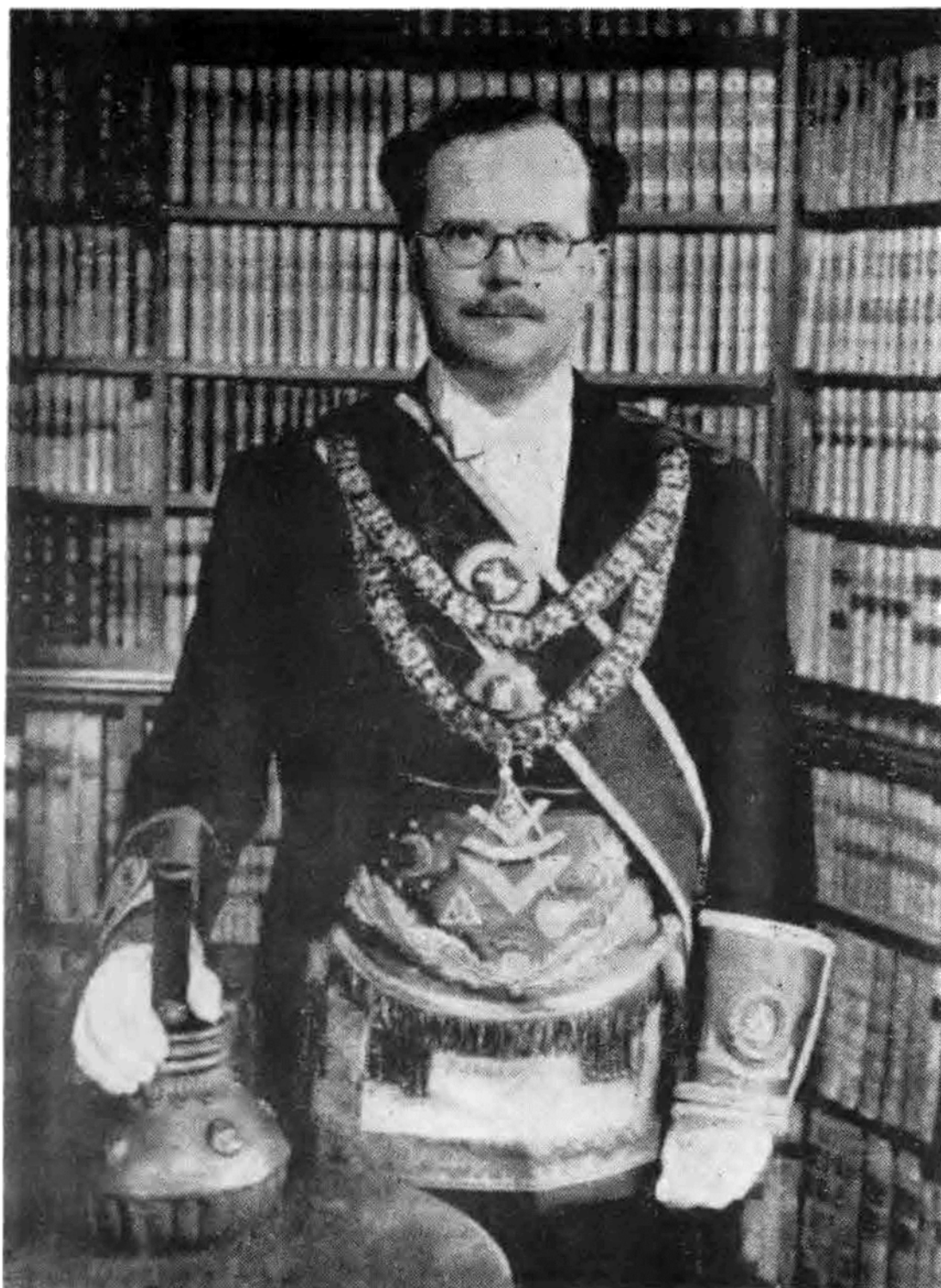
معرفی شده است.

سه ماه بعد از صدور منشور تأسیس لژ مذکور، لرد بروس استاد اعظم و دکتر الکساندر فرلی بوخان دبیر اعظم لژ اسکاتلند، به تهران آمدند تا لژ مذکور را تنصیب و مقام «استاد اعظم ناحیه ایران» را به کریستوفر فری بدهند. برای برگزاری مراسم تنصیب مقام مذکور این دعوتنامه برای همه استادان فراماسونری انگلیسی و فرانسوی و اعضای که حق شرکت در جلسه تنصیب را داشتند فرستاده شد :

« برای دیدار لرد بروس ا. اعظم ل. اعظم اسکاتلند و برادر دکتر الکساندر فرلی باخن دبیر اعظم اسکاتلند و هم چنین برای شرکت در شامی که بعد از انجام تشریفات تنصیب برادر کریستوفر آ. فری به سمت ا. اعظم ل. ن. ایران داده می شود خواهشمند است ساعت ۸ بعد از ظهر روز پنجشنبه دوم اردی بهشت ماه ۱۳۴۴ در محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر شماره ۶۶ تشریف فرما شوید .»

روز بعد نیز ضیافت باشکوه و مجللی که در آن شخصیت‌های بزرگ فراماسونری شرکت داشتند، از طرف لژ تهران با افتخار روی داده شد. در این سفر «بوخان» دبیر اعظم لژ ناحیه ایران، چون اشتیاق طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه را برای ورود به لژ های فراماسونی انگلیسی مشاهده کرده بود، به کارگردانان این لژ اطمینان داد که اجازه تأسیس چند لژ را در ایران برای آنها بگیرد .

بطوریکه قبلاً نیز گفته شد، سازمان فراماسونری انگلیسی سعی فراوانی در حفظ تشریفات و عرف و عادات قدیمه خود دارد. بدین سبب با نظم مخصوص و طبق یک برنامه تنظیمی چندین ساله، اجازه تأسیس لژ های ماسونی در انگلستان و با کشورهای دیگر جهان را می دهد. حتی در قبول عضویت نیز از نظر تعداد نفرات - سهمیه معینی برای هر یک از لژ های ماسونی جهان قائل شده اند، که تخطی از آنها آسان نیست. موقه که دبیر اعظم لژ اسکاتلند در ایران، زمینه را برای پیشرفت اندیشه و آئین فراماسونی آماده دید، با تأسیس چهار لژ دیگر نیز موافقت کرد. گزارشی که او در این زمینه به استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند در باره سفرش بایران داده است بدین شرح آغاز می گردد :



لرد بروس استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند که به ایران آمد تا لژ ناحیه اعظم ایران
ولژ اصفهان را تقدیس کند .

«... قسمت عمده و معکوس مسافرت ما این بود که در مدت کوتاه ممکنه خود را از ماری تیوس به تهران برسانیم. برای انجام این کار در مدت ۳۳ ساعت بایستی با چهار هواپیمای مختلف به ماداگاسکار، قاهره و بیروت نقل و مکان کنیم. گرچه در ساعت ۱۱ بعد از ظهر از «تایروبی» عبور کردیم، اما با کمال خوشحالی بابرادران خود «هارولد ویلکنسون»، «پرسامول قیسی الدین» و «بوی بانک» برای یک ساعتی در فرودگاه ملاقات حاصل کردیم و راجع به پیشرفت سازمان لژها اطلاعاتی بدست آوردیم که در این باب هم در دوماه پیش اشاره کرده بودم. ساعت ۳ صبح در فرودگاه قاهره چندان کاری نتوانستیم انجام بدهیم و شاید هم تا اندازه ای احمقانه، بایستی برای ریش تراشی یک دلار به یک سلمانی مصری که لبه تیغ آن فرسوده شده بود بدهیم. چون باید در بیروت ۹ ساعت بانتظار می ماندیم، من ترتیبی دادم که در سه لژ بابرادران خود در لبنان ملاقات کنم و برای مسائل ماسونی در این کشور با آنها مذاکره نمایم. در این مرحله مسافرت خانم بروس به من پیوسته و باتفاق مشارالیها به ترکیه و ایران مسافرت کردیم.

گرچه ساعت ده بعد از ظهر بود که وارد فرودگاه تهران شدیم با اینحال عده کثیری باستقبال ما آمده بودند. برادر سی ای فایری - استاد اعظم گراند لژ محلی بابرادر شقایی، برادر دورابجی، برادر دکتر سعید مالک استاد اعظم ناحیه که منسوب به گراند لژ ملی فرانسه می باشد، و بسیاری اشخاص دیگر حضور داشتند. آن روز مصادف با آخرین روز فستیوال مسلمانان بود^۱. شهر تهران از روشنائی کامل می درخشید. در مدت اقامت خود در ایران مهمان منزل جدید برادر خود و خانم فری بودیم. از طرف روتاری کلوپ تهران هم ناهار دعوت شدیم و در آنجا موفق شدم که بمنزله سخنگوی مهمانان چند کلمه ای ایراد نمایم.

منظور عمده از مسافرت ما بایران این بود که لژ ناحیه اعظم ایران را تقدیس و دائر کنیم و برادر فری را بسمت اولین استاد اعظم ناحیه ای معرفی نمایم.

۱- شاید منظور نویسنده یکی از اعیاد مذهبی و یا ملی بوده

برای این مسئله بایستی لژ بزرگ را افتتاح نموده و مایل هستم که مساعدت برادر وابسته به لژ فرانسه در ایران که دارای مقام «حضرت استاد ارجمند» می باشد و همچنین برادر شریف امامی وابسته به لژهای آلمان «که ضمناً هم ریاست سنای ایران را دارا می باشد» و مقام استاد ارجمند را دارد بستایم. برادرفری را به سمت رئیس تشریفات برادر ج. د. د. پایین (سابقاً منشی لژ روشنائی در ایران بود) و برای شرکت از کالیفرنیا مسافرت کرده بود، به سمت گراند چاپلین و برادر علی مرنندی بعنوان نگهبان بزرگ داخلی تعیین گردیدند. این لژ در محفل بسیار خوبی که بوسیله برادر شقاقی طرح ریزی شده بود تشکیل شد.

محل لژ با قالیهای متعدد و کریستالهای قابل توجه تزئین شده بود و من بخوبی پیشرفت و نفوذ ایرانی را در مورد بنیاد همبستگی ماسونی ما در تشکیل لژ ماسونی احساس کردم. یک نقاشی روی دیوار بشکل برودری شده نفیس با علامت گراند لژ و نقشه دو طرف لژ جلب توجه می کرد. دیر کد شروع به اعلام رسمیت محفل کرد. و موزیک مخصوص محفل را به ترنم در آورد.

برادران ایرانی ما آشنائی چندانی با موزیک اسکاتلندی ما نداشتند معذک تشریفات بخوبی انجام گردید و بطور کلی این انجمن خیلی جالب بود. من تصور می کنم که پیدایش این (گراند لژ محلی) باعث پیشرفت و کسب احترام و پرستش فراماسونری اسکاتلند در ایران خواهد کرد.

متأسفانه من نتوانستم در تشریفات دیگری که برای تشکیل لژ اصفهان شماره ۱۶۱۰ برپا شده بود، شرکت کنم. مخصوصاً در این مورد متأسف شدم. چون اتحادیه لژ شماره ۱۶۱۱- در نایروبی و لژ «رم کروئلا دیس» سودان شماره ۱۶۱۳ در «وینداک» را تأسیس نموده بودم و بایستی برای تکمیل آنها مراجعت کنم، آماده حرکت شدم. اما حمله سخت انفلوئزا توأم باتب ۱۰۳ درجه که ۳ روز طول کشید و باعث ناراحتی زیادی برای من شد مسافرتم را متوقف کرد. من به برادر سی. ای. فری استاد اعظم

ناحیه‌ای مأموریت دادم که لژ اصفهان را تشکیل دهد و بادییر کل لژ که برادر علی اصغر بختیار باشد همکاری نماید .

برادر فری باتفاق منشی کل و مساعدت برادر مرندی و عنایت رؤسای شرکت ملی نفت ایران بایک هواپیمای خصوصی به اصفهان و شیراز مسافرت کردند. بطوریکه شنیده‌ام تشکیل لژ اصفهان بخوبی انجام گرفته است . دوستان ما در ایران ترتیب گردش و تماشای اصفهان و شیراز را برای مათیه دیده بودند. ولی در این موقع من مبتلا به انفلونزا بودم - برادر فری و منشی کل به شیراز رفتند که ملاقاتی از برادر عرب شیبانی نمایند و معذرت مرا بایشان ابلاغ دارند که نتوانستم از مهمان - نوازی ایشان بهره مند شوم - همچنین در مورد ضیافت مجللی که برادر شقاقی در منزلشان ترتیب داده بود من نتوانستم شرکت کنم . ولی خانم بروس که بنمایندگی من شرکت کرده بود ، شرح مفصلی از آن شب برای من تشریح کرده است .

سایر برادرانی که در منزلشان ما را بشام یا ناهار دعوت و پذیرائی کرده اند عبارتند از : برادر امیر سلیمانی ، برادر علی مرندی ، برادر جورج اوانساف ، برادر دکتر نخستین وابسته میسیون امریکا و آخرین ضیافت را برادر دکتر سعید مالک در هتل دربند دادند .

در تمام این اوقات افتخار آشنائی غیر رسمی با برادران لژهای ایران را داشتیم. هنگامی که با برادر امیر سلیمانی ناهار صرف می‌کردیم ایشان محفل در اویش و مریدان مسلکاتی را که پیرو ایشان و پدر و جدشان بوده و هستند نشان دادند . يك بعد از ظهر هم برادر شریف امامی رئیس مجلس سنا ما را به ساختمان جدید مجلس سنا که دارای سنگهای مرمر بود راهنمائی و پذیرائی نمودند . افتخار صرف چای با نخست‌وزیر و سناتورها که بسیاری از آنها فراماسون بودند حاصل نمودیم .

در خاتمه ملاقات‌ها و پذیرائی‌ها، در تهران بيك فستیوال خانم‌ها در رستوران بزرگ فرودگاه رفتیم که بوسیله برادران لژ لایت ایران ترتیب داده شده بود ، و

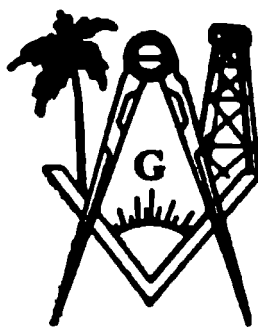
تقریباً بیش از دویست نفر حضور داشتند .

لترالیت ایران بشماره ۱۱۹۱ قدیم‌ترین لتر ایرانست و یکی از ارگان‌هایی است که اقدامات برجسته‌ای بعمل آورده است. باز هم تکرار می‌کنم از برادر فری و خانم فری که ما را بعنوان مهمان پذیرفته‌اند ، تشکر می‌نمایم و از اینکه در موقع بیماری من نهایت پرستاری را انجام داده‌اند ، سپاسگذارم.»

لتر اصفهان ، شعبه اسکاتلند اکنون عده‌ای از انگلیس مآب‌های این منطقه را بدور خود جمع کرده و بیشتر سعی دارد ، در بین دانشگاہیان و طبقه روشنفکر نفوذ کند .



(۵)



لڑ خوزستان شماره ۱۶۲۳

تابع قانون اساسی اسکاتلند

از پنجاه سال قبل که فرمان تأسیس لژهای فراماسونی انگلیسی
لژ خوزستان
 در ایران از طرف شبکه های مخفی صادر شد ، همواره جنوب
شماره ۱۶۲۳
 ایران هدف اصلی و نهائی لژنشینان انگلستان بوده است.
 سیاست استعماری انگلستان ، ابتدا برای حفظ شاهراه و -
 دروازه هندوستان و سپس نگهداری منابع زرخیز نفت ، به جنوب ایران توجه
 خاص داشته است .

نخستین لژ فراماسونی انگلیسی که در ایران تشکیل شد، در شهر شیراز بود،
 و پس از یکسال آبادان و بعد مسجد سلیمان دو نقطه فعالیت فراماسونهای انگلیسی
 بخاطر حفظ نفت برای امپراطوری انگلستان بودند . بطوریکه گذشت دو لژ -
 فراماسونی آبادان و مسجد سلیمان باملی شدن صنعت نفت در ایران و اخراج انگلیسها
 از جنوب ، تعطیل شدند . لژ آبادان به عدن منتقل شد ، ولی لژ مسجد سلیمان در
 حال تعطیل است ، و لژنشینان به امید روزیکه باردیگر آنرا در میدان های نفتی
 خوزستان افتتاح کنند در انتظار هستند. بعد از جنگ دوم جهانی لژ فراماسونی همایون
 هم دو شعبه در خرمشهر و اهواز دایر کرد، و منطقه نفت جنوب را بهترین محل برای
 کشت تخم فساد و توسعه شبکه ها و سلول های ماسونی در ایران دانست. بعد از انحلال
 لژ همایون و ایجاد لژهای وابسته بدگراند لژ اسکاتلند و گراند ناسیونال دفرانس
 که هر دو «عبودیت ، برتری و سروری» فراماسونری انگلستان را قبول دارند ، بار
 دیگر جنوب ایران بهترین نقطه برای توسعه شبکه های مخفی و پنهانی فراماسونی
 شناخته شد .

نخست گراند ناسیونال دفرانس در شیراز (لژ حافظ) را دایر کرد و سپس گراند -
 لژ اسکاتلند در لژ اصفهان و اهواز تشکیلاتی داد . این دو سازمان فراماسونی
 جهانی که هر دو «عبودیت از فراماسونی انگلستان و قبول سروری و برتری لژهای
 انگلیسی» را گردن نهاده اند ، نیز کماکان جنوب ایران را برای ایجاد شبکه های
 مخفی فراماسونی مناسب دیده و در این دو استان لژهایی تشکیل دادند .

لژ خوزستان که تابعیت گرانند لژ اسکاتلند را دارد و در ردیف شماره ۱۶۲۳ لژهای جهانی این سازمان فراماسونی ثبت شده ، فرمان و منشور تأسیس آن در روز ۵ می ۱۹۶۶ بوسیله استاد اعظم لژ اسکاتلند صادر شده است. مؤسین لژ مذکور بیست و هفت نفر از فراماسونهای انگلیسی و بشرح زیر می باشند :

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| ۱- برادر کریستوفر اسحق فری | ۲- مهندس حسین شقافی |
| ۳- فتح الله فرود | ۴- برادر نصراله آذری |
| ۵- برادر احمد امام | ۶- خسرو مستوفی زاده |
| ۷- » ابراهیم امرائی | ۸- » محمد رضا اهدائی |
| ۹- » محمد صمیمی | ۱۰- » حسن اسکندری |
| ۱۱- » محمد دورقی | ۱۲- اسدالله موسوی |
| ۱۳- علی اکبر مرعشی پور | ۱۴- حجازی |
| ۱۵- برادر کمال الدین موسوی | ۱۶- ناصر مستوفی زاده |
| ۱۷- برادر دکتر محمد علی علم | ۱۸- برادر ناصر عجم |
| ۱۹- » دکتر حسن شهمیرزادی | ۲۰- » مهندس نظام کعب عامری |
| ۲۱- » دکتر غلامرضا نجفی | ۲۲- » دکتر محمد حسن توران |
| ۲۳- » مهندس جعفر فزونی | ۲۴- » نصرالله موسوی |
| ۲۵- » دکتر حسین اهری | ۲۶- » صدری کیوان |
| ۲۷- » محمد علی مرتضوی | |

تشریفات و مراسم افتتاح این لژ با همه آداب و رسوم معمول ، در حضور شش نفر از استادان لژهای انگلیسی که از تهران به اهواز رفته بودند ، در روز سه شنبه دوم اردیبهشت ۱۳۴۶ ، به شرحی که عیناً از رساله چاپی اقتباس شده است ، انجام گردید :

ژ خوزستان شماره ۱۶۲۳

ل. ا. اسکاقلند

ل. ا. ن. ایران

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

تقدیس و تأسیس

ل. خوزستان

شماره ۱۶۲۳ در اهواز

در تاریخ سه‌شنبه ۲ اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۴۶

مطابق دوم مه ۱۹۶۷

تنصیب

حضرت استاد ارجمند

وافسران لژ

بوسیله

افسران لژ اعظم ناحیه ایران

استاد ارجمند و افسران تقدیس کننده و تأسیس کننده

لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ ق. اس.

استاد ارجمند	برادر ث. ی. فری	استاد لژاعظم ناحیه ایران
استاد ارجمند پیشین	» مهندس حسین شقاقی	قائم مقام استاد لژاعظم ناحیه ایران
سرپرست ارجمند اول	» ژرژ اوانسف	ناظر لژاعظم ناحیه ایران در منطقه خوزستان
سرپرست ارجمند دوم	برادر صالح چتایات	سرپرست دوم لژاعظم ناحیه ایران
رئیس تشریفات	» فتح الله فرود	دبیر لژاعظم ناحیه ایران
نگهبان داخلی	» مهندس علی اصغر بختیار شمشیردار	لژاعظم ناحیه ایران

استاد ارجمند و افسران تنصیب کننده

لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ ق. اس.

استاد ارجمند	برادر ارجمند فتح الله فرود
استاد ارجمند پیشین	» بسیار ارجمند ث. ی. فری
سرپرست ارجمند اول	» ژرژ اوانسف
سرپرست ارجمند دوم	» صالح چتایات
سرپرست تشریفات	» بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
نگهبان داخلی	» ارجمند مهندس علی اصغر بختیار

برنامه تقدیس

- ۱ - برادران در طالار مجتمع شده می ایستند.
- ۲ - هیئت نمایندگی لژ اعظم ن. ا. بدسته منظم داخل لژ می شوند.
- ۳ - لژ بنایان آزاد . در درجه اول افتتاح می شود
بدرجه دوم برده می شود
بدرجه سوم ارتقاء می یابد

۴ - خطیب تنصیب‌کننده دعای خواند .

۵ - برادران سرود تقدیس رامیسرایند .

سرود تقدیس آهنگ ملکب^۱

۶ - خطیب مزمور ۱۳۳ را قرائت می‌نماید .

۷ - استاد اعظم برای برادران خطبه ایراد می‌کند .

۸ - افسران لژ اعظم ن . ا . بدسته منظم دورلژ می‌گردند و در این هنگام بخش

اول مزمور ۲۳ سرانیده می‌شود .

افسران مزبور در شرق توقف کرده استاد اعظم بذرافشالی می‌نماید .

مزمور ۲۳ - بخش ۱ آهنگ کریموند

۹ - دسته افسران مزبور دورلژ می‌گردند و در این هنگام بخش دوم مزمور

۲۳ سرانیده می‌شود و سپس دسته افسران در غرب توقف کرده و استاد شراب می‌ریزد .

مزمور ۲۳ - بخش ۲

۱۰ - دسته مذکور برای بار سوم دورلژ می‌گردند و در این حال بخش سوم مزمور

سرانیده می‌شود .

دسته در جنوب توقف کرده و استاد اعظم ن . ا . روغن می‌ریزد .

مزمور ۲۳ - بخش ۳

۱۱ - استاد اعظم و افسران ل . اعظم ن . بمقرهای خود باز می‌گردند :

برنامه تاسیس

۱۲ - استاد اعظم فرمان لژ را قرائت می‌نماید

۱۳ - استاد اعظم از رئیس نشریفات اعظم می‌خواهد که لژ و شماره لژ و تابعیت

آنرا اعلام نماید .

۱ - چون قبلا آیات نورات از مزامیر داود نقل شده از تکرار آنها جلوگیری می‌شود .

- ۱۴ - رئیس تشریفات اعظم اعلامیه زیر را بیان می نماید :
- برادران - بامر استاد اعظم بنایان آزاد بدینوسیله اعلام می دارم که بموجب قدرت و اختیار لژ اعظم منظمی از بنایان آزاد پذیرفته شده و باستانی تحت اسم و عنوان لژ خوزستان به شماره ۱۶۲۳ - تأسیس و تقدیس می گردد محل تشکیل آن شعبه انجمن رازی در اهواز می باشد. این لژ از این پس اختیار اجرای کلیه حقوق و مزایای راکه طبق فرمان آن و قوانین اساسی لژ اعظم بآن تعلق می گردد خواهد داشت تا طبق عادات و سنن باستانی برادری رفتار نماید .
- ۱۵ - خطیب اعظم می گوید: از خداوند متعال می خواهم که رحمت خود را شامل این لژ نموده و بکارهای آن خیر و برکت عطا فرماید برادران آمین می گویند.
- ۱۶ - رئیس تشریفات اعظم از افسران تعیین شده لژ می خواهد که لژ را دور زده بطوریکه استاد تعیین شده در جلوی آنها قرار گرفته باشد و احترامات خود را نسبت به لژ اعظم با سلام دادن با استاد اعظم بجا آورند .
- ۱۷ - خطیب اعظم دعا می خواند .
- استاد اعظم جواب می دهد - بزرگی خدای را بر ازنده است و پس برادران می گویند - صلح در روی زمین و سعادت برای بشر .
- ۱۸ - مزمور ۷۲ سرانیده می شود .

مزمور ۷۲ آهنگ دائرملاین

- ۱۹ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می شود .
- ۲۰ - لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می شود .
- ۲۱ - مدیر تشریفات تنصیب کننده استاد تعیین شده را معرفی می نماید
- ۲۲ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه ای برای استاد تعیین شده ایراد می نماید .

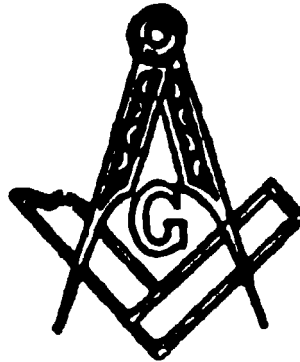
- ۲۳- مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت می‌نماید .
- ۲۴- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده مراسم یاد کردن سوگند وفاداری را اداره می‌نماید .
- ۲۵- انجام مراسم سرود .
- ۲۶- کارآموزان از لژ خارج می‌شوند - لژ بدرجه دوم برده می‌شود .
- ۲۷- کاریاران از لژ خارج می‌شوند- لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .
- ۲۸- استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد .
- ۲۹- تشریفات تنصیب استاد ارجمند .
- ۳۰- لژ در درجه سوم ادامه داده می‌شود - استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می‌شوند .
- ۳۱- بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌شود .
- ۳۲- لژ بدرجه دوم تنزل داده می‌شود و کاریاران بداخل لژ پذیرفته می‌گردند.
- ۳۳- بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو ارائه می‌گردد .
- ۳۴- لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردند.
- ۳۵- بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود و ابزار کارآموزی باو ارائه داده می‌شود .
- ۳۶- فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ با استاد لژ ارائه می‌شود.
- ۳۷- سایر افسران سوگند یاد می‌نمایند . و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .
- ۳۸- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده با استاد پیشین دیگر خطبه‌هایی ایراد می‌نماید برای :

حضرت استاد ارجمند
سرپرستان ارجمند
برادران

- ۳۹- برادران مزبور صدم را می‌سرایند . (آهنگ صدم قدیم)
- ۴۰- خواندن دعا بوسیله خطیب .
- ۴۱- حضرت استاد تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است از طرف لژ اعظم بحضرت استاد ارجمند اعطاء می‌نماید .
- ۴۲ - حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد .
- ۴۳ - حضرت استاد ارجمند دیپلم‌های مؤسسين را اعطاء می‌نماید .
- ۴۴ - ح . ا . ا . گواهینامه های رسیده از لژ اعظم را اعطاء می‌نماید
- ۴۵ - صندوق اعانه‌گردش داده می‌شود .
- ۴۶ - موضوعات دیگر که به لژ احاله شده باشد مورد رسیدگی واقع می‌شود .
- ۴۷ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .
- ۴۸ - سرود اختتام - آهنگ الرس
- بعد از تأسیس لژ مذکور ، نخستین انتخابات برای تعیین افسران و کار-
گردانان لژ خوزستان بعمل آمد و این افراد به‌سمت افسران لژ در سال ۴۷-۴۶
انتخاب شدند :

استاد ارجمند	برادر نصرالله آذری
قائم مقام استاد	» بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
معاون استاد	» بسیار ارجمند فتح‌الله فرود
سرپرست اول	» احمد امام
سرپرست دوم	» مستوفی‌زاده
دبیر	» ابراهیم امرائی

(٦)



لژ ژاندارك

لژ ژاندارك ١٦٠٨

هشتمين لژ فارسي كه تابعيت اسكاتلند را دارد ، لژ « ژاندارك » است . اين لژ كه در ردیف شماره ١٦٠٨ لژهای اسكاتلندی در جهان ثبت شده است ، فرمان تأسيس آن در روز هفتم می ١٩٦٦ صادر شده . لژ مذکور در چهارمین چهارشنبه هر ماه مسیحي تشکیل می شود و اعضای آن از منتخبین لژهای تهران و کورش می باشند . نخستین استاد اعظم این لژ دکتر مهدی میرزا حسابی عضو بازنشسته وزارت کشور است که باتفاق افسران لژ در اولین سال تأسيس انتخاب شده است . محمد کشاورزبان معاون پارلمانی وزارت کشور دعوت نامه زیر را برای اعضای لژ فرستاده است :

آقای محترم و برادر عزیز

باکمال احترام از آن برادرگرامی دعوت می شود که برای شرکت در مراسم تقدیس و تأسيس و تنصیب برادر دکتر مهدی میرزا حسابی و افسران لژ . ژاندارك شماره ١٦٠٨ و شرکت در شام برادرانه ساعت ٦ بعد از ظهر روز دوشنبه هشتم خرداد ماه ١٣٤٦ برابر با بیست و نهم مه ١٩٦٧ به خیابان شاهرضا کوچه انوشیروان دادگر شماره ٦٦ تشریف بیاورند .

دبیر لژ : ژاندارك محمد کشاورزبان

لباس اسمو کینگ یا تیره

برای نخستین بار در سالنامه سال ۱۹۶۸ نماینده و رابط لژ ژاندارک در انگلستان^۱.

John. F. H. Kenning, Easter Tegarmuchd, By Aberfeldy, Perthshire.

و نماینده در ایران محمد کشاورز زیان - نشانی: باشگاه رازی معرفی شده اند

اعضای این لژ عبارتند از:

داریوش کامیاب

مهندس حیدر علی ارفع

دکتر علی مداوی

دکتر محمد کاظمی

مهندس فیروز عدل

عزت الله والا

محمد فرهمند

مهندس ابراهیم همایونفر

مهندس عزت الله مخاطب رفیعی

دکتر منوچهر شایان

مهندس مسعود مهدوی

مهندس فتح الله ستوده

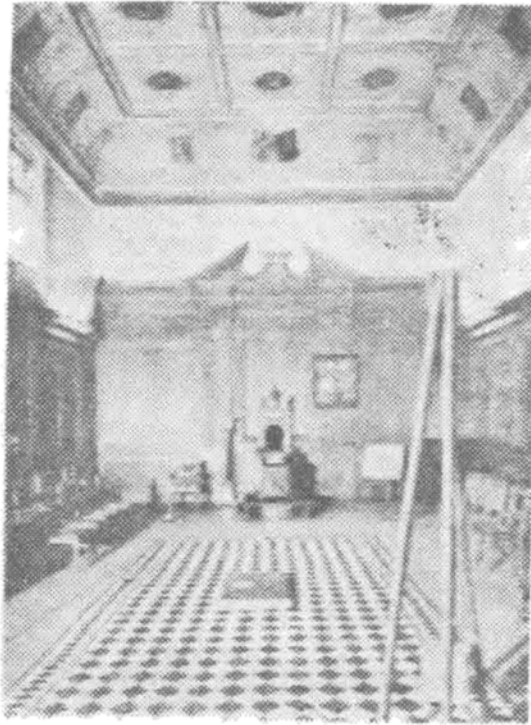
احمد ولائی

علیرضا فداکار

مهندس علیمراد زند

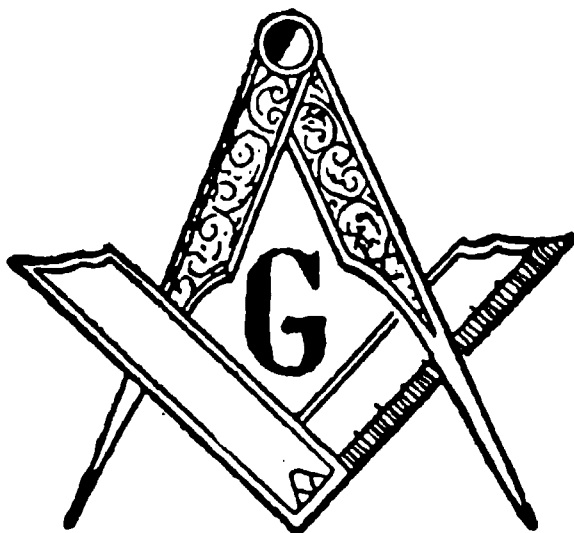
دکتر محمد حسین موسوی گرگانی

عبدالحمید بختیار
 یوسف رئیس سمیعی
 غلامحسین گلشن بزرگ
 دکتر محمد مدنی
 کاظم شایان
 دکتر حسین شیخ نیا
 دکتر رحیم قادری نژاد .



داخل معبد ماسونی انگلستان شماره ۴۷۹

(۷)



لژ نور

لژ نور شماره ۱۶۳۱

نهمین لژ فارسی زبان فراماسونری انگلیسی در ایران، لژ «نور» به شماره ۱۶۳۱ می باشد. این لژ در دومین چهارشنبه ماه مسیحی در محل باشگاه رازی تشکیل می شود و ریاست اعظم آن با دکتر سید حسن امامی، امام جمعه تهران است. دکتر امامی سالها قبل در لژهای فراماسونری فرانسه عضو شده است. ولی فراماسونهای انگلیسی برای اینکه شخصیت برجسته ای را در رأس تشکیلات خود بگمارند، از وی تقاضا کردند که عضویت لژ آنها را قبول کند. طبق مقررات و قوانین فراماسونری، هر یک از اعضای یک لژ فراماسونری می توانند در یکی دو لژ دیگر نیز عضویت پیدا کنند، به شرطی که آن لژها، عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی را قبول داشته باشند. و مثلاً هیچیک از اعضای لژهای انگلیسی یا فرانسوی یا آلمانی که هم اکنون در تهران فعالیت می کنند، نمی توانند عضویت لژهای گرانداوریان فرانسه را بپذیرند، زیرا این لژ قدیمی جهانی، از یکصد سال قبل تاکنون حاضر به قبول عبودیت و برتری گرانداوری لژهای (اسکاتلند، انگلند، ایرلند) و سایر گرانداوری لژهایی که تابعیت این سازمانها را دارند، نشده است. به همین جهت به فراماسونهایی که در لژهای تابعه گرانداوری لژهای انگلیسی هستند، اخطار شده که بهیچوجه داخل چنین سازمانهایی نشوند. و حتی با اعضای

آن تماس نگیرند و به یاری و کمک آنها بشتابند. در عوض هر فراماسونری که عبودیت لژهای انگلیسی را گردن نهد، می‌تواند با پرداخت ورودیه و حق عضویت در یکی دولژ سمت افتخاری و با عضویت رسمی داشته باشد. بدین لحاظ سازمان فراماسونری انگلیسی مقیم ایران دکتر سید حسن امامی، امام جمعه را به خاطر شخصیت مذهبی و اجتماعاً نفوذی که در سازمان‌ها و مقامات دولتی دارد، وارد تشکیلات خود کرد و او را در رأس لژ نور قرارداد.

این لژ بموجب دعوتنامه‌ای که ذیلاً نقل می‌شود، در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ در تهران «تأسیس و تقدیس» شد و همه تشریفات رسمی تشکیل لژ و حتی خواندن آیات تورا و ادعیه انجیل توأم با موزیک که در این گونه مواقع اجراء می‌گردد، عیناً و با حضور کریستوفر اسحق فری یهودی الاصل (ناظر اعظم لژ ناحیه ایران) انجام پذیرفت. دعوت نامه تشکیل لژ به شرح زیر است:

لژ نور شماره ۱۶۳۱ ق.اس

آقای محترم و برادر عزیز

با کمال احترام از آن برادر گرامی دعوت می‌شود تا در جلسه تأسیس و تقدیس

لژ نور و تنصیب برادر

دکتر سید حسن امامی

بسمت ح. ا. ا. که در تاریخ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ ساعت ۶¼ بعد از ظهر در محل انجمن رازی تشکیل می‌گردد حضور بهمرسانید و نیز خواهشمند است در شام برادران که همان شب از طرف استاد ارجمند داره می‌شود شرکت فرمائید.

دبیر دکتر رحمت مرشدزاده

لباس اسمو کینگ یا تیره

تشکیل و تأسیس این لژ با حضور افراد زیر بعمل آمد:

ناظر اعظم لژ ناحیه ایران

کریستوفر اسحق فری

قائم مقام ناظر اعظم

مهندس حسین شقاقی



دکتر سید حسن امامی
 (امام جمعه) فرزند حاج میرزا
 ابولقاسم امام جمعه و برادرزاده
 و داماد ظهیر الاسلام است. او
 تحصیلات خود را در علوم شرقی
 در ایران پایان رسانید و برای
 تکمیل علوم جدید و گرفتن
 دکترای حقوق بسویس رفت.
 هنگام ورود بدانشگاه لباس اهل
 علم را از تن بیرون کرده و پس
 از گرفتن درجه دکترای تهران
 بازگشت. پس از مراجعت به
 ایران با کت و شلوار و کلاه شاپو
 وارد خدمت وزارت دادگستری
 شد و بریاست دادگاه‌ها
 منصوب گردید. پس از

فوت عمش، در سال ۱۳۲۰ به امامت جمعه و ریاست مسجد سلطانی منصوب گردید.
 وی اولین امام جمعه‌ای بود که در مسجد شاه ابتدا نیمکت سپس صندلی را معمول
 کرد و همین امر سبب شد تا جوانهای متجدد در مراسم وعظ و سوگواری مسجد
 شرکت جویند. ایشان در دانشکده حقوق دانشگاه، مقام استادی دارند و در
 دسته‌بندی‌های سیاسی سهم مهمی دارند. در دوره هفدهم به ریاست مجلس انتخاب
 شد، ولی مبارزه رئیس دولت وقت وی را مستعفی کرد. پس از استعفا به اروپا رفت. یکبار از
 طرف یکی از متعصبین با سوء قصد شد و بطور معجزه آسایی نجات یافت. وی مورد احترام
 طبقه زیادی از اجتماع و مقامات دولتی است و از روحانیون قشری و متعصب دوری می‌جوید.

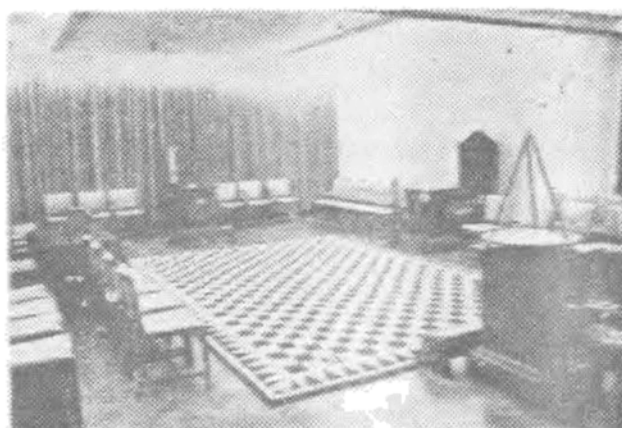
پرویز کاظمینی	راهنمای اول
دکتر توران	رئیس تشریفات
علی اصغر بختیار	زیوردار
دکتر احمدی	کتاب بر
رضا جعفری	نگهبان داخلی
دکتر مرشدزاده	دبیر

دکتر سیدحسن امامی که در اولین دوره افسران لژ به سمت «استاد ارجمند» انتخاب گردید، سعی دارد افراد برجسته‌ای را وارد، تشکیلات لژ نور بنماید، چنانچه پذیرش عضویت سر تیپ رحیم صفاری در این لژ، نخستین قدم برای کسب اعتبار و اهمیت این لژ می‌باشد.

فعالیت و عملیات این لژ را به تفصیل در جلد چهارم، بیان خواهیم کرد و با ذکر مشخصات واسطه لژ در انگلستان و ایران به معرفی لژ مذکور خاتمه می‌دهیم^۱:

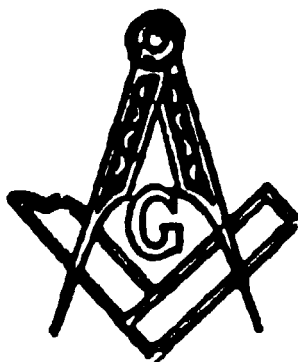
Robert S. Beveridge, 3 Burns Ave. Armadale. Westlothian

نماینده در ایران - دکتر مرشدزاده - خیابان نفت - کوی شماره یک.



محفلی که به لژهای شهر لندن برای جلسات لژ اجاره می‌دهند

(۸)



لژ آریا ۱۶۲۲

تأسیس لژ آریا از سال‌ها قبل مورد نظر فراماسونری اسکاتلند در ایران بود برای نخستین بار در روز چهاردهم اردیبهشت ۱۳۳۹ دعوتی از طرف «جمال کاشانی» عضو کنسرسیوم نفت و باجناب دو استاد فراماسونری «فری - مازندی» از عده‌ای از فراماسونها بعمل آمد. او در آن روز تصمیم‌گیراند لژ محلی «اسکاتلند در ایران» را برای تشکیل لژی بنام «آریا» به برادران فراماسونش ابلاغ کرد. ولی بعلمی که بر ما معلوم نیست، فرمان تأسیس لژ مذکور سال‌ها بعد در روز ۵ می ۱۹۶۶ از مرکز گراندر صادر شد.

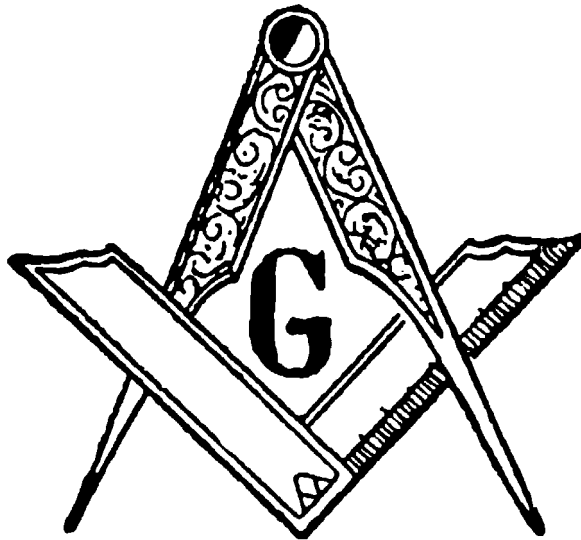
این لژ روزهای دومین سه‌شنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی تشکیل جلسه می‌دهد و دبیر و نماینده لژ در ایران دکتر پرویز علا. فرزند مرحوم حسین علا می‌باشد.

نماینده لژ در انگلستان طبق مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گراندر اسکاتلند

این شخص می‌باشد :

W. Page Burgess, 68 Lauderdale Gardens Glasgow, W 2.

(۹)



لژاهواز ۱۶۲۷

دهمین لژ فراماسونری اسکاتلند در ایران بنام اهواز می‌باشد که در روز چهارم اگست ۱۹۶۶ تأسیس شده است. این لژ که در سومین دوشنبه هر ماه مسیحی و در ماه‌های جون تا نوامبر تشکیل می‌شود، جلسات خود را در باشگاه رازی تهران برگزار می‌کند. گذاردن نام «اهواز» بر روی این لژ، بدان جهت است که پنج نفر از خوزستانی‌های عضو لژهای انگلیسی، لژ مزبور را تأسیس کرده‌اند. اینان عبارتند از:

علی‌اصغر ادیب محمدی - استادار جمند

سید اسداله موسوی

مهندس سلطان محمد سلطانی

دکتر حسن شهمیرزادی

بختیاری بختیاربها

نفصیل بیشتر درباره سازمان این لژ در جلد چهارم خواهد آمد.

فصل بیست و هشتم

A. L. G. D. G. A. D. L. U.

**GRANDE LOGE
NATIONALE FRANÇAISE**



لژهای فراماسونری فرانسه در ایران



دکتر سعید مالک استاد اعظم لژهای فرانسوی در ایران

دومین سازمان بزرگ فراماسونری ایران، که در تهران، شیراز و تبریز فعالیت می‌کند، لژ وابسته سازمان های ماسونی فرانسه است که دارای لژ، یک شاپیتر و یک‌گراند لژ محلی است. این سازمان فراماسونری که بموجب اجازه و فرامین صادره از مرکز گراند لژ «ناسیونال دفرانس» تشکیل شده، مستقیماً بالژ اصلی وابستگی مداوم دارد و از مرکز این گراند لژ در پاریس پیروی و از اوامر و فرامین آن اطاعت می‌کند. اجازه قبول عضو، تعیین ساعات و روزهای تشکیل لژ در ایران، انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و بالاخره اجرای قطعی اوامر صادره از طرف استاد اعظم گراند لژ، از وظایف اصلی این لژهای فراماسونری است.

لژهای فراماسونری در ایران، چون منشعب از گراند لژی هستند که خود سروری و برتری لژهای انگلیسی و عبودیت نسبت بآنها را پذیرفته است، بدین سبب، از نخستین روز آغاز فعالیت، تا با امروز، اوامر صادره از طرف لژهای انگلیسی را بدون چون و چرا اجرامی‌کنند. اعضای این لژها حق دارند عضویت لژهای انگلیسی را بپذیرند، و بپرداخت حق عضویت باین لژها، در جلسات آن شرکت کنند. هم‌چنین در تشریفات رسمی تشکیل لژهای انگلیسی و یا مراسم ارتقاء مقام «استاد اعظم» فراماسون های انگلیس و بالعکس افراد این لژها حق دارند، دعوت دبیران لژها را بپذیرند و سمت‌های فراماسونی تشریفاتی و یا افتخاری را قبول کنند.

لژهای فرانسوی که در ایران تشکیل شده‌اند، تا پنجاه درصد - یعنی نیمی از درآمد خود را به مرکز گراند لژ فرانسه می‌فرستند. این لژها حق ندارند، بدون کسب اجازه و جلب موافقت لژهای فرانسوی، تغییراتی در ارکان های خود بدهند حتی نمی‌توانند ساعات تشکیل جلسات خود را قبل از کسب اجازه تغییر دهند. اعضای این لژها مجبور به اطاعت و اجرای دستورات صادره از مرکز گراند لژ هستند و چنانچه در اجرای اوامر صادره تخلفی از آنان دیده شود، بلافاصله طرد شده و برادران فراماسون آنها در سراسر جهان فرد متخلف را منفور و مطرود خواهند شناخت. البته باید متذکر شد که در این صورت فقط آن دسته

از لژهای فراماسونری جهان که برتری لژهای انگلیسی و عبودیت خود را نسبت بآنها پذیرفته‌اند، فراماسون متخلف را طرد و با او مبارزه می‌کنند.

نخستین باری که در یکی از نشریات جهان، به تشکیل و فعالیت لژهای گراندا ناسیونال در ایران اشاره شده، جملاتی است که Alce Mellor نویسنده کتاب «فراماسونری در لحظه تصمیم»^۱ در کتاب خود آورده است. «الس مللور» می‌نویسد: «...گراندا لژ ناسیونال دفرانس بتازگی با تجدید حیات و هدایت فراماسونری جهانی خود نمائی می‌کند. بدنبال اختلافاتی که میان دولتین ایران و انگلستان بر سر مسئله شرکت نفت ایران و انگلیس پیش آمد، لژ روشنائی در ایران که قبلاً توسط گراندا لژ اسکاتلند تأسیس شده بود، درخواست تعطیل موقت و سکوت طولانی کرد^۲. بعد از این حادثه چند تن از فراماسون های سرشناس، در شرایطی مشکوک تصمیم به تأسیس چند لژ غیر وابسته [sauvages] به سازمان های ماسونی جهان گرفتند. لژهایی که بکلی خودمختار بوده و با هیچ سازمان رسمی ماسونی دیگری ارتباط نداشت.

مسئله چنین لژی نمی‌توانست به سازمان های جهانی وابستگی داشته باشد و در نتیجه، مدت زیادی پابرجا بماند. طبعاً تشکیل چنین سازمانی کاملاً موقتی بود و در چنین وضعی امکان تقاضای ثبت این لژ و برسمیت شناختن آن از طرف تأسیس کنندگان ایرانی آن وجود نداشت، لذا آنها با توجه به شرایط موجود زمانی تصمیم گرفتند به گراندا لژ ناسیونال دفرانس روی آورند. بدین منظور نخست هیئتی مرکب از هفت شخصیت برجسته ایرانی (یک وزیر سابق - یک استاد دانشگاه - یک دریادار - یک پزشک - یک رئیس بانک و دو نفر دیگر) رهسپار فرانسه شدند. بدین ترتیب لژ جدیدی وابسته به گراندا لژ ناسیونال دفرانس و تحت سرپرستی

۱ - Lafranc - maconnerie A L'heure Du Choix 1963

۲ - نویسنده تعطیل لژهای فراماسونری اسکاتلندی «پیشاهنگ» و «مسجد سلیمان» را در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان که بعد از خلع پداز شرکت سابق نفت در روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ اتفاق افتاد، بالژ روشنائی در ایران که پنجاه سال است بدون تعطیل کاری کند، اشتباه کرده است.

و اطاعت آن تأسیس شد، که از آن تاریخ تا کنون بکار خود ادامه می‌دهد. لژ انگلستان نیز بعد از مدتی فعالیت مجدد خود را آغاز، و کماکان کار خود را دنبال کرد. برای سازمان فراماسونری در ایران وضعی نظیر وضع فرانسه در قرن هیجدهم پیش آمد که طی آن لژ فرانسه [گراند اوریان] بتدریج از وابستگی های خود به لژ های انگلستان کاست و خود مختاری خاصی پیدا کرد^۱،

تأسیس لژ های فراماسونری فرانسه، هنگامی صورت گرفت **انحلال لژ همایون و** که فرمان انحلال لژ همایون صادر شده بود. قبل از اینکه **مبارزه برای الحاق** آخرین جلسه لژ همایون برای اخذ تصمیم نهائی به انحلال لژ تشکیل شود، رؤسا و افسران کرسی لژ مذکور در صدد بر آمدند به «گراند لژ ناسیونال دفرانس» ملحق شوند. این گراند لژ که خود عبودیت و برتری سازمان جهانی فراماسونری انگلستان را پذیرفته است، در نظر فراماسونهای ایرانی عضو لژ همایون، بر لژ «گراند اوریان» برتری داشت، حال آنکه گراند لژ «وادئیل» که فرمان تقدیس و تأسیس لژ همایون را صادر کرده بود، به گراند اوریان فرانسه که از قرن هیجدهم به بعد خود مختار شد، بستگی داشت، و قاعدتاً اگر اعضای لژ همایون می‌خواستند بدون وابستگی به لژ های ماسونی جهانی بکار خود ادامه دهند، می‌بایستی به «گراند اوریان» مستقل ملحق شوند، نه گراند ناسیونال فرانسه وابسته به انگلستان... ولی رؤسای کرسی لژ روشنائی در ایران برای اینکه لژ جدیداً تأسیس با آنها بستگی داشته باشد، فراماسونهای لژ در حال تعطیل همایون را تشویق کردند که به گراند لژ ناسیونال دفرانس ملحق شوند، زیرا این گراند لژی یکی از سازمان های وابسته انگلیسی است که عبودیت خود را نسبت با آنها قبول دارد و از مدت ها قبل آرزو داشت که تشکیلاتی وابسته بخود در ایران داشته باشد. بدین لحاظ، نامه ای از طرف محمد خلیل جواهری استاد اعظم لژ همایون برای «پیرشهر» استاد اعظم گراند ناسیونال ارسال و طی آن تقاضای پذیرش شد. در همین زمان

چنانکه قبلاً بتفصیل گفته شد ، گرانداوریان دفرانس که لژ همایون را برسمیت می‌شناخت، دعوتنامه‌ای برای شرکت در آخرین جلسه «کنوان» و اعزام نماینده‌ای بتهران ارسال داشت .

هنگام وصول این دعوتنامه ، اختلافی بین کارگردانان لژ همایون برسر قبول دعوتنامه ، یا الحاق به گرانداوری ناسیونال دفرانس بوجود آمد . قبلاً گفته شد که در بین فراماسون‌های لژ همایون، عده‌ای بودند که در فرانسه، امریکا، عراق، هندوستان، مصر، لبنان و سوریه بطور قانونی فراماسون شده و درجات مختلف را طی کرده بودند. کارگردانان لژ روشنائی در ایران از وجود این عده که بطور قانونی و شناخت جهانی، فراماسون شده بودند ، برای ایجاد نفاق و تفرقه بین اعضای لژ همایون و از هم پاشیدن لژ استفاده کرده ، دودسته را علیه یکدیگر تخبیز کردند . وصول دعوتنامه گرانداوریان و ارسال تقاضانامه الحاق به گرانداوری ناسیونال دفرانس فرصت دیگری بدست کارگردانان انگلیسی لژ روشنائی در ایران داد ، نادانانه اختلافات را وسیع‌تر کنند .

برای فراماسون‌های انگلیسی ، الحاق فراماسون‌های ایرانی به گرانداوری ناسیونال دفرانس بمراتب بهتر و پسندیده‌تر از وابستگی آنها به گرانداوریان بود، زیرا گرانداوریان از ده‌ها سال قبل تاکنون بهیچوجه حاضر بقبول برتری لژهای انگلیسی و اطاعت از طریقت‌های اسکاتلندی ، انگلندی و یورک نشده‌است . بنابراین در مبارزه بین دودسته ماسون‌های ایران ، کرسی لژ انگلیسی روشنائی در ایران دسته طرفدار الحاق به ناسیونال فرانسه را تقویت می‌کردند. محمد خلیل جواهری که از این مبارزات ناراضی بود ، برای اینکه هر دو دسته را خشنود سازد ، دکتر احمد هومن را مأمور شرکت در «کنوان» گرانداوریان کرد، و در عین حال به برادرش دکتر محمود هومن که عضویت لژ همایون را داشت و در پاریس هم عضو گرانداوری ناسیونال شده بود مأموریت داد تا بامنشی گرانداوری تماس گرفته و مقدمات الحاق را فراهم کند . در نامه‌ای که دکتر محمود هومن روزه ۲۵ خرداد ۱۳۳۴ به برادرش دکتر

احمد هومن نوشته در این باره چنین می نویسد :

«برادر عزیزم . امیدوارم شاد و تندرست باشید ، نامه استاد اعظم را برای آقای پیرشره فرستادم و شرحی نیز ضمیمه کردم. اینک جوابی را که منشی G.L.N.F. نوشته است به پیوست می فرستم . خواهش می کنم سلام ایشان را خدمت استاد اعظم برسانید .

چنانکه از متن جواب بر می آید ، ظاهراً موضوع را بانظر موافق رسیدگی می کنند و می توان امیدوار بود که مسئله الحاق عملی شود. البته چنانکه برای توضیحات بیشتر از من دعوت کنند، مطالب را چنانکه باید و شاید روشن خواهم کرد و جزئیات موضوع را بعداً گزارش خواهم داد. ضمناً گزارش می دهم که دعوتی از طرف گرانداوریان فرانسه ، توسط برادر عزیزمان دکتر خلعتبری برای باشگاه مافرستاده شده است که در آخرین جلسه کنوان نماینده اعزام دارند . بنظر من نباید این دعوت را قبول کرد ، زیرا گرانداوریان از نظر G.L.N.F رسمیت ندارد و باین ترتیب :

شرط مردی نیست بایک دل دو دلبر داشتن

یار دارا بودن و دل با سکندر داشتن

البته هر طور که استاد اعظم تصمیم بگیرند مطابق مصلحت خواهد بود ، ولی بنظر من این تذکر لازم بود . در ملاقات قبلی که با آقای پیرشره کردم، ایشان گفتند که عملی کردن پیشنهادات شما مدتی وقت لازم دارد و بایستی موضوع را در شورای عالی لژ مطرح کنیم . بنابراین نباید توقع سرعت زیاد داشت و گمان می کنم ، اگر موافقت حاصل شود ، اقدامات لازم برای دوره افتتاحیه بعدی لژها که در اکتبر ماه خواهد بود ، به نتیجه برسد و در این فاصله فرصت کافی هست که برادران ما بجزئیات ریتول اسکا تلند آشنا شوند، تا در صورتیکه نماینده ای از طرف G.L.N.F آمد، جلسه ای طبق رسوم و تشریفات در حضور ایشان تشکیل شود...».

وصول نامه دکتر محمود هومن ، دسته طرفدار «گرا انداوریان» را شکست داد، بطوریکه بتدریج همه با الحاق به گرا اندناسیونال موافق شدند. در یک جلسه فوق العاده نامه مذکور و همچنین گزارشی که قبلاً دکتر احمد هومن در مسافرت سال قبل به فرانسه به استاد اعظم داده بود ، قرائت شد . در گزارش قبلی نوشته شده بود :

«... سازمان دیگری موسوم به گرانند لژدفرانس هست که اعضای آن با کتاب آسمانی قسم می خورند . البته عده آن ده هزار نفر است و اهمیت گرا انداوریان را ندارد . با آنها هم تماس گرفتم و بناست دوز دیگر با استاد اعظم آن ناهار بخورم... ظاهراً لژهای انگلیسی ، گرا انداوریان فرانسه را نمی شناسند . و هیچ ارتباط باهم ندارند و حتی هیچ ماسون انگلیسی حق ندارد پای خود را در آنجا بگذارد . اینها هم می گویند اگر آزادی عقیده کامل جزو اصول کلی است، پس چرا باید بکتاب آسمانی قسم خورد...؟!»

گزارش های برادران «هومن» که طرفدار الحاق به لژهایی بودند که از طرف انگلیسها و طریقت های انگلیسی برسمیت شناخته شده بودند، سبب شد که اکثریت اعضای لژ همایون ، همچنان طرفدار شرکت و عضویت در لژهایی که با انگلیسها مرتبط هستند ، بشوند .

در ایران سازمانهای فراماسونری نردبان ترقی، آنهم بوسیله انگلیسها شناخته شده است . دکتر احمد هومن در گزارش خود با استاد اعظم لژ همایون از اختلاف حل نشدنی بین لژ گرا انداوریان و لژهای انگلوساکون اظهار ناراحتی کرده و صریحاً می نویسد : «... آیا مقتضی است با این اختلافی که بالژهای انگلوساکون دارند ، ماجز و اینها بشویم...» یقیناً جواب این سؤال از نظر ماسون های ایرانی که طرفدار انگلستان و طریقت های انگلیسی و اسکاتلندی هستند ، با توجه به فعالیتی که کرسی لژ روشنائی برای از بین بردن گرا انداوریان در ایران می کرد ، منفی بود و نتیجه آن موافقت دسته جمعی اعضای کرسی لژ همایون و همه کسانی که در این لژ کار می کردند

بالحاق به گرانداسیونال شد.^۱

این پیروزی برای افسران کرسی لژ روشنائی در ایران، موفقیت بسیار شایانی در برداشت، بطوریکه پس از گذشت چندین سال، هنگامیکه گزارشی از طرف منشی لژ روشنائی برای فراماسون‌های امریکائی مقیم ایران تهیه می‌شد، و مفاد آن بعداً نقل خواهد شد، درباره تشکیل لژ مولوی و انحلال لژ همایون چنین نوشته اند:

«... اما در میان پیروان جواهری چند نفری هم بودند که بطور قانونی وارد فراماسونری شده بودند (در فرانسه، امریکا، عراق، هندوستان و جاهای دیگر) این اشخاص دریافته‌اند که تشکیلات جواهری غلط بوده است و در پشت پرده فعالیت شدیدی را آغاز کردند و عده‌ای نیز بخارج رفتند؛ تا بطور رسمی وارد سازمان فراماسونری بشوند. تا اینکه سرانجام به آنها اجازه داده شد، که يك لژ قانونی در این کشور تشکیل دهند مقامات مسئول از فعالیت لژ روشنائی در ایران اطلاع داشتند و می‌دانستند که اگر لژهای دیگری نیز به همان طریق فعالیت کنند به نفع رعایای ایشان خواهد بود. نخستین لژی که بدین ترتیب تشکیل شد، لژ مولوی نام داشت که در حقیقت در فرانسه تشکیل شد، ولی تحت نظر گرانداسیونال فرانسه به اینجا منتقل شد...»^۲

در پایان آخرین ماه بهار سال ۱۳۳۴-ش (۱۹۵۷-م) لژ همایون

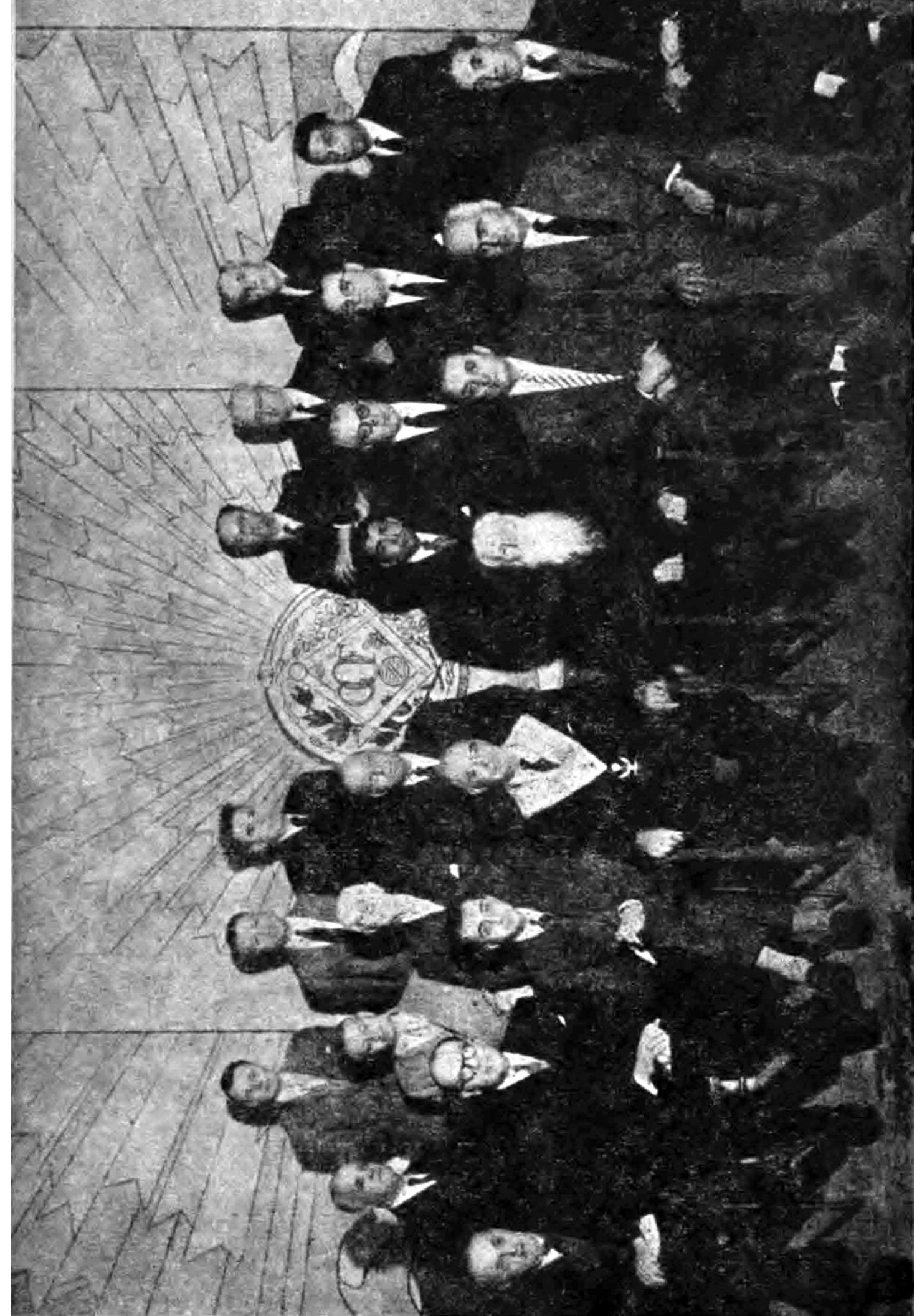
با انعقاد آخرین جلسه و مذاکرات نهائی تعطیل و منحل شد.

محمد خلیل جواهری که هنوز بقول کرسی لژ روشنائی

«مانند خدائی» بر اعمال رجال عضو لژ همایون نظارت می‌کرد

۱ - اولین باری که شعبه لژ گرانداوریان در ایران تشکیل شد، کسانی که عضویت این لژ را قبول کردند، امیدوار بودند خود را از قید اسارت انگلستان بزهانند، ولی پس از اینکه در انقلاب مشروطیت پیروزی بزرگی نصیب اعضای لژ شد و همینکه مشروطیت مستقر گردید و اعضای لژ دیدند دست انگلیسها از آستین برادران ماسون فرانسوی درآمده است، عده زیادی از آن لژکناره گیری کردند. ۲ - رجوع شود به فصل بیست و نهم همین کتاب

در تصویر صفحه بعد دکتر احمد هومن، دکتر خلعتبری، شهاب خسروانی، ارست پرون و چند فراماسون ایرانی دیگر که شناخته نشده با ستادان فراماسونری گرانداوریان دیده می‌شوند.



از اول تیرماه ۱۳۳۴ شروع به تدارك مقدمات تشكيل لژ «مولوی» در ایران کرد .
 نخستین اقدام او ترجمه قانون اساسی ، نظامنامه ، درجات و اطلاعاتی بود ، که از
 پاریس و از مرکزگرا نداوریان از او خواسته بودند او این اطلاعات را برای «پیرش»
 استاد اعظم گرانند لژ ناسیونال که نامه زیر را برای جواهری فرستاده بود ، ارسال
 داشت :

۲۰ ژوئن ۱۹۵۵ (۲۹-خرداد ۱۳۳۴)

برادر ارجمند خلیل جواهری

استاد ارجمند لژ . . .

عطف بنامه و تقاضای سرکار می توانیم کمک های زیرین را بنمائیم :

۱ - مقتضی است . آئین نامه عمومی و قانون اساسی و یک نسخه از اصول و
 قواعدی که در لژ ، برادران طبق آن عمل می نمایند، برای ما بفرستید تا آنها را بررسی
 کرده ، صحت و مطابقت آنها را با اصول متداول تصدیق نمائیم .

۲ - اگر ممکن است هفت نفر را برای حداقل در مدت ۱۰ تا ۱۵ روز اقامت
 در پاریس بمامعرفی نمائید، تا آنها را در لژ خود پذیرفته ، طبق مقررات آنها را
 بآئین ماسونی در آورده، لژ هائی، در پاریس از آنها تشکیل دهیم. این اشخاص با اجازه
 شما و موافقت مطابق اصول لژ مادر ایران، شروع بعمل کرده لژی تشکیل می دهند .
 اینان بتدریج سایر برادران موجود در تهران را بآئین جدید آشنائی داده و از آنها
 دو لژ دیگر تشکیل خواهند داد ، پس از مدتی تمرین و پس از اینکه به تشخیص
 خودتان سازمان جدید قوی شد، آنوقت یک «گران لژ» از سه لژ تشکیل خواهید
 داد که ماو تمام قدرت های ماسونی دنیا آنها را خواهند شناخت و جزو لژ های منظم در
 خواهد آمد .

اگر برادران مادکتر احمد هومن و دکتر محمود هومن بخواهند همین حالا

هم وارد لژ ما بشوند ، با موافقت شما و با کمال مسرت آنها را خواهیم پذیرفت .

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



65, BOULEVARD BINEAU
NEUILLY-SUR-SEINE
SEINE-FRANCE

TÉLÉPHONE :
MAILLOT 00-06

le 20 Juin, 1955.

R.F. Khalil Djavaheri,
Grand Maître de la Loge
Pahlavi de l'IRAN.

Mon cher Frère,

A la suite de votre demande nous pensons qu'il nous serait possible de vous aider de la façon suivante :

- 1° Il y aurait lieu de nous adresser votre règlement général et votre constitution ainsi qu'un de vos rituels pour que nous puissions examiner la régularité de vos règlements et des rites pratiqués.
- 2° Dans l'éventualité d'un développement ultérieur possible de notre aide, auriez vous la possibilité d'envoyer, pour un séjour de 10 à 15 jours minimum, sept de vos frères qui viendraient se faire affilier à une de nos Loges et régulariser leur situation maçonnique.

Ces sept, ou plus, frères se formeraient immédiatement en une Loge que nous pourrions consacrer à Paris et qui me demanderait, avec votre accord, l'autorisation de travailler avec notre charte sur le territoire de l'Iran à Teheran.

Cette Loge régulariserait vos autres Frères, pourrait initier et former par la suite deux autres Loges à qui nous donnerions, toujours avec votre accord, des Chartes et plus tard lorsque vous vous sentirez assez forts, vous pourrez fonder une Grande Loge avec des bases d'une régularité indiscutable, demander votre reconnaissance aux puissances Maçonniques régulières mondiales.

Si les Fr.A. Houman et Dr. M. Houman veulent se faire affilier d'ores et déjà c'est avec le plus grand plaisir que, sur votre recommandation, nous les accueillerons parmi nous au sein d'une de nos Loges.

Nous sommes, bien entendu, à votre fraternelle disposition pour recevoir tout envoyé que vous voudrez bien habiliter à venir discuter de ces questions.

Veuillez croire à mes sentiments fraternels et dévoués.

P. CHERET
GRAND MAITRE.

نامه پیرشده استاد اعظم گرانند ناسیونال دفرائس

ماهیمه در اختیار شما بنحو برادرانه خواهیم بود و برادری را که از طرف شما اختیار نامه دارد برای مذاکره در اطراف پیشنهاد گسیل دارید، با آغوش باز خواهیم پذیرفت.

استاد اعظم - پیرشهره

پس از وصول این نامه، محمدخلیل جواهری هفت نفر از فراماسونهای را که خود بآئین و اصول لژ «وادی نیل مصر» فراماسون کرده بود، بامعرفی نامه‌های مخصوص پاریس و به گراندر لژ ناسیونال دفرانس معرفی کرد. این‌عده عبارت بودند از:

۱ - دکتر احمد هومن - استاد دانشگاه

۲ -

۳ - دریادار عبدالله ظلی - افسر نیروی دریائی

۴ - عبدالحمید سنندجی - نماینده مجلس

۵ - عبدالله سعیدی نماینده مجلس شورای ملی

۶ - محمدعلی امام شوشتری - صاحب‌منصب گمرکات

۷ - مهدی شوکتی - محضردار

نمایندگان اعزامی که روز دهم اکتبر ۱۹۵۵ - (۱۷ مهر ۱۳۳۴) از تهران حرکت کرده بودند، روز بعد وارد پاریس شدند. تنها عبدالله سعیدی که در استکهلم بودومی بایستی در آن روز در پاریس باشد، بعلت بیماری نتوانست خود را به برادرانش ملحق سازد.

دکتر احمد هومن طی تلگرافی، از جواهری اجازه خواست که محمدساعتد مراغه‌ای نخست‌وزیر اسبق ایران را که در آن هنگام در پاریس اقامت داشت بجای سعیدی منصوب کنند و معرفی نامه تلگرافی برای وی صادر شود.

پس از وصول جواب تهران، شش نفری که از تهران رفته بودند، باضافه‌ساعتد

ودکتر محمود هومن خود را به «پیرشهر» استاد اعظم گرانند لژ معرفی کردند. روز بعد بدعوت استاد اعظم گرانند ناسیونال دفرانس هیئت اعزامی ایران به لژ کنفیانس شماره ۲۵ پاریس که یکی از لژهای وابسته به گرانند لژ ناسیونال بود رفتند. و در یک جلسه فوق العاده که برای عضویت آنها تشکیل شده بود، همگی بعضویت لژ کنفیانس درآمدند و همه مراسم را انجام دادند. سپس کلیه تشریفات تشکیل لژ مولوی شماره ۴۹ که می بایستی زیر نظر گرانند ناسیونال در تهران فعالیت کند، انجام شد. گرانند ناسیونال دفرانس، دکتر محمود هومن - محمد ساعد - دکتر عباسعلی خلعتبری و رشیدی حائری را که قبل از تأسیس لژ مذکور، مقام فراماسونری «برادر بسیار ارجمند» داشت نیز با سایرین در تأسیس و تقدیس لژ مذکور شرکت داد. و روز ۱۳ اکتبر ۱۹۵۵ (۲۰ مهر ۱۳۳۴) همه تشریفات تشکیل لژ با سرودها و مراسم مخصوص انجام گردید و افراد زیر بنام مؤسسين لژ مولوی در ایران شناخته شدند:

۱ - برادر محترم دکتر احمد هومن

۲ -۰۰۰۰۰

۳ - برادر محترم دریادار عبداله ظلی

۴ - برادر محترم دکتر محمود هومن

۵ - برادر محترم دکتر عباسعلی خلعتبری

۶ - برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری

۷ - برادر ارجمند مهدی شوکتی (مرحوم)

۸ - برادر محمد ساعد

۹ - برادر عبدالحمید سنندجی

۱۰ - برادر محمدعلی امام شوشتری

این لژ که در ردیف شماره ۴۹ لژهای گرانند ناسیونال فرانسه در جهان، ثبت

شده، در روزهای سومین سه شنبه هر ماه مسیحی و در ماه های:

ژانویه - فوریه - اپریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر

در خیابان بوعلی سینا (ادامه خیابان مجلس شورای ملی) پلاک / ۴۱۰ در يك عمارت قدیمی ساز تشکیل جلسه می‌دهد^۱. همان روز که این لژ تشکیل و با اصطلاح فراماسونها (تقدیس) یافت، نامه زیر از طرف «پیرشهر» استاد اعظم گراند - لژ مذکور برای محمد خلیل جواهری که بعدها بردن نام او برای فراماسونها ممنوع و جرم شناخته شد، نوشته و ارسال شد:

۱۳ اکتبر ۱۹۵۵ (۲۰ مهر ۱۳۳۴)

برادر بسیار ارجمند

آقای خلیل جواهری

خیابان کاخ تهران - ایران

برادر بسیار ارجمند. پیرو نامه‌ای که ۲۰ ژوئن گذشته خدمتتان ارسال داشتیم، اخیراً افتخار پیدا کردیم که هیأتی که بنماینده لژهای شما که به لژ کنفیانس [اطمینان] شماره ۲۵، در پاریس ملحق شدند آشنائی پیدا کنیم. کلیه این برادران تمام مراسم را تا درجه ۳ طی کرده و درجات آنرا دریافت نموده‌اند. امروز با حضور این برادران لژ جدیدی بنام «مولوی» بشماره ۴۹ تشکیل دادیم، که اعضایش همین برادران بودند، به آنها اجازه دادیم که این لژ را به تهران انتقال دهند و عملیات را در این شهر ادامه دهند و البته مطابق مقررات و قوانین ما و تحت نظامنامه که به آنها تفویض کردیم. بدین ترتیب اولین مرحله نقشه ما با موفقیت و منظم انجام شده است.

با همکاری برادر محترم «آرتور نیبرگال»^۲ که دبیر کل بزرگ ماست و در آتیه بایران خواهد آمد، امیدواریم که این اولین لژ شما «مولوی» در تهران برقرار و مرتب فعالیت خواهد نمود. عجلتاً خواهشمندم بوسیله برادر خلعتبری مدارکی

۱ - همه اطلاعات تشکیل روزهای لژهای فرانسوی در ایران از سالنامه سال ۱۹۶۷ گرفته

شده است.

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



66 BOULEVARD BISEAU
NEUILLY-SUR-SEINE
SEINE-PRANCE
TELEPHONE
MAILLET 00-00

le 23 Octobre 1968.

M. R. Fr. ~~Mohammad~~
Grand Maître de la Loge
Fahavi de l'IRAN.

Mon cher Frère, J'ai déjà exprimé notre reconnaissance, officiellement en Loge, pour les magnifiques présents que nous ont été remis de votre part.

Mais je tiens, tout particulièrement, à vous remercier personnellement pour l'attention délicate que vous avez eue.

Soyez assuré que tout ce que nous avons fait et tout ce que nous pourrions faire dans l'avenir, pour vous aider sera fait de grand cœur car l'esprit qui anime votre Colégation nous a fait comprendre l'esprit maçonnique sincère qui est en vous et nous pouvons espérer que l'avenir nous apportera la possibilité de relations de plus en plus étroites entre les Frères de nos deux pays.

J'espère que dans le courant de l'année prochaine mon emploi du temps (très chargé) me permettra d'aller personnellement assister à la consécration de votre Grande Loge ainsi régulièrement constituée.

Veillez croire, mon cher Frère, à l'assurance de mes sentiments les plus sincères et très fraternellement dévoués.

[Signature]
GRAND MAITRE

نامه استاد اعظم گرانده ناسیونال درباره تشکیل ژمولوی

را که راجع بدرجات ماسونی دریافت نموده‌اید، ارسال دارید. با حسب‌التفاوت مطالعه نمائیم.

علی‌العجله تاوصول این مدارك، از آنجائیکه، برادر بسیارارجمندما مورد نهایت احترام برادرهای تهران و شهرستانها می‌باشید، موقتاً به شماغنوان بازرس کل منطقه ایران که فعلاً تشکیل شده تفویض می‌کنم. تا تشکیل يك گراندر ایران، که انشاءاله بااین ترتیب شماسمت اولین استاد اعظم آنرا خواهید داشت، دارای این مقام می‌باشید.

باتقدیم مراسم احترام و سلام برادرانه به آن برادر ارجمند
پیر شره - استاداعظم

بطوریکه ملاحظه می‌شود، استاداعظم گراندر لژناسیونال دفرانس، نه تنها الحاق فراماسون‌های اعزامی رابه لژکنفیانس قبول می‌کند، بلکه به محمدخلیل جواهری‌عنوان «بازرس کل منطقه ایران» راکه یکی ازبزرگترین مقام‌های فراماسونی است، می‌دهد.

«پیرشره» باتفویض این مقام به جواهری، در نظر داشته است که «گراندر لژ ایران» را زیر نظر و نفوذ جواهری در ایران تشکیل داده و بمقابله با لژ روشنائی در ایران که پس از ۳۶ سال هنوز فعال نبوده برانگیزد.

ولی از آنجاکه لژهای انگلیسی همیشه سعی دارند برتری و سروری خود را بر سایر لژهای ماسونی حفظ کنند، و در کشورهای کم رشد از نفوذ سیاسی، اجتماعی و اطلاعات فراماسونها بهره برداری نمایند، در هر جاکه لژهای ماسونی ایجاد می‌شوند مسئله «قبول برتری» را عنوان کرده و اداره لژها را بدست می‌گیرند. در تهران هم کرسی لژ روشنائی در ایران که اکثریت اعضای آن رادیپلماتهای انگلیسی، بازرگانان مأمورین اطلاعات، افسران انگلیسی و سایر خارجیان تشکیل می‌دهند، برای اینکه لژمولوی و سازمانهای دیگری راکه گراندر ناسیونال در آتیه بوجود می‌آورد، در اختیار و تحت کنترل داشته باشند، درانتخاب کارگردانان لژ مذکور مطالعه و دقت

فراوان می‌کنند. همینکه عده ده نفری مؤسسين لژ مولوی از پاریس بازگشتند، فراماسونهای لژروشنائی در ایران با آنها تماس گرفته و موفق شدند تحت نظر خودشان لژ مولوی را تأسیس کنند.

چون در آن موقع جواهری بموجب اخطار «مخصوص» حق فعالیت نداشت و از طرفی وی نمی‌خواست از جلسه اول تحت نظر دیگران کار کند، لژروشنائی مؤسسين لژ مولوی اخطار کرد که وی را از سازمان در شرف تأسیس اخراج کنند. در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵-۱۹۵۶) مبارزه بین دو جناح طرفداران انگلیسها و فراماسونهای ایران که می‌خواستند مستقل از انگلستان و تحت نظر فرانسویها کار کنند، در تهران شدت یافت. در حالیکه این دو جناح بایکدیگر مبارزه می‌کردند، طرفداران جواهری نیز وارد میدان شده و با کسانی که «حق استادی» وی را بجای آورده و نسبت باو نمک نشناسی کرده بودند، مبارزه را آغاز کردند. در این بین جواهری تصمیم گرفت، عده‌ای از طرفداران خود را برای حفظ موقعیت خویش به پاریس بفرستد و آنهارا در مراکز لژگران ناسیونال، فراماسون کند و این عده را که دکتر...، عبدالله سعیدی و صلاحی در رأس آنها قرار داشتند با تحف و هدایائی به پاریس فرستاد. جوابهائی که استاد اعظم گراند لژ ناسیونال دفرانس به جواهری درباره کار هیئت اعزامی داده نشانه آنست که هنوز پاریس تحت تأثیر فعالیت جواهری و لژی که او در ایران تشکیل داده بود، می‌باشد. در نخستین نامه، استاد اعظم گراند لژ- ناسیونال دفرانس، چنین می‌نویسد:

بافتخار بزرگترین معمار جهان

گراند لژ ناسیونال فرانسه

متمنی است به آرتور نیبرگال شماره يك كوچه ژوزف گرانیه پاریس هفتم
جواب بدهید.

مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۵۵ (۱۹-آبان ۱۳۳۴)

۶۵ بلوار بینونویئی ایالتسن

برادر خ جواهری

ل...خیابان کاخ شماره ۲۱۲

تهران - ایران

برادر عزیز دوستداشتنی

پریروز باکمال خوشحالی نامه مورخ ۸ نوامبر را دریافت کردم . در تعقیب مذاکراتی که دیروز با برادر خلعتبری^۱ مستشار سفارت کبرای ایران در پاریس بعمل آمد، دکتر... که باید اخوی (برادر...) باشد که مادر هجدهم اکتبر بعضویت لژ *Semper* ، *Fidelis* که بزبان انگلیسی کار می کند و بشماره ۲۰ است ، پذیره شدیم .

بعد از موافقت با برادر خلعتبری ما پیشنهاد پذیرش دکتر... را به لژ *Confiance* زبان فرانسه روز چهارشنبه ۲۳ نوامبر خواهیم نمود . ایشان در لژ کنفیانس شماره ۲۵ است که سایر برادران تهران هم در آن قبول شده و عضوند ، به عضویت این گرانند لژ پذیرفته و منصوب می شوند .

ماهیهچوقت فراموش نخواهیم کرد ، زیبائی و جلالی که در تشریفات پذیرش برادران ایرانی بعمل آمد . همچنین تشریفات که برای پذیرش لژ مولوی شماره ۴۹ در دفاتر ما انجام شد .

مقصد عالی شما که دایر کردن ماسونری مرتب و تاریخی و بین المللی است ، در ما تأثیر بسیار کرد و حاضریم که باشما همه نوع همکاری و کمک نامحدود بنمائیم .

۱- دکتر عباسعلی خلعتبری متولد ۱۲۹۱ش فارغ التحصیل دانشگاه پاریس در علوم سیاسی و مشاغل دولتی در وزارت امور خارجه : کارمند تشریفات ۱۳۲۱- کارمند اداره سوم سیاسی ۱۳۲۳- تصدی کارمند مقدم اداره سوم سیاسی ۱۳۲۴- دبیر دوم سفارت برن ۱۳۲۴- دبیر یکم و کاردار موقت ورشو ۱۳۲۶- کفالت اداره سازمان ملل متحد ۱۳۲۹- رئیس اداره سازمان ملل متحد ۱۳۳۰- رایزن در سفارت کبرای پاریس ۱۳۳۲- مقام رایزنی سفارت کبرای ۱۳۳۴- رئیس اداره سوم سیاسی ۱۳۳۶- وزیر مختار ۱۳۳۷- سفیر ایران در لهستان ۱۳۳۹- دبیر کل سنتو ۱۳۴۰ مقیم در اسلامبول.

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE

Frère récipiendaire



Arthur NIEBERGALL le 11 Novembre, 1986.

Fao Jeanon Groussier
Paris - 7^e

44 BOULEVARD BINEAU 45

NEUILLY-sur-Seine

SEINE - FRANCE

78 MARBOT 03-06

Frère Saïd Eghbal,
L. PARELAVI, Avenue Kakh No. 818,
Téhéran, Iran.

Mes Très Chers et Bien-aimés Frères,

Cela fut avec un très grand bonheur que j'ai reçu, avant hier, votre aimable lettre du 8 Nov., m'annonçant l'arrivée à Paris de Mon Frère, qui doit quitter Téhéran le 17 Novembre. Suivant la conversation que j'ai eue avec le Frère Khalathary (Conseiller à l'Ambassade Impériale de l'Iran à Paris), le Docteur Eghbal serait le frère du Frère Eghbal que nous avons eu l'honneur d'initier à la Loge "Sempus Fidelis", No. 20, le 18 Octobre, dans la langue anglaise. Après accord avec le Frère Khalathary nous proposons de procéder à la Cérémonie d'Initiation du Frère Eghbal à la Loge "Sempus Fidelis", en langue française le mercredi 23 Novembre; c'est à la Loge "Confiance" No. 27 que tous les autres Frères de Téhéran avaient été initiés.

Jamais nous n'oublierons la beauté et la solennité des Cérémonies auxquelles nous avons eu le grand et heureux privilège d'entreprendre pour nos très chers et estimés Frères d'Iran, et la Cérémonie de la Consécration de la Très Respectable Loge "Sempus Fidelis", No. 20 dans notre Registre. Votre noble but de pratiquer, en Iran, la Maçonnerie Régulière de Tradition et Universelle, nous a très émus, et nous a incités à vous accorder une co-opération et une aide sans limites. Nos efforts communs constituent un événement qui aura une influence extrêmement bienfaisante dans notre Fraternité Universelle, et nous sommes fiers du rôle que nous avons eu à remplir. Il est question, pour moi personnellement, à une date à déterminer, de vous rendre visite sur place, et de continuer la noble tâche commencée à Paris.

Je vous prie de bien vouloir transmettre à tous nos chers Frères de Téhéran les Salutations très Fraternelles de la part de notre Très Resp. Grand Maître Pierre Chéret et de tous les Frères de Paris qui ont eu le plaisir de rencontrer nos Frères d'Iran, y compris moi-même.

Je suis très touché de votre délicate attention en m'envoyant un souvenir par le Dr. Eghbal, que j'aurai un plaisir énorme de recevoir et de conserver précieusement comme témoin de nos précieuses relations Fraternelles.

Je vous exprime, mon bien-aimé Frère, mes Salutations les plus sincères et fraternelles,

(P.G.D.C., Dép. Od. Séc.)

Vous nous avez l'obligeance
de me communiquer votre Titre & Rang etc. :

نامه استاد اعظم گراند ناسیونال درباره عضویت سه ایرانی دیگر

مقصود ما و شما دانستن نفوذ فوق العاده نیکی بخش در برادری بین المللی است
و عملیات خود بسیار مغرور و مفتخریم.

من در تاریخ معین به تهران می آیم که در مجلس عملیاتی راکه در پاریس شروع
کردیم ، ادامه بدهیم .

خواهش دارم سلام برادرانه استاد اعظم پی بر شره را با سلامهای کلیه برادران
پاریس و خود بنده به برادران تهران ابلاغ فرمائید .

از هدیه ای که توسط دکتر... فرستاده بودید، بی نهایت متشکرم . به یادگار
شما قبول می کنم. که روابط ذیقیمت مان ادامه یابد . آرتور نی برگال

متمنی است رتبه خودتان را در . بمن اطلاع دهید .

استاد اعظم گراند ناسیونال ، برای ابراز «حق شناسی» هر چه بیشتر نسبت
به استاد اعظم لژ همایون نامه زیر رانیز برای او فرستاد :

«برادر عزیز

من یکبار مراتب حق شناسی خود مان را بمناسبت هدایای عالی و بی نظیری
که از ناحیه شما به ما رسیده است در لژ بیان داشتم . اما علاقمندم که مخصوصاً از خود
شما بمناسبت توجه و دقتی که در این امر بکار برده اید تشکر کنم .

مطمئن باشید که آنچه مادر گذشته برای کمک بشما انجام داده ایم و آنچه که
در آتیه می توانیم انجام دهیم، باکمال صمیمیت و اشتیاق است . زیرا عواملی که باعث
حرکت و جنب و جوش جمعیت و هیئت شما شد ، بما فهماند که در وجود شما يك روحیه
سازنده و عالی وجود دارد و مای توانیم امیدوار باشیم که در آینده امکان روابط
هر چه صمیمانه تری بین برادران دو کشور ما فراهم خواهد شد .

امیدوارم در جریان سال آینده، گرفتاریهای من (که بسیار زیاد است) بمن
اجازه بدهد که شخصاً در جلسه افتتاحیه لژ بزرگ شما که بدین ترتیب پایه آن بطرز
منظمی گذاشته شده است حضور بهم برسانم .

برادران عزیزم باکمال اطمینان علاقه قلبی و صادقانه و بتمام معنی برادرانه مرا قبول فرمائید . رهبر بزرگ...»

آخرین نامه‌ای که از استاد اعظم گرانند ناسیونال به استاد اعظم لژ همایون نوشته شده ، جملات تملق آمیزی دارد ، که بدین شرح است :

یکم دسامبر ۱۹۴۵ (۹ آذر ۱۳۳۴)

برادر ارجمندم . خ . جواهری

خیابان کاخ شماره ۱۱۲ تهران-ایران

برادر عزیزم : از نامه نوامبر شما و همچنین قوطی سیگاری که با نظر لطف توسط آقای دکتر... برای بنده فرستاده اید، بی نهایت سپاسگزارم. این هم يك نمونه از مهارت صنعتگران آن سرزمین و هم یادگار دوستان ایران من بشمار خواهد رفت. برادر عبدالله سعیدی دیروز در لژ کنفیانس ما پذیرفته شد و اکنون ما خود آماده پذیرائی دکتر... ور. صلاحی می نمایم که انشاءاله در آتیه نزدیکی انجام خواهد شد .

بطوریکه ملاحظه می فرمائید ما به همکاری برادرانه خود در راه پیشرفت م.م. جهانی ادامه می دهیم .

برادر بسیارگرامی خواهشمندم سلام برادرانه بنده را بپذیرید امضاء

«معاون استاد اعظم»

قبول عضویت این سه نفر که همگی طرفدار جواهری بودند ، نتوانست از سقوط و برکناری وی جلوگیری کند . باینکه درسه نامه فوق استاد اعظم گرانند لژ بزرگترین تجلیل را از جواهری کرده بود ، باینحال معلوم شد ، مبارزه مخفیانه فراماسونهای تهران پیاریس نیز کشیده شده و برکناری جواهری مورد تصویب «پیرشره» استاد اعظم نیز واقع شده است. نخستین جلسه لژ مولوی در خیابان سعیدی در منزل دکتر احمد هومن تشکیل شد . در آن جلسه هفت نفری که در پیاریس لژ مولوی را تشکیل داده بودند، پس از ساعتها بحث و مذاکره به محمدخلیل جواهری

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



88, BOULEVARD BINEAU
NEUILLY-SUR-SEINE
SEINE-FRANCE

TELEPHONE
MAILLOT 00-00

1er Décembre 1955.

V.F. M. ~~FRANÇOIS~~,
Avenue Kakh, N° 212,
TEHERAN (Iran).

Très Cher Frère,

Je vous remercie de votre lettre du 8 Novembre et de la délicate et aimable attention que vous avez eue à mon égard en me faisant remettre par le Dr. Eghbal un porte-cigarettes, qui sera pour moi un souvenir de mes amis d'Iran et une preuve de l'habileté des artisans de votre cher pays.

Le Fr. Abdellah Saidi a été reçu hier dans notre Loge **CONFIANCE** et nous prenons nos dispositions pour recevoir également les FF. Dr. Eghbal et R. Sallah dans un proche avenir. Nous continuons ainsi, comme vous le voyez, notre coopération fraternelle pour le bien de la Maçonnerie universelle.

Veillez agréer, très cher Frère, l'assurance de mes sentiments les plus fraternels.

Assistant Grand Maître.

آخرین نامه استاد اعظم گرانند لژ ناسیونال دفرائس به جواهری

که تا دیروز بردست وزانوی او بوسه می‌زدند پیشنهاد ترك جلسه و برکناری از فعالیت لژ مولوی را کردند .

محمدخلیل جواهری در آن جلسه با عصبانیت برادران خود را ترك گفت . در همان روز به همه اعضای لژ همایون اطلاع داده شد که مرآده خود را با او قطع کنند . عده زیادی او امر لژ مولوی را اطاعت کردند . دسته‌ای نیز ظاهراً رابطه خود را با جواهری قطع کردند ، ولی درخفا با او همکاری داشتند . ولی سرانجام همه کسانی که عضو لژ مولوی شدند ، پیوندهای خود را با او بریدند . در حالی که پنج نفر از آنها تاروهای آخر عمرش او را فراموش نکردند .

از اوایل سال ۱۳۳۵ - ش (۱۹۵۶-م) لژ مولوی که جلسات

خود را در محل خریداری باشگاه حافظ واقع در محل سابق سفارت بلژیک ، اول خیابان ایران (عین الدوله) تشکیل می‌داد ، همه مقدمات افتتاح رسمی لژ را آماده ساخت . در

مهرماه سال مذکور « آرتورنی برگال » استاد فرانسوی فرانسوی از طرف « پیرشره » استاد اعظم گراند لژ ناسیونال دفرانس ، برای نظارت در تأسیس و برگزاری آداب و رسوم و قواعد و مقررات صحیح - بر طبق قاعده اسکاتلندی به تهران آمد .

هنگامی که لژ مولوی شماره ۴۹ در تهران تأسیس شد دکتر احمد هومن و سعید مالک (لقمان الملك) هر دو سمت استادی داشتند .

دکتر احمد هومن در ملاقاتی که در سال ۱۳۴۰ با وی کردم خود را نخستین «استاد اعظم» ایران معرفی کرد . همین ادعای مرحوم ابراهیم حکیمی (حکیم - الملك) نیز داشت که در زمان حیاتش به نقل از گفته خود او عیناً در مجله آسیای - جوان توسط نگارنده نقل شده است .

۱- Arthur Niebergall فرانسوی ساکن بخش هفت پاریس کوچه ژوزف کرانر

بوده و استاد لژ گراند ناسیونال دفرانس می‌باشد .

محمد خلیل جواهری نیز خود را نخستین ایرانی که «استاد اعظم» شده است می‌دانست. او عین دیپلمی را که گراند لژ قاهره به او داده، در اطاق کارش نصب کرده بود و آنرا به همه نشان می‌داد.

در حالی که مدعیان «استاد اعظم» فراماسونری بودن، بر سر داشتن این مقام گفتگو می‌کردند، ناگهان گراند لژ ناسیونال دفرانس دکتر سعید مالک^۱ را بسمت اولین «استاد اعظم» و رهبر لژ مولوی و گراند لژ محلی ایران انتخاب کرد.

دکتر سعید مالک که چهل سال قبل از آن تاریخ در ایران و فرانسه به عضویت لژ فراماسونری گراند اوریان در آمده بود، به مبارزات و قدرت طلبی‌های داخلی خانمه داده و چون مورد اعتماد و وثوق کامل گراند لژ اسکاتلند نیز بود، در گزارشی که لژ مذکور برای امریکائیان تهیه کرده و در فصول بعد خواهد آمد وی را مورد ستایش قرار داده‌اند.

پس از آغاز کار لژ مولوی، تا کنون لژهای وابسته به گراند ناسیونال دفرانس در ایران به نامهای زیر تشکیل شده است:

۱ - **لژ مولوی نمره ۴۹** - تاریخ تقدیس ۱۳ - اکتبر ۱۹۵۵ - روز تشکیل سومین سه شنبه ماه مسیحی. ماههای تشکیل: ژانویه - فوریه - اپریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۲ - **لژ سعدی نمره ۶۷**: تاریخ تأسیس ۱۷ می ۱۹۶۰ - روزهای تشکیل دومین هر ماه مسیحی. ماههای تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۱ - سعید مالک (لقمان‌الملک) در سال ۱۲۶۷ در تبریز متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه لقمانیه بیابان رساند و از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ در دانشکده طب فرانسه به تحصیل پرداخت پس از مراجعت به ایران از ۱۳۰۱ مشاغل زیر را داشته است: رئیس صحنه کل‌قشون - معاون فنی وزارت داخله - ریاست کل صحنه مملکتی - (۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰) استاد امراض خارجی دانشکده طب - رئیس بیمارستان دولتی و رئیس قسمت جراحی همین بیمارستان - عضو شورای عالی فرهنگ - وزیر بهداشتی در کابینه‌های (ساعد، بیات، صدر، حکیمی)، از ۱۳۲۸ تا کنون عضو مجلس سنا می‌باشد (۱۳۴۳).

۴- لژ فروغی نمره ۶۷: تاریخ تقدیس ۸ می ۱۹۶۰ - روز تشکیل اولین یکشنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل جلسات: فوریه - اپریل - جون - اکتبر - دسامبر .

۴- لژ حافظ نمره ۶۸ شیراز - بلوار رضاشاه - کوی خبیر شهر شیراز تاریخ تقدیس ۱۹ می ۱۹۶۰ - روز تشکیل اولین سه‌شنبه ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل جلسات: ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - جون - اکتبر - نوامبر - دسامبر .

۵- لژ شمس تبریزی نمره ۷۳ تبریز خیابان پهلوی تبریز- تاریخ تقدیس ۱۹ اپریل ۱۹۶۱ - روز تشکیل اولین سه‌شنبه هر ماه مسیحی - ماه‌های تشکیل جلسات: ژانویه - فوریه - مارس - اپریل - می - جون - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر

۶- لژ ابن سینا ۷۶ - بزبان انگلیسی- تاریخ تقدیس ۱۲ اپریل ۱۹۶۲- روز تشکیل سومین شنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل : ژانویه - فوریه - مارس - اپریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر

۷- لژ مزدا نمره ۷۹ تاریخ تقدیس ۲ مارس ۱۹۶۳ - روزهای تشکیل هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر

۸- لژ فرانسه نمره ۸۴ بزبان فرانسه- تاریخ تقدیس ۷ می ۱۹۶۴- روزهای تشکیل اولین سه‌شنبه هر ماه مسیحی ماه‌های تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - می - اکتبر - نوامبر - دسامبر

۹- لژ کسرا نمره ۱۰۴ تاریخ تقدیس ۱۴ نوامبر ۱۹۶۵ روزهای تشکیل دومین یکشنبه هر ماه مسیحی. علاوه بر چند لژ فوق‌الذکر، سازمان فراماسونری گراند ناسیونال دفرانس در ایران، دارای دو تشکیلات دیگر نیز هست، که می‌توان آنها را در ردیف سازمان‌های بااهمیت‌تر دانست:

۱ - گراند لژ محلی ایران به ریاست استاد اعظم فراماسونری دکتر سعید مالک که در ماه نوامبر هر سال تشکیل جلسه می‌دهد. در روز تشکیل این سازمان ماسونی، گرانشتین، بازرسان اعظم لژهای نظامی فرانسه بایران آمد و تشکیلات مذکور را پی‌ریزی و تقدیس کرد.

۲ - شاپیتر مولوی - این سازمان فراماسونری فرانسه در ایران بر لژهای ماسونی دیگر ارجحیت دارد و در آن صاحب‌منصبان عالی‌مقام ماسونی شرکت دارند. بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۷ گراند ناسیونال، این تشکیلات در روز ۳۲ می ۱۹۶۰ در تهران تأسیس شده^۱. شاپیتر مولوی در سال پنج‌جلسه و در سال ۱۹۶۸ در روزهای ذیل تشکیل گردید:

چهارشنبه ۲۵ ژانویه

چهارشنبه ۲۶ اپریل

چهارشنبه ۲۴ می

چهارشنبه ۲۷ سپتامبر

چهارشنبه ۲۲ نوامبر

گراند لژ ناسیونال دفرائس و گراند لژ اسکاتلند که هر دو بایک طریقت و تحت فرمان و عبودیت و برتری سازمان فراماسونری انگلستان می‌باشند، پس از اینکه از تأسیس و توسعه و استقبال سازمان‌های فراماسونری در ایران اطمینان کامل پیدا کردند، بالحق و همبستگی همه لژهای فرانسوی و انگلیسی بایکدیگر موافقت کردند.

بدین منظور در سال ۱۹۶۰ دو گراند لژ انگلیسی و فرانسوی توافق کردند که

یک گراند لژ محلی ایران را با داشتن عنوان:

District Grande Lodge of Iran

در ایران «تهران» تشکیل دهند.

در رأس این گراندرز محلی دکتر سعید مالک که مورد اعتماد کامل لژهای انگلیسی و فرانسوی بود، با داشتن مقام District Grande Master گمارده شد.

برای اینکه گزارش کارهای این گراندرز محلی مرتباً با اطلاع انگلیسها نیز برسد و گراندرز اسکاتلند نیز بر این سازمان نظارت مستقیم داشته باشد، گردانندگان لژهای انگلیسی و فرانسوی موافقت کردند که ل. و. استراکر که سالها در ایران مدیر شرکت تجارتی لینچ بود، بمعاونت دکتر سعید مالک انتخاب شود.

استراکر پس از این انتصاب مقام District Grand Superantendent پیدا کرد و بدین ترتیب انگلیسها موفق شدند که بر کلیه اسرار و اطلاعات و کارهای داخلی لژهای فرانسوی در ایران دست یافته و بر آن نظارت کنند.

همانطور که قبلاً ذکر شد انگلیسها از بدو تشکیل سازمانهای فراماسونری کنونی، همواره سعی داشته و دارند که بر تری لژهای انگلیسی را بر سازمانهای جهانی فراماسونری حفظ کرده و از اینراه بر نفوذ سیاسی و اقتصادی دولت پادشاهی انگلستان بیافزایند.

در کشور ما نیز در هر دو دفعه‌ای که فرانسویها شعبات لژهای خود را در تهران و یوالات دایر کردند، انگلیسها موفق شدند اداره لژها را بدست گرفته و استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی اعضای لژها را نصیب خویش سازند. بنابراین وقتی هموطنان مامی شنوند که لژهای فرانسوی، آلمانی، امریکائی، مصری و هندی در ایران تشکیل شده، باید بدانند که همه آنها با اصطلاح سر و ته یک کرباسند و همه از یک جا آب می‌خورند. ایرانیانی که باستقلال و بقای میهنشان عقیده دارند، همیشه باید این ندای محمود محمود نویسنده بزرگ و ارجمند ایران را :

لَيْسَ لِلدِّينِ مِنْكُمْ شَيْءٌ لَكِنْ كَرِهَ الْإِطْرَ

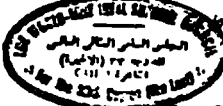


المجلس السامي المثالي للدرجة ٢٢ ((الأخيرة))
للطريقة الايكوسية القديمة و الببولة لوادي النيل و الريقا و الشرق الاوسط

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33° ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
POUR LA VALLÉE DU NIL, L'AFRIQUE ET LE MOYEN ORIENT

NE VARIETUR

NOUS Souverain Grand Commandeur OR
Maître du Rite Ecossais, certifions que le T. C. P.
Dr. Said Moulah - - - a été admis
au nombre des membres de l'Ordre de l'Ordre
Or : du Caire - - - En qualité de Chevalier
Kadosh 30° Degré de la hiérarchie écossaise, et que son
nom a été enregistré au Régistre Matricule général de
L'Ordre Sous le No 16 - - -
Fait à Paris et signé au Siège de L'Ordre or de
Caire Vallée El - Salam

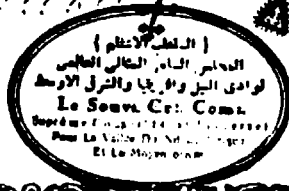


Le Sec. Gr. COM.
Secrétaire Général
كاتب السر الاعظم

Le Sec. Gr. COM.

هذا اليو راشده
Le Sec. Gr. COM.

Le Sec. Trésorier
امين الخزانة الاعظم



نحن القطب الاعظم و الاستاذ الاعظم
للطريقة الايكوسية نقران الاخ و كتر سيد مالك
قد قبل حضوره في مجلس السلام - رقم 1 -
بشرق القاهرة - همامون -
بصفة فارس من العارفين درجة ٣٠ للطريقة
الايكوسية و اسمه سجل في السجل العام تحت
نومره 16 -
حرر في المركز الرئيسي شرق القاهرة برادى
السلام في تاريخ ١٨ مايو ١٩٥٢

ديپلم استادى لژ همامون و كتر سيد مالك

المجلس العالمي للمهندسين المعماريين



المجلس العالمي المثالي للدرجة ٣٣ (الاحيرة)
 للدرجة الاكبرية القديمة والمجلس لرادى النيل وادارمينا والشرق الاوسط

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33^e ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
 POUR LA VALLÉE DU NIL, L'AFRIQUE ET L'ORIENT NEUVEN

Nous Souverain Grand Commandeur Or... Maître du Rite
 Espagnol, certifions que le T... C... F
Mohammad Saad a été admis au
 nombre des membres de l'Ordre de Magellan 1855
 Or... de **Schlerer** en qualité de Chevalier (Roue
 Croix) 10^e degré de la hiérarchie française, et que son nom a
 été enregistré au registre Matricule Général de L'Ordre sous le
 No. 88...

Fait délivré et signé au siège de L'Ordre Or...
 de Ciano

Ce jour d'hui le 15 Avril... 1958

من القبط الاظم والاساذ الاظم للطريقة
 الايكوسية قردان الاخ محمد مساعد
 - تدفيل عضو في نظام ماجيلان رقم ٥٥
 - شرق بهلوى ايران رقم 1 ٢٥ فوريه ١٩٥٦
 بمقتضى فارس من الكفاءه درجته ١٨ للطريقة
 الايكوسية واسمه نحل في الجبل السام تحت
 نمره ٢٨
 جرد في المجلس شرق القاهرة
 في تاريخ هار آوريل ١٩٥٥



Le Souv. : Gr. : Com

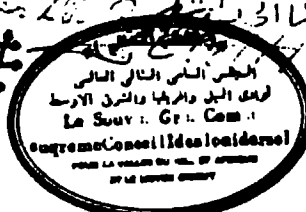
القبط الاظم

Le Grand' Chancelier
 Secrétaire Général

كاتب السر الاظم

Le Gr. : Trésorier

امين الخزينة الاظم



ديپلم استادی محمد مساعد نخست وزیر اسبق درلر همایون



علی مرندی متولد ۱۲۸۴ در شهر مرند ، دوره دبیرستان را در مدرسه امریکائی تبریز
پایان رسانید و مدت سه سال در دانشگاه امریکائی بیروت تحصیل کرد . و در سال ۱۳۱۳ وارد
خدمت شرکت نفت شد و تمام مراحل خدمات ۲۶ ساله خود را در اداره کل پخش نفت طی کرد
در ابتدا کارمند ساده دایره فروش مواد نفتی بود و سه ماه بعد به تصدی شعبه فروش نفت در قم
گمارده شد . مشاغل بعدی او بدین قرار است :

ریاست انبار نفت تهران ، ریاست شعبه نفت اندیمشك ، ریاست پخش نفت در استان
خوزستان ، ریاست فروش نفت در ناحیه آذربایجان ، ریاست فروش نفت در ناحیه اراک و خراسان
و بلوچستان و سیستان ، ریاست اداره فروش مواد نفتی در تهران ، ریاست حمل و نقل ، مأمور
تجدید تشکیلات دایره حمل و نقل پیمانی و انبار نفت تهران ، ریاست اداره فروش نفت در ناحیه
آذربایجان ، ریاست اداره تدارکات مواد نفتی و عضویت هیئت مدیره و سرپرست سازمان توسعه
صنایع داخلی شرکت ملی نفت ایران .



سید محمدعلی امام شوشتری یکی از بنیانگذاران نژمولوی

«...من بنام ایران و ایرانیت از هموطنان خود تمنی می کنم از دور این شیادان بیاشند و پیرامون آنها نگردند. برای یکنفر ایرانی خیانت از این بالاتر نمی شود که داخل دریکی از این محافل دشمن بشر بشود...»

بگوش داشته باشند و هیچگاه فراموش نکنند که طرفداران حکومت های جهانی دشمنان مرزها و استقلال کشورها هستند. يك ایرانی وطنپرست و ناسیونالیست هیچگاه و در هیچ شرایط و زمانی «انترناسیونالیست» نمی شود. همچنانکه بقبول مهندس عالی مقام ایرانی مهندس احمد حسامی «زن عفیف و نجیب شوهردار هیچگاه روسپی نمی شود!».

پس از تشکیل گراند لژ محلی ایران و همینکه این لژها **تشکیل کمیته** تحت نظر گراند لژ اسکاتلند قرار گرفتند^۲، انگلیسها مسئله **مرکزی واحد** تشکیل «کمیته مرکزی واحد» و ضرورت بوجود آمدن آنرا عنوان کردند. بهانه تشکیل این کمیته مرکزی را ایجاد حسن روابط بین لژهای انگلیسی و فرانسوی که هر دو تحت نظر «گراند لژ محلی ایران» کار می کنند، دانستند. این کمیته مرکزی از فراماسونهای که مقام **Reigning Master** دارند تشکیل شده و بدین ترتیب يك قدم دیگر در راه تسلط کامل انگلیسها بر فراماسونهای فرانسوی برداشته شده است.

۱ - در سال ۱۳۴۰ شمسی یکی از استادان فراماسونری فرانسوی مهندس احمد حسامی را دعوت بدخول در لژ فراماسونری می کند. مهندس حسامی پس از اینکه سخنان او را خوب گوش می دهد باومی گوید. يك ناسیونالیست باشرف هیچگاه انترناسیونالیست نمی شود، چنانچه زن عفیف و نجیب شوهردار هیچگاه روسپی نمی شود.

پ.س.م.پ.ج

لژ بزرگ تاحه فرانسه

لژ بزرگ تاحه ایران



آقای محترم و برادر عزیز

۴

بستور استاد ارجمند بدینوسیله بااطلاع آن برادر گرامی
میرساند که جلسه هادی لژ محترم مولوی در ساعت ۹ بعد از ظهر
روز سه شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۳۶ (۲۰ فوریه ۱۹۶۸) تشکیل میگردد
خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ تاحه
ایران تشریف بیاورید .

دبیر لژ مولوی

عبیسی مالک

تهران - ایران

شماره ۴۱۰ خیابان بوعلی سینا (بهارستان)

پشت جلد یکی از نشریات محرمانه لژ مولوی

بنیان گزاران لژ مولوی در پاریس

دکتر - احمد هومن	استاد دانشگاه
دریادار عبداله ظلی	افسر نیروی دریائی
دکتر محمود هومن	استاد دانشگاه
دکتر عباسعلی خلعتبری	دیپلمات وزارت امور خارجه
رشیدی حائری	« « « «
محمد ساعد	نخست وزیر اسبق
مهدی شوکتی	محضردار
عبدالحمید سنندجی	دیپلمات وزارت امور خارجه
محمدعلی امام شوشتری	صاحبمنصب بازنشسته گمرکات

اعضای افتخاری لژ مولوی

برادر بسیار محترم وان هک	برادر محترم جی . جاکسون
برادر بسیار محترم آ . ال . دروزیر	برادر محترم پیر ماریل
برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک	برادر محترم عیسی بهزادی
برادر بسیار محترم مارک درابل	برادر محترم ژاک مریا
برادر بسیار محترم ال . دی . استریک	برادر محترم روبرت میشا
برادر محترم ن . گرانشتین	برادر بسیار ارجمند محمد جهان شاهی
	برادر بسیار ارجمند هوشنگ ظلی
	برادر ارجمند ژرژ ژوئن
	برادر ارجمند ماکس دوسکی
برادر محترم ژرژ پروو	
برادر محترم . اس . جی . ال . همبرت	
برادر محترم شارل ویورل	

استادان ارجمند لژ مولوی در ده سال فراماسونری

۱۳۳۶ - ۱۳۳۴	برادر محترم دکتر احمد هومن
۱۳۳۸ - ۱۳۳۶	برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک
۱۳۴۰ - ۱۳۳۸	برادر محترم دکتر محمود هومن
۱۳۴۱ - ۱۳۴۰	برادر محترم دریا دار عبدالله ظلی
۱۳۴۲ - ۱۳۴۱	برادر محترم علی مرندی
۱۳۴۳ - ۱۳۴۲	برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری
۱۳۴۴ - ۱۳۴۳	برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح
۱۳۴۵ - ۱۳۴۴	برادر بسیار ارجمند عیسی مالک
۱۳۴۶ - ۱۳۴۵	برادر ارجمند محمد حسن افخمی
۱۳۴۷ - ۱۳۴۶	برادر ارجمند محمد حسن مشیری

همانطوریکه قبلاً گفته شد، برای اداره لژهای فراماسونری، در اول هر سال ماسونی (مهر ماه تا پایان سال و سده ماه اول سال بعد) انتخاباتی صورت می‌گیرد. انتخاب شوندگان در لژهای انگلیسی بنام «افسران لژ» و در لژهای فرانسوی بنام «سالاران لژ» نامیده می‌شوند. کسانی که برای اداره لژها انتخاب می‌شوند، هر یک دارای مشاغلی هستند، که بنا به اهمیتی که در سازمان‌های ماسونی دارند انتخاب می‌گردند و مسئولیت عهده‌دار شده را در یکسال ماسونی انجام می‌دهند. اینک انتخابات سه‌سال لژ مولوی را ذیلاً نقل می‌کنیم:

سالاران سال ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ ش - ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ م

استاد ارجمند	برادر ارجمند عیسی مالک
استاد پیشین	برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح
نگهبان اول	برادر محمد حسن افخمی
نگهبان دوم	برادر محمد حسن مشیری

امین خیریه	برادر سر لشکر سید محمود میر جلالی
خزانه دار	برادر سر تیپ عبدالله توماج
دبیر	برادر محمدعلی صدری
رئیس تشریفات	برادر محمود رئیس
کارشناس اول	برادر ابوالحسن شاهر
کارشناس دوم	برادر اسداله صوفی املشی
معاون رئیس تشریفات	برادر پرویز یگانگی
پرده دار	برادر جمشید بهروش
خوانسالار	برادر دکتر امیر اسفندیاری
خوانسالار	برادر رضا اسفندیاری
دربان	برادر علی اصغر سلسبیلی

سالاران لژدر سال ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ ش - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ م

استاد ارجمند	برادر ارجمند محمد حسن افخمی
استاد پیشین	برادر بسیار ارجمند عیسی مالک
نگهبان اول	برادر محمد حسن مشیری
نگهبان دوم	برادر ابوالحسن شاهر
امین خیریه	برادر محمود رئیس
خزانه دار	برادر سر تیپ عبدالله توماج
دبیر	برادر جمفر منصوریان
رئیس تشریفات	برادر اسداله صوفی - جمشید بهروش
کارشناس اول	برادر عبدالعلی سمندری
کارشناس دوم	برادر دکتر محمدعلی صدری
معاون رئیس تشریفات	برادر دکتر عبدالله فتحی

ارگ نواز	برادر زوریک دیلانیان
پرده‌دار	برادر پرویز یگانگی
خوانسالار	برادر علی اصغر سلسبیلی
دربان	برادر داود میثائل

سالاران لژ در سال ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷

استاد ارجمند	برادر ارجمند محمد حسن مشیری
استاد پیشین	برادر ارجمند محمد حسن افخمی
نگهبان اول	برادر ابوالحسن شاهر
نگهبان دوم	برادر عبدالعلی سمندری
امین خیریه
خزانه‌دار	برادر سرتیپ عبدالله توماج
دبیر	برادر بسیار ارجمند عیسی مالک
رئیس تشریفات	برادر جمشید بهروش
کارشناس اول	برادر دکتر محمدعلی صدری
کارشناس دوم	برادر پرویز یگانگی
معاون رئیس تشریفات	برادر آلبریک خاچاطوریان
پرده دار	برادر جعفر منصوریان

در درون لژهای فراماسونری ایران، مثل اجتماعات و سایر رویداد های مملکتی رعایت خانواده‌ها و تقسیم مشاغل و مقامات بین آنان حکمفرماست. مثلاً با وجودی که فرزند دکتر سعید مالک (در اصطلاح ماسونها «شیرزاده» و «ماسون زاده») مدت زیادی نیست که وارد لژ ماسونی شده است، با اینحال فراماسون های فرانسوی بعلت احترام زاید الوصفی که برای «استاد اعظم» لژ های خود قائل هستند، فرزند ایشان را کاندیدای مقام «استاد ارجمند» که یکدرجه با مقام پدرشان فاصله دارد

نمودند . جلسه استادی ایشان طبق دعوت نامه دبیر لژ مولوی بدین شرح انجام پذیرفت :

استقرار

برادر عیسی مالک استاد انتخاب شده

توسط

برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح استاد ارجمند

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می شود در مراسم استقرار استاد انتخاب شده لژ محترم مولوی شماره ۴۹ - در ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۴۴ مطابق با ۲۰ آوریل ۱۹۶۵ - به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورند .

بجای دبیر لژ مولوی

محمد حسن مشیری

لباس : اسمو کینگ - دستکش سفید

شام برادرانه در سالن اختصاصی صرف خواهد شد .

کارها

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۷ بهمن ماه ۴۳ و صورت جلسه فوق العاده مورخ ۱۲ اسفند ماه ۱۳۴۳
- ۴ - قرائت تراز نامه واخذ رأی
- ۵ - استقرار از استاد ارجمند انتخاب شده برادر عیسی مالک بوسیله برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح

- ۶ - انتخاب واستقرار سالاران لژ
 ۷ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه ایران
 ۸ - انتخاب دو نفر ممیزین حساب
 ۹ - اعطاء نشان استاد پیشین به برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح
 ۱۰ - مسائل متفرقه
 ۱۱ - گرداندن کیسه خیریه
 ۱۲ - پایان کارها
- پس از اینکه «عیسی مالک» بمقام «استادی» رسید، میز «شام برادرانه» برگزار شد و این تشریفات انجام گردید :

تشریفات میز شام برادرانه

- | | |
|--|--|
| استاد ارجمند | بسلامتی رؤسای کشورهاییکه از ف . م .
منظم حمایت می کنند |
| استاد ارجمند | بسلامتی برادر غایب |
| استاد ارجمند | بسلامتی استاد اعظم لژ بزرگ ملی فرانسه
برادر بسیار محترم ار نست وان هك |
| استاد ارجمند | بسلامتی استاد بزرگ لژ بزرگ ناحیه ایران
برادر بسیار محترم دكتر سعید مالك |
| استاد ارجمند | بسلامتی استاد پیشین لژ محترم مولوی |
| برادر دكتر هوشنگ ظلی | بسلامتی اعضاء مؤسس |
| پاسخ بوسیله برادر محترم دكتر احمد هومن | |
| برادر حسن مشیری | بسلامتی استادان سابق |
| پاسخ بوسیله برادر بسیار محترم دكتر سعید مالك | |
| برادر محترم دریادار عبدالله ظلی | بسلامتی برادران مهمان |

پاسخ بوسیله برادر محترم مهندس حسین شقاقی

برادر علی اصغر سلسبیلی

تست دربان

علاوه بر تشریفات فوق که برای برقراری مراسم استادی در لژ مولوی معمول است ، برای انجام کارهای جلسات ماهانه نیز برنامه‌هایی اجراء می‌شود که دو نمونه از آنرا نقل می‌کنیم :

لژ مولوی شماره ۴۹

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می‌رساند .

جلسه استقرار لژ محترم مولوی شماره ۴۹ در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه

اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ مطابق با ۲۱ آوریل ۱۹۶۴ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران

واقع در خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل می‌گردد .

دبیر لژ مولوی

حسینعلی یاوری

لباس : اسمو کینگ

سماها

۱ - گشودن لژ

۲ - قرائت دعوتنامه

۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۲

۴ - قرائت صورت جلسات فوق العاده ۱۳ اسفند ۱۳۴۲ و ۱۲ فروردین ۱۳۴۳

۵ - قرائت ترازنامه و اخذ رأی برای تصویب آن

۶ - استقرار استاد ارجمند انتخاب شده و برادر عبدالعلی مفتاح

بوسیله برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری

و برادر محترم علی مرندی

۷ - انتخاب و استقرار سالاران لژ

۸ - انتخاب ممیزین حساب

۹ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه و لژ بزرگ ناحیه ایران

۱۰ - قرائت دوم و اخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانه پرویز بیگانگی
متولد ۱۳۱۶ در همدان - شغل بازرگان - معرف برادر سید محمد میر هادی و برادر
اسفندیار بیگانگی

۱۱ - مسائل متفرقه

۱۲ - گرداندن کیسه خیریه

۱۳ - پایان کارها

برنامه جلسه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۵

کارها

۱- گشودن لژ

۲ - قرائت دعوتنامه

۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۷ اردیبهشت ماه و صورت جلسه فوق العاده

۱۴ خرداد ماه ۱۳۴۵

۴ - قرائت اول درخواست عضویت آقای محمود بهمنیار مدیر عامل ورئیس

هیئت مدیره شرکت سهامی بن شیم معرف برادران اسداله صوفی و مسعود هدایت

۵ - مراسم ارتقاء برادران نامبرده زیر به پایه سوم

برادر محمد روستا

برادر آلبریک خاچاطوریان

۶ - قرائت دوم و اخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت آقایان نامبرده پائین:

آقای محمد علی عبادی - مشاور عالی سازمان اصلاحات ارضی معرف برادر

غلامحسین امیری قراکزلو و برادر پرویز بیگانگی.

آقای مهندس مسعود استوار - مهندس راه در اداره کل نظارت و وزارت راه -

معرف برادر بسیار ارجمند هوشنگ ظلی و برادر علی کوچکعلی.

آقای منوچهر طلیعه - مستشار دادگاه جنائی تهران - معرف برادر محترم

احمد هومن و برادر مسعود هدایت .

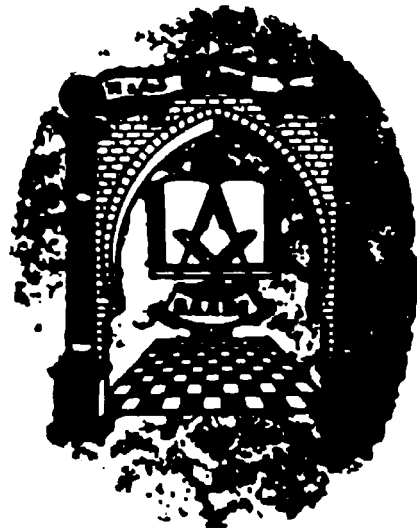
۷ - مسائل متفرقه

۸ - گرداندن کیسه خیریه

۹ - پایان کارها

ب. س. م. ب. ج

لؤ بزرگ ملی فرانسه
لؤ بزرگ ناحیه ایران



شماره ۳۱۰ خیابان بوعلی سینا (بهارستان)
تهران - ایران

ب . س . م . ب . ج .
لژ بزرگ ملی فرانسه
لژ بزرگ ناحیه ایران
لژ سعدی شماره ۶۶ -

شماره ۴۱۰ - خیابان بوعلی سینا (بهارستان) تهران . ایران
سالاران لژ در سال ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ - ۱۹۶۸ - ۱۹۶۷ -

استاد ارجمند	برادر ارجمند علی کوچکعلی
استاد پیشین	برادر ارجمند مهدی فرهودی حسابی
نگهبان اول	برادر دکتر احمد دارائی
نگهبان دوم	برادر محمدعلی سید حسنی
امین خیریه	برادر علی قلی هدایت
خزانه‌دار	برادر جواد کمالیان .
دبیر	برادر ابراهیم امامی خوئی
رئیس تشریفات	برادر مهندس بهمن بهزادی
کارشناس اول	برادر مهندس ابوتراب روحانی
کارشناس دوم	برادر مهدی کمالیان
معاون خزانه‌دار	برادر جهانگیر جهاننداری
دبیر یار	برادر ابراهیم میرزاه حسابی

معاون رئیس تشریفات	برادر مهدی لشکری
پرده‌دار	برادر مهندس جلیل زراندروز
خوانسالار	برادر غلامحسین آزر
خوانسالار	برادر ضیاءالدین ضیائیان
دربان	برادر دکتر پرویز رفوآه

اعضاء مؤسس لژ سعدی

- برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک
- برادر محترم دکتر احمد هومن
- برادر محترم دکتر محمود هومن
- برادر محترم علی مرندی
- برادر محترم دکتر عباس معتمدی
- برادر محترم عیسی بهزادی
- برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی
- برادر بسیار ارجمند عیسی مالک
- برادر بسیار ارجمند دکتر اسماعیل فیلسوفی
- برادر بسیار ارجمند نعمت‌اله خان اکبر
- برادر بسیار ارجمند غلامحسین صارمی
- برادر بسیار ارجمند سید محمد میرهادی
- برادر بسیار ارجمند علی اصغر سلسبیلی
- برادر ارجمند مهدی شوکتی (مرحوم)
- برادر سید علی نصر (مرحوم)
- برادر دکتر ابوالقاسم نجم‌آبادی
- برادر سرلشکر حسن بقائی
- برادر دکتر خانبا بابیانی

اعضاء افتخاری لژ سعدی

برادر بسیار محترم ارنست وان هك
 برادر بسیار محترم آ . ال . دروزیر
 برادر بسیار محترم مارك درابل
 برادر بسیار محترم ك ون اسنایدنر
 برادر محترم شارل ویورل
 برادر محترم ژان موئه

استادان ارجمند لژ سعدی

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰
 برادر بسیار ارجمند دکتر اسماعیل فیلسوفی ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱
 برادر محترم دکتر عباس معتمدی ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲
 برادر محترم موسی آبتین ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳
 برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴
 برادر بسیار ارجمند محمد جهانشاهی ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵
 برادر ارجمند مهدی فرهودی حسابی ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶

اکنون که با مؤسسين لژ سعدی و کارگردانان سال فراماسونری (۱۳۴۶-۱۳۴۷)

آشنا شدیم ، دو دعوتنامه جلسات ماهانه لژ مذکور را نقل می کنیم :

لژ سعدی شماره ۶۶

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می رساند جلسه استقرار لژ

محترم سعدی شماره ۶۶ در ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۴۳

مطابق با ۱۴ آوریل ۱۹۶۴ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان

شماره ۴۱۰ تشکیل می گردد .

دبیر لژ سعدی

موسی خطاطان

لباس : اسمو کینگ

کارها

- ۱ - گشودن لژ
 - ۲ - قرائت دعوتنامه
 - ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۰ اسفندماه ۱۳۴۲
 - ۴ - قرائت صورت جلسه فوق العاده مورخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۴۲
 - ۵ - قرائت ترازنامه و اخذ رأی برای تصویب آن
 - ۶ - استقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر علی اکبر موسوی بوسیله :
برادر محترم عباس معتمدی
- و
- برادر محترم محمود هومن
 - ۷ - انتخاب و استقرار سالاران لژ
 - ۸ - انتخاب ممیزین حساب
 - ۹ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه و لژ بزرگ ناحیه ایران
 - ۱۰ - مسائل متفرقه
 - ۱۱ - گرداندن کیسه خیریه
 - ۱۲ - پایان کارها

(شام برادرانه در سالن اختصاصی صرف خواهد شد)

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله با اطلاع آن برادر گرامی می رساند که جلسه عادی لژ محترم سعدی ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۶ (۱۳ فوریه

۱۹۶۸-) تشکیل می‌گردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران
تشریف، بیاورید .

دبیر لژ سعدی
ابراهیم امامی خوئی

کارها

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۹ دیماه و صورتجلسه فوق‌العاده -
۷ بهمن‌ماه ۱۳۴۶

- ۴ - قرائت اول درخواست عضویت بیگانگان نامبرده زیر :
آقای حسین خداداد- مدیر شرکت الکتروادیسون- معرف برادر رضاشایگان
و استاد ارجمند علی کوچکعلی .
آقای مارک‌خازن‌زاده مدیر پارک هتل- معرف برادر محترم موسی آبتین و
برادر بسیار ارجمند سلسبیلی
آقای مهدی فیروز - بازرس قضائی کل کشور - معرف استاد ارجمند علی-
کوچکعلی و برادر ابراهیم

۵ - مراسم سیر بیگانگان نامبرده پائین :

آقای مهندس طلعت آلپائونی

آقای مهندس محمد حسین امید سالار

- ۶ - قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانگان
عبدالحسین مشیر فاطمی - رئیس هیئت نظارت بانك مرکزی ایران - معرف
برادر محمدرضا امیدسالار و برادر بسیار ارجمند فرهودی حسابی

آقای یوسف رئیس سمیعی- دادستان دیوان کیفر- معرف برادر دکتر بابایان و
 برادر بسیار ارجمند مهدی فرهودی حسابی
 آقای دکتر احمد امید- دکتر کشاورزی- معرف برادر محمدرضا امیدسالار
 و برادر ارجمند دکتر خانبا بایانی
 ۷- مسائل متفرقه
 ۸- گرداندن کیسه خیریه
 ۹- بستن لژ

لژ حافظ شماره ۶۸ در شیراز

همانطور که قبلاً گفتیم، استان فارس و شهر شیراز همواره مورد توجه فراماسونها بوده است. نخستین لژ فراماسونی، بوسیله افسران ارتش انگلیس در این شهر تشکیل شد، که اکنون نیز پس از گذشت پنجاه سال، هنوز در ایران فعالیت می‌کند این لژ که فراماسونری انگلیسی «اسکاتلند» را در سر تاسر کشور رواج داده است، همین که نخستین سازمان فراماسونری فارسی زبان در ایران تأسیس شد، دستور تأسیس لژی را در شیراز صادر کرد. لژی که در شیراز تأسیس شد در ردیف لژهای جهانی با شماره ۶۸ گردانند ناسیونال دفرانس به ثبت رسیده، و در روز ۱۹ می ۱۹۶۰ در تهران تأسیس و تقدیس شد و سپس به شیراز منتقل گردید. در تأسیس این لژ هشت نفر زیر عنوان مؤسسين و اعضای مؤثر معرفی شده‌اند:

- ۱- دکتر ذبیح قربان - رئیس دانشکده پزشکی .
- ۲- دکتر فرمندفر - استاد دانشگاه شیراز .
- ۳- دکتر تمدن فرزانه - استاد دانشگاه شیراز .
- ۴- مهندس خمسی - میکائیک کارخانه برق .
- ۵- کاظم دستغیب .

۶ - علی اکبر خلیلی شیرازی - بازرگان .

۷ - محمود دهقان - رئیس سازمان برق شیراز

۸ - احمد نادری وکیل دادگستری .

در سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ (۱۹۵۸-۱۹۶۰) يك فراماسون امریکائی بنام پرفسور «جیراندو» ایتالیائی الاصل ، که استاد تشریح دانشکده طب شیراز بود ، در جلسات لژ مولوی شیراز شرکت می کرد. او چون يك ماسون قدیمی بود، فراماسونهای شیرازی را در انجام تشریفات راهنمایی می کرد .

در سال ۱۳۳۹-ش (۱۹۶۰-م) لژ حافظ ، هنگام پذیرفتن يك عضو جدید دچار اختلافاتی شد ، که نتیجه این مبارزات داخلی به افشاء اسرار محرمانه لژ در شهر شیراز منجر شد .

پس از این حادثه لژ مولوی کنترل بیشتری را بر لژ حافظ اعمال کرد . هر ماه که جلسه لژ تشکیل می شد ، قبلا غلامحسین صارمی «استاد ارجمند» لژ مولوی از تهران به شیراز می رفت و کرسی استادی لژ را عهده دار می شد و یکی دو بار که از رفتن بشیراز خودداری کرد ، مورد توبیخ و سرزنش «استاد اعظم» دکتر سعید مالک قرار گرفت. از این پس لژ حافظ با اختفا و حفظ اسرار بیشتری اداره می شد. اینک می پردازیم به بحث درباره دکتر ذبیح قربان و چگونگی برکناری او از مشاغل گوناگون^۱:

شهر شیراز همواره مرکز ادب ، علم و دانش و شعر و شاعری

بوده است، بهمین جهت هر حادثه و رویدادی در این شهر مورد

بحث محافل علمی و ادبی قرار گرفته و باعکس العملها و بحث

و انتقادهای گوناگون روبرو می شود. از بدو تشکیل دانشگاه

شیراز ، در این شهر اختلافاتی بین دکتر ذبیح اله قربان رئیس اسبق دانشگاه و

استادان پدید آمد. مبارزاتی که طی سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰-ش بین رئیس دانشگاه

شیراز و استادان عضو لژ فراماسونری «حافظ» وابسته به «گراند لژ محلی ایران»

از یکطرف، و مخالفین آنها از طرف دیگر رویداد، سبب شد که اسامی اعضای سازمان فراماسونری شیراز افشاء شده و عملیات محرمانه آنها برملا شود.

در سال ۱۳۴۰ ش (۱۹۶۱-م) که محمد درخشش وزیر فرهنگ شد، دکتر ذبیح‌اله قربان رادر نیمه اول سال ۱۳۴۰ از کار برکنار کرد. اگرچه دکتر قربان در نیمه اول سال ۱۳۴۱ یعنی یکسال پس از عزل - دوباره کرسی ریاست دانشگاه شیراز را اشغال کرد، معذالک کسانی که با فراماسونهای شیرازی مبارزه می‌کردند، در همان مدت کوتاه موفق شدند، اسرار فعالیت دکتر قربان و فراماسونهای شیرازی را افشاء کنند. مقاله زیر که بقلم فریدون توللی شاعر شیرین سخن پارسی در مجله سپید و سیاه چاپ شده، نمونه کوچکی از عملیات فراماسونهای شیرازی و «استاد اعظم» آنها دکتر ذبیح‌اله قربان را فاش می‌کند، که عیناً نقل می‌شود:

«یکی از اقدامات بسیار پر ارزش درخشش وزیر فرهنگ عزل مردی است بنام (دکتر قربان) که سالیان دراز، فارس و فارسی در زیر سیطره و نفوذ پایان ناپذیر این مرد می‌سوخت و می‌ساخت. برکنندن و بانتظار خدمت نشاندن رئیس دانشگاه شیراز را با هیچیک از اعمال درخشش نمی‌توان هم‌تراز شمرد، برای مزید اطلاع خوانندگان و مبارزه بزرگ وزیر فرهنگ درباره عزل (مرد سیزده شغله؟) مبادرت بچاپ مقاله زیر که بقلم نویسنده مطلع ارجمندی است گردید».

«شاید عزل و تعقیب قانونی دکتر ذبیح‌اله قربان که درخشش در دو مین مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی خود از دوازده شغل خطیر دیگر وی نیز به اختصار سخن راند از چشم مردم پایتخت و سایر هموطنان غیر فارسی ما، امری ساده و یانیمه دشوار تلقی شود و بهر حال چنین تصور کنند که مشکلات این عمل نیز در ردیف کارهای دیگر درخشش بوده است؟ ولی مردم فارس و خصوصاً اساتید و دانشجویان دانشکده های مختلف این استان که سالیان دراز، لگدکوب قدرت اهریمنی «قربان» و شاهد قانون- شکنیها و ستمگریهای بی‌امان این پرورده مکتب «فراماسون» بوده از تظلم به

عالیترین مقامات مسئول مملکت نیز جز حبس و تبعید و اخراج نتیجه نگرفته‌اند خوب می‌دانند که درخشش درین مصاف بر چه از در سهمناک و شکست ناپذیری غالب شده و تا چه پایه خطر کینه‌توزی عظیم‌ترین قدرتهای مرموز و بی‌گذشت را بجان خریده است .

«قربان» نه تنها با احراز سمت ریاست دانشگاه و در انحصار کشیدن متجاوزان از پنجاه سمت رسمی و غیررسمی دیگر ، بِنفع سیاست بیگانه ، بر سراسر فارس پنجه قدرت نهاده بود، بلکه کار این اقتدار و نفوذ را بدانجا کشانیده بود که سال گذشته با وجود اعتصاب عمومی و قانونی اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز و هماهنگی باطنی استاندار و عالیترین مقامات تأمین‌فارس با این جماعت روشنفکر و کثیر که باز کردلائل و مدارك محکمه پسندخواستار رفع شروی بودند ، همچنان براریکه قدرت شیطانی خویش باقی ماند و به دستیاری و پشتیبانی «مهران» وزیر فرهنگ وقت ، تنی چند از شایسته‌ترین و محبوب‌ترین استادان و دانشیاران آن دستگاه را نیز منتظر خدمت و ویلان نمود . تا آنجا که نه تنها استاندار مقتدر نمای فارس در پیشگاه این روئین‌تن بیگانه پرست سپرافکند ، بلکه قدرتهای تأمین‌فارس مافوق‌استاندار هم دانستند که هرگز تیغ ایشان بر پروردگان فراموشخانه سیاستهای کهن ، برآ - نخواهد بود.

برای آنکه خواننده عزیز ، بر نمونه‌ای از نفوذ جهنمی «قربان» وقوف یابد و کار عظیم و پرارج درخشش را آنقدرها هم سهل و ساده نپندارد ، بایستی عرض کنم که در گرماگر مهاجرای سال گذشته ، پس از آنکه دکتر قربان کلیه اقدامات استاندار و مقامات تأمین‌فارس و گزارش‌های تند و صریح آن‌ها را ، در مراجع عالیه مملکتی بی‌اثر گذاشت ، مقامات مزبور با این تصور که چنانچه مدارك ارتباط مخفی دکتر ذبیح قربان را با اعمال سیاسی بیگانه بدست آورده و به تهران بفرستند ، موجبات رفع شبهه مرکز را در پاکدامنی و میهن پرستی وی فراهم خواهند کرد ، مدتی چند «خانه مرموز سر کیس ارمنی» یا بهتر بگویم مرکز فعالیت و مشاوره و کسب دستور فراماسون ها را زیر نظر گرفتند

و خلاصه ضمن کنترل رفت و آمدهای قربان و همدستان وی و کاوش بعدی آن خانه موفق شدند مدارک مورد نظر را به يك مرکز انتظامی برده و ضمن بازجوئی از شخص دکتر قربان گزارش نهائی امر را برای ارسال بتهران تکمیل نمایند، تصور می‌رفت که دکتر قربان در برابر اسناد مورد بحث کوتاه آید و علی‌المعمول در مقام انکار یا ادعای جعل خط و امضاء خود برخیزد، ولی عکس‌العمل وی آنچنان خلاف انتظار از آب درآمد که رندان غلاف کردند و بر عظمت حضرتش آفرینها خواندند! بدین معنی که آقای ریاست دانشگاه و ده‌ها شغل دیگر، نه تنها مراتب و مدارک را تکذیب ننمود، بلکه اسامی چندین تن از شخصیت‌های بسیار عالی‌مقام تهران را نیز بعنوان همکار مسلکی و هم لژ (حوزه‌های بزرگ فراماسونی را لژ می‌گویند) و معروفو رابط تشکیلاتی خود بر زبان آورد و گویا ذیل ورقه بازجوئی محرمانه هم استدعا کرد که چون فعالیت دستجمعی نامبردگان در تهران و شهرستانهای مهم کشور بخاطر مجد و علای کشور صورت گرفته و عضویت در فراموشخانه هم در قوانین مملکتی ایران جرم شمرده نشده، چنانچه مقامات تأمینی مزبور خواستار تحقیق کامل موضوع هستند بهتر است از آقایان، ... و، ... هم در این زمینه سئوالاتی بعمل آورند و البته پر واضح است که آقایان مزبور اشخاصی نبودند که بتوان بدون تعظیم سجد خاکبوسی مشرف حضور ایشان گردید، تا چه رسد بجسارت پرس و سئوال! بطور خلاصه برخی از این آقایان عظام همانهایی بودند که سالهاست «پی برداری غارت عتیقات موزه ایران باستان» و فعل و انفعالات انجام یافته در سدسازیهایی بزرگ کشور و نظائر آن تا پای حصن حصین و دژ استوار شخصیت ایشان رفته و همان جا محو و نابود گردیده است، خلاصه آنکه هر چه مقامات دولتی فارس، بتهران نوشتند که باباجان صلاح مملکت نیست که بخاطر ابقاء مرد متجاوز و قانون شکن و دسیسه کار و مرموزی چون دکتر ذبیح‌اله قربان، تمامی استادان و دانشجویان و دانشیاران يك دانشگاه را که از طرف اکثریت مردم فارس هم پشتیبانی می‌شوند سرکوب نمود و به مردم دشمن تراش و دروغ پردازی این چنین،

اجازه داد که این همه در مورد خود از حمایت های مقامات لاف و کزاف زند، نه تنها مثر ثمر نگردید، بلکه همان هائی که از سال ها باین طرف برای حفظ منافع نامشروع و یغمای بی حد و حصر خویش میان شاه و ملت پرده استتار کشیده اند، چنان دستگامهای قدرت مرکزی را بحمايت از «قربان» برانگیختند که نامبرده در مدتی کوتاه تمامی مدعیان خود را در آتش انتقام افکند و بکمک «مهران» دمار از روزگار همه بر آورد و شاخ مبارکش را بمدد سوهان گاو بندی وزیر، تیزتر نمود!

از افتضاحات دیگری که قربان به همدستی مستر شارپ انگلیسی کشیش کلیسای شمعون غیور شیراز انجام داده و در سال قبل در مجله های تهران وسیله محقق دانشمند محیط طباطبائی مورد بررسی دقیق قرار گرفته یکی هم انتخاب (آرم - دانشگاه شیراز) می باشد، که طابق النعل بالنعل از نقش سپر عیسویان در جنگهای صلیبی اتخاذ شده و با ترستی زیر کانه ای بخورد ملت شریف و بردبار ایران رفته است! آن هم ملتی که خود دارنده قدیمی ترین دانشگاههای دنیا بوده و نوابغ جاویدانی از قبیل ابن سینا و رازی و فارابی و بیرونی و خیام را تقدیم عالم بشریت کرده است. افسوس که نگارنده این مقاله کوتاه را مجال آن نیست تا در این مختصر از «مرفومات فاضلانه محیط»، استمداد جوید و نقاب از چهره بیگانه پرستان بر کشد، ولی آنان که طالبند می توانند به مرجع فوق الاشعار عنایت فرمایند و ضمناً از حضرت محیط پیرسند، آنان بصد زبان سخن می گفتند - آیا چه شنیدند که خاموش شدند؟

در معرفی دکتر ذبیح اله قربان و عقیده ای که مردم شیراز درباره وی از سر تجربه و تحقیق دارند، همین بس که چندین سال قبل که دولت وقت بمناسبت حوادث آن هنگام در ب سفارت فخمیه و قونسولگری های تابعه آن را با قطع ارتباط فیما بین فرو بست، مردم شیراز، اهمیت چندانی به تعطیل قونسولگری آن دیار نگذاشتند و رندانه چنین گفتند:

«احمق آن است که با بودن قربان از تعطیل قونسولخانه خوشحال شود!»
شما را بخدا فکر کنید. وقتی که يك غير مسلم، تمام قدرت و نفوذ شیطانی

خود را برای منکوب کردن صدها استاد و دانشجوی مسلمان و هزاران فرهنگی دین‌دار و وطن‌پرست به کار می‌اندازد و در این مبارزه از طرف بسیاری از روحانی نمایان متنفذ فارس هم به قلم و قدم پشتیبانی می‌شود، آیامی توان مبارزه و حشیانه او را ساده و بی‌ارتباط با سیاست‌های تحریک آمیز بیگانگان تلقی کرد؟

بهر حال این کار...، کاری بس عظیم بوده و بیگمان از طرف عموم مردم شیراز و دانشگاهیان رنج کشیده آن دیار (نه هم‌دستان قربان) به عالی‌ترین وجه ممکنه مورد سپاس قرار خواهد گرفت. اگر... در تمام طول وزارت خود، همین يك کار بزرگ را هم انجام داد، کافی بود که مردم فهیم و خردمند فارس مجسمه وی را در داخل شهر برافرازند و ذیل آن بنویسند:

«این است مجسمه مردی که باشهامت خود ما را از دسائس قربان و قربان را از فوران کینه انباشته مانجات بخشید».

حقیقت این است که چنانچه درخشش، چند صباحی دیگر در برکندن قربان تأخیر کرده بود، شاید سر نوشت... با وخامت و فضیحت بیشتری گریبان گیر ریاست سیزده شغله دانشگاه شیراز می‌گردید و کار از کار می‌گذشت.

زوال قربان را باید زوال مقتدرترین مظهر سیاست استعماری در سرزمین فارس بشمار آورد. زیرا این پدیده خطرناک که به شهادت ترقیات سریع و بهت‌آورش از يك سیاست خارجی عمیق سرچشمه گرفته است، کم مانده بود که با - برافروختن آتش انقلاب، دانشگاه شیراز را به خاک و خون کشد، و خود... وار از میان معرکه رخت سلامت بردا...».

ب . س . ۴۰ . ب . ج
 لژ بزرگ ملی فرانسه
 لژ بزرگ ناحیه ایران



لژمزد شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز .

با کمال احترام از جناب عالی دعوت می‌شود در جلسه استقرار
 برادر مهندس رضا رزم آرا استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزد
 که در ساعت ۶ بهد از ظهر روز شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۴۴ (۵ مارس ۱۹۶۶)
 تشکیل می‌گردد . به محل لژ بزرگ ناحیه ایران خیابان بهارستان
 شماره ۴۱۰ تعریف بیاورید .
 خواهشمند است در هام برادرانه‌ای که از طرف استاد ارجمند
 داده خواهد شد نیز شرکت فرمائید .

دبیر : محسن کلانتری

لباس : اسنو گینک

پشت جلد رساله ارتقاء مقام استادی به مهندس رضا رزم آرا

لژ مزدا شماره ۷۹

هفتمین لژ فراماسونری فرانسه در ایران ، لژ «مزدا شماره ۷۹» نام دارد ، که روزدوم مارس ۱۹۶۳ (نهم اسفند ۱۳۴۳-ش) در تهران تأسیس و تقدیس شده است این لژ که در یکسال فراماسونری-۹ ماه - و در روزهای اولین شنبه هر ماه مسیحی جلسات ماهانه خود را تشکیل می دهد ، بعد از لژ مولوی ، از فعالترین لژ های فراماسونری در ایران است. در تأسیس این لژ سیزده «استادارجمند» و شش فراماسون عادی شرکت داشتند . در حالیکه در تأسیس سایر لژ های فراماسونری بیش از شش ناهفت «استادارجمند» شرکت نداشته اند و اینک مؤسسين لژ مزدا را معرفی می کنیم:

اعضاء مؤسس لژ مزدا

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک

» محترم عیسی بهزادی

» بسیار ارجمند محمود ضیائی

» بسیار ارجمند دکتر هوشنگ ظلی

» بسیار ارجمند محمد جهانشاهی

» بسیار ارجمند علی اکبر موسوی

» بسیار ارجمند دکتر فتح اله جلالی

» بسیار ارجمند غلامحسین صارمی

» بسیار ارجمند نعمه اله خان اکبر

» بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح

» بسیار ارجمند رضارزم آرا

- » ارجمند دکتر خانابا بیانی
- » ارجمند محمود سلامت
- » دکتر رضا فلاح
- » عماد تربتی
- » علی محمد دهقان
- » باقر پیرنیا
- » حسین فرهودی
- » دکتر عبدالحسین راجی

اعضاء افتخاری لژ مزدا

- برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک
- » محترم دکتر احمد هومن
- » محترم دکتر محمود هومن
- » محترم عباسقلی گلشائیان
- » محترم علی مرندی
- » محترم دکتر عباس معتمدی
- » محترم موسی آبتین

استادان ارجمند لژ مزدا

- ۱۹۶۳ - ۱۹۶۴ - برادر بسیار ارجمند دکتر فتح‌اله جلالی
- ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵ - بسیار ارجمند دکتر محمود ضیائی
- ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ - بسیار ارجمند نعمت‌اله خان اکبر
- ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ - بسیار ارجمند مهندس رضا رزم‌آراء
- ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ - ارجمند دکتر خانابا بیانی

در پنج سال گذشته ، لژ مزدا پنج دوره انتخابات برای اداره کرسی داشته است که اینک در ذیل سالاران و کارگردانان دو سال فراماسونری را نقل می‌کنیم :

سالاران لژمردا در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۶م-۱۳۴۴-۱۳۴۵ ش

استاد ارجمند	برادر رضا رزم آرا
استاد پیشین	» ارجمند نعمت‌اله خان اکبر
نگهبان اول	» خان‌بابا بیانی
نگهبان دوم	» محمود سلامت
امین خیریه	» محمدعلی بوذری
خزانه‌دار	» مسعود هدایت
دبیر	» بسیار ارجمند علی اکبر موسوی
رئیس تشریفات	» محسن کلاتری
کارشناس اول	» علی معین
کارشناس دوم	» عزیز نبوی
معاون خزانه‌دار	» احمد نظام
دبیر یار	» علی اکبر ضیائی
پرده‌دار	» حسین دفتریان
خوانسار	» غلامحسین جهانشاهی
دربان	» هدایت‌اله کسرائی

سالاران لژ در سال ۱۳۴۶-۱۳۴۷ ش-
۱۹۶۸-۱۹۶۹م

برادر ارجمند محمود سلامت	استاد ارجمند
» ارجمند خان‌بابا بیانی	استاد پیشین
» مسعود هدایت	نگهبان اول
» عزیز نبوی	نگهبان دوم
» علی معین	خطیب
» فرج‌اله اکبر	خزانه‌دار

دبیر	» احمد نظام
رئیس تشریفات	» عباس ظریف
کارشناس اول	» حسین دقتریان
کارشناس دوم	» محسن کلانتری
معاون رئیس تشریفات	» باباخان بیتوردا
دربان	» علی اکبر ضیائی.

لژ فعال «مزدا» هم مثل سایر لژ های فرانسوی بطور منظم جلسات ماهانه خود را تشکیل می دهد . در ذیل سه بر نامه ماهانه سه سال را نقل می کنیم :

لژ مزدا شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می رساند که جلسه عادی لژ محترم مزدا در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ دیماه ۱۳۴۳ برابر با ۲ ژانویه ۱۹۶۴ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشکیل می گردد .

دبیر لژ مزدا

دکتر خانبابا بیانی

کارها

۱ - گشودن لژ

۲ - قرائت دعوتنامه

۳ - قرائت صورت جلسه عبادی مورخ ۱۴ آذر ماه ۱۳۴۳

۴ - قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانگان :

محمود روحانی - نماینده مجلس شورایی - ملیت ایرانی - معرف استاد

ارجمند محمود ضیائی و برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی .

علی اکبر ضیائی - قاضی دادگستری - ملیت ایرانی - معرف: استاد ارجمند

محمود ضیائی و برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی .

عباس ظریف - معاون اداره کل کارگزینی وزارت کشور - ملیت ایرانی - معرف:

برادر بسیار ارجمند غلامحسین صارمی و برادر هوشنگ ظلی .

۵ - قرائت اول درخواست عضویت بیگانگان نامبرده زیر :

مهندس حسین دفتریان - مهندس راه و ساختمان - ملیت ایرانی - معرف :

برادر محمد جهانشاهی و برادر محمود سلامت .

دکتر مهندس مصطفی مزینی - استاد دانشگاه تهران - ملیت ایرانی - معرف :

برادر محمد جهانشاهی و برادر محمود سلامت .

باباخان بیتوردا - مهندس راه و ساختمان - ملیت ایرانی - معرف : برادر

نعمت‌الله خان اکبر و برادر هوشنگ ظلی .

پرویز سهرابیان - متولد ۱۳۰۴ در تهران - کارمند وزارت کشور - معرف :

برادر بسیار ارجمند فتح‌الله جلالی و برادر حسین فرهودی .

۶ - مراسم گذر برادران نامبرده زیر بیایه دوم :

برادر دکتر عزیز نبوی

برادر مهندس علی معین

۷ - مسائل متفرقه

۸ - گرداندن کیسه خیریه

۹ - پایان کارها

ب . س . م . ب . ج .

لژ بزرگ ملی فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران

لژ مزدا شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز

با کمال احترام از جنابعالی دعوت می‌شود در جلسه استقرار برادر مهندس

رضا رزم‌آراء استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزدا که در ساعت ۶ بعد از ظهر

روزشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۴۴ (۵ مارس ۱۹۶۶) تشکیل می‌گردد . به محل لژ بزرگ

ناحیه ایران خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشریف بیاورید .

خواهشمند است در شام برادرانهای که از طرف استاد ارجمند داده خواهد شد نیز شرکت فرمائید .
دبیر : محسن کلاتری

کارها

- ۱ - گشایش لث
 - ۲ - قرائت دعوتنامه
 - ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۴۴
 - ۴ - قرائت تراز نامه سالیانه و اخذ رأی
 - ۵ - استقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر رضارزم آراء
 - ۶ - انتخاب و استقرار سالاران
 - ۷ - انتخاب نمایندگی لث در لث بزرگ ملی فرانسه و لث بزرگ ناحیه ایران
 - ۸ - انتخاب دو نفر ممیز حساب
 - ۹ - مسائل متفرقه
 - ۱۰ - گرداندن کیسه خیریه
 - ۱۱ - پایان کارها
- آقای محترم و برادر عزیز :

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله با اطلاع آن برادر گرامی می‌رساند. که جلسه استقرار استاد ارجمند انتخاب شده لث محترم مزدا ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۴۶ - (۲ مارس ۱۹۶۸) تشکیل می‌گردد. خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لث بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید .
دبیر لث مزدا
مسعود هدایت

کارها

- ۱ - گشودن لث
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۶ -
- ۴ - قرائت تراز نامه سالیانه و اخذ رأی

۵ - استقرار استاد لرجمند انتخاب شده برادر

مهندس محمود سلامت

توسط

برادر بسیار ارجمند مهندس رضازم آرا

۶ - انتخاب واستقرار سالاران لژ

۷ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه ایران

۸ - انتخاب دو نفر ممیز حساب

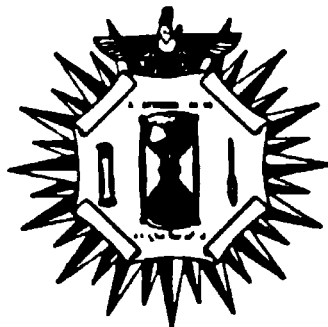
۹ - مسائل متفرقه

۱۰ - گرداندن کیسه خیریه

۱۱ - پایان کارها



I.T.N.O.T.G.A.O.T.U.
 French National Grand Lodge
 District Grand Lodge of Iran



**AVICENNA LODGE No. 76
 TEHEAN**

W. Bro. M. SANAI	W. M.
Bro. Z. DELANIAN	S. W.
Bro. J. BOWE	J. W.

Dear Sir and Brother.

You are hereby summoned to attend a Regular Meeting of this Lodge to be held on **Saturday, 17th February 1968** (28 Bahman 1346) at 410, Avenue Abu Ali Sina Tehran.

The Attendance Book will be available at **6.30 p.m.** and the Lodge opened at **7 p. m.** precisely

R. E. Gloyd
 Secretary

Dress: Dinner Jacket, or Dark Lounge Suit

DINNER

آرم مخصوص لژ انگلیسی زبان ابن سینا که تابع گراند لژ دفرانس است .



I.T.N.O.T.G.A.O.T.U.
French National Grand Lodge
District Grand Lodge of Iran

لژ ابن سینا شماره ۷۶

نخستین لژ انگلیسی زبان ، سازمان فراماسونری فرانسه در ایران ، لژ «ابن سینا» است که شماره ردیف آن در لژهای جهانی گراند ناسیونال دفرانس ۷۶ می باشد . این لژ را از روز تأسیس تاکنون دکتر حسن علوی چشم پزشکی معروف و یکی از ایران پرستان بنام ، اداره می کند : دکتر حسن علوی که تحصیلات عالی خود را دردانشگاه های انگلستان بی پایان رسانیده ، علاوه بر اینکه از چشم پزشکان حاذق کشور بشمار می رود و سمت استادی در دانشگاه تهران دارد ، یکی از مردان سیاسی بنام ایران است . وی در دوران حساس مبارزات نفتی ، نماینده مجلس شورایملی وعضو کمیسیون نفت بود .

این لژ که فرمان تأسیس آن در روز ۱۲ آپریل ۱۹۶۲ صادر شده است ، در سومین سه شنبه هر ماه مسیحی جلسه ماهانه خود را تشکیل می دهد . مؤسسين این لژ بموجب مطالبی که در يك رساله چاپ و مخفیانه از طرف فراماسونها منتشر شده ، عبارتند از :

دکتر سعید مالک استاد اعظم لژهای فرانسوی در ایران .

دریا دار عبدالله ظلی افسر بازنشسته .
د . ك . ویلسن .

م - کاندل کنسول اسبق انگلیسی در تهران .
دکتر سید حسن علوی استاد دانشگاه .
هوشنگ ظلی دیپلمات و عضو وزارت امور خارجه .
ح - فاضل

رحمت الله قوامی - کارمند بازنشسته کنسرسیوم
م - ضیائی

عیسی مالک - دیپلمات وزارت خارجه
علی مرندی - عضو هیئت مدیره نفت
دکتر معتمدی مدیر عامل شرکت کریستال ایران
عبدالعلی مفتاح - عضو نفت ملی
علی کوچکعلی - بازرگان

محمد حسن افخمی

غلامحسین قراگوزلو

م - تسلیمی معاون سابق وزارت اطلاعات
زوریک دیلانیان - کارمند سفارت انگلیس
د - القانیان بازرگان

حبیب القانیان »

دکتر رضا فلاح عضو هیئت مدیره نفت

خلیل طالقانی - وزیر اسبق

یگانگی - بازرگان

علی اصغر سلسبیلی منشی لژ

اعضاء افتخاری لڑ ابن سینا

W. H. Robinson	روبینسن
A. T. Parker	ا - ت - پارکر
M. S. Drabble	ام اس - درابل
C. I. Fairey	سی - ای - فری دورا بجی
D. W. Horne	د - و - هورن احمد هومن
D. David	د - داوید
R. A. Jones	ار - ا - جونس
S. C. Knight	اس - سی - کنلیت ا - منشائی
A. Brown	ا - بروون
E. F. Brown	اس - اف - بروون اکبر دارائی شاهرخ فیروز
F. I. Grant	اف - ای - گرانت
R. Hargreaves	ار - ہارگراوز فتح اللہ جلالی یوسف خوش کیش م . موحد
R. Oddy	ار - اودی ا - ا - رفیعی ا - سمندری

	اس - سرکیسیان
	ابوالحسن شاهر
	ج - سعیدی
	خلیل ضیائی
M. F. Holloway	ام - اف - هولووی
	ا - ح - پرنواعظم
E. P. Davies	ای - پی - داویس
	س - موسوی
	بور بور
	م - صناعتی
	ف - القانیان
R. Shepherd	ار - شپرد
	م - خواجه نوری
G. Herrin	جی - هرین
W. D. Mills	و - د - میلز
S. j. Bowe	اس - ج - بوو
R. R. Townly	ار - ار - تونلی
C. T. Goodworth	سی - تی - گودورث

در انتخابات سال‌های مختلف فراماسونری، فراماسونهای زیر عهده‌دار،
اداره کرسی لژ ابن‌سینا بودند:

سال فراماسونری ۱۹۶۳-۱۹۶۴

م - کندل	حضرت استاد ارجمند
دکتر حسن علوی	قائم مقام استاد
منوچهر تسلیمی	سرپرست اول

ار - ۱ - جونز	خزانه دار
علی کوچکعلی	دبیر
ابوالحسن شاهر	مدیر تشریفات
علی مرندی	راهنمای اول
فاضل	» دوم
۱ - براون	خطیب
داود القانیان	معاون تشریفات
رحمت الله قوامی	اورگ نواز
زوریک دیلانیان	معاون دبیر
غلامحسین قراگوزلو	نگهبان داخلی
سرکیسیان	
م . اف . هولوی	نگهبان خارجی
پرتو اعظم	
محمد افخمی	
افسران اداره کننده سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۴	
دکتر حسن علوی	حضرت استاد ارجمند
دکتر منوچهر تسلیمی	قائم مقام استاد
فاضل	سرپرست اول
م - کندل	استاد ارجمند پیشین
خلیل طالقانی	خطیب
علی کوچکعلی	خزانه دار
زوریک دیلانیان	دبیر
علی مرندی	مدیر تشریفات
محمد حسن افخمی	راهنمای اول
ای - پی - دایویس	» دوم

س - موسوی	معاون تشریفات
شاهرخ فیروز	اورگ نواز
زوریک دیلانیان	معاون دبیر
موحد	معاون خزانه‌دار
پرتوا عظم	نگهبان داخلی
م - صناعی	
بور بور	
ا - ر - شیرد	
القانیان	
فتح‌الله جلالی	نگهبان خارجی

افسران لژ در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸

م - صناعی	حضرت استاد ارجمند
اف - اج - ار - وایت	قائم مقام استاد
زوریک دیلانیان	حضرت استاد پیشین
دکتر سید حسن علوی	خزانه‌دار
علی کوچکعلی	دبیر
ار - ای - گل‌وین	مدیر تشریفات
فاضل	راهنمای اول
بور بور	دوم
او - تشرشیان	
بور ریج	
بهروش	معاون تشریفات

فریدون باتمانقلیچ

ا. ا. سمندری

ار - ار - تونلی

ا. م. شاهپرکی

القانیان

علی اصغر سلسبیلی

معاون دبیر

معاون خزانه‌دار

نگهبان داخلی

نگهبان خارجی



در این تصویر از راست به چپ.

دکتر کیان عضو لژهای انگلیسی - دکتر حسن علوی استاد لژ ابن سینا - عباسقلی عرب
شیبانی عضو لژهای انگلیسی - دریادار ظلی یکی از بنیانگذاران لژ مولوی

لژ لافرانس شماره ۸۳

نخستین لژ «فرانسه زبان» فراماسونری در ایران ، لژ «لافرانس» تحت نظارت عالیہ گرانڈ لژ ناسیونال فرانسه در ایران است. این لژ که در روز هفتم می ۱۹۶۴ تقدیس و تأسیس شده است ، یکی از لژهای تابعه گرانڈ لژ محلی فرانسه در ایران می باشد، که بوسیله عده ای از ایرانیانی که به زبان فرانسه صحبت می کنند و فرانسویهای مقیم تهران تشکیل شده . طبعاً منظور اصلی از تأسیس این لژ در درجه اول گرد آوردن فرانسویهای فراماسونی بود که در ایران اقامت داشتند. این لژ که در اولین سه شنبه هر ماه مسیحی جلسات ماهانه خود را دایر می کند، در مدت یکسال فراماسونری شش جلسه ماهانه در ماه های ژانویه - فوریه - می - اکتبر - نوامبر - دسامبر ، دارد که تاریخ تشکیل آن قبلاً از طرف مرکز گرانڈ لژ تعیین می شود. اعضای افتخاری و مؤسسين این لژ عبارتند از :

۱ - وان هک استاد اعظم گرانڈ لژ ناسیونال دفرانس

۲ - !

۳ - علی مرندی - نماینده کنونی مجلس شورایملی

۴ - دریا دار عبدالله ظلی - افسر بازنشسته نیروی دریائی

۵ - علی اصغر سلسبیلی - منشی لژ های فرانسوی در ایران

۱ - نام این شخص محترم بمللی که فقط بستگی به نظر شخصی نویسنده دارد، حذف شد.

چهار نفر از مؤثر ترین افسران لژ «لافرانس» که اهمیت فراوانی دارند ، عبارتند از :

Venepable Maitre	۱ - احمد هومن با سمت استاد اعظم
Premiere Surveillant	۲ - دکتر جواد صدر ، وزیر دادگستری
Deuxieme Surveillant	۳ - هوشنگ ظلی - سفیر کبیر کنونی ایران در لبنان
Secretaire	۴ - علی اصغر خشایار - عضو عالی مقام سازمان بر نامه ^۱

افسران اداره کننده این لژ در سال فراماسونی ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ در نشریه محرمانه این لژ ، بدین شرح معرفی شده‌اند :

Venerable Maitre	هوشنگ ظلی استاد اعظم
Passé Maitre Immédiat	احمد هومن
Premiér Surveillant	علاءالدین روحانی
Deuxieme Surveillant	مهدی فرهودی حسابی
Hospitalier	محمد جهانشاهی
Trésorier	احمد دارائی
Secrétaire	علی اصغر خشایار
Directeur des Cérémonies	محمود رئیس
Premier Expert	ناصر بدیع .
Deuxième Expert	ناصر الدین ناصری
Bienfaisance Maconnique	حسین فرهودی
Elémosinaire	حبیب القانیان
Organiste	زوریک دیلانیان
Couvreur	محمد مشیری یزدی

۱ - مقام‌هایی که درین جا بدانها اشاره می‌شود ، از نشریه محرمانه مربوط به تفویض مقام استادی به هوشنگ ظلی استخراج شده است .

این لژ فراماسونری اگرچه بزبان فرانسه ، جلسات خود را دایر می‌کند و مکاتبات و نشریات آنهم بزبان فرانسه می‌باشد ، ولی اکثریت اعضای آن فراماسونهای ایرانی هستند ، که زبان فرانسه را می‌دانند و یا در فرانسه تحصیل کرده‌اند ، نه فرانسویان مقیم ایران که هدف اصلی از تأسیس لژ گردآوری آنها بود .

بعنوان نمونه دو بر نامه ماهانه این لژ ، برای پذیرش و ارتقاء مقام اعضای جدید را که عضو سایر لژهای فراماسونری فرانسه هستند ، ذیلا نقل می‌کنیم :

برنامه روز ۱۵ دی ۱۳۴۳ (۵ ژانویه ۱۹۶۵)

۱ - قبول عضویت علی اکبر صادق - متولد ۱۹۰۸ در تهران - آرشیکت - ملیت ایرانی - معرف : هوشنگ ظلی - ناصر بدیع .

۲ - امیر اسمعیل ملک منصور متولد ۱۹۱۰ - ملیت ایرانی - معرف : هوشنگ ظلی - ناصر بدیع .

۳ - محمد مشیری یزدی - عضو لژ کورش - قبول عضویت در لژ فرانسه ، معرف : ابوالقاسم ملکی یزدی - ناصر بدیع .

۴ - قبول عضویت ، عضو جدید دکتر ابوالقاسم مغازم متولد ۱۹۳۲ زبجان - پزشک ملیت ایرانی - معرف : دکتر حسین رحمتیان - محمود هومن .

۵ - پذیرش منصور معتمدی - متولد ۱۹۳۱ تهران - مدیر شرکت ایران بوتان - ملیت ایرانی - معرف : دکتر حسین رحمتیان - محمود هومن

۶ - پذیرش داوید اوهایون تبعه فرانسه - مدیر الیانس اسرائیلی یونیور - سال - معرف : زوریک دیلانیان - محمود ضیائی .

قرائت اخفرائی دوم :

ابراهیم ریاحی .

یعقوب خلیفی .

پایان کار لژ

برنامه جلسه ماهانه در اسفندماه ۱۳۴۳

تحت نظارت عالیہ گرانڈ لٹر ملی فرانسه .

گرانڈ لٹر شعبہ ایران

لٹر لافرانس شماره ۸۳

خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ -

آقای عزیز وب . الف . ف .

از شما خواهش می شود در جلسه منظم لٹر که در روز سه شنبه دوم مارس ۱۹۶۵ -

(یازدهم اسفند ۱۳۴۳) در ساعت هیجده تشکیل می شود ، حضور یابید . لیست حضور

و غیاب از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه مفتوح است .

از طرف استاد اعظم - دبیر - علی اصغر خشایار .

کارها

۱ - دستور کارها .

۲ - قرائت دعوتنامه ها .

۳ - قرائت صورت جلسه اجلاسیه منظم دوم فوریه . همچنین قرائت صورت

اجلاسیه فوق العاده بیست و سوم فوریه ۱۹۶۵ و بحث پیرامون تأیید آن .

۴ - انتخاب استاد اعظم . صندوقدار برای تصدی در سال ۱۹۶۶ و ۱۹۶۵

۵ - دومین قرائت واخذ رأی درباره تقاضای عضویت آقایان دکتر ابوالقاسم

مغازه ، دارای ملیت ایرانی پزشک که توسط آقای دکتر رحمتیان و هرمان معرفی شده است .

۶ - مهندس منصور معتمدی . دارای ملیت ایرانی . متولد ۱۹۳۱ - در تهران

که توسط آقای دکتر رحمتیان و آقای هرمان معرفی شده است .

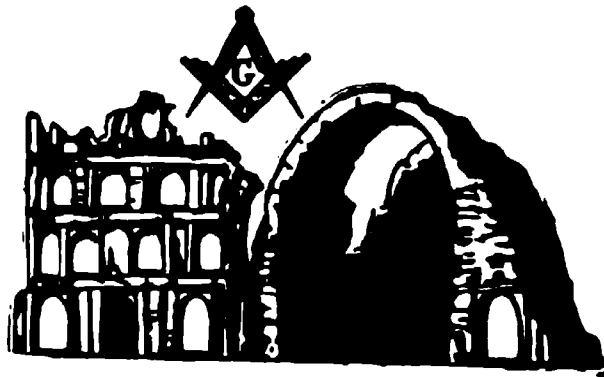
۷ - دکتر محمد حسین حاجبی . دارای ملیت ایرانی . که توسط آقای هرمان

و عباس معتمدی معرفی شده است .

- ۸ - داویدا و هایون متولد سال ۱۹۱۴ - در مراکش دارای ملیت فرانسوی .
 که توسط دیپلانیان و ضیائی معرفی شده است .
- ۹ - قیصر مسعود . متولد یزد در سال ۱۹۰۷ . دارای ملیت ایرانی . توسط
 آقای فرهودی حسابی و آقای هرمان معرفی شده .
- ۱۰ - یوسف سلیم خانی متولد ۱۹۱۷ . دارای ملیت ایرانی . که توسط آقای
 محمود رئیس و هرمان معرفی گردیده است .
- ۱۱ - اخذ رأی نسبت به دکتر محمد حسین حاجبی (در صورتی که رأی موافق
 باشد) دکتر ابوالقاسم مغازه
- ۱۲ - دومین قرائت و اخذ رأی درباره تقاضای الحاق آقای محمد رضا امیدسالار
 عضو لژ سعدی شماره ۶۶ که توسط آقای هرمان و خشایار معرفی شده است .
- ۱۳ - موضوعات متفرقه
- ۱۴ - جمع آوری اعانات
- ۱۵ - تعطیل کارها

پ.س.م.پ.ج.۰

لو بزرگ ملی فرانسه
لو بزرگ ناحیه ایران



لژ کسرا شماره ۱۰۴

آقای محترم و برادر عزیز

بمستور استاد ارجمند با اطلاع آن برادر گرامی میرساند که جلسه عادی
لژ محترم کسرا ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۴۶
(۱۱ فوریه ۱۹۶۸) تشکیل میگردد .
خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر بمحل لژ بزرگ ناحیه ایران
تشریف بیاورید

دیر لژ کسرا

دکتر عباس بابک

شماره ۴۱۰ خیابان بوعلی سینا (چهارستان)

پشت جلد یکی از نشریات محرمانه لژ کسرا

لژ کسرا شماره ۱۰۸

تابع قانون اساسی گراند ناسیونال دفرانس

آخرین لژ فارسی زبان فراماسونری فرانسه در ایران ، لژ «کسرا» تابع گراند لژ ناسیونال دفرانس است . این لژ را بیست و چهار نفر از فراماسونهای لژهای فارسی زبان تشکیل داده‌اند ، که در يك رساله مخفی الانتشار بدین شرح معرفی شده‌اند :

اعضای مؤسس لژ کسرا

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------|
| برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک . | برادر ابوالقاسم ملکی یزدی . |
| » محترم دکتر محمود هومن . | » مهندس علی معین |
| » بسیار ارجمند سر لشکر میر جلالی . | » پرویز یگانگی . |
| » بسیار ارجمند سید محمد میر هادی . | » محمد علی بوذری . |
| » بسیار ارجمند سلسبیلی . | » دکتر اسفندیار یگانگی |
| » ارجمند علی کوچکعلی . | » حاج علی یوسفی . |
| » غلامحسین امیری قراگزلو . | » خسرو مستوفی زاده |
| » سید محمد علی مرتضوی . | » ناصر مستوفی زاده . |
| » صدری کیوان . | » محمد علی جاوید |
| » دکتر احمد دارائی . | » علی اکبر مرعشی پور . |
| » جمشید بهروش . | » محمد یزدانفر . |
| » دکتر غلامحسین جهانشاهی . | » محمود ثقفی . |

اعضاء افتخاری

- برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک .
 برادر محترم کاهانا .
 » محترم اس. جی. ال همبرت .
 » محترم دکتر احمد هومن .
 » بسیار ارجمند رشیدی حائری .

 » محترم عباسقلی گلشائیان .
 » بسیار ارجمند علی اکبر موسوی .
 » محترم دریادار عبدالله ظلی .
 » بسیار ارجمند محمد جهان شاهی .
 » محترم موسی آبتین .
 » زوریک دیلانیان .

استادان ارجمند

- برادر بسیار ارجمند سر لشکر میر جلالی .
 ۱۳۴۴-۱۳۴۵
 » بسیار ارجمند سید محمد میر هادی
 ۱۳۴۵-۱۳۴۶
 » بسیار ارجمند غلامحسین امیری قراکوزلو
 ۱۳۴۶-۱۳۴۷
 در این لژ که روز ۱۴ نوامبر ۱۹۶۵ در تهران تأسیس و تقدیس شده ، تاکنون سه دوره انتخاب «اداره کننده لژ» و «باباصطلاح فراماسونهای فزانسوی «سالاران لژ» انجام شده است . آخرین دسته کارگردانان این لژ در سال جاری باین شرح انتخاب شده اند (نقل از همان رساله مخفی الاشاره) :

۱۳۳۶ - ۱۳۳۷
 سالاران لژ در سال ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸

- | | |
|--------------|--------------------------------------|
| استاد ارجمند | برادر ارجمند غلامحسین امیری قراکوزلو |
| استاد پیشین | » بسیار ارجمند سید محمد میر هادی |
| نکهبان اول | » سید محمد علی مرتضوی |
| نکهبان دوم | » صدری کیوان |
| خطیب | » ابوالقاسم ملکی یزدی |
| خزانه دار | » مهندس کمال دری |

دبیر	برادر دکتر عباس بابک
رئیس تشریفات	» فتح‌الله امامی
کارشناس اول	» جمشید بهروش
کارشناس دوم	» مهندس خلیل محلوجی
پرده‌دار	» پرویز یگانگی
دبیر یار	» مهندس مجتبی سلطانی
معاون رئیس تشریفات	» دکتر مجید بهروش
خوانسالار	» ارجمند علی کوچکعلی
خوانسالار	» سرهنگ رحیم آذرپی
خوانسالار	» دکتر محمود تقفی
دربان	» بسیار ارجمند سلسبیلی

جلسات عادی

جلسات عادی لژ کسرا در دومین یکشنبه ماههای ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - سپتامبر - اکتبر - نوامبر و دسامبر هر سال در محل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل می‌گردد .

لژ «کسرا» نیز، مانند سایر لژهای فراماسونی فرانسه، تشریفات مخصوصی برای قبول عضو، ارتقاء مقام و سایر مراسم و آئین دارد. در زیر يك نمونه از تشریفات داخلی لژ را برای ارتقاء مقام دو فراماسون عضو از يك نشریه محرمانه نقل می‌کنیم:

«آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند با اطلاع آن برادر گرامی می‌رساند که جلسه عادی لژ محترم کسرا ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۴۶ (۱۱ فوریه

(۱۹۶۸) تشکیل می‌گردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید .

دبیر لژ کسرا
دکتر عباس بابک

سارها:

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی ۲۴ دی ماه ۱۳۴۶
- ۴ - مراسم گذر برادران نامبرده زیر پیاپی دوم :
به تقاضای لژ محترم سعدی
برادر ابراهیم رئیس روحانی
برادر علیرضا دره

۵ - مسائل متفرقه

۶ - گرداندن کیسه خیریه

۷ - بستن لژ

آخرین استادی که این لژ را در سال فراماسونی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ اداره می‌کند ، سید محمد علی مرتضوی است ، که تشریفات انتخاب استادی او با این دعوتنامه صورت گرفت :

«آقای محترم و برادر گرامی

باکمال احترام ، از آن برادر عزیز دعوت می‌شود ، برای حضور در جلسه استقرار برادر سید محمد علی مرتضوی استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم کسرا ، و شرکت در شام برادرانه‌ای که از طرف استاد انتخاب شده داده می‌شود ، ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۹ دیماه ۱۳۴۷ (۱۰ نوامبر ۱۹۶۸) به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید . موجب امتنان خواهد بود .

دبیر لژ کسرا - دکتر عباس بابک»

در اینجا به معرفی ۹ لژ فراماسونی گراند لژ دفرانس در ایران خاتمه می‌دهیم
و به تذکر دو نکته جالب می‌پردازیم :

یکی از خصوصیات فراماسونهای ایرانی اینست که ، در لژها،
کاندیداهای گراند جلسات و اجتماعات داخلی، خود را از مهمترین افراد ذی نفوذ
لژ محلی در مجلسین طبقه حاکمه و ممتاز مملکت معرفی می‌کنند . چنانکه هر
تحول و رویداد سیاسی و اجتماعی را نتیجه اقدامات و بر اثر
اعمال نفوذ خویش قلمداد می‌نمایند . طبعاً وجود گروهی از رجال و شخصیت‌های
مختلف مملکتی ، در لژهای فراماسونری ، در تقویت این قبیل شایعات و در نتیجه
گمراهی افراد ساده دل و زودباور تأثیر قطعی دارد . انتشار اینگونه شایعات سبب
می‌شود ، زود باوران فریب خورده‌ای که باین محافل راه می‌یابند ، گاهی در صدد
بر آیند ، تا با استفاده از نفوذ و قدرت کارگردانان لژها و تسلط واهی و خیالی آنها
بر همه شئون و تشکیلات و سازمان های مملکتی ، موقعیت اجتماعی خود را تحکیم
و صاحب مقام های مهم دولتی و اداری یا احراز پست های حساس سیاسی شوند .
چنانکه در جریان انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی ، کارگردانان «گراند
لژ محلی ایران تابع اسکاتلند» گروهی از همین افراد را که به خیال احراز مقامات
اجتماعی بآنان روی آورده بودند ، کاندیدای نمایندگی مجلسین کرده و بآنان قول
داده بودند که با اعمال نفوذ در دستگاه حاکمه و تسلطی که بر سازمان های مدیره
مملکتی دارند، آنان را از صندوقهای اخذ رأی خارج کنند و در حقیقت موفقیت آنها
را در انتخابات پیشاپیش تضمین کرده بوند. ولی نه تنها موفق نشدند ، سیزدهم داوطلب
نمایندگی مجلس شورای ملی را از صندوقهای انتخابات یازده شهر مورد نظر خود بیرون
بیاورند ، بلکه در بکری نشانند همه کاندیداهای سنا نیز شکست خوردند . در

زیر اسامی کاندیداهای «گراندلث» مذکور در آن دوره انتخابات مجلسین را از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرانیم :

برای نمایندگی سنا از طرف لژهای فرانسوی ایران افراد زیر :
 دکتر سعید مالک - مهندس شریف امامی - فتح‌اله فرود - دکتر اسمعیل فیلسوفی
 فتح‌اله نوری اسفندیاری - دکتر خان بابایی .

و چند نفر دیگر کاندیدا و معرفی شده بودند ، ولی از این‌عده فقط چهار سناتور فراماسون موفق شدند به مجلس سنا بروند . سیزده کاندیدای مجلس شورایی ملی که هیچکدام انتخاب نشدند ، عبارتند از :

غلامحسین امیری قراگوزلو - رزن همدان

محمد میرهادی	تفرش
دکتر محمدعلی صدری	شهریار
نعمت‌اله خان اکبر	فومن
مهندس فضل‌اله جلالی	کاشمر
دکتر عباس معتمدی	تهران
سلطان محمدسلطانی	بهبهان
علیمحمد دهقان	شیراز
شاهرخ فیروز	میاندوآب
مظفر صولتی	تبریز
دکتر عبدالعلی شاهی	تبریز
صالح چاکوتاهی	تبریز
مهندس پرویز بهبودی	میانه

۱ - اسامی کاندیداها را از صورت جلسه بسیار محرمانه گراند لژ محلی ایران وابسته به فرانسه بدست آورده‌ایم .

سازمان فراماسونری فرانسه (گراوند ناسیونال دفرانس)
بولتن فراماسونری چون از قانون اساسی اسکاتلند پیروی می‌کند، برای استادان
لژهای فرانسه اعظم این لژیک نشریه مشترک بنام «بولتن اطلاعات ماسونیک»
 منتهی به زبان فرانسه، بصورت پلی‌کپی منتشر می‌کند.
 نسخه‌های این بولتن در سراسر جهان در اختیار لژهای وابسته سازمان فراماسونری
 فرانسه قرار می‌گیرد، و از آن جمله نسخه‌ای نیز بزبان فرانسه، برای گراوند
 لژ محلی ایران فرستاده می‌شود. در زیر ترجمه خلاصه‌ای از بولتن شماره ششم-
 سال ۱۹۶۸- که دو ماه بعد از آغاز کار سال فراماسونری منتشر شده است، منعکس
 می‌شود.

این بولتن فقط برای افسران عالی‌رتبه و افسران عالی‌استان و استادان اعظم
 فرستاده شده است، تا در جلسات خود آنرا مطالعه کرده و مضمون مطالب مندرجه
 را مورد بررسی قرار دهند. اینک ترجمه قسمتی از متن بولتن را ملاحظه می‌کنید:
مجلس یادبود

مجلس تذکری در روز یکشنبه ۲۷ اکتبر ۱۹۶۸ ساعت ده صبح در محفل بزرگ
 واقع در بولوار بی‌نیو ۶۵ منعقد می‌شود. در این جلسه یادبود، خانواده اعضائی که
 وفات یافته‌اند نیز حاضر می‌شوند. شك نیست که عده زیادی از برادران، که در
 این جلسه شرکت می‌کنند، می‌توانند خانم‌ها و اعضای خانواده و دوستان خود را
 افتخاراً دعوت نمایند که برای مشاهده تشریفات و استماع سخنرانیهای مجلس تذکر
 حضور یابند.

کمک به زلزله زدگان

در نتیجه استمدادی که در بولتن شماره پنج جهت جمع‌آوری اعانات برای
 زلزله زدگان اخیر ایران شده بود، بسیاری از لژهای ما مبالغی فرستاده‌اند.
 استاد اعظم امیدوار است که تمام لژهای ماسونی، کمک‌هایی به لژهای بزرگ محلی

ایران بنمایند و آنهایی که تاکنون نتوانسته‌اند این اقدام را انجام دهند، فوراً اعاناتی بخصاب «صندوق اعانه بی‌پناهان» بآدرس خزانه‌داری کل ارسال دارند.

اطلاعات عمومی

تشکیل مجمع عمومی ۷ دسامبر ۱۹۶۸

طبق مقررات قانون شماره ۸ - مندرج در نظامنامه عمومی کمیته بزرگ فراماسونری - که در جلسه منعقد ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ بتصویب رسیده است: «در جلسه هفتم دسامبر ۱۹۶۸ انتخاب استاد اعظم برادر «وان هگک»^۱ بسمت استاد بزرگ لژ بزرگ ملی فرانسه، برای مدت سه سال و تا آخر سپتامبر ۱۹۷۱ صورت می‌گیرد» بموجب تصمیمی که قبلاً در کمیته بزرگ و کمیسیون داخلی گرفته شده، در جلسات مذکور می‌بایستی گزارش خزانه‌داری کل و گزارش دبیر کل گرانند ناسیونال دفرانس نیز که تا پایان ماه اکتبر تنظیم شده است، قرائت شود.

اطلاعات تشکیلاتی

به لژها یادآوری می‌شود که بایستی از بخشنامه دبیر کل اعظم در مورد تنظیم کتاب سال ۱۹۶۹ فوراً اقدام کنند. سطور می‌شود که در کتاب سال جدید تغییر داده می‌شود، باید طبق مندرجات کتاب سال ۱۹۶۸ تنظیم شده و ارسال گردد. علاوه بر این از همه لژها تقاضا می‌شود که علاوه بر ذکر تاریخ انعقاد تشکیل جلسات ماهانه، ساعات تشکیل جلسات را نیز تذکر دهند.

از لژها همچنین تمنی می‌شود. هرگاه یکی از برادران عضو فوت کرد، بلافاصله خبر درگذشت او را به دبیر اعظم گزارش دهند. دبیر کل اعظم، مخصوصاً از لژها درخواست می‌نماید که نام «نماینده‌ای»^۲ را که برای شرکت در جلسه سومین

۱ - وان هگک استاد اعظم لژهای گرانند ناسیونال است که در چند لژ فرانسوی در ایران نیز سمت عضویت افتخاری دارد.

۲ - برای شرکت در این انتخابات از ایران مهندس شریف امامی و یکی دیگر از سناتورها و از گرانند لژ محلی اسکاتلند در ایران، اف. اس. دورابی به پاریس رفتند. علاوه بر این ورقه آراء برای انتخاب «وان هگک» بسمت استاد بزرگ قبلاً برای استادان ۹ لژ محلی فرانسوی در ایران و دو سازمان دیگر فرستاده شده بود که با پست برگشت داده شد.

کمیته هفتم دسامبر ۱۹۶۸، انتخاب شده‌اند، هرچه زودتر اطلاع دهند.
 هنگامیکه بدرخواست عضویت رسیدگی می‌شود، منشی‌های لژ بایستی الزاماً
 ماده شصت، مندرج در نظامنامه را صحیحاً رعایت نمایند.

«هر برادری که درخواست عضویت می‌کند، باید کاملاً مطمئن شوند که درخواست
 کننده حتماً مدارک لازم در مورد درخواست جدید خود، شرح عضویت و علت لزوم
 آنرا بیان نماید و بگوید که سابقاً در لژ دیگر بوده است یا خیر؟»

یادداشت‌های کتابخانه

«کتابخانه دلاک» نشریه‌ای را منتشر کرده است که بایستی آنرا خریداری کرد
 و برادر، «جین تورمیک» آنرا برشته تحریر در آورده است:

Vie et Perspectives du la Franc-maçonnerie Iraditionnelle

این اثر «جین تورمیک» بمنزله «کرو نیکل» خود ساخته است. زیرا در این اثر هم
 نظرات و جریانات اخیر منعکس شده و هم حاوی اطلاعات مهمی است. فراماسون‌ها
 آرزو مندند که همواره گنج‌های ذیقیمت در باره آئین خود داشته باشند.

در زیر چاپ

در سری نشریات **Verse et Contreverse** نمره شش که بوسیله **Beauchesne**
 منتشر شده، گفتگویی بین پدر روحانی میشل ریکوت **Michel Riquet** و برادر
 بسیار ارجمند جین بایلوت **Jean Baylot** رویداده که قابل توجه می‌باشد.



سازمان‌های نیمه مخفی

فراماسونهای ایرانی وابسته به لژهای فرانسه نیز مانند سایر سازمانهای فراماسونری در سراسر جهان و ظاهراً بیشتر از همه آنها برای حفظ اصول پنهانکاری به تشکیل سازمانهای نیمه علنی که امکان فعالیت آشکارا و جلب اعضای جدید را برای آنان میسر میسازد علاقمندند. به همین جهت چهار سازمان نیمه علنی وابسته به لژهای فراماسونری فرانسه، در ایران فعالیت چشمگیری دارند و اینک بمعرفی آنها می‌پردازیم:

نخستین انجمن فراماسونی که بعد از انحلال باشگاه همایون **انجمن بوعلی سینا** در ایران تشکیل شد «انجمن طرفداران بوعلی سینا» بود، که طبق تصمیم کارگردانان لژ مولوی در تهران تأسیس شد. این انجمن در هفته اول سال ۱۳۳۸ رسمیت خود را اعلام کرد و اعضای مؤسس آن عبارت بودند از:

دکتر سعید مالک .	عیسی بهزادی .
عباسعلی گلشائیان .	سر لشکر بقائی .
دکتر احمد هومن .	سید محمدعلی امام شوشتری
دکتر محمود هومن .	عبداله سعیدی .
عباس خلعتبری .	عبداله ظلی .
خان باباییانی .	معمودی .
عماد تربتی .	غلامحسین صارمی .

اینده که همگی عضو لژ مولوی بودند، یکماه بعد شعبه انجمن را در شیراز افتتاح کردند^۱. مؤسسين انجمن دو سال بفعالیت خود ادامه دادند. اینان هر کسی

۱ - شعبه انجمن مذکور در شهر شیراز روز سیام مرداد ۱۳۴۰ تشکیل شد و اعضای آن همگی عضو لژ حافظ، وابسته به گراند لاسیونال هستند. آگهی تشکیل انجمن طرفداران بوعلی سینا روز سیام مهر ۱۳۴۰ به شماره ۸۲۰۴ اداره ثبت شرکت‌های شیراز منتشر شده است.

راکه قصد داشته باشند وارد لژ های تابعه «گراند ناسیونال دفرانس» کنند ، ابتدا او را بنام عضویت در انجمن طرفداران بوعلی سینا ، وارد جرگه خود ساخته و سپس پیشنهاد ورود او را به لژ مطرح می کنند . همینکه عضویت او با اکثریت آراء تصویب شد ، به عضو تازه وارد پیشنهاد می کنند که وارد لژ بشود . اگر فرد مورد نظر ، با عضویت در لژ موافقت کرد ، وی را با تشریفات خاص وارد محفل ماسونیک خواهند ساخت . فعالیت فراماسونها در انجمن های نیمه مخفی ، همچنان ادامه دارد و انتخابات «انجمن طرفداران بوعلی سینا» نیز بدین ترتیب صورت گرفته است .

۱ - انتخابات نخستین دوره هیئت مدیره انجمن مذکور ، روز پنجم فروردین ۱۳۳۸ انجام شد و نتیجه بدین شرح اعلام گردید^۱ :

دکتر سعید مالک دبیر انجمن . اعضای هیئت مدیره عبارتند از : عبدالله سعیدی - غلامحسین صارمی - سید محمد علی امام شوشتری - عبدالله ظلی - احمد هومن - محمود هومن - عباس خلعتبری - خان بابا بیانی - معتمدی - بقائی - گلشائیان .

۲ - دومین انتخابات برای تعیین هیئت مدیره انجمن روز ۲۶ تیر ۱۳۴۱ انجام و اعضاء بدین شرح انتخاب شدند:

دکتر سعید مالک - گلشائیان - احمد هومن - محمود هومن - عباس معتمدی
 عماد تربتی - عیسی بهزادی (همگی با رأی ۴۷) حسین فرهودی - دکتر عباسعلی
 خلعتبری - خان بابا بیانی - حسن بقائی - عبدالله سعیدی (با رأی ۴۵) عبدالله ظلی
 و علی مرندی (با رأی ۴۶) بعنوان هیئت مدیره و اسماعیل واعظپور (با رأی ۴۵)
 بعنوان عضو علی البدل .

۳ - سومین انتخابات داخلی هیئت مدیره که صورت مجلس آن با مضای ۸۲ نفر از اعضای انجمن رسیده است ، بدین شرح انجام شد^۲ :

۱ - روزنامه اطلاعات شماره ۹۸۹۵ - ۶ اردیبهشت ۱۳۳۸

۲ - روزنامه فرمان ۱۳ مرداد ۱۳۴۷

دکتر سعید مالک - گلشائیان - احمد هومن - حسن بقائی - سر لشکر
میرجلالی - موسی آبتین - خان بابا بیانی - هوشنگ ظلی (با رأی ۴۷ رأی) عیسی
بهزادی و محمد جهانشاهی (با رأی ۴۵ رأی) این عده در انتخابات داخلی سمت هائی
را بشرح زیر عهده دار شدند :

سعید مالک - رئیس هیئت مدیره

محمد جهانشاهی - دبیر

عیسی بهزادی - خزانه دار

خوشبختانه يك نسخه از صورت جلسه اعضای فعال « انجمن طرفداران
ابوعلی سینا» که در داخل لژ فراماسونری فرانسوی مولوی بامضا رسیده است ، در
پرونده ثبت شرکت ها ضبط و نگهداری می شود . این صورت جلسه بامضای ۸۲ نفر
از اعضای انجمن رسیده که متأسفانه امضای شانزده نفر از آنها خوانده نشد . برای
اینکه از هویت فراماسونهای عضو این انجمن آگاه شویم، اسامی مستخرجه راعیناً
نقل می کنیم :

۲ - دکتر احمد هومن

۱ - دکتر سعید مالک

۴ - عباسقلی گلشائیان

۳ - دکتر محمود هومن

۶ - عماد تربتی

۵ - عیسی بهزادی

۸ - سر لشکر میرجلالی

۷ - سر لشکر حسن بقائی

۱۰ - موسی آبتین

۹ - محمد جهانشاهی

۱۲ - دکتر خان بابا بیانی

۱۱ - عبدالله سعیدی

۱۴ - عیسی مالک

۱۳ - هوشنگ ظلی

۱۶ - محمود سلامت

۱۵ - اسماعیل واعظ پور

۱۸ - علی اصغر ناصر

۱۷ - دکتر محمد جواد جنیدی

۲۰ - مهدی کمالیان

۱۹ - عباس ظریف

- ۲۱ - محسن رئیس
- ۲۲ - دکتر محمد ضیائی
- ۲۳ - دکتر کمال حداد
- ۲۴ - علی اصغر سلسبیلی
- ۲۵ - ابوالحسن دیبا
- ۲۶ - مهندس شهیدی
- ۲۷ - علی اکبر صادق
- ۲۸ - جمشیدی مجتبائی
- ۲۹ - امیر منصور شاهپرکی
- ۳۰ - مهندس بہمن بہزادی
- ۳۱ - مہدی رئیس
- ۳۲ - مهندس داریوش
- ۳۳ - دکتر آ. بابایان
- ۳۴ - مہدی فرہودی حسابی
- ۳۵ - عزیز نبوی
- ۳۶ - محمدرضا ویشکائی
- ۳۷ - احمد کبہ
- ۳۸ - اوہایون
- ۳۹ - حبیب القانیان
- ۴۰ - ابراہیم امامی خوئی
- ۴۱ - محمد علی بوذری
- ۴۲ - کمال دری
- ۴۳ - محسن کلانتری
- ۴۴ - ابوالقاسم ملکی یزدی
- ۴۵ - محمود ملک نیا
- ۴۶ - سید محمد علی حسنی
- ۴۷ - سلطان حمید اردلان
- ۴۸ - ابراہیم طہ
- ۴۹ - دکتر بابک
- ۵۰ - دکتر ابراہیم غروی
- ۵۱ - جعفر منصوریان
- ۵۲ - دکتر مصطفی مزینی
- ۵۳ - احمد دارائی
- ۵۴ - علاء الدین روحانی
- ۵۵ - جواد کمالیان
- ۵۶ - سعید رئیس
- ۵۷ - سعید ثقہ الاسلامی
- ۵۸ - مہدی صناعتی
- ۵۹ - پرویز جلالی
- ۶۰ - علی اکبر ضیائی
- ۶۱ - محمود رئیس
- ۶۲ - مہدی لشکری
- ۶۳ - دکتر محمد علی صدری
- ۶۴ - محمود ثقفی
- ۶۵ - داور میثائیل

اینک عین اساسنامه انجمن را نقل می‌کنیم : اساسنامه انجمن طرفداران ابوعلی سینا^۱

- بمنظور تجلیل واحیاء اثرات جاوید نابغه ایرانی ابن‌سینا وشناساندن این دانشمند عالیقدر انجمنی در تهران طبق این اساسنامه تشکیل می‌یابد .
- ماده ۱ - اسم انجمن (انجمن طرفداران ابوعلی سینا) خواهد بود .
- ماده ۲ - مدت از تاریخ دهم دیماه ۱۳۳۷ و نامحدود است
- ماده ۳ - مرکز فعلا تهران خیابان ابوعلی سینا شماره ۴۱۰ ولدی الاقتضا- شعب آن در شهرستانهای ایران تشکیل می‌یابد .
- ماده ۴ - انجمن دارای شخصیت حقوقی بوده و مؤسسين و تشکیل دهندگان آن بهیچوجه قصد انتفاعی ندارند .
- ماده ۵ - هر ایرانی که علاوه بر حسن شهرت صاحب قریحه بوده و علاقمندی خود را به تجلیل از بزرگان ایرانی به نحوی از انحاء باثبات رسانیده باشد می‌تواند تقاضای عضویت انجمن را بنماید .
- تبصره - هیئت مدیره می‌تواند در اطراف هر داوطلب اطلاعات لازم را از معرفین و یا بوسائل دیگر کسب کرده بدون توجیه و دلیل تقاضای داوطلب را رد کند .
- ماده ۶ - انجمن حق دارد از علاقمندان قبول هدیه و هبه بنماید بشرط آنکه آنچه بعنوان هبه یا هدیه قبول کرده منحصرأ برای امر مقرر در منظور انجمن بمصرف برسد .
- ماده ۷ - انجمن می‌تواند مجالس خطابه و یا به نشر کتب و رسالاتی که فقط مربوط به ابوعلی سینا باشد مبادرت نماید .
- ماده ۸ - سازمان انجمن عبارت است از :

۱ - از یکی از مأمورین وطنپرست و شرافتمند دولت سپاسگذارم که اساسنامه های انجمنها را در اختیارم گذاشت .

الف - هیئت مدیره

ب - مجامع عمومی و فوق العاده

ماده ۹ - هیئت مدیره انجمن از چهارده نفر تشکیل می‌یابد که برای مدت سه سال در مجمع عمومی بارأی مخفی انتخاب می‌شوند، در این جلسه سه نفر بعنوان عضو علی‌البدل انتخاب می‌گردند که در صورت فوت یا غیبت هر يك از افراد هیئت مدیره به تشخیص هیئت مدیره عضویت اصلی شرکت نماید .

ماده ۱۰ - هیئت مدیره نماینده تام‌الاختیار انجمن خواهد بود که هر گونه اقدامی را که مقتضی بداند انجام نماید و حق هر نوع عملی که شخص عادی یا شخصیت حقوقی قادر باشد هیئت مدیره می‌تواند بنام انجمن اعمال نماید .

ماده ۱۱ - بلافاصله پس از انتخاب هیئت مدیره جلسه تشکیل و يك نفر دبیر و يك نفر خزانه‌دار از بین خود برای مدت سه سال بارأی مخفی انتخاب می‌نماید .

ماده ۱۲ - امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار از طرف رئیس هیئت مدیره و يك نفر از هیئت مدیره که به این عنوان انتخاب شده یا خزانه‌دار خواهد بود بعبارة اخیری در کلیه اوراق و اسناد امضای رئیس هیئت مدیره و يك امضای دیگر (از طرف خزانه‌دار یا عضوی از هیئت مدیره که به این سمت انتخاب شده) معتبر - خواهد بود .

ماده ۱۳ - مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده باشد هیئت مدیره سابق دارای اختیارات خواهند بود .

ماده ۱۴ - هر سه سال یکبار مجمع عمومی عادی برای انتخاب هیئت مدیره و اعضاء علی‌البدل به دعوت هیئت مدیره تشکیل می‌یابد و در این جلسه گزارش هیئت مدیره و صورت دارائی انجمن و خط‌مشی آتی انجمن به تصویب خواهد رسید .

حضور ثلث اعضاء در تشکیل مجمع عادی ضروری است ولی اگر این عده در جلسه اولی حضور پیدا نکردند در جلسه بعد که لااقل باده روز فاصله بعد از جلسه

اولی تشکیل می‌یابد با هر عده از اعضاء انجمن رسمیت پیدا می‌کند .

ماده ۱۵ - در مورد ضروری مجمع فوق‌العاده به تقاضای ۱۵ نفر از اعضاء یا به تشخیص هیئت مدیره تشکیل می‌یابد و با همان مقررات و حد نصاب معمولی رسمیت پیدا می‌کند ولی در مواقعی که تغییر اساسنامه در برنامه مجمع باشد عده حاضر باید لااقل سه ربع از اعضاء بوده و در جلسه بعدی نصف اعضاء حضور داشته باشند و الا تغییر در اساسنامه امکان پذیر نخواهد بود .

ماده ۱۶ - دعوت در مجامع عمومی ممکن است بانامه یا وسیله جراید بعمل آید ولی در هر حال دستور جلسه باید در دعوتنامه قید شده و خارج از دستور نمی‌توان تصمیمی اتخاذ نمود .

ماده ۱۷ - کلیه آراء با اکثریت تام (بیشتر از نصف عده حاضر در جلسه) معتبر خواهد بود .

ماده ۱۸ - انحلال شرکت در حکم تغییر اساسنامه بوده و مقررات مربوطه به نصاب اعضاء باید در آن مراعات شود .

ماده ۱۹ - در صورت انحلال انجمن سه نفر از هیئت مدیره یا افرادی که مجمع انتخاب کند به تصفیه انجمن اقدام خواهند نمود .

ماده ۲۰ - پس از انحلال دارائی انجمن به یکی از مؤسسات که مقاصد آن نظیر یا نزدیک به فکر انجمن باشد یا انجمنهای خیریه اختصاص خواهد یافت .

ماده ۲۱ - موضوعاتی که در این اساسنامه صراحت ندارد به تشخیص هیئت مدیره قابل حل و فصل خواهد بود .

ماده ۲۲ - هیئت مدیره آئین‌نامه‌های لازم را برای انجمن تدوین خواهد نمود .

ماده ۲۳ - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند به تشخیص خود شعباتی در ایران تشکیل دهد و هرگونه اختیاری را که لازم بداند به این شعبات تفویض نماید و هر تعداد نفری که لازم بداند مدیریت هر شعبه و یا بنمایندگی هیئت مدیره در آن شعبه انتخاب نماید و در این گونه موارد باید لااقل دو ثلث اعضاء هیئت مدیره بموضوع رأی موافق داده باشند .

باشگاه خورشید تابان

دومین سازمان نیمه مخفی فراماسونهای فرانسوی در ایران
باشگاه خورشید که چهار سال قبل تشکیل شده است، ابتدا «باشگاه نور» و
تابان سپس «باشگاه خورشید» نامگذاری شد.

فراماسونها همواره محفل خود را منبع «نور» و «روشنائی»
و دنیای غیر فراماسون را جهان ظلمات و تیرگی و تاریکی می‌دانند. آنان مدعی
هستند که هر کس فراماسون می‌شود، وارد دنیای «روشنائی» شده و از زندان
جهل و تاریکی نجات یافته است. آنان می‌گویند غیر فراماسونها نادان هستند
و در بی‌خبری و جهل مرکب و تاریکی بسر می‌برند. نکته جالب اینکه فراماسونها
که خود «یهوه» و «خدای اسرائیل» را پرستش می‌کنند و به آیات مزامیر داود
سوگند می‌خورند و در عین حال فریاد «برادری و برابری» در می‌دهند، خود را برتر
از سایر جهانیان می‌دانند. و متأسفانه فریب‌خوردگان مسلمان و پیروان آئین مقدس
اسلام و مذهب حقه «ائنی‌عشری» نیز که قرآن مجید را کتاب آسمانی خود برتر و
والا تر از همه کتب آسمانی دیگر می‌دانند، همراه با سایر «برادران» فراماسون
خود در مراسم خاص «یهوه» راستایش می‌کنند و خود را برتر از سایرین می‌دانند،
و حال آنکه کتاب آسمانی مسلمانان، سید قریش و سیاه حبشی را برابر شناخته و
آزادی و مساوات کامل در دستورات این دین مقدس تأکید شده است. اما فراماسونهای

مسلمان، دیگران (بیگانگان = غیر ماسون) را در جهل و تاریکی محض می‌دانند، حتی برادران هم مذهب خود و مسلمانان را...! بدین سبب فراماسونهای فرانسوی وابسته به گراند ناسیونال دفرانس که عبودیت گراند لژهای انگلیس را کردن نهاده‌اند و برتری و سروری گراند لژهای انگلیسی را پذیرفته‌اند، نیز باشگاهی بنام «نور» تشکیل دادند. ولی خیلی زود اسم باشگاه را به «روشنائی» تغییر دادند. زیرا قبلاً این نام در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده بود. اعضای مؤسس در جریان تغییر نام باشگاه، صورت مجلسی بدین شرح تنظیم و امضاء کردند:

«مجمع مؤسسان باشگاه نور نظر باینکه نام نور قبلاً بثبت رسیده، عنوان اساسنامه باشگاه مذکور و ماده اول آنرا به نحوی تغییر نمودند».

ماده الحاقی به اساسنامه باشگاه خورشید تابان

ماده اول اصلاحی: امضاء کنندگان این اساسنامه، باشگاهی بنام باشگاه خورشید تابان که بزبان فرانسه و بزبان انگلیسی نام خواهد داشت طبق قوانین کشور شاهنشاهی و مقررات این اساسنامه، تشکیل می‌دهند، تغییرات آینده این اساسنامه و همچنین آئین‌نامه اجرائی آن بروفق قوانین و مقررات جاریه کشور خواهد بود و پس از تصویب مراجعی که قانون بآنها صلاحیت داده باشد، بموقع اجراء گذاشته خواهد شد.

توضیحاً اعلام می‌شود که آقای نصراله هنجنی مدیرکل وزارت کشور بعلت مسافرت در جلسه حاضر نبودند»

بنیان‌گذاران باشگاه خورشید تابان، که دوازده نفر بودند، پس از تشکیل جلسه‌ای اعضای هیئت‌مدیره را از بین خود انتخاب کرده، اسامی آنها را بمراجع قانونی اطلاع دادند. اینان عبارت بودند از:

۱ - دکتر... ۲ - ذبیح‌اله ملک‌پور ۳ - مهندس محمدعلی قطبی ۴ - دکتر امیر اصلان افشار ۵ - وحیده‌ویدا ۶ - ادیب‌هویدا ۷ - فریده‌ویدا ۸ - جمیل

هویدا ۹۱- دکتر احمد امامی ۱۰- هوشنگ کیوان ۱۱- نصراله هنجنی ۱۲- محمدعلی کرباسفر و شان .

چند روز پس از خاتمه مقررات ثبت باشگاه مذکور، آگهی زیر در روزنامه اطلاعات - مورخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۴۳ - منتشر شد :

آگهی ثبت باشگاه خورشید تابان

نظر ب ماده ۸ آئین نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجارتي و بموجب اظهار نامه شماره ۵۷۹۲ پیوست مدارك مربوطه به باشگاه خورشید تابان طی شماره ۶۴۰ - ۲۰/۴/۴۳ در دفتر مؤسسات غیر تجارتي ثبت شده و خلاصه مشخصات آن در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از جرايد کثیرالانتشار یومیه تهران بشرح زیر منتشر می شود:

نام مؤسسه : باشگاه خورشید تابان که بفرانسه :

«L'ASSOCIATION DU SOLEIL LEVANT»

و بانگلیسی : THE CLUB OF THE RISING SUN می باشد .

هدف و موضوع مؤسسه : مطالعه و تحقیق درباره مسائل فرهنگی - علوم اخلاقی - امور بهداشتی - حقوقی - اقتصادی - مالی - اجتماعی و همچنین بطور کلی مطالعه هرگونه موضوعی از جنبه های فنی آن تثبیت و بسط مبانی ادب دوستی و حق و حقیقت همچنین شور و مشورت و ترویج معنویات از راه تأسیس کتابخانه و انتشار مجله و فعالیت های خیریه .

مرکز اصلی و اقامتگاه : تهران خیابان نادری کوچه مسعود سعد شماره ۷

تابعیت : ایرانی

مدت : نامحدود .

مؤسسين : آقایان دکتر... - ذبیح اله ملک پور - دکتر امیر اصلان افشار -

وحید هویدا - مهندس محمدعلی قطبی - دکتر احمد امامی - ادیب هویدا - محمدعلی

کرباس فر و شان - فرید هویدا - هوشنگ کیوان - جمیل هویدا - نصراله هنجنی .

اعضاء هیئت مدیره و مدت خدمت آنها: آقایان دکتر... رئیس هیئت مدیره - ذبیح‌الملک پورنایب رئیس، وحید هویدادبیر - ادیب‌هویدا خزانه‌دار که برای مدت یکسال از تاریخ ۱۲/۳/۴۳ انتخاب شده‌اند .

دارندگان حق امضاء : کلیه اوراق و اسناد مالی با امضاء رئیس یا وکیل او و یکی از اعضاء هیئت مدیره و خزانه‌دار و اوراق عادی با امضاء رئیس و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفقاً صادر می‌شود و معتبر خواهد بود .

رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - مهدی نراقی

برای اطلاع بیشتر از مرام و هدف این باشگاه فراماسونری ، عین اساسنامه آنرا ذیلا نقل می‌کنیم :

اساسنامه باشگاه خورشید تابان

فصل اول - اصول و هدف باشگاه

ماده اول - امضاءکنندگان این اساسنامه باشگاهی بنام باشگاه خورشید تابان که بزبان فرانسه «L'ASSOCIATION DU SOLEIL LEVANT» و بزبان انگلیسی «THE CLUB OF THE RISING SUN» نام خواهد داشت طبق قوانین جاری کشور شاهنشاهی و مقررات این اساسنامه تشکیل می‌دهند.

ماده دوم - باشگاه مؤسسه علمی، تربیتی و فرهنگی می‌باشد و منظور و هدف آن مطالعه و تحقیق منبأب‌مثال درباره مسائل فرهنگی، علوم اخلاقی امور بهداشتی حقوقی، اقتصادی، مالی، و اجتماعی و همچنین بطور کلی مطالعه هرگونه موضوع از جنبه‌های فنی آن می‌باشد. تثبیت و بسط مبانی ادب دوستی. حق و حقیقت و همچنین شور و مشورت و ترویج معنویات جزء هدف باشگاه است برای انجام مقاصدش باشگاه می‌تواند از کلیه منابع معرفت و مصادر اطلاع استفاده نماید و نیز می‌تواند کتابخانه لازم را تأسیس و به انتشار ترجمه فارسی کتب مفید پرداخته و کنفرانس و مجالس فرهنگی ترتیب دهد. انتشار مجله در حدود هدف باشگاه و همچنین

فعالیت های خیریه در صورت امکان مورد نظر باشگاه خواهد بود .

ماده سوم- ایمان به خداوند متعال و وفاداری به شاهنشاه و دودمان پهلوی و رژیم سلطنت مشروطه ایران و همچنین نداشتن سوء سابقه و داشتن حسن شهرت آزادی وجدان و همچنین صفات منطبق نوع دوستی، عدالت، انصاف، محبت برادرانه و گذشت عادلانه شرط اساسی عضویت باشگاه می باشد .

ماده چهارم - باشگاه قصد انتفاعی ندارد .

فصل دوم - مقر باشگاه و سنت آن

ماده پنجم - مقر مرکزی باشگاه در تهران فعلا کوچه مسعود سعدکاشی شماره ۷ و در صورت لزوم و امکان شعب آن در سایر نقاط کشور تأسیس خواهد شد .

ماده ششم - مدت باشگاه نامحدود است

فصل سوم - عضویت باشگاه

فصل سوم - عضویت باشگاه

ماده هفتم - باشگاه سه نوع عضو خواهد داشت. الف- اعضای عامل که مجمع عمومی را تشکیل می دهد. ب- اعضای طرفدار و اعضای افتخاری که در اداره باشگاه حقوقی ندارند .

ماده هشتم - تشخیص عاملیت یا طرفداری اعضای باشگاه با هیئت مدیره می باشد .

ماده نهم - هیئت مدیره می تواند پس از دریافت تقاضای کتبی عضویت در اطراف داوطلب تحقیقی، تشخیصی و تصمیمی که مقتضی بداند بنماید .

ماده دهم - تقاضای عضویت باید از طرف عضو عامل تصدیق و پیشنهاد شود .

ماده یازدهم - تبدیل عنوان عضویت از طرفدار به عامل بترتیب مذکور در

ماده دهم خواهد بود .

ماده دوازدهم - تشخیص میزان حق عضویت با هیئت مدیره می باشد .

ماده سیزدهم - تقاضای عضویت باشگاه شامل قبول اساسنامه حاضر و همچنین قبول ورعایت کلیه مصوبات بعدی مجمع عمومی و هیئت مدیره می باشد .

ماده چهاردهم - هیئت مدیره می تواند عضو یا اعضای باشگاه را در صورت تخلف از رعایت اساسنامه و مصوبات بعدی مذکور در فوق بر اساس اصل توجه تصمیم باکثرت آراء از عضویت باشگاه محروم نماید .

ماده پانزدهم - باشگاه می تواند کسانی را که خدمات قابل توجه و منطبق با اصول و هدف باشگاه نموده باشند به عضویت افتخاری بپذیرد .

فصل چهارم - سازمان باشگاه

ماده شانزدهم - این سازمان عبارت از مجمع عمومی و هیئت مدیره می باشد .

ماده هفدهم - هر چهار سال یکبار مجمع عمومی عادی برای انتخاب هیئت مدیره به دعوت هیئت تشکیل می یابد و در این جلسه گزارش رئیس هیئت مدیره بصورت دارائی و هزینه باشگاه بتصویب خواهد رسید مضافاً در همین موقع مجمع عمومی کلیه مسائل مندرج در دستور که با این اساسنامه منطبق باشد مورد رسیدگی و تصویب قرار خواهد داد .

ماده هیجدهم - حضور ثلث اعضاء برای تشکیل مجمع عمومی عادی ضروری است . چنانچه در جلسه اول حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی حداقل پانزده روز از تاریخ جلسه اول تشکیل می یابد و با هر عده ای که حاضر شوند تصمیم اتخاذ و بموقع اجراء گذارده می شود .

ماده نوزدهم - در موارد ضروری مجمع عمومی فوق العاده به تقاضای ده نفر از اعضاء و موافقت هیئت مدیره یا به تشخیص هیئت مدیره دعوت شده و با همان مقررات وحد نصاب مذکور در ماده هیجدهم رسمیت پیدا می کند .

ماده بیستم - در مواقعی که تغییر اساسنامه یا انحلال باشگاه در دستور باشد حد نصاب جلسه اول سه پنجم و جلسه دوم ثلث اعضاء می باشد .

ماده بیست و یکم - دعوت مجامع عمومی ممکن است بانامه یا وسیله جرائد

بعمل آید ولی در هر حال دستور جلسه باید در دعوتنامه قید شود و خارج از آن نمی‌توان تصمیمی اتخاذ نمود.

ماده بیست و دوم - در صورت انحلال باشگاه دو نفر از هیئت مدیره یا افرادی که مجمع عمومی انتخاب خواهد کرد تصفیه امور باشگاه را بعهده خواهند داشت.
ماده بیست و سوم - پس از انحلال باشگاه دارائی آن به یکی از مؤسساتیکه مقاصد آن نظیر یا نزدیک به فکر باشگاه باشد یا به یکی از انجمنهای خیریه اختصاص خواهد یافت.

ماده بیست و چهارم - هیئت مدیره آئین نامه لازم باشگاه را تدوین و پس از تصویب هیئت آنها را بموقع اجراء خواهد گذاشت.

ماده بیست و پنجم - هیئت مدیره دائم از هفت نفر تشکیل می‌شود.

ماده بیست و ششم - مجمع عمومی مؤسسان در اولین جلسه خود هیئت مدیره موقتی مرکب از چهار نفر برای مدت یکسال حداکثر با اکثریت آراء تعیین می‌نماید و بلافاصله پس از آن رئیس هیئت مدیره را از میان اعضاء هیئت با اکثریت آراء انتخاب می‌نماید. قبل از انقضای مهلت یکساله فوق مجمع عمومی عادی هیئت مدیره دائم را انتخاب خواهد کرد.

ماده بیست و هفتم - تجدید انتخاب اعضاء هیئت مدیره بلا مانع است.

ماده بیست و هشتم - مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده باشد هیئت مدیره سابق دارای اختیار بوده و مسئول اداره امور باشگاه می‌باشد.

ماده بیست و نهم - هیئتهای مدیره موقت و دائم با رعایت مفاد و روح این اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی اداره امور باشگاه را بعهده خواهد داشت. تهیه کلیه وسائل و انجام کلیه اموری که برای اجرای مقاصد باشگاه لازم باشد و همچنین بطور کلی اقداماتی که هدف و موجودیت باشگاه را تشکیل و تثبیت می‌نماید از وظایف هیئت مدیره می‌باشد.

ماده سی ام - رئیس هیئت مدیره مجری مقررات اساسنامه و اختیارات قانونی باشگاه می باشد و در انجام وظایفش حق توکیل خواهد داشت . نوشته جات و اوراق صادر از باشگاه بامضای رئیس هیئت مدیره (یا وکیل او) وکیل از اعضای هیئت مدیره خواهد رسید . در مورد اسناد و اوراقیکه برای باشگاه تعهد مالی ایجاد می نماید امضاء خزانهدار ضروری می باشد .



آخرین و سومین انجمنی که فراماسونهای فرانسوی در ایران
انجمن خواجه نصیر طوسی تشکیل دادند، انجمن خواجه نصیر طوسی^۱ است. این انجمن
 را بیست نفر از فراماسونها بشرح زیر تشکیل دادند :

موسی آبتین - علیرضا امیر سلیمانی - ناصر بدیع - منوچهر
 نسلیمی - حبیب حمسی - رضا رزم آرا - علاءالدین روحانی - محمود رئیس -
 علی اصغر سلسبیلی - محمود ضیائی - هوشنگ ظلی - علی کوچکعلی - سرلشکر
 میرجلالی - عیسی مالک - ابوالحسن معدل - محمدحسن بشیری - علی معین - احمد
 هومن - محمود هومن - ناصر یگانه .

این انجمن در مردادماه ۱۳۴۷ هیئت مدیره خود را بدین شرح انتخاب کرد:

- ۱ - سرلشکر سید محمود میرجلالی - رئیس هیئت مدیره
- ۲ - دکتر محمود هومن - استاد دانشسرایعالی - دبیر
- ۳ - دکتر محمود ضیائی - نماینده مجلس شورای ملی - خزانه دار
- ۴ - ناصر یگانه - وزیر مشاور - عضو هیئت مدیره

۱ - فراماسونهای فرانسوی پس از انتخاب نام «بوعلی سینا» با اعمال نفوذ در شهرداری
 موفق شدند ، نام خیابانی را که محفل ماسونی آنها در ردیف ۴۱۰ آن ثبت است ؛ بنام انجمنی
 که تشکیل داده بودند، تغییر دهند . محفل مذکور چسبیده به پارک امین الدوله است و همچنین
 خیابان دیگری را که از جاده قدیم شمیران منشعب و بمیدان عشرت آباد ختم می شود ، بنام
 «خواجه نصیر طوسی» نامیدند .

- ۵ - منوچهر تسلیمی - معاون وزارت اطلاعات - عضو هیئت مدیره
 ۶ - هوشنگ ظلی - سفیر کبیر ایران در لبنان
 ۷ - مهندس امیر سلیمانی - عضو علی‌البدل
- پس از خاتمه انتخابات هیئت مدیره ، آگهی زیر از طرف اداره ثبت شرکت‌ها در روزنامه های رسمی کشور شاهنشاهی و خاک خون منتشر شد:

۵۳۶۳ رم الف

۶۹۷۴۹

۴۷۵۲۲

آگهی تاسیس انجمن خواجه نصیر طوسی

نظر بماده هشت آئین نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجارسی و بموجب اظهار نامه شماره ۹۶۷۰ - ۴۷/۵/۱۹ پیوست سایر مدارک مربوطه انجمن خواجه نصیر طوسی در تاریخ ۴۷/۵/۲۰ طی شماره ۹۷۵ در دفتر مؤسسات غیر تجارسی ثبت و خلاصه مفاد آن بشرح زیر برای اطلاع عموم آگهی می شود .

- ۱ - نام مؤسسه - انجمن خواجه نصیر طوسی .
- ۲ - موضوع . تجلیل و احیاء اثرات فلاسفه و دانشمندان و ادباء ایران و بسط و اشاعه فرهنگ و ادب فارسی .
- ۳ - مرکز اصلی . تهران خیابان حافظ کوچه هاتف شماره ۶۸
- ۴ - تاریخ تشکیل و مدت بارعایت ماده ۵۸۴ قانون تجارت از تاریخ ۴۷/۲/۲۵ برای مدت نامحدود .
- ۵ - تابعیت . دولت شاهنشاهی ایران .

۶ - مؤسسين . آقایان موسی آبتین - علیرضا امیر سلیمانی - ناصر بدیع - منوچهر تسلیمی - حبیب خمسی - رضارزم آراء - علاءالدین روحانی . محمود رئیس علی اصغر سلسبیلی - محمود ضیائی - هوشنگ ظلی - علی کوچکعلی - سر لشکر

۱ - روزنامه رسمی شماره ۶۷۵۳ - مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۴۷ - روزنامه خاک و خون

۳ شهریور ۱۳۴۷

سید محمود میرجلالی - عیسی مالک - ابوالحسن معدل - محمدحسن مشیری -
علی معین - احمد هومن - محمود هومن - ناصر یگانه

۷ - اعضاء هیئت مدیره - تیمسار سر لشکر باز نشسته سید محمود میرجلالی
بسمت رئیس آقایان محمود هومن بسمت دبیر - محمود ضیائی بسمت خزانه دار -
ناصر یگانه و منوچهر تسلیمی بسمت اعضاء هیئت مدیره از تاریخ ۲۵/۲/۴۷ برای
مدت سه سال انتخاب گردیدند و حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار بارتیس هیئت
مدیره و یکنفر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً معتبر می باشد.

رئیس اداره ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی - مهدی نراقی

آ-۲۰۹۹

اساسنامه انجمن خواجه نصیر طوسی

ماده ۱ - بمنظور تجلیل و احیاء اثرات فلاسفه و دانشمندان و ادباء ایرانی
و بسط و اشاعه فرهنگ و ادب فارسی انجمنی بنام انجمن خواجه نصیر طوسی در
تهران طبق این اساسنامه برای مدت نامحدود تشکیل می شود .

ماده ۲ - مرکز انجمن در تهران کوچه هاتف خیابان حفاظ می باشد و لدی -
الاقتضا شعب آن در تهران و یا شهرستانها تشکیل خواهد شد پس از اطلاع و تأیید
مقامات صالحه .

ماده ۳ - انجمن از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی بوده و غیر انتفاعی
می باشد .

ماده ۴ - هر ایرانی که علاوه بر حسن شهرت صاحب قریحه بوده و علاقمندی
خود را به تجلیل از فرهنگ و ادب ایران به اثبات رسانیده باشد می تواند تقاضای
عضویت انجمن را بنماید .

قبول عضویت هر داوطلب موکول به تصویب هیئت مدیره خواهد بود .

ماده ۵ - انجمن حق دارد از علاقمندان قبول هدیه و هبه نماید بشرط آنکه
آنچه بعنوان هبه یا هدیه قبول کرده منحصرأ برای پیشرفت هدفهای انجمن

بمصرف برسد .

ماده ۶ - انجمن می تواند مجالس سخنرانی تشکیل دهد و یابه نشرکتب و رسالاتی که مربوط به فرهنگ و ادب ایران باشد با توجه و رعایت قوانین مطبوعات کشور مبادرت نماید .

ماده ۷ - فعالیتهای انجمن درباره هدفهای مذکور در ماده ۱ بوده و دارای هیچگونه جنبه سیاسی نخواهد بود .

ماده ۸ - ارگان انجمن عبارت است از :

۱ - هیئت مدیره

۲ - مجمع عمومی

ماده ۹ - هیئت مدیره از پنج نفر تشکیل می شود که برای مدت سه سال بوسیله مجمع عمومی بارأی مخفی انتخاب می شوند. دو نفر هم بعنوان عضوجانشین انتخاب خواهد شد که در صورت فوت و یا غیبت هر یک از افراد هیئت مدیره به تشخیص هیئت مدیره بعنوان اصلی شرکت نمایند .

ماده ۱۰ - هیئت مدیره نماینده تامالاختیار انجمن خواهد بود که هرگونه اقدامی را در حدود هدفهای انجمن بعمل آورد .

ماده ۱۱ - پس از تشکیل اولین مجمع عمومی که مجمع مؤسسين است بلافاصله هیئت مدیره از طرف هیئت مؤسسين انتخاب می گردد و هیئت مدیره از بین خود یا اعضاء جانشین یکنفر رئیس و یکنفر دبیر و یکنفر خزانه دار برای مدت سه سال بارأی مخفی انتخاب می نماید.

ماده ۱۲ - کلیه اوراق و اسناد بهادار از طرف رئیس هیئت مدیره و یکنفر از اعضاء هیئت مدیره امضاء شده و دارای اعتبار خواهد بود .

ماده ۱۳ - مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است هیئت مدیره سابق دارای اختیارات خواهد بود .

ماده ۱۴ - هر سه سال یکبار مجمع عمومی انجمن برای انتخاب هیئت مدیره

و اعضاء جانشين به دعوت هيئت مديره تشكيل مي شود. در اين جلسه گزارش رئيس هيئت مديره و صورت دارائي و هزينه انجمن و خط مشي آني انجمن بتصويب خواهد رسيد .

ماده ۱۵ - حضور ثلث اعضاء براي تشكيل مجمع عمومي ضروري است در صورت عدم حضور مجمع عمومي مجدداً دعوت و باهر عده كه حاضر باشند تشكيل مي شود و رأی اکثریت عده حاضر مناط اعتبار است .

براي تغيير اساسنامه در هر صورت حضور نصف بعلاوه يكي از اعضاء ضروري است و تصميماتي كه باكثريت آراء عده حاضر اتخاذ مي شود پس از اطلاع و تائيد مقامات ذیصلاحيت معتبر خواهد بود .

ماده ۱۶ - در موارد ضروري مجمع عمومي به تقاضای يك پنجم از اعضاء و يابه تشخيص هيئت مديره تشكيل مي شود .

ماده ۱۷ - دعوت مجامع عمومي بوسيله نامه بعمل خواهد آمد و دستور جلسه در دعوتنامه بايد قيد شود .

ماده ۱۸ - براي انحلال انجمن بايستي لااقل سه ربع از اعضاء در جلسه مجمع عمومي حاضر باشند در صورت انحلال سه نفر از هيئت مديره انتخاب مي شوند به تصفيه انجمن اقدام خواهند كرد .

ماده ۱۹ - پس از انحلال دارائي انجمن به يكي از مؤسسات كه مقاصد آن نظير يا نزديك به هدفهاي انجمن باشد اختصاص خواهد يافت .

ماده ۲۰ - موضوعي كه در اين اساسنامه صراحت ندارد به تشخيص هيئت - مديره قابل حل و فصل خواهد بود .

ماده ۲۱ - هيئت مديره مي تواند به تشخيص خود شعباتي در شهرستانها تشكيل دهد و هرگونه اختياري را كه لازم بداند باین شعبات تفويض نمايد . در اين مورد بايد لااقل دو ثلث اعضاء هيئت مديره بموضوع رأی موافق داده باشند .

انجمن فارابی

یکی از سازمان های جدید فراماسونری فرانسه در ایران «انجمن فارابی» است که باشکل کاملاً جدید و نو ظهوری تشکیل شده است. این انجمن که هدف آن «تعالی سطح اخلاق و دانش و تعمیم فرهنگ» عنوان شده، چنین بنظر می رسد، که برای بوجود آوردن یکی دیگر از سازمان های ماسونی و یا واحد پراهمیت تری، تشکیل شده باشد. اعضای مؤسس انجمن فارابی را قبل از اینکه مقررات ثبت آن بانمام رسد: محسن فروغی - فتح اله فرود - محمد مجلسی - نصرالدین نوری خواجوی و سنانور جمال گنجی نیشابوری معرفی کرده اند. باینکه در اساسنامه محل تشکیل انجمن «خیابان شمالی کاخ جوانان» معین شده، باینحال در تقاضای اولیه ثبت اسناد نشانی آنرا «مجلس سنا» نوشته اند. مؤسسين این انجمن قبل از آغاز «فعالیت فراماسونی» و یا بقول خودشان «تعمیم فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح اخلاق» در نظر گرفته اند که محل تازه ای بناکنند. لذا مؤسسين انجمن با کمک سازمان های دولتی قطعه زمین بسیار بزرگی در اراضی «ونک و اوین» را برای ساختمان معبد فراماسونری، مجاناً بتصرف در آورده اند. برای ساختمان محفل و معبد فراماسونری مذکور بموجب اسناد گراندا لثرایران، از ۱۳۰ نفر از فراماسونهای لژهای مختلف مبالغی اعانه جمع آوری شده است که در بین اعانه دهندگان، ماسون های زیر مبالغ قابل توجهی پرداخت کرده اند:

ریال	۱۰۰۰۰۰	مهندس شریف امامی	ریال	۱۰۰۰۰۰	حبیب القایان
«	۷۵۰۰۰	لاجوردی	»	۱۰۰۰۰۰	نجات‌اله القایان
«	۶۳۰۰۰	مهندس محمدهادی	»	۵۰۰۰۰	جواد مرید
«	۳۰۰۰۰	دکتر سیدحسن امامی	»	۳۰۰۰۰	صوفی
«	۳۰۰۰۰	ابراهیم میرزا حسابی	»	۳۰۰۰۰	علی مرندی
«	۳۰۰۰۰	دکتر سعیدمالک	»	۳۰۰۰۰	احمد رفیعی
«	۲۰۰۰۰	سیروس بقائی	»	۴۰۰۰۰	محمدعلی مسعودی
«	۲۰۰۰۰	مهندس شقاقی	»	۲۰۰۰۰	دکتر عباس معتمد
«	۲۰۰۰۰	دکتر امیرحکمت	»	۲۰۰۰۰	مستوفی الممالکی
«	۲۰۰۰۰	خلیل محلوجی	»	۲۰۰۰۰	حاجی اصغرزاده
«	۲۰۰۰۰	علی اکبر محلوجی	»	۲۰۰۰۰	علی معین
«	۲۰۰۰۰	ابوالفتحی	»	۲۰۰۰۰	جواد خازنی
«	۲۰۰۰۰	رستم زرتشتی	»	۲۰۰۰۰	مهدوی
«	۲۰۰۰۰	پرویز یگانگی	»	۲۰۰۰۰	علی کوچکعلی
«	۱۵۰۰۰	صانعی	»	۲۰۰۰۰	دکتر مهدی ملکی
«	۱۲۵۰۰	اصغرزواره	»	۱۵۰۰۰	مرضی قلی کیهان
«	۲۰۰۰۰	دکتر رضاافلاح	»	۱۰۰۰۰	گلشایان
«	۱۰۰۰۰	مهندس روحانی	»	۱۰۰۰۰	دکتر مبین
«	۱۰۰۰۰	دکتر چهارازی	»	۱۰۰۰۰	فری
«	۱۰۰۰۰	رحیم اذایی	»	۱۰۰۰۰	ناصر ناطق
«	۱۰۰۰۰	اسمعیل واعظ زاده	»	۱۰۰۰۰	محمود نظر
«	۱۰۰۰۰	مهندس گنجه	»	۱۰۰۰۰	کاظم کورس
«	۱۰۰۰۰	ابوتراب روحانی	»	۱۰۰۰۰	رحمت‌اله قوامی
«	۱۰۰۰۰	عبداله ظلی	»	۱۰۰۰۰	محمد رضا ایثاری

امیر مهدی خواجه	۱۰۰۰۰ ریال	دکتر هوشنگ نهاوندی	۱۰۰۰۰ ریال
مهندس حبیب خمسی	۱۰۰۰۰	جعفر کفائی	۱۰۰۰۰
عبدالامیر رشید حائری	۱۰۰۰۰	دکتر ناصر یگانه	۱۰۰۰۰
مهندس صادق	۱۰۰۰۰		

بقیه که کمتر از یک هزار تومان پرداخته اند در حدود هشتاد نفر می باشند.

در گزارشی که خزانه دار کل سازمان های فراماسونری فرانسه در ایران ، به گراند لژ محلی داده است ، پس از ذکر ارقام اعانه ، متذکر می شود که در حال حاضر با این مبلغ جمع آوری شده ، امکان آغاز ساختمان محفل ماسونی وجود ندارد . نقشه این محفل را مهندس محسن فروغی تهیه کرده اند و نظارت آنرا نیز شخصاً بعهده خواهند گرفت . چون تا زمان چاپ این فصل ، فعالیت محسوس دیگری از این انجمن دیده نشده ، لذا تنها به نقل اساسنامه آن اکتفا می کنیم :

اساسنامه انجمن فارابی

- نام - مرکز اصلی - موضوع انجمن - مدت
- ماده یک - نام انجمن . انجمن فارابی .
- ماده دو - مرکز اصلی انجمن فارابی در شهر تهران - خیابان شمالی کاخ جوانان جنب آموزشگاه حرفه پسران است .
- ماده سوم - موضوع انجمن . بمنظور تعالی سطح اخلاق و دانش و تعمیم فرهنگ انجمنی بنام انجمن فارابی تشکیل می گردد .
- ماده چهارم - مدت نامحدود است .
- ماده پنجم - انجمن فارابی از طرف هیئت مؤسسان که اسامی آنها در این اساسنامه قید است تشکیل و همگی ذیل این اساسنامه را امضاء می نمایند .
- ماده ششم - انجمن فارابی دارای شخصیت حقوقی است و بهیچوجه جنبه انتفاعی و سیاسی ندارد و می تواند برای پیشرفت هدفهای خود هر گونه هدایا یا اموالی که از طرف شخصیت های حقیقی و حقوقی اهدا می شود بپذیرد .

ماده هفتم - اهداکنندگان هدایای اعم از شخصیت های حقیقی و حقوقی نسبت به دارائی انجمن کما و کیف احقی ندارند و در آموها منحصرأ در راه هدف اصلی انجمن به مصرف خواهد رسید .

ماده هشتم - انجمن بهیچ یك از دستجات سیاسی بستگی ندارد و اعضاء آن بهیچ عنوان حق فعالیت سیاسی را بنام انجمن ندارند .

ماده نهم - هرگونه تغییری در اساسنامه و یا اعضاء هیئت مدیره انجمن بایستی پس از تأیید مقامات صلاحیت دار بمرحله اجرا گذارده شود .

ماده دهم - افتتاح شعب در سایر شهرستانها منوط به اجازه قبلی مقامات - صالحه خواهد بود .

ماده یازدهم - چاپ و انتشار نشریات از طرف انجمن طبق قوانین جاریه کشور خواهد بود .

فصل دوم - تشکیلات انجمن

ماده دوازدهم - انجمن فارابی از ارکان زیر تشکیل می گردد .

ماده سیزدهم - هیئت مؤسسان - شورای عالی - هیئت مدیره - هیئت نظارت .

ماده چهاردهم - هیئت مؤسسان عبارتند از ۶ نفر اشخاص زیر :

الف -

ب - مهندس محسن فروغی

ج - فتح اله فرود

د - محمد مجلسی

ه - نصرالدین خواجوی

و - مهندس گنجی

ماده پانزدهم - هیئت مؤسسان بلافاصله پس از تصویب و امضاء این اساسنامه

اشخاصی را که تشخیص دهد بامنظور این انجمن هماهنگی دارند بعنوان عضویت

دعوت می نماید و همینکه تعداد اعضاء بالغ بر ۳۰ نفر گردید مبادرت با انتخاب شورایعالی خواهد نمود .

ماده شانزدهم - شورایعالی حداقل از ۳۰ نفر تشکیل می شود که از بین اعضاء هیئت مؤسسان و اشخاص دیگر انتخاب و شورای مزبور می توانند هر شخص دیگری را که مقتضی بداند بعضویت شورا انتخاب و تعیین کند .

ماده هفدهم - پس از تعیین و انتخاب شورایعالی هیئت مؤسسان منحل و شورای مزبور قائم مقام هیئت مؤسسان بوده و کلیه اختیارات مندرج در این اساسنامه جزو اختیارات و وظایف شورا خواهد بود .

وظایف شورایعالی

ماده هیجدهم - وظایف شورایعالی بقرار زیر است :

۱ - تعیین خط مشی انجمن در زمینه اجرای برنامه هائیکه براساس هدف انجمن باشد .

۲ - تدوین آئین نامه و مقررات لازم

ماده نوزدهم - جلسات شورایعالی بر دو نوع است :

۱ - جلسات عادی

۲ - فوق العاده

الف - جلسات عادی شورایعالی برای تصویب بودجه و ترازنامه عملکرد سالانه و گزارش هیئت مدیره و مسائلی که طرح آن در شورای ضروری باشد سالی یک مرتبه در مهر ماه تشکیل می شود .

ب - جلسات فوق العاده بنا بدعوت هیئت مدیره و یا هیئت نظارت یاده نفر از اعضاء شورایعالی با تقاضای کتبی هیئت مدیره بطور فوق العاده منعقد می گردد .

ماده بیستم - برای رسمیت یافتن جلسات عمومی اعضاء انجمن حضور ۵۱٪

از اعضاء ضروری است و در صورت عدم حصول نصاب برای تشکیل جلسات عمومی جلسه دیگری که نباید فاصله تشکیل آن ازده روز کمتر وزائد بریکماه از تاریخ جلسه قبلی باشد دعوت می گردد. این دعوت نامه بوسیله نامه سفارشی یا درج آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار بعمل می آید .

شرط رسمیت جلسه حضور نصف اعضاء انجمن مقیم تهران کافی است چنانچه در این جلسه نیز حد نصاب حاصل نشود جلسه سوم بفاصله ۱۵ روز تعیین و اعضاء انجمن وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دعوت می شوند و حضور نكث اعضاء در این جلسه کافی برای تشکیل و اتخاذ تصمیم خواهد بود .

ماده بیست و یکم- در هر موردی که تغییر یا اصلاح مواد این اساسنامه ضرورت پیدا کند بر حسب پیشنهاد هیئت مدیره شورایعالی آنرا تغییر و یا اصلاح خواهد کرد .

هیئت مدیره و وظایف آن

ماده بیست و دوم - هیئت مدیره از ۷ نفر تعیین و وسیله شورایعالی از بین اعضاء برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند . تازمانی که هیئت مدیره جدید انتخاب نشوند هیئت مدیره سابق در سمت خود باقی و بوظایف مدیریت ادامه خواهند داد. ماده بیست و سوم- هیئت مدیره از بین خود يك رئیس که همان رئیس شورایعالی است و دو نایب رئیس و يك خزانه دار و يك دبیر انتخاب می نماید .

ماده بیست و چهارم - هیئت مدیره تصمیمات لازم را برای اداره امور انجمن اتخاذ می کند و طرف - عقد و ایقاع واقع و هرگونه معامله برای انجمن انجام می دهد. تنظیم قرارداد با هر شخصیت حقیقی و حقوقی و افتتاح هر نوع حساب در بانکها بنام انجمن - صدور چك بروات از حسابها امضاء اسناد و اوراق و قبول تعهد بنام انجمن جزء اختیارات هیئت مدیره است و همچنین رجوع بمراجع قضائی - طرح دعوی جوابگوئی از دعاوی و بالاخره هرگونه اختیارات که برای پیشرفت کار لازم باشد

دارای اختیار است و هیئت مدیره می‌تواند تمامی اختیارات و یا جزئی از آنرا به وکیل یا وکلاء دادگستری با اعطاء حق توکیل غیر ولو کراراً تفویض نماید. اختیارات و حدود و وظایف هیئت مدیره بجز در مورد کسب اجازه از شورای عالی در مورد معاملات غیر منقول محصور و محدود نمی‌باشد.

ماده بیست و پنجم - سال مالی انجمن از اول مهر ماه هر سال شروع و در مهر سال بعد خاتمه می‌یابد ولی سال مالی هذالسنه از تاریخ ثبت اساسنامه تا اول مهر ۱۳۴۸ خواهد بود.

ماده بیست و هشتم - جلسات هیئت مدیره با حضور حداقل چهار نفر از اعضاء آن رسمی و هر تصمیمی که با اکثریت ۴ نفر اتخاذ گردد معتبر و قابل اجراء است.

ماده بیست و نهم - کلیه اسناد و اوراق بهادار و قراردادهای و چک‌ها و پروات و خلاصه هر گونه سند تمهید آور با امضاء رئیس و یکی از نواب رئیس و خزانه دار خواهد بود. در غیاب خزانه دار هیئت مدیره دیگری را برای انجام امور مذکوره تعیین خواهد نمود.

ماده بیست و هشتم - هیئت مدیره تراز نامه سالیانه را در اول شهریور هر سال تنظیم و بلافاصله برای رسیدگی به هیئت نظارت تسلیم می‌دارد.

ماده بیست و نهم - پس از رسیدگی هیئت نظارت و تسلیم گزارش خود هیئت مدیره تراز نامه را برای تصویب به شورای عالی تسلیم می‌نماید - تصویب شورای عالی بمنزله مفاصا حساب دوره عملکرد سال تصدی هیئت مدیره خواهد بود.

هیئت نظارت

ماده سی ام - شورای عالی از بین اعضاء خود هر سال سه نفر برای نظارت در امور مالی انجمن انتخاب می‌کند و پس از خاتمه دوره نظارت آنها تازمانی که هیئت جدید انتخاب نشده همان عده در سمت خود باقی بوده و بوظایف نظارت عمل خواهند کرد و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

ماده سی و یک - هیئت نظارت به امور مالی رسیدگی و تراز نامه را بررسی و در

صورت صحت تراز نامه انرا امضاء و تائید و گزارش خود را برای طرح در شورای عالی تسلیم می نماید این گزارش وقتی معتبر است که ممضی با امضاء دو نفر ناظر باشد .

انحلال انجمن

ماده سی و دوم - در صورت انحلال انجمن تصفیه امور آن بعهدہ مدیر یا - مدیران تصفیه است که از طرف شورای عالی انتخاب می شوند . مدیران تصفیه طبق قانون تجارت امور انجمن را تصفیه و باقی مانده دارائی را به شورای عالی گزارش می دهد . این دارائی به سازمان ها و انجمنهایی که هدف مشابه با انجمن دارند هبه خواهد شد . تا زمان ختم تصفیه و تسلیم تراز نامه از طرف متصدیان تصفیه بشورای عالی ، شورای عالی وظایف محوله در اساسنامه را خواهند داشت پس از ختم تصفیه و اهداء دارائی بشرح بالا شورای عالی منحل و انجمن بالنتیجه منحل شده شناخته می شود .



فصل بیست و نهم

لژهای امریکائی در ایران

در فصول پیشین، از چگونگی فعالیت سازمانهای فراماسونری ایران که وابسته به لژهای انگلیسی و فرانسوی هستند، آگاه و با ماسونهای معروف عضو این سازمانها آشنا شدیم. اینک می‌پردازیم به فعالیت تشکیلات فراماسونری در امریکا و ارتباط احتمالی ماسونهای ایرانی با این تشکیلات:

باینکه فعالیت سازمانهای فراماسونری در امریکا یکصد و نود سال سابقه داشته و امریکا نیز یکصد و سه سال است که با ایران روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد، (۱) معذک لژهای فراماسونری امریکا، شعبه یا شعباتی در ایران دایر

۱ - نخستین برخورد امریکائیان با ایران و آشنائی ایرانیان با افکار و عقاید مبلغین امریکائی در سال ۱۲۴۴ - هجری قمری (۱۸۲۹ م) با سفر دو کشیش باسامی «اسمیت» و «وایت» که از طرف «جمعیت مبشران پروتستان امریکا» بایران اعزام شده بود، آغاز شد. این دو تن پس از مدنی اقامت در آذربایجان و تحقیق و مطالعه بامریکا بازگشتند و خاطرات خود را طی کتابی منتشر ساختند. از آن پس نیز چندین بار تماسهایی بین سفرای دو کشور در لندن و پترزبورگ گرفته شده و در مذاکراتی که صورت گرفت، طرفین برای استقرار رابطه سیاسی، ابراز علاقه و اشتیاق کردند، سرانجام در تاریخ دوم مه ۱۸۸۱ جان فوستر وزیر مختار امریکا در پترزبورگ نتیجه مذاکرات خود را بامیرزا حسین‌خان سپهسالار اعظم، سفیر کبیر فوق‌العاده شاه ایران - که برای تبریک جلوس امپراتور روسیه بتخت سلطنت، بدربار روسیه رفته بود، طی گزارشی ←

نکرده‌اند. حال آنکه بگواهی آمار و اسناد بدست آمده، ۱۰۷ لژ فراماسونری وابسته بگراوند لژهای ماسونی آمریکا در سراسر جهان پراکنده و مشغول فعالیتند. از سال ۱۹۱۹-م (۱۳۳۷-هـ) که لژ روشنائی در ایران، در کلیسای انجیلی تهران دایر شد، امریکائیان که عضو لژهای ماسونی اسکاتلند بودند، با اجازه مراکز خود، مرتباً بدین لژ روی آورده، در کلیه مراسم و تشریفات آن شرکت می‌کردند.

یک گزارش رسمی که برای شورای طریقت لژ فراماسونری آمریکا تهیه شده، حاکیست که اعضای لژ «روشنائی در ایران» هیچگاه به فراماسون‌های امریکائی بدون موافقت مرکز اسکاتلند اجازه «ملاقات» و «بازدید دوستانه» و حتی «دیدار» از لژ خود را نمی‌داده‌اند.

بارها اتفاق افتاده است که یک فراماسون امریکائی سالها در ایران اقامت داشته، ولی با وجود مراجعه مکرر، اجازه حضور در لژ روشنائی در ایران و شرکت در جلسات آنرا نیافته است. این‌گونه فراماسونها، فقط هنگامی می‌توانستند وارد لژ «روشنائی در ایران» شوند، که یک نفر از سران مورد اعتماد «لژ اسکاتلند» هنگام سفر، از تهران عبور کرده، آنها را با علائم مخصوص به لژ معرفی کند.

از سال ۱۳۳۲-ش (۱۹۴۴-م) که عده‌ای از افسران نظامی امریکو مأمورین-سیاسی آن کشور که فراماسون بودند بتهران آمدند، بتدریج و با گذراندن بکرشته آداب و مقررات بسیار شدید، وارد لژ روشنائی در ایران شدند و هر چه بر تعداد امریکائیان مقیم ایران افزوده می‌شد، علاقه آنها بشرکت در لژ ماسونری

→ بواسطه فرستاد. پس از وصول این گزارش که حاکی از اشتیاق ایران برای ایجاد رابطه سیاسی با آمریکا بود، در ژانویه سال ۱۸۸۳ م. ج. بنیامین، با عنوان اولین وزیر مختار آمریکا در ایران، عازم این کشور شد. وی روز یازدهم ژوئن همان سال (۲۱ خرداد ۱۲۶۲ شمسی مطابق با شعبان ۱۳۰۰ قمری) در کاخ گلستان بحضور ناصرالدین‌شاه قاجار باریافت و استوارنامه خود را طی تشریفات بسیار عالی و باشکوهی بیادشاه قاجار تسلیم کرد. در این مراسم ناصرالدین‌شاه اظهار داشت: «توسعه مناسبات سیاسی بین دو دولت به نفع هر دو کشور است. بدولت خود گزارش دهید که دولت ایران علاقمند است همیشه سفارت آمریکا در پایتخت ایران باقی بماند.»

ایران نیز افزایش می‌یافت .

در این موارد کارگردانان لژ روشنائی در ایران ، پس از تحقیق کامل درباره «امریکائی داوطلب» و اطلاع از شغل و مقام حساس او در ارتش ، سفارت ، اصل چهار ، مؤسسات نظامی (ام. ک. او- مهندسی خلیج - مستشاری نظامی) شرکت های مختلف تجارتي امریکائی و میسونری او را وارد لژ روشنائی می‌کردند .

همان گزارش رسمی شورای طریقت لژ فراماسونری امریکا حاکیست که طی هفده سال گذشته بیش از ۳۴ نفر از فراماسونهای امریکائی ، هنگام اقامت در ایران بعضویت لژ روشنائی درآمده و در این سازمان فعالیت می‌کرده‌اند .

«ج . دپاین» کشیش امریکائی مقیم ایران، که مدت سی سال با عنوان کشیش در تهران ساکن بود ، سالها مقام حساس دبیری لژ را در تهران بعهده داشت و شرح فعالیت و مقام‌هایی که او در لژ روشنائی ایران داشته است، در فصول قبل گفته شد. در سال ۱۹۶۲م- (۱۳۴۱-ش) لژ روشنائی در ایران برای ائتلاف با امریکائیان و بعضویت افسران نظامی امریکا در ایران، که در ادارات مستشاری (ارتش ژاندارمری شهر بانی) فعالیت داشتند و همچنین مستشاران غیر نظامی و اعضای سفارت امریکا، مذاکراتی را با فراماسونهای عالی مقام آغاز کرد .

در گزارش مقدماتی که بوسیله یکی از افراد عالی‌مقام لژ روشنائی در ایران برای امریکائیان تهیه شده چنین آمده است :

« لژ بسیار فعال ما همیشه برای پذیرائی از بازدیدکنندگان امریکائی و برادران جمعیت فراماسونی امریکا در ایران آماده است و آنها را استقبال می‌کند، با وجود «استقبال» و «آمادگی» که از طرف لژ انگلیسی روشنائی در ایران اعلام شده است، معذک گذشت زمان نشان داد، که فراماسون‌های امریکائی تحت شرایط بسیار سختی می‌توانستند موفق بدخول در لژ انگلیسی مذکور شوند . بدین ترتیب که ناوقتی در باره آنها تحقیقات کامل صورت نمی‌گرفت ، و یا فراماسون‌های امریکائی حاضر به همکاری سیاسی نمی‌شدند، اجازه ورود به لژهای وابسته به اسکاتلند

در ایران و یالزهای تابعه مولوی به آنها داده نمی‌شد .

هرچه بر تعداد اتباع امریکائی مقیم ایران اضافه می‌شد ، فراماسون‌های امریکائی نیز بیشتر می‌شدند. بطوری‌که در اواخر سال ۱۹۶۱ در حدود هفتاد و سه فراماسون امریکائی که اغلب درجه استادی داشتند در تهران و حومه بسر می‌بردند. هنگام آغاز فعالیت بیشتر لژ روشنائی در ایران و در سال ۱۹۶۲ - م (۱۳۴۱-ش) از طرف مرکز فراماسونی اسکاتلند، به تهران دستور رسید که فراماسون‌های امریکائی را جمع کرده برای آنها لژ مخصوصی ترتیب دهند .

در همین وقت، مراکز فراماسونری «یورک» و لژهای محلی امریکا نیز در صدد برآمدند که لژی در ایران تأسیس کنند. بدنبال این مقدمات، در اوایل آپریل ۱۹۶۲ لژ روشنائی در ایران دعوتنامه‌ای برای عده‌ای از امریکائیان که درجه «استاد اعظم» و «استاد» داشتند، فرستاد، و آنها را برای شرکت در یک متینگ مختلط دعوت کرد .

جلسه مشترك در روز ۱۹ آپریل ۱۹۶۲ تشکیل شد. در این جلسه کارگردانان لژ روشنائی به امریکائیان فراماسون پیشنهاد کردند: در لژهای «لایت» ، «ابن سینا» و «کورش» که زبان رسمی آنها انگلیسی بود شرکت کنند .

بطوری‌که بعداً خواهد آمد، تا پایان سال ۱۹۶۲ در ایران سه لژ فراماسونری بود که در آنها به زبان انگلیسی گفتگو و مذاکره می‌شد :

۱- لژ روشنائی در ایران ، وابسته به گراندلژ اسکاتلند .

۲- لژ کورش، وابسته به گراندلژ اسکاتلند .

۳- لژ ابن سینا، وابسته به گراندلژ ناسیونال دفرانس .

کارگردانان لژ روشنائی در جلسه ۱۹ آپریل ۱۹۶۲ گزارش زیر را برای امریکائیان فراماسون قرائت کردند :

برادران !

نخستین لژ عادی در ایران «لژ روشنائی در ایران» نام داشت که مطابق اساسنامه

اسکاتلند، در شیراز تشکیل شد. تشکیل دهندگان لژ افسران ارتش انگلیس بودند که در زمان جنگ جهانی اول در ایران بسر می بردند .

پس از تخلیه ایران از طرف ارتش انگلیس فعالیت آن لژ متوقف شد ، ولی دوباره در تهران تحت همان نام «نور در ایران» تشکیل شد و تادو هفته پیش [۵ آبریل ۱۹۶۲-م] یگانه لژی که در تهران به زبان انگلیسی کار می کرد ، همین لژ بود. مالتر بسیار فعالی هستیم و میل داریم که برادران امریکائی هر چه بیشتر از لژ ما دیدار کنند . در این خصوص بعداً مطالب بیشتری به عرض خواهیم رساند. دو لژ بعدی که در آبادان و مسجد سلیمان کار می کردند، لژهای «پیشاهنگ» pioneer نام داشتند و هر دو تحت اساسنامه اسکاتلندی مشغول کار بودند. پس از آن لژ «سن ژرژ» نیز تحت اساسنامه انگلیس، در آبادان تشکیل شد. همه این لژها هنگام ملی شدن صنعت نفت و خروج عوامل انگلستان از آبادان تعطیل شدند . تا آن هنگام سنت لژ این بود که هیچ ایرانی را به عنوان عضو تازه نپذیرد ، وای این نکته را همه می دانستند که چندتن از ایرانیان که در خارج وارد سازمان فراماسونی شده بودند، گاهی به لژ ما می آمدند .

در همان زمان ملی شدن نفت، شخصی بنام جواهری که بدون شك فراماسون بود، (منتها شاید از لژ فراماسونهای مشرق زمین) به ایران آمد. و پس از چندی در حدود ۲۵۰ نفر را دور خود جمع کرد و انواع درجات و عناوین را برخلاف قاعده به آنها بخشید. در میان این ۲۵۰ نفر، بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ کشور وجود داشتند. لیکن جواهری مانند خدایی بر آنها حکومت می کرد . و تا می توانست از آنها پول می گرفت. البته هدف او امور خیریه فراماسونی نبود، بلکه پولها را به نفع خودش ضبط می کرد . او عقیده داشت «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» جریان او سرانجام به عرض شخص اول مملکت رسید و معظم له به موقع دستور دادند که سازمان منحل و غیر قانونی شود .

اما در میان پیروان جواهری چند نفر هم بودند که بطور قانونی وارد سازمان فراماسون شده بودند (درفرانسه، امریکا، عراق، هندوستان و جاهای دیگر). این اشخاص دریافتند که قبلا تشکیلات جواهری غلط بوده است و در پشت پرده فعالیت شدیدی علیه او آغاز کردند، عده‌ای نیز به خارج رفتند، تا به طور رسمی وارد سازمان فراماسون شوند. تا اینکه سرانجام به آنها اجازه داده شد که يك لژ قانونی در این کشور تشکیل دهند. مقامات مسئول از فعالیت لژ «نور در ایران» اطلاع داشتند و می‌دانستند که اگر لژهای دیگری نیز به همان طریق فعالیت کنند به نفع رعایای ایشان خواهد بود.

نخستین لژ که بدین ترتیب تشکیل شد، لژ «مولوی» نام داشت که در حقیقت در فرانسه تشکیل شده بود، ولی تحت نظر گراند ناسیونال فرانسه به اینجا منتقل گردید. رهبر این لژ دکتر سعید مالک بود، که یکی از عزیزترین و مهربان‌ترین برادران ما است.

بلافاصله پس از افتتاح این لژ، لژ تهران نیز تشکیل شد، که تحت نظر گراند لژ اسکاتلند کار می‌کند.

از لژ مولوی، لژهای دیگری منشعب شد که عبارتند از لژهای سعدی و فروغی در تهران - لژ حافظ، که اکنون در شیراز کار می‌کند - و لژ شمس تبریزی که اکنون در اینجا مشغول فعالیت است، ولی قرار است به تبریز منتقل شود. گراند لژ ناسیونال فرانسه همین يك گراند لژ محلی District grand lodge را نیز در اینجا تشکیل داد که در آن دکتر سعید مالک مقام District grand master را دارد، و برای ایجاد هماهنگی با گراند لژ اسکاتلند از District grand Superintendent ما یعنی برادر ل. و. استراکر^۱ Straker دعوت شد که با اجازه گراند لژ اسکاتلند، مقام معاونت دکتر مالک را بپذیرد.

از لژ تهران نیز لژ کورش منشعب شد و لژ خیام نیز در روز پیش (۹ آوریل

۱- استراکر سالها در ایران سمت ریاست لژ روشنائی و شرکت لینگ واقع در خیابان سوم اسفند را داشت و سال ۱۳۳۹ از ایران رفت.

(۱۹۶۲) تشکیل گردید. هردوی این لژها تحت نظر گراند لژ اسکاتلند کار می‌کنند. پس از تشکیل همه این لژها احساس شد که وجود یک کمیته مرکزی ضرورت دارد، تا بتواند روابط این لژها را که تحت نظر دو گراند لژ کار می‌کنند حفظ کند. این کمیته اساساً از **Reigning Master** لژها به علاوه کسانی که از طرف هر دو سازمان مقام گراند لژ دارند، تشکیل شده است.

عده کسانی که در این راه زحمت کشیده‌اند بقدری زیاد است، که مشکل بتوان یکی را از آن میان انتخاب کرد، ولی من احساس می‌کنم که باید نام یک نفر را ذکر کنم و او برادر فری است. در هنگام غیبت برادر استراکر از این کشور او قائم مقام **District Grand Superintendent** ما است. وی مورد اعتماد هر دو گراند لژ است، و چیزی که شاید از این نیز مهمتر باشد، آنست که از اعتماد همه برادران ایرانی و خارجی هر دو سازمان برخوردار است. یکی از مهمترین وظایفی که این کمیته انجام می‌دهد، عبارت است از تعیین نامزد برای ورود به هر کدام از لژهای موجود. و بدین ترتیب نمی‌گذارد که یک لژ تقاضای ورود کسی را که برای لژ دیگر قابل قبول نیست بپذیرد. علاوه بر اینها در تهران سه لژ دیگر نیز وجود دارد، که تحت نظر گراند لژهای متحد آلمان کار می‌کنند، پس از جنگ اخیر دو گراند لژ جداگانه در آلمان به وجود آمد که هیچکدام از آنها از طرف گراند لژهای اسکاتلند یا گراند لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی‌شدند و دلیل آن هم این بود که این دو گراند لژ آلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند. اما پس از مذاکرات زیادی که بین خود آنها و گراند لژهای اسکاتلند، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر صورت گرفت، این دو گراند لژ اختلاف خود را حل کردند و بایکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب گراند لژهای متحده آلمان بوجود آمد.

اکنون گراند لژهای متحده آلمان، از طرف لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه به رسمیت شناخته می‌شوند و با آنها روابط مودت آمیز دارند.

بنابراین رفتن ما به آن لژهای آلمانی، از لحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی

به نظر من رفتن ما به آنجا مطلوب نیست، زیرا که تاکنون خود آنها تمایلی به این امر نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی نیز نپیوسته‌اند. امیدواریم که بزودی موافقت خود را برای پیوستن به کمیته مرکزی، و یا جمعیت کامل فراماسونری اعلام دارند. در حدود دو هفته پیش (۵ آوریل ۱۹۶۲-م) نیز گراند ناسیونال فرانسه در اینجا يك لژ دیگر افتتاح کرد، بنام لژ ابن سینا که زبان آن انگلیسی خواهد بود. بنابراین فعلا ۹ لژ در تهران مشغول کارند که رفتن به همه آنها آزاد است و از شما بانهایت گرمی استقبال خواهند کرد، ولی از این ۹ لژ فقط «نور در ایران» و «ابن سینا» زبان انگلیسی دارند و مابقی فارسی است.

این تاریخچه اینست از فعالیت فراماسونری در این کشور. البته تا مقام **Master Mason** - اما برای کسانی که از این مقام عالی نیز بالاتر رفته‌اند، باید اضافه کنم که سازمانهای اسکاتلند و فرانسه هر دو **Royal arch chapter** در تهران دارند. در این خصوص حاضر م هر گونه اطلاعی را در اختیار هر کسی که خواهان آن باشد بگذارم.

یکی از مسائل که بسیار مورد علاقه ما است، وجود رابطه نزدیک میان لژ «نور در ایران» با برادران امریکائی است. چند سال پیش چند نفر آمریکائی به لژ ما می‌آمدند و حتی به آن پیوستند. در حقیقت تعداد آنها آنقدر زیاد بود، که نمی‌توانستم تشکیل جلسات را به یکایک آنها اطلاع دهیم. من هر گونه پیشنهادی را برای نحوه اطلاع دادن به برادران امریکائی با کمال میل می‌پذیرم. چطور است که سازمان‌های ما در مورد هر جلسه‌ای اطلاعیه‌ای برای چهار یا پنج تن از برادران وابسته به سازمانهای مختلف امریکائی بفرستند تا آنها نیز به نوبت خود به برادران سازمان خود اطلاع دهند.

محض اطلاع شما باید بگویم که ما در آخرین سه‌شنبه هر ماه غیر از ژوئیه و اوت از ساعت شش و نیم بعد از ظهر در اطاق مدرسه کلیسای امریکائی واقع در خیابان قوام السلطنه تشکیل جلسه می‌دهیم.

من از طرف همه برادران لژ نور در ایران از همه شما دعوت می‌کنم و از اینکه شب خوشی را در میان شما گذرانده‌ام متشکرم.

با اینکه لژ روشنائی در ایران درهای خود را به روی فراماسونهای امریکائی باز کرد، معذک آنها حاضر به همکاری بالژهای فعال ایران نشدند. هرگونه اظهار نظر درباره استنفاف امریکائیان از این ائتلاف سخنی ناصواب و دور از حقیقت است: زیرا نه من و نه هیچ فرد غیر ماسون دیگری با سانی نمی‌تواند به اسناد و صورت جلسه‌های ماسونها دست یابد. بنابراین در این باره سکوت اختیار می‌کنیم و قضاوت درباره (پس‌زدن) دست ائتلاف برادران انگلیسی را از طرف امریکائیا به آینده واگذار می‌کنیم.

سه هفته پس از پیشنهاد ائتلاف و تسلیم گزارش لژ روشنائی در ایران به فراماسونهای امریکائی مقیم ایران، ناگهان مجله هفتگی داخلی سفارت امریکا که بنام (این هفته در تهران) برای اعضای میسیون امریکائی مقیم ایران منتشر می‌شود، در شماره ۱۶ جلدششم خود، و در صفحه هفتم (روز ۱۷ آوریل ۱۹۶۲ م - ۲۸ فروردین ۱۳۴۱ ش) خبری باین شرح منتشر کرد: ^۱ «شاپتر شماره ۴۶۸ ایران نخستین مجمع عمومی و جلسه خود را در کلوب امریکائیان [واقع در تهران - خیابان پهلوی] افتتاح می‌کنند. این جلسه از ساعت ۳۰ - ۱۸ روز ۲۸ آوریل [۸ اردیبهشت ۱۳۴۱] برای صرف شام دایر خواهد بود.

در جلسه مزبور فقط معماران اعظم فراماسونی **Master Masons** که در سرزمین تهران اقامت دارند، می‌توانند حاضر شوند. برای اطلاع از برنامه مزبور و تهیه کارت ورودی به کاپیتان کالینز^۲ تلفن شماره ۸۶۵۹۲ و یا گروه بان بلیس^۳ با تلفن داخلی ۲۴۹۹ سفارت امریکا مراجعه کنید.

۱ - سه شماره مجله (این هفته در تهران) را یکی از دوستان ایرانیم که در مشهد در خدمت کنسولگری امریکاست برایم فرستاده است.

Capt, Collines - ۲

. Mist, Bliss - ۳

THIS WEEK IN TEHRAN



VOL. VI No. 6

APRIL 17, 1962

Published by the American Embassy for Members of the American Mission in Iran

SOJOURNERS MEETING

APRIL 24 1962

Iran Chapter 468 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 28 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Masons in Tehran area and their ladies are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 86592 or W/Sgt. Bliss, Embassy Ext. 2492 for reservations.

۸۰۳ - ۷۱۶ ۶۰۰۱۵^{۲۰}

SOJOURNERS MEETING

17 APRIL 1962

Iran Chapter 468 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 28 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Masons in Tehran area are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 86592 or W/Sgt. Bliss, Embassy Ext. 2499 for reservations.

۷۰۶ - ۶۰۰۱۵ - ۲۰۱

SOJOURNERS MEETING

MAY 6 1962

Iran Chapter 468 will hold the monthly meeting at the American Club, 1830 hours, 23 May 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners and Commissioned and Warrant Officers past or present are invited.

السران

افسران
مقتدران
۸۰۶

سه آگهی از بولتن داخلی سفارت امریکا (این هفته در تهران) که خبر سازمان فراماسونری افسران امریکایی در آن درج شده

متعاقب انتشار این خبر در مجله این هفته در تهران سفارت امریکا، ناگهان رادیو صدای امریکا که هشت سال فقط موزیک خارجی و نمایشنامه پخش می‌کرد در ساعت ۱۹-۳۰ روز بعد از انتشار مجله «این هفته در تهران» موزیک و برنامه معمولی خود را قطع و مطالبی باین مضمون پخش کرد:

«امریکاییان مقیم تهران و حومه توجه کنند .

کلیه افسرانی که معماران اعظم فراماسونری امریکا و مقیم تهران و حومه هستند روز ۲۸ آپریل، ساعت ۱۸-۳۰ برای شرکت در جلسه عمومی شاپیترا ایران شماره ۴۶۸ حضور بهم رسانند .»

انتشار این خبر که نگارنده خود متن آنرا از رادیو رسمی دولت امریکا در تهران شنیده است طبعاً باعث شگفتی و تعجب نگارنده و همه کسانی که از چگونگی پخش برنامه‌های رسمی این رادیو آگاهی داشتند، شد. زیرا پس از هشت سال سکوت، و پخش انحصاری نوارهای ضبط صوت، این نخستین باری بود که رادیو ارتش امریکا، مطالبی غیر از نام صفحات موسیقی و جملات نمایشنامه‌ها پخش می‌کرد.^۱

۱ - رادیو صدای امریکا بموجب موافقتنامه‌ای که در سال ۱۹۵۴-م بین وزارت خارجه ایران و سفارت امریکا در تهران امضاء و مبادله شد، بنام اختصاری R. A. F روی موج متوسط شروع بکار کرد. این رادیو که ابتدا فقط دو ساعت موزیک پخش می‌کرد، از نوامبر ۱۹۵۴ شروع به پخش برنامه‌های مختلف کرد، بتدریج ساعات کار خود را افزایش داد، تا آنجا که هم اکنون در شبانه روز شش ساعت موزیک و نمایشنامه پخش می‌کند. برنامه‌های این رادیو در ارتش امریکا برای پخش در کلیه پایگاههای نظامی امریکا در جهان و مناطقی که در آنجا عده زیادی امریکائی مقیم هستند، بوسیله نوار ضبط صوت تکمیل شده و همه جا یکسان پخش می‌شود.

ایستگاه فرستنده تلویزیون امریکا نیز که وابسته به (نیروهای مسلح امریکا) R.A.F می‌باشد در دسامبر ۱۹۵۹ - م در تهران شروع بکار کرد. رادیو و تلویزیون مزبور حق پخش هیچگونه گفتاریا سخنرانی را ندارد و فقط به پخش نوارهای ضبط صوت یا فیلمهای تلویزیونی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد می‌پردازند.

بجز موردی که اشاره شد، یکبار دیگر نیز، تلویزیون امریکاییها اقدام به پخش يك خبر کوتاه (بصورت زنده) کرد، که باعث جنجال و دردسرفراوان برای مقامات سفارت امریکا و تعطیل موقت فرستنده تلویزیونی و حتی محاکمه احتمالی مسئولان این فرستنده تلویزیون ←

در آن شب که مجمع عمومی لژ فراماسونری امریکا در کلوپ امریکائیان تشکیل شد، ۴۹ نفر از افسران نظامی، دیپلماتهای عضو سفارت امریکا، اعضای هیئت عمران بین‌المللی امریکا در ایران (اصل چهارم) و سایر اتباع امریکائی عضو مؤسسات مختلف به اتفاق بانوانشان در جلسه مذکور شرکت کردند. باینکه باران به شدت می‌بارید، معذک همه مدعوین به لژ مذکور رفتند.

هنگام حضور مدعوین، بانوان امریکائی به سالن کوچک کلوپ هدایت می‌شدند،

→ شد، که چون پس از خبر مربوط به جلسه فراماسونری، موردی است که يك خبر بصورت زنده و خارج از کادر فیلمها و نوارهای آماده شده، پخش شده است، در اینجا خلاصه ماجرا را منعکس می‌کنیم:

ماجرا چنانکه خوانندگان ارجمند بیاد دارند، در آخرین لحظات پخش برنامه تلویزیونی فرستنده امریکائیه بین ساعات ۱۱ و ۱۲ - نیمه شب - یازدهم شهریور ۱۳۴۱ (روز بعد از وقوع زلزله هولناک دهم شهریور دشت قزوین که تلفاتی بالغ بر ۲۰ هزار نفر، و ویرانیهای فراوان بیار آورد) اتفاق افتاد. بدین ترتیب که در جریان پخش يك فیلم سینمایی و هنگامیکه چند لحظه بیشتر بیابان فیلم نموده بود - ناگهان صدای هنرپیشگان قطع شد و درحالیکه تصاویر همچنان روی صفحه تلویزیون بودند يك گوینده به زبان انگلیسی اخطار کرد که: «طبق گزارش مؤسسه ژئوفیزیک امشب زلزله دیگری در تهران روی خواهد داد، گوینده آنگاه از بینندگان تلویزیون خواست که خانه‌های خود را ترك کنند!

انتشار این اخطار - که بلافاصله در سراسر شهر منتشر گردید - باعث شد که همه تهرانیها خانه‌های خود را ترك کرده، بکوچه و خیابان ریختند... آنشب تهران شب بیخواب و وحشتناکی را گذرانید، زن و مرد و کوچک و بزرگ در خیابانهای اطراف شهر پراکنده شدند... وقتی آنشب از زلزله خبری نشد و اعلام گردید که اصولاً زلزله غیر قابل پیش بینی است و از طرف مؤسسه ژئوفیزیک نیز تلفنی به ایستگاه تلویزیون نشده، سفارت امریکا در مقام توضیح برآمد و طی اعلامیه‌ای که برای مطبوعات و رادیو فرستاد، اعلام داشت که مسئولان تلویزیون، قربانی يك توطئه یا شوخی و مردم آزاری شده‌اند بدین معنی که در حوالی نیمه شب یک نفر بوسیله تلفن با ایستگاه فرستنده تلویزیون تماس گرفته، خود را مأمور کشیک مؤسسه ژئوفیزیک معرفی کرده و از مسئولان تلویزیون خواسته است که چون برنامه تلویزیون ایران تمام شده و وسیله دیگری برای خبر کردن مردم نیست، احتمال وقوع زلزله را با اطلاع مردم برسانند... آنان نیز که فرصتی برای تحقیق نداشته‌اند بلافاصله این خبر را پخش و باعث جنجال و هیاهو، بیخوابی و اضطراب و ناراحتی شدید مردم می‌شوند. اداره اطلاعات سفارت امریکا هم ضمن پوزش و عذرخواهی هم چنین اعلام کرده بود که با وجود این، مسئولان این حادثه تعقیب و مجازات خواهند شد... و این آخرین باری بود که يك خبر بصورت زنده و خارج از کادر فیلمها و نوارهای ضبط شده از رادیو و تلویزیون امریکائیه در تهران پخش شد.

ولی افسران که فراماسون بودند بالباس غیر نظامی در سالن بزرگی، که قبلاً باعلائم، تابلوها و پرچمهای مخصوص تزئین شده بودند گرد می آمدند . بطوری که بعدها شنیده ایم ، در آن جلسه پیشنهاد شده بود که از استواران، گروهبانان و افسران جزء نیز که در مراحل اولیه ورود به ارتش امریکا هستند ، برای شرکت در جلسات لژ دعوت کنند . منتهی همانطوری که رسم وقاعده تشکیلات فراماسونری است، هنگام بحث و مذاکره به تدریج کسانی را که دارای درجات پائین تر هستند از لژ بیرون کرده و فقط «معماران اعظم» برای صحبت در مسائل بسیار مهم در لژ باقی می مانند .

گروهبان Set : Hawthorn امریکائی که از سال (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ - م) (۱۳۳۹-۱۳۴۱-ش) در ایران با سمت ریاست اداره مونتوری ارتش خدمت می کرد، به ما گفت که بیش از سی استوار و گروهبان ارتش امریکا در ایران فراماسون هستند. خود او که از فراماسون های شهر بوستون امریکا بود با اینکه از نظر سلسله مراتب ماسونی درجه سوم را داشت، معدلك در شب ۲۸ آپریل به کلوپ آمریکائیان نرفت، زیرا در دعوتنامه مجله این هفته در تهران و خبر رادیو و صدای امریکا فقط از افسرانی که مقام «معمار اعظم» داشتند، دعوت شده بود .

متعاقب تصمیمی که در شب ۲۸ آپریل گرفته شد، شاپیتر شماره ۴۶۸ ارتش امریکا (روز ۱۶ می ۱۹۶۲-م) (۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۱) نیز از همه افسران، استواران و گروهبانان امریکائی مقیم تهران و حومه دعوت کرد، تا در جلسه (ماهانه) لژ که روز ۲۳ می ۱۹۶۲-م) در کلوپ امریکائیان تشکیل می شود، شرکت جویند .

با تأکید روی کلمه « جلسه ماهانه » چنین استنباط می شود که لژ امریکائی مزبور نخستین لژ فراماسونی امریکاست که می بایستی همه ماهه تشکیل شده و با اصطلاح ماسونها (کار) و (عمل) کنند .

سازمانی که فراماسونهای امریکائی تشکیل دادند . Iran Chapter 468 نام دارد، که در سازمان فراماسونری جهانی دارای مقام مهمی است.^۱

۱- مجله «این هفته در تهران» شماره ۲۰- جلد ششم- مخصوص پخش در داخل سفارت امریکا.

علینقی خان نبیل الدوله

یکی از فراماسونهای معروف ایران که دارای شهرت جهانی بود و در سازمان فراماسونی امریکا مقام «ژنرال ماسونی» و «درجه ۳۳ فراماسونی» را داشت و همچنین عالی‌ترین نشان ماسونی را که فقط به رؤسای جمهور امریکا اعطاء می‌شود، دریافت کرده بود، «علینقی خان نبیل الدوله» از افراد خاندان سپهرکاشی است. او که یکی از رؤسای فرقه مذهبی بهائیان ایران و امریکا بود و عکس او را در کنار تصویر عبدالباها از ارادت فوق‌العاده او به پیشوای بهائیان جهان حکایت می‌کند، در خانه خود محفل ماسونی کوچکی داشت، که اغلب روزها، در حضور دیگران، در آنجا به عبادت می‌پرداخت. با اینکه نبیل الدوله بهائی بود و از رؤسای این فرقه به حساب می‌آمد، معذک در محفل ماسونی خود، دو قطعه از آثار و مناجاتنامه‌های «خواجه عبدالله انصاری» را در دو تابلو بزرگ قرارداد، جلو محراب عبادتگاهش نصب کرده بود، این دو تابلو به خط یکی از خوش نویسان عهد ناصری است که برای «میرزا آقاخان نوری» نوشته شده بود. نبیل الدوله آنها را به بهای گزافی خریداری کرده و همراه خود به امریکا برد. در جلسات فراماسونهای امریکائی و ایرانی که در محفل کوچک ماسونی وی تشکیل می‌شد، او مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را به فارسی می‌خواند، حتی بطوری که گفته‌اند ترجمه انگلیسی آنها هم به فراماسون های امریکائی داده و آنها را وادار می‌کرد که همراه با قرائت مناجاتنامه مذکور از طرف او، آنان نیز با صدای ملایم ایات خواجه عبدالله را قرائت کنند.

تابلو اول

- ۱- بسمك القدوس قدمنی منی
- ۲- الهی این چه فضیلت که بادوستان خود کرده که هر که تورا
- ۳- شناخت ایشان را یافت و هر که تورا یافت ایشانرا شناخت
- ۴- الهی اگر بدعا فرمانت قلم رفته را چه درمان است
- ۵- الهی اگر ابلیس آدم را بدآموزی کرد مندم که او را روزی کرد.
- ۶- الهی تا تو درغیب بودی من همه عیب بودم چون تو ازغیب بدرآمدی، من ازغیب بدر آمدم.





- ۷- الهی بیزارم از آن طاعتی که مرا به عجب اندازد و بنده آن مصیبتم که مرا به عذر آورد.
 ۸- الهی نه ظالمی که گویم زینهار و نه مرا بتوحقی که گویم بیار
 ۹- چون اول برداشتی آخر فرومگذار

تابلو دوم

- ۱- الهی ناظری چه گویم - الهی اگر کار به گفتار است، بر سر همه تاجم
 ۲- و اگر به کردار است، به پشه و مور محتاجم
 ۳- الهی اگر من ناپخته‌ام تو پخته‌کن و اگر پختی سوخته نکن .
 ۴- الهی اگر بر در رواست از خود دورمکن و اگر به دوزخ فرستی رضاست مهجور مکن
 ۵- الهی همه از تو ترسند و عبدالله از خود زیرا از تو همه نیک آید و از عبدالله همه بد
 ۶- الهی تا از حمد تو اثر آمده مهرها به سر آمد .
 ۷- الهی همیشه چو بید می لرزم که مبادا به هیچ نیرزم

پس از شانزده جمله مسجع خواجه عبدالله انصاری، سه سطر بدین شرح نوشته شده است :

- ۸- به جهت [يك كلمه خوانده نشد] بزم حضور جناب جلالت مآب اشرف
 ۹- ارفع امجد افخم صدر اعظم میرزا آقاخان خواجه نوری
 ۱۰- مجده العالی تحریر شد. بنده درگاه محمدحسین شیرازی
 این دو تابلو که به خط کوفی نوشته شده با تزئینات اطرافش یکی از شاهکار
 های تزییب و خوش نویسی دوران قاجاریه بشمار می رود .
 در محراب محفل ماسونی مذکور، علاوه بر دو تابلو بالا، دو شمعدان سه شاخه
 سه جلد کتاب نیز قرار داشت، که کتابها عبارت بودند از:

۱- قانون اساسی فراماسونری

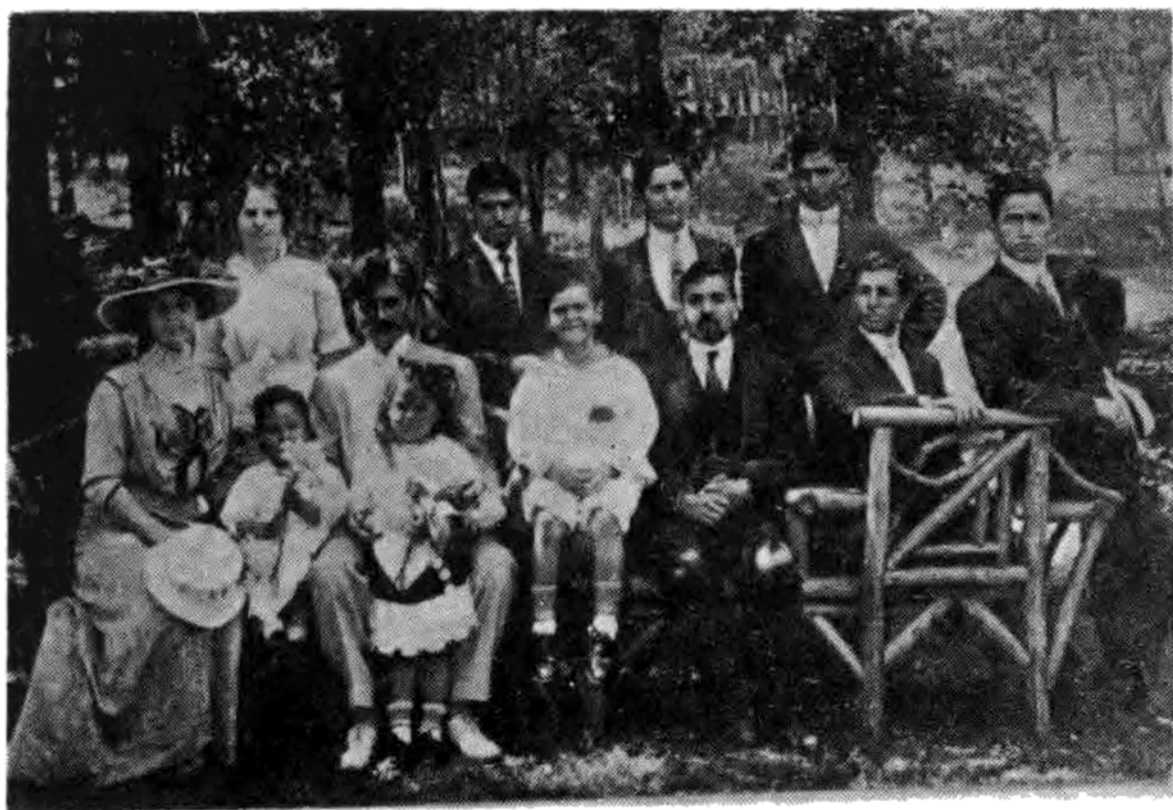
۲- الواح بهاء الله

۳- کتاب بیان

و علاوه بر اینها، يك شمشیر ایرانی، يك برگ درخت مصنوعی و يك قطعه
 پارچه زری بافت هندوستان نیز وجود داشت . هر گاه نبیل الدوله در جلو محراب
 محفل ماسونی خود، به عبادت مشغول می شد، جبهه‌ای از پشم شتر بافت کرمان که
 راه‌های طلائی و ابریشم سیاه رنگ داشت، بدوش می انداخت و بازدنزانو به زمین
 به عبادت می پرداخت .



نبیل الدوله و سایر بهائیان دز حضور عبدالبها



نبیل الدوله و خانواده اش در واشنگتن

علینقی‌خان نبیل الدوله ، با اینکه از رؤسای فرقه بهائی بود ، و معمولاً نمی‌بایستی در امور سیاسی دخالت کند ، با اینحال وارد فرقه سری فراماسونی شده بود^۱ . او شصت و سه سال در امریکا اقامت داشت و روزی که بدرود حیات گفت هشتاد و هشت سال از عمرش می‌گذشت .

نبیل الدوله پسر عبدالرحیم‌خان کلانتر و معاون «کنت دومونت فورت» رئیس نظمیة تهران بود . وی ابتدا در خدمت سفارت انگلیس کار می‌کرد . سپس به شغل آزاد و خرید و فروش تمبر پرداخت . این سالها مصادف با زمانی بود که بهائیان از طرف دستگاه حکومتی تحت فشار قرار گرفته بودند و او که بهائی سرشناسی بود ، ایران را ترك گفته عازم امریکا شد . نخستین شغل رسمی او در امریکا «کاردار سفارت ایران» در نمایندگیه جهانی «پاناما» و سپس داشتن همین عنوان در نمایندگیه «پاسفیک» بود که در سال ۱۹۱۴ گشایش یافت . چهار سال بعد ، ۱۹۱۸ - هنگامیکه نمایندگیه جهانی «سانفرانسیسکو» افتتاح شد ، نبیل الدوله به خرج خود ، غرفه‌ای در آن نمایندگیه ، بنام «غرفه ایران» تأسیس کرد ، و آنچه که اشیاء عتیقه ، البسه ، قالی ، تابلو و اشیاء منبت کاری و تذهیب کاری داشت ، در این غرفه به معرض نمایش گذاشت .

در سال ۱۹۱۹ به دستور و بوق الدوله - نخست‌وزیر وقت - مأمور مذاکره با «ویلسن» رئیس جمهوری امریکا شد و با ژنرال «پرسینک» نیز هنگام عقد قرارداد صلح در پاریس به مذاکره پرداخت . اما پس از سقوط کابینه و ثوق الدوله ، از طرف نصرت الدوله فیروز وزیر خارجه تلگرافی به او اطلاع داده شد که از سمت‌های دولتی معاف شده است . نبیل الدوله آنگاه به ایران بازگشت و مدتی پیشکار محمدحسین میرزا ولیعهد بود . ولی در سال ۱۳۰۴ شمسی مجدداً از ایران به امریکا مراجعت کرد و به شغل آزاد یعنی فروش اشیاء عتیقه پرداخت .

۱- یکی دیگر از رؤسای فرقه بهائی که نام و عکس او در اسناد فراماسونری دیده شده

دکتر ذبیح‌اله قربان است که در فصل بیست و پنجم کتاب تصویر او چاپ شده است .

در کابینه دوم قوام السلطنه که مسئله دریافت وام از امریکا و دعوت از شرکت های نفتی مطرح بود، رئیس الوزرا او را به ایران دعوت کرد. اما این بار نیز اقامتش در ایران طولانی نبود، يك سال بعد مجدداً با امریکا بازگشت و پس از مدتی اقامت در نیویورک، به واشنگتن رفت، که تا پایان عمر در این شهر بسر می برد. همسر امریکائی او بنام «فلورنس» لیدرزنان بهائی امریکا بود و خود او هم علاوه بر فعالیت های مذهبی در شورای. طریقت فراماسونی امریکا نیز فعالیت می کرد.

بطور کلی همه سازمانها و تشکیلاتی که در کشورهای مختلف سازمانهای علنی و جهان، مخفیانه فعالیت می کنند و یا بعللی قادر با انجام فعالیت های تشکیلات مخفی علنی نیستند، سعی می کنند با ایجاد سازمانهای علنی وابسته و یا بوسیله نفوذ در سازمانهایی که دارای فعالیت علنی هستند، نظر خود را تأمین کرده، همان هدفهای تشکیلات مخفی را، در زیر سرپوش سازمانهای علنی تعقیب کنند. نمونه زنده اینگونه سازمانها را در جریان فعالیت احزاب کمونیست که در اغلب کشورها غیر قانونی شناخته شده اند می توان دید و در خود ایران نیز - در فاصله سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ دیدیم که چندین سازمان علنی با اسامی گوناگون فعالیت می کردند و همه متینگها و تظاهرات حزب مخفی و غیر قانونی با نام و در زیر لوای این سازمانها تشکیل می شد. و وجود این احزاب و جمعیت های علنی بهترین وسیله تماس افراد و اعضای حزب مخفی - که اجازه و امکان فعالیت علنی نداشتند - بایکدیگر بود. همچنین نشریات متعدد این جمعیتها - احزاب، عقاید و نظرات حزب مخفی را علناً منعکس و منتشر می کردند. . . .

سازمانهای فراماسونری جهان نیز که همه اعمال و فعالیت های خود را در اختفای کامل انجام می دهند، می کوشند در هر کشور سازمانی علنی تشکیل دهند و با نفوذ در جمعیتها و یا سازمانهای علنی، بار سنگین فعالیت های محرمانه را سبکتر کرده و وسیله ای قانونی برای نفوذ بیشتر در طبقات مورد نظر و تأمین هدفهای خود بدست آورند.

چهار سازمان جهانی که ذیلاً تاریخچه تأسیس و چگونگی فعالیت آنها باختصار از نظر خوانندگان می‌گذرد^۱، نمونه‌ای از فعالیت علنی فراماسونها در کشورهای مختلف‌گیتی و در زیر لوای این سازمانهای علنی است:

تسلیح اخلاقی مؤسسه‌ایست که ۳۶ سال قبل تأسیس شده
۱- تسلیح اخلاقی است. کسیکه فکر تشکیل این سازمان را بمرحله عمل در آورد، دکتر (بوخن) نام دارد که زادگاه او «سنگالی» در نزدیکی شهر زوریخ است. بوخن از سویس به امریکا رفت و در آنجا به اتفاق شش نفر امریکائی دیگر پرورشگاهی را اداره می‌کرد. ولی در اثر اختلافی که بین اعضای پرورشگاه بوجود آمد، بوخن مستعفی شده و بزادگاهش باز گشت. حواریون او می‌گویند:

يك روز بوخن که در جنگل سیاه قدم می‌زد و غرق در افکار و اندیشه‌های گوناگون بود، پس از بررسی وقایع خود را مقصر تشخیص داد و علت رها کردن کار پرورشگاه را (خود خواهی) شخص خودش دانست. لذا همانروز نامه‌ای برای همکارانش فرستاد و طی آن خود را مقصر قلمداد کرده، به عذرخواهی پرداخت. ارسال همین نامه مقدمه افکار و اندیشه‌های بعدی او بود، زیرا بوخن از تفکرات آنروز خود چنین نتیجه گرفت که انسان اول باید خودش را اصلاح کند، سپس به هدایت دیگران پردازد. او بعدها به همکارانش گفت:

«ما دنیا را با اصول امانت، پاکدامنی، محبت و ترك خود خواهی تسخیر می‌کنیم» و برای رسیدن به هدف خود جمعیت تسلیح اخلاقی را بوجود آورد.

مرکز تسلیح اخلاقی در (مونتر) سویس است، و طرفداران این فکر بیشتر در آنجا زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۴۸ - م (۱۳۲۷ - ش) دکتر بوخن که از رؤسای لژ الپینای سویس است، هنگام مسافرت بایران موفق شد که در این کشور نیز فعالیت

۱ - شرح فعالیت و تشکیلات چهارگانه مورد بحث بترتیب تأسیس آنها است.

جمعیت را آغاز کند^۱.

از سال ۱۹۴۹ - م (۱۳۲۸ - ش) به بعد بتدریج عده‌ای از ایرانیها عضو این مؤسسه شدند. در میان افراد این جمعیت - که تعداد صحیح آنها افشا نمی‌شود، بموجب اظهارات حاج ابوالفضل حاذقی^۱ این عده که سرشناس‌تر هستند عضویت دارند:

دکتر رضا زاده شفق - علی اصغر حکمت - دکتر علی اصغر آزاد - دکتر رعدی - دکتر چهارازی - دکتر متین دفتری - دکتر سنگ - دکتر محمود زند - دکتر منصور پورسینا - دکتر محمد شاهکار - حاج محمد نیشابوری - دکتر علیمحمد بنکدارپور - مجید موقر - مصطفی عامری - دکتر مجتهدی - دکتر شهریار - سپهبد نخجوان - سید علی نصر - علی نقی مستوفیان .

در سال ۱۹۵۲ - م (۱۳۳۱ ش) برای اولین بار هیأتی مرکب از ۵۲ نفر از اعضاء تسلیح اخلاقی جهان بایران آمدند، که دکتر بوخمن در رأس آنها قرار داشت. این عده دریکی از باشگاه‌های تهران پذیرائی شدند و فیلمی بنام «جزیره گمشده» را نیز بنمایش گذاشتند.

در سال ۱۹۵۵ - م (۱۳۳۴ - ش) باردیگر ۱۹۴ نفر به ایران آمدند که در تهران مورد پذیرائی قرار گرفتند و درسه شب متوالی پیسی بنام (ناپدید شونده) را نمایش دادند. این عده در تالار ابن سینا نیز سخنرانی‌هایی ایراد کردند.

نخستین بار مجله (امید) سپس مجله (شورش) یا (رنسانس) بزبان فارسی از طرف این گروه در تهران منتشر شد. این مجلات در چاپخانه (روتو ساداگ) ژنو سوئیس - حروفچینی شده، و در چاپخانه (اقتصادیات شرق) کلن - آلمان غربی - در سال ۱۹۶۱ - م (۱۳۳۹ - ش) چاپ شده بود. هر دو مجله را در پنجاه هزار نسخه طبع و مجاناً توزیع کردند.

۱ - ابوالفضل حاذقی چندین بار به نمایندگی مجلس شورای ملی از شهر جهرم انتخاب

ابوالفضل حازقی در گفتگویی با نگارنده ، حاضر نشد دفتر کار و نام اعضای هیئت مدیره (تسلیح اخلاقی ایران) را افشاء کند. او گفت ما مرکزی نداریم، ولی صندوق پستی شماره ۱۴۴۲ مخصوص مکاتبات ماست . بموجب اظهارات او در سال ۱۹۶۲ م (۱۳۴۰ - ش) تسلیح اخلاقی ایران ۷۰۰۰۰ فرانک سویس موجودی داشت . و تنها مجله (شورش) ۴۵ هزار فرانک خرج چاپ و انتشار داشته است . بموجب سندی که او نشان داد ، در سال ۱۳۴۰ - ش (۱۹۶۲ - ۱۹۶۱ م) اشخاصی که زیلا نام آنها خواهد آمد ، مبلغ - ۵۳۲۴ لیره استرلینگ بلاغوض به انجمن ایرانی تسلیح اخلاقی ایران پرداخته اند .

- | | |
|---------------------------|-----------|
| ۱ - کولن انگلیسی | ۴۲۰۰ لیره |
| ۲ - مک کای | ۵۰۰ لیره |
| ۳ - ود | ۱۰۰ لیره |
| ۴ - اسکور | ۵۰ لیره |
| ۵ - سرتیب صمصامی | ۲۰۰ لیره |
| ۶ - مفتخ | ۸۰ لیره |
| ۷ - حازقی | ۸۰ لیره |
| ۸ - کسیکه نامش افشاء نشده | ۹۱ لیره |

بموجب اظهارات حازقی ، تسلیح اخلاقی در تبریز ، شیراز و اصفهان هم شعبی دارد ، ولی وی حاضر نشد دفتر و مراکز و اسامی اعضای این شعبات را فاش کند .

یکی دیگر از جمعیت‌های امریکائی که زیر نفوذ فراوان
 ۲ - روتاری کلوپ فراماسونهای آن کشور قرار دارد ، روتاری کلوپ است .
 مؤسسين این جمعیت که اکثراً از فراماسونهای شیکاگو
 (شیکاگو مرکز بزرگ فراماسونی امریکاست) بودند ، روز سوم فوریه ۱۹۰۵ م -
 (۱۴ بهمن ۱۲۸۳ - ش) این انجمن را در شهر شیکاگوی امریکاتشکیل دادند. مبتکر

فکر تشکیل این انجمن يك و كيل دعاوی امریکائی بنام «پل هادیس» بود. او هنگامیکه کلوپ روتاری را تشکیل داد، شعار آنرا (خدمت بخلق و جامعه، قبل از خدمت به خود) قرار داد و به اعضای مؤسس کلوپ گفت: دومین شعار ما باید این باشد که «کسی بهترین استفاده را از کلوپ ما می‌کند، که بهتر و بیشتر از همه به مردم کمک و خدمت کند» کلوپ روتاری که در سالهای اول تشکیل بزحمت عده اعضایش به هفتاد نفر از صاحبان حرف و صنایع و اصناف مختلف می‌رسید، امروز در ۱۲۳ کشور جهان شعبه و ۵۰۵ هزار نفر عضو از هشتاد صنف مختلف دارد.

در کشورهایی که تعداد اصناف و صاحبان حرف آن زیادتر شده، نسبت به اهمیت وجود اصناف در آن کشورها اعضای روتاری کلوپ آن هم افزایش یافته است. و چنانکه در ایران اصناف قالیباف، کاشی کار، منبت کار و خاتمکار بر ۸۰ صنف دیگر جهان اضافه شده است.

در ایران نیز از پنج سال قبل مقدمات تشکیل جمعیت مزبور **فعالیت در ایران** فراهم شد. در آن سال فقط اعضای مؤسس مشغول فعالیت شدند و اعضای هیأت مدیره را از بین خود انتخاب کردند. تعداد اعضای هیأت مدیره جمعیت طبق اساسنامه بیست نفر است، که در سال ۱۳۳۵ از بین خود دکتر جهان‌شاه صالح را بریاست کلوپ انتخاب کردند. روتاری کلوپ يك رئیس، دو نایب رئیس، يك خزانه‌دار، يك منشی و يك عضو علی‌البدل دارد. علاوه بر این هر شش نفر عضو يك کمیته دارند، که کمیته‌ها کلیه کارهای انجام شده را بدبیر کل جمعیت گزارش می‌دهند.

در تهران کلوپ اول روتاری، هفتاد عضو داشت ولی چون تعداد زیادی در کلوپ نام نویسی کردند، کلوپ دوم و سوم نیز تشکیل شد.

روتاری کلوپ ایران در آبادان، خرمشهر، تبریز، اصفهان و شیراز نیز شعباتی دارد. جمعیت مرکزی روتاری کلوپ هر سال یکبار کنگره‌ای تشکیل می‌دهد که ۳۳۰۰ نفر از اکناف جهان در آن شرکت می‌کنند. فعالیت فراماسونهای امریکا

در این جمعیت فقط در چهار چوب (امور خیریه) است. در حالیکه در سایر کشورها فراماسونها از آن برای پیش بردن مقاصد بین‌المللی و شخصی خود استفاده سیاسی می‌کنند. روتاری کلوپ مثل سایر جمعیت‌های امریکائی فقط در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی شعبه ندارد. نشریه‌ای که در سال ۴۴ - ۱۳۴۳ - از طرف روتاری کلوپ ایران منتشر شد، رؤسای کلوپ را در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ باین شرح معرفی کرده است :

۱۹۵۶ - ۵۸	دکتر جهان‌شاه صالح
۱۹۵۸ - ۵۹	عباس مسعودی
۱۹۶۱ - ۶۲	عباسقلی نیساری
۱۹۶۳ - ۶۲	فریدون ورجاوند
۱۹۶۳ - ۶۴	جهان‌شاه صالح
۱۹۶۴ - ۶۵	محمود ضیائی

از بین اعضای روتاری کلوپ، آنها که تا کنون هویتشان در لژهای مختلف فراماسونری ایران شناخته شده عبارتند از :

عیسی بهزادی - کریستوفر فری - دکتر اسماعیل فیلسوفی - مهندس فروهر فیروز - حسینعلی حکمت - دکتر احمد هومن - دکتر علی اصغر خشایار - علی کوچکعلی - دکتر عباس معتمدی - دکتر حسین رحمتیان - ژرژ اوانسف - مهندس عبدالله والا - دکتر طاهر ضیائی - دکتر خلیل ضیائی - دکتر عبدالحسین راجی - مهندس خلیل طالقانی - محمد حسین فرخ پارس - مهندس رضا رزم‌آرا - اوانس اوانسوف - صالح چتایات - ادوارد چتایات .

رئیس روتاری کلوپ شمال تهران مهندس رزم‌آراء و نایب رئیس آن دکتر عبدالحسین راجی است و بدینترتیب دو پست مهم این سازمان در اختیار فراماسونهاست .

تشکیلات (برادری جهانی^۱) یکی دیگر از سازمانهای تعاونی

۳ - جمعیت برادری جهانی است که در آن کلیه افراد بشر بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، زبان، مذهب و نژاد حق عضویت دارند. این سازمان جهانی که در سال ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) در کاخ یونسکو تشکیل شد بر اساس هدفهای (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) امریکاپایه گذاری شده است. گرچه در تشکیل سازمان برادری جهانی، فراماسونهای امریکائی، ویانگلیسی نقش اصلی را داشتند. ولی وجود دکتر کلینچی^۲ رئیس عالییه (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) در رأس هیأت امریکائی و آزاد بودن فراماسونها و اعضای همه جمعیتهای وابسته آشکار و پنهان جهان در این تشکیلات جهانی، این حدس و گمان را تقویت کرده و این شبه را بوجود می آورد که در اداره سازمان تعاونی (برادری جهانی) نیز فراماسونها مقام اول را دارند. بخصوص که دکتر کلینچی از سرشناس ترین رهبران ماسونی و «گراند ماستر» فراماسونهای امریکا و یکی از برجستگان تشکیلات ماسونی ایالات متحده بشمار می رود.

علاوه بر این دلایل، حتی جملات و کلماتی که ماسونها در قانون اساسی، نظامنامه ها، سخنرانیها و تشریفات خود بکار می برند، عیناً در اساسنامه سازمان برادری جهانی نیز بکار برده شده است.

از همه مهمتر بکار بردن عنوان و کلمه (برادر) در نام اصلی سازمان است. به طوری که می دانیم فراماسونها یکدیگر را (برادر) خطاب می کنند و هدف آنها تشکیل حکومت (فراماسونی جهانی) یا بهتر بگوئیم (برادری جهانی) است.

در اساسنامه سازمان (برادری جهانی) نیز هدفهایی نظیر آنچه که فراماسونها دارند مطرح و عنوان شده است با این تفاوت که در سازمان برادری جهانی هر کس با هر نوع ملیت، رنگ پوست و نژاد و زبان که داشته باشد، می تواند شرکت کند.

در حالی که در سازمانهای فراماسونی فقط کسانی که چشم و گوش بسته خود را در اختیار لژها بگذارند، حق ورود دارند. چنانکه اشاره شد، افکار و ایده جمعیت از هدف‌های (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) امریکا سرچشمه گرفته است. این جمعیت در سال ۱۹۲۸ - م (۱۳۰۷ - ش یا ۱۳۴۶ - ق) در شهر نیویورک و بوسیله (چارلز ایونز هیوز) رئیس دیوان عالی کشور امریکا بوجود آمد. (هیوز) که تا سال ۱۹۲۸ از فراماسونهای فعال امریکا بود، کلیه کوششها و فداکاریهای خود را برای مبارزه با سازمان (کوکلوکس کلان) های امریکا بکاربرد. جمعیت تروریستی و طرفدار تبعیض نژادی مزبور از اوایل قرن بیستم بوجود آمده است. آنها آنچه توانستند، از سیاه پوستان و کسانی را که مخالفشان بودند کشتند و هنوز هم به فعالیتهای تروریستی و نژادی خود ادامه می‌دهند.

چالز هیوز، چون در ضمن صدور احکام، متوجه شد که از راه قانون کاری از پیش نمی‌برد، در صدد برآمد با تشکیل انجمنی از مسیحیان و کلیمیان، با این سازمان تروریستی مبارزه کند. او مواد اساسنامه انجمن خود را بر روی کلمات (آزادی، برادری، دوستی، حسن تفاهم، اشتراک مساعی، رفع تبعیضات نژادی و مذهبی و برادری افراد بشر با یکدیگر) استوار کرد.

این فراماسون مؤمن و رازدار بدون اینکه تا دم مرگ انگیزه و علل واقعی تشکیل جامعه مزبور را بیان کند، از راه گفتگوی مستقیم با اعضای جمعیت تروریستی (کوکلوکس کلان) موفق شد، عده کثیری از آنها را از جمعیت مذکور مستعفی و یا با خود هم عقیده و همدست کند. بزودی شعبات این انجمن در سرتاسر امریکا تشکیل شد. به طوریکه در ده سال اول حتی در دهات هم شعبه - انجمن مزبور دایر بود.

در ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) یا (۱۳۶۹ - ق) که جنگ کره، بار دیگر جهان را تهدید به يك جنگ بین‌المللی جدید می‌کرد، دکتر (کلینچی) و پرفسور

(کامپتون)^۱ که اولی ریاست عالیہ انجمن ملی یهودیان و مسیحیان را داشت و دومی بزرگترین فیزیک دان امریکائی بود در کنگره نمایندگان جهان، در عمارت یونسکو، تقاضای تشکیل سازمان (برادری جهانی) را کردند و این سازمان بوجود آمد.

جمعیت برادری جهانی بزودی بسط یافته، شعباتی در مناطق پنجگانه زیر تأسیس کرد:

۱ - سرتاسر امریکا - مرکز نیویورک

۲ - کلیه کشورهای اروپائی - مرکز ژنو

۳ - کشورهای خاور میانه و خاور نزدیک - مرکز تهران

۴ - منطقه خاور دور - مرکز مانیل

۵ - جنوب و جنوب شرقی آسیا - مرکز هنگ کنگ

در سال ۱۳۳۷ - ش (۱۹۵۸ - م) دکتر کلینچی و پروفیسور کامپتون از امریکا بایران آمدند، و مرکز سازمان برادری جهانی را در خاور میانه و خاور نزدیک در تهران تشکیل دادند.

ریاست جمعیت با حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی بود و شجاع الدین شفا و سلیمان شاملو بعنوان دبیر کل و مدیر عامل جمعیت انتخاب شدند.

علاوه بر این: دکتر فرهاد، فروزانفر، دکتر محمود مهران، جمشید

۱ - پرفیسور کامپتون Compton متخصص اتمی امریکا که در تهیه بمبهای اتمی هیروشیما و ناگازاکی شرکت داشت، پس از انفجار بمب مزبور و تلفاتی که به مردم بیگناه و بی پناه این دو شهر وارد شد، چون خود را در این فاجعه شریک و سهیم می‌دانست، نه تنها از کار تهیه بمب اتمی بلکه به طور کلی از مطالعات فیزیکی دست شست. تلافی برای جبران این گناه و شستن لکه‌ای که - به عقیده خود وی - فاجعه هیروشیما و ناگازاکی، برگزیده‌اش نهاده بود، باعث شد که وی ابتدا به جمعیت (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) پیوسته و سپس وارد جمعیت (برادری جهانی) شود. پروفیسور (کامپتون) در ماه مارس ۱۹۶۲ (فروردین ۱۳۴۲ - ش) بدرود حیات گفت.

آموزگار ، دکتر محمود اعتمادیان ، دکتر حسین بنائی ، محمد یزدانفر ، پرویز خوانساری ، فتح اله معتمدی ، جعفر بهانیان و خانم صیفه فیروز - برای ریاست و عضویت کمیسیونهای مختلف جمعیت انتخاب شدند .

بطوریکه یکی از مطلعین جمعیت برادری جهانی اظهار می داشت ، کمیته اجراییه سازمان برادری جهانی در ایران عملیات و اقدامات زیر را انجام داده است :

- ۱ - حذف مطالب زننده علیه مذهب اهل تسنن از کتب درسی فارسی
 - ۲ - تدریس فقه تسنن و ایجاد کرسی مذهب تسنن در دانشکده معقول و منقول .
 - ۳ - تشکیل جلسات شورای عالی مرکب از رؤسای مذاهب مختلف .
- (باشگاه لاینز) یکی دیگر از مؤسسات خیریه امریکاست که فراماسونها در آن نفوذ دارند .

باشگاه لاینز را (ملوین جونز)^۱ که یکی از فراماسونهای

۴- باشگاه لاینز متنفذ شهر شیکاگو بود ، در روز هفتم ژوئن ۱۹۱۷ - م (۱۵ خرداد ۱۲۹۶ - ش) در شهر شیکاگو تشکیل داد .

اولین کنگره این مجمع در روزهای ۸ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۱۷ - م (۱۶ تا ۱۸ خرداد ۱۲۹۶ - ش) در شهر (دالاس) ایالت تگزاس تشکیل شد . این اتحادیه ابتدا تحت عنوان «خدمت بن خود» شروع بکار کرد و منظور مؤسس آن کمک و همکاری به بازرگانان بود ، ولی در آن کنگره ناگهان شعار باشگاه عوض شده و شعار «خدمت بدیگران» و «از خودگذشتگی در خدمت اجتماع» جای شعار پیشین یعنی «خدمت بن خود» را گرفت .

تا اواخر جنگ جهانی دوم ، توسعه سازمان لاینز در جهان بسیار کند بود ، بطوریکه در سال ۱۹۳۷ - م (۱۳۱۶ - ش) در ۲۱ واحد جغرافیائی جهان فقط ۶۱۱۷ باشگاه و ۳۲۶۴۴۸ عضو داشت ، ولی از ۱۹۴۷ - م (۱۳۲۶ - ش) ناگهان فعالیت این

سارمان در جهان افزایش یافت ، بطوریکه در ۱۹۶۱ - م (۱۳۴۰ - ش) در ۱۱۴ واحد جغرافیائی دارای ۱۶۰۹۰ باشگاه و ۶۴۴۲۶۳ عضو بود .

توسعه و تشکیل لاینز در ایران از روز ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ - ش (۱۹۵۷ - م) آغاز شد . در آنروز شفیق منصور ، نماینده سیار لاینز بین‌المللی که متأسفانه موفق بکشف هویت کامل و مشخصات او نشدیم سی نفر از ساکنان تهران را دعوت کرد که بنای اولیه این مؤسسه را در ایران پی ریزی کنند . سی نفر دعوت شده عبارت بودند از :

بوذری - دکتر اسماعیل اردلان - هر مزارش - کاظم اشرفی - مهندس منصور امامی - دکتر صادق آهی - دکتر منصور پور سینا - علی تاج بخش - حسن تراب - میشل جمایل - احمد حریری - ادموند حکیم - حبیب‌اله دیهیم - مهندس معزالدین ذوالفقاری - دکتر عزیز رفیعی - اسماعیل شریفی - محمود شکوه - طاهباز - حسین علاء - دکتر علی نقی فسا - حسن فصیحی - دکتر محمد کاظمی - وانگ گرنی - ارباب گیو - عبدالحسین مثقالی - دکتر ویلهلم مقدم - دکتر حسن مهدوی - تقی یزدی - مهدی یزدی .

باشگاه لاینز در تقسیمات خود کشور ایران را منطقه ۳۵۴ نامید ، و در مدت دو سال ۵۷ باشگاه در ۵۰ شهر با ۱۷۵۳ عضو مرد دایر شد .^۱

اعضای باشگاه‌های این مؤسسه در تهران ، در روزهای پنجشنبه اول و سوم هر ماه ، در یکی از هتل‌های تهران اجتماع می‌کنند و با هم ناهار می‌خورند . از کارهای مهم این مؤسسه در ایران ، توزیع عصای سفیدین نابینایان و تقسیم مقداری لباس بین محصلین بی بضاعت مدارس در ایام نوروز است .

هیچ دلیل و مدرکی در دست نیست که فراماسونهای ایران باشگاه‌های لاینز را اداره کنند . ولی چون چند فراماسون صاحب مقام و سرشناس و همچنین عده‌ای از فراماسونهای امریکائی ، آسیائی و افریقائی در باشگاه‌های لاینز جهان فعالیت

می‌کنند، این فکر را بوجود می‌آورد که لاینزیک مؤسسه مقدماتی برای فراماسونهای ایران است. در این باشگاه لژهای فراماسونی ایران سعی می‌کنند، اشخاصی را که مورد نظرشان هستند زیر نظر گرفته، پس از طی مراحل آزمایش، به عضویت لژها در آورند. و در حقیقت این سازمان را به آزمایشگاهی برای انتخاب و آماده ساختن افراد و سرانجام جلب آنها به لژهای فراماسونی مبدل کرده‌اند. مؤسس لاینز در ایران یکی از فراماسونهای معروف خاورمیانه است که اکنون به معرفی او از قول یکی از مردان شریف و صحیح‌العمل می‌پردازیم.

الله پاشا خان صالح استاد دانشگاه که سالها در سفارت امریکا مقام مترجمی و مشاوره داشت، اظهار می‌داشت، دومین روزی که شفیق منصور اهل لبنان و نماینده سیار لاینز بین‌المللی به تهران آمد، در دفتر کارم با من ملاقات کرد. او نامه یکی از دوستانم را بمن داد و تقاضا کرد در تشکیل شعبه لاینز در ایران پیشقدم شده و مدیریت و مسئولیت اداره آنرا قبول کنم. چون دوستم از مردم خیر و نیکنام بود و در بشر دوستی او شك نداشتم، از شفیق منصور خواهش کردم تا در باره آئین نامه، مرامنامه و چگونگی فعالیت این سازمان اطلاعاتی در اختیارم بگذارد. در حالیکه شفیق منصور مشغول صحبت بود همکارم «کوروش شهباز» وارد اطاق کارم شد. نامه دوستم را به او داده و در باره پیشنهادی که شده بود توضیحاتی به شهباز دادم. همینکه او شروع به صحبت با شفیق منصور کرد، بدون مقدمه بوی گفت که شما استاد لژ فراماسونری لبنان هستید و فلان مقام را هم دارید. من از شنیدن عنوان (فراماسون) بو حشت افتاده از منصور شفیق خواستم حقیقت موضوع را بگوید.

او ضمن تأیید و تصدیق گفته همکارم شهباز، گفت: باشگاه لاینز لبنان را فراماسونها تشکیل داده‌اند و در اینجا هم تصمیم داریم که لااقل اعضای هیئت مدیره از فراماسونها باشند.

بلافاصله به وی پیشنهاد کردم که مدارک و نامه ارسالی را برداشته، از اطاقم

بیرون برود. او نمی‌دانست چرا من تا بدین حد از فراماسونری وحشت دارم و مرتباً در این باره توضیح می‌خواست. وقتی اصرار مرا در خروج خود از اطاق دید، تقاضا کرد لااقل یکنفر مطلع و متنفذ را باو معرفی کنم. منم، حسین علاء وزیر دربار را به او معرفی کردم و گفتم عین ماجرا را به ایشان بگوئید و یقیناً علاء در این باره بشما کمک و مساعدت خواهد کرد. وقتی شفیق از اطاق خارج شد، از همکارم کورش شهباز پرسیدم که چطور او را شناخته است؟ و او پاسخ داد: از علامتی که با انگشتان دستش در موقع ورود داد و همچنین انگشتی که در دست داشت. و سپس به ملاقات حسین علاء که در امریکا فراماسون شده بود می‌رود و نخستین باشگاه لاینز را در ایران تشکیل می‌دهد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، فراماسونهای امریکائی در

فراماسونهای امریکائی، و سایر انجمنهای خیریه درجه اول از این مؤسسات جهانی برای پیشرفت امور خیریه در داخل امریکا استفاده می‌کنند. بیش از چهار میلیون دلار در سال به ۲۵ مرکز مبارزه با جذام کمک می‌شود و هزینه نگهداری ۳۵۰ هزار کودک بی‌سرپرست را در سراسر جهان می‌پردازند.

ضمناً انجمنهای متعددی نیز برای کمک به کوران، افلیج‌ها و معلولین تشکیل داده‌اند. و همچنین مراکز متعددی برای مبارزه با سرطان، تب رماتیسم و بیماریهای دیگر در امریکا وجود دارد، که با بودجه شعبات مختلف فراماسونری امریکا اداره می‌شود.

در جنگهای اول و دوم جهانی، فراماسونهای امریکا به مجروحین جنگ کمک می‌کردند. علاوه بر جمعیت‌های فوق فراماسونها در امریکا ده باشگاه بزرگ دیگر را اداره می‌کنند که در زیر مشخصات مختصر آنها ذکر می‌شود:

نام باشگاه	تاریخ تاسیس	تعداد شعبات	تعداد اعضا
۱- باشگاه کی وانز Kiwans	۱۹۱۵	۴۶۲۵	۲۵۵۸۰۳ عضو
۲- اکس چینج Exchange	۱۹۱۱	۱۴۰۰	۸۰۴۰۰
۳- اپتی میسیت Optimisit	۱۹۱۹	۱۷۳۵	۶۸۵۰۰
۴- سیویتان Civitan	۱۹۲۰	۸۳۲	۲۸۹۴۷
۵- روریتان Ruritan	۱۹۳۰	۷۶۶	۲۵۸۶۶
۶- سرتوما Sertoma	۱۹۱۲	۳۱۶	۱۴۸۱۴
۷- بیستوسه Twenty - thirty	۱۹۲۲	۳۲۱	۷۳۵۰
۸- ژیرو Gyro	۱۹۱۲	۱۲۴	۵۵۴۹
۹- کاسموپلیتن Cosmopolitan	۱۹۳۳	۸۰	۴۰۳۶
۱۰- روند ٹیبل Roundtable	۱۹۲۲	۴۴	۱۷۲۵



فصل سی ام



انجمن اخوت

علیخان ظهیرالدوله داماد ناصرالدین شاه، که خود و پدر و جدش از درباریان معروف قاجاریه بودند، یکی دیگر از ایرانیانی است که برای تشکیل سازمان (فراماسونری) در قرن چهاردهم اقدام کرد.

ظهیرالدوله که در سازمان‌های فراموشخانه و مجمع آدمیت ملکم و لژ بیداری ایران شرکت داشت، از چگونگی شکست و عللی که باعث عدم موفقیت میرزا ملکم خان بود، اطلاع پیدا کرد، و برای این که اشتباهات ملکم را جبران کرده باشد، اساس سازمان فراماسونری خود را بر روی عقاید و آراء صاحبان افکار (اخوان‌الصفاء) و (صوفیان) بنیان نهاد و تحت عنوان (انجمن اخوت) فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. محمود عرفان در این باره چنین می‌نویسد:

«گفتیم دو نفر از رجال دولتی به فکر افتادند شبیه انجمن فراماسونهای اروپا در ایران انجمنی ترتیب دهند. یکنفر دیگر علیخان ظهیرالدوله (قاجار) است که خود و پدر و جدش از درباریان معروف بودند و همین ظهیرالدوله است که (ملکه ایران) دختر ناصرالدین‌شاه را به زنی داشت و چون دیده بود که میرزا ملکم خان چگونه در انجام مقصود کامیاب نشد و چه مواردی بود که باعث پیشرفت بدخواهان او گردید و چه گفتگوهای سبب مشوش شدن ذهن شاه یا شورش عامه، معمولاً در ایران می‌شود. با تدبیر و کاردانی مقصود خود را آغاز کرد.»

در اول کار از مظفرالدینشاه فرمانی گرفت که اجازه داشته باشد، انجمنی به نام (انجمن اخوت) در تهران تأسیس کند... ظهیرالدوله که مردی روشنفکر، اصلاح طلب و خواهان تجدد و مساوات بود، سعی داشت افکار طبقه‌ای از حکمای ایرانی قرن چهارم (اخوان‌الصفا) و افکار و عقاید (صوفیان) را با هم درآمیخته و با وارد کردن فراماسونهای ایرانی در انجمن اخوت پایه نوینی برای توسعه فراماسونری بریزد...^۱

حکمای اخوان‌الصفا سعی داشتند حکمت یونانی و دین
اخوان‌الصفا اسلام را با هم درآمیزند و از آن نتیجه بهتری بنفع مردم
 بگیرند. در قرن چهارم، این دسته از حکمای ایرانی برای
 نشر علوم عقلی و نزدیک کردن دین و حکمت بایکدیگر و مطلع ساختن عامه از مبانی
 حکمت نظری و علمی رسالات مختصر و ساده‌ای، بی آنکه نام مؤلف آن آشکار باشد،
 می‌نوشتند و انتشار می‌داند. غالب محققان تصور کرده‌اند که اینان دسته‌ای از شعب
 شیعه و با احتمال قوی از فرقه اسماعیلیه‌اند. لیکن تعلق ایندسته به یک فرقه خاص
 محقق نیست. و تنها این نکته مسلم است که جماعت مذکور برای توجیه معتقدات
 دینی مسلمین سعی می‌کردند، اعتقادات آنها را با اقوال حکما منطبق کنند. آنان
 برای اثبات برخی از مسائل مذهبی، به روش‌های فلسفی متوسل می‌شدند، و برای
 تزکیه باطن و صعود بمدارج کمال علاوه بر توسل به فلسفه، معتقد تمسک بدین
 نیز بوده و از پاره‌ای جهات بمتکلمین معتزله و اسمعیله شباهت داشته‌اند. با این
 تفاوت که این دو دسته اخیر می‌کوشیده‌اند که دین را با فلسفه وفق دهند، و با
 در توجیه اصول عقاید خود با استفاده از عقاید حکمای یونان سخن گویند. و
 حال آنکه اخوان‌الصفا - سعی داشتند اصول حکمت و فلسفه را با مبانی دین
 اسلام سازش دهند و فاصله‌ای را که میان حکما و اهل دین پدید آمده بود از میان

بر دارند.^۱

اینان معتقد بودند که به یاری علم و اعتقاد به دین، می‌توان به تصفیه باطن نائل شد و به مرحله‌ئی از کمال که غایت شرایع و ادیانست رسید و حقایق آنها را بهتر فهمید. و بر اثر اعتقاد به مبانی دین اسلام و اصول و عقاید افلاطونیان و فیثاغوریان جدید و صوفیه با فلاسفه مادی اختلاف نظر داشتند و اقوال آنانرا رد می‌کردند، و برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفت اهل دین و فلسفه بیشتر در عقاید خود موفق شوند، رسالاتی بی ذکر نام مؤلف می‌نوشتند.

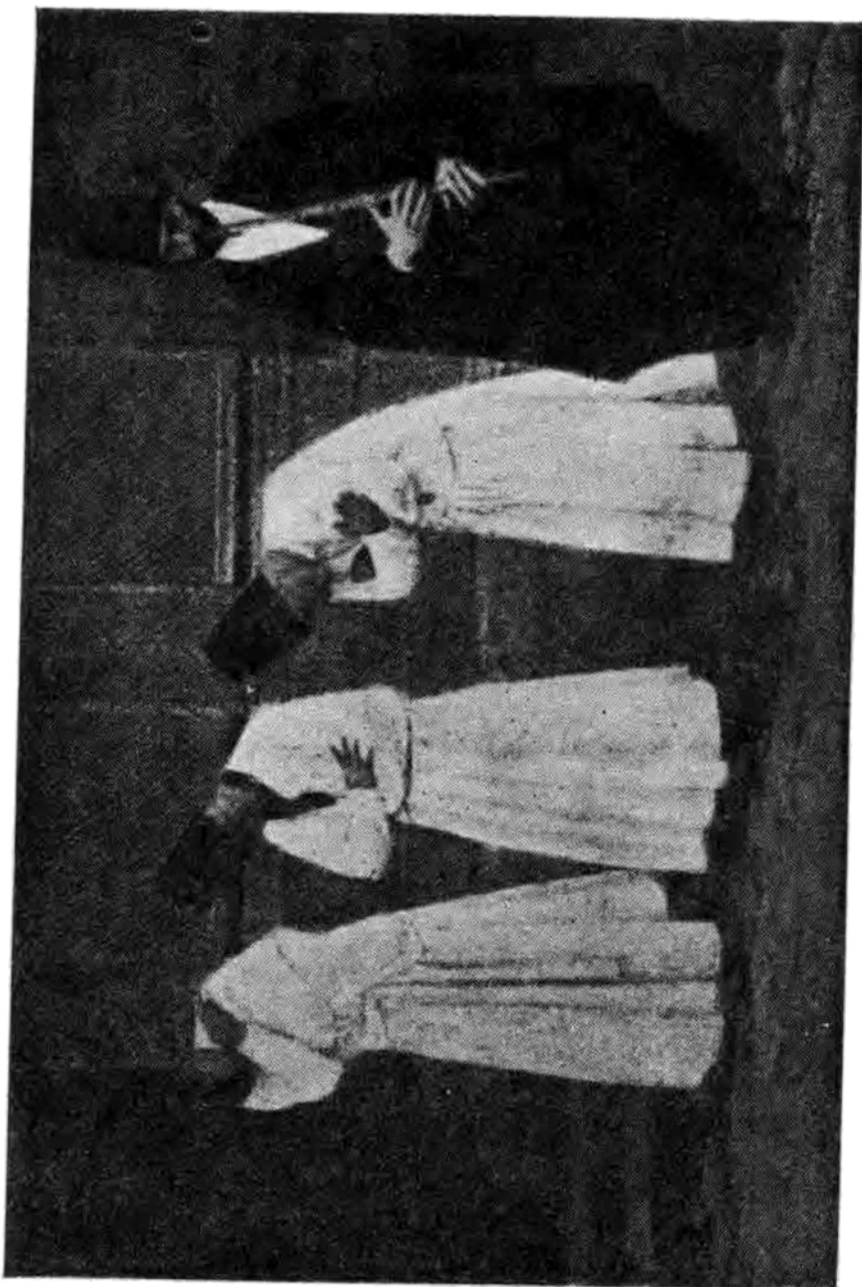
علاوه بر رسائل و کتب بدون نام نویسندگان، که اخوان‌الصفا منتشر می‌کردند، برای تعلیم پیروان این گروه، در شهرهای مختلف مجالس خاصی وجود داشت که مواقع معین در آنها گرد می‌آمدند و کسی جز آنان در این مجالس حاضر نمی‌شد. آنان در این محافل علوم خود را مورد مذاکره قرار می‌دادند و اسرار خویش را در معرض محاوره و بحث می‌گذاشتند.

در این مباحث بغالب علوم، خاصه علوم الهی که نظر اصلی، اخوان بود، توجه می‌شد و شرط عمده کار ایشان آن بود که نسبت به هیچیک از علوم دشمنی نکنند و هیچ کتابی را به چشم بی‌اعتنائی ننگرند و نسبت به هیچیک از مذاهب تعصب نورزند.

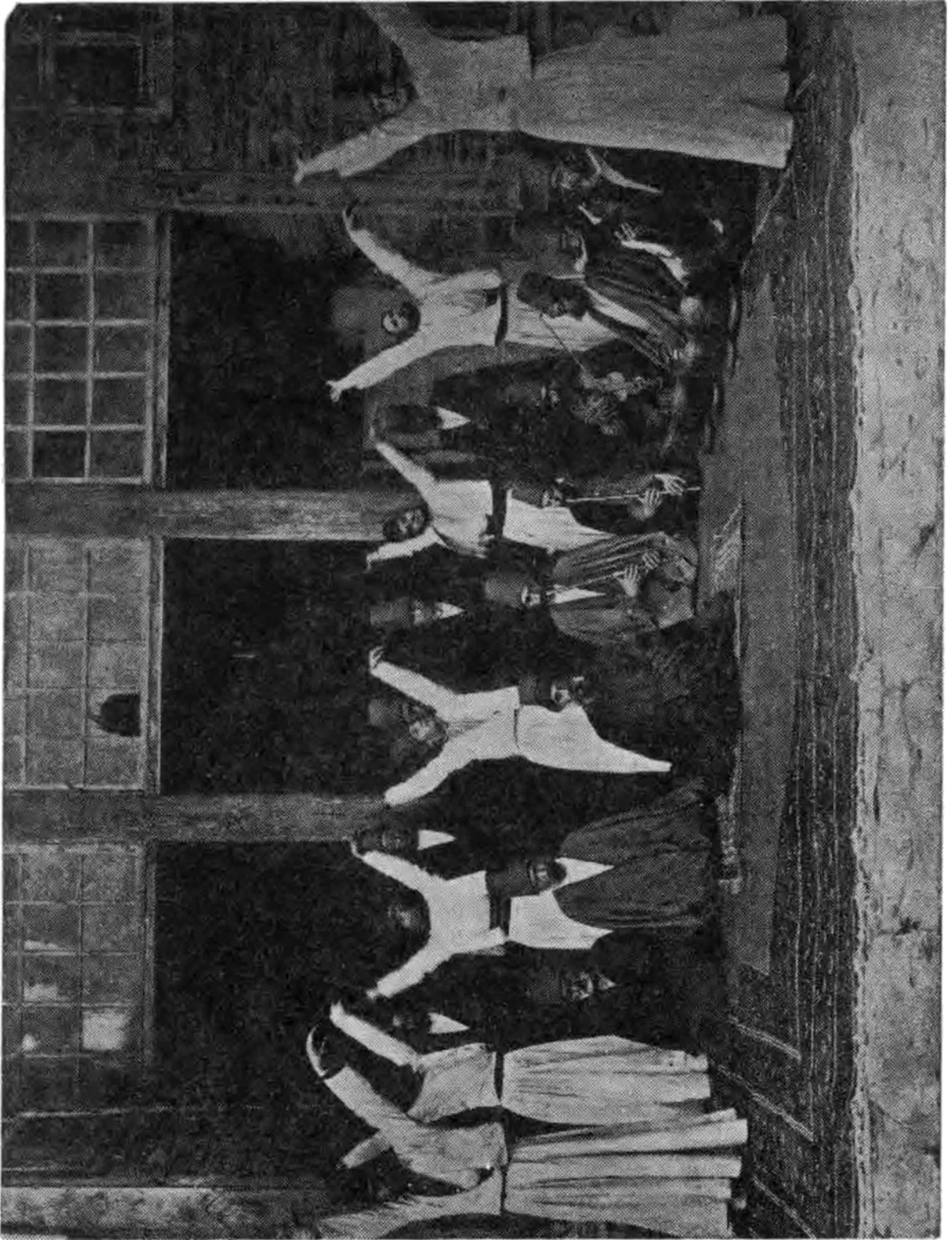
هنگامی که یکی از اخوان می‌خواست دوستی انتخاب و او را وارد در جرگه اخوان‌الصفا کند، قبلاً می‌بایست در احوال او دقت نماید و در باره او اطلاعات و معلومات کامل بدست آورد و اخلاق و روحیات او را آزمایش کند و مذهب و اعتقاد او را بشناسد تا بداند که سزاوار دوستی و برادری و ورود در جرگه اخوان هست یا نه؟

پس از اینکه از تازه وارد اطلاعات کامل بدست می‌آمد و آزمایشات لازمه می‌شد، دوستان و معرفین و اعضای اخوان‌الصفا موظف بودند به هیچ روی از او

رقص دراویش



دراویش مولوی هنگام دور زدن و سلام



الات موسیقی مولوی که با آنها مقام ها و نواهای ایران را می‌زنند و می‌خوانند شش قسمت است :
 نای - سه‌تار - کمانچه - طبل - صنج - کوچ و دف

دست باز ندارند و از بنل مال و جان درباره او خودداری نکنند.^۱ مرحوم ظهیر-الدوله سعی داشت، کلیه دستورات (اخوان الصفاء) را اجرا کند و به طوری که بعداً خواهد آمد، هدف و افکار و مرام (انجمن اخوت) شبیه (اخوان الصفاء) بود.

برای اطلاع از انگیزه و چگونگی تشکیل (انجمن اخوت)

چگونه و چرا و ادامه دادن راهی که میرزا ملکم خان و سید جمال الدین

انجمن اخوت بخاطر توسعه سازمانهای فراماسونری ایران در پیش گرفته

تشکیل شد ؟ بودند، بهترین دلیل و مدرک سخنرانی دکتر اسماعیل مرزبان

(امین الملک) رئیس هیئت مشاوره انجمن اخوت در جشن

پنجاهمین سال تأسیس انجمن مزبور است.^۲ او در آن شب درباره تشکیل انجمن

اخوت چنین گفت :

« ... می خواهم ابتدا اوضاع و احوال محیطی را که در آن محیط ، انجمن

اخوت ابتدا بطور سری و سپس بطور علنی بوجود آمده است ، برای آقایان تشریح

کنم ، تا از علل و موجباتی که باعث طلوع فکر تأسیس این انجمن گردیده است اطلاع

حاصل نمایند .

همه آقایان از وضع دربار استبدادی آن زمان کم و بیش اطلاع دارند و می دانند

که در آن عصر تاچه حد اصول بیداد و ستمگری بوسیله درباریان و عمال حکومت

۱ - نویسنده کتاب تاریخ ادبیات در ایران می نویسد: «... اخوان چون نفس واحد در

اجسام متعدد باشند و در حفظ و مراعات کار و اداء حقوق او بکوشند و چون احسانی درباره

صدیق خود کرد ، منتی از این باب بر او نهد و چون بدی از وی دید ، نرمد و او را بر

جمیع نزدیکان و دوستان همسایگان برتری نهد ، چه چنین دوستی از پسر و برادر بهتر است ...

از کسانی که از کودکی باره فاسد و عادات پست و اخلاق نا مانوس عادت کردند دوری

جویند و کسانی از اخوان که از مال با علم برخوردارند باید برادران را از آنها برخوردار

دارند و در دوستی و صداقت از اسباب صرف نظر کنند و در طلب دین و دنیا با اخوان یاوری

نمایند .. »

۲ - جشن پنجاهمین سالروز تأسیس انجمن اخوت روز دوم تیرماه ۱۳۲۷ شمسی

(۱۵ شعبان ۱۳۶۷ قمری) در محل انجمن واقع در خیابان فردوسی برگزار شد .

آنروز نسبت بمردم ایران اعمال می‌گردید و همچنین آقاییان اطلاع دارند که ناصرالدین شاه برای دیدن کشورهای غربی مسافرتی باروپا نمود.

دربازگشت از فرنگ نعماتی که محرك بیداری تهییج روح آزادیخواهی در افراد ایرانی بود گوش شاهرا متأثر نمود. میرزا ملکم خان از يك طرف در لندن رسالتهای بمنظور بیدار کردن اذهان افراد ایرانی چاپ نموده، محرمانه بایران می‌فرستاد که در اینجا بین افراد آزادیخواه دست بدست می‌چرخید، از طرف دیگر مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی و تابعین او مشغول جمع آوری پیروانی بودند که بوسیله آنها بتوانند برای بیداری ملت تبلیغات بهتر و وسیعتری بنمایند. این قضایا هر چند سری بود، ولی درباریان وقت جریان را حس کرده، مصمم گردیدند باشدت عمل از این تبلیغات که ارکان سلطنت استبدادی را ملاً متزلزل می‌ساخت، جلوگیری نمایند و بالاخره هر نغمه‌ای را بیک شکل خاموش کردند. ضمناً (کنت دومونت فورت) را برای ریاست پلیس از ایتالیا خواستند که بیشتر باوضاع تسلط داشته و آنها را بطوری تحت قید و فشار قرار دهند که کسی فرصت تفکر و تعقل برای استشمام رایحه آزادی نداشته باشد.

مضيقه و قید مردم بحدی رسید که هیچکس از ترس اینکه مبدا بتشکیل مجامع متهم شود، جرأت نداشت حتی از دوستان و بستگانش در منزل خود دعوت نماید و اغلب دیده می‌شد که هر کاسب یا تاجری که شب از آشنایان خود دعوت می‌کرد، کدخدا و داروغه محل شبانه بمنزل او ورود نموده، مزاحمت فراهم می‌کردند.

قضایای گرفتاریهاییکه برای فرق مذهبی و غیره در زمان سلطنت ناصرالدینشاه رخ می‌داد، اغلب از این بابت بود که اصولاً در بار وقت باهر جمعیت و اجتماعی مخالف بود...^۱.

این نطق که پنجاه سال پس از تشکیل انجمن اخوت ایراد شده است، يك نکته را روشن می‌کند و آن اینکه برنامه کار انجمن مزبور ادامه دادن راه و

دنباله روی از اقدامات ملکم خان، سید جمال‌الدین و سایر انجمنهای سری بوده و فراماسونهای که در (فرانسه) و (انگلیس) عضویت لژها درآمده بودند، محرک اصلی در ایجاد آن بشمار می‌آمدند. و ناگفته نماند که وجود این نوع انجمنها و مجامع سری، در پروراندن ریشه‌های نهال انقلاب مشروطیت ایران نقش مهمی را ایفا می‌کردند.

در چنین محیط و زمانی، مرحوم میرزا حسن صفیعلیشاه **صفیعلیشاه و انجمن اخوت** که برای زیارت خانه خدا به مکه معظمه سفر کرده و از آنجا به هند رفته بود، به تهران آمد... و اینک برای آگاهی از زندگی مرحوم صفیعلیشاه و نقش او در انجمن اخوت کمی به گذشته بر می‌گردیم:

مرحوم صفی‌علیشاه روز سوم شعبان ۱۲۵۱ هجری در اصفهان متولد شد. پدرش تاجر بود و پس از تولد صفی‌علیشاه از اصفهان به یزد رفته، در آنجا مسکن گزید. صفی‌علیشاه بیست سال در یزد بود و تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در این شهر فرا گرفت. آنگاه طی سفرهای خود بسر زمینهای مختلف شرق، با اصول آئین صوفیه آشنا شد. خود وی در شرح حال خویش چنین می‌نویسد:

«... از طرف هندوستان به حجاز رفتم. اغلب از مشایخ ایران و هند و روم را ملاقات کردم. از بعضی قلیل مستفیض شدم و قداعد فقر و سلوک را که اخذش منحصر به خدمت و قبول ارادتست به اتصال سلسله که شرح آنهم مبسوط است، بدست آوردم. در هندوستان به تألیف (زبدۃ السرار) نظماً که در اسرار شهادت و تطبیق با سلوک اله است موفق شدم. به عزم ارض اقدس رضوی از راه عتبات عالیات به شیراز و یزد مراجعت کردم و به تهران آمدم. چون سکنای دارالخلافت از برای هر کس - به خصوص امثال ما جماعت - از سایر بلاد امن‌تر است...»^۱

صفی‌علیشاه پس از ورود به تهران، به عنوان یکی از اقطاب صوفیه بارشاد

میریدان و پیروان این آئین پرداخت . به طوری که نوشته اند : «بر حسب وظیفه ارشادی که داشتند ، شروع به دستگیری از مردم نموده و در این اقدام منتهای احتیاط و متانت را مرعی می فرمودند ، چنانکه طوری به تربیت و بیداری مردم پرداختند که طرز عملشان به هیچوجه مورد ایراد درباریان استبداد و عمال حکومت آن روز نگردید و در نتیجه جمع کثیری از اهالی به ایشان گرویدند^۱ .

صفیعلیشاه هنگامی که ، در اویش و فقرا را به فقر مشرف می کرد و آنان را توبه می داد ، شش تعهد به شرح زیر از آنها می گرفت :

- ۱ - تعظیم امر الله .
- ۲ - خدمت بولی الله .
- ۳ - کتمان سر الله .
- ۴ - محبت اهل الله .
- ۵ - شفقت خلق الله .
- ۶ - بذل نفس فی سبیل الله .

دقتی که هم اکنون موجود است ، تعداد (فقرای) تهران را از روزیکه وی شروع به ترویج آئین درویشی کرد ، تا سال وفات مرحوم ظهیرالدوله سی هزار نفر را معرفی می کند^۲ .

عده کثیری از صاحبان مشاغل و اشخاص برجسته اواخر دوران سلطنت و حیات ناصرالدین شاه به مرحوم صفی گرویدند . در بین آنها میرزا نصراله خان دبیرالملك که بعدها قانون اساسی فراماسونری (اندرسن) را ترجمه کرد - شاهزاده سیفالدوله - برادر عینالدوله - میرزا محمود کرمانی که از بزرگان عرفان کرمان بود - و علیخان ظهیرالدوله ، بیش از سایرین با وی معاشرت داشتند . بنا به اظهار امینالملك مرزبان همین چند نفری که اسم برده شد «جلساتی

۱ - یادگار جشن پنجاه ساله مر ۱۳ .

۲ - یادداشت های خطی خان ملك ساسانی که خود از درویش صفیعلیشاهی بود .

به طور سری خدمت مرحوم صفی تشکیل داده و تحت ارشاد ورهبری ایشان، هسته مرکزی انجمن اخوت را تشکیل دادند، و همانطور که عرض کردم، در آن موقع به اقتضای زمان، جلسات انجمن اخوت به طور سری خدمت صفی تشکیل می‌شد.^۱ صفی علیشاه موجد و مؤسس (انجمن اخوت) به منظور ایجاد اخوت و مساوات (برادری و برابری) در میان مردم تصمیم گرفت فاصله عظیمی را که بین اشراف دربار استبدادی و سایر طبقات مردم وجود داشت، از بین ببرد و بواسطه نفوذ و قدرتی که داشت، حتی عده‌ای از رجال درباری نیز مرید وی شده بودند. بنابراین در محضر او علاوه بر اشخاص معمولی، عده کثیری از اعیان و اشراف و رجال درباری نیز حاضر شده و به معاشرت با توده مردم تن در می‌دادند. به طوری که در این حلقه وزیر، امیر، بقال و کارگر مساوی بودند و همه از غنی و فقیر با هم الفت گرفته و عهد اخوت می‌بستند.

نظم الدوله که سمت معاونت «کنت دومونت فورت» رئیس پلیس تهران را داشت، از طرف شاه و دولت به طور محرمانه مأموریت داشت که در خانقاه صفی حاضر شده، مراقب اوضاع و احوال باشد. و در صورت احساس خطری از طرف ایشان، مراتب را گزارش دهد. ولی نظم الدوله خود در مدت کوتاهی جزو مریدان صفی علیشاه شد و مرحوم صفی به وسیله او موفق به کسب اجازه چاپ (تفسیر صفی) گردید. در این تفسیر آیات کلام الله مجید ترجمه و تفسیر شده و مثنوی وار به نظم در آمده بود.

پس از انتشار چند جزوه از تفسیر منظوم صفی، ناکهان موج اعتراض عمومی علمای تهران آغاز شد و بالا گرفت و همه آنها این اقدام صفیعلیشاه را کفر شمرده و رسماً او را تکفیر کردند. حتی به ناصرالدین شاه فشار آوردند که او را از تهران اخراج کند. شاه، اعتماد السلطنه را به نمایندگی از طرف خود نزد مرحوم صفی

۱ - اظهارات مرحوم امین‌الملک مرزبان به شادروان خان ملک ساسانی.

فرستاد تا به طرز محرمانه‌ای بوی اخطار کند که از تهران خارج شوند .
 در مجلس ذکری که با حضور میرزا نصراله‌خان دبیرالملک ، ظهیرالدوله ،
 سیف‌الدوله ، حاج میرزا محمود و شمس‌العرفاء در حضور صفی منعقد شده بود ،
 اطلاع دادند که اعتمادالسلطنه از طرف شاه حامل پیامی است . هنگامی که اعتماد-
 السلطنه با صفی ملاقات کرد ، به او گفت: «نظر به هیاهویی که پاره‌ای از اشخاص ،
 علیه تفسیر شما برپا نموده‌اند ، خوب است جنابعالی برای مدتی در مشهد مقدس
 اقامت فرمائید تا سرو صداها خاموش شود - حضرت صفی در جواب فرمودند :
 تفسیر قرآن به‌رزبان و به هر عنوانی برخلاف مذهب اسلام نیست مخالفت آقایان
 با تفسیر من ، به واسطه نادانی و متکی به اغراض نفسانی است . با اینحال چون
 امر پادشاه مطاع و متبع است ، تا چند روز دیگر وسائل مسافرت خود را تهیه و
 برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه (ع) بارض اقدس خواهم رفت»^۱

پس از رفتن اعتمادالسلطنه، اطرافیان صفیعلیشاه شروع به فعالیت کرده و بشاه
 گفتند : چون مخالفین مرجع تقلید نیستند ، حق تکفیر و اظهار نظر درباره تفسیر
 صفی را ندارند و پیشنهاد کردند در این زمینه از يك مرجع تقلید استعلام شود و
 چنانچه میرزای شیرازی نظر مخالفین را تأیید کردند ، امر پادشاه اطاعت شود، در
 غیر اینصورت، بهیاهوی مخالفین «تفسیر» واقعی نگذارند . ناصرالدینشاه نظری که
 ابراز شده بود پسندید . و پس از مدتی دستخط آیت‌اله میرزای شیرازی از نجف
 رسید . در این دستخط ، آیت‌اله شرحی مبنی بر تمجید و تعریف از تفسیر صفی نوشته
 بودند . طبعاً وصول فتوای مزبور، صدای مخالفین را خاموش کرد و بدینترتیب از
 تبعید صفیعلیشاه جلوگیری بعمل آمد .

این موفقیت ، موقعیت صفی‌علیشاه را مستحکمتر ساخت و مخالفین دربار
 ناصرالدینشاه و کسانی که در انجمنهای سری برای ایجاد مشروطیت تلاش می‌کردند،
 بیش از پیش در اطراف او گرد آمدند . هر شبانه روز صداها نفر از طبقات مختلف در

خانقاه او اجتماع می‌کردند و صفی‌علیشاه با آنان درباره برابری، برادری و مساوات که شعار فراماسونها بود، بحث و گفتگو می‌کرد و این اظهارات بیشتر سبب تجمع و تحرك مردم می‌شد.

درباریهای مخالف صفی و تفسیر او که از گروه مستبدین بوده و با فراماسونها مخالفت شدید داشتند، تجمع روز افزون در خانقاه صفی‌علیشاه را با آب و تاب و شاخ و برگ، برای ناصرالدین‌شاه شرح می‌دادند. از طرفی چون در همان روزها مقدمات جشن پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه فراهم می‌شد و تجمع اشخاص مخصوصاً حضور رجال درباری را در محضر صفی، بهانه قرارداد، با عنوان کردن این مطلب که دربار صفی‌علیشاه از دربار اعلیحضرت مفصلتر است... شاه را علیه صفی‌علیشاه و یارانش تحريك می‌کردند. بدیهی است با این تذکرات سوءظن شاه تقویت می‌شد، ولی با اینهمه چون می‌دید که صفی‌علیشاه در بین همه طبقات مردم طرفداران زیادی دارد، از نشان دادن عکس‌العمل شدید خودداری کرده و ظهیرالدوله داماد خود را واسطه تبعید او قرارداد.

مرحوم ظهیرالدوله نزد مرشد خود رفت و با کمال تأثر گفت که شاه امروز مرا احضار کرده و بوسیله من برای شما پیغامی فرستاده‌اند. صفی‌علیشاه گفت: فرزند چرا متأثری؟ بگو... ظهیرالدوله گفته‌های شاه را تکرار کرد... وی در جواب گفت: «همانطوریکه مکرر عرض کرده‌ام، امر شاه مطاع و متبع است مخلص روضه‌ای دارم و پس از خاتمه آن بارض اقدس خواهم رفت، صفی‌علیشاه که با انجمنهای سری و بخصوص محفل فراماسونها ارتباط داشت و می‌دانست که تا چند روز دیگر، شاه کشته می‌شود با انتظار ورود میرزا رضا کرمانی از اسلامبول نشست... و چند روز بعد ناصرالدین‌شاه بقتل رسید.

امین‌الملک در این باره چنین می‌گوید: «چند روزی از این قضیه گذشت که ناصرالدین‌شاه در موقع تشریف بحضرت عبدالعظیم، بدست میرزا رضا کرمانی بقتل رسید.» امین‌الملک بدون اینکه اشاره‌ای به قتل شاه که بتحریک سید جمال‌الدین

اسدآبادی (مرید صفی) صورت گرفت ، بنماید اضافه می کند :

«حضرت صفی که بطور قطع از ستاره های قدر اول آسمان ادب و عرفان بوده ، نه تنها از افتخارات بزرگ کشور ما بلکه عالم اسلام محسوب می شوند . در تمام مدت زندگی خود منظوری جز خدمت بخلق اله و بیداری مردم و ترویج اصول اخوت و مساوات نداشتند . چنانکه تأسیس انجمن اخوت بطور سری نیز ، بهمین منظور بود و بالاخره در ذی قعدة سال ۱۳۱۶ هجری قمری خرقه تهی فرموده و در حین ارتحال رهبری و ارشاد خلق را بحضرت ظهیرالدوله صفی علیشاه واگذار نمودند ...»^۱

صفیعلیشاه قبل از وفات، در زیر جملات وردی که مخصوص بعد از نماز در اویش صفی علیشاهی است ، این جمله را بعنوان وصیت نامه تعیین جانشین نوشته و بظهیرالدوله سپرده است «حق تعالی بر عمر و عزت و عافیت یار باجان و ایمان هم - عنانم علیخان ظهیرالدوله بیفزاید همین او را در سالها بطالبین تلقین نماید و روح فقیر را بیاری شاد فرمایند . میرزا حسن»

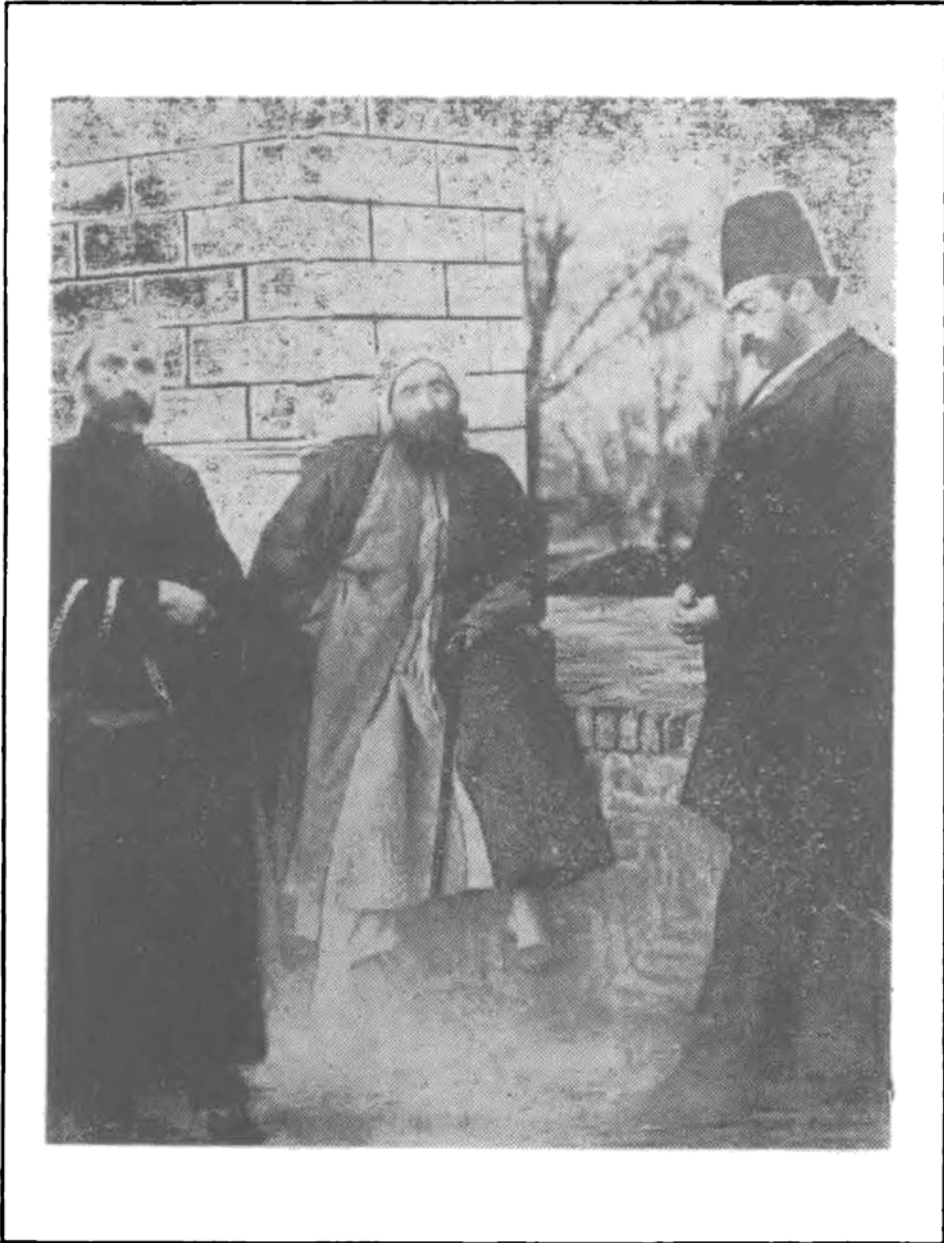
صفیعلیشاه را در خانقاهی که هم اکنون به همین نام معروف است در خیابان صفیعلیشاه فعلی بخاک سپردند و پس از مرگش اداره کار در اویش و فقرا، بظهیرالدوله واگذار شد .

مرحوم ظهیرالدوله یکسال پس از مرگ صفیعلیشاه، فرمانی
فعالیت علنی از مظفرالدینشاه برای تأسیس «انجمن اخوت» گرفت . تا
انجمن اخوت آنروز انجمن مزبور سری و مرکب از عده ای از درباریان و
 دوستان صمیمی و نزدیک آن مرحوم بود. ظهیرالدوله برای
 اینکه انجمن اخوت را از صورت مخفی در آورد ، و آنرا از امکان فعالیت علنی
 برخوردار سازد ، فرمان مخصوصی که تشکیل جلسات انجمن را تأیید کرده، بلامانع

سه بانوی درویش



در این تصویر از راست به چپ : فروغ الدوله مادر عباس فروهر (دوام الدوله) - ملکه ایران
 دختر ناصرالدینشاه همسر ظهیرالدوله - فروغ الملوك



در این تصویر ظهیرالدوله صفاعلیشاه - میرزا حسن صفیعلیشاه - مولوی
در انجمن اخوت دیده می شوند.

می‌دانست ، از مظفرالدین‌شاه گرفت .^۱

ظهیرالدوله بدون اینکه نام «فراماسونری» و یا «فراموشخانه» باین انجمن بدهد عده‌ای از هم مسلکان سابقش را گرد آورده و تا آنجا که توانست سعی کرد اعضای اولیه انجمن، از رجال روشنفکر، اصلاح طلب و خوشنام باشند .

قبل از افتتاح رسمی انجمن و آغاز فعالیت علنی آن، ظهیرالدوله صدوده نفر را برای عضویت انجمن اخوت دعوت کرد، و اولین جلسه در خانه خودش دایر شد. او عدد صدوده را که با حروف ابجد کلمه (علی) می‌شود، بمنظور تبرک و تیمن، برای عده اعضای اولیه انجمن اختیار کرد و صد و ده صندلی بیک شکل ساخته نام هر یک از اعضاء را بر روی یکی از صندلیها نوشته و در سالن بزرگ خانه‌اش که روبروی بانگ ملی فعلی است قرارداد .

در روز اول افتتاح علنی «انجمن اخوت» ظهیرالدوله در صندلی اول قرار گرفت و بعضی از آداب و رسوم فراماسونها را انجام داد . بطوریکه شرح آن قبلا گذشت فراماسونهاعلامات مخصوصی دارند، که در نشان و حمایت و فرمان و دیپلم فرقه خود بکار می‌برند . و این علامات مرکب از تیشه و پیرگار و گونیا است که گاهی جدا جدا و گاهی مخلوط با هم قرار داده می‌شود . ظهیرالدوله هم تبرزین و کشکول و تسبیح را علامت بخصوص انجمن اخوت قرار داد و چون شکل مثلث نزد عیسویان و فراماسونها شکل مقدسی است ، علامت انجمن اخوت هم بشکل مثلث درآمد .

محمود عرفان قاضی دادگستری که در سال ۱۳۲۷ با لباس فراماسونری در حزب عامیون تهران درباره این فرقه در ایران سخنرانی کرده است درباره انجمن

۱- صدور فرمان مورد بحث که بنام میرزا علیخان ظهیرالدوله وزیر تشریفات صادر گردیده است در حقیقت با استعانت و کمک مرحوم میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم وقت ایران صورت گرفت که با مرام و تشکیلات انجمن توافق کامل داشت و شاید بتوان گفت که مشارالیه با نفوذی که در مظفرالدین‌شاه داشت ، موفق شد فرمان تأسیس انجمن اخوت را بگیرد .

اخوت چنین می نویسد :

«... نخستین اجتماع صد و ده نفری که در صدر آنها ظهیرالدوله بود، در سال ۱۳۱۷ دائرگردید. یعنی «انجمن اخوت» در این سال تأسیس شد و رونق مهمی گرفت.

غیر از اخوان طریقت ظهیرالدوله، رجال دیگری نیز بآن انجمن آمدورفت می کردند و ظهیرالدوله پیوسته در نظر داشت اساس کار خود را با فراماسونها مطابق کند،^۱

همانطور که رسم فراماسونهاست، ظهیرالدوله هسته مرکزی انجمن را که تاکنون بنام «هیئت مشاور انجمن» نامیده می شود ۱۲ نفر انتخاب و باین شرح معرفی کرده :

- ۱ - انتظام السلطنه^۲
- ۲ - دکتر اسماعیل مرزبان - امین الملك
- ۳ - ابراهیم حکیمی - حکیم الملك
- ۴ - حاج شمس الدین جلالی - فطن الملك .
- ۵ - نیر الملك شیرازی
- ۶ - سیف الدوله^۳
- ۷ - نصراله صبا - مختار الملك
- ۸ - همایون سیاح^۴
- ۹ - اسداله یمین اسفندیاری
- ۱۰ - محسن قریب

۱- مجله یفما سال سیزدهم ص ۵۵۷

۲- پدرو نصراله و عبدالله انتظام که هم اکنون نیز از رؤسای فراماسونی هستند. و این لژ فراماسونری در محل انجمن اخوت در خیابان فردوسی تشکیل می شود.

۳ - سیف الدوله برادر عین الدوله دشمن مشروطه و آزادیخواهان

۴ - خزانه دار لژیوناری در ایران

۱۱ - فتح‌اله صفائی - صفاالملک

۱۲ - علیخان ظهیرالدوله

چنانکه قبلاً اشاره شد، صفی‌علیشاه و ظهیرالدوله از افکار و عقاید و اندیشه‌های اخوان‌الصفا الهام گرفته بودند سعی داشتند، حکمت و فلسفه یونان و عقاید و نظریات صوفیان را با دستورات دین مقدس اسلام توأم کرده از آن بنفع اعضای انجمن بهره برداری کنند. یکی از کارهای اخوان‌الصفا توجه به موسیقی و تأثیر بود. ظهیرالدوله هم، برای اولین بار در انجمن اخوت، تشکیلات: تئاتر، نمایش و موسیقی را تشکیل داد و در جلسات رسمی آن، برنامه‌های موسیقی و نمایش به معرض اجرا و تماشا گذارده شد. نمایشات تند و کوبنده‌ای که علیه استبداد و ظلم دربار قاجار و همچنین نکوهش از اعمال حکام ستمگرددوره استبداد به روی صحنه می‌آمد، از ابتکارات انجمن بود.

در سال ۱۳۱۸ - ۵ (۱۹۰۱ - م) شهر آمل دچار حریق بزرگی شد، انجمن اخوت برای تجدید بنای شهر یک برنامه گاردن پارتی ترتیب داد. در این گاردن پارتی در اویش بخصوص سماع حضور و حسنعلی خان ترانه‌های ایرانی نواختند و در آمد سرشاری از این راه به دست آمد.

برای تعاون و همکاری اعضای انجمن، مقررات سختی وضع شده بود و فقط کسانی که عضو انجمن بودند، حق داشتند از مرانامه جمعیت اطلاع حاصل کنند. این مرانامه که مرحوم ظهیرالدوله شخصاً آنرا نوشته و در سال ۱۳۲۷ شمسی تجدید طبع شده است فقط به کسانی داده می‌شود که عضو انجمن اخوت باشند. اینک مرانامه مذکور را منعکس کرده در دسترس افکار عمومی قرار می‌دهیم. باید دانست که از بدو تأسیس انجمن اخوت و تدوین مرانامه انجمن تا با امروز این نخستین بار است که متن مرانامه محرمانه انجمن اخوت منتشر می‌شود و به جز اعضای رسمی انجمن، دیگران نیز از متن آن اطلاع حاصل می‌کنند:

«فقرا و اخوان هر جا» باید بزرگ و رئیس خود را معظم و محترم دارند. رئیس هم باید از قول و فعلی که باعث سردی و کسالت مکلفین می‌شود احتیاط کند. در همه وقت از اعمال قبیح و نامشروع در مقام ترك و توبه باشند و خدا را حاضر دانند، یعنی حاضر باشند که خدا حاضر است. و در هر آنی از آفات و مهلكات ظاهر و باطن پناه به شاه ولایت برند.

وقت سحر حتی الامکان فقرا اگر مانعی نداشته باشند بیدار باشند. بلکه اگر بشود از ثلث آخر شب تا صبح اقلا بین الطلوعین خواب نباشند و به ذکر جلی یا خفی یا قرآن مشغول باشند همیشه با طهارت و لباس پاك باشند. و از خواندن اوراد موظفه خود غفلت نکنند. زبان را از نفوذ و دروغ بی‌نهایت و تهمت و غیبت نگاه دارند. اگر گرسنه و برهنه از اهل طریقت باشد، بر همه تکلیف است که اگر چه نیم‌فانی باشد باو برسانند و غفلت نکنند و هر چیز که ممکن باشد از اهل بیت خود دریغ نکنند. در حفظ اسرار و امانات و ستر عیوب یکدیگر بکوشند و از هم احترام کنند. ضعفای قوم را تحقیر نمایند.

به عیادت و تشییع یکدیگر بروند. اگر جهت یکنفر گرفتاری پیدا شود همه اتفاق کنند و دست از هر کاری بکشند تا رفع گرفتاری برادرشان را بکنند، که این بمنزله جهاد است و بر همه لازم است. مجادله و مباحثه در هیچ مطلبی با هم نکنند که موجب رنجش است. اگر دو نفر با هم کدورت کنند پیش سایرین اظهار شکایت از یکدیگر نکنند. و بر دیگران است که مابین آنها را اصلاح کنند. مزاح و شوخی با هم کمتر کنند و همدیگر را به کلامی و تزنند اگر چه سخیف و باطل باشد جز به ملایمت و خلوت نه در جمع. و بر یکدیگر تمسخر نمایند که در انظار سبک و بی‌قدر شوند و از هم دلتنگ گردند. در ادای امانت دوست و دشمن کوتاهی نکنند که برای نوع و هنر عظیم است. با منکر و مخالف و منافق مخالطه نکنند مگر به ضرورت و صحبت مذهبی ندارند که نزاع شود و اسباب خفتی

فراهم آید . کسی را باید دعوت کرد که نفاق و افکارش معلوم نباشد ، وقتی معلوم شد دوری ضرور است .

بارز حمت خود را برشانه هم نگذارند ، که باعث بعد ، قلوب از یکدیگر شود . در مجالس از اندوه و پریشانی خود صحبت ندارند و اظهار ملالت نکنند ، که ثمری بجز خفت و افسردگی دیگران ندارد . خلف وعده و خلاف عهد با هم نکنند . اگر از کسی خلافتی به ظهور رسید بدل نگیرند و اغماض کنند . به علمای شریعت توهین روا مدارند . بلکه اظهار مودت کنند (که مغز را پوست باید و تن را لباس) مفسد و خائن معلوم الحال را در مجالس خود راه ندهند .

اگر یکی از خودشان را بیکار ببینند ، البته او را به کار و کسبی مجبور دارند . نهایت فخر فقر آنست که از دسترنج و زحمت خود معاش کنند . نه اینکه دست کند کفچه به هر لقمه اش (مگر نه حضرت مولی الموالی ارواح الفقرا له الفداء با خلافت و سلطنت باطنی و ظاهری برای یهودیان مزدوری می فرمود) جوانها و فرزندان خود را در صورت امکان زود زن بدهند و به کسب بگذارند که به هرزگی و پریشانی دوچار نشوند . اغلب اوقات با هم مجتمع باشند و در کوچه و بازار و مجالس عامه با هم بروند که مردم آنها را متفق و مجتمع ببینند (زیاد خنده و شوخی نکنند) که کم قدر شوند . آهسته و آرام سخن گویند ، مگر وقت ضرورت . از بازار چیز نسیه ناممکن باشد ، نبرند و اگر لابد شوند زودتر تدارک کنند . همیشه سخن بر وفق و شرع گویند تا مخدول نگردند . به اندک قناعت کنند ، تا از اهل زمانه راحت یابند و ملول نگردند و شاکی نشوند . بر خلقت خود نیفزایند و آنچه هستند همان را نمایند ، که چون ظاهرشان را بگردانند باطنشان بگردد . در خلوت و جلوت سخنی بر خلاف نظم ملك نگویند ، در هر دم و هر قدم توفیق درویشی از درگاه مولی استدعا کنند . امضاء با جوهر بنفش «صالح» این مرانامه را همه در اویش صفی علیشاهی همیشه در جیب بغل همراه دارند ، ولی هیچگاه آنرا به کسی که «مشرف به فقر» نشده باشد نشان نمی دهند .

مرحوم نظام‌السلطان خواجه نوری نیز با اینکه یکبار اجازه قرائت مرانامه را حضوراً دادند، ولی استنساخ و چاپ آن را به هیچوجه مجاز نمی‌دانستند. تا اینکه اتفاقاً در پرونده فراماسونری مرحوم ادیب الممالک، نسخه‌ای از این مرانامه وجود داشت، که مورد استفاده نگارنده قرار گرفت. این جزوه در مطبعه فاروس چاپ شده و در آخر آن امضاء (صالح) و مهر دلیل‌العرفاء به چشم می‌خورد. در پشت جلد نمره ۲۲۵۱۱ و نام ادیب‌الممالک نوشته شده است. به طوری که خود ادیب الممالک در یادداشت‌هایش می‌نویسد: «او بیست و دو هزار و پانصد و یازدهمین نفری بوده که بعد از ورود به فرقه فراماسونری وارد سلك درویشی شده است.»

پس از مرگ مظفرالدین‌شاه، انجمن اخوت مبارزه شدیدی را با دربار محمد علی‌شاه آغاز کرد و اعضای انجمن همه بر

انهدام محل

علیه استبداد و محمد علی‌شاه به مبارزه پرداختند. از روزی

انجمن

که محمد علی‌شاه مجلس را به توپ بست، چند روزی در پی

به امر شاه مستبد خانه کسانی که مورد تنفر او بودند، از جمله شاهزاده ظل‌السلطان عم شاه، شاهزاده جلال‌الدوله پسر عمش و خانه ظهیرالدوله شوهر عمه شاه که در آنوقت حکمران رشت بود، بمباران و به وسیله سربازان غارت شد.

محل انجمن اخوت نیز که کتابخانه و دفتر انجمن و سالن جلسات بوده

به توپ بسته شد و کلیه دارائی و مایملک انجمن و خانه ظهیرالدوله به غارت رفت.

ولی اعضای انجمن که قبلاً از دستور محمد علی‌شاه اطلاع حاصل کرده بود، کلیه دفاتر

و اسناد مرکز فراماسونری «لژ بیداری ایران» را که در محل انجمن بود، شبانه

به سفارت فرانسه بردند. محمود محمود در این باره چنین می‌نویسد: «علاوه بر محافل

لندنی از طرف لژ داران پاریس نیز در تهران لژ ایرانی دایر گردید. دستگاه

مرحوم ظهیرالدوله مربوط به فراماسون فرانسه بود. این که در زمان سلطنت

محمد علی میرزا خانه ظهیرالدوله را غارت کردند، به این دلیل بود که محفل

فراماسون را در آنجا سراغ کرده بودند. ولی مرحوم ظهیرالدوله قبلاً خبردار

شده اثاثیه ماسونی را از آنجا به سفارت فرانسه برده بودند ولی خانه غارت شده و عمارت نیز ویران گردیده و دیگر آباد نشد و شاید حال هم به همان حال باقی مانده باشد.^۱

محمود محمود در همین زمینه اضافه می‌کند: «چون قبلا اطلاع رسیده بود که محمد علی میرزا چنین قصدی دارد، شبانه وزیر مختار فرانسه را دیده بودند و هرچه که متعلق به ماسونهای فرانسه بود به سفارت فرانسه بردند و شاید تا امروز هم آنجا باشد. از قرار اطلاعی که دارم دیگر محفل آنها دایر نگردید.»

محمود نشاط داماد صفی‌علیشاه و کارمند وزارت پست و تلگراف به مترجم کتاب «انقلاب ایران» چنین گفته است:

«همسر مرحوم ظهیرالدوله (ملکه ایران) پس از ویرانی و تاراج خانه‌اش بشوی خود در رشت می‌نویسد:

«تو به خواب راحتی، من در اسیری می‌روم، خانه‌ام ویران و هستی‌ام را به یغما بردند، دیگر آه در بساط ندارم - پسر مرا نیز دستگیر و در اندیشه کشتنش هستند.»

ظهیرالدوله در پاسخ او نوشت:

«خانم عزیز، خوب شد که آن همه جواهر و روزخاریف را که خون دل مستمندان بود بردند و ما را آسوده نمودند - هر وقت به صندوقخانه تو سر می‌کشیدم و آن چیزهای پوچ را می‌دیدم نیشهای مار و عقرب به تن خود احساس می‌کردم. سپاس خدایا که از این همه رنج تنم آسوده و از آن شکنجه و درد رهیدیم. خدای پسرمان هم کریم است. مولی سخی است.^۲ پس از فرار محمد علی‌شاه، مشروطه - خواهان در همان خرابه‌های غارت شده انجمن و منزل ظهیرالدوله جشن «نصرت ملی» برپا کردند و بار دیگر فعالیت سیاسی «انجمن اخوت» و «فقرو درویشی» در

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم جلد هفتم ص ۱۷۱۶

۲ - تاریخ مشروطیت برون مقدمه مترجم.

خانه ظهیرالدوله آغاز شد .

دردوران سلطنت احمد شاه ، فعالیت انجمن اخوت ، بیشتر شد . زیرا شاه ، محمد حسن میرزا ولیعهد را به انجمن فرستاد و او در همان خانه‌ای که هنوز جای گلوله‌های توپ سربازان محمد علی‌شاه در آن باقی بود ، مشرف به فقر گردید . روزی که محمد حسن میرزا ولیعهد وارد سلك درویشی شد ، به مناسبت دوازدهمین سال تأسیس انجمن اخوت جشنی برپا بود . در آن جشن ظهیرالدوله نطقی ایراد کرده گفت :

یا مولی

«انجمن اخوت سال دوازدهم علنی شدن خود را بیایان رسانید و بتوفیقات آسمانی تا يك درجه‌ای بمقاصد اصلی خود نایل و کامیاب گردید . همه می‌دانیم که انجمن اخوت در موقعی علنی شد و جلسات خود را آشکار نموده که بهیچوجه رسمی از مساوات و برادری و اسمی از حقوق ملی و حکومت افرادی در میان نبود و بدون اینکه بالفاظ پرداخته افکار خود پسندان و متنفذین را تهیج نماید کردار را مقدم داشته عامه را ملتفت ساخت که اگر امتیازی در میان بنی آدم باشد ، همانا امتیاز خدمتی و شرف فضلی است و آن فضل و شرافت هم در صورتی محقق و مسلم خواهد شد که خلق خدا را از آن بهره و فایده‌تی حاصل آید . آری ، انجمن اخوت بوده که صورت متکبرین را درهم شکست و صدور وقت و ابناء سلطنت عصر را با فقراء و اصناف هم زانو و جلیس نمود و انجمن اخوت بود که تشکیل هیئت شوری را در حوزه خود اعلان کرد و ترقیات مدنی را بتهذیب اخلاق و تزکیه ملکات افراد ملت اشعار نموده و شکر اللمولی که زمین دلها مسقد بود و این بند را برویابند و درختی بارور و سایه‌گستر فرمود . تاریخ عالم و نژاد بنی آدم از قرون خالصه و اعصار سالفه نشان می‌دهد که در دنیا هیچوقت تنها قوانین و قواعد سیاسی موجب نجات و رستگاری و اسباب سعادت و تکامل هیچ قومی نشده اگرچه مناسبات اشتراکی آنان را منظم و مرتب داشته ، ولی چیزی که يك ملتی را

بنام نیک و استقلال عناصر در میان نوع خود سرافراز نموده همانا اخلاق و ملکات آنان بوده که بوظایف خویش که حفظ حدود آدمیت و رعایت روابط اخوت بوده موفق گردیدند و دانستند که انسانی برای انس و معاونت با یکدیگر است نه برای تفاخر و مخالفت .

پس بر ما برادران روحانی و معنوی لازم است که اگر سعادت ملك و ملت را خواستار باشیم و البته خواستاریم باید با اخلاق حسنه کوشیده خلق را نهال بوستان الهی دانسته خود را بتربیت و باغبانی مکلف دانیم، که اگر هر توانائی دست ناتوانی را می گرفت هر آینه هیچ افتاده ای در عالم دیده نمی شد .

عالم معاش و حیوة حیوانی عالم جنگ و جدال و میدان غلبه و جنجال است و عالم اخلاق انسانی عالم صلح و مسالمت و برادری و برابری و همان عالمی است که خونها برای اساس و استوار آن ریخته شد و کتب و رسائل آسمانی برای تبلیغ آن منزل و مأمور گشت، که ما برادران نیز مأمور پیروی همان دستوریم و مجبور بتقویت همان اساس که مفاسد مساوی اخلاقی را که جالب تجاوز و مخالف است از خود دور و محاسنی را که موجب سلامت و سعادت است ، تعقیب نمائیم . صفا علی .

انجمن اخوت، از آن پس دوران عادی خود را آغاز و طی کرد و حتی در دوران سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر که فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنها متوقف شده بود ، این انجمن کماکان هفته ای یک روز تشکیل جلسه می داد . پس از فوت ظهیرالدوله ، مرحوم انتظام السلطنه (پدر عبدالله و نصراله انتظام)^۱ مرشد طریقت شد و بعد از او نیز فتح اله صفائی (صفاء الملك) مرشد گردید و اکنون عبدالله انتظام این سمت را دارد . پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ - که احزاب جدیدی بوجود آمد ، انجمن اخوت هیچگونه فعالیت شدید علنی نداشت ، فقط در سال ۱۳۲۷ شمسی که دو حزب (عامیون دمکرات) با هم ائتلاف و «حزب عامیون ایران» را تشکیل دادند،

۱- این دو برادر از استادان و اعضاء هیئت رهبری سازمان فراماسویری گرانند لژ مستقل

وروز ۱۵ بهمن آنسال اعلام رسمیت کردند، انجمن اخوت نیز که در رأس آن یازده نفر از اعضای قدیم «هیئت مشاوره» قرار داشتند (که بعضی از آنها معروف به عضویت در فرقه فراماسونری هستند) شروع به فعالیت علنی کرده و جشن پنجاهمین سال خود را برگزار کرد.

فعالیت علنی (عامیون - اخوت) که اعضای مؤثر هر دو دسته معروف به عضویت در فرقه فراماسونری هستند، این شبه را بوجود می آورد که دو سازمان فراماسونری (انگلیس - فرانسه) بار دیگر قصد فعالیت علنی داشتند، ولی حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوء قصدی که بحیات شاهنشاه آریامهر اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی صورت گرفت، موقتاً فعالیت علنی و تظاهر این دو دسته را متوقف کرد.

انجمن اخوت که روز ۲ تیر ۱۳۲۷ شمسی (۱۵ شعبان ۱۳۶۸ قمری) پنجاهمین سال تأسیس خود را جشن گرفت، در کتابی که منتشر ساخته است اعضای هیئت مشاوره را از آغاز پنجاهمین سال فعالیت بشرح زیر معرفی می کند:

- ۱- دکتر اسماعیل مرزبان (امین الملك) رئیس هیئت مشاوره.
- ۲- ابراهیم حکیمی (حکیم الملك).
- ۳- حاج شمس الدین جلالی (فطن الملك).
- ۴- تیمسار سر لشکر فرج اله آق اولی.
- ۵- نصراله صبا (مختار الملك).
- ۶- همایون سیاح.
- ۷- اسداله عین اسفندیاری (حاج عین الممالک).
- ۸- محسن قریب.
- ۹- آقا بزرگ بیات.
- ۱۰- علیرضا میرزا حکیم خسروی دبیر انجمن.
- ۱۱- فتح اله صفائی صفا الملك.

در این جشن نطقها و خطابه هائی درباره تاریخچه انجمن اخوت، صفیعلیشاه

و مرام و مسلک درویشی ایراد شد و در کتابی که بهمین مناسبت منتشر شد و حاوی مطالب ایراد شده می باشد، اسامی اینعده بمنوان افراد شاخص و برجسته ذکر گردیده است :

- ۱- سر لشکر مجید فیروز (ناصرالدوله) .
- ۲- اسداله داوری (مؤید حضور) .
- ۳- غلامعلی خواجه نوری (نظام السلطان) .
- ۴- محمد حسین سمیعی (ادیب السلطنه) .
- ۵- شفیعا (مقتدرالملک) .
- ۶- اسداله مصفا .
- ۷- هدایت قلی رهبری .
- ۸- غلامحسین رشته .
- ۹- برادران برومند .
- ۱۰- حاجی داداش - حاج عبداله مستشارالتجار کرمانشاهی .
- ۱۱- علی نعمتی مستشار .
- ۱۲- ع - شهری .
- ۱۳- صفا علی صفائی .
- ۱۴- امینی اصفهانی .
- ۱۵- محمود جم .
- ۱۶- علی هیئت .
- ۱۷- دکتر لقمان الملک .
- ۱۸- فتحاله صفائی .
- ۱۹- فتحیه .
- ۲۰- هاشم ملک مدنی .

۲۱ - امیر محسن بایگانی^۱

۲۲ - مهندس جعفر صفائی .

۲۳ - مهندس رحمت‌اله صفائی .

انجمن اخوت در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۸ میلادی) شروع به تجدید ساختمان سالن انجمن در خیابان فردوسی کرد، و اکنون در روزهایی که لژهای فراماسونی (مهر - آفتاب - صفا - وفا) جلسه دارند، سالن داخلی انجمن را با ترتیب خاصی تزئین می‌کنند و علائم و پرچم لژها را به دیوار و بالای صندلی استاد نصب می‌کنند. اما در روزهای پنجشنبه و جمعه جلسات عادی فقرا و دراویش منعقد می‌شود و در آن روز هیچ گونه علائم و آثاری از فراماسونها وجود ندارد. در حال حاضر انجمن اخوت دبیرخانه لژهای گراند لژ مستقل ملی است. و بیشتر مراسم و تشریفات مذهبی دراویش در سر مقبره ظهیرالدوله انجام می‌گیرد. و عبدالله انتظام یکی از استادان هیئت رهبری گراند لژ مذکور در رأس دراویش صفی‌علیشاهی قرار دارد.



۱ - در روز جشن قصیده‌ای منحصر بفرد از اشعار مرحوم ظهیرالدوله را که در اختیار امیر محسن بایگان بود، مجاناً بین مدعوین توزیع کردند.

فصل سی و یکم



لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران و گراند لژ مستقل ایران

یکی از پدیده‌های نوین فراماسونری در ایران، پیدایش لژهای تابع «اتحادیه لژهای آلمان» در ایران است که بعد از شش سال پذیرفتن «برتری و عبودیت و سروری» لژهای انگلیسی، استقلال خود را اعلام کردند و سازمان جدیدی تحت عنوان «گراند لژ مستقل ایران» تشکیل دادند.

اعضای لژهای وابسته به گراند لژ آلمان، نخستین افرادی بودند که علیه پذیرفتن «عبودیت» و قبول «برتری و سروری» لژهای انگلیسی قیام کردند و در قطع ارتباط با اینگونه لژها در جهان پیشقدم شدند. ولی مبارزه شدید لژهای تابع انگلستان و هم چنین مخالفت گراند لژهای مختلف در انگلستان، آلمان، فرانسه و بالاخره در خود ایران با اعضای لژهای آلمانی، سبب شد که آنها را از جامعه فراماسونی جهانی طرد کنند. با اخراج این افراد از لژهای آلمانی همه لژهای تابعه (انگلیسی‌ها و فرانسویها در ایران) آنها را از ورود به محافل ماسونی خود منع کردند و حتی آمیزش عادی با آنها را برای فراماسونهای جهانی مضر و غیر قانونی و ممنوع اعلام داشتند.

دامنه مخالفت‌ها و مبارزاتی که لژ نشینان انگلیسی و فرانسوی علیه متمرّدین درپیش گرفتند به ایران نیز کشیده شد، تا جائیکه چهل نفر از اعضای لژ «ستاره سحر» بطور پنهانی با لژهای انگلیسی و فرانسوی سازش کرده و با کمک کارگردانان این لژها موفق شدند، بار دیگر به «لژهای متحده آلمان» ملحق گردند و زیر نظر آنان فعالیت خود را ادامه دهند.

قبل از اینکه به تشریح فعالیت لژهای مذکور و حوادثی که منجر به جدائی «لژهای آلمانی» و ایجاد گراند لژ مستقل ملی ایران شد، بپردازیم، بد نیست بدانیم «لژهای متحده آلمان فدرال» چگونه تشکیل شدند و به چه ترتیب با لژهای ماسونی جهان پیوند و پیوستگی پیدا کردند.

می‌دانیم که آدولف هیتلر در دوران زمامداریش در آلمان **تشکیل فراماسونری** نه تنها همه لژهای فراماسونری را همراه با سایر سازمان‌های **انگلیسی در آلمان** سیاسی و غیرسیاسی، در این کشور تعطیل کرد، بلکه کلیه فراماسونهای صاحب مقام آلمانی را هم از مشاغل خود برکنار ساخت. او حتی گروهی از فراماسونهای آلمانی را نیز که در خارج از کشور مأموریت داشتند از سازمان‌های دولتی اخراج کرد. چنانچه سفیر آلمان در ایران نیز به اتهام عضویت در لژهای فراماسونری از پست خود معزول، و به برلن احضار شد. این آلمانی فراماسون که فعالیت پنهانی خود را از سران نازی مخفی می‌کرد، یکی از رؤسای سازمان جاسوسی آلمان در خاورمیانه به خصوص در ایران و ممالک عربی بود. برای این که بدانیم که این جاسوس زبردست آلمانی چه می‌کرده، آنچه را که روزنامه «نیوز ریویو» در روز ۲۸ اوت ۱۹۴۱ (۶ شهریور ۱۳۲۰) درباره‌اش نوشته عیناً نقل می‌کنیم، تا فراماسون‌های آلمانی را بهتر بشناسیم:

«فرتیس گروبا شخصی افسانه‌آمیز و وزیر مختار سابق آلمان در بغداد معاون لایق و کارآمد اتل [آخرین وزیر مختار آلمان نازی در ایران] بود.

گروبا پس از کودتای بی حاصل رشید عالی در عراق به همراهی امین‌الحسینی مرد لایق و مخالف انگلستان و مفتی سابق اورشلیم به تهران تبعید شد، و طبق اطلاعی که گروبا آنرا تصدیق نمود نام حقیقی وی «ارتور بورگ» و پدرش دکان عطاری داشته و بواسطه موهای سیاه و چشمان تیره رنگی که داشت همه دوستانش در مدرسه او را ترك می‌خواندند. آرزوی او برای گردش و سفر به شرق در جنگ گذشته تحقق یافت و در ارتش آلمان در ترکیه شغلی پیدا کرد. در سال ۱۹۱۸ در حلب زخمی شد و با يك دختر شانزده ساله اهل سوریه که به او (گل حلب) نام داده بودند، آشنا گردید و هنگامی که او را برای معالجه به بیمارستان مونیخ فرستادند دختر را به طور قاچاق و با تغییر لباس از مرز عبور داده با خود به آلمان برد. پس از چندی دختر ك در گذشت و شاید از آن تاریخ وی نام خود را تغییر داده است. به هر حال گروبا اسلام اختیار کرد و مذهب و تعلیمات شرقی را بررسی نمود و پس از چندی در اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه آلمان وارد خدمت شد... او يك دیپلمات ورزیده و کارگشته ایست که در اوایل تشکیلات نازی داخل حزب نبوده و برای ادای توضیحات راجع به روابط خود با جمعیت فراماسون آلمان به برلین احضار گردیده بود... گروبا، برای این که به زمامداران آلمان نشان بدهد که فراماسون نیست و با یهودیان که بوجود آورنده فراماسونیزم می‌باشند، دشمنی و عناد دارد: «در سال اول فعالیت خود در خاورمیانه مبلغ ده میلیون مارك طلا در راه تبلیغات بویژه برای توسعه سازمان شورش‌های ضدیهود خرج نمود...»^۲

نشریه دیگری که شرح مبارزات هیتلر با فراماسونیزم را می‌دهد می‌نویسد: «گروبا مثل صدها آلمانی دیگر که عضولرهای فراماسونی آلمان بودند، خیلی زود به چنگ نازی‌های ضد ماسون و ضد یهود افتادند»^۳ و باز چنانکه می‌دانیم مبارزه

۱ - رستاخیز ایران - فتح‌اله نوری اسفندیاری ص ۷۸۳.

۲ - ایضاً ص ۷۸۳.

۳ - مجله موندلاوی شماره ۱۵۲ ژانویه ۱۹۶۶.

با یهودیان و بزرگترین سازمان‌پنهانی و بین‌المللی آنان (صهیونیزم) در رأس برنامه‌های رایش سوم قرارداد است و طرح «حل نهائی مسئله یهود» که مفهوم آن معدوم ساختن این قوم و نژاد بود، از همین برنامه ریشه می‌گرفت. هیتلر فراماسونیزم را شعبه‌ای از صهیونیزم جهانی می‌دانست و عقیده داشت که یهودیان جهان‌درپناه‌لرهای فراماسونری در سرتاسر گیتی بنفع خود فعالیت می‌کنند.

همینکه حمله سرتاسری آلمان به کشورهای اروپائی آغاز شد، هیتلر به فرماندهان قوای اشغالی، فرمان داد به هر کشوری که تسلط یافتند، نخست لژهای ماسونی آن کشور را منحل و کارگردانان آن را تحت تعقیب قرار دهند. این فرمان پیشوای آلمان نازی همه جا اجراء شد و در نتیجه‌گراند لژهای فراماسونری در همه کشورهای اشغالی اروپا منحل شد و اسناد و مدارک آنها به آلمان حمل گردید. بدستور آدولف هیتلر نمایشگاه‌های ثابت و متحرکی از فعالیت‌های ماسونی با بنمایش گذاردن اسناد و مدارک مکشوفه ترتیب داده شد و از اینراه نیز تبلیغات دامنه داری علیه صهیونیزم جهانی آغاز گردید.

پس از پایان جنگ دوم جهانی، و پیروزی متفقین، فراماسونهای اروپائی موفق شدند مقداری از اسناد و مدارک پیشین لژهای خود را بدست آورند و آنها را به کشورهای خود بازگردانند، چنانچه اسناد و مدارک لژهای فراماسونری فرانسه در دوواگن از برلن بیاریس حمل شد و طبق دستور ژنرال دوگل، محموله واگن‌ها را به کتابخانه ملی پاریس تحویل دادند.

طی موافقت نامه‌ای که بعد از مدتی بین دولت فرانسه و لژهای ماسونی بامضاء رسید، طرفین موافقت کردند که اسناد مذکور مورد بررسی قرار گیرد، تا آن قسمت از اسناد که غیر لازم تشخیص داده شد، تحت نظر نمایندگان دولت فرانسه و استادان لژهای فراماسونی به کارخانه کاغذ سازی حمل شده و در آنجا بصورت (خمیر کاغذ) درآمده و بدینترتیب معدوم شود و بقیه در بایگانی کتابخانه ملی پاریس

نگهداری گردد. ژنرال دوگل موافقت کرد که این اسناد فقط با اجازه گراند لژها در اختیار محققین و مراجعین قرار گیرد و بدین ترتیب فراماسونیزم بار دیگر در فرانسه تجدید حیات کرد.

در این سالها سازمانهای فراماسونی انگلستان (گراند لژهای انگلند - اسکاتلند - ایرلند) نیز در صدد احیاء شبکه های ماسونی خود در ایران برآمدند، و برای این منظور نخست به ارتشیان انگلیسی که فراماسون بودند، دستور داده شد تا در نواحی اشغالی لژهای فراماسونی را تشکیل دهند. در سال ۱۹۴۷ چند لژ فراماسونی مهم تحت نظر گراند لژهای انگلیسی فوق الذکر تشکیل شد و در پایان همان سال «سازمان فراماسونی انگلیسی در آلمان» بوجود آمد.

این سازمان محل کار خود را در اداره مرکزی قوای اشغالگر انگلیسی در شهر «بداوین هاسن» قرار داده و با کمک فرماندهان انگلیسی، فراماسونیزم را بین مردان میانه سال آلمانی توسعه داد. در ماه می ۱۹۴۸ سازمان فراماسونی انگلستان در آلمان رسمیت یافت و همه گراند لژهای انگلیسی ارتباط با آنرا بلا مانع تشخیص دادند. در سازمان جدید در شهر «بداوین هاسن *Bad oyonhausen*» تشکیل شد و گروهی از فراماسونهای قدیمی آلمان که زنده مانده بودند، تقاضای تجدید عضویت و فعالیت در این سازمان را کردند. ملاقات در شعبات این لژ برای عموم فراماسونها آزاد شد و هر لژی که بوجود می آمد تحت نظریکی از استادان فراماسونری انگلیس، با قبول عبودیت یکی از گراند لژهای (انگلند - اسکاتلند - ایرلند) بود و تأسیس آن با انجام همه تشریفات، با اضافه نماز در کلیسا و فستیوالهایی که زنان نیز در آن شرکت داشتند صورت می گرفت، هنگام تقدیس و تأسیس بعضی از لژها، رؤسای فراماسونری انگلستان به آلمانها و انگلیسیهای مقیم این کشور توصیه می کردند که با کمک سایر برادران فراماسون کشورهای مجاور از جمله سازمان ماسونی هلند تشکیلات ماسونی خود را گسترش دهند.

سازمان ماسونی هلند «لژ بزرگ شرق» که Concord No 134 نام داشت و همچنین لژ انگلیسی زبان هلند، در زوتردام که به نام کینگ دراگون گارد Gings Dragoon Guards خوانده می‌شد نیز در تأسیس این لژها نقش فراوان داشتند. نخستین اقدام این سازمان فراماسونری تقدیس و تأسیس یک لژ انگلیسی زبان در آلمان بود. در ماه مارس ۱۹۵۵ فراماسون معروف آلمان «ج. و. بن. گروز» Groves که مقام P.P. G. CH را در سازمان ماسونی جهان داشت موافقت خود را با مسافرت به انگلستان و مذاکره با «اتحادیه لژهای بزرگ انگلستان» اعلام داشت، او قبلاً به انگلیسها وعده داده بود که پس از استقرار اولین حکومت دولت آلمان برای تشکیل و تأسیس لژهای تابع انگلستان در آلمان اقدام خواهد کرد.

به طوری که کنل کورفیلد Corfield استاد فراماسونری انگلند می‌نویسد: «بعد از این مسافرت در صورت جلسه اتحادیه گراند لژهای انگلستان مورخ هفتم سپتامبر ۱۹۵۶ قید شد که فراماسونهای آلمان از طرف گراند لژ انگلستان به رسمیت شناخته نمی‌شوند. و اعضای لژهای ما باینستی از لژهای آلمان دیدن کنند. اما در اکتبر سال بعد، اتحادیه ماسونری انگلستان اعلام کرد که ممکن است در آینده نزدیکی فراماسونری آلمان برسمیت شناخته شود.»^۱

در این ایام بموجب مندرجات مجله فراماسونری «رکورد» ارکان سازمانهای فراماسونری انگلستان، مکاتباتی بین لژهای هلند و آلمان و انگلستان برای استقرار لژهای انگلیسی و انجام همه تشریفات حتی قرائت سرودهای تورات و قبول مراسم یهودیان، جریان داشت، ولی در پاسخ همه پیشنهادات، اتحادیه فراماسونری انگلستان به پیشنهاد دهندگان هلندی و آلمانی توصیه می‌کردند که در برقراری لژها عجله نکنند.

در دسامبر ۱۹۵۶ اتحادیه لژ بزرگ انگلستان، فراماسونری آلمان را تحت شرایط تحمیلی و قبول عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۵۷ حادثه تازه‌ای رخ نداد ولی به موجب ادعای «کورفیلد» استاد اعظم انگلیسی: (بدون شك فعالیت‌های بزرگی پس پرده تعقیب می‌شد. « در ژانویه همین سال (۱۹۵۷) استاد اعظم لژ مونشن‌گلاد باخ *Monchen Glad Bach* به استاد اعظم ماسونی انگلیسی «لاولر» *Lawlor* گزارش داد که او به نمایندگی گراند لژ آلمان *A. F. A. M* موافقت خود را با تأسیس یک لژ انگلیسی زبان با انجام همه تشریفات قبول کرده است. کورفیلد استاد لژ انگلیسی می‌نویسد: «در آن موقع برادرما «لاولر» بسمت مدیرانجمن برادری فراماسونی آلمان که مدتی در آن عضویت داشت، انتخاب گردید. و در همین موقع بود که اسامی مؤسسين لژ تازه اعلام شد.^۱

و بدین ترتیب فراماسونری بعد از جنگ دوم آلمان با قبول عبودیت و سروری لژهای انگلیسی و انتخاب یک استاد اعظم انگلیسی بریاست سازمان‌های خود، در سازمانهای فراماسونی جهانی رسمیت یافت.

نخستین لژ انگلیسی بنام ابلوم شماره ۸۴۱ *Absolom (G.C)* درخواستی تقدیم اتحادیه لژهای انگلیسی کرد و خود را برای همیشه تحت فرمان و اطاعت و در اختیار لژهای انگلیسی گذاشت.^۲ منظور تأسیس این لژ در روزی ام ماه مارس ۱۹۵۵ برای استقرار در شهر دوسلدرف صادر شد. چون این لژ بر پایه و حتی با نام لژ انگلیسی ۸۴۱ تأسیس شده بود، شماره ردیف آن را در سالنامه ماسونی انگلستان در ردیف یک ثبت کردند و بدینسان نخستین لژ انگلیسی که ریاست آن با «لاولر»

۱ - لژ ابلوم شماره ۸۴۱ تابع قوانین فراماسونری انگلستان در سال ۱۷۳۸ در شهر هامبورگ تأسیس شده بود.

۲ - کلنل کورفیلد این جمله را چنین می‌نویسد:

Having submitted a petition, was consecrated.

استاد اعظم تبعه انگلستان بود، در آلمان گشایش یافت. بدنبال گشایش نخستین لژ انگلیسی در آلمان، لژهای دیگری بر اساس برنامه لژهای فراماسونی قبل از آغاز زمامداری هیتلر، بدین شرح بوجود آمد:

- ۱ - لژ ساکسون بشماره ۸۴۲ در شهر سل Celle - ۸ می ۱۹۵۷
- ۲ - لژ بریتانیا شماره ۸۴۷ در بیل فلد Bielefeld در ۶ جون ۱۹۵۷
- ۳ - لژ فونیکس Phoenix بشماره ۸۴۷ در برلن ۹ نوامبر ۱۹۵۷
- ۴ - لژ استاراف ساکسونری Star of Saxony شماره ۸۵۳ در شهر جور Jever در سال ۱۹۵۸

۵ - لژ انگلوهانستیک Anglo - Hanseatic بشماره ۸۵۰ در سال ۱۹۵۸ با وجود اینکه لژهای آلمانی با تشکیل لژهای انگلیسی زبان موافقت کرده بودند، با اینحال دشمنی دیرینه بین انگلیس و آلمان و جنگ چندین ساله دو کشور، و از همه مهمتر نفرت و دشمنی و کینه تیزی دو ملت و مردم (ژرمن و انگلوساکسون) با یکدیگر سبب شد تا بتدریج مبارزه مخفی بین جناحین مختلف فراماسونری در آلمان شدت یابد. اما سازمان‌های فراماسونری انگلیسی که هجوم همه جانبه‌ای را به سرزمین‌های اشغالی آلمان آغاز کرده بودند، سرعت توانستند اداره لژها را منحصر به اتباع انگلیسی کنند.

ولی مبارزه فراماسونهای آلمان سرانجام اتحادیه گراند لژهای انگلستان را وادار به قبول تشکیل «اتحادیه گراند لژ آلمان» کرد. بموجب سندی که سر هنگ دوم کورفیلد ارائه می‌دهد، پس از این شناسائی کامل و همه جانبه، سازمان‌های فراماسونی انگلستان در اوایل سال ۱۹۵۸ موافقت خود را با ایجاد اتحادیه گراند لژهای آلمانی که عبودیت و برتری و سروری آنان را پذیرفته بودند، اعلام کرد. منشوری که روز ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۸ از طرف فراماسونهای آلمانی صادر شد

تأسیس «اتحادیه گرانند لژهای آلمانی» را به همه سازمان‌های ماسونی وابسته به انگلیس اطلاع داد.

در جلسه‌ای که طی آن منشور مذکور اعلام شد، ۲۶۴ استاد اعظم لژهای آلمانی A.F.A.M. و هشتاد و دو استاد اعظم لژهای سوئدی و هم‌چنین گروهی از شخصیت‌های گرانند لژهای انگلیسی مقیم آلمان حضور داشتند.

این عده پس از اعلام رسمیت اتحادیه گرانند لژهای آلمان، با انتخاب ثودور-ووگل Theodor Vogel بسمت اولین استاد اعظم اتحادیه مذکور موافقت کردند، و بدین ترتیب همه فراماسون‌های آلمانی تابعیت قانون اساسی فراماسونری انگلستان را پذیرفتند، تا بتوانند تحت عنوان «اتحادیه گرانند لژهای آلمان» برای توسعه تشکیلات خود استقلال داخلی داشته باشند.

سرهنگ دوم کورفیلد در پایان گزارش خود، درباره «فراماسونری انگلیس در آلمان» می‌نویسد: در خاتمه این گزارش می‌بایستی جمله‌ای از برادر پرنس رویال فریدریک ویلهلم، استاد اعظم و سرور بزرگ گرانند لژ پروس را یادآوری کنیم. گرانند لژ متحده آلمان، بلافاصله با گرانند لژهای زیر تماس دائم برقرار کرد و موفق شد اتحاد و همبستگی با آنها پیدا کند:

۱- گرانند لژ بزرگ مشرق هلند

۲- گرانند لژ لوکزامبورگ

۳- گرانند لژ بنایان قدیمی (آزاد و پذیرفته شده از اتریش)

۴- گرانند لژ الینا سویس

۵- گرانند لژ بلژیک

۶- گرانند لژ اوریان ایتالیا

هم‌اکنون سازمان‌های فراماسونری «اتحادیه گرانند لژهای آلمان» - بموجب

مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۶ بدین شرح می‌باشد:

- ۱- سازمان اتحادیه گراند لژهای آلمان برای فراماسونهای آلمانی
- ۲- تشکیلات استادان اعظم
- ۳- تشکیلات ماسونی سناتورها
- ۴- سازمان‌های اداری
- ۵- گراند لژ آلمان
- ۶- سازمان تشکیل جلسات برای اخذ تعلیمات عالیه
- ۷- گراند لژهای محلی
- ۸- گراند لژ مملکتی
- ۹- عالیترین تشکیلات گراند لژ محلی
- ۱۰- تشکیلات فراماسونری حومه‌ها
- ۱۱- تشکیلات بزرگ محلی
- ۱۲- گراند لژ ملی مادر

Grosse National mutter loge zu Den Drei Weltkugeln.

- ۱۳- سازمان اداره لژها و فراماسونهای اتحادیه گراند لژهای آلمان
 - ۱۴- لژهای آلمانی خارج از اروپا که به زبان آلمانی کار می‌کنند .
- اتحادیه گراند لژهای آلمانی در خاورمیانه در اسرائیل و ترکیه لژهایی دارند که بازبان آلمانی کار می‌کنند . در اسرائیل در شهرهای حیفا - اورشلیم - تل اویو - منار ایاح و در ترکیه سه لژ آلمانی است که در شهر استانبول کار می‌کنند.
- در خاتمه معرفی سازمان‌های فراماسونی در آلمان بی‌مناسبت نیست که یکبار دیگر گزارشی را که گراند ماستر لژ نظامیان انگلیس در ایران (روشنائی در ایران) برای سرگرد بتیستای امریکائی (مأمور جمع‌آوری اطلاعات در ایران ۱۹۶۴) و سایر افسران نظامی لژ نظامیان امریکا در ایران (ایران چاپتر ۴۶۱) در کلوب افسران امریکائی خوانده است ، نقل کنیم . در این گزارش ، آنچه که سرهنگ

دوم «کورفیلد» انگلیسی در مجله ارکان فراماسونری انگلند نوشته ، مورد تأیید قرار گرفته و چنین گفته شده است :

«پس از جنگ اخیر دو گراند لژ جداگانه در آلمان به وجود آمد که هیچکدام از آنها از طرف گراند لژهای اسکاتلند ، یا گراند لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی شدند و دلیل آن هم این بود که این دو گراند لژ آلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند . اما پس از مذاکرات زیادی که بین خود آنها از یک طرف و بین آنها و گراند لژهای اسکاتلند، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر صورت گرفت، این دو گراند لژ اختلافات خود را حل کردند و با یکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب گراند لژهای متحده آلمان بوجود آمد . اکنون گراند لژهای متحد آلمان، از طرف گراند لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه برسمیت شناخته می شوند و با آنها روابط مودت آمیز دارند، و بدین ترتیب می بینیم که افسران نظامی ممالک غرب چگونه در لژهای فراماسونیزم جهان نفوذ دارند و اگر اشتباه نکرده باشیم باید بگوئیم که سلول های ماسونیزم جهانی با فعالیت های نظامیان (جهان غرب) بی ارتباط نیستند و بنابراین جا دارد که مردم وطنخواه از این شبکه های مخفی و اعمال و کردار و پنهانکاری آنان وحشت داشته باشند . !!

تشکیل لژهای آلمانی در ایران

نخستین فراماسون ایرانی که ب فکر تأسیس و ایجاد لژهای تابع گراند لژهای آلمانی در ایران افتاد ، دکتر تقی اسکندانی بود . وی که تحصیلات عالی خود را در دوران زمامداری نازی ها در آلمان هیتلری پیاپی رسانیده بود ، از آن گروه میهن پرستانی است که «وطنپرست افراطی» نامیده می شوند . اسکندانی بیست و هفت سال قبل وارد خدمات دولتی شد و دوپست مهم دولتی او، مدیریت عامل شرکت نساجی ایران و مدیریت شرکت برق تهران بود، که در هر دو مقام با اداره مقتدرانه امور لیاقت و کاردانی خود را نشان داد . دکتر مهندس تقی اسکندانی که در آلمان

وارد لژ فراماسونری شده بود ، در ایران بارانمائی یکی از دوستان خود به لژ همایون پیوست .

دکتر اسکندانی از فعالیت در این لژ نه تنها خاطره خوبی ندارد ، بلکه اصول تشکیلات آنرا غیر صحیح می‌داند. خود او می‌گوید: «وقتی از آلمان بایران آمدم با مرحوم حکیمی و آقای تقی‌زاده تماس گرفتم. بآنها گفتم فراماسون هستم و می‌خواهم لژ فراماسونی در ایران تشکیل بدهم . آنها گفتند فعلا که زمینه ترویج این فکر در ایران آماده نیست . بعلاوه عده‌ای دور هم جمع شده‌اند و لژی تشکیل داده‌اند که از چگونگی کار و نحوه فعالیت آنها بی‌اطلاعم . بارانمائی این آقایان بایکی از مقامات مؤثر لژ مذکور تماس گرفتم . در اولین ملاقات با علائم و نشانی‌هایی که محمدخلیل جواهری داد، فهمیدم که او نیز ماسون است، و وارد تشکیلات لژ همایون شدم . در روزهای اول ، هنگام ورود به لژ ، جواهری به من گفت چون تو در آلمان بوده و عضویت لژهای دیگر راداشته‌ای، باید فلان مبلغ را به اضافه هزینه تلگرافی که برای تحقیق درباره شما مخابره کرده‌ایم ، بپردازید . علاوه بر این هنگام گردانیدن کیسه خیریه ، هر چه می‌توانستند از اعضاء پول می‌گرفتند . در حالیکه سنت فراماسونیزم، اینست که ماسون‌ها هر قدر می‌توانند ، کمک می‌کنند، نه اینکه مجبورشان کنند که هر چه در جیب دارند بپردازند ! وقتی وضع داخلی لژ همایون را چنین دیدم، مشاهداتم را برای آقایان حکیمی و تقی‌زاده نقل کردم. آنها خندیدند و گفتند ما هم از این تشکیلات خبرهائی داریم، ولی خود هیچگونه تمایل و علاقه‌ای بکار آنها نداریم . اما با آنان نیز مخالفت و مبارزه‌ای نمی‌کنیم .

چند ماهی در لژ کار می‌کردم ، تا اینکه برای انجام مأموریتی مجبور به مسافرت رضائیه شدم . طبق رسوم قدیمی و دیرینه ماسون‌ها ، موضوع و مقصد مسافرت را به اطلاع جواهری استاد اعظم لژ رسانیدم. ولی ایشان به من گفتند، فعلا دو هفته‌ای مسافرتان را به عقب بیا نوازید. پرسیدم چرا و به چه دلیل؟ او در جواب گفت «بزودی یکی از مأمورین اینتلیجنس سرویس به تهران می‌آید و می‌خواهد تو



«دکتر محمد تقی اسکندانی دبیر بزرگ سرانند نژاد مستقل ایران»

را ملاقات کند. از شنیدن این جمله بشدت بر آشفتم، لذا با اینکه در آن اطاق عده‌ای نشسته بودند و جواهری آهسته و درگوشی این مطلب را عنوان کرده بود، با صدای بلند گفتم، من چه ارتباطی با اینتلیجنس سرویس دارم؟ چرا باید با اینتلیجنس سرویس مرتبط باشیم؟ من سال‌ها در تشکیلات فراماسونی آلمانی فعالیت می‌کردم، در آنجا جز خدمت بمردم و کمک به توسعه آزادی و برادری و سایر امور خیریه کار دیگری نمی‌کردیم ولی حالاً می‌بینم شما، مطالبی عنوان می‌کنید که بهیچوجه ارتباطی با ما سونیزم ندارد.

این جملات اعتراض آمیز من ، سبب دخالت چند نفر دیگری که حضور داشتند ، شد و آنها هم در بحث مشارکت کردند . ویکی دو نفر که از ذکر نامشان معذورم، گفتند : عصبانیت شما بیهوده است ، ما هم چنین ملاقات‌هایی کرده‌ایم ... به آنان جواب دادم ، شما هم کار غلط و نادرستی کرده‌اید، من حاضر نیستم در چنین اجتماعی شرکت کنم !

بعد از مراجعت از سفر، يك شبدر اجتماع باشگاه حافظ، درباره فراماسونی در سوئیس و نحوه کار و فعالیت آنها سخنرانی مفصلی ایراد کردم که با اعتراض جواهری مواجه شد. او گفت ما نمی‌خواهیم فراماسونی سوئیس را سرمشق کار خودمان قرار بدهیم . ما با فراماسونی انگلیس بستگی داریم و عبودیت و سروری آنها را پذیرفته‌ایم . این گفتگوها و مشاجرات ، سبب شد که برای همیشه از لژ همایون کناره‌گیری کنم . بعدها شنیدم که دکتر غلامرضا کیان نیز اولین ناطقی بوده ، که علیه بعضی از عملیات انجام شده در لژ همایون سخنانی ایراد کرده است . پس از اینکه از لژ همایون کناره‌گیری کردم ، بار دیگر با آقای تقی‌زاده تماس گرفتم . و از آن روز تا کنون مرید ایشان هستم .»

در فصول پیش‌چگونگی انحلال لژ همایون و تشکیل لژ **تشکیل لژهای** های وابسته به اسکاتلند و فرانسه را به تفصیل بیان کردیم.
آلمانی در برجیده شدن لژ همایون، مرحوم حسین علاء نقش مؤثر و درجه اول را داشته است و او را باید در این اقدام پیشقدم بدانیم . مرحوم علاء در این باره به نویسنده گفت : ابتدا تصور می‌کردم لژ همایون برای پیشرفت مرام و مقصد ماسونیزم بوجود آمده است . به همین جهت هرگاه محمد خلیل جواهری استاد اعظم لژ مذکور ، مراجعه‌ای می‌کرد ، بدون مضایقه او را کمک و یاری می‌کردم . زیرا او را بدون تردید فراماسون وابسته به یکی از لژهای معتبر می‌شناختم . ولی متأسفانه باید بگویم که او وعده زیادی از یارانش که اکنون در لژهای انگلیسی و فرانسوی فعالیت دارند و حتی مقامات عالی‌رتبه را عهده‌دار

شده‌اند، راه‌های غلطی در پیش گرفته بودند. آنان نه تنها در اجرای هدف‌های ماسونیزم نمی‌کوشیدند، بلکه اعمال و افعالی انجام می‌دادند، که حتی تکرار آنها برای من و هن‌آوراست. ارتباط‌هایی که در این لژ با فراماسونهای خارجی برقرار شده بود، برای من که همیشه به این مملکت عشق می‌ورزم و بارها نشان داده‌ام که در راه سربلندی واقعی میهنم در صفاول پیکار بوده‌ام، ناراحت کننده بود. بعد از آنکه همه موجبات انحلال لژ همایون آماده شد، من در ازهم‌پاشیدن سازمان مذکور پیشقدم شدم و خوشبختانه در این کار توفیق حاصل کردم.

بامتلاشی شدن لژ مذکور و تقدیس و تأسیس لژهای دیگر، مکرر از طرف شخصیت‌های فراماسونی ایران، بمن مراجعه شد که در یکی از سازمان‌های آنها شرکت جویم. ولی بعللی که باسلیقه و نظر شخصی‌ام ارتباط دارد، حاضر نشدم با آنها همکاری کنم. تا اینکه از طرف چند نفر از شخصیت‌های قابل اعتماد فراماسون، پیشنهاد تأسیس لژی که با دوسازمان ماسونیزم انگلیس و فرانسه بستگی نداشته باشد، عنوان شد. بعد از اینکه شش نفر از استادان ماسونیزم ایران، باهم برای تأسیس لژهای آلمان در ایران توافق کردند، با آنها هم عهد شده و فعالیت را که متأسفانه نمی‌توانم جزئیات آنرا افشاء کنم و یا نام برادرانم را بگویم، آغاز کردیم.

مرحوم علاء پس از اینکه با وساطت یکی از وزرای کابینه‌اش این مطالب را برای نگارنده شرح داد، قول گرفت که عین جملات ایشان را منعکس کنیم و بنویسم و پس از اینکه یادداشت‌های تنظیم شده را مجدداً خواندند و تصویب کردند آنها را نقل کنیم. دوروز بعد از این ملاقات، آنچه را که گفته بودند، روزی کاغذ سفیدی نوشته به همان وزیر کابینه‌اش دادم تا بنظر وی برساند. مرحوم علاء بعد از خواندن جملاتی که گفته بودند، در روی چند کلمه بامداد قرمز خط کشیدند ولی حاضر نشدند ذیل ورقه اظهارات را امضاء کنند. ایشان به همان وزیر کابینه گفته بودند «گفته‌شاهی‌ام از امضای من معتبرتر است»

با این مقدمات، نخستین لژ فراماسونی بنام «مهر» بنا به تقاضای
تشکیل سه لژ دیگر هفت استاد فراماسونی تشکیل شد. هفت استاد تقاضاکننده
 عبارت بودند از:

حسین علاء - سیدحسن تقی زاده - مختارالملک صبا - عبدالله انتظام - دکتر
 تقی اسکندانی - ابوالحسن حکیمی اتباع ایران و «فوگل» تبعه آلمان.
 این هفت استاد ماسونی ابتدا از لژ «الپینا»ی سویس تقاضا کردند تا اجازه
 تشکیل لژی بنام «مهر» تابع قانون اساسی این گراند لژ مستقل و آزاد سویسی را
 بآنها بدهند. ولی لژ «الپینا» سویس بآنها اطلاع داد که نمی تواند با این تقاضا موافقت
 کند، زیرا گراند لژ مذکور منحصراً در سویس فعالیت داشته و باهیچیک از سازمان
 های فراماسونی جهانی بستگی ندارد.

در نتیجه هفت استاد مذکور از سازمان فراماسونی آلمان که «لژهای متحده
 آلمان» نامیده می شد، تقاضای تشکیل لژی را که وابسته به آنها باشد نمودند.
 سازمان ماسونی مذکور بلافاصله با این تقاضا موافقت کرد و اولین قدم این هفت نفر
 تشکیل يك سازمان نیمه مخفی بنام «کلوپ ماسونیک» بود. بطوریکه قبلاً گفته
 شد، فراماسونها قبل از اعلام رسمیت و یا بعد از آغاز بکار و فعالیت، سازمان های
 نیمه مخفی تشکیل می دهند و در زیر نام «کلوپ»، «انجمن» و «جمعیت» بکار می پردازند
 این هفت استاد نیز که می خواستند بدون اتکاء و یا قبول تابعیت لژهای انگلیسی و
 فرانسوی تشکیل جلسه دهند ابتدا سازمانی بنام «کلوپ ماسونیک» تشکیل دادند
 و چند نفری را نیز که می خواستند بلافاصله به عضویت بپذیرند بعنوان اعضای اولیه
 وارد مجمع خود کردند. سازمان فراماسونی آلمان با اعلام قبولی تشکیل لژ مهر
 در ایران منشور تأسیس لژ را صادر کرد و به اصطلاح ماسون ها «نور» از آلمان
 بایران آورده شد و روز هفدهم بهمن ۱۳۳۸ لژ مهر در ایران تشکیل گردید.

همینکه چند ماهی از آغاز فعالیت لژ مهر گذشت، وعده اعضای این لژ بحد
 نصاب رسید، مرحوم حسین علاء بنام «اولین استاد اعظم» این لژ انتخاب شد و

تشریفات انتصاب او با برگزاری همه آئین‌ها و مقررات لژهای آلمانی صورت گرفت. دبیر این لژ ایتدادکتر تقی اسکندانی بود، و بعد از تشکیل گراند لژ مستقل ایران، وی بسمت «دبیر بزرگ» گراند لژ مذکور انتخاب گردید که تا امروز نیز همین سمت را دارد.

استقبالی که يك طبقه خاص، یعنی روشنفکران ایرانی از سازمان جدید-التأسیس مذکور نمودند، باعث شد، فکر تشکیل لژ دیگری که در آن ایرانیان «آلمانی زبان» و «آلمانیهای مقیم تهران» عضویت داشته باشند. بوجود آید. این لژ که «آفتاب» نامیده می‌شود، در آن ایرانیان و آلمانی‌ها فعالیت داشتند و استادی آن با «فوگل» آلمانی بود. پس از تشکیل این دو لژ و ثبت نام و مشخصات آن در دفاتر فراماسونی جهانی، لژهای انگلیسی و فرانسوی که در ایران فعالیت می‌کردند، آنها را به رسمیت شناختند و درهای محافل خود را بروی اعضای آن گشودند. زیرا بطوریکه قبلاً گفته شد، لژهای متحده آلمان هم پس از قبول «عبودیت و سروری و برتری» لژهای انگلیسی در سازمان‌های ماسونی جهان به رسمیت شناخته شده بودند و آمیزش و ارتباط با آنها را قانونی اعلام کردند. بنابراین لژهای انگلیسی و فرانسوی در ایران نیز این لژها را به صورت لژ با قاعده شناختند و حتی در تشکیل «لژ تهران» که در روز پانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۷ در کلیسای انجیلی تهران واقع در خیابان قوام السلطنه تقدیس و تأسیس شد، شرکت داشتند. علاوه بر آن در یکی از جلسات این لژ دکتر تقی اسکندانی سخنرانی بسیار جالبی تحت عنوان «آئین باستانی و بزرگ بنایان آزاد در جهان و کشورها» ایراد کرد.

فراماسونی آلمان که از پیشرفت سریع دولژمهر و آفتاب راضی شده بود، به هیئت رهبری این دو لژ اجازه داد تا لژ دیگری نیز تأسیس کنند. این لژ که «ستاره سحر» نامیده شد و در ردیف لژهای متحد آلمان در جهان در ردیف ۸۶۷ ثبت شده است، بزودی دارای چهل عضو شد و استادی آن به مهندس شریف امامی

واگذار گردید ، مهندس شریف امامی که در مدت سه ماه عضویت در لژ آفتاب ، از عضویت ساده به درجه استادی و حتی استاد ارجمند ترقی کرده بود ، بزودی در رأس لژ «ستاره سحر» قرار گرفت .

پس از تشکیل این سه لژ ، سازمان فراماسونی آلمان موافقت خود را با تأسیس گراند لژی از سه لژ (مهر - آفتاب - ستاره سحر) اعلام کرد . تشکیل فوری «گراند لژ ایران» بتدریج به اهمیت این سازمان فراماسونی افزود ، بخصوص که کارگردانان و هیئت رهبری آن ، سعی داشتند ، بیشتر آداب و رسوم و ریتول‌های داخلی محافل را تغییر داده به آن شکل ایرانی بدهند . مثلاً در لژهای انگلیسی فرانسوی ، امریکائی ، مجسمه‌هائی از موسی - مسیح - سقراط - بقراط - آبراهام لینکلن و غیره می‌گذارند و آنها را ستایش می‌کنند . ولی در لژهای فراماسونی گراند لژ فوق‌الذکر ، تمثال حضرت علی علیه‌السلام را نصب می‌کنند و ابیات مثنوی مولوی را می‌خوانند . این تغییرات که مرحوم حسین علاء در بوجود آوردن آن مؤثر بود ، بتدریج سبب مخالفت لژهای انگلیسی و فرانسوی و سنت پرستان با این لژها شد . لژهای انگلیسی سعی داشتند با ورود در جلسات لژهای (مهر - آفتاب - ستاره سحر) ، افکار و نظرات و ریتول‌ها و تشریفات ماسونی خود را در این محافل رواج دهند . اما آنان حاضر به نزدیکی و همکاری نمی‌شدند ، تاجائیکه استاد اعظم لژ روشنائی ناچار از شکوه و شکایت بخاطر بی‌اعتنائی هیئت رهبری و استادان اعظم لژهای آلمانی شد . اودریک گزارش رسمی چنین می‌نویسد: «... رفتن ما به لژهای آلمانی از لحاظ رسمی مانعی ندارد ، ولی به نظر من رفتن ما به آنجا مطلوب نیست ، زیرا که تا کنون خود آنها تمایلی باین امر نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی نپیوسته‌اند»^۱ استاد اعظم لژ سپس اظهار امیدواری می‌کند: «... امیدوارم که بزودی موافقت خود را برای پیوستن به کمیته مرکزی ، با جمعیت کامل فراماسونری اعلام دارند»^۲ .

۱ - گزارش ۱۹ اپریل ۱۹۶۲ - لژ روشنائی به لژ افسران امریکائی .

۲ - ایضاً همین گزارش .

پنج سال بعد از اینکه، لژهای آلمانی فعالیت خود را
اعلام استقلال آغاز کردند و گراند لژی تشکیل دادند، در یکی از جلسات
و خود مختاری عمومی «لژهای متحد آلمان» که دکتر تقی اسکندانی،
 شرکت کرده بود، موضوع «استقلال و خودمختاری» گراند
 لژ مستقل ایران مطرح شد. اسکندانی، دبیر بزرگ گراند لژ مستقل ایران از
 «تئودور ووگل» خواست تا موافقت هیئت مدیره و استادان لژهای متحده آلمان
 را با اعلام استقلال کسب کند. او ضمن توضیحات حضوری علاقه هیئت رهبری گراند
 لژ ایران را به عدم همبستگی لژهای سه گانه (مهر - آفتاب - ستاره سحر) ابراز
 کرد و از او خواست تا اجازه داده شود که این گراند لژ بطور خود مختار و مستقل
 عمل کند، همچنانکه بعضی از گراند لژهای دیگر در کشورهای مختلف عمل
 می کنند. سرانجام در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۰ لژهای متحده آلمان، استقلال سه لژ فوق الذکر
 و گراند لژ مستقل ایرانی را اعلام کردند و در مجله Die Bruderschaft موافقت
 این لژها با استقلال و خود مختاری آنان اعلام شد.

یکسال بعد از این که لژ مذکور مستقلاً فعالیت کرد، در بلژیک «کنوان»
 لژهای متفق و متحد «لژهای متحده آلمان» تشکیل شد و طبق دعوت هیئت مدیره
 کنوان چند نفر بنماینده گراند لژ ایران در این جلسه شرکت کردند. در اولین جلسه
 نامه ای را که به امضای سه نفر از اعضای کرسی لژ ستاره سحر رسیده بود،
 بنمایندگان ایران نشان دادند. در این نامه سناتور مهندس شریف امامی - سناتور
 اشرف احمدی - سناتور امیر حکمت به استاد اعظم لژهای متحده آلمان اطلاع
 داده بودند که با موافقت سی و هفت نفر از اعضای لژ ستاره سحر، آمادگی خود را
 برای الحاق و همبستگی مجدد به «لژهای متحده آلمان» و خروج از گراند لژ ایران،
 اعلام می داریم. این چهل نفر در نامه خود به استاد اعظم لژهای متحده آلمانی نوشته
 بودند که کماکان مشتاق همبستگی و الحاق به ماسونی جهانی هستند و نمی خواهند
 در گراند لژ مستقل ایران باقی بمانند. در حالیکه همان وقت دو لژ دیگر یعنی

(مهر-آفتاب) که «ووگل» و حسین علاء استاد اعظم آنها بودند، همچنان در گرانلدز مستقل باقی بودند. استاد اعظم لژهای متحده آلمان بنمایندگان ایران می‌گوید: «چنانچه موافقت کنید، امضاءکنندگان را از این لژ اخراج کنیم، زیرا عمل آنها با انضباط و سنت ماسونی مغایرت دارد» نمایندگان ایران پاسخ می‌دهند که فعلا، هیچگونه تصمیمی اتخاذ نشود تا در تهران با «استاد اعظم» مذاکره بعمل آید و تصور نمی‌رود وی هم با این اقدام موافق باشد.

پس از مراجعت نمایندگان اعزامی به «کنوان» بلژیک، **اخراج از سازمان** گزارش کاملی درباره تقاضای چهل نفر فراماسون عضو ستاره **جهانی ماسونیزم** سحر، از طرف آنان به حسین علاء استاد اعظم سه لژ (مهر آفتاب - ستاره سحر) تسلیم شد. مرحوم علاء از هیئت رهبری گرانلدز تقاضا کرد تا درباره این تقاضای: (شریف امامی - امیر حکمت - اشرف احمدی) و سی و هفت عضو دیگر لژ ستاره سحر نظر قطعی بدهند. هیئت رهبری گرانلدز مستقل ایران نیز، پس از چند جلسه مذاکره سر انجام با جدائی همه اعضاء لژ ستاره سحر موافقت کرد.

در همین ایام «استراکر» بنیان‌گذار لژهای فراماسونی انگلیسی، برای تأسیس و تقدیس یک لژ انگلیسی بتهران آمد. او طی چند جلسه مذاکره با هیئت رهبری گرانلدز مستقل ایران، با آنان پیشنهاد الحاق یکی از گرانلدزهای وابسته به انگلستان را کرد، ولی هیئت رهبری با این تقاضای مؤسس لژهای انگلیسی در ایران موافقت نکرد. در نتیجه وی به گرانلدزهای فرانسوی و انگلیسی در تهران دستور داد تا ارتباط همه جانبه خود را با اعضای لژهای (مهر-آفتاب) قطع کنند. بعد از مراجعت استراکر به انگلستان، سازمان فراماسونری آلمان نیز بدستور گرانلدزهای فراماسونری انگلستان، همه ارتباطات خود را با این دولز قطع کرده و به حسین علاء اطلاع داده شد که از این پس در سازمان های فراماسونی جهانی لژهای آنها (غیر قانونی) شناخته می‌شود.

هیئت رهبری این «لژ» بلافاصله دولتر دیگر بنام‌های «وفا» و «صفا» تشکیل دادند و باقیمانده آثار «عبودیت» لژهای جهانی را هم از خود دور کردند. اینان که جلسات خود را در محل انجمن اخوت تشکیل می‌دهند، نام محل تشکیل جلسات خود را «معبد» و «کارگاه» گذاشته و کسانی را به عضویت می‌پذیرند که قبلاً با سازمان جهانی ماسونیزم پیوندی، نداشته باشند. و بدین ترتیب تا امروز بفعالیت خود ادامه می‌دهند.

انشعاییون عضو لژ «ستاره سحر» پس از اینکه از طرف اتحادیه **دولتر آلمانی** «لژهای آلمان» بر سمیت شناخته شدند، مستقیماً ارتباط **ستاره سحر - ناهید** خود را با مرکز این سازمان جهانی برقرار کردند. **چهل** نفر مذکور و هم‌چنین لژ تابعه آنها در ایران نیز مورد تأیید لژهای انگلیسی و فرانسوی قرار گرفت و پس از اعلام استقلال، حق آمدورفت در لژهای فعال ایران، بآنان داده شد.

اتحادیه لژهای آلمانی نام لژ «ستاره سحر» را در ردیف لژهای جهانی خود به شماره ۸۶۷ و سال تأسیس آنرا ۱۹۶۰ ثبت کرد. در سالنامه اتحادیه مذکور آدرس لژ را: تهران - خیابان تخت جمشید شماره ۱۶۴ و تلفن مأمور ارتباط و واسطه را سناتور امیر حکمت ۸۱۹۶۴ معرفی کرده است. در سالنامه سال ۱۹۶۴ سه رهبر این لژ را:

- ۱ - سناتور مهندس شریف امامی با تلفن‌های ۴۲۰۵۵-۸۱۹۹۴
 - ۲ - ابوالحسن معدل - تجریش - خیابان ملک پور نمره ۸۷ تلفن ۸۵۲۳۳۸
 - ۳ - قاسم لاجوردی - خیابان ژنرال زاهدی نمره ۶۸ تلفن ۴۰۷۶۵
- در لژ «ستاره سحر» این‌عده از افراد مشهور و مؤثر در انشعاب معرفی شده‌اند:

- ۱ - مهندس شریف امامی - رئیس مجلس سنا
- ۲ - سناتور دکتر علی امیر حکمت
- ۳ - سناتور اشرف احمدی



این تصویر درتالار علنی مجلس سنا در لحظه‌ای که دکتر سعید مالک رئیس سنی مجلس سنا ، انتخاب ریاست سنارا به شریف امامی تبریک می‌گوید ، برداشته شده است

۴ - عباس آرام وزیر خارجه سابق و سفیر کبیر ایران در لندن

۵ - قدس نخعی وزیر دربار اسبق و سفیر کبیر ایران در واتیکان

۶ - دکتر سید مهدی پیراسته سفیر کبیر ایران در بلژیک

۷ - سناتور مطیع الدوله حجازی

۸ - همایون بهادری

۹ - ابوالحسن معدل عضو شرکت نفت

۱۰ - قاسم لاجوردی - بازرگان

۱۱ - دکتر شفیع امین وکیل مجلس شورایی ملی

اسامی سایر اعضای این دولتر و منشعبین و هم‌چنین شرح اقدامات و فعالیت های آنان در جلد چهارم این کتاب به تفصیل خواهد آمد .

هیئت رهبری لژ «ستاره سحر» با اجازه اتحادیه لژهای آلمانی در سال ۱۹۶۴ لژ دیگری بنام «ناهید» تشکیل دادند . مشخصات این لژ که از لژهای تابعه «ستاره سحر» معرفی شده :

تهران - قلهک خیابان امیر حکمت نمره ۳-۸۰ - دکتر علی امیر حکمت
تلفن ۸۱۱۳۱ می باشد.

اکنون که از تشکیل لژهای آلمانی ، انشعاب و استقلال و الحاق مجدد دولتر به سازمان های ماسونی جهانی آگاه شدیم ، به معرفی دو استاد اعظم مادام العمر گراند لژ مستقل ایران ، می پردازیم :

نخستین استاد اعظم نخستین استاد اعظم گراند لژ مستقل ایران ، حسین علاء سیاستمدار مشهور ایران بود. وی که از زیست سالگی تاروژی که بدرود حیات گفت صاحب مشاغل مختلف و حساس مملکتی بود در امریکا سازمانهای فراماسونی پیوست. حسین علاء که بلافاصله پس از خاتمه تحصیل وارد کارهای دولتی شده بود فقط تا یکسال بعد از تاجگذاری اعلیحضرت فقید ، رضاشاه کبیر شغل و مقام دولتی نداشت . ولی از آن پس مرتباً شاغل مقامات گوناگون ، از جمله مدتها سفیر کبیر ، وزیر ، و صاحب مقام های عالی دیگر دولتی بود .

حسین علاء در تمام دوران فعالیت سیاسی و اجتماعی خود - پس از بازگشت به ایران با تقی زاده ، حکیم‌الملک و سایر فراماسونهای متنفذ و سرشناس مملکتی ارتباط دائم داشت و بایاری و همفکری آنان امور مملکتی را اداره می کرد .

حسین علاء قبل از اینکه در لژ مهر و گراند لژ مستقل ایران بدریافت مقام «استاد اعظم» نایل شود از لژ ایده آل جهانی صاحب عالیترین عنوان یعنی مقام فراماسونری «مادام‌العمر» شده بود. نامه‌ای که وی در روز ۲۲ اوت ۱۹۵۱ در جواب استاد اعظم این لژ نوشته عیناً نقل می شود :



حسین علا، نخستین استاد اعظم
لژ مستقل ایران

تهران ۲۲ اوت ۱۵۹۱

عالیجناب آقای حنا بی راشد استاد بزرگ با عنوان مادام العمر ، لژ ایده آل
جهانی قاهره .

آقای جواهری ، منشی سازمان جهانی ایده آل در تهران نیت محبت آمیز
شمارا در مورد اعطای عالیترین درجه ماسونری به اطلاع من رسانید .

ضمن سپاس از قصد التفات آمیز شما خاطر نشان می سازم که این افتخار بزرگی
را که نصیب من می سازید قبول می کنم و همکاری برادرانه خود را اعلام می دارم و
متذکر می گردم که انتظار دارم از نقطه نظرهای عاقلانه و برادرانه ماسونری شما
استفاده می برم و سعی می کنم مستقیماً وظایف خود را انجام داده و به ایده آل خود

و به صلح، آزادی، برادری و برابری خدمت کنم. استاد بزرگ امیدوارم صمیمانه-ترین احساسات برادرانه مرا و همچنین احترامات فائقه‌ام را بپذیرید. حسین علاء بطوری که پرویز صدیقی منبشی مخصوص مرحوم علاء اظهار می‌داشت جواب نامه فوق را که به زبان فرانسه تهیه شده، امیر عباس هویدا که از دوستان و افراد مورد علاقه حسین علاء نخست‌وزیر وقت بود انشاء و نوشته است. این نامه که روز ۳۰ اوت ۱۹۵۱ در قاهره به استاد اعظم لژ ایده آل جهانی رسید، در دفتر لژ با شماره ۹۹۸ به ثبت رسیده است و فتوکپی آن در سفر سال ۱۳۳۷ شمسی نگارنده به مصر بدست آمد.

دومین استاد اعظم گراند لژ مستقل ایران، سید حسن دومین استاد اعظم تقی‌زاده یکی از بنیان‌گذاران لژهای آلمانی در ایران است. وی که یکی از بازماندگان انقلاب مشروطیت در ایران بشمار می‌رود، نخستین بار در سال ۱۹۰۷-م (۱۳۲۵-ه) وارد لژیون‌های ایران شده و پرونده او در دوسیه شماره ۲۵ کارتن شماره ۵ بایگانی لژ به ثبت رسیده است. بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰، هرگاه در نشریات فارسی زبان و محافل و مجالس سیاسی ذکری از سازمانهای فراماسونری و فراماسونهای معروف ایران می‌شد، نام سید حسن تقی‌زاده در ردیف اول قرار داشت.

چنانچه در سال ۱۳۲۷ که از طرف عباس اسکندری شدیدترین حملات علیه فراماسونها در مجلس شورای ملی صورت می‌گرفت، وی در استیضاح روز سی‌ام دی‌ماه و در جلسه ۱۳۵ مجلس شورای ملی هنگامیکه در باره (نفوذ استعماری بریتانیای کبیر بوسیله فرقه فراماسون در ایران^۱) بحث می‌کند، نام عده‌ای از فراماسونهای ایرانی از جمله (حکیم‌الملک - تقی‌زاده - نجم‌الملک^۲)

۱ - نفت و بحرین یا عباس اسکندری در خدمت مجلس پانزدهم ص ۳۵۵

۲ - در مدت بیست سالی که مشغول تحقیق در باره فراماسونری در ایران بودم، جز در همین استیضاح و نطق عباس اسکندری هیچگاه به نام نجم‌الملک برخورد نکردم.



سید حسن تقی‌زاده فراماسون شصت‌ساله
ودومین استاد اعظم (مادام‌العمر)
گراندلژ مستقل ایران

را می‌برد!

سید حسن تقی‌زاده در جواب عباس اسکندری در جلسه هفتم بهمن ۱۳۲۷
می‌گوید :

« حالا فقط نسبت به آنچه راجع به خودم است جواب مختصری می‌دهم و
با حرف‌های دیگر ایشان که قسمت اعظم آن پاك افسانه بود و بس ، مانند داستان
موهوم فراماسون و حمله به اشخاص صالح درجه اول این مملکت که از ابرار و
اخیار مملکت هستند ، یا قصه‌های جن و پری دیگر کاری ندارم »^۲

۱ - رجوع شود به جلسه روز یکشنبه سوم بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی . همچنین
فصل سی‌ودوم همین کتاب.

۲ - مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه سوم بهمن ۱۳۲۷

با اینکه سید حسن تقی‌زاده در جلسه علنی مجلس
نخستین اشاره به شورای ملی، فراماسونری در ایران را (داستان موهوم)
فراماسونری دانسته و بحث در باره آنرا وسیله «حمله به اشخاص صالح
در ایران درجه اول مملکت» می‌دانند با اینحال خود ایشان در یکی
 از شماره‌های مجله یادگار از فراماسونری یاد کرده و تنها
 راه نجات مملکت را، تشکیل جمعیت فراماسون در ایران می‌داند. وی
 می‌نویسد:

«چهارم تشکیل جمعیتی برای ترویج حیثیت و شرف و راست‌گوئی و اجتناب
 از دروغ و دسیسه و نفاق و خودداری از مبالغه و اظهارات بی‌اساس و بی‌دقتی و
 احتراز از مسامحه و پرهیز از غیبت و نمایی و مخصوصاً ترك مطلق تعارفات بی
 حقیقت رویا روی (که از بدترین مفاسد اخلاقی این ملت است) چه در کلام و عمل
 و چه در کتابت.

اگرچنین انجمنی از مردمان صاحب‌دل و منزله به وجود بیاید و به طور ثابت
 و مستمر گذشته از تبلیغ قولی سر مشق مشهودی به دیگران نشان بدهد قطعاً در
 ایجاد نهضت اخلاقی بی‌اثر نخواهد بود و مانند تأثیر محفل بناهای آزاد در انگلستان
 و فرقه «دوستان» یا «کویکرها» در بنای اخلاقی «انگلند جدید» در مشرق ممالک
 متحده امریکا و همچنین در خود انگلیس انقلاب اخلاقی تدریجی به وجود خواهد
 آورد ... علامت اصلاح اخلاق راست‌گوئی موقوف کردن تعارفات و تملقات رویا-
 روی، تقید شدید به نظم در وقت، حفظ وعده و حضور در سر وقت، حفظ قول،
 سر بلندی و سرفرازی، عدم تلون و تبعیت در عقاید از ارباب نفوذ و ورزش با قدرت
 و ایجاز در کلام و اکتفا به حد لازم است و هر وقت ما اثری از این صفات در جمعی
 از جوانان خود دیدیم بالنسبه امیدوار می‌شویم و البته برای اینکار بهترین وسیله
 تشکیل جمعیت اخوانی است که مراتب حفظ صفات در همدیگر باشند و با تشویق

وا احترام دارندگان صفات و تحقیر و طرد متخلفین^۱،

از جمله اقدامات جالبی که فراماسونهای عضو این گراند **يك اقدام جالب** لژ آنرا بخود منسوب می‌کنند، مصاحبه مطبوعاتی معروف «سید طیب حسین» سفیر کبیر پاکستان در ایران است. طیب حسین که به علت اقامت دو دوره مأموریت چهارساله در ایران، رنگ و خوی ایرانی بخود گرفته بود، از جمله دیپلماتهای پاکستانی است، که تلاش فراوانی برای نزدیکی دو کشور مسلمان ایران و پاکستان بکار برد. وقتی دوران مأموریت وی در ایران پایان می‌یافت، بدوستان ایرانیش گفته بود، که پس از بازنشستگی به ایران باز می‌گردد و بقیه ایام عمرش را در ایران می‌گذرانند. سید طیب حسین که به عضویت لژ فراماسونری «وفا» درآمد بود، پس از اینکه دولت پاکستان در سازمان ملل متحد نسبت به عضویت نماینده بحرین در یونسکورای موافق داد، در صدد برآمد این اقدام زیان بخش دولت متبوع خویش را در ایران ترمیم کند. زیرا پس از آنکه نماینده پاکستان در یونسکو به عضویت بحرین در این سازمان جهانی رأی داد، اولیای دولت ایران در صدد برآمدند که اقدامات شدیدی اتخاذ کنند. طیب حسین که در جلسات داخلی لژ «وفا» و سایر لژهای گراند لژ مستقل ایران، مورد انتقاد قرار گرفته بود، ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه آیندگان، مجمع الجزایر بحرین را جزء لاینفک ایران دانسته و چنین گفت:

«پاکستان بتوصیه های یکی دو دولت برای شناسائی بحرین و ایجاد رابطه سیاسی بازرگانی با این جزیره کوچکترین اهمیتی قائل نیست و کماکان برای رفت و آمدهای خود با بحرین قبلاً با دولت ایران مشورت می‌کنند زیرا پاکستان معتقد است که بحرین قسمتی از خاک ایران است و الحاق آن بخاک ایران از خواسته‌های دولت و ملت پاکستان است»^۲

طب حسین سفیر کبیر پاکستان در تهران به خبرنگار آیندگان گفت «دولت

۱ - مجله یادگار شماره ۱۰ سال پنجم ص ۱۳

۲ - آیندگان شماره ۱۶-۱۴ دیماه ۱۳۴۶

من فقط عنوان خلیج
فارس را برسمیت می
شناسد و در کلیه مکاتبات
خود برای دریای جنوب
ایران از این نام استفاده
می‌کند. و اگر تاکنون
در چند مورد بعضی از
جراید پاکستان به
خلیج فارس نام خلیج
عربی داده‌اند اشتباه
مترجمان آن نشریه‌ها
بوده است که همین
خبر خبر گزاریهای
مقیم کشور های عربی



را نقل کرده بودند و البته در این زمینه پاکستان از دولت ایران معذرت خواسته است،
چندی بعد از این مصاحبه ، یکی از استادان لژ مهر از اقدام طیب حسین
ستایش کرد و تذکرات پی‌درپی برادران فراماسونش را در انجام این مصاحبه مؤثر
دانست . دولت پاکستان نیز از آن پس ، نظر سفیر کبیر خود در ایران را صحیح
دانست و بعدها هم پرزیدنت ایوب خان، سیادت ایران را در خلیج فارس و حقانیت
ایران را نسبت به مالکیت مجمع‌الجزایر بحرین صحیح و اصولی دانست .^۱

۱ - پس از رأی نماینده پاکستان در سازمان یونسکو ، وزارت خارجه ایران ، علیه
این اقدام نماینده هم پیمان ایران «درستو» و «پیمان عمران منطقه‌ای R.C.D» ، اعتراض
کرد . پرزیدنت ایوبخان برای اینکه از حقانیت ایران در مجمع‌الجزایر بحرین آگاه شود،
از سفیر کبیر ایران خواست تا اسناد و مدارك و یا کتاب مستندی که دولت و وزارت خارجه
ایران دارد ، برای او بفرستند . وزارت امور خارجه ایران بعد از مدت‌ها ، کتاب «بحرین»
بزبان انگلیسی ، تألیف دکتر فریدون آدمیت ، دیپلمات بیکار و خانه نشین وزارت خارجه را
برای پرزیدنت ایوبخان فرستاد .

کارگردانان لژهای چهارگانه (مهر - آفتاب - صفا - وفا) برنامه دو ماهه سعی دارند، همه آداب و رسوم و تشریفات متداوله در لژهای جهانی را اجراء کنند. اینان که اکثراً در لژهای خارج از ایران فراماسون شده‌اند، در ایران برای اجرای برنامه‌های منظم و از پیش تعیین شده، سعی فراوان دارند. برای نمونه يك برنامه دو ماهه لژهای فوق را نقل می‌کنیم:

برنامه دو ماهه:

برادرگرامی

برنامه تا آخر دیماه ۱۳۴۶ را بشرح زیر به استحضار می‌رساند:

لژ وفا - تنصیب	۱۳۴۶	۱۱	شنبه
» مهر - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۱۲
» آفتاب - تنصیب	»	»	سه‌شنبه ۱۴
» وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد	»	»	شنبه ۱۸
» صفا - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۱۹
تعطیل	»	»	سه‌شنبه ۲۱
» وفا - سخنرانی	»	»	شنبه ۲۵
» آفتاب - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۲۶
» صفا - تنصیب	»	»	سه‌شنبه ۲۸
تعطیل است	»	»	شنبه ۲ دیماه
» مهر - جلسه اداری	»	»	سه‌شنبه ۵
» وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد	»	»	شنبه ۹
» صفا - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۱۰
تعطیل است	»	»	سه‌شنبه ۱۲
» وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد	»	»	شنبه ۱۶
» آفتاب - ارتقاء	»	»	سه‌شنبه ۱۹

شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۴۶ لژ وفا - تنصیب - شام عمومی در انجمن
سه‌شنبه ۲۶ » » آفتاب - تنصیب
شنبه ۳۰ » » وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد

در صورتی که تشکیل جلسات دیگری ضرورت پیدا کند بموقع توسط دبیر مربوط اطلاع داده خواهد شد .

ساعت شروع جلسات همیشه شش بعد از ظهر می باشد - توجه آن برادرارجمند مخصوصاً علاقمندی و کوشش در حضور موجب کمال امتنان خواهد بود .

کارگردانان و بنیان گذاران لژهای وابسته به اتحادیه لژهای فراماسونهای عضو آلمان ، از نخستین روز فعالیت خود سعی کردند ، در میان چهار لژ گراند لژ طبقه روشنفکر مملکت ودانشگاهیان نفوذ و رسوخ کنند .
مستقل ایران استادان این لژ برای انتخاب اعضای جدید اهمیت خاصی قائل هستند و برای پذیرفتن يك عضو جدید ، مقررات و شرایط دشواری در نظر گرفته اند. چنانچه برای پذیرفتن يك عضو جدید، می بایستی اقداماتی بشرح زیر معمول گردد :

۱ - لژهای فوق الذکر عضو غیر ماسون و در خواست کننده عضویت را (جوینده) می خوانند ، در حالیکه در لژ های تابع انگلیسی ها ، اینگونه افراد را (بیکانه) می گویند .

۲ - هنگامیکه جوینده ای تقاضای عضویت در لژ را می کند و یا يك استاد لژ پیشنهاد عضویت فرد جدیدی را مطرح می سازد، درخواست یا پیشنهاد به يك کمیسیون تحقیق که مرکب از افراد زیرند ارسال می شود :

الف - ناظر اول و راهنمای لژ .

ب - دو برادر عضو

ج - یکی از اعضای هیئت رهبری لژ .

اینده که بموجب آراء جلسه عمومی لژ انتخاب می شوند تقاضای (جوینده)

رامورد بررسی قرار می‌دهد.

۳ - استاد ، ضامن عضو جدید ، باید مسئولیت و ضمانت :

الف - اخلاق و شایستگی

ب - تعهدات مالی

ج - رفتار و درجه اطاعت از دستورات و اوامر را قبول و تعهد کند

۴ - قبل از اینکه قبولی (جوینده) اعلام شود ، بایستی شرح حال او را همراه با سوابق و صفات و مخصوصاً شایستگی وی برای عضویت در جرگه (بنایان آزاد) اعلام کنند .

۵ - تقاضای (جوینده) در شورای صاحب منصبان مطرح می‌شود .

۶ - اگر شورای صاحب‌منصبان لژ که از اعضای هیئت رهبری تشکیل شده است عضویت (جوینده) را رد کرد به استاد معرف و ضامن توصیه می‌کند که پیشنهاد خود را مسترد دارد .

۷ - در صورت قبولی عضویت (جوینده) پیشنهاد استاد ضامن و معرف را به جلسه شاگردان ارجاع می‌کند .

۸ - اگر در جلسه عمومی اعتراضی نشد ، رئیس کمیسیون پذیرش ، به برادر معرف می‌گوید تا مدارک زیر را از عضو جدید بگیرد :

الف - شرح حال کامل خود با ذکر محل سکونت .

ب - مشاغل مختلفی که جوینده داشته است .

ج - رونوشت شناسنامه و ۳ قطعه عکس .

د - تکمیل اوراق پرسشنامه .

۹ - در لژهایی که به‌گراوند لژهای جهانی بستگی دارند ، نسخه‌ای از اوراق هویت (جوینده) و یا (بیگانه) را به زبانی که آن‌گراوند لژ با آن زبان کار می‌کند ، تکمیل کرده و به مرکز لژ می‌فرستند .

قبل از تشکیل گراوند لژ مستقل ایران ، اینگونه اوراق به آلمان فرستاده

می‌شد ولی بعد از اعلام استقلال ، اوراق تکمیلی را به کمیسیون تحقیق فرستاده ، پس از تصویب (استاد اعظم) و قبول عضویت (جوینده) به معرف و ضامن اطلاع می‌دهند که نشریات و اوراق اولیه را در اختیار عضو تازه بگذارند.

در تمام دورانی که این تشریفات انجام می‌شود ، تال‌حظه قبل از ورود (جوینده) به لژ اسم و عکس و شرح حال (جوینده) در معرض اظهار نظر همه فراماسونها قرار می‌گیرد . اما پس از قبولی عضویت جوینده ، کلیه گزارش‌های کمیسیون تحقیق و ضامن قبل از ورود (جوینده) به لژ ناپود می‌شود .

۱۰ - بعد از اینکه همه مراسم انجام و تحقیقات کامل شد ، ابتدا رئیس کمیسیون تحقیق ، جوینده را به جلسه‌ای که خود او و دو عضو دیگر در آن حضور دارند ، دعوت می‌کند و با او به بحث و گفتگو می‌پردازد ، تا بار دیگر صلاحیت و شایستگی او را حضوراً تأیید کنند . در این جلسه مقدماتی پیرامون تشکیلات و هدفهای بنایان آزاد و فراماسونری جهانی را با تازه وارد در میان می‌گذارند . چنانچه او پس از این گفتگوها باز هم داوطلب ورود به جرگه ماسون‌ها بود ، او را وارد لژ می‌کنند و در غیر این صورت موضوع عضویت (جوینده) مسکوت می‌ماند .

۱۱ - چهار هفته قبل از اخذ رأی مخفی ، در جلسه شاگردان ، مشخصات کامل داوطلب در اختیار اعضای جلسه قرار می‌گیرد . هنگام اخذ رأی اگر يك هفتم آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده بود ، درخواست رد شده ، تا يك سال پس از تاریخ اخذ رأی نمی‌توان عضویت او را تجدید کرد .

۱۲ - اگر تازه وارد تا شش ماه برای تنصیب و انجام تشریفات حاضر نشد ، پرونده او به شورای صاحب منصبان فرستاده می‌شود ، تا نسبت به داوطلب نظر بدهند .

۱۳ - در صورت اعلام قبولی همه تشریفات ورود با چشم بسته به تریبی که در فصول جلد اول شرح داده شد - انجام می‌شود.

در گراند لژ مستقل ایران ، برای فرزندان فراماسونهای
مشخصات ۱۲۳ عضو قدیمی به خصوص فرزندان اعضای لژ بیداری ایران اهمیت
 زیادی قائل هستند . شورای استادان و هیئت رهبری ،
 اینگونه افراد را (شیربچه‌گان) می‌نامند و عضویت آنها را بر سایر داوطلبان و یا
 پیشنهاد شونده‌گان مقدم می‌دانند . بدین سبب در بین ۱۲۳ عضو چهار لژ (مهر -
 آفتاب - وفا - صفا) عده‌ای از فرزندان لژ بیداری وجود دارند که از جمله آنها
 فرزندان وثوق الدوله (علی وثوق) و قوام السلطنه (هادی قوام) را بایستی نام برد.
 در بین اعضای چهار لژ فوق‌الذکر که اسامی و مشخصات آنها تا پایان سال
 فراماسونی (۱۳۴۶-۱۳۴۷) بدست آمده است و عیناً نقل خواهد شد ، هفت استاد
 فراماسونی آلمان هستند که به نظر می‌رسد ، این عده از مؤسسين لژ آلمانی‌زبان
 آفتاب (قبل از اعلام خودمختاری) بوده‌اند .

این گروه که هنوز هم نامشان در بین اعضای لژ آفتاب نوشته می‌شود
 عبارتند از :

فن شیالات - شتکل - فوگل - کرمر - لاکروا - مولر - واناشافت .
 علاوه بر اینها دو خارجی دیگر ، یکی « سید طیب حسین » سفیر سابق
 پاکستان در تهران و دیگری (ژوزف بو) تبعه سوریه رانیز بایستی نام برد .
 از ۹ نفر مذکور که بگذریم ، بقیه یکصد و چهار نفر عضو لژهای چهارگانه
 هستند که در بعضی از لژهایش نفر زیر ، در دو لژ عضویت دارند .

- ۱ - نصرالله انتظام و مهندس رضاکیوانی ، در لژهای مهر و وفا
 - ۲ - ابوالحسن حکیمی و ادوارد ژوزف در لژهای مهر و صفا
 - ۳ - عبدالله انتظام و دکتر جمشید مفخم در لژهای وفا و صفا
- بدین ترتیب در چهار لژگراند لژ مستقل ایران تا پایان سال ماسونی ۱۳۴۶-
 ۱۳۴۷ یکصد و بیست و سه فراماسون ایرانی و خارجی به شرح زیر فعالیت می‌کردند:

۱ - لژ مهر ۴۲ عضو

۲ - لژ آفتاب ۳۱ «

۳ - لژ وفا ۳۵ «

۴ - لژ صفا ۱۵ «

اینک به نقل اسامی ۱۲۳ عضو ایرانی و خارجی گرانند لژ مستقل ایران ،
مستخرج از اسناد رسمی دبیرخانه لژ می پردازیم :

لژهای تابع قانون اساسی گرانند لژ ملی ایران

«لژ مهر»

الف :

آزیر - دکتر احمد	آذین فر - حسن
ادیبی - ابراهیم	ابهری - دکتر علی
اصفهانیان - حمید	اصفہانی - دکتر علی اکبر
	انتظام - نصرالد

ب :

بهمن - سیفاله	بختیار - آقاخان
	بیات - پرویز

پ :

پیرنیا - دکتر حسین	پویانی - محمدحسن
--------------------	------------------

ت :

نهرانیان - احمد	تقی زاده - سیدحسن
-----------------	-------------------

ج :

جمال پور - علی	جلیلی - سیدابوالحسن
----------------	---------------------

ح:

حریر فروش - فتاح

حکیمی - ابوالحسن

خ:

خسروانی - دکتر خسرو

د:

دری - محمد

ز:

زرین کفش - علی اصغر

زرین کوب - دکتر عبدالحسین

ژ:

ژوزف - ادوارد

ص:

صبا - نصراله (مختارالملک)

صدرزاده - مهدی

صفا - دکتر ذبیح‌اله

ع:

عرفان - محمود

ف:

فرتاش - دکتر منوچهر

فرشی - محمدحسن

فلاح رستگار - احمد

ق:

قوام - محمد

ک:

کیوانی - مهندس رضا

فرخان - هوشنگ

فرمانفرمائیان - دکتر حافظ

م :

مرشد - دکتر حسن مطیر - محمود

ن :

نجفی عرب - سیف‌الہ نیامیر - کاظم

و :

ورزیدہ - حبیب‌الہ

ھ :

هاکویان - زاون ہمایونفر - ۱ حمد

ی :

یار شاطر - دکتر احسان

« لڑ آفتاب »

الف :

اردافی - خسرو

اسکندانی - دکتر تقی

امیر حکمت - دکتر کیومرث

ب :

بو - ژوزف

ت :

نہرائی - دکتر منوچہر

ج :

جہانداری - کیکاووس

ح :

حکیم زادہ - رضا

ز :

زریاب خوئی - دکتر عباس
زند - دکتر امیر حسن
زند - شاهرخ

س :

سلطان زاده پسیان - دکتر حسینعلی

ش :

شیپلارت - فن فرانتز گئورک (در آلمان) شتگل - والتر (در آلمان)
شیبانی - دکتر احمد علی شیخ الاسلامی - مهندس حسینعلی
شیلاتی - دکتر امیر

ف :

فخر طباطبائی - غلامحسین فوگل - دکتر ثودور (عضو افتخاری)

ک :

کرمر - دکتر گئورک (در آلمان) کورس - حسن

ل :

لاکروا - دکتر هانز ورنر (در آلمان)

م :

ملک اصلانیاں - دکتر امانوئل مولر - بورنر (عضو افتخاری)
میکده - مهندس غلامعلی میکده - فریدون

ن :

نبوی - مهدی

و :

وانشافت - اسکار (در آلمان)

ه :

هربا - گرت (در آلمان)

«لڑ وفا»

الف :

اخوت - محمد
الی - دکتور خان بابا
امینی - ایرج
انتظام - عبداله
انتظام - نصراله

ب :

بجستانی - مهندس کاظم
بهرامی - علی اکبر
بیگلری - احمد علی

پ :

پورنسکی - دکتور رسول

ت :

تاج بخش - منوچهر

ج :

جهانداري - کیکاووس

ح :

حافظی - دکتور مسعود

ز :

زریاب خوئی - دکتور عباس
زرین کفش - علی اصغر

س :

سیاح - حمید

ش :

شاهمیر - مهندس نصرت اللہ

ص :

صبا - نصر اللہ (مختار الملک)
صدوقی - دکتر حسین
صفائی - دکتر جواد

ط :

طباطبائی یزدی - عبداله
طیب حسین - سید

ع :

علا - دکتر فریدون

غ :

غفاری - حسنعلی (معاون الدوله)

ق :

قوام - هادی
قدی - مهندس حسن

ک :

کیوانی - مهندس رضا

گ :

گنجه - مهندس رضا
گوهریان - مهندس ابوطالب

م :

مسعود - قیصر
مشیری - علی
مفخم - دکتر جمشید
ملک مدنی - سید هاشم

و :

وارسته - عباس
وثوق - علی

«لژ صفا»

الف:

اتحادیه - یوسف .
 اردلان - دکتر اسماعیل
 اسدی لنگرودی - نصرت الله .
 امیر ابراهیمی - دکتر جهانگیر .
 امیری - عنایت الله .
 امین - سید جعفر .
 انتظام - عبدالله .

ح :

حکیمی - ابوالحسن .

ژ :

ژوزف - ادوارد .

ش :

شفیعاها

ص

صفائی سمنائی - عبدالعلی

م :

مشکوتی - مهندس محمدولی

مفتح - دکتر جمشید

مفتاح - حسین

مقیم - محمد

ه :

همایونفر - دکتر علی اصغر

آئین نامه لژ مهر

لژ مهر که در هفدهم بهمن ۱۳۳۸ در تهران تأسیس شده بود، پس از اینکه استادان فراماسونی آلمان، منشور تأسیس لژ را که بآن «نور» می‌گویند به ایران آوردند، نخستین کار مهمی که لژ مهر انجام داد، تهیه آئین‌نامه‌ای برای لژ مذکور و سایر لژهایی که از آن پس تشکیل می‌شد، بود. تهیه این آئین‌نامه پنج ماه به طول انجامید و چون پایان آن مصادف با تعطیلات لژها بود، قرار شد، در آغاز سال ماسونی بعد (شهریور ۱۳۳۹ - خرداد ۱۳۴۰) مطرح شود. در نتیجه آئین‌نامه مذکور در جلسه عمومی شاگردان در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید. در آن روز استاد لژسید حسن تقی‌زاده و دبیر لژ غلامعلی میکده بود. پس از تصویب آئین‌نامه مذکور در «جلسه عمومی»، هیئت رهبری آنرا برای تصویب به «شورای اداری لژ بزرگ ایران» فرستاد و این سازمان نیز آئین‌نامه پیشنهادی را به تصویب رسانید و ذیل آن را آقایان عبدالله انتظام با سمت «استاد بزرگ» و تقی اسکندانی با سمت «دبیر بزرگ» امضاء کردند. متن آئین‌نامه لژ مهر که از باقیمانده اوراق يك شرکت مقاطعه‌کاری به دست آمده است^۱، در اینجا عیناً نقل می‌شود:

۱- از يك همکار مطبوعاتی که این آئین‌نامه را در اختیار نگارنده گذارده است، صمیمانه

آئین نامه

لژمهر

در

شرق تهران

مصوب

۱۵ آذر ماه ۱۳۳۹

فهرست آئین نامه

از ماده	تا ماده	
۱	۴	مقدمه
۵	۷	فصل اول - اعضای لژ
۸		فصل دوم - تشکیلات لژ
۹		جلسه استادان
۱۰	۱۳	الف - وظائف تفتیش
۱۴		ب - وظائف اداری
۱۵	۱۶	ج - وظائف قضائی
۱۷		جلسه رفیقان
۱۸	۲۱	جلسه شاگردان (جلسه عمومی)
۲۲	۲۸	استاد لژ
۲۹	۳۰	هیئت رهبری
۳۱	۳۳	- شورای صاحب منصبان :
		وظائف صاحب منصبان
۳۴		قائم مقام استاد لژ
۳۵	۳۶	ناظران

۳۸	۳۷	خطیب
۴۱	۳۹	دبیر
۴۴	۴۲	خزانه‌دار
	۴۵	امین خیریه
	۴۶	برادر راهنما
	۴۷	استاد تشریفات
	۴۸	نگهبان
	۴۹	کتابدار و بایگان
	۵۰	برادر مأمور موسیقی
	۵۱	سرایدار
تا ماده	از ماده	فصل سوم :
۶۴	۵۲	الف - جوینده - تنصیب - عودت - مستعفی
۶۷	۶۵	ب - ارتقاء - اعتلاء
		فصل چهارم - مقررات مالی
۷۶	۶۸	الف - عایدات
۸۰	۷۷	ب - مخارج
۸۴	۸۱	ج - دارائی
۸۹	۸۵	د - حسابداری
		فصل پنجم :
۹۵	۹۰	الف - تخلف - کیفر
	۹۶	ب - قدردانی
۹۹	۹۷	ج - استعفا
	۱۰۰	د - انحلال
۱۰۲	۱۰۱	ه - مقررات نهائی

مقدمه

ماده ۱ - لژ مهر که در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۳۸ در شرق تهران تأسیس شده است تابع لژ بزرگ ایران می‌باشد .

ماده ۲ - بر طبق اساسنامه لژ بزرگ ایران اعضای این لژ آئین بنائی آزاد را از روی اصول موسوم به «سن‌ژان» در سه رتبه شاگردی رفیق و استادی مجری می‌دارند و بنابراین لژ مهر از هر جهت قانونی و کامل می‌باشد .

ماده ۳ - تشکیل این لژ در حدود قوانین و مقررات کشور ایران صورت گرفته است .

ماده ۴ - هدف لژ مهر عبارت است از :

- ۱ - سعی در بالا بردن سطح فکری و اخلاقی اعضای خود
- ۲ - عمل به اصول بشردوستی و نیکوکاری .
- ۳ - کوشش در توسعه و تقویت دوستی و برادری میان اعضای خود .
- ۴ - کوشش در اجرای اصول مندرج در قانون اساسی لژ بزرگ ایران و اطاعت از دستورهای آن .
- ۵ - کوشش در تربیت و تهذیب اخلاق عامه .
- ۶ - بنایان آزاد وطن ایران بوطن خود از هر جهت علاقمند و وفادارند و دفاع از آزادی و استقلال و حفظ داخلی کشور را وظیفه مقدس خود می‌دانند .

فصل اول

ماده ۵ - اعضای لژ مهر عبارتند از اعضای رسمی مجاز و افتخاری .
 اعضای رسمی عبارتند از مؤسسين لژ و کسانی که بموجب مقررات این آئین نامه از راه تنصیب پذیرفته شده‌اند و یا برادرانیکه باین لژ ملحق شده‌اند .
 عضویت مختار افتخاری از طرف لژ با اعطاء رسمی اعطاء می‌شود که دارای رتبه استادی بوده و خدمات شایانی به بنائی آزاد و لژ مهر کرده باشند .
 اعضاء افتخاری

اعضائی هستند که از سایر لژها بعنوان افتخاری عضویت پذیرفته می‌شوند .
 ماده ۶- اعضای افتخاری دارای حق رأی مشورتی خواهند بود. اعضای افتخاری
 بجلسات دعوت می‌شوند و از ادای حق عضویت معاف هستند .
 ماده ۷- بنایان آزاد که بستگی به لژ بزرگ ایران دارند و یا به لژهای دیگر
 بستگی دارند می‌توانند در جلسات لژ مهر حضور یابند مشروط بر اینکه قبلاً بوسیله
 يك عضو رسمی باستاد لژ معرفی شده باشند . مهمانان عضو لژهای شناخته شده با
 ارائه ورقه عضویت خود که منطبق با اصول باشد با اجازه استاد لژ پذیرفته می‌شود.
 مهمانان مکلفند که انتظامات لژ را رعایت نمایند .

فصل دوم

تشکیلات لژ

- ماده ۸- تشکیلات لژ عبارت است از:
- ۱- جلسه استادان
 - ۲- جلسه رفیقان
 - ۳- جلسه شاگردان (جلسه عمومی)
 - ۴- شورای صاحب‌منصبان
 - ۵- هیئت رهبری
 - ۶- استاد لژ
 - ۷- کمیسیون تحقیق درباره جویندگان
 - ۸- کمیسیون محاسبات
- تبصره - وظائف و اختیارات فوق در این آئین نامه تعیین شده است .

جلسه استادان

ماده ۹- جلسه استادان بعنوان مقام ارشد لژ دارای وظائف تفتیس و اداری
 و قضائی می‌باشد .

الف - وظائف تفتیس

ماده ۱۰- فقط جلسه استادان در موارد زیر بحث کرده و تصمیم می‌گیرد:
 ۱- آنچه مربوط به رتبه استادی است .

۲ - آنچه مربوط به مراسم (Rituel) رتبه های سه گانه لژ می باشد .
 ماده ۱۱ - جلسه استادان قبلا در موارد زیر بحث نموده بعد بجلسه شاگردان
 پیشنهاد می نماید :

۱ - طرحهای مربوط به آئین نامه و مقررات و همچنین دستورها و اوامری
 که برای لژ اجباریست .

۲ - بحث و اصلاح و قبول یارد طرح مراسم (Rituel) و تغییراتی که از
 طرف هیئت رهبری پیشنهاد می شود .

ماده ۱۲ - برای انتخاب استاد لژ جلسه استادان سه نفر را نامزد کرده به جلسه
 شاگردان پیشنهاد می نماید . همچنین پیشنهاد انتخاب صاحب منصبان و مقامات مهم
 دیگر لژ و یا نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ به عهده جلسه استادان است .
 پیشنهاد شوندگان باید در جلسه شاگردان به اکثریت آراء انتخاب شوند .
 تبصره - هر استادی حق دارد درخواست رأی مخفی نماید .

ماده ۱۳ - جلسه استادان دستورهائی را که شورای صاحب منصبان برای
 نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ یا به مجمع بنایان آزاد (Convent) پیشنهاد می کند
 مورد بحث قرار می دهد و در صورت موافقت آنها را تأیید می نماید و بعداً گزارش
 اقدامات آنان را می خواهد .

ب - وظایف اداری

ماده ۱۴ - جلسه استادان عهده دار امور مربوط باخذ رأی و پذیرش در رتبه های
 سه گانه و تعلیمات در رتبه سوم می باشد بشرط تصویب لژ بزرگ و بنام لژ می تواند
 با مقامات بنایان آزاد وارد مذاکره شده قرار داد ببندد . در مورد استعفای عضوی
 بحث کرده تصمیم بگیرد .

ج - وظایف قضائی

ماده ۱۵ - جلسه استادان بعنوان مقام ارشد باختلافات حاصله بین ارکان لژ
 و یا اعضای آن رسیدگی کرده حل و فصل می نماید و در صورت لزوم امر را به شورای

اداری لژ بزرگ ارجاع می‌کند. رسیدگی به سوء تفاهم یا اختلاف نظر بین جلسه استادان و یکی از مقامات لژ یا بین یکی از این مقامات و استاد لژ به لژ بزرگ ایران ارجاع می‌شود.

ماده ۱۶ - جلسه استادان درباره برادرانی که از راه سوء نیت یا نفع شخصی از انجام وظیفه کوتاهی کرده یا دور از ادب و جوانمردی رفتار نموده اند یکی از طرق زیر اقدام می‌کند:

- ۱ - منع از حضور در لژ بمدت بیش از سه‌ماه
- ۲ - منع از انتخاب یکی از مشاغل لژ
- ۳ - عزل صاحب منصبی از مقام خود
- ۴ - برکنار ساختن از لژ

جلسه رفیقان

ماده ۱۷ - جلسه رفیقان از استادان و رفیقان لژ تشکیل می‌شود و وظیفه آن عبارت است از مذاکره و اخذ رأی درباره ارتقاء شاگردان به رتبه و تعلیمات مربوط باین رتبه. برادران رفیق مکلفند در جلسات تعلیماتی رتبه حضور یابند.

جلسه شاگردان (جلسه عمومی)

ماده ۱۸ - از اجتماع کلیه برادران استاد و رفیق و شاگرد جلسه شاگردان یا جلسه عمومی تشکیل می‌گردد. وظایف و اختیارات آن بقرار زیر است:

۱ - اخذ رأی درباره پذیرش اعضای جدید (اعم از جوینده و افتخاری یا عضو لژ دیگر).

۲ - اخذ رأی درباره پیشنهاد جلسه استادان دایر بانتخاب استاد لژ و انتخاب صاحب منصبان و انتخاب نمایندگان به لژ بزرگ.

۳ - اخذ رأی درباره تمام مسائل مالی و میزان حق عضویت یا پرداختهای احتمالی پیشنهاد شده.

۴ - بحث در حسابهای صندوق خیریه و تصویب آنها که بجلسه عمومی پیشنهاد می شود .

۵ - اخذ رأی در سایر امور مربوط به لژ با استثنای مسائل اختصاصی بجلسه استادان .

۶ - برادران شاگرد و رفیق مکلفند که در جلسه های تعلیماتی بنائی آزاد حاضر شوند .

ماده ۱۹ - برنامه جلسات لژ با قید موضوع و روز و ساعت کار دو ماه به دو ماه تهیه و طبع می شود. این برنامه باید اقلاده روز قبل از اولین جلسه دو ماهه بوسیله پست به تمام اعضاء از روی آخرین آدرس که داده اند فرستاده شود .

ماده ۲۰ - برادران موظف هستند که سر ساعت مقرر در برنامه در محل جلسه حاضر شوند . بر حسب مقررات هنگام انجام مراسم در لژ باید تمام برادران حاضر در ردیفهای معین قرار گیرند .

برادرانی که نمی توانند در جلسه ای شرکت کنند قبلاً باید غیبت خود را کتباً یا بوسیله یکی از برادران با اطلاع استاد لژ برسانند .

ماده ۲۱ - اگر برادری شش ماه متوالی از حضور در جلسات لژ بدون خبر و عذر موجه غیبت کند مستعفی محسوب می شود .

برادران عضو لژ که در مسافرت یا خارج تهران اقامت دارند هر شش ماه یکبار غیبت خود را با اطلاع استاد لژ می رسانند.

استاد لژ

ماده ۲۲ - استاد لژ رئیس و رهبر لژ بوده و مجری قوانین و سنن اصلی بنایان آزاد و آئین نامه لژ بوده و ریاست کلیه اجتماعات لژ با اوست . استاد شخص اول لژ است . اختیاراتش مبنی بر اعتماد برادران لژ با اوست . هرگز برتری خود را ظاهر نمی کند و چون برای رهبری اشخاص برگزیده می شود باید صاحب صفات

لازم برای چنین مقامی باشد. بی نظری، راستی و ملایمت رفتار او موجب یگانگی و اتفاق برادران است.

ماده ۲۳ - در جلسه خاص که برای انتخاب صاحب‌منصبان تشکیل می‌یابد استاد لژ از بین سه نفر با کثرت آراء انتخاب می‌شود.

تبصره - تجدید انتخاب استادی تا سه دوره مجاز است .

ماده ۲۴ - استاد لژ بزرگ یا نماینده اوطی مراسم باشکوهی استاد جدید را در کرسی استادی مستقر می‌سازد .

ماده ۲۵ - هنگام تساوی آراء رأی استاد لژ قائم‌مقام اقاطع است .

ماده ۲۶ - وظایف استاد لژ بقرار زیر است:

۱ - استاد همواره به تعلیمات اصولی بنائی در درجات سه‌گانه می‌پردازد .

۲ - هرگاه در جریان سال به جهتی از جهات محل صاحب منصبی خالی ماند

استاد جانشین او را تعیین می‌کند .

۳ - دیپلمها و تصمیمات لژ و صورت جلسات هیئت رهبری در شورای صاحب

منصبان را با اتفاق منشی و ناظران امضاء و مهر می‌نماید .

۴ - به خزانه‌دار و امین خیریه حواله صادر نموده و اسناد هرینه را امضاء

می‌کند .

۵ - در مواردی که استاد استحقاق برادری با شخص مستمندی را تشخیص داد

می‌تواند تا مبلغ دو هزار ریال با و کمک کند و بعد به شورای صاحب منصبان گزارش دهد.

ماده ۲۷ - استاد لژ در خارج از جلسات کتباً یا شفهاً بشخصه یا با موافقت

هیئت رهبری به برادرانیکه وظایف خود را بنحو احسن انجام داده‌اند تشویق و

ترغیب می‌نمایند .

ماده ۲۸ - استاد لژ می‌تواند برای حفظ انتظامات برادران ذیل را از شرکت

در جلسات لژ محروم سازد :

۱ - کسانی که با وضعی مخالف آداب و ظاهر نامناسب وارد لژ می‌شوند .

- ۲ - کسانی که با رفتار خود در نظم اخلاص می‌کنند و یا از اطاعت مقامات رسمی لژ سرباز می‌زنند .
- ۳ - برادرانی که با هم اختلاف دارند تا هنگام رفع اختلاف و سوء تفاهم .
- ۴ - کسانی که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند تا هنگام صدور حکم تبرئه یا منع تعقیب و یا مصالحه .
- ۵ - برادرانی که بدون عذر موجه حق عضویت خود را نپرداخته‌اند .
- ۶ - برادرانی که از طرف لژ در حال تعلیق هستند تا هنگام رفع تعلیق .

هیئت رهبری

ماده ۲۹ - هیئت رهبری مرکب است از: استاد لژ - قائم مقام او - ناظران اول و دوم و خطیب . در موارد لازم دبیر یا خزانه‌دار نیز ممکن است دعوت شوند. تصدی امور لژ و اداره آن بعهده این هیئت است و در موارد فوری می‌تواند تصمیم بگیرد .

هیئت رهبری نماینده رسمی لژ نزد مقامات رسمی بنایان آزاد و مقامات کشوری می‌باشد.

ماده ۳۰ - هیئت رهبری در مسائل انتظام که رازداری در آن صلاح باشد می‌تواند به موجب مصلحت بینی بدون اطلاع مراجع دیگر عمل کند . در خصوص قبول اعضای جدید غور بیشتر کرده در مورد شکایات و اتهامات دقت وافی نماید .

شورای صاحب منصبان

ماده ۳۱ - شورای صاحب منصبان تشکیل می‌شود از :

- | | |
|---------------|---------------------|
| ۱ - استاد لژ | ۲ - قائم مقام استاد |
| ۳ - ناظر اول | ۴ - ناظر دوم |
| ۵ - خطیب | ۶ - دبیر |
| ۷ - خزانه دار | ۸ - امین خیریه |

- ۹ - راهنما
 ۱۰ - استاد تشریفات
 ۱۱ - نگهبان اول
 ۱۲ - نگهبان دوم
 ۱۳ - کتابدار و بایگان
 ۱۴ - مسئول موسیقی
 ۱۵ - برادر سرایدار

تبصره ۱ - برای اجرای مراسم اقلا هفت صاحب منصب لازم است . تکثیر عده بسته بموارد احتیاج وعده اعضای لژ می باشد. مقامات مذکور می توانند معاونینی هم داشته باشند .

تبصره ۲ - استادان لژ که دوره ریاستشان به پایان می رسد حقاً عضو شورای صاحب منصبان می باشند و رأی آنها مشورتی است .

ماده ۳۲ - انتخاب صاحب منصبان قبل از خاتمه سال لژ در جلسه شاگردان که فقط باین منظور تشکیل می شود انجام می گیرد . تاریخ انجام تشریفات مربوط به مستقر ساختن آنان در مشاغل به عهده خود لژ است .

استاد لژ و صاحب منصبان برای مدت یکسال انتخاب می شوند و تجدید انتخاب آنان مجاز است لیکن هیچیک بیش از پنج سال در منصبی متوالی نمی مانند .

ماده ۳۳ - هرگاه صاحب منصبی مجبور به غیبت از جلسه بشود باید قبلاً استاد لژ را مستحضر سازد تا جانشین برای او تعیین کند .

هر صاحب منصبی که بدون عذر موجه سه مرتبه متوالی از جلسات شورای صاحب منصبان یا لژ غیبت کند مورد اخطار قرار می گیرد . در صورت دوام غیبت مقام او بلا متصدی تلقی شده جانشین برای او تعیین می شود .

وظایف صاحب منصبان

ماده ۳۴ - قائم مقام استاد لژ هنگام غیبت استاد یا موقعیکه استاد این وظیفه را باو محول می دارد جانشین او می شود . او عضو هیئت رهبری می باشد .

ماده ۳۵ - در موقع غیبت استاد لژ و قائم مقام او ناظران جانشین آنان می شوند.

معمولاً هر يك نظم ردیف خود را بعهده می‌گیرند .

- ماده ۳۶ - امتیاز ناظران عبارت است از : ۱ - عضویت هیئت رهبری . ۲ - هنگام اجرای مراسم لژ با يك ضربه چکش از استاد لژ اجازه کلام می‌طلبند - ۳ - برای برادران ردیف خود از استاد لژ اجازه کلام می‌خواهد . تبصره - ناظران بدون اجازه استاد لژ ردیف خود را ترك نمی‌کنند تا آنکه جانشین برای ایشان تعیین شود .

خطیب باید شخص ادیب و بافضیلت و خوش بیان بوده دارای فکر آزاد و بیطرف باشد . در مواقع اجرای مراسم سه گانه درباره اصول و مرام بنایان آزاد و مصالح لژ نطق کرده و به برادرانیکه به رتبه بالاتر پذیرفته می‌شوند از طرف لژ تبریک بگوید . هنگام بحث در مطلبی یا سخنرانی نتیجه آنرا اختصاراً بیان کرده با توجه باصول بنائی آزاد در آن اظهار نظر می‌کند .

ماده ۳۸ - خطیب همواره مترجم احساسات لژ بوده باعضای جدید حقوق و تکالیف آنرا تعلیم می‌دهد . همیشه متوجه اجرای نظامات بنایان آزاد و آئین نامه لژ می‌باشد .

ماده ۳۹ - دبیر مسئول نگاهداری اسناد و دفاتر لژ است . نسخه مراسم لژ (Rituel) هرگز نباید از لژ بیرون برده شود .

دفاتر عبارتند از : ۱ - صورت جلسات رتبه های سه گانه - شورای صاحب - منصبان ۲ - دفتر ثبت تصمیمات و قطع نامه ها ۳ - پرونده ایکه حاوی کلیه آئین نامه ها و اساسنامه ها و مقررات و تصمیمات لژ بزرگ ایران و استاد لژ بزرگ باشد ۴ - دفتر یا پرونده ضبط مراسلات ۵ - دفتر ثبت اعضای لژ با نام و نشان و تاریخ تولد و ورود و ارتقاء و اعتلاء و شغل و آدرس آنها ۶ - کتاب سیاهی متضمن نام کسانی که بعلت ارتکاب خطا و عملی برخلاف سوگند خود و برخلاف ادب و جوانمردی از لژ بنایان آزاد برکنار شده اند .

ماده ۴۰ - وظائف و تکالیف دبیر عبارت است از :

۱ - تهیه و ارسال دیپلم‌ها و تصدیق نامه‌هایی که بامضای مقامات رسمی و خود او رسیده باشد .

۲ - تسلیم اسناد و مدارک و صورتهای دیگر متعلق به لژ، به برادر مأمور بایگانی در موعد مقرر .

۳ - بررسی آرشیو لژ با حضور استاد لژ .

۴ - بامضاء رسانیدن تمام تصمیمات و مراسلات لژ .

۵ - امضای بعضی مراسلات باقید اینکه «بدستور لژ یا استاد لژ» می باشد .

۶ - ارسال نامه‌ها و مرسوله‌ها بامهر لژ .

۷ - تهیه صورت مجلس هر جلسه آن و قرائت آن در جلسه بعدی .

۸ - بدون اجازه استاد لژ نباید از اسناد و مراسلات لژ رو نوشت بردارد یا آنرا نزد خود نگاهدارد یا به کسی غیر مجاز تسلیم نماید .

۹ - دبیر هر سال يك گزارش از فعالیتهای لژ می نماید .

ماده ۴۱ - در مقابل زحمات دبیر ممکن است پاداش برای او منظور گردد.

ماده ۴۲ - خزانه‌دار امانت‌دار لژ است و مسئول کلیه دارائی لژ اعم از نقدی، اوراق بهادار یا اشیاء قیمتی می باشد . او باید کلیه عایدات و مخارج را در دفاتر منظم درج کند . محاسبات باید مبتنی بر مدارک باشد که عواید و حق عضویت برادران در سر موقع تحصیل شود و باید نام برادر را در ادای حق عضویت کوتاهی کرده اند باطلاع شورای صاحب منصبان برساند .

ماده ۴۳ - هر گاه موجودی صندوق بالغ بر ۲۰۰۰۰ ریال گردید باید آنرا در بانکی که شورای صاحب منصبان تعیین می کند بگذارد . مبالغی که متعلق به لژ است جز با اجازه شورای صاحب منصبان و امضای استاد لژ و دبیر و خزانه‌دار نمی توان تغییر محل داد و یا به ارز و سرمایه دیگری تبدیل نمود .

خزانه‌دار در آخر هر سال مالی گزارشی راجع به صندوق و دارائی لژ تهیه می کند و آنرا با بودجه سال آینده به لژ گزارش می دهد و محاسبات و دفاتر را برای

بررسی کمیسیون محاسبات آماده می‌کند .

ماده ۴۴ - برادر خزانهدار ممکن است پاداشی دریافت کند .

ماده ۴۵ - امین خیریه در پایان هر جلسه مبلغی بعنوان اعانه از برادران دریافت می‌کند و مراقبت می‌نماید که برادران پیش از ترك جلسه این عمل خیر را انجام دهند. پس از آنوجه موجود را باخزانهدار لژ شمرده بدبیر گزارش می‌دهند تا در صورت جلسه یادداشت کند . وجوه حاصل را در دفتر مخصوص ثبت می‌کند . هر نوع اعانه و کمکی باید باتصویب شورای صاحب‌منصبان و اجازه استاد لژ باشد . امین خیریه بیش از ۲۰۰۰ ریال نزد خود نگاه نمی‌دارد و مازاد را باتصویب همان مقامات در حساب علیحده می‌گذارد .

امین خیریه موظف است از برادران بیمار عضولژ عیادت کند و آنانرا در مواقع سختی و گرفتاری ملاقات نموده تسلی داده و دلجوئی کند .

ماده ۴۶ - برادر راهنما که باید از آداب و رسوم بنائی آزاد اطلاع کامل داشته باشد موظف است جوینده را پس از پذیرفته شدن و پیش از تنصیب در خارج از لژ ملاقات کرده از افکار و عقاید او جويا گردد . هنگام ورود او را باطاق تفکر راهنمایی کرده تعلیمات و تذکرات لازم - در امور تنصیب را باو می‌دهد و او را آماده مراسم تنصیب سازد .

همچنین در موقع ارتقاء شاگرد بدرجه رفیقی و اعتلاء رفیق پیاپی استادی آنانرا رهبری و آماده می‌نماید . رفتار برادر رهنا باید باوقار و رفق توأم باشد .

ماده ۴۷ - استاد تشریفات عهده‌دار آماده ساختن و آرایش لژ برای انجام مراسم بوده و در اجرای تشریفات مراقبت می‌کند مقامات عالیقدر و مهمانان را بداخل لژ هدایت کرده جای هر يك را نشان می‌دهد .

بدستور استاد لژ برادران شاگرد موظفند برای آماده ساختن لژ به استاد تشریفات کمک کنند .

ماده ۴۸ - نگهبان اول و دوم هنگام تشکیل لژ نگهبانی بعهدہ آنهاست و

برای نظم و ترتیب لژ با استاد تشریفات همکاری می‌کنند .
 نگاهداری لژ و جلسات و اسباب و لوازم تشریفات وظیفه آنهاست .
 هنگام مراسم در کنار دو ستون لژ می‌نشینند . برادران مهمان تازه وارد
 را پیش از ورود به لژ درباره بنائى آزاد امتحان می‌کنند و مدارك آنانرا بررسی
 می‌نمایند .

هنگام اخذ رأی مخفی مهره‌ها را میان برادران تقسیم می‌کنند بعد با مراقبت جمع
 کرده با استاد لژ تسلیم می‌دارند .

ماده ۴۹ - **کتابدار و بایگان** مأمور حفظ و ترتیب اسناد و اوراق و پرونده‌
 های لژ می‌باشد . تنظیم کتابخانه و تهیه فهرست کتب نیز بعهده او می‌باشد .
 ماده ۵۰ - **برادر یکه مأمور موسیقی لژ** است با موافقت شورای صاحب‌منصبان
 وسایل لازم را برای اجرای موسیقی در حین انجام مراسم تشریفات لژ آماده
 می‌سازد .

ماده ۵۱ - **برادر سرایدار** نگهبان لژ و اوقات آن و مسئول نظافت و آبدارخانه
 است .

وظایف او با قرارداد مخصوص معین می‌شود و مواجبهی در حق او تعیین می‌گردد
 او باید تعهد بسپارد که اسرار لژ را ابداً فاش نکند .

فصل سوم

الف: جوینده - تنصیب - عودت عضو مستعفی

ماده ۵۲ - کسانی در لژ پذیرفته می‌شوند که از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند
 بوده و در زندگی مستقل و بخود متکی باشند و از حیث معلومات و اخلاق و تقوی
 شایسته باشند .

ماده ۵۳ - درخواست یا پیشنهاد عضویت بکمیسیون تحقیق مرکب از ناظر اول
 و راهنما و دو برادر دیگر از هیئت رهبری و یک استاد خارج از این هیئت با انتخاب

جلسه عمومی تفویض می‌گردد .

ماده ۵۴ - معرف عضو جدید باید دارای درجه استادی باشد و ضامن جوینده بوده مزایای اخلاقی و شایستگی او را تضمین نماید و مسئول تعهدات مالی و رفتار او در برابر لژ باشد .

ماده ۵۵ - جوینده در ضمن نامه از استاد معرف تقاضای کند که عضویت او را به لژ پیشنهاد کند. برادر معرف این درخواست را همراه شرح مختصری مبنی بر نظر خود درباره جوینده و سوابق و صفاتی که او را سزاوار ورود به حلقه بنایان آزاد می‌دارد به استاد لژ تقدیم می‌دارد جوینده باید اقل ۲۱ سال داشته باشد .

ماده ۵۶ - استاد لژ درخواست جوینده را در شورای صاحب منصبان مطرح می‌کند .

اگر این شوری معتقد باشد که جوینده دارای شرایط اخلاقی و شایستگی لازم و کافی نیست به معرف توصیه می‌کند که پیشنهاد خود را مسترد بدارد. در غیر این صورت درخواست را بجلسه شاگردان ارجاع می‌کند .

ماده ۵۷ - در صورتیکه در جلسه عمومی راجع به پیشنهاد اعتراض بعمل نیاید رئیس کمیسیون پذیرش از برادر معرف تقاضا می‌کند که جوینده شرح کامل خود را با ذکر محل سکونت و معلومات و شغل خود به همراه رونوشت شناسنامه و سه قطعه عکس ۶ در ۴ تهیه کند و با پرسش نامه ای که باو داده می‌شود پر کرده توسط برادر معرف به کمیسیون ارسال دارد . معرف برای جلب توجه راهنمائیهای مجاز را با اطلاع جوینده می‌رساند و نشریاتی را که برای شناسانیدن بنائی آزاد به اغیار است به او ارائه می‌دهد .

ماده ۵۸ - اسم و عکس و شرح حال جوینده از حین وصول تا هنگام اخذ رأی مخفی در لژ در معرض نظر برادران قرار داده می‌شود .

ماده ۵۹ - کمیسیون تحقیق می‌تواند عده‌ای را برای کسب اطلاعات کافی و جامع درباره جوینده مأمور کند . این گزارشها بعد از ورود جوینده نابود می‌شود .

ماده ۶۰- رئیس کمیسیون تحقیق جوینده را به جلسه خصوصی که از خود او و دو نفر از اعضای کمیسیون تشکیل شده است دعوت می کند و با او بحث می نماید تا معلوم شود که آیا او دارای صلاحیت و شایستگی ورود به جرگه بنایان آزاد هست یا نه و آیا با اصول بنائی آزاد و اجرای قوانین آن موافق است یا خیر .

ماده ۶۱- پیش از آنکه رأی مخفی گرفته شود نتیجه این تحقیقات و اطلاعات در جلسه رسمی شاگردان به اطلاع عموم می رسد . این جلسه باید اقل چهار هفته پیش از معرفی جوینده تشکیل شود . جلسه عمومی می تواند اخذ رأی را برای تحقیقات کاملتری بتأخیر بیندازد . هرگاه يك هفته آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده باشد درخواست رد شده تلقی می گردد و تا یکسال پس از تاریخ اخذ رأی نمی توان در آن باب تجدید نظر کرد .

ماده ۶۲- هرگاه جلسه به قبول جوینده رأی داد تشریفات تنصیب او در جلسه خاص لژ بموجب قوانین و سنن بنایان آزاد بعمل می آید .

اگر جوینده تا شش ماه برای تنصیب حاضر نشد بعداً پذیرش او با تکرار مقررات ماده ۶۵ و مواد بعدی انجام می یابد .

ماده ۶۳- حق تنصیب و حق عضویت مقرر در آئین نامه و سایر تعهدات مالی در روز پذیرش پرداخت می شود .

ماده ۶۴ - پذیرفتن برادر عضو لژ مهر مستلزم آنست که برادر مزبور از لژ قبلی بصورت شرافتمندانه ای استعفا داده باشد و ثابت شود که هیچگونه مانعی برای قبول چنین استعفائی در آن لژ وجود نداشته است .

تبصره ۱ - پذیرفتن چنین عضوی مستلزم انجام تحقیقاتی است که در حق جویندگان مقرر است .

تبصره ۲ - برادرانی که از لژ مهر استعفا داده اند یا برادرانی که مدت متمادی فعالیت در بنائی آزاد را ترك کرده باشند بخواهند مجدداً وارد لژ بشوند پذیرفتن آنان منوط به انجام مقرراتی است که در حق جویندگان مجری است .

ب : ارتقاء و اعتلاء

ماده ۶۵ - ارتقاء به رتبه دو و اعتلاء به رتبه سه با پیشنهاد معرف و دعوت شورای صاحب منصبان انجام می گیرد. حداقل مدت لازم برای ارتقاء یا اعتلاء یکسال است. در مورد استثنائی باید از لژ بزرگ اجازه خواست.

ماده ۶۶ - برادرانیکه برای ارتقاء یا اعتلاء دعوت می شوند باید در طی این مدت رغبت و شوق مخصوص از خود به بنائی آزاد نشان داده و در جلسه ها همواره حاضر شده و از تعالیم رتبه خود و تاریخ بنایان آزاد و اصول اساسی آن اطلاعات کافی کسب کرده باشند. نیز قبلاً طرح معماری به لژ ارائه داده باشند. شاگرد یار فنی قبلاً موضوع طرح را با اطلاع استاد لژ یا خطیب رساننده و آنرا تهیه نموده و حداقل یکماه قبل از تاریخ ارتقاء یا اعتلاء به استاد لژ تقدیم می دارد.

ماده ۶۷ - ارتقاء و اعتلاء برادران پس از امتحان و اخذ رأی مخفی در جلسه رفیقان یا استادان با تشریفات خاص خود صورت می گیرد.

فصل چهارم

مقررات مالی

الف : عایدات

ماده ۶۸ - عایدات لژ حاصل می شود از :

۱ - حق تنصیب و ارتقاء و اعتلاء و ورود به برادری که از لژ دیگر پذیرفته می شود.

۲ - حق عضویت

۳ - پرداختهای فوق العاده در موارد لازم.

۴ - هرگونه هدیه یا اعانه و موقوفه ای که از طرف برادران به لژ داده می شود.

۵ - عایدات لژ از ثروت منقول و غیر منقول آن.

ماده ۶۹- حق عضویت نباید کمتر از ماهیانه ۳۰ تومان و حق تنصیب ۲۰۰ تومان یا ارتقاء و اعتلاء هر يك ۱۰۰ تومان باشند .

ماده ۷۰- تعیین میزان عایدات شماره های ۱ و ۲ و ۳ هر سال با پیشنهاد شورای صاحب منصبان در جلسه عمومی شاگردان بعمل می آید .

ماده ۷۱- پس از اینکه جلسه عمومی شاگردان میزان حق عضویت را تعیین کرد برادر خزانه دار چگونگی پرداخت و موقع آن را با اطلاع اعضای لژ می رساند .

ماده ۷۲- هر گاه برادری در مدت شش ماه از پرداخت حق عضویت خودداری کند برادر خزانه دار توجه او را بانجام وظیفه جلب می کند . پس از آن هر گاه به نتیجه ای نرسد ارسال دعوت به جلسات متوقف می گردد و ورود به لژها تا هنگام ترمیم وضع ممنوع می شود .

ماده ۷۳- هر گاه برادری از عهده پرداخت حق عضویت بر نیاید با موافقت هیئت رهبری و شورای صاحب منصبان تا هنگام بهبود وضع از پرداخت حق عضویت معاف می گردد و حق عضویت او از صندوق خیریه تأمین می شود .

تبصره - شورای صاحب منصبان می تواند در حق برادری که دارای مقامات علمی یا هنری بوده و وجود او در لژ مغتنم شمرده می شود ولی وسائل مادی کافی در اختیار نداشته باشد تسهیلات و تخفیفاتی قائل شود .

ماده ۷۴- از اولاد برادرانی که تا هنگام وفات عضو لژ بوده اند نصف حق تنصیب دریافت می گردد .

ماده ۷۵- برادران ذیل از تخفیف خاص یا معافیت از پرداخت حق عضویت استفاده می کنند. بشرح زیر:

اول تخفیف ۵۰ درصد :

۱- برادرانی که خارج از شرق تهران زندگی می کنند یا خارج از کشور اقامت دارند .

۲- برادرانی که ۲۵ سال مداوم عضو لژ باشند و پیش بند نقره بایشان

اعطا شود.

دوم معافیت .

اعضای افتخاری لژ و برادرانی که چهل سال مداوم عضو لژ بوده و پیش بند طلائی به آنان اعطا شده یا بیش از هفتاد سال عمر داشته باشند .

ماده ۷۶ - هرگونه بخشش یا هدیه یا موقوفه از طرف برادران یا اغیار جزو ثروت لژ محسوب می شود مگر آنکه از طرف اهداء کننده یا واقف مصرف خاصی که مطابق اصول بشر دوستی بنایان آزاد باشد برای هدیه یا موقوفه مزبور تعیین شده باشد .

ب - مخارج

ماده ۷۷ - وجوه حاصله منحصر آبه مصرف مخارج و تعهدات لژ خواهد رسید.
ماده ۷۸ - خزانه دار در آخر هر سال مالی بودجه سال آتی را با کلیه مخارج و تعهدات پیش بینی شده و عایدات لازم تهیه می کند . این بودجه پس از بررسی شورای صاحب منصبان و تصویب آن برای رأی نهائی به جلسه عمومی شاگردان پیشنهاد می گردد .

ماده ۷۹ - خزانه دار مجاز است بدون تأخیر مخارج معمولی مصوب در بودجه را تأدیه نماید. ضمناً موظف است استاد مر بوطه را به امضای استاد لژ برساند.
هرگونه مخارج فوق العاده فوری خارج از بودجه باید قبلاً به تصویب مقامات مسئول رسیده باشد :

- ۱ - استاد لژ ۵۰۰ تومان
- ۲ - شورای صاحب منصبان تا ۱۰۰۰ تومان
- ۳ - جلسه عمومی شاگردان بالاتر از مبلغ مذکور .

ج - دارائی

ماده ۸۱ - خزانه دار مجموع دارائی نقدی لژ مهر را باستثنای مبلغ مورد احتیاج با تصویب شورای صاحب منصبان در یکی از بانکها بنام لژ می گذارد .

ماده ۸۲ - اداره و حفاظت ثروت لژ اعم از منقول یا غیر منقول بعهدہ شورای صاحب منصبان است . شورای مزبور در صورت لزوم می‌تواند از بهره برداری از آن از راهنمایی برادران بصیر استفاده کند. خزانه دار برای دریافت عواید مراقبت لازم را به عمل خواهد آورد .

ماده ۸۳ - لژ مهر می‌تواند مؤسسات خیریه یا فرهنگی و اجتماعی به نفع برادران لژو یا عموم بنایان آزاد تأسیس کند . در صورت امکان و در مواقع مناسب اقدام به تشکیل سرمایه و صندوق مخصوص می‌نماید. اداده چنین سرمایه و صندوق ممکن است به کمیته‌ای غیر از خزانه‌دار سپرده شود .

ماده ۸۴ - هیچگونه قرض یا مساعده از سرمایه صندوق لژ داده نمی‌شود.

د - حسابداری

ماده ۸۵ - حسابداری لژ به عهده خزانه دار است .

ماده ۸۶ - صورت حسابهای آماده برای رسیدگی به شورای صاحب منصبان تسلیم می‌شود. بعد به کمیسیون بازرسی محاسبات ارجاع می‌گردد. کمیسیون مزبور به مطابقت ارقام و اسناد حساب و موجودی صندوق رسیدگی می‌نماید و گزارش کتبی خود را با نظریاتی که دارد توسط شورای صاحب منصبان به جلسه شاگردان تسلیم می‌نماید . پس از آن این جلسه عمومی حسابها را به تصویب می‌رساند .

ماده ۸۷ - هرگاه اعتراض پیش آید حسابها برای تجدید نظر به شورای صاحب منصبان برمی‌گردد تا در مدت يك ماه گزارش مجددی به لژ فراهم نماید.

ماده ۸۸ - کمیسیون بازرسی به حساب صندوق خیریه و نیز هر صندوق دیگری که از طرف لژ ایجاد می‌شود رسیدگی کرده به طریق فوق گزارش می‌دهد.

ماده ۸۹ - اعضای کمیسیون بازرسی از طرف جلسه عمومی به مدت یکسال انتخاب می‌شوند و نباید عضو شورای صاحب منصبان باشند. اقلایکی از آنان برای سال بعدی مجدداً انتخاب می‌شوند .

فصل پنجم

الف : تخلف - کیفر

ماده ۹۰ - هرگونه شکایت یا اتهام باید کتبی بوده امضای شاکی را در ذیل داشته باشد. شکایات را هنگام اشتغال و جلسه لژ نمی‌توان ارائه داد .

شکایت يك شاگرد یا يك رفیق باید به امضای دو استاد نیز رسیده باشد .

شکایت بر علیه يك صاحب منصب با امضای دو استاد پذیرفته می‌شود .

شکایت بر علیه استاد لژ و هیئت رهبری و شورای صاحب منصبان باید به امضای

سه استاد باشد .

شکایت باید عموماً خطاب به استاد لژ باشد و شکایت بر علیه شخص او تسلیم

ناظر اول گردد .

ماده ۹۱ - هیئت رهبری با شورای صاحب منصبان در شکایات مطالعه دقیق

به عمل می‌آورد .

پس از تفحص و تحقیق و استماع طرفین شکایت موضوع را در جلسه استادان

مطرح می‌نماید. اگر با وجود کوشش جلسه استادان سازش حاصل نشود رأی نهائی

خود را اعلام می‌دارد .

تصمیم جلسه استادان را می‌توان به توجه لژ بزرگ ایران ارجاع کرد .

رأی شورای اداری این مقام واجب‌الاجرا می‌باشد .

ماده ۹۲ - شورای صاحب منصبان می‌تواند اعضائی را که رفتارشان مورد

اعتراض و ایراد قرار گرفته است از سه ماه تا يك سال از ورود به لژ منع کند .

تخلفات مهم عبارتند از : افشای اسرار و آداب و مراسم و علائم و کلمات

شناسائی متداول میان بنایان آزاد . توهین و تحقیر تشکیلات بنایان آزاد و مقامات

مسئول آن .

کسیکه نظر به اتهامی تحت تعقیب دادگاهی قرار گیرد تارفع اتهام، از ورود به لژ

ممنوع است .

ماده ۹۳- ممکن است بر حسب اهمیت مورد مجازات انفصال در حق خاطی و متخلف برقرار گردد. سایر موارد انفصال عبارت است از:

۱- امتناع از پرداخت حق عضویت ۲- محکومیت دادگاهها بجرم خیانت یا جنایت .

ماده ۹۴- انفصال در جلسه استادان بعد از بحث و مشاوره به رأی مخفی با اکثریت دوثلت میسر است .

ماده ۹۵- هر کس که مستوجب یکی از تصمیمات فوق بوده باشد حق دارد موضوع را برای دادخواهی به لژ بزرگ ایران رجوع نماید .
تصمیم شورای اداری لژ بزرگ قاطع خواهد بود .

ب - قدردانی

ماده ۹۶- از برادرانی که خدمات شایان به لژ مهر یا بنیان آزاد کرده باشند به یکی از طرق ذیل قدردانی بعمل می آید :

- ۱- تشکر استاد
- ۲- تشکر به نام لژ
- ۳- تشکر در جلسه عمومی یا بوسیله هیئت نمایندگی فوق العاده
- ۴- انتخاب عضویت افتخاری
- ۵- تشکیل جلسه فوق العاده به احترام شخص مورد نظر
- ۶- اعلام خدمات آن شخص به تمام لژهای تابعه
- ۷- برپا کردن مجسمه یا بنائی به نام او در داخل یا خارج لژ
- ۸- اعطای پیش بند افتخار یا نشان

ج - استعفا

ماده ۹۷- هر عضوی اختیار دارد در هر موقع از لژ بطور دائم یا موقت به مدت يك سال استعفا بدهد . درخواست استعفا باید کتبی بوده دلائل آن به صراحت

و صداقت ذکر شده باشد. این استعفا به استاد لژ تقدیم می‌گردد. استعفانامه پس از شورای صاحب‌منصبان و اظهار نظر آن به جلسه استادان احاله می‌گردد. جلسه استادان در صورتی که استعفا دهنده کلیه تعهدات خود را انجام داده باشد استعفا را «شرافتمندانه» و الا به صورت استعفای ساده تلقی می‌نماید. ماده ۹۸- استعفا در صورتی پذیرفته می‌شود که عضو مستعفی تعهدات مالی خود را انجام داده باشد.

در غیر این صورت انفصال مورد توجه قرار می‌گیرد. استعفا یا انفصال با اطلاع لژهای تابع لژ بزرگ ایران می‌رسد. ماده ۹۹- شخص مستعفی یا منفصل ملزم است نشان - حمایل - پیش‌بند - علائم و کتب و مطبوعات بنائی را که از لژ دریافت داشته مسترد بدارد. ایضاً استعفا یا انفصال چنین شخصی را از هرگونه حق و مزایای مشترک لژ محروم می‌سازد.

د - انحلال

ماده ۱۰۰- انحلال لژ وقتی صورت می‌گیرد که عده اعضاء به کمتر از دوازده نفر تقلیل یابد و از طرف شش تن از اعضاء کتباً درخواست شود. درخواست انحلال باید در جلسه عمومی مرکب از تمام اعضاء مطرح گردد. دعوت اعضاء باید پانزده روز قبل از انعقاد جلسه صورت گرفته باشد. رأی به انحلال مخفی است و با اکثریت دوثلث اعضاء تصویب می‌گردد. دارائی لژ را نمی‌توان میان اعضاء تقسیم کرد. جلسه درباره مصرف آن برای مؤسسات خیریه یا عام‌المنفعه تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

ه - مقررات نهائی

ماده ۱۰۱- تجدید نظر در آئین‌نامه فقط در جلسه مخصوص که بدین منظور تشکیل می‌شود امکان پذیر است و برای این منظور رأی دوسوم اعضاء لژ لازم می‌باشد.

در صورت رأی به تجدید نظر شورای صاحب‌منصبان طرحی تهیه کرده پس از تصویب استادان به جلسه عمومی پیشنهاد می‌شود .
 ماده ۱۰۲- این آئین‌نامه نباید منافی با مراسم جاری در لژ باشد و وقتی قابل اجراست که به تصویب لژ بزرگ ایران رسیده باشد .
 این آئین‌نامه در جلسه عمومی شاگردان در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید .

استاد لژ - سید حسن تقی‌زاده
 دبیر لژ - غلامعلی میکده
 این آئین‌نامه در شورای اداری لژ بزرگ ایران تصویب شد .
 استاد بزرگ - عبدالله انتظام
 دبیر بزرگ - تقی اسکندانی



اتحادیه جهانی فراماسون ها L.U.F

یکی دیگر از سازمان های تابعه ، گراندلژ ایران که همه فراماسون های این گراندلژ در آن عضویت دارند ، « اتحادیه جهانی فراماسونری » است که به نام اختصاری (لوف L . U . F) خوانده می شود .

مؤسس این سازمان فراماسونی در ایران ، ابوالحسن حکیمی است که از پنجاه سال قبل تاکنون عضو لژ فراماسونری «الپینا» ی سویس می باشد . ابوالحسن حکیمی ، برادر ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) است که پس از خاتمه تحصیلات ، ابتداء در دبیرخانه جامعه ملل عضویت داشت ، سپس سه سال در تشکیلات ملل متفق سمت ریاست شعبه اقلیت ها را عهده دار بود و در مراجعت به ایران بنماینده گی دوره شانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب گردید . وی در تجدید فعالیت « جمعیت عامیون ایران » در



ابوالحسن حکیمی استاد ماسونی
لژ الپینا سویس

سال ۱۳۲۷ شمسی نقش مؤثری داشت ، و سخنرانی مهمی تحت عنوان « فرم اگرر » یا « اصلاحات زراعتی » ایراد کرد .

ابوالحسن حکیمی که از اعضاء مؤثر «زبان اسپرانتو» در سوئیس می باشد ، در تشکیل لژهای مهر و آفتاب نقش مؤثری داشت و از چند سال قبل تاکنون ، شعبه « اتحادیه جهانی فراماسون ها» را در تهران دایر کرده است . این سازمان فراماسونی در سوئیس تشکیل شده و شعبه خاورمیانه آن در بیروت مستقر شده است . همین شعبه به ابوالحسن حکیمی و چند فراماسون دیگر اجازه تأسیس این تشکیلات را در ایران داده است . در اینجا عین اساسنامه اتحادیه مذکور را نقل می کنیم :

بنام معمار بزرگ جهان

«اساسنامه اتحادیه جهانی فراماسونها»^۱

ماده اول - «اتحادیه جهانی فراماسونها» جمعیتی است متشکل از بنایان - آزاد «مجازو کامل»^۲ که مستقلاً و فرداً به این جمعیت می گردند. هدف آن ایجاد بهبودی و توسعه روابط هم پیوستگی بین بنایان آزاد در تمام جهان است و خواهان ایجاد تحرك و جنبش منظم «برادری» بین افراد و اقوام می باشد .

نیل به این مرام به وسایل ذیل میسر است :

الف - تبادل نظر شفاهی و کتبی .

ب - انتشار مجله ای برای اطلاع برادران .

ج - تشکیل مجالس بحث و محاوره .

د - تشویق مرتب مداوم و هرگونه مجاهدت به منظور ایجاد یگانگی و

پیوستگی و اتحاد بین افراد و توسعه برادری جهانی و همگانی .

ه - انتشار کتب و اسناد مربوط به اتحادیه .

۱ - La ligue Universelle de Francs-Maçons «LUF»

۲ - مقصود بنای آزادی است که به موجب مقررات اساسی تنصیب شده و عضو لژ منظم و کاملی باشد تابع يك لژ بزرگ .

و - تشکیل مجالس سخنرانی در ممالک مختلف .

ز - دعوت و مبادله برادران برای سخنرانی .

ماده دوم - این اتحادیه از هرگونه دخالت در امور و فعالیت‌هایی که مربوط به ابدیانس‌ها^۱ باشد احتراز می‌نماید و نیز در مسائل سیاسی و مذهبی رویه بیطرفی اختیار می‌کند .

ماده سوم - سمت عضویت در اتحادیه فقط به کسی داده می‌شود که با درخواست کتبی مدارک عضویت رسمی خود را در يك لث مجاز و کامل ارائه دهد. درخواست عضویت به این اتحادیه باید به هیئت رئیسه گروه محلی تسلیم شود و اگر در محل اقامت متقاضی چنین گروهی نباشد درخواست را به دفتر مرکزی اتحادیه می‌توان ارسال نمود .

ماده چهارم - اعضای که اعمالشان مخالف مرام این اتحادیه باشد - بعد از اخطار قبلی - به موجب تصمیم شورای اداری و مشورت با گروه ملی مربوطه از اتحادیه طرد می‌شوند .

ماده پنجم - اعضای که مستعفی می‌شوند ملزم هستند تصمیم خود را کتباً به دفتر گروه ملی خود و در صورت عدم آن به اداره مرکزی اتحادیه اطلاع دهند .

ماده ششم - اتحادیه متشکل است از اعضای رسمی و افتخاری. اعضای افتخاری بنا بر پیشنهاد شورای اداری توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و سهمیه‌ای نمی‌پردازند لیکن تمام مزایای يك عضو رسمی را دارا می‌باشند .

ماده هفتم - هیئت رئیسه برای مدت پنج سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و عبارت از نه عضو رسمی می‌باشد که از بین خود رئیس و دبیر و خزانه دار اتحادیه را بوسیله اخذ رأی انتخاب می‌نمایند. يك عضوریگرا خود هیئت رئیسه از بین نه نفر منتخبه به سمت نایب رئیس انتخاب می‌نمایند .

۱ - منظور Obédience است .

مجمع عمومی می‌تواند علاوه بر نه نفر مذکور در این ماده، از رؤسای افتخاری یا اعضای افتخاری اتحادیه به عضویت هیئت رئیسه انتخاب نماید که با حق رأی در جلسات هیئت رئیسه شرکت کنند. هر گاه یکی از اعضای هیئت رئیسه در مدت تصدی کناره گیری کند هیئت رئیسه مجاز است جانشین او را از بین سایر اعضای هیئت رئیسه تکمیل نماید. مجمع عمومی این انتخاب را در جلسه بعدی تأیید می‌نماید.

ماده هشتم - رئیس و در غیاب او نایب رئیس نماینده اتحادیه در مقابل اشخاص ثالث می‌باشد و جلسات هیئت رئیسه و شورای اداری و مجمع عمومی را اداره می‌نماید. دبیر مأمور تنظیم صورت جلسات و مکاتبات است. خزانه دار مسئول اداره امور مالی است. گزارشهای آنها باید در اختیار مجمع عمومی گذاشته شوند، همچنین گزارش بازرس‌های حساب.

ماده نهم - هیئت رئیسه بر فعالیت‌ها و امور مالی اتحادیه مباشرت دارد. هر يك از اعضای هیئت رئیسه می‌تواند به وسیله نامه یا با دادن وکالت به عضو دیگر نسبت به تصمیمات هیئت رئیسه رأی بدهد.

ماده دهم - مقر رسمی اتحادیه همان محل اقامت رئیس شاغل است.

ماده یازدهم - شورای اداری متشکل است از هیئت رئیسه - از رؤسای گروه ملی (ماده ۱۲) - از اعضای افتخاری (ماده ۶) و از اعضای مؤثر اتحادیه که نظر به شایستگی خاصی توسط مجمع عمومی بنا به پیشنهاد شورای اداری انتخاب شده باشند.

ماده دوازدهم - مجمع عمومی می‌تواند اعضائی را به سمت نماینده اتحادیه در بعضی کشورها انتخاب نماید. هیئت رئیسه هم می‌تواند این نمایندگان را انتخاب کند مشروط بر آنکه مجمع عمومی بعدی این انتصابات را تأیید نماید. همینکه در يك کشور عده کافی باشند با موافقت هیئت رئیسه يك گروه ملی می‌توان تشکیل داد. سازمان و اختیارات و تکالیف گروه ملی در آئین نامه‌هائی تدوین می‌شود که

باید به تصویب کمیته مرکزی برسد. الحاق به گروه ملی برای اعضای که مقیم آن حوزه می‌باشند اجباریست. علاوه بر این اتحادیه روابط برادری بین بنایان آزاد تمام کشورها را طبق مدلول ماده يك تشویق می‌نماید و بدین منظور جمعیت‌های خاصی تشکیل خواهد داد که وظایف مخصوص برعهده داشته باشند.

فعالیت این جمعیت‌ها بوسیله آئین نامه‌هایی که هیئت رئیسه تنظیم می‌نماید اجرا خواهد شد.

ماده سیزدهم - مجمع عمومی هر سال يك بار تشکیل می‌شود و عهده‌دار وظایف ذیل است:

- ۱ - تصویب گزارش سالانه و گزارش خزانه‌دار
 - ۲ - تعیین محل اجتماع و دستور کارکنگره و مجمع عمومی سال آتی.
 - ۳ - اتخاذ تصمیم درباره پیشنهادات واصله از هیئت رئیسه یا شورای اداری یا گروه‌های ملی یا اعضای پیشنهادات گروه‌های محلی و اعضا باید ۱۵ روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی به هیئت رئیسه تسلیم شده باشد.
 - ۴ - اصلاح یا تغییر اساسنامه
 - ۵ - انتخاب هیئت رئیسه - انتخابات تکمیلی اعضای شورای اداری (ماده ۱۱) و انتخاب نمایندگان (ماده ۱۲).
 - ۶ - تعیین حق عضویت سالیانه و تقسیم آن بین هیئت رئیسه و گروه‌های ملی
 - ۷ - تعیین بازرس‌های حساب.
 - ۸ - انتخاب اعضای افتخاری.
- ماده چهاردهم - اخذ آراء در مجمع عمومی برای موضوعات مشروحه در ماده ۱۳ علنی و به اکثریت مطلق اعضاء حاضر می‌باشد. اخذ رأی مخفی بپیشنهاد دو نلث از اعضای صاحب رأی قابل اجرا می‌باشد.
- هرگونه تغییر در اساسنامه باید به اکثریت دو نلث از رأی دهندگان حاضر

در جلسه صورت گیرد .

ماده پانزدهم - اتحادیه زبانهای زنده مهم یا اسپرانتو را مورد استفاده قرار خواهد داد .

ماده شانزدهم - انحلال اتحادیه موقعی امکان پذیر است که دو نلث از اعضای حاضر در مجمع عمومی به آن رأی داده باشند .

نحوه مصرف موجودی و دارائی اتحادیه در مجمع عمومی به اکثریت نسبی معین خواهد شد .



فصل سی و دوم

عقاید نویسندگان ایرانی

از روزی که کلمه « فراماسونری » و « فراموشخانه » به **سکوت مطلق** زبان فارسی راه یافت، همواره ایرانیان با آب و تاب فراوان، از این مجمع اسرار آمیز یاد کرده و شاید هم اکنون نیز نظیر چنین افکاری درباره این سازمان وجود داشته باشد. از اوایل قرن هیجدهم میلادی هر وقت نویسندگان ایرانی درباره « فراموشخانه » بحث می کردند و یا مطالبی می نوشتند بیشتر نوشته ها و افکار آنها جنبه افسانه و حکایات عجیب و غریب داشته و کمتر توانسته اند به واقعیت پرداخته و مطالب عمیق و صحیحی تهیه کنند.

در يك قرن اخیر به خصوص در سال های گذشته، که همیشه فراماسون های ایران مصدر کارهای بزرگ بوده و در دولت، مجلس، مقامات دولتی و حتی روحانی نفوذ کرده و شاعل حساس ترین مقامات بوده اند، تصورات و نظرات نویسندگان نیز درباره آنها عوض شده، همه اعضای این فرقه را عامل انگلیس ها دانسته^۱ و معتقدند که سازمان فراماسونری ایران شعبه ای از دولت و یا وزارت خارجه انگلستان در ایران است. نطقها، گفتارها، مقالات و کتبی که در زبان فارسی علیه فراماسونها ایراد و منتشر شده و می شود همه بلا جواب مانده و در تمام دوران ۱۵۰ ساله اخیر،

فراماسونها همواره سکوت کرده و هیچ‌گاه حاضر نشده‌اند درباره او هام و خرافات، اتهامات و نسبت‌های روا یا ناروایی که به آنها می‌زنند، در مقام جواب‌گوئی برآیند.

در مدت يك‌صد و پنجاه سال اخير، فقط يكبار در محفلی که عده‌ای از فراماسون‌ها گرد آمده بودند، يک‌کنفر حاضر شد، درباره فرقه ماسونی در ایران و جهان سخن‌گوید و معلومات خود را در اختيار افکار عمومی بگذارد. این شخص محمود عرفان قاضی‌عالی‌مقام وزارت دادگستری است که در جلسه سخنرانی هفتگی حزب عامیون در سال ۱۳۲۷ درباره فراماسون‌ها نطق مختصری ایراد کرد که خلاصه گفتار او در مجله یغما^۱ چاپ شده و در قسمت دیگر این کتاب نیز از این سخنرانی زکری شده است.

اطلاع از نوشته‌ها و نظرات مورخین و هم‌چنین نویسندگان و دانشمندان معاصر، به‌خصوص از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون، تا اندازه‌ای مهم و قابل توجه است. بهمین جهت تا آنجا که امکان دارد خلاصه‌ای از مقالات و گفتارها و نظریات و عقاید دانشمندان و نویسندگان معاصر را جمع‌آوری کرده و به نظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم:

نصیر الدین میرزا فرصت حسینی شیرازی در کتاب
دیو و جن و نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافی هند، که پس از
عفریت مسافرت به هند نوشته در باره فراماسونری چنین
می‌نویسد:^۱

« در این هفته می‌خواهم بروم (فری‌مسن) فراموشخانه اگر خدایتعالی بخواهد
شاید از آنجا هم چیزی نوشتم سابق بر این دوست رویه می‌گرفتند شخص را
داخل می‌نمودند حال ارزان تر شده يك صد و پنجاه رویه می‌گیرند یکی از دوستان

۱ - مجله یغما شماره‌های ۱۰ تا ۱۲ سال دوم

۲ - نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافیای هند قسمت دوم ص ۸۳

واقعی میل کرده از روی فتوت آن وجه را (در حقیقت ضرر را متحمل شود) مرا برده سیر دهد و خودش رفته است نام او را در اینجا نوشته بودم از در داخل شد از دیدن نام خود متغیر گردید فرمود نامی از این گمنام مبر لهداحك نموده ننکاشتم والسلام. پیش از اینها مرد مغرضی کتابی در باب فری مسن نوشته به طبع رسانیده بود و اشکال عجیب و غریب (دیو و عفریت و جن) کشیده مذکور داشته بود که در آنجا این اشکال را به نظر شخص جلوه می دهند و برخی مهملات بهم بافته انتشار داده بود اصلاً این مطالب حقیقتی ندارد و بعضی که گویند رفتن در آنجا موجب بی دینی و لامذهبی است از روی بصیرت نگفته اند مردمانی که فری مسن رفته اند می بینم برورع و زهد و دیانت و امانتشان افزوده جز طریق محبت و مودت به بنی نوع خود رفتار ندارند و احدی را نیاز دارند و زیرستان را دستگیری نمایند. از برای این تشکیل سی و سه درجه است تا نه (۹) درجه آن در بمبئی برقرار است زیاده از این در لندن و پاریس ترتیب داده شده که در بمبئی میسر نبوده و اسبابش ناموجود هر درجه را نامی است مخصوص :

درجه اول را (اترد اپرتیس) نامند یعنی دخول شاگرد بر استاد

درجه دوم را (فکوگراف) گویند یعنی رفقای هنرمند

درجه سیم را (مستر مسن) خوانند یعنی معمار یا مهندس

و این هر سه درجه را الاج می نامند و شش دیگر را (چپتر) می خوانند و فری-

مسن که نام تمام این اداره است معنی مهندس یا معمار از او است و بنای این کار در

زمان بنای بیت المقدس شده و آنچه معلوم می شود معمار بیت المقدس هم آن خانه

را برای همین مقصودی که حالا دارند بنا نهاده بوده...»

دانشمند فقید محمود محمود نویسنده کتاب «تاریخ

روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در

مجلدات پنجم و هفتم کتاب خود، درباره فراماسونری در جهان

نوشته های

محمود محمود



استاد فقید محمود محمود

و ایران مطالب فراوانی نوشته است.^۱ در این جا برای نشان دادن افکار و عقاید و نظرات يك مورخ و نویسنده ایرانی، قسمتهائی را که زائیده افکار اوست عیناً نقل می‌کنیم، و از ذکر قسمتهای تاریخی، سیاسی و آنچه که از کتب و آثار دیگران اقتباس و نقل کرده است. خودداری می‌شود:

«از تاریخ عملیات اولیه مجامع فراماسون پیدا است که در بدو امر خیلی ساده و مخصوص یکمده از طبقات بنا و عمله و کارگران آزموده و مفید بود که بطور آزاد در شهرهای معتبر اروپا برای ساختمان بنا و عمارات و غیره در دنبال کار بودند و این يك طبقه مخصوص را تشکیل داده بودند. بعدها رنگ مذهبی و سیاسی گرفت و صاحبان همت بلند مطامع عالی، آنها را بدست گرفته، برای مقاصد سیاسی بکار بردند. رفته رفته قواعد نظامات برای آنها قائل شدند و جلسات و مذاکرات سری نگاهداشتند.

به مرور زمان اشخاص جاه طلب در آن محافل راه پیدا کرده اساس اولیه آنها را برهم زده از نو طرح دیگری ریختند و این محافل به هیئت‌های سری بسیار خطرناک مبدل گردید و هر موضوع خطرناک سیاسی بدست اعضای آن اجرامی شد بعدها همینکه روح ملیت در اروپا استحکامی پیدا می‌کرد این مجامع نیز رنگ ملی آن ملت را می‌گرفتند که مختصراً شرح آن گذشت.

این اواخر دیگر بقدری این محافل خطرناک شد و عملیات آن بقدری وحشت-آور است که انسان از شنیدن و خواندن و اقدامات و عملیات آنها وحشت می‌کند. همینکه دول اروپا بفکر استعمار افتادند این محافل بهترین وسیله بود که توسط اعضاء آن می‌توانستند تولید اختلاف کنند و بانفاق و دوئیت میان سکنه آن مملکتی که بتصرف آن تصمیم گرفته بودند موفق شوند.

داعیان جسور و از جان گذشته زیاد با طرف عالم مخصوصاً به آسیا و آفریقا روانه داشتند. مأموریت اینها در این زمینه‌ها بوده که آداب و رسوم آئین و مذهب و اصول

۱- از صفحه ۱۲۱۶ تا ۱۲۲۰ جلد پنجم و از صفحه ۱۸۱۰ تا ۱۸۴۸ جلد هفتم.

حکومت آنها را بعنوانینی که فقط خود این داعیان به آنها آشنا هستند ، درانظار سکنه حقیر و بی اعتبار جلوه داده باعبارات دلفریب آنها را نسبت باصولزندگانی و حکومت ملی خودشان بدبین و ناراضی کنند. این کلمه آزادی که درمیان يك قوم یاملت جاهل برزبانها افتد غافل هستند چه اثرات شومی در میان آن ملت - داده لوح تولید خواهد نمود .

کلمات سه گانه موهوم که عبارت از آزادی - برادری و برابری باشد يك آتشی در سال ۱۷۸۹ در اروپا بوجود آورد که خشک و تر هر چه بود سوخت و روح ملت فرانسه را طوری مسموم نمود که هنوز هم که هست از اثرات آن سم مهلك خلاص نشده است و ملت فرانسه بحال طبیعی خود عود نکرده است.

روشن کننده همین آتش همان اعضاء مجامع و محافل فراماسون بودند که بعدها رفته رفته شراره این آتش بتمام ممالك عالم سرایت نموده دنیائی را بآتش بیداد خود سوزانید، امروز هم يك دام بس خطرناکی است که تمام ملل مقتدر و غیر مقتدر را بوحشت انداخته است .

من بیش از این نمی خواهم در سر این موضوع معطل بشوم فقط می گویم همین آتش بعدها بخرمن هستی ایرانی افتاد و ملت ایران را سالها گرفتار انواع مصائب و محن نموده است. پس از آن دودمان آل عثمان را بخاکسترسیاه نشانید روسیه یکصد و شصت میلیون نفوس را باشعله های سوزان خود غافلگیر کرده هستی آن ملت غیر مجرب و جاهل را به باد فنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است . من این تذکر مختصر را بهموطنان خود می دهم که بعدها بیدار و هوشیار شده گول این شیاطین شیاد را نخورند و به الفاظ فریب دهنده آنها گوش ندهند و به کتابهای شیرین و عبارات نفز آنها مفتون نشوند ، مجذوب نویسندة های آنها که دارای عناوین فضلا و علما و غیره هستند نگردند، این الفاظ و این عبارات و این نویسندة های عالم و فاضل آنهائی هستند که دنیا را با این کلمات شیرین و فریب دهنده اغفال نموده آتش فتنه و انقلاب را در هر سرزمینی دامن زده اسباب اسارت دایمی سکنه آنها را فراهم می آورند.

باور بکنید از آن روزی که عنوان فراماسون در این مملکت پیدا شد و محفل سری آنها با شماره لندن در این سرزمین تشکیل گردید از همان روز بدبختی و سیه روزی ملت ایران شروع شده است .

همینکه ناراضی ها و ساده لوحان و بعدها طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گرد آمدند از آن روز اساس حکومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملکت ایران رخت بر بست .

اینک با این مقدمه که فوق گذشت من تعجب دارم چگونه این نسبت را بهسید جمال الدین داده او راداعی و مبلغ یک چنین مؤسسه دانسته اند که در ایران و سایر ممالک اسلامی عامل آنها را تشکیل داده است. من امیدوارم ریشه این درخت فتنه و فساد که عالمی رازیر و رو نموده است از ایران برانداخته شده است دیگر محفلی باین نام و نشان در ایران وجود ندارد هر گاه خدای نکرده باز هم اثری از آن در این سرزمین وجود داشته باشد من بنام ایران و ایرانیت از هموطنان خود تمنی می کنم از دور این شیادان بپاشند و پیرامون آنها نگردند و برای یک نفر ایرانی خیانت از این بالاتر نمی شود که داخل یکی از این محافل دشمن بشود»

دانشمند فقید در جلد هفتم چنین می نویسد :

«... نمایندگان دولت انگلیس که در ایران مأموریت پیدا می کردند در همه جا از این برادران داشتند و بسراغ هم می رفتند و یکدیگر را پیدامی کردند و با آنها سروسر داشته و باهم رایگان بودند.

انگلیسها این محافل را نه تنها در ایران بلکه در تمام ممالک آسیائی و افریقائی و سایر جاها داشتند . مأمورین رسمی دولت انگلیس دیگر در این ممالک غریبه نبودند، برادران دلباخته آزادی زیاد داشتند و آنها انگلیسها را دوست داشتند آنها را غریبه نمی دانستند . همینکه روبرو می شدند یکدیگر را می شناختند و باهم رایگان می شدند... وقتیکه انسان بطور دقت اعمال و شرح حال رجال درباری فتحعلیشاه ، محمدشاه و ناصرالدین شاه را مطالعه می کند ، می بیند تمام آنها مانند اشخاص فرسوده ، بی حال و بی علاقه ، مهمل و بیکاره هستند .

مثل این است که مقدرات آنها دست خودشان نیست . از خود اراده ندارند، اینها نیستند که صاحب مملکت ایران هستند ، بلکه ایران صاحب دیگر دارد که غیر از شاه و صدراعظم است .

وقتی که می‌دیدند در یک روزی اعتمادالدوله را که یگانه مرد توانای ایران است در یک روز با تمام اعوان و انصار و اولادش نیست و نابود می‌کنند آنوقت بجای او میرزا شفیع را می‌نشانند رجال دربار در فکر فرو می‌روند و نمیدانند که او را برد و دیگری را آورد .

وقتی که میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام را نمی‌گذارند یکسال صدارت کند و حاجی میرزا آقاسی را چهارده سال در صدارت حفظ می‌کنند پیداست که کار شاه نیست . هم چنین میرزا تقی خان امیر کبیر را با آن قدرت و توانائی از بین می‌برند و میرزا آقاخان نوری را در مسند صدارت می‌نشانند همه می‌فهمند که کار شاه نیست ، این دست دیگری است که میرزا تقی خان را می‌کشد و میرزا آقاخان را بجایش می‌نشانند . آن تشریفات که برای دخول بمحفل فراماسون داده‌اند هر تازه وارد از مشاهده آن تشریفات مات و مبهوت می‌شود اختیار از کف او خارج است خود را در مقابل چیزهائی مشاهده می‌کند که از خود بی‌خود می‌شود ، در اینوقت است که از او قول و قرار می‌گیرند و تا آخر عمر به آن محفل خود را بسته می‌بیند و برگشت برای او نیست و او امر آن بدون چون و چرا باید اجرا شود تا به بهشت موعود که آزادی نام و تمام همه سکنه جهان در آن است برسند ، آنوقت است که آزادی ، برادری و برابری تمام روی کره زمین را خواهد گرفت .

در قرن نوزدهم چندین امام زمان برای ایرانیان تراشیدند ولی هیچیک جانی نگرفت، پیروان میرزا علی محمد باب حتی دست بشمشیر هم بردند فایده نکرد چونکه در زمان حاجی میرزا آقاسی علم کردند ولی صدارت او دوامی نکرد محمد شاه مرد و حاجی خلاص شد ، رفت در حضرت عبدالعظیم بست نشست تارندان اسباب مسافرت او را بفتبات فراهم کردند . میرزا تقی خان امیر کبیر در دوره صدارت خود فتنه

باب را خوابانید و آنها را قلع و قمع کرد و خود او نیز برای سیاستی که در پیش گرفته بود وجودش غیر لازم بوده او را هم از بین بردند .

در زمان میرزا آقاخان نوری پیروان باب باز جلیبش کردند ولی این بار سخت مجازات دیدند و دیگر قد علم نکردند ولی پرفسور براون تا این اواخر هم سنگ آنها را به سینه می زد و برای آنها همیشه نوحی خوانی می کرد...

... توسعه سریع و فوق العاده فراماسون در قرن هیجدهم بسیار قابل ملاحظه است بچه سرعت عالمگیر شد و بطور مؤثری آزادی فکر و عقیده توسط پیروان آن توسعه یافت. این يك مؤسسه سری بوده افراد آن به قید قسم غلاظ و شداد باید اسرار آنها حفظ کنند . افراد این مؤسسه سری عقیده و ایمان راسخی به اصول و شعائر را در میان بشر عمومیت دهند تا آنها هم از نعمت آزادی ، برابری و برادری بهره مند شوند . هر عضو ماسون وظیفه خود می دانست مبلغ از جان گذشته آن مؤسسه باشد .

آن کسیکه آتش فتنه را روشن می کند دود آن اول بیچشم خود همان آتش - افروزمی رود و بعد بیچشم دیگران در سال ۱۷۷۶ انقلاب از امریکا شروع شد چونکه محفل ماسونها سال ۱۷۳۳ در امریکا تشکیل شده بود و استقلال خود را اعلام کرد . علت عمده این انقلاب بیدادگری دولت انگلیس بود که مستعمره خود انگلیس بر علیه دولت انگلیس قیام کرد و خود را آزاد نموده و برای همیشه خودشان را از چنگال بی رحم آن دولت غدار رهائی دادند هنوز هم قلب هر انگلیسی از دست رفتن این کلنی داغدار است .

انگلیسها هرگز تصور نمی کردند این فتنه اول دامنگیر خود آنها گردد ، مقصود آتش فتنه بود که جهانی را بسوزاند و خودشان ایمن بمانند ولی يك جرقه از آن بخرمن خود آنها افتاد . در سال ۱۷۸۹ این آتش بخرمن هستی ملت فرانسه افتاد در نتیجه آن انقلاب وحشتناك در فرانسه پدید آمد مانند وبا و طاعون بهترین رجال این ملت را درو کرد . قرنها باید بگذرد تا ملت فرانسه زیان این انقلاب را

جبران کند و بحال طبیعی عود کند .

چه کسانی از آن انقلاب پرخوف و وحشت تعریف می کنند؟ همانها که پیرو اصول فراماسون بودند ، همانها بودند که این آتش را افروختند و جان هزاران نفر را به خاک هلاک انداختند. آشوب ایتالیا، فتنه اسپانیا تمام تحریکات فراماسونها بوده کارل تون هایس می نویسد «لژهای فراماسون مراکز مناسب و جاهای امن برای تبلیغات بود . آزادیخواهان که روابط بسیار نزدیکی در میان تمام ملت اسپانیول پیدا کرده بودند، می توانستند بواسطه علائم و اشارات و طرز مخصوص دست دادن و اسامی و الفاظ سری و مرموز، بدین وسائل آزادی، برابری و برادری را بملت اسپانیول تعلیم بدهند ، در میان عناصر لامذهب و ضد روحانیت حتی در میان صاحبمنصبان قشون این نهضت توسعه یافت تا اینکه در کشتی اسپانیول جنگ داخلی شروع گردید ...»

استاد سعید نفیسی در کتاب «نیمه راه بهشت» در آنجائیکه از دستگاه اینتلیجنس سرویس و جاسوسی انگلستان بحث می کند ، چنین می نویسد :

نظریات و عقاید
استاد سعید نفیسی

«این دستگاه همواره با فراماسونهای فرانسوی و انگلیسی

رابطه عجیب داشته است و با زیر دستی خاصی فراماسونها را در هر جای ایران بنفع خود بکار انداخته و آنها را کورکورانه باطاعت و فرمان برداری محض وادار کرده است. فراماسونها همیشه در همه جای جهان در پی مردم متوسط ، اندک همت ، کوتاه نظر و ظاهر پرست گشته اند ... شاید هزاران هزار فراماسونهایی در اکناف و اطراف جهان بوده اند که صادقانه با کمال خلوص و صفا باین دستگاه جاسوسی خدمت کرده اند و خود نمیدانسته اند که از کجا مأمورند و بسود چه کسانی کام بر میدارند. برای رسیدن باین نتیجه راه بسیار ساده طبیعی دارند و آن اینست که همین دستگاه جنایت پرور و خیانت گستر مردمان بی استعداد متوسط را از جای



استاد فقید سعید نفیسی

پست برمی‌گردد و بجای بلند می‌برد ... در ایران از روز نخست با مردمی که اصل و نسب درستی نداشته و از مال جهان جز دلی هوی پرست و طبیعتی جاه طلب چیزی بآنها نرسیده بود بنای سازش را گذاشته‌اند. گروه گروه مردم از طبقه پست را پرو بال داده یا جاه طلبی آنها را راضی کرده و یا مکامشان را تسلیت بخشیده‌اند ... درصد سال پیش فراماسونهای فرانسوی بوسیله یک ارمنی که دعوی مسلمانی داشت لژی در تهران دایر کردند. پیش از آن برخی از ایرانیان که در زمان فتحعلیشاه بعنوان فراگرفتن فنون جدید یا نمایندگی سیاسی بانگلستان رفته بودند با فراماسونهای لندن آشنا شده و عضویت این جمع را پذیرفته بودند ولی در بازگشت بایران تعصب‌هایی که در پیش بود مانع شده بود که عده بسیاری را با خود یار کنند و تقریباً پنج‌سال این کوشش‌های جسته و گریخته ایرانیانی که در انگلستان فراماسون شده‌اند بجائی نرسید و سازمان منظم و پا برجائی نتوانستند فراهم کنند .

در هندوستان و مخصوصاً در کلکته فراماسونهای انگلیسی دستگاه وسیعی چیده بودند و گروه گروه مردم ملل مختلف را با خود یار می کردند. ایرانیانی که بهند رفتند درین جمع نیز راه یافتند و در بازگشت بایران بیشتر در فارس و اصفهان و سایر انتشار افکار فراماسونها و آن هم بیشتر در میان طبقه محدود و معینی فراهم شد.

مبلغان این فکر بیشتر تاجرانی بودند که برای سوداگری بهندوستان رفته و در بازگشت این کالای نوظهور را هم با خود آورده بودند و برخی طلاب و واعظان و اهل منبر بودند که بگفته خود برای ترویج عقیده خویش یا روضه خوانی در میان مسلمانان هند بآنجا رفته و در بازگشت این افکار را آورده بودند. اما هنوز نه شماره آنها و نه هنر دلاوریشان بجائی نرسیده بود که بتوانند دستگاه منظم فراماسونری انگلیس را در ایران بگسترانند.

گروهی دیگر از ایرانیان و بیشتر مردم آذربایجان برای تجارت بخاک عثمانی و مصر می رفتند و در آنجا با فراماسونهای تربیت یافته فرانسه آشنایی شدند و در قاهره و استانبول از آنها تعلیمات می گرفتند و در بازگشت به ایران این افکار را انتشار می دادند.

فراماسونهای دسته فرانسوی نخست از یکی از شهرهای استانبول الهام گرفته اند. جوانی از ارمنیان جلفای اصفهان که بعدها می بایست درین گیلو دار سیاست اروپائی در ایران کارهای بسیار بکند و حتی در قلب در قمار و دلالتی گرفتن از خرید و فروش های دولتی وارد شود و چنان مردم را از شعبده ها و نیرنگهای گوناگون خود خیره کند که حتی نسبت حقه بازی و تردستی مخصوص باو بدهند مأموریت پستی در سفارت ایران در استانبول داشت و مترجم فرانسه آن سفارتخانه بود. این جوان ارمنی ملکم پسر میرزا یعقوب از بهترین و دلیرترین و با وفاترین پیشروان و پیشوایان فراماسونها در ایران بود که در استانبول او را تربیت کرده و به ایران برگردانده بودند تا مأموریت خود را انجام دهد ...

... فراماسونها خوب می‌دانند از حالت رعب مخصوصی که در اعضاء خود ایجاد می‌کنند چگونه برخوردار شوند ... دست آلوده چرکینی را می‌آورند، آلودگی و رسوائیش را بیادش می‌آورند و با او شرط و قراری می‌دهند که هر ساعت سر از فرمان پیچد فسقش آشکار خواهد شد ... اساس کار فراماسونها همواره در هر زمان و در هر کشوری بهره‌جویی و بهره‌یابی از مردم زبون و ناتوان سست پای سست دل سست رأی بوده است. در گام اول که می‌خواهند کسی را جلب کنند نخست آنچه می‌توانند درباره وی بحث و فحص می‌کنند و می‌پرسند و می‌جویند تا مطمئن نشده باشند که آن مردست نشانده فرمان بردارشان خواهد شد او را بیازی نمی‌گیرند. سپس که تصمیم بجلب او گرفتند و شرط و پیمانها را با او استوار کردند و قلاده سنگین بردگی جاودانی را بگردنش گذاشتند انواع وسائل مادی کودک فریب ابله ترسان را درباره وی بکار می‌برند.

شب تاریک در پی او می‌روند، در وسیله نقلیه‌ای می‌نشانندش، چشمانش را تنگ می‌بندند، مدت‌ها و گاهی ساعتها در همان یکی دو خیابان او را می‌گردانند و بارها از این سو بآن سو می‌برند چنانکه آن مرد بیندارد که به مسافت بسیار دوری برده‌اندش.

در خانه که وارد شدند باز چندین باروی را در گرداگرد آن سرای می‌گردانند که حس تعین مسافت را بکلی درو بکشند و او را کاملاً گیج و سرگشته بکنند. از پله‌هایی چندین بار بالا و پائینش می‌برند و سرانجام در زیر زمین تاریکی واردش می‌کنند. در سر راهش صندلی‌ها و میزهای متعدد چیده‌اند که پایش بآنها بر بخورد و باز رعب در دلش بیشتر شود. همینکه او را نشانندند موسیقی یکنواخت و يك آهنگی که گوئی از کیلومترها مسافت می‌آید مدتی در گوشش شاف می‌کنند. در میان سکوت محض ناگهان تیری در پی گوش وی در می‌کنند و بکلی حالت کشش اعصاب و اضطراب و خلجان فکر و منتهای رعب و هراس را درو پیش می‌آورند. در همین میان کسی با صدای مصنوعی بسیار خشن و زنده او را مخاطب می‌کند و

با بانگ بم و کلمات مقطع و کشیده و بریده از نام و نسب و جزئیات زندگی او می‌پرسند و آن اسراری را که از او بدست آورده‌اند جسته جسته در میان آن سخنان می‌گویند و بر او امید دارد که به پرسشهای او پاسخ صریح و درست بدهد و اسرار دیگر را بر زبان بیاورد.

بدینگونه این مرد ابله بدبخت را بکلی زبون و دست نشانده و فرو دست می‌کنند و ذره‌ای غیرت و مردانگی و جرأت و دلاوری و حس غرور و خودخواهی در او باقی نمی‌گذارند.

بدین حالت چشمش را می‌کشایند و در پرتو بسیار ضعیف شمع گرداگرد وی در دو صف گروهی نشسته و گروهی پشت سر ایستاده‌اند که همه سیاه پوشیده و هر يك افزاری بدست دارند و به ترتیب درجات و شئونی که در آن جمع دارند نشسته یا ایستاده‌اند. پس از این که مجلس بهم خورد و فضا روشن شد و بحال عادی برگشت تازه می‌بیند کسانی که گرد وی را گرفته بودند بیشترشان دوستان نزدیک و معاشران قدیم او هستند که درین سالهای دراز دوستی و معاشرت اندک اشارتی به این اوضاع نکرده‌اند و عجیب‌تر از همه آن‌که خانه و صاحبخانه و محله همه را می‌داند و می‌شناسد و پی‌می‌برد که در کجاست و چگونه است ...

... خدا داند که دستگاههای فراماسونری فرانسوی و انگلیسی در این دو قرن گذشته در گوشه و کنار جهان چه بهره‌ها و چه سودهای مردم گزای از این دستگاه و ازین بازی زشت مردم اوباش برده‌اند ...

... فراماسونهای ایران هم تابع همین اصول و بازیگر همین میدان‌اند. برخی از آنها که در جوانی سری پرشور و دلی پر آرزو داشته‌اند و نمی‌خواستند به همان زندگی محقری که برایشان فراهم بود قناعت کنند بدین دستگاه سر فرو آورده‌اند...

۱- در این قسمت از کتاب نیمه‌راه بهشت کلمات زشت و زننده‌ای بکار رفته که چون تکرار آن‌هاست از نقل آنها خودداری شده و تنها اظهار عقیده و تشریفات که نویسنده به آن توجه کرده نقل شد.

... اگر از نزدیک وارد زندگی ایشان بشوید می بینید در خانه خود گوشه‌ای و ساعتی مخصوص بخود دارد که در آن جا بیگانه و نامحرم را جای نیست. همیشه اطاقی یا پستویی و صندوقخانه و تاریک خانه‌ای مخصوص ایشانست که دیگران حق ورود بدان ندارند و چون خلوتگاه دیوان در قصبه‌هایست که برای کودکان می‌گویند. در ساعت معینی از شبانه روز بدانجا می‌روند و در را بروی خویش می‌بندند و چون صوفیان که در خلوت چله می‌نشینند و بمراقبه می‌پردازند آنها نیز بانفس- اماره خود خلوت می‌کنند و به مشورت می‌پردازند و عقل را به میانجی‌گری و قضاوت در برابر خویش می‌نشانند ...

... در هفته، روز معین و ساعت معین این آقای عزیز در میان انبوه شهر کم می‌شود و کسی نمی‌داند بکجا رفته است و هرگز زن و فرزندش هم کمترین اشارتی پدین (غیبت‌های صغری و کبری) ازو نشنیده‌اند. در خانه جعبه‌ای یا چمدانی و صندوقی و کشوی میز مخصوص او هست که کسی نمی‌داند در آن چه نهفته و چه امانت گذاشته است. روزی که مرگ بر سرش فرود آید ... و سرانجام کلیه اسناد بدست محارم افتد. یکی چند ورق احکام و فرمان‌های لژ که بزبان خود (دیپلم) می‌گویند و بسته بدرجاتی که پیموده نشانها و امتیازات ماسونها و اگر بمقام بلند رسیده باشد حمایلهای آن با یک نسخه چاپی اساسنامه و نظامنامه لژ یگانه میراث مرده آنهاست ...

دکتر میمندی نژاد در کتاب « حوادث » در باره فراماسنهای
دکتر محمد حسین ایران‌چنین می‌نویسد: ^۱

میمندی نژاد « ... هیئت‌های حاکمه مزدوران سر سپرده فراماسونهای
مسلوب الاختیار و بیسوادی اکثریت مردم ایران اساس و پایه
نفوذ انگلستان در ایران می‌باشد .

کسانی که کتب سیاسی و اجتماعی نگارنده را مطالعه فرموده‌اند به خوبی

متوجه گردیده‌اند که برای متزلزل ساختن و فرو ریختن این پایه‌ها با صراحت مبارزه کرده‌ام. آنچه مرا وادار کرد باز هم به حاشیه بروم اینست که: پس از انتشار کتاب (مبارزه در راه حق ادامه دارد) بایکی از دوستان به دیدار یکی از فراماسونهای گوشه‌نشین که تازه از سفر آمده بود رفتم و کتاب را به او تقدیم کردم تا مطالعه کند. بحث تحت عنوان (سرم حقیقت) انقلابی در فکر و روحش ایجاد کرده بود. چند روز بعد که در تنهایی با آن پیرمرد که از بردن نامش معذور هستم^۱ روبرو شدم متأثر و مغموم در حالی که می‌لرزید و اشک می‌ریخت می‌گفت: شما بدون جهت تمام فراماسون‌ها را با يك چوب رانده‌اید خوب بود استثنائی قائل می‌شدید وقتی که قانون بدون استثناء نمی‌شود چطور ممکن است در يك اجتماعي تمام اشخاص يك جور باشند شما خودتان نوشته‌اید: وقتی که دو اثر انگشت میلیاردها افراد بشر شبیه نیست چگونه ممکن است طرز تفکر افراد شبیه باشد؟

گفتم: آنچه می‌فرمائید صحیح است. روی همین اصل بود که در کتاب در راه حق به صراحت نوشتم: (کسانی که وارد لژهای فراماسون می‌شوند ممکن است قبل از ورود مردان باشرف و پاک و درستی باشند..)

در حالی که می‌لرزید گفتم: من به شما اطمینان می‌دهم اکثریت اشخاصی که وارد این تشکیلات شده‌اند اشخاص باشرفی هستند. برای اینکه شما بدانید برای چه این اشخاص باشرف وارد این تشکیلات شده‌اند مانعی ندارد از مرام و مسلکی که این جمعیت دارد باخبر باشید. همان‌طور که شما نوشته‌اید فراماسونری در دنیا ریشه دوانده و در تمام کشورها این فلسفه با سرعت نفوذ یافته است. سرفوز این فلسفه در بین مردم عالم از این جهت است که مرامنامه این جمعیت برای تمام مردم فهمیده عالم قابل قبول است و هر کسی آن را کامل می‌یابد.

این جمعیت بین‌المللی يك جمعیت کامل اخلاقی است و برای تأمین رفاه و آسایش مردم عالم تأسیس گردیده است و اگر به سرعت پیشرفت کرده برای این

۱ - این شخص بنا باظهار آقای دکتر میمندی نژاد مرحوم قراگوزلو همدانی بوده

است که پیروان این فلسفه خوبان عالم هستند. در بین ماسون‌ها اشخاص بی سواد هرزه و رسوا راه ندارند. من به کشورهای دیگر کاری ندارم در همین ایران افرادی از قبیل آیت‌الله سید محمد طباطبائی، شیخ ملا هادی نجم‌آبادی، حاج سید نصرالله تقوی، میرزا حسین خان مستوفی الممالک، مشیرالدوله پیرنیا، ادیب‌الملک فراهانی، علیخان ظهیرالدوله، کمال‌الملک، محمد علی فرزین، ارباب کیخسرو، محمد علی فروغی (ذکاء‌الملک) و امثال آنها در این سازمان بوده‌اند.

شما که پرونده و سوابق سیاسی اشخاص را از بایگانی‌ها بیرون می‌کشید و از زیر خروارها خاک بیرون می‌آوردید آیا شنیده‌اید این اشخاص دزدی کرده باشند آیا هیچ کجا خوانده‌اید که از این بزرگوارها خلافتی سرزده باشد و یا عمل‌زشتی را انجام داده باشند؟

او منتظر بود جوابی به سئوالاتش بدهم و چون سکوت مرا دید اظهار داشت: سکوت شما دلیل بر اینست که در برابر این سئوالات جوابی ندارید بدهید.

گفتم: سکوت مرا دلیل بر رضایت ندانید فرمایشات خود را بفرمائید تا بعداً جواب عرض کنم.

گفت: اصول و عقاید ماسونها در درجه اول اعتقاد به ذات پروردگار یگانه است اودر نظر ما مهندس اعظم معمار اصلی است چون چنین ایمان و عقیده‌ای سرلوحه فلسفه فراماسون‌ها است پس از این جمعیت دارای تمامی مبانی اخلاقی می‌باشد.

فراماسونها تمام افراد عالم را برادر و برابر می‌دانند و کسانی که معتقد به ذات پروردگار می‌باشند ولو اینکه دین و مذهبشان با هم متفاوت باشد با یکدیگر برادر هستند. در بین فراماسونها آزادی و احترام به آن یکی از اصول اساسی را تشکیل می‌دهد. آزادی کار، آزادی مسکن، آزادی عقیده ارکان اصلی این

فلسفه می‌باشد. فراماسونها با اختلافات نژادی شدیداً مخالف هستند و اختلاف رنگ، پوست و تبعیضهای نژادی را بکلی متروک و همگی بیکدیگر به‌دیده احترام نظر می‌کنند. فراماسونها در هر کجای عالم باشند دارای هر مذهب و نژادی که هستند همگی با هم برادرند و به اصطلاح با یکدیگر صیغه برادری خوانده‌اند. برای سالکین این طریقه ۳۳ درجه تعیین گردیده است ولی بین افرادی که درجات مختلف را دارند هیچگونه مزیتی وجود ندارد و همگی با یکدیگر برادرو برابر هستند.

هر شخص فراماسونی را که در نظر بیاورید دروغگو نیست، تابع قوانین است، به‌زیردستان رئوف و مهربان است، بشر دوست است، طالب علم و فرهنگ است، علیه خرافات می‌جنگد. بخل و حسد و تنگ‌چشمی ندارد. خلاصه يك نفر فراماسون مردوارسته از خود گذشته و دارای سجایای اخلاقی و ملکات فاضله است.

برخلاف تعبیر فارسی که کرده‌اند و فراماسون را فراموشخانه نامیده‌اند پیروان این فلسفه سعی دارند دنیای آزادی که روابط بین‌کشورها و افراد مختلف و جماعات متفاوت یکسان و برابر باشد بسازند. شما فرآنسه می‌دانید معنی لغت فراماسون در فارسی می‌شود (بنایان آزاد) هرکس دارای روح انسانی باشد و از بشریت بهره‌ای داشته باشد خواه و ناخواه در ساختن این دنیای آزاد شریک می‌باشد خود شما هم با مبارزاتی که می‌کنید همین‌راه را پیروی می‌نمائید.

شما در کتاب (بسوی او) که نوشته‌اید درجه ایمان خود را به‌مهندس اعظم و معمار بزرگ یعنی ذات پروردگار اثبات می‌کنید. مبارزات شما در جمعیت ضد راسیسم نشان می‌دهد که در راه برابر دانستن نژادها از مسلک فراماسونها پیروی می‌کنید. شما با خرافات مذهبی از طرفی می‌جنگید و از طرف دیگر افراد سالک مذاهب مختلف را در تزد خدایکسان می‌دانید. این اصل هم یکی از اصول فلسفه فراماسونها است. شما علیه دیکتاتوری و زور و قلدری مبارزه می‌کنید و در راه

آزادی حاضرید جان خود را فدا کنید اینها تمام اصول فلسفه فراماسون‌ها است. شما هم خواسته و نخواستہ در جزو (بنایان آزاد) هستید . منتهی تفاوت شما با آنها که وارد در این تشکیلات هستند اینست که تشریفات وارد شدن به این محافل را انجام نداده‌اید .

اگر فلسفه فراماسونری بد است ، شما و تمام افراد آزاده جهان هم بد هستید . آقای دکتر ... باور کنید سرم حقیقت شما صحیح نبود و نسبت به افراد این جمعیت اخلاقی بیجهت چنین حمله ناروایی کرده‌اید . از شما بعید بود این چنین رفتار بفرمائید . شاید در نتیجه عدم اطلاع بوده است . در هر حال در نوشته خود تجدید نظر بفرمائید و به يك عده مردم شرافتمند به این پایه حمله نفرمائید و تهمت ناروا نزنید زیرا در برابر خداوندی که به آن ایمان و عقیده دارید اجر و پاداش خود را از بین می‌برید .

گفتم : فرمایشات سرکار تمام شد

اظهار داشت : تصور می‌کنم متقاعد شده باشید .

گفتم : در برابر عبارات زیبا و فریبنده سرکار هر کسی متقاعد می‌شود

ولی ...

گفت : اگر آنها را صحیح نمی‌دانید اعتراضات خود را بفرمائید .

گفتم : فلسفه فراماسون‌ها را تشریح فرمودید . با توجه به سوابق فامیلی

سرکار اطمینان دارم مسلمان هستید زیرا مسلمان زاده‌اید . من هم قسم به ذات

پروردگار مسلمان زاده هستم و دین و آئین خود را برتر و بالاتر از سایر ادیان

می‌دانم . می‌خواهم از سرکار که مسلمان هستید سؤال کنم : آیا دین اسلام دین

برادری و برابری نیست ؟ آیا در دین اسلام بین سیاه حبشی و سید قریشی اختلافی

گذاشته شده است ؟ آیا برای افراد مسلمان خدایکی نیست و به قول سرکار مهندس

اعظم و معمار بزرگ شریکی دارد ؟ آیا مسلمان حقیقی از خرافات گریزان نیست ؟

آیا فرد مسلمان دروغگو ، ریاکار ممکن است باشد ؟ آیا شخصی که ادعا می‌کند

مسلمان است نوع دوست، خیر، رئوف و مهربان نیست؟ آیا ممکن است شخص مسلمان طالب علم نباشد؟ آیا فرد مسلم علیه بی‌عدالتی و برای حفظ آزادی مبارزه نباید بکند؟ آیا در دین اسلام جهاد و پیکار کردن علیه زورگویان و متعديان و یا به اصطلاح امروزی مبارزه با دیکتاتوری فریضه اولیه نیست؟ آیا در آئین اسلام رعایت نکردن حقوق دیگران، احترام نگذاشتن به افراد دیگر عالم قید شده است؟ آیا آن همه مبارزه در راه اسلام برای این نیست که تمام عالم از آزادی و برادری و برابری و انتفاع از حقوق یکسان بهره‌مند گردند.

گفت: البته تمام اینها صحیح است.

گفتم: پس من برخلاف فرمایش سرکار جزو (بنایان آزاد) نیستم. من يك فرد مسلمان هستم و از شما تعجب می‌کنم با وجود این که کاملترین فلسفه‌های اخلاقی و اجتماعی در دین حنیف اسلام هست از فلسفه (بنایان آزاد) پیروی می‌کنید مگر مسلمانی چه عیب دارد و پیروی از آئین اسلام چه نقصی دارد که فرد مسلمان مجبور باشد از فلسفه فراماسونها پیروی کند؟

فکری کرد و گفت: شخص ممکن است هم مسلمان باشد و هم از فلسفه فراماسونها که با اسلام مخالفت ندارد پیروی کند. اثبات شیئی که نفی ماعدا نمی‌کند.

گفتم: فرض کنیم چنین باشد. پیغمبر اسلام چهارده قرن قبل آمد. مردم جهان را علناً به راه حق دعوت کرد، چون در راه حق می‌رفت و دسیسه‌ای در کار نبود احتیاج نداشت محافل و لژهای سری تأسیس کند و مردم را در خفا و پنهانی برای راست گفتن، برای رئوف و مهربان بودن، برای دستگیری کردن از هموعان، برای شناختن ذات پروردگار، برای برادری، برابری، تساوی حقوق و بالاخره برای آزادی و وو دعوت کند.

تصور نمی‌فرمائید همین سری بودن محافل و لژها، همین مقررات سختی که برای ورود اشخاص و پیوستن آنها به سالکین این طریقه وجود دارد از دسیسه‌ای

حکایت می‌کند که از نظر افرادی که وارد می‌شوند پنهان می‌ماند .

گفت : چنین شبهه‌ای را هرگز بخود راه نداده‌ام

گفتم : بهمین جهت است که در روز ورود تعهد سپرده‌اید : (بدون چون و چرا بلااراده فرامین لژبزرگ را که در لندن است اجرا کنید و باسپردن این تعهد خود را مسلوب‌الاختیار نموده‌اید) . ای آقای بزرگوار که سرم حقیقت‌نیشتری به قلبت زده و با این موهای سفید در برابرم اشک می‌ریزی آیا فکر نکرده‌ای که تحت این عبارات زیبا و فریبنده ، سرکار و امثال سرکار بدون اراده و چون و چرا برای معمار بزرگ و مهندس اعظمی که در لژها و محافل خود چشم‌آن را در مثلثی در بالای سر رئیس محفل نقش کرده‌اید و آن چشم چشم انگلستان است کار می‌کنید .

گفت : این چه حرفی است ، آن چشم چشم خدا است .

خندیدم و گفتم : خدا چشم ندارد، تجسم‌دادن چشم خدا هم به آن شکل‌تصور می‌کنم انحراف از اصول مذهب است . شما که مسلمان هستید چرا چنین حرفی را می‌زنید ؟

فکری کرد و اظهار داشت : هر چه هست آن چشم چشم انگلستان نیست . گفتم : وقتی که فرامین و دستورات هر محفلی که در عالم باشد از محفل بزرگ که در لندن است می‌آید و تمام لژها و محافل از آنجا سرچشمه می‌گیرد و دستورات آنها را اجرامی‌کند پس دنیای آزاد به دستور آن معمار و مهندس باید ساخته شود . شما بخواهید یا نخواهید نقشه‌طراحی شده توسط آن معمار و مهندس را عملی می‌سازند .

به عبارت دیگر سرکار آقا ایرانی هستید . ادعا دارید مسلمان می‌باشید و خواسته یا نخواسته ، عمله واکله‌ای بیش تشریف ندارید و چون مسلوب‌الاختیار می‌باشید و اراده‌ای از خود ندارید لذا به دستور مهندس اعظم و یا معمار بزرگ

که غیر از انگلستان کسی نیست منافع و مصالح کشور آباء و اجدادی خود را پامال می‌کنید.

شما و امثال شما در هر کشوری هستید خواسته یا نخواستہ شدیدترین ضربات را بر پیکر هم میهنان و میهن خود به نفع يك دولت جابر بیگانه وارد آورده‌اید و باز هم در هر فرصتی که پیش بیاید وارد خواهید آورد.

به موجب صفحات تاریخ که شمه‌ای از آن را سعی کرده‌ام با اسناد مثبتہ در کتب خود انتشار دهم آن عبارات فریبندہ و زیبا دامی است برای جلب افراد خوش-طینت و پاک، ولی همان طور که در کتاب (در راه حق) نوشته‌ام (.. مقررات ورود به این محافل به نحوی است که وارد شده اراده خود را از دست می‌دهد و آلت بلا اراده یا بنا به اعتراف یکی از شماها آلت فعل می‌شود که طبق فرامین و دستورات مجبور است رفتار کند و راه برگشت هم ندارد).

گفت: پس آن مردمان شریفی که نام بردم آنها هم.

گفتم: به اکثر آنها (نعل و ارونه) زدند. اینها به طور غیر مستقیم به تصور این که با استعانت و کمک مردم آزاده جهان که محافل آنها در پاریس بود، خواهند توانست ایران را از قید استبداد پادشاهان قاجار خارج کنند به این جمعیت به اصطلاح سرکار اخلاقی، پیوستند. از یکی از آنها قبل از مرگش شنیدم گفت:

(با کمال تأسف ما آن روزها نفهمیدیم، در پس قیافه آراسته‌ای که به ما عرضه داشتند قیافه کریه مہیبی که ما همیشه از آن ترس داشتیم پنهان بوده است).

حرفم را قطع کرد و گفت: اگر راست می‌گوئید پس چرا وقتی که فهمیدند برنگشتند.

گفتم: همین سؤال شما را از آن مرد شریف که مورد احترام من بود کردم، در جواب اظهار داشت: راه برگشت وجود ندارد تنها کاری که من توانسته‌ام انجام بدهم اینست که در بازی‌ها وارد نشوم و به عناوین مختلف از زیر بار فرامینی که

می‌رسد شانه خالی کنم . مثل آن بزرگوار در بین مؤسسين اين تشکيلات زياد بودند و من با بعضی از آنها تماس نزدیک داشتم . بر من واضح و مسلم گردیده است اشخاص با شرف و با حیثیتی که وارد این سازمان گردیدند ، پس از آگاه شدن بر حقایق گرفتار عذاب وجدانی شده زندگی روزمره را گذرانده‌اند و وجودشان مثمر- ثمر و اثری نبوده است . مثلاً جناب آفاکه به من اعتراض می‌فرمائید و سالک این طریقه هستید و می‌کوشید از شرف و حیثیت خود دفاع کنید منشاء اثری نیستید . قصری زیبا دارید ، ثروتی سرشار در اختیار شما است ، قسمتی از سال را در خارج از ایران و بقیه را در این کاخ عظیم به سر می‌برید چه عمل مفیدی انجام می‌دهید؟ چه خدمتی به کشور آباء و اجدادی خود می‌کنید؟ چرا شما را به بازی نمی‌گیرند؟ قبل از اینکه سفر بروید يك روز از شما پرسیدم چرا خاطرات خود را نمی‌نویسید؟ جواب فرمودید: برای اینکه تأمین جانی ندارید «آری» چون تأمین جانی ندارید . چون به زندگی علاقمند هستید . چون به این کاخ و درآمد سرشار دلبستگی دارید . سکوت را پیشه خود ساخته‌اید . به دید و بازدیدها ، به تعظیم و تکریم‌ها دل خوش کرده‌اید .

در برابر گفته‌هایم ساکت و آرام بود . با چشمهای نافذ و سیاهش گل‌های قالی را می‌شمرد . دستها را بهم می‌مالید . ناراحتی عجیبی سراسر وجودش را به تزلزل در آورده بود . او خواسته بود بر من خورده بگیرد . اما من با گفته‌های خود ضربات شدیدی بر روحیه‌اش فرود آورده بودم او میل داشت این بحث خاتمه یابد ... اما من دست بردار نبوده و گفتم : وقتی که سرگوراوزلی به ایران آمد سفری به همدان کرد در آنجا توانست بزرگان متنفذ و دانای شمارا با عبارات زیبا بفریبد و سالک به این طریقه سازد شما هم که از آن خاندان بودید خواه نا خواه در این طریقه وارد شدید ولی وقتی که فهمیدید و دانستید کنار کشیدید ، خانه نشین شدید ، زندگی را ادامه می‌دهید شما را بارها به کار دعوت کردند . خستگی و بیماری را بهانه نمودید و از زیر بار کار کردن شانه خالی نمودید . . اینطور نیست ؟

قهوه‌ای آوردند. رسم این بزرگوار چنین بود در اول ورود به مهمان خود چای می‌داد اشارات و رموزی داشت که قبل از رفتن قهوه‌ای بیاورند همینکه قهوه می‌آمد معلوم بود وقت ملاقات تمام شده است و باید او را راحت گذاشت. قهوه را خوردم و از خانه‌اش خارج شدم، او را در دریای غم و اندوه برجای گذاردم.

چند روز قبل که بایکی از دوستان برای گفتن خیر مقدم به سراغش رفته بودیم در موقع خروج دوست من می‌گفت (زندگی پر تجمّل، کاخ رفیع، ثروت بیکرات است اما با چنین وضعی، بی‌کس و یاور و بازمانده‌ای تنها در این کاخ بسر بردن و غم‌خوری نداشتن از مرگ بدتر است)

در این ملاقاتی که به تنهایی از او کردم می‌خواستم اسناد و مدارکی به دست آورم. اما برخورد ما به این ترتیب خاتمه یافت و من به مقصود نرسیدم. چند روزی نگذشته بود که در رادیو شنیدم در جراید هم خواندم. در تیرگی‌های شب، در آن قصر بزرگ، در میان تمام آن تجملات، بدون اینکه کسی در بالینش باشد به خواب ابدیت فرورفته است. روز بعد با تشریفات جسدش را به قبرستان خانوادگی که در محل تولدش بود انتقال دادند.

خدایش بیامرزد زیرا اگر قدمی در راه خیر و صلاح کشور برداشت و کار مفیدی انجام نداد لاقلاً ضرر هم نزده که مورد ملامت و سرزنش قرار گیرد. ایکاش تمام فراماسونها دارای این شرافت اخلاقی بودند و آنطور که اعتراف کردند (آلت فعل) نمی‌شدند و فرصت می‌دادند ایرانیان با شرف، ایرانی مستقل و آباد را با نقشه‌ای که بر پایه میهن‌پرستی طراحی می‌کردند دور از چشم مهندس اعظم و معمار-بزرگ بسازند ایکاش این (بنایان آزاد) تابع اجنبی، پای خود را از صحنه سیاست کنار می‌کشیدند و می‌گذارند ملت با شرف و نجیب ایران اختیار خود را در کف گیرد.

این آرزو البته جامه عمل به این سهولت نمی‌پوشد زیرا اکثریت پیروان، بخصوص جوانهای جاه طلبی که امروزه عمده واکله مهندس اعظم و معمار بزرگ



دکتر میمندی نژاد

می باشند پای بند شرافت اخلاقی و ایمان نیستند . اینها که متوجه هستند حساب از چه قرار است تابع غرائز شخصی : حب جاه ، حب ثروت و گروهی برای ارضای شهوت از هیچگونه خوش رقصی فروگذار نمی کنند .

بهمین جهت است که برخلاف طرز مبارزه ای که پیش گرفته اند نگارنده کمترین می گوشم: مهندس اعظم و معمار بزرگ و بنایان آزاد را که مانند سرطان بر پیکر ایران چسبیده اند بهم وطنان خود معرفی کنم اطمینان دارم وقتی که ملت درد را شناخت چاره درد را خیلی زود خواهد کرد .

دکتر میمندی نژاد در کتاب (در راه حق) نیز درباره فراماسونها بحث شدیدی کرده می نویسد:

«... در حال حاضر بهر گوشه عالم نظر شود، اوضاع هرج و مرج کشورهای جهان مورد بررسی قرار گیرد خواهیم دید در پس ظواهر قیافه های دو حریف

شوروی و آمریکا و در پس آنها قیافه انگلستان که مشغول انکولک کردن این دو حریف می باشد خودنمایی می کند .

حال بینیم چرا انگلستان تا این حد بازیگر صحنه سیاست شده است ؟
 از روزی که تشکیلات جاسوسی در انگلستان به راه افتاد به موجب اسناد تاریخی در حدود هفتصد سال می گذرد . چنین تشکیلاتی با این همه سابقه ممتد و طولانی توانسته است در کشورها به مرور ایام رسوخ و نفوذ کند و در هر کشوری سازمانهایی به راه انداخته با قراردادن افراد سرسپرده ای در رأس آن سازمانها آنها را به نفع خود بیچرخاند . یکی از سازمانهایی که امروزه به نفع این سازمان جاسوسی کار می کند تشکیلات فراماسونها در عالم می باشد . تصور فرمائید نگارنده میل دارد در اطراف آنچه که تا کنون جسته و گریخته درجراید نوشته شده است و راجع به این سازمان جاسوسی در ایران توضیحاتی داده اند بحث کنم و ماهیت افرادی که در حکم قازورات اجتماع می باشند به شما معرفی نمایم . به هیچ وجه ، زیرا اگر ملاحظه می فرمائید در این اواخر گاهگاه افرادی که فامیلا سرسپرده هستند از این سازمان در ایران بحث می کنند و چند نفر پیر گفتار را که يك پایشان لب گور است معرفی می کنند از آن جهت است که بساط کهنه و قدیمی این دستگاه در ایران بی ثمر شده و اربابها در فعالیت هستند سازمان جوانتری که از قوای جوان تشکیل می دهند جای آنها بگیرد . البته در درجه اول این قوای جوان از همان فامیلها و از بین همان طبقات انتخاب می شوند و افراد جوان و تازه نفس مؤثری را که مقامات حساس را در این کشور دارند در تشکیلات جدید داخل می کنند . ضمناً از رسوا کردن این پیر گفتارهای بی ثمر مردم را سرگرم می نمایند و این طور وانمود می کنند که مرگ این سازمان فرا رسیده و دیگر بساط آنها برچیده می شود در حالی که حقیقت اینست که سازمان نو و جدیدی جایگزین این سازمان پوسیده قدیمی شده و عناصر جوانی بر سر کار می آیند .
 در این روزها این عناصر مرموز کثیف که اراده خود را از دست داده اند به مناسبت ورود ارباب و سایه افکندن بر سر آنها جشنی برپا می سازند . اجازه

می‌خواهم از مجلس جشن و سرور آنها فائزگی بسازم و بتو ای خواننده عزیز تقدیم دارم. تا ضمناً تغییر ذائقه‌ای داده و بر اسراری نیز واقف‌گردی. قبل از اینکه به این مجلس جشن وارد شویم برای اینکه ماهیت افراد معلوم شود بی‌ایید حقه‌ای بزنییم تا بر اسرار واقعی واقف شویم. بدون تردید شنیده‌اید اخیراً سرمی‌تهیه کرده‌اند به نام (سرم حقیقت) خاصیت این سرم اینست که بهرکس تزریق‌شود هرچه در دل دارد خواهد گفت و ماهیت خود را علنی خواهد ساخت. برای اینکه اثر سرم حقیقت را امتحان کنیم قبلاً در چند مورد آنرا آزمایش می‌کنیم. سپس به آزمایش اصلی که مورد نظر است می‌پردازیم. مثلاً از نوکرخانه شما شروع کنیم: این نوکرخانه ادعا می‌کند سر بزیر، پاکدامن، صحیح‌العمل و یا به اصطلاح دزد نیست. شما هم بالاش قسم می‌خورید. این‌طور نیست؟

سرم را بدون اینکه خود او بفهمد به او تزریق می‌کنیم. منتظر می‌نشینیم اثر آنرا ببینیم. چند لحظه از تزریق سرم گذشته است. صدای فهقه خنده نوکر که هیچگاه در جلوی شما نمی‌خندید و همیشه مؤدب بود بلند می‌شود عباراتی می‌گوید که چون نمی‌توانم آن مطالب را در اینجا نقل کنم زیرا به عفت و عصمت عمومی برمی‌خورد لذا به عوض آنها نقطه می‌گذارم:

(خواهر.... مادر.... زن.... تو خیال کردی، از روزی که قدم بخانه‌ات گذاردم پدرت را در آوردم و تو نفهمیدی. هر جنسی که خریده‌ام و زنش را دو برابر گفته‌ام و قیمتش را گرانتر از آنچه بود حساب کردم آره احمق چون يك لا دولا پات حساب کردم تو خیر نداری اسبابهائی که در دسترس نبوده و به آنها احتیاج نداشتی یکی پس از دیگری فروخته شده و پولهایش را بجیب زده‌ام. حیوون جون درسته که من نوکرم و تو آقا اما گردن کلفت تو مثل خر کار کردی و من به عوض تو آقای خونه بودم. هر وقت مرا دنبال کاری فرستادی دیر کردم. پرسیدی: کجا بودی؟ چرتی جوابت دادم. اما راستش را بنخواهی سر تو احمق کلاه گذاردم. يك روزش با پول تو سینما بودم يك روزش سری بناحیه ده زدم. آخه چطور تو گردن کلفت کارد بشکم خورده کنار مامان جونت باشی و من راست راست راه بروم و سماق بمیکم

نه جونم، منم يكمامان جون پيدا كردم با او خوشم و از پول تو هر چه بنخواهد برایش ميخرم. خانم احمق خيال مي كرد انگشتری را تو كوچه كم کرده است. راستی چقدر خراست. آن انگشتر را من برداشتم به مامان جونم هديه كردم آخر اونهم دلداره و از من هديه ای می خواد. تو خيال كردی من اینجا ماندنی هستم. نه احمق جون همین كه پس اندازم كافی شد گور پدريت. راستی كه خیلی خر تشریف داری. احمق با این عقلت من نمی دونم چطور شده تو آفاشدی و من نوكر. منو اینطور نبین. من هفتاد تا مثل ترا سر جو می برم و تشنه بر می گردونم..) نوكر شما از این مباحث زیاد می گوید. ذكر تمام آنها باعث تصدیع است. صرف نظر می كنم.... اثر سرم تمام شد قهقهه خنده هم تمام می شود. نوكر همان نوكر سر بزیر، همان نوكر با وفا، همان نوكر مهربان در برابر آقا سر فرود می آورد. چون یادش نیست چه گفته مانند همیشه با صدائی محجوب می گوید: آقا خدا سایه شما را از سر چاكرتون كم نكنه. من نوكرم، خانه زادم، ناعمر دارم خاك كفستان را سر مه چشم می كنم.

آقا از شنیدن بیانات نوكر خود بر می انگیزد. اما چون او چیزی یادش نمانده برویش نمی آورد و برای اینکه بداند اثر سرم حقیقت چیست دست مرا گرفته قدمی از خانه بیرون می گذاریم. سراغ بقال سر گذر می رویم. آقا میرزا بقال روی چهار پایه ای برابر دكانش توی آفتاب نشسته و چرت می زند. آهسته و بدون آنكه بیدارش كنیم آمپول سرم را باو تزریق می كنم. بنخیال اینکه تن پیمائی آزارش داده است دست خود را بجای سوزن می مالد

چشمهای خود را می گشاید. سلام می كند و از جای خود برای تعظیم كردن و احترام گذاشتن به آقا بلند می شود و هنوز قد راست نكرده سرم اثر خود را می بخشد. روی چهار پایه می نشیند. قاه قاه - می خندد و بیانات زیبا و شیوائی را با آقا شروع می كند. قسمتی از صحبتهايش را اجازه می خواهم نقل كنم: راستی تو چه مردكه احمقی هستی. می گویند تو آدم دانائی هستی. اما اگر از من پیرسند خواهم گفت: از تو خر تر توی عالم کسی پیدا نمی شود. خوب مردكه احمق تو تا حالا

نهمیدی من بانو کورت ساخته‌ام . هر چه می‌خره دو برابر پات حساب می‌کنه . بجای یک کیلو نیم کیلو جنس می‌خره و دوسره کلاه سرت می‌گذارد . منم بعنوان حق السکوت سهم خودم رامی‌گیرم .

راستی تو خیلی احمقی ، آن دختره پررو روداری که کلفت آورده بودی و تو آشپزخانه دور از چشمای خانم باش میلا سیدی ما پشت همین دخل دخلش را آوردیم احمق نزدیک بود گریبونت بگیره و هر چه ما کردیم بحسابت بزاره . خوب شد اصغر آقا که گلوش پیش دختره گیر کرده بود یارو رو برداشت وزد بچاک محبت . راستی که خیلی خری تو مثل کبک سرت کردی زیر برف خیال می‌کنی کسی نمی‌بینه برو جلو زن پتیاره ات رو بگیر . این آقا که هر روز نیستی خونه ، میاد اونجا و بخانمت ورمیره کیه نمی‌شناسی ؟ تعجب می‌کنی ، خیلی خری ، جون شما نباشه جون خودم پریشب دیدم توی تاریکی خانمت را بدیوار چسبانده و لباسو میمکه . دستهاشم اون پائینا بیکار نبود . بازم نهمیدی که رامیگم همان جیکولوئی که آنروز همراست بود آمدی سیکار بخری و بهت می‌گفت : داداش جون حالا نهمیدی «آقا ترقه شده قبل از آنکه بقیه حرفهای بقال رابشنود دستم را گرفته می‌کشد . سرعت مرا از پیچ و خم چند کوچه می‌گذرانند . داخل خانه‌ای می‌شویم . می‌گویند آقا خواب است پاورچین پاورچین باطاق خواب وارد شدیم . به اشاره آقا بدون اینکه سروصدائی بشود آمپول سرم حقیقت را به او تزریق می‌کنم . بنخیال اینکه پشه‌ای رانش را گزیده است دستی به ران خود می‌برد . غلطی در تخت میزند چند لحظه صبر می‌کنیم تا اثر سرم بروز کند .

آقا دستی بشانه‌اش گذاشته و او را حرکتی می‌دهد و می‌گوید : حسن خان بلند شو منم .

حسن خان که تحت تأثیر سرم قرار گرفته بدستهایش تکه می‌کند . از جای خود بلند می‌شود . همینکه چشمش به آقا می‌افتد شروع بخنده می‌کند . اینقدر می‌خندد که دلش مالش می‌رود . دست بشکم گرفته در حال خنده می‌گوید واه توئی

اگر یکساعت جلوتر آمده بودی خانمت راتوبغلم می دیدی راستی تو خیال کردی من عاشق چشم و ابروی توام یا بتو علاقه ای دارم که بتو برادر خطاب می کنم راستی خیلی خری. من می خواهم سر به تنت نباشه. تو چقدر خر تشریف داری. باز هم می خندد و می گوید احمق چون تمام این بازیها برای اینه که در نبودن تو عشقی بخانمت برسونم. ولی..... مرده شوی تورو بیره وزن پیرافعی تو. من حساب چیز دیگری رو می کنم تمام فکر من اینه قاب دختر تو بدزدم. شانزده سالش بیشتر نیست و باب دندان منه. تو هنوز این رو نفهمیدی. راستی که خری فکر کن اگر دختر تو صاحب شدم و حسابش رسیدم. حاضر خواهی شد با من وصلت کند. آنوقت تو نم توروغنه. راهش را خوب بلدم که ثروت و دارائیت را یکسره هپروکنم. بعد هم گور پدر تو وزن تو و دخترت. اینقدر پدرشو در می آورم که بگه: مهرم حلال، هرچه دارم مال تو، جوئم خلاص. حالا فهمیدی چرا بتو میگویم داداش جون...

«آقا از شنیدن این اعترافات ناراحت شده دستم را می کشد. دوپله یکی از ایوان پائین آمده مرا از خانه داداش جونس بیرون می آورد. سرعت مرا بخانه خود بر می گرداند. سرکار علیه خانم اظهار خستگی کرده باطاق خواب رفته است. آقا آمپول سرم حقیقت و سرنگ را از من می گیرد. بفکر اینکه ممکنست ناموشش در تخت خواب طوری خوابیده باشد و چشم من که نامحرم هستم به تن و بدن عریان خانمش بیفتد تنها وارد اطاق می شود و در را آهسته پشت سر خود می بندد. چند لحظه می گذرد. هر چه می گوشم از درز در، از سوراخ کلید، چیزی بینم میسر نمی شود. در همین موقع صدای خانم که می خندد بلند می شود. من بطور وضوح می شنوم: راستی جات خالی یکساعت قبل پیش حسن خان داداش جونت بودم. خیلی بمن خوش گذشت. اگر بدونی... نه تو خری. تو از این چیزها بلد نیستی... بیست و پنج ساله تو خونتم، سه تا کره از تو پس انداختم اما کیفیت زندگی رو حسن خان بمن فهموند. تو خیال کردی فقط تودل داری. تو احمق فکر نکردی منم چشم دارم. خوب می بینم که هر کلفت جوانی تو خونه می آرم. فوری سر و گوشت میجنبه و همینکه چشم منو

دور می‌بینی سراغش میری . آخه منم دل دارم . حیف از جوانیم که پای تو پیر کردم خوب شد سر آخری حسن خان پیدا شد و من لذت زندگی رو فهمیدم.... صدای شرق و شرق چند کشیده در فضا می‌پیچد فریاد خانم بلند می‌شود (پدر.... چرا می‌زنی تو خیال کردی . الان پدر تو در می‌آرم . همه خواهم گفت . دزدی هاتو برای اهل محل شرح خواهم داد . روزی که من بخانهات آمده‌ام آه در بیاط نداشتی . رشوه‌هایی که گرفتی . حساب سازهایی که کردی همه را خواهم گفت...»

فریاد آقا بلند می‌شود : خفه شو پتیاره بی‌آبرو...»

صدای قیل و قال و بگو مگو زیاد است . معلوم است خانم و آقادت بگریبان شده‌اند . دیگر ماندن جایز نیست . آهسته از خانه خارج شدم . چون اثر سرم حقیقت کاملاً مشخص شد و معلوم گردید کاملاً مؤثر است بفکر اقدام بترتیبی در جشن فراماسونها بکار برم تا براسراری واقف‌گردم .

در فکر بودم چه کنم ؟ وارد شدن به این مجلس که میسر نیست . کارت مخصوص می‌خواهد فقط اعضاء را راه می‌دهند آنها که دعوت دارند حتی به زن و بچه خود نمی‌گویند کجامی روند پس چه باید کرد فکری بخاطر رسید . شنیده بودم مخلوطی از مشروبات را می‌نوشتند . بدون اینکه سر بطریها باز شود با سوزن سرنگ در هر بطری چند آمپول سرم حقیقت وارد می‌کنیم ببینیم چه می‌شود ؟

در عالم خیال باین مجلس می‌رویم . ساعت هفت بعد از ظهر است . مدعون یکی پس از دیگری می‌آیند آقایان همه موقر و سرشناس ریش‌دار و بی‌ریش همگی محترم صاحب جاه و مقام و آنها مقامات حساس یکی پس از دیگری وارد می‌شوند در سالن بزرگ جمع می‌گردند تعارفات برآه است سرگوشی‌هایی می‌گویند جشن مجلل است زیر اسکوت حکم فرما است این بزرگوارانی که آمده‌اند از تیپ‌های مختلف هستند . سروران سیاسی ، مذهبی در لباسهای مختلف همگی مورد احترام مجلس جشن است اما خنده در قیافه‌ها کمتر دیده می‌شود همگی موقر و متین هستند چشمها بی‌فروغ ، صورنها بی‌رنگ و بی‌حالت . انواع بطریهای مشروب را که قبلاً آمپول

سرم حقیقت در آنها وارد کرده بودیم یکی بعد از دیگری باز می‌کنند محتویات آنها در قده چینی بزرگی ریخته می‌شود. با طمأنینه و وقار مدعوین بسوی بار آمده هر يك گیلای بر می‌دارند صاحب‌خانه که شخصاً میزبان است با قاشق بزرگی گیلایها را پر می‌کند همینکه گیلایها پر شد رئیس محفل فراماسونها که می‌گویند کراست رئیس کل لژها نامیده می‌شود گیلای بدست بسوی تریبون می‌رود دیگران هم در جایگاههای خود جلوس و به بیانات رئیس گوش می‌دهند رئیس با کمال طمأنینه و وقار بعموم مدعوین خیر مقدم می‌گوید و علاوه می‌کند:

برادران عزیز با افتخار این جشن بزرگ و پر افتخار که بعد از سه سال ناراحتی با مجد و عظمت خاصی بر گزار می‌شود گیلایهای خود را بنوشید همگی گیلایها را بلب برده تا قطره آخر مخلوط را می‌نوشند رئیس سینه خود را صاف نموده گیلای را بروی تریبون می‌گذارد و اظهار می‌کند: برادران عزیز بسیار خوشوقتم بشما بگویم در این موقع سرم حقیقت اثر خود را بخشیده خطوط قیافه رئیس باز می‌شود اثر خنده بر سیمایش ظاهر می‌شود و بصحبت خود ادامه می‌دهد بلی برادران عزیز بسیار خوشوقتم بگویم که ما پدر سوخته‌ترین و رذل‌ترین افراد این اجتماع هستیم. تمام مدعوین که تحت تأثیر سرم حقیقت قرار گرفته‌اند با چهره‌های خندان فریاد می‌کشند صحیح است احسنت.

رئیس ادامه می‌دهد یا آنچنان اشخاصی هستیم که گوشت و پوست و خون و پیه‌های ما در این آب و خاک پرورش یافته همگی بردوش این مردم سواریم و حاصل کار و دسترنج آنها را می‌خوریم خوش و خرم بسر می‌بریم و در برابر، بزرگترین ضربات را بر پیکر این اجتماع وارد می‌سازیم من خودم کسی هستم که می‌خواستم بدستور از باب قرار دادی را امضاء کنم که ایران یکسره تحت قیمومیت قرار گیرد آیا از این عمل رذلت‌تر و خیانتی از این بزرگتر ممکن بود انجام شود.

تمام مدعوین فریاد می‌کشند البته خیر، رئیس ادامه می‌دهد بله آقایان ما خائن هستیم ما به میهن خود خیانت می‌کنیم ما کثیف‌ترین مردم روی زمین هستیم.

ما از انسانیت و شرافت بهره‌ای نداریم .

فریاد مدعون : صحیح است احسنت .

یکی از بزرگوارانی که ریش سفیدی دارد و باعامه‌اش منظره قارچ بهاری را دارد و در وسط جمعیت بلند می‌شود فریاد می‌کشد بله آقای رئیس صحیح فرمودید من بنوبه خود می‌گویم که وظیفه خود را بخوبی انجام داده مردم را بعالم لاهوت و ناصوت وارد می‌کنم همگی را به آخرت حواله می‌دهم تا به فکر این دنیا نباشند و ثروتشان را در این دنیا اربابان ما تناول فرمایند .

آقای دیگری که دکتر سرشناسی است از جای خود بلند شده توی دماغی می‌گوید: من برای اینکه مریض‌هایم رنکنند خودم تریاکی شدم و به عوض هر داروئی به مریض‌هایم تریاک تجویز می‌کنم بله آقا ما اینیم .

آقای دیگری از جای خود بلند شده فریاد می‌کشد : بله آقای رئیس شما صحیح فرمودید ما خائن هستیم زیرا من یکی تابعال چندین قرارداد بضرر هم‌وطنهای بیچاره‌ام با اربابان بسته‌ام و ثروت مردم را بسهم خود بجیب آنهار بخته‌ام . آقای رئیس زنگ جلو خود را بصدای در می‌آورد . سکوت برقرار می‌شود . رئیس بصحبت خود ادامه می‌دهد بله آقایان ما حقه بازهای مزور طبق دستور، هرج و مرج و برادرکشی را در بین هم میهنانمان براه می‌اندازیم ما آنهارا به انواع و اقسام سرگرم می‌کنیم تا اربابانمان از آب گل‌آلود استفاده کنند آنچه را که عیان است و همگی بر آن واقف هستیم گفتن ندارد ما همه خیانت پیشه و آلت فعلیم و همگی سروته یک کرباس هستیم .

فریاد احسنت صحیح است ، از مدعوین بلند می‌شود . هر يك شمه‌ای از خیانت‌های خود بر می‌شمارد صداهای همگی مخلوط شده غوغائی براه افتاده است همگی حاضرین تحت تأثیر سرم‌حقیقت قرار گرفته سیات اعمال خود را بر می‌شمارند کلمات من خیانت کردم . جاسوس هستم . من در قتل شرکت داشتم . من در نوطنه شرکت نمودم . جسته و گریخته بگوش می‌رسد . به آقائی که وکیل شده است نزدیک

می‌شوم مضمون صحبت‌هایش اینست: من به ملت گفتم مصالحش را حفظ خواهم کرد در راه عمران و آبادی مملکت خواهم کوشید. اینها که گفتم دروغ است. کشک است زیرا من طبق میل اربابان باید قدمی در راه مصالح مردم بردارم من باید قوانین گم‌شکن که ملت را بروز سیاه بنشانند تصویب کنم. آری من به ملت دروغ گفتم. صدای فریاد از هر گوشه بلند است. هرکسی پرده از کار خود برمی‌دارد. مانند صفحه گرامافون خود بخود آنچه بر لوح ضمیرش نقش گردیده است پس می‌دهد و ماهیت خود را بروز می‌دهد.

من چه بنویسم چه‌ها گفتند شما بهتر می‌دانید چه کرده‌اند و چگونه در لباس ایرانیت با در دست داشتن سجل احوال ایرانی و سلیس صحبت کردن فارسی ما را ذلیل و زبون کرده‌اند لذا بیش از این شما را بخواندن بیانات این حق‌ه‌بازها سرگرم ننموده باصل مطلب می‌پردازم.

فرقه فراماسون که در عالم پخش گردیده و شعبات یا لژهای آن مانند چنگار سرطان در هر کشور بر پیکر تشکیلات و سازمانهای داخلی پیچیده است آلت بلاراده‌ای در دست سرویس جاسوسی انگلستان می‌باشد.

آیا همیشه اینطور بوده است؟

فراماسونهای اولیه هدفی جز تأمین (آزادی، برابری، برادری) در جهان نداشتند. پیروان این عقیده می‌کوشیدند تمام مردم عالم از این سه اصل کلی بهره برند. انگلستان که متوجه گردیده در پناه این کلمات زیبا می‌تواند استفاده‌های کلی ببرد به این جهت کوشید تحت این نام تشکیلات و سازمان وسیعی در جهان بر راه اندازد. به موجب اسناد تاریخی موجود انگلستان از سال ۱۷۱۷ سازمان فراماسون‌ها را به راه انداخت و لژ عالی را در لندن بر پا ساخت از آن پس به ترتیب در سال ۱۷۲۵ در ایرلند لژ وابسته تشکیل گردید در سال ۱۷۳۰ در هندوستان در سال ۱۷۳۲ در پاریس پایتخت فرانسه. در سال ۱۷۳۳ در آلمان و در شهر بوستون آمریکا در

سال ۱۷۳۶ در اسکاتلند انگلستان در سال ۱۷۳۷ در هند و پرتغال در سال ۱۷۴۰ در کانادا و سوئیس در سال ۱۷۴۲ در هند غربی در سال ۱۷۴۵ در دانمارک در سال ۱۷۵۳ و در شهر ویرژینیای آمریکا در سال ۱۷۶۳ در ایتالیا در سال ۱۷۷۱ در روسیه در سال ۱۷۷۳ در سوئد لژهای وابسته تأسیس گردیدند .

سرعت عمل در تأسیس لژهای فراماسون در قرن هیجدهم خیلی زیاد بود بطوریکه در اواخر این قرن در انگلستان بیش از ۱۶۰۰ لژ فرعی برپا شده بود و تمام کشورهای اروپا و آمریکا و قسمتی از آنها در این قرن محفل فراماسون داشتند. در قرن نوزدهم این لژها در کشورهای دیگر نیز تأسیس گردیدند .

راجع به تشکیل لژهای فراماسون در ایران به موجب اسناد موجود تصور می‌رود از زمان ورود سرهارفورد جونز که در سال ۱۸۰۴ بطور غیررسمی به ایران آمده است این محافل به راه افتاده‌اند . نامبرده در سال ۱۸۰۸ مأمور رسمی دولت انگلیس گردید و همانطور که در کتاب نعل وارونه نوشته‌ام برای بیرون کردن ژنرال گاردان فرانسوی از ایران با هدیه کردن يك انگشتر الماس و تحف و هدایائی به میرزا شفیع صدراعظم توفیق یافت. بعد از نامبرده جیمز موریه و فریزر که از مبلغین فراماسون بودند در راه تأسیس محافل فراماسون در ایران همت گماشتند و رجال درباری و اعیان و اشراف را به این محافل وارد کردند . نگارنده راجع به قتل صدراعظم‌های وطن پرست ایران در کتاب نعل وارونه توضیحاتی داده‌ام در اینجا آنچه نوشته‌ام تکرار نمی‌کنم آنچه می‌خواهم تذکردهم اینست که در آن دوره‌ها صحیح است شاه قدرت داشته و استبداد رأی داشته است معذالك از بین بردن صدراعظم‌های وطن پرست در نتیجه دسیسه‌های این محافل و به دستور لژ عالی بوده است . از زمان فتحعلی شاه به بعد اگر به رفتار صدراعظم‌های پروپاقرص که صدارتشان دوام کرده است توجه کنیم خواهیم دید همگی اشخاص بی‌خال و بی‌کاره و بلااراده بوده‌اند و اینطور بنظر می‌آید مانند عروسکی در دست سیاست‌مروزی که همان سیاست چرخاننده لژها بوده است قرار داشته‌اند اعتمادالدوله مدبر و سیاست‌

توانا را فتحعلی شاه با تمام فامیل و بستگانش به آن طرز فجیع به قتل می‌رساند و از بین می‌برد. جایش میرزا شفیع رجاله می‌آید. قائم مقام آن مرد بزرگ بیش از یکسال در مسند صدارت نمی‌ماند و سر به نیست می‌شود به جایش حاج میرزا آقاسی ابله می‌نشیند. امیر کبیر آن مرد توانا نابود می‌شود در عوض او میرزا آقاخان نوری که تخم و ترکه‌اش هنوز هم دست از سرملت ایران بر نمی‌دارند صاحب اختیار مملکت می‌شود.

نظری به سالهای اخیر ما را متوجه خواهد ساخت کوروکر و بی‌حال و آلت‌های فعل همه‌کاره بوده‌اند. فراماسونهای اولیه مردم باشرقی بودند آنها خیر افراد بشر را می‌خواستند اما از زمانی که سیاست محیل و مکار روباه صفتان این سازمان را در دست گرفتند جامعه بشریت به بلای عظیمی گرفتار گردید. در هر کجا این سازمان به کاشتن تخم آزادی و برابری و برادری شروع کرد. آتش فتنه برپا شد در نتیجه برای مردم کشور زهر قتال و جانکاهی بیار آورد.

چنانکه قبلا اشاره شد در سال ۱۷۳۳ لژ فراماسونها در آمریکا تأسیس شد ژرژ واشنگتن مؤسس لژ در شهر ویرژینیا بود. بنیامین فرانکلین به موجب نوشته (هوتن و بستر) در تاریخ جهان نه تنها کشت‌کننده تخم آزادی و برابری و برادری در آمریکا بود بلکه فرانسویان نیز از افکارش بهره‌مند شدند.

نمره آتش‌افروزی فراماسونها در آمریکا این شد که در سال
آتش افروز همیشه ۱۷۷۶ استقلال آمریکا اعلام گردید و این قطعه زر خیز از
خیر نمی‌بیند انگلستان مجزا شد و نمره‌اش این گردید که امروز شیشه
 حیات و ممات انگلستان در دست آمریکا است و اگر
 امریکائیه‌ها با دادن دلار حیات اقتصادی انگلستان را نچرخاند و او را از نظر سیاسی
 پشتیبانی نکند حسابش با کرام‌الکاتبین است.

فراماسونهای ایرلند هم برای انگلستان نمره‌ای جز مستقل ساختن خود
 به بار نیاوردند. همانطور که قبلا اشاره کردم در سال ۱۷۳۲ لژ وابسته به محفل

عالی فراماسون انگلستان در شهر پاریس تأسیس گردیده و در سال ۱۷۸۹ تقریباً نیم قرن بعد آتش به خرمن هستی ملت فرانسه زد. انقلاب فرانسه شروع شد. موریس نالمیر راجع به انقلاب فرانسه و ارتباط آن با فراماسون‌ها در سال ۱۹۰۴ کتابی نوشته و پرده از رفتار این بزرگواران که فرانسه را به آتش و خون کشیده‌اند برداشته است و حتی از طرز تمرین‌هایی که در لژها برای کشتن شاه می‌کردند بحث نموده است.

با استناد به نوشته‌های فراماسون‌های بزرگ استدلال می‌کند هدف این فرقه ایجاد هرج و مرج کشت و کشتار خلاصه برگشت و رجعت به حال توحش است. دستوری که به تمام افراد فراماسون فرانسه داده می‌شد این بود (برادر خود را چنان نشان بده که مردم تصور کنند تو یک خدمت اجتماعی و عمومی انجام می‌دهی ولی هدفت باید فقط خراب کردن، منهدم ساختن باشد) این افراد همه جا فریاد می‌کردند (وطن در خطر است) و برای رفع خطر بزرگترین بلا را بر سر فرانسه آوردند زبانه‌های آتش شعله کشید سرهای سروران نامی فرانسه یکی بعد از دیگری به وسیله تیغ گیوتین از تن جدا شد. سرانجام آنچه را که در لژها تمرین می‌کردند و آن کشتن شاه بود عملی گردید.

داستان انقلاب فرانسه غم‌انگیز است و کارهای این جمعیت پلید و مرموز را نویسندگان بی‌طرف بخوبی روشن کرده‌اند. نگارنده بیش از این در اطراف آن بحث نمی‌کنم.

فراماسون‌ها در تمام کشورهای آتش افروخته‌اند. در ایتالیا، در اسپانیا، در مصر و ترکیه و بسیاری کشورهای دیگر غوغاها بپا کرده‌اند. در روسیه چه کردند، آن‌هم بحث مفصلی است که در کتب گذشته اشاراتی کردم.

در ایران علاوه بر محافل فراماسون وابسته به انگلستان محافلی هم وابسته به لژ فرانسویها (گرانداریان) تأسیس شد و ظهیرالدوله در رأس آن قرار داشت و قتیکه محمد علی میرزا خواست به خانه ظهیرالدوله حمله کند اسناد و مدارک

را به سفارت فرانسه بردند. لژهای فراماسون وابسته به انگلستان در زمان سرآرتور هاردینگک بر فعالیت خود افزودند. قتل ناصرالدین شاه به شرحی که در کتاب نعل وارونه نوشته به دسیسه بازی سید جمال اسدآبادی و بدست میرزا رضای کرمانی انجام شد.

خرابی و انهدام تحت لوای آزادی و برابری و برادری و در لباس مشروطیت گریبانگیر ایران گردید بنام آزادی خونها ریخته شد و جنایاتها نصیب ملت ایران گردید.

کسانیکه وارد لژهای فراماسون می شوند ممکن است قبل از ورود مردان باشرف و پاک و درستی باشند ولی مقررات ورود به این محافل بنحوی است که وارد شده اراده خود را از دست می دهد و آلت بلااراده ای یا بنا به اعتراف یکی از آنها (آلت فعلی) می شود که طبق فرامین و دستورات مجبور است رفتار کند و راه برگشت هم ندارد. به جوانانی که در فکر جاه و مقام و ثروت هستند و برای رسیدن به آنها گول می خورند و خود را اسیر و بنده و برده می سازند اعلام خطر می نمایم و می گویم: شما بشر هستید، در سایه پشتکار و فعالیت می توانید بدون از دست دادن شخصیت خود بدون اینکه آلت فعل شوید به آنچه میل دارید برسید، از راه سعی و عمل و خدمت به مردم محبوب قلبها قرار گیرید چه احتیاجی است نوکر بیگانه شوید، آنهم نوکری که حق چون و چرا ندارد و مانند حیوان باید بسربرد و اگر احیاناً روزی هم وجدانش بیدار شد و خواست شخصیتی نشان دهد و خود را از قید و بند نوکری برهاند برایش میسر نباشد.

می گویند روسها انقلاب جهانی را طالب هستند. رفتار انگلستان و سیاست گذشته اش نشان می دهد قبل از روسیه شوروی انگلستان طالب هر چه و مرج و انقلاب و انهدام و برگشت به حال توحش و بربریت بوده است البته در کشورهای دیگر نه در خود انگلستان زیرا لژها و محافل انگلیسی فقط به ساختن و پرداختن افرادی که این روش را در کشورهای دیگر عملی سازند اقدام کرده و در داخل انگلستان

آب از آب تکان نخورده است .

نطقهای نمایندگان مجلس شورای ملی

علاوه بر کتب و رسالات و مقالاتی که درجراید له و علیه فراماسونها ، زمانی اغراق آمیز و خالی از حقیقت و گاه نیز مستدل و صحیح نوشته شده است ، پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ نمایندگان مجلس شورای ملی نیز نطقهایی علیه فرقه فراماسونری ایران ایراد کرده اند ، که از نظر اهمیت این گفتارها و نشان دادن نظرات و عقاید نمایندگان مردم قسمتهای برجسته نطقهای بعضی از آنان نقل می شود :

عباس اسکندری فرزند مرحوم شاهزاده محمد علی میرزا
نطقهای عباس اسکندری معروف به شاهزاده علیخان که در دوره پانزدهم نماینده مجلس شورای ملی بود ، بیش از همه نمایندگان در باره سازمان

فراماسونری ایران در مجلس شورای ملی نطق کرده است .^۱
 باینکه پدراوهسته مرکزی «انجمن آدمیت» را که یکی از سازمانهای فراماسونری ایران شناخته شده ، بنیان نهاده است ، معذک وی در دوره ۱۵ قانونگزاری در جلسات علنی مجلس شورای ملی حملات شدیدی به فرقه فراماسونری ایران کرده است .
 ناشر کتاب (نفت و بحرین) در مقدمه بخش هشتم کتاب چنین می نویسد :

« اما استیضاح عباس اسکندری از کابینه حکیمی چنان بوده که حکیمی به دست تقی زاده و عده ای از فراماسونها در مجلس و خارج مجلس برای مردمی

۱- عباس اسکندری که از خاندان قاجاریه بود در نوزده سالگی وارد جریانات سیاسی شد . در اوائل جنگ بین المللی اول در صف مجاهدان و مهاجران درآمد و چندی در توقیف و اسارت سپاهیان متفقین بود . روزنامه سیاست را در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ منتشر کرد . سپس بفرانسه رفت و در آنجا وارد حزب کمونیست شد در مراجعت بایران جزو ۵۳ نفر دستگیر شده زندان افتاد . پس از وقایع شهریور وارد حزب توده گردید و پایه حزب مزبور را پی ریزی کرد . سپس از حزب توده خارج شده در دوره ۱۵ بمجلس رفت او از ملاکین و سرمایه داران تهران بشمار می رود .

وطنخواه و دموکرات و آزادی طلب معرفی شده بودند و مردم خوش‌باور که عادتاً به این گفته‌ها و شنیده‌ها اعتقاد دارند، از هویت حکیمی و همکاران وی مانند نجم‌الملک واردلان و غیره بی‌اطلاع بودند و فقط عباس اسکندری با طرح استیضاح اخیر، پرده از روی اسرار بسیاری برداشت و به وسیله ارائه اسناد و مدارک مسلم از تالار جلسه علنی مجلس شورایی ملی به مردم اعلام کرده که همین حکم فراماسون ظاهر - الصلاح به موجب خط و امضای خود برای بستن مجلس و تعطیل دستگاه مشروطه قیام کرده و بدبختانه اقدامات شوم وی نیز به نتیجه رسیده است.^۱

عباس اسکندری پس از نمایانیدن سیمای واقعی حکیمی در طی استیضاح خود به معرفی فراماسون شماره دوم یعنی ابوالقاسم نجم (نجم‌الملک) وزیرداری و یار غار حکیمی پرداخت و نوشته‌ها و دستوره‌های او را در مجلس خواند که برخلاف قانون اساسی مالیات وضع کرده ...

در جای دیگر همین فصل نوشته می‌شود:

فراماسون یا فراماسیون يك جمعیت و سازمان محرمانه‌ایست که از قرن‌های پیش در شرق و غرب وجود داشته در ابتداء مروج يك نوع نهضت اخلاقی بوده و بعداً عامل سیاست‌گشته است، این نهضت در زمان فتح‌علیشاه توسط انگلیسها به ایران سرایت کرده و هدف اصلی آن مبارزه با نفوذ روسها در ایران بوده است. رجال عضو جمعیت فراماسون ایران برای انجام منظور خود در ایران از سفارت انگلیس الهام می‌گرفتند و تا قبل از مشروطه و کمی هم پس از مشروطه مبارزه آنان با دربار ایران و دستگاه تزاری و کم و بیش به نفع ملت ایران تمام می‌شد اما بعد از مشروطه که پای روسهای تزاری از میان رفت فراماسونری یکسره تسلیم انگلیسها گشتند و منافع ایران را از نظر دور داشتند و در واقع مبارزه خود را با ترقی و تعالی ملت ایران آغاز کردند.

در حال حاضر دو نوع سازمان فراماسیونی در ایران هست یکی سازمان

فراماسون فرانسوی که از عوامل مؤثر و مهم سیاست محسوب نمی‌گردد و دیگر فراماسون وابسته به انگلیسها که در تهران و یکی دوشهر ایران شعبه دارد و رجال مهم سیاسی ایران در آن جمعیت عضو هستند و چنانکه گفته شد با نهضت‌های ملی و استقلال‌طلبی ایران جداً مخالفت می‌کنند...

در جای دیگر در بخش هفدهم درباره فراماسونری چنین می‌نویسد^۱:

ت - موضوع فراماسون تا حدی بر خوانندگان مشهود و مشخص است. این فرقه ابتدا بعنوان مؤسسه نیکوکاری در میان یهود پیدا شد و بعدها به روم قدیم و سایر ممالک اروپا سرایت کرد و اساساً به منظور آزادی قوم یهود از مظالم دیگران تشکیل شد و خدمات مهمی هم در آن زمینه انجام داد اما از اوایل قرن ۱۸ موضوع فراماسون که تا حدی منحصر به یهود و نژاد آنان بود از سیر عادی خویش انحراف یافت و به جای آن که وسیله خیر و نجات افراد بشر باشد آلت قتاله‌ای شد که فقط سیاستمداران مستعمره‌چی اروپا برای سرکوبی نهضت‌های شرق از آن سوء استفاده کردند و نیز بدبختانه تا حال حاضر آن جریان نامطلوب در کشورهای شرقی و بخصوص ایران باقی می‌باشد.

در حال حاضر دو نوع مؤسسه فراماسونی در ایران دایر است:

اول مؤسسه فراماسون فرانسوی که آنقدرها در سیاست روز تأثیر ندارد دوم فراماسون اسکاتلندی و انگلیسی که از اول مشروطه تا بحال تقریباً تمام امور سیاسی ایران را تا آنجا که توانسته است به نفع بیگانگان اداره کرده است این مؤسسه در شهرهای شیراز، آبادان و تهران لژ دایر کرده است و عده‌ای از آمریکائیان، انگلیسها، یهودیان، زردشتیان، ارامنه و ایرانیان مسلمان در آن عضویت دارند و بیشتر جلسات رسمی آنان در کلیسای انجیلی آمریکائیان واقع در خیابان قوام - السلطنه تشکیل می‌یابد.

«... بنده يك اصلى كلی می دهم دست شماها این را بگذارید
نطق عباس اسکندری مثل محکمی که می خواهید ببینید که این طلا هست یا نیست
در جلسه ۳ بهمن ۱۳۲۷ محک بزید آنچه که به شما می گویم این در دایرة المعارف
فرانسه نوشته شده و حاضر است و آن موضوع فراماسون
است سرگذشت هیرام بناکننده معبد سلیمان که بدست سه نفر از همکاران خودش
کشته شد و آن سه نفر هم آن سر را نگهداری کردند این حکایت پایه افسانه
فراماسون است ولی فراماسون دو وجه داشته است در دنیا، يك وجهی که در
قرون وسطی خدمات بزرگی به بشریت کرده و يك مردمی بودند در آن موقع در
زیر بار فشار و ظلم اصول خان خانی در اسپانی و در جاهای دیگر اینها را بیداد-
گران می گرفتند می سوزاندند در رم، شما همانطور که چهل چراغ می گذارید مردم
را می گرفتند و صد تا شمع به تن آنها می گذاردند و می سوزاندند در رم در آن
موقع این مؤسسه کمکهای بزرگی کرد اما زبان ما بیشتر زبان فراماسونها شد
در ۱۷۱۷ لژهای فراماسون به سمت آسیا حرکت کرد برای دفعه اول در دهلی آگراه
مدرس اینها فراموشخانه ساختند سی و هشت لژ در ۱۷۲۷ در آگراه و دهلی ساختند،
در آن موقع قبل از این که اینها بروند کمپانی هند آنجا شرفیاب شده بود در ۱۷۵۲
بیست لژ در مدرس ساخته شد و بعد از آن امپراطوری انگلستان از پشت سر
کمپانی هند نماینده فراماسون بوده در ۱۸۰۰ یعنی سال یازدهم سلطنت فتحعلیشاه
سه لژ در تهران و اصفهان گذارده شد ولی زمین ایران در آن موقع خوب حاصل-
خیز نبود و نتوانست آنطوری که محصول می خواستند بدهد گذشته از آن موقعیت
جغرافیائی ایران هم به واسطه رقابتی که در بین بود مساعد نبود ولی بعد از تاریخ
۱۰۰۴ فراماسون در ایران پیشرفت شایانی کرد این فراماسون اصولی داشت اینها
از هم چیزی را پنهان نمی کنند باهم زندگی می کنند باهم کار می کنند در هر کشوری
که هستند اینها اگر در پنج هزار کیلومتر آن طرف... (رئیس جلسه را ختم می کنم
جلسه آینده سه شنبه ساعت نه و نیم صبح)

عباس اسکندری درباره تاریخچه فراماسون در آسیا و ایران، چنین گفت :

مذاکرانی که در جلسه قبل ما کردیم دلایل بررد قرار داد جلسه ۵ بهمن ۱۳۲۷ تمدیدی و تحمیلی بود از نظر حقوقی و بعد دلایل را که در خود قرار داد بوده ذکر می‌کردم بمناسبتی مجبور شدم که تذکر بدهم تشکیلات وسیعی را که امپراطوری انگلستان در دنیا دارد و یکی از آنها هم برای کارهایی که در خاورمیانه و مخصوصاً ایران داشته است و به کار انداخته در يك قرن اخیر بلکه يك قرن و نیم اخیر صحبت می‌کردم و او راجع به فراماسون بود .

البته دلائلی که برای رد قرارداد در داخل قرارداد است به واسطه توضیح این مقال معوق و متوقف مانده که بعداً به اطلاع آقایان خواهم رساند تندنویس مجلس هم بایستی دقت بکند که تاریخها و مطالبی که گفته می‌شود آنها را اشتباه نکند از برای این که يك وقتی صحبت عادی می‌کنیم این صحبت معمولی اگر اشتباه بشود اهمیتی ندارد اما يك صحبت‌هایی که ارتباط تاریخی دارد وقتی که اشتباه شده برای مجلس شورای ملی خوب نیست هم برای گوینده گفته می‌شود که چیزی همین طور بی مطالعه گفته شده این طور نیست بنده آنچه که اینجا عرض می‌کنم که اشاره به يك تاریخی می‌شود تمام اسنادش اینجا موجود است و هر کس هم می‌خواهد می‌تواند ببیند .

بنده گفتم که در تاریخ ۱۷۲۷ اداره کشورگشائی انگلستان به نام فراماسون در پشت سر کمپانی هند شرقی وارد هندوستان شد در ۱۷۲۷ در کلکته و آگراه بیست و هشت لژ و در بمبئی ۸ لژ در ۱۷۲۸ و در ۱۷۵۲ در مدرس ۲۰ لژ تأسیس گردید قدم اولی که این برادران طریقت در قرون وسطی پیش می‌گرفتند برای این بود که واقعا به مردم کمک بکنند اما در این زمان خواستند در طبقات عالی هندوستان، در پیش راجه‌ها ، مهاراجه‌ها به نام فراماسون اقدامات سیاسی را موفق شوند و

آنها را به نوع دوستی تشویق کردند در نتیجه در ۱۷۵۲ آن آخرین قسمتی را که خواستند انجام دادند و از پشت سر این مردمان خیر و نیکوکار سایه مهیب و شیطانی مستعمراتی انگلستان پدیدار شد و هندوستان برای يك قرن و نیم متجاوز در چنگال آنها بود که خوشبختانه روزگار جدید يك آثار و اماراتی نشان می‌دهد که شاید دست از گریبان آنها بردارند در ۱۸۰۰ همین کمپانی، کمپانی فراماسون و کمپانی هند این دو تا را باید همه جا با هم مترادف بدانیم و يك معنی دارد، اینها به ایران آمدند در تهران و در اصفهان سه لژ تشکیل دادند.

چنانکه گفتیم ایران به واسطه موقعیت جغرافیائی و وضعیتی که در باران زمان داشت زیاده زمین حاصلخیزی نبود و محصولی نگرفتند در زمان سلطنت ناصرالدین شاه يك عددی وسیعتر ولی باز جلوگیری شد تا این که منتهی شد به ۱۹۰۴ قبل از مشروطیت ایران در این اوان و در مشروطیت ایران توسعه زیادی پیدا کرد قبلاً باید بفهمیم که فراماسون چه چیزی است؟ اینها يك اصولی را تبعیت می‌کنند و با هم بستگی و صداقت و تعهدی دارند مطالبی که هست از هم پنهان نکنند و در هر کجای دنیا هستند تبعیت بکنند از رئیس خودشان مطابق علائمی که دارند هر کس و اهل هر کشوری باشند فرق نمی‌کند در هر کشوری هم که وارد شوند آنها از متنفذین، درباریها، رجال کشور را عضویت دارند چون کار داشتند (مکی-حقوق هم می‌گیرند) اینها سه درجه دارند اول شاگرد، دوم رفیق و سوم استاد، استاد غالباً می‌تواند پیشوا و رهبر باشد و يك درجاتی هم پیدا می‌کند و بالاخره مرشد بزرگ مرسوم به روشنائی (لومیه) است تشریفاتشان را کاری نداریم و زیاد مفصل است بچه طریق می‌آیند چه جور قسم می‌خورند که وفادار باشند و بد نکنند و مطیع رئیس و اصول خود باشند و آنچه از شهر پاك به قول خودشان می‌گویند (مدینه طیبه) از آنجا بهشان داده بشود مکلفند که اجراء بکنند، شما ایرانی هستید، هندی هستید، شما هر چه که هستید مجبور هستید آن مردمی که در استرالیا در هندوستان، در فرانسه هستند و جزو فراماسون می‌باشند آنها را نزدیکی از هموطن خودتان و اگر به شما

از بالاتر دستور دادند مجبورید دستور او را اطاعت بکنید اگر چه مخالف با قوانین شما باشد اگر آنهایی که هستند و من می گویم تکذیب کردند قبول می کنم که بگویند ما تعهداتی که داریم اجبار نداریم که اجراء بکنیم .

آقایان نمایندگان وطن آنها فراماسون است و تبعیت آنها از قوانین فراماسون است و هیچ چیز دیگر در مقابل آنها رادع و مانع نیست هر چه هست آنست ، فراماسونی که به ایران آمد ، همانطور که در زمان قدرت انگلستان مستقیماً از لندن به اینجا مزاحم نمی شد هندوستان همیشه در این کار دخالت می کرد و کسانی که اسناد دولتی انگلیس را منتشر کرده و بنده دارم معلوم می دارد که همیشه وزیر خارجه انگلیس مراجعه می کند به نایب السلطنه هند که در این موضوع شما چه می گوئید او هم جواب می دهد و نظر موافق و مخالف خود را می گوید و همیشه مأموریتی که در هندوستان بوده اند مستقیماً نظر می دهند .

فراماسونی هم که در ایران آمد این فراماسون شعبه هند بود و مستقیم نبود (رحیمیان- ممکن است چند نفر از فراماسونهای ایران را اسم بیرید؟) (مکی وزرای سابق و اسبق) آقایان نمایندگان اصولاً من با افکار و عقاید مردم کاری ندارم به عقیده من هر کس آزاد است هر قسم فکری بخواهد بکند .

ما در قرنی زندگی نمی کنیم که عقاید و افکار مردم را بخواهیم سانسور بکنیم ، اعمال مردم مورد تعقیب ما است (یکی از نمایندگان صحیح است) والا هر کس هر فکری دارد می تواند فکر خودش را پیروی بکند و ما هم طبق منشور ملل متحد طرفدار این عقیده هستیم مردم آزادند و بهر قبله ای می خواهند نماز بخوانند ولی اعمال آنها مورد نظر ما است ، بنده عقیده شخصی ام اینست که کسانی که در کشور ایران بستگی و تعهدی با هر دولت خارجی و با هر مردمی مطابق این اصول داشته باشند ، آنها نباید متصدی امور شوند (عده ای از نمایندگان صحیح است) آنها در ایران در برابر لژ بزرگ انگلستان و در برابر لژ سن ژان اسکاتلند زانو می زنند و هر چه آنها بگویند عمل می کنند و اداره ای که در مقام خودش، در کشور

خودش مورد تمجید و تحسین جهانیان است یعنی اینتلیجنس سرویس انگلستان، اداره کننده لژ انگلستان است.

من مکرر گفته‌ام که ما راجع به مملکت خودمان صحبت می‌کنیم. مردمی که انگلیسی هستند مردمی که برای بقاء و عظمت کشور خودشان سعی می‌کنند و زحمت می‌کشند آنها مورد تمجید منند و من همیشه آرزو دارم که در این کشور هم مردمی باشند که بتوانند همان نوع خدمات را برای کشور خودشان بکنند (حازقی - خوشبختانه ما افراد وطن پرست زیاد داریم که برای وطنشان خدمت می‌کنند) بنده خیلی میل دارم که سعی بکنم امروز استیضاح را تمام بکنم و نمی‌خواهم که جملات معترضه جواب بدهم، ولی این نکته را باید فهمید در صورتی که ما آنقدر مردم وطن پرست داریم، اینقدر مردم خوب داریم، همه حسن نیت دارند پس می‌خواهم ببینم وضع مردم کشور ما چرا به این بدیست؟ می‌خواهم ببینم مسئولش کیست؟ (عده‌ئی از نمایندگان - صحیح است - صحیح است) حالا خواهید فرمود که خدا خواست اداره کننده‌ها آنها هستند؟ (مکی - مملکت هم که امن و امان است توی مجلس و کیل را می‌زنند مملکت امن و امان است، راحت بخواید مردم تهران يك جانی که مصون از تعرض است و کیل را می‌زند ...) مرشد فراماسون ایران آقای حکیم‌الملک است و آقای نجم‌الملک هم اخیراً بهرتبه‌استادی رسیده‌اند ایشان هم هستند و تمام کسانی که با ایشان کار می‌کنند و باهم همکاری می‌کنند اسامی همه را می‌دانم محتاج بذکر نیست مگر این که خودشان بردارند در روزنامه اعلان کنند که بنده نیستم جزو فراماسون و تشکیلاتی ندارم و یا با آن مخالفت دارم.

اگر اینکار را کردند خوب این بحث جداگانه است و بنده آنوقت با دلائلی که دارم بعرض آقایان می‌رسانم و اگر اینکار را نکردند، با این دلائل کتبی که من دارم آئین‌نامه و نظام‌نامه فراماسنها، بنده بملت ایران توصیه می‌کنم از تمام آنها احتراز کنند (اکثریت نمایندگان صحیح است) من می‌شناسم اشخاص دیگری را که از نظر رعایت ادب میل ندارم حتی اسمشان را ببرم از برای اینکه می‌گویند که غرض رانی

می‌کند، وقتیکه بنده در ایران نبودم اطلاع پیدا کردم و در روزنامه های قاهره خواندم که متفقین هر سه دولت یادداشتی داده‌اند برای نظارت بین‌المتفقین در ایران یعنی مداخله در امور ایران. آقای حکیمی که آنموقع نخست وزیر بودند ایشان قبول می‌کنند و همین آقای نجم‌الملک وزیر خارجه بود و داخل مذاکره شدند اگر یکمده مردم آزادیخواه در آن زمان نبودند یکدفعه دیگر بطومار سیاسی این مملکت نوار سیاه بسته بودند (حازقی - اینطور نبود آقا، ایشان جزو مردم وطنپرست این کشور است) (امامی - مرد باشر فی است) باید خودشان تکذیب بکنند آقای امامی که جزء فراماسون هستند یا نیستند اگر هستند تابع این مقرراتند و اگر نیستند اعلان بکنند، در فراماسون کسیکه این انگشت چپش را بر می‌گرداند و علامت می‌دهد رئیس اوست و بایستی تبعیت بکنند از طرف او نگوئید نیستند مرا و ادار نکنید که از ادب خارج شوم (امامی اهری - شما نسبت می‌دهید، دلائل را هم باید اقامه کنید) دلائل را من الان می‌گویم اما موضوع نظارت بین‌المتفقین را در حکومت ایشان کسی هست بتواند تکذیب کند؟...»

دیپلمات خانه نشین رضا آشتیانی زاده که در دوره شانزدهم
 مجلس شورایی ملی ازورامین انتخاب شده و در مجلس از جمله
 «منفردین» بود، همیشه از دولت‌ها و اعمال آنها انتقاد
 فراماسونها می‌کرد.

ایشان در جلسه ۱۹۳ روز ۲۸ مهر ۱۳۳۰ در باره (نفت و نقش فراماسونها) مطالبی گفتند که قسمتهای کوتاه آنرا که مر بوط به فراماسونهاست نقل می‌کنیم «... روزی که آقای دکتر مصدق با فراماسونها آشتی کردند و چند نفر از آنها را در دستگاه حکومت خودشان شریک قرار دادند، من از ساده دلی و حسن نیت دکتر مصدق تعجب کردم و تذکر دادم که بیعت با رؤسای فراماسونها اتحاد آب و آتش است و بالاخره یکی از این دو دیگری را از میان خواهد برد. دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه کار نفت کرده و از روی تاختنواب

و گوشه اطافش در تهران تکان نمی خورد و بکارهای دیگر مداخله نمی کرد، شاید بدون اینکه خودش متوجه باشد یکایک فراماسونهای نشاندار را وزیرای او که بنظر خودشانهم این کاره بوده هستند، در تمام مقامات حساس مملکت قراردادند (دکتر راجی - کی هاستند مثلاً) و با یک نقشه بسیار ماهرانه، اول برضد خود دولت و بعد هم برضد کلیه کسانی که سر بر آستان لژ گراند اوریان نسپرده اند مشغول فعالیت شدند»

آشتیانی زاده سپس به بحث درباره فراماسون ها در کابینه وقت . . . پرداخته و تعویض آقای شاه باغ حائری دادستان کل کشور را که به زعم ایشان از مخالفین فراماسون نهاد در کار نفت و ملی شدن آن بدولت و ملت خدمت کرده بود، مورد بحث قرار داده چنین می گویند:

« ... تمام قانون شکنی ها، تجاوزات، سلب حقوق و آزادیهای مردم که دکتر مصدق در مدت عمر خود برای جلوگیری از آن کوشش داشت و بر آنها ایراد می کرد و در زمان حکومت خودش و شاید بدون اطلاع خودش و بدست خرابکارهایی که وزیر یادست اندر کار دولت بودند تکرار شد .

مثلاً همین تعویض آقای حائری شاه باغ که حتی برای یکبار هم ایشان را ندیده ام ولی از همه شنیده ام که این مرد در مدت تصدی خود برای استیفای حقوق مردم و جلوگیری از تجاوزات . . . نهایت درجه رشادت را بخرج داده [همه] را تحت کنترل سخت گرفته . . . آشتیانی زاده سپس در جلسه علنی مجلس چنین گفت:

... عرض می شود که ماها یکعده ای هستیم که از پرونده سازی و پاپوش دوزی

هم اطلاع داریم و هم این بلاها بسر خودمان آمده است .

آقای حاج سید نصرالله تقوی یکی از رؤسای بزرگ فراماسونها بودند، آقای امامی، مرحوم حاج سید نصرالله یکی از بزرگان فراماسونری در ایران بودند، تمام فراماسنها شریف هستند (نورالدین امامی - ازارکان مشروطیت بوده و خدمت

کرده) یا باید شهر بانی اعمال خودش را با قانون تطبیق می‌کرد یا باید دادستان کل بدرجه يك مأمور کار آگاهی تنزل می‌نمود

برای تغییر دادستان شجاع و قانونی صبر کردند تا رئیس دولت به امریکا رفت و در غیاب ایشان این مرد شریف را عوض کردند .

من بهیچوجه کاری به صلاحیت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی می‌پرسم علت برکناری دادستان کل چه بوده است. (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه گرفته بود؟ آیا قانون نمی‌دانست؟ آیا صلاحیت نداشت؟ چطور شد که تا چند ماه از حکومت دکتر مصدق صلاحیت شاه باغ محرز بود ولی همینکه عوامل مشغول نقشه کشیدن شدند و در صدد تجدید خاطرات ایام مختاری برآمد شاه باغ حائری فاقد صلاحیت شد؟

چه علت موجب تغییر شاه باغ حائری و انتصاب يك فراماسون بجای او شده است. دادستان کل باید کسی باشد که مردم باو اعتماد داشته باشند ... »

در آن ایام رئیس دولت در امریکا بودند و کفالت کابینه با آقای باقر کاظمی بود. ایشان آقای شاه باغ حائری را تعویض و بجای وی دیگری را بسمت دادستان کل منصوب کردند .

آشتیانی زاده در دنباله بیاناتش که اشاره تلویحی به بقاء فراماسونها در پست‌های دولتی بعد از وقایع مشروطیت تا آنروز بوده و چنین گفتند :

« . . . امید ما این بود که دکتر مصدق پس از نیل بمقام نخست وزیری يك طبقه‌ای را سرکار بیاورد که آنها ارتباطی با آن جریان نداشته باشند یا للعجب که مادر موقعیکه یا مبارزه کرده‌ایم یا می‌خواهیم باز هم مبارزه را ادامه بدهیم ، هنوز استخوان لای زخم ماست .

من با آقای کاظمی سابقه‌ای ندارم من آقا شما را می‌شناختم تا بحال خدمتتان رسیده بودم . کوچکترین سابقه سوء یا حسن سابقه‌ای بین بنده و آقا نبوده است برای اینکه ما تا وقتی چشم باز کردیم ایشان وزیر خارجه بودند، وزیر راه بوده‌اند

سفیر کبیر ترکیه بوده‌اند باز در موقع بیکاری برای استراحت سفیر کبیر می‌شوند من می‌گویم چه شد که سید حسن مدرس شهید و تقی زاده و علاء [که] هر سه با اصلاح قانون اساسی و تغییر قانون اساسی در مجلس پنجم مخالفت کردند [سر نوشت مختلف داشتند] چه شد که مدرس را بردند با آن وضع فجیع شهید کردند [ولی] آقای علاء بلافاصله سفیر کبیر ایران در پاریس شد؟ بعد وزیر شد باز وزیر شد باز وزیر دربار است پس فردا هم باز لابد سفیر کبیر

یوسف کنعان من برده دل و جان من

برده دل و جان من یوسف کنعان من

اینها را نمی‌فهمیم توی این مملکت اگر دکتر مصدق السلطنه خیال می‌کند در این مملکت مرد نیست و «جز فراماسنها کسان دیگر» لایق وزارت نیستند، اشتباه می‌کنند تمام طبقات جوان این مملکت میهن پرست بوده و هنوز هم هستند بقول بناپارت چه بسا درشکه‌چی‌ها که لایق وزارت من هستند و چه بسا وزرای من که لیاقت درشکه‌چی‌گری ندارند. اشتباه است آقا ...»

نظرات جراید در باره ماسونها

روزنامه‌های ایران هیچگاه از «فراماسون» و «فراماسونری» به نیکی یاد نکرده‌اند .

هرگاه بدمناسبتی یادی از فراماسونری در جراید ایران شده یا برای انتقاد شدید از يك فراماسون فاسد بوده است و یا برای نمایاندن زشتی اعمال هیئت حاکمه ... روزنامه نگارانی که از فراماسونها انتقاد می‌کنند ، اکثراً آنها می‌هستند که دارای افکار «دست راستی» بوده و با هیچ چسبی نمی‌توان آنها را بجناح «چپ» چسباند . برای نمونه چند سطر از بین ده ها مقاله انتقادی سالهای اخیر نقل می‌شود :

صادق بهداد مدیر روزنامه جهان بیش از همه روزنامه -
روزنامه جهان نگاران از فراماسونها انتقاد می‌کند. او که همیشه در جناح
 «ناسیونالیستها» ی ایران جا داشته ، در یکی از صدها مطلب

انتقادی علیه ماسونها تحت عنوان «داوری ضد کمونیسم» می‌نویسد :

«در ایران خطر نفوذ بیشتر حزب کمونیست روز بروز زیادتر می‌شود. چون
 هنوز در مدت این بیست سال - ناسیونالیستها دولتی تشکیل نداده‌اند ، حکومت -
 هائی هم که فراماسونها و تحصیلکرده‌های مکتب سیاسی انگلیسی و کمونیست ها و
 یا سوسیالیست‌های وازده یا متعصب تشکیل دهند در برابر کمونیسم قدرتی ندارد و
 نمی‌تواند جلو نفوذ آنرا بگیرد ...»^۱

اسماعیل پوروالی مدیر روزنامه بامشاد که پایان نامه
روزنامه بامشاد تحصیلی خود را در باره مشروطیت و ماسونها نوشته ، در
 اکثر مقالات خود نام فراماسونها را می‌برد . ایشان در
 مقاله‌ای که عنوان «پیر مرد محترم» داشته و ظاهراً بایستی منظور «سید حسن
 تقی زاده» باشد می‌نویسد :

«... من عرض می‌کردم که مقالات سرکار را خواندم و فوراً فهمیدم که موضوع
 از چه قرار است ... کدام مقاله را می‌فرمائید ... همانهایی که می‌نویسید ... من
 فوراً فهمیدم که جنابعالی در زمره حضرات هستید. بله ، بله ، بله ، این را که همه
 می‌دانند از کی وارد لث شده‌اید ؟ .

- لث ؟ والله بنده اهل سینما و تأثر نیستم و اگر هم گاهی به اصرار والده
 بچه‌ها ناچار شوم و سینما بروم ، همان پانزده ریالی ...

- بله می‌فهمم ، منتهی ملاحظه می‌فرمائید این اختلافی که در لث افتاده باعث
 نهایت تأسف است فکرش را بکنید ، اختلاف در لث !!

... این اختلاف آخرش بضرر همه ما تمام شد ، هیچ معنی ندارد که در لث

دو دستگی باشد ...

- والله ماجسارتی نکر دیم. اصلا بنده نمی‌دانم جنابعالی اشاره‌تان به ..
- نخیر ، نخیر، اینها همه دلیل اختلاف در لژ است، اگر او امروز تشخیص داده که همین چهارتا عمارت فکسنی که اسمش را دانشگاه گذاشته‌ایم چه ضرری بما زده و می‌خواهد این ضرر را جبران کند و مرد رندی که سالها امتحان بندگی راداده مأمور این کار کرده ، دلیل نمی‌شود که ..

- والله بنده تصور می‌کنم که جنابعالی عوضی گرفته‌اید. از ارقامی که گفتید بنده هیچ نفهمیدم چون تمام زندگی بنده را که جمع کنند ۳۰ تومان بیشتر ارزش ندارد. بنده از تاریخ چیزی نمی‌دانم و از مسائلی که به آن اشاره فرمودید چیزی سر در نمی‌آورم. بعلاوه بنده خودم پیر مردم و نسبت به ریش سفیدها همیشه احترام قائلم در باره لژهم والله بالله بنده اهل سینما نیستم و ...

- خواهش می‌کنم جلوی من خودتان را به‌کوچه علی‌چپ نزنید .

این پیر مردم محترم یکروز اقرار کرد که ناچار بوده این کارها را بکنند. آنوقت برمی‌دارد هر چه دلش می‌خواهد بعنوان تاریخ نویسی به او بد و بیراه می‌گوید. من به گذشته‌ها کاری ندارم، همین سه‌ماه پیش این مرد تشخیص داد که بهبود مملکت با تنزیل معارف نسبت مستقیم دارد و بعد توی لژ صحبت شد و گفتند این مرد رندی که خودش را به‌هالوئی زده برای از میان برداشتن مانع اصلی از همه بهتر است و تظاهرات شروع شد و تا تیر در رفت و یکنفر دراز شد یارو سر کار آمد و حالا هم اگر چه در ظاهر شات و شوت انقلابی دارد اما هر چه لژ بگوید سمعاً طاعتاً می‌پذیرد چونکه این پیر مردم محترم هم پنجاه شصت سال پیش که عمامه را کج می‌گذاشت همین شات و شوت انقلابی راراه انداخته بود و خودش خوب وارد اینگونه مسائل هست و از آن هفت خطها ..

- والله جناب آقا فکر می‌کنم جنابعالی اصلا عوضی گرفته‌اید اسامی خارجی و داخلی و پیر مردم هفت خط و مرد رندهالو و همه این مسائل برای بنده عجیب و

غریب جلوه می‌کند اگر اجازه می‌دهید ...

در این موقع تلفن زنگ زد و آقای ناشناس بدون آنکه منتظر بقیه حرفهای من شده باشد خودش مستقیماً پای تلفن رفت و گوشی را برداشت و گفت :
 - بله خودم هستم .. نخیر خیلی احمق است .. فکر می‌کنم عوضی گرفته باشیم .. نه ، چیزی نفهمید .. خودش را به حماقت زده ؟ . نه نه فطرتاً احمق است چشم چشم همین الان ، بعد بطرف من برگشت و بدون اینکه خدا حافظی کند کلاهش را سرش گذاشت و رفت و من نفهمیدم مگر غیر از لژ سینما لژ دیگری هم هست و پیر مرد محترم که پنجاه سال پیش شلوغ چی بوده و بعد سالها از ما دوری کرده و دوباره برگشته کیست و این مرد درند هالو که مأمور است ضرر چهار تا عمارت فکسنی را جبران کند کیست ؟ خدا عاقبت همه را بخیر کند ..^۱

مم جعفر

دکتر عبدالرسول عظیمی در مقاله « از انحلال دانشسرای عالی پیغام امروز تا انحلال دانشگاه » درباره اداره دانشسرای عالی به وسیله فراماسن‌ها (دکتر فیلسوفی و دکتر تسلیمی) می‌نویسد :^۲
 « ... همه مردم می‌دانند وزیر فرهنگ شخصاً اطلاع کامل از مسائل تربیتی و حتی تشکیلات و سازمان فرهنگ ندارد و او را دسته‌ها و گروه‌هایی [فراماسن‌ها] از پشت سر می‌گردانند . از جمله ، دست‌هایی که پشت سر وزیر فرهنگ هست ، دست مردی است بنام دکتر تسلیمی که گویا از جانب دسته‌های فراماسونری حامی وزیر فرهنگ بوی معرفی شده و ترانحلال دانشسرایک تر زمینه دار می‌باشد که از ناحیه او عنوان گردیده است ...

... وزیر فرهنگ [درخشش] بی آن که بداند چه می‌کند بر نامه‌هایی را که از جانب فراماسونها حمایت می‌شود ، فقط از روی جاه طلبی اجرا می‌کند ...

۱- بامشاد - ۱۲ شهریور ۱۳۴۰

۲- پیغام امروز ۲۵ دیماه ۱۳۴۰

اگر برنامه‌ئی که دکتر تسلیمی^۱ طرح کرده و وزیر فرهنگ می‌خواهد اجرا کند به نتیجه برسد، باید گفت نخستین ضربت مورد علاقه حامیان وزیر فرهنگ و فراماسونرها به دانشگاه وارد می‌گردد ...»

روزنامه آژنگ به مناسبت ورود هولمز سفیر امریکا به تهران
روزنامه آژنگ و اشغال پست «سفارت امریکا» می‌نویسد^۲:

«... دولت امریکا باید بداند که ایران دوست سال است که زیر پنجه سیاست انگلیسی قرار گرفته و هر چه سیاستمدار و رجال و دیپلمات و وکیل و سناتور داشته و داریم غالباً در یکی از مکتب‌های وابسته به سیاست انگلیس اینتلجنس سرویس و فراماسونری (تعلیم گرفته‌اند. و اصلاً ما هنوز کسی را نمی‌شناسیم که بجائی رسیده باشد و این چنین مکتب‌هائی را ندیده باشد... در ایران فقط يك سیاست می‌تواند جلو کمونیسیم را بطور قطع بگیرد، و آن نیروی «ناسیونالیسم ایران» است، بدست مثنی فراماسون و نوکر سیاست خارجی نمی‌شود جلو کمونیسیم را گرفت با کمونیست‌های ساخت تیتو نمی‌شود جلو کمونیزم را گرفت و هنوز ولوششما هم تاکنون امکان داده نشده که ناسیونالیست‌ها بر مملکت حکومت کنند، از نیروی عظیم ناسیونالیسم ایران غافل نباشید، همین نیروئی بود که شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی را بوجود آورد و همین طرز فکر شاه عباس و نادر شاه را بر قسمتی از جهان آن روز مسلط ساخت. ما از کمونیزم هیچ باك نداریم به شرط این‌که دفاع از کشورمان بدست خودمان باشد.»

جهانگیر تفضلی و روزنامه ایران ما نیز در چندین شماره

ایران ما بحث‌های مفصل و منطقی درباره فراماسونری و فراماسن‌های

ایران و انتقاد از اعمال و کردار آنها نموده است. در یکی از

۱- دکتر تسلیمی عضو لژهای فراماسونری فرانسه در ایران است رجوع شود به فصل

بیست و هشتم همین کتاب

۲- روزنامه آژنگ ۲۳ خرداد ۱۳۴۰

مقالات مشهور تحت عنوان «آمریکا و انگلستان در ایران و خاور میانه فراماسون» - های مصر و ایران - گفتگوی يك ناسیونالیست بایك فراماسون، می نویسد: ^۱
چندماه پیش یکی از آشنایان قدیمی من که معلوم می شود اگر از فراماسونها نیست لااقل از طالبان طریقت آنانت می گفت: من مقالات تو را درباره انگلستان از همان چند سال پیش باکمال علاقه و اعتقاد می خوانم، ما هم مثل شما طرفدار دوستی متقابل با انگلستان می باشیم و ما هم مثل شما از نوکری انگلستان بیزاریم اما انگلستان در برابر دو رقیب که دارد چه می تواند بکند جز این که دوستی برادران فراماسون را مفتنم بشمارد.

به او گفتم: یکی از بزرگترین خدماتی که این فرقه به سیاست استعماری انگلستان کرده اینست که در کشورهای خاورمیانه، که این فرقه آشیانه و لژ ساخته همواره کوشیده است که غرائز وطنخواهی و ملی را بکشد و خوب می دانید همانطور که کمونیستها در سراسر جهان بیکدیگر «رفیق» می گویند و يك رفیق کمونیست از کشورهای اجنبی، خیلی بريك هموطن غیر کمونیست ترجیح دارد، برای این فرقه نیز «يك برادر» فراماسون هزار بار بريك ایرانی غیر فراماسون ترجیح دارد.

این فرقه در سراسر خاورمیانه مأموریت داشته است که با احساسات ملی مردم کشورهایی که هدف سیاست استعماری بوده اند مبارزه کند و حس حق طلبی و مردانگی و جوانمردی و عصیان را در جوانان و مردان افسرده و معدوم سازد و راه پیشرفت سیاستهای استعماری را هموار سازد.

(۱) ایران ما ۴ خرداد ۱۳۳۵. مقالات معروف دیگر ایران ما عبارتست از:

- ۱- شیوخ خجسته خصال - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۵
- ۲- جفا بینیم و منت داشته باشیم ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۵
- ۳- بنایان آزاد ۱۴ - اردیبهشت ۱۳۳۵
- ۴- جمعیت برادران لژ همایون ۱۱ خرداد ۱۳۳۵
- ۵- نفوذ معنوی و روز افزون شماره ۲۷۷

خلاصه این فرقه مأموریت دارد و تاکنون این مأموریت را انجام می‌داده است که مردم را به تحمل و بردباری در برابر زور و تجاوز، وقتی که از طرف سیاست استعماری انگلستان باشد عادت بدهد و مردم را توسری خور باریاورد .
از این آشنای فراماسون پرسیدم که :
آیا می‌داند که در لژ فراماسونهای مصر یهودیها را بکلی از فرقه بیرون کرده‌اند .

- بلی ، این موضوع را خبرگزاری رویتر پارسال انتشار داد و روزنامه‌های تهران هم نوشتند تنها روزنامه اطلاعات بجای لژ فراماسونری نوشته بود «فراموشخانه قاهره» یهودی‌ها را اخراج کرده است .
- می‌دانید چرا ؟

- بلی برای اینکه مصریها باکشور اسرائیل دشمن و مخالفند .
- خیلی اشتباه می‌فرمائید اولین شرط فراماسونی بیوطنی است ، یعنی اگر ایران فی‌المثل با مصر جنگ کند ، فراماسون ایران نه تنها جنگ با فراماسون مصری نمی‌کند ، بلکه در آئین اوست که در درجه اول به برادر خود خدمت کند^۱ و یکی از علل اینکه یهودی‌های فراماسون در اغلب لژهای خاورمیانه صاحب جاه بودند، همین بیوطنی آنها بود .

- پس چرا یهودیها را از لژ فراماسونهای مصر خارج کردند .
- خود یهودیها بیرون رفتند . در ایران هم چند نفر یهودی که با لژ «ح» تهران همکاری می‌کردند مدتی است خودرا کنار کشیده‌اند .

۱- در حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ عده‌ای از ایرانیهای عضو شرکت نفت ایران وانگلیس مقیم آبادان ، در شب حمله مجلس ضیافتی ترتیب داده و از افسران ایرانی دعوت بشام کردند . آنها که عضولژ فراماسنی «پیشاهنگ آبادان» بودند، مأموریت سرگرمی افسران در شب حمله و دستگیری آنها را داشتند و مأموریت خودرا هم بخوبی انجام دادند. یکی دو نفر از آنها هم اکنون در لژ این سینا عضویت دارند .

برای اینکه اکنون یهودیها دارای وطن شده‌اند و دیگر نمی‌توانند با وطن-
خواهی و وطن پرستی و خلاصه ناسیونالیسم مبارزه کنند...»

مجله این هفته که مدت کوتاهی در سال ۱۳۳۱ در تهران
انتشار یافت سلسله مقالاتی تحت عنوان «تاریخ فراماسونری
یا فراموشخانه (بنای آزاد)» منتشر کرد.

این سلسله مقالات که به قلم دانشمند محترم احمد خان ملك ساسانی است،
پرده از روی بسیاری از نکات مبهم فراماسونری برمی‌دارد. بطوریکه مکرر در این
کتاب آمده، متأسفانه در زبان فارسی درباره «فراماسونری» کتاب و یا رسالات که
راهنمای مردم باشد، منتشر نشده است. به همین جهت سلسله مقالات ناتمام «خان
خلک» در مجله این هفته از نظر محققین قابل توجه و دقت فراوان می‌باشد.

مجله خوشه در سال ۱۳۴۱ از شماره ۶۴ تا ۷۵ مقالاتی بقلم مازیار
(جهانگیر تفضلی) درباره فراموشخانه و فراماسونری منتشر کرده است. تجزیه و
تحلیلی که در این شماره‌ها شده، بیشتر بر روی مندرجات کتاب «فکر آزادی» دکتر
فریدون آدمیت است. این سلسله یادداشتها و بررسیها اگر ادامه پیدا می‌کرد و یابه
صورت کتابی درمی‌آمد، در هدایت افکار مردم بخصوص در واقعه «مشروطیت» و روشن
شدن گوشه‌ای از تاریخ میهن ما مؤثر بود. چون انتشار همه آنها میسر نیست، علاقمندان
را به مطالعه شماره‌های فوق‌الذکر راهنمایی می‌کنیم.



فصل سی و سوم

معرفی هشتصد و پنجاه و هفت نفر از فراماسونهای کنونی

فراماسونهای ایرانی، اگرچه دارای تشکیلات و سازمانهای مختلف، لژهای گوناگون و فعالیتهای متنوع در زمینه های متفاوت هستند و هم چنین از نظر وابستگی به لژهای بزرگ جهانی اختلاف چشم گیری، بایکدیگر داشته، و از این جهت از هم متمایز هستند، اما در يك نکته باهم اتفاق نظر دارند، و آن رعایت دقیق اصول پنهانکاری می باشد. فراماسون ها در حفظ اسرار محرمانه و کوشش در مخفی داشتن اسناد و مدارك، و چگونگی فعالیت سازمان های خود و بخصوص اسامی و مشخصات افراد و اعضای لژها، اتفاق نظر دارند و تلاش فراوان می کنند.

در طول این دو قرن که از آغاز کار لژهای فراماسونری در ایران می گذرد، تاکنون هرگز فهرستی از اسامی اعضای این فرقه منتشر نشده، و گاه نیز که در موارد بسیار استثنائی، نام پاره ای از این افراد فاش می شده، بشدت در مقام انکار برآمده حتی با وجود ارائه سند و مدرك عضویت خود را در سازمان های فراماسونری تکذیب می کرده اند.

باتوجه باین نکات و هم چنین ملاحظه مطالب و اسناد و مدارکی که طی فصول مختلف کتاب از نظر خوانندگان گذشت و حکایت از تلاش فوق العاده فراماسونها، در پنهان داشتن اسرار محرمانه، بخصوص اسامی و مشخصات افراد می کنند، بسادگی می توان دریافت که دست یافتن به لیست اسامی متجاوز از هشتصد فراماسون ایرانی، آنهم با ارائه اسناد و مدارك انکار ناپذیر، برای هر يك از آنها، کاری ساده و آسان نیست.

بدون اینکه قصد خودستایی داشته باشیم و یا بخواهیم منتهی ابواب جمع خوانندگان کتاب بکنیم - که خوشختانه در سراسر کتاب از هر دو انحراف تبری جسته ایم - اشاره باین نکته را ضروری می‌دانیم که :

زحمات بیست‌ساله نگارنده در راه تهیه اسناد و مدارک و تدوین و نگارش کتاب یک طرف و کوشش توانفرسایی که برای دسترسی باین اسامی و مدارک مستند مربوط به آنها مبذول شده است، یک طرف دیگر... زیرا با وجود آماده شدن مطالب کتاب، اگر دسترسی باین اسامی و یا اسناد مربوط به آنها میسر نمی‌شد، چون اصولاً کتاب را بدون این لیست اسامی ناقص می‌دانستیم، شاید انتشار کتاب سالهای دیگر نیز بتأخیر می‌افتاد.

دو نکته مهم، تهیه و انتشار این لیست اسامی را با مشکلات بزرگی روبرو ساخته بود: نخست اینکه اصرار داشتیم هر یک از اسامی و مشخصات، همراه با اسناد و مدارک قاطع و انکار ناپذیر باشد، تا علاوه بر حفظ شیوه «مستدل و مستند» کتاب، احیاناً پاره‌ای افراد و خانواده‌ها، اشتباهاً متهم بارتباط با فرقه مورد بحث کتاب نشوند. و همچنین سعی کرده‌ایم، جایی برای انکار و تکذیب اعضای لرها - که بهیچ قیمتی با فاش شدن نام و ارتباط و انتساب خود بالرها فراماسونری موافق نیستند، باقی نماند.

نکته دوم که تهیه و تدوین لیست اسامی را فوق‌العاده دشوار می‌ساخت، کار تفکیک اسامی اعضای لرها از یکدیگر بود. زیرا، چنانکه در فصول پیشین کتاب ملاحظه شد - هر یک از افراد، اغلب در چند لژ مختلف عضویت دارند، لذا برای معرفی دقیق آنها ناچار می‌بایستی نخست اسامی افراد، با توجه بانساب آنها بهر یک از لرها، از یکدیگر تفکیک شده و آنگاه وابستگی عضو مورد بحث بهر کدام از این لرها مشخص گردد، تا خواننده بمحض مراجعه به لیست اسامی، علاوه بر شناختن اسم و مشخصات فرد مورد نظر، از عضویت او، در یک یا چند لژ فراماسونری نیز آگاه گردد.

تصور می‌کنیم همین مقدمه برای نشان دادن اهمیت تهیه لیست اسامی بیش

از هشتصد فراماسونر ایرانی کنونی کافی باشد. لذا سخن را کوتاه کرده به معرفی آنها می‌پردازیم. ولی توجه خوانندگان را قبل از مطالعه لیست به این چند نکته کوتاه جلب می‌کنیم:

۱ - در این لیست گاه نام کسانی را می‌بریم که فقط در يك سند از آنهاذکری شده است. اینگونه افراد را با زیر نویس مشخص کرده‌ایم.

۲ - در تهیه اسامی فراماسونهای کنونی، از اوراق محرمانه لژها که گاه به وسیله ایران پرستان و در اکثر موارد با پرداخت مبالغ قابل توجهی، بدست آمده، استفاده شده است. در این لیست فراماسونی که معرفی می‌کنیم، در یکی از مراتب چهارگانه زیر عضویت داشته و یا دارند:

الف- رأی به پیشنهاد عضویت «بیکانه» این گونه افراد اکثراً از جریاناتی که در خفا، و در لژها در باره آنها می‌گذرد، بی‌اطلاع هستند.

ب - رأی به تقاضای کتبی «داوطلب» ورود به جرگه ماسونها

ج - شورها و اخذ رأی اول و دوم داوطلب

د - فراماسونهایی که مناصب و مقامات مختلف و یا به درجات گوناگون ارتقاء می‌یابند.

بنابراین آنهایی که نامشان با اسم لژی که در آن عضویت دارند قید شده، جملگی عضو محافل فراماسونی ایران هستند.

۳ - هنگام معرفی بعضی از فراماسونها، نام لژی که در آن عضویت دارند، ذکر نشده، و این بدان جهت است که فراماسون مورد بحث در چند لژ شرکت داشته و ما چون خود فراماسون نیستیم، طبعاً از عضویت اینگونه افراد در لژهای اولیه و یا لژی که در آن فعالیت می‌کنند، بی‌اطلاعم. ولی بهر حال نام اینگونه افراد نیز در اسناد مختلف نوشته شده است. اینک به معرفی فراماسونهای کنونی که در لژهای انگلیسی-فرانسوی-آلمانی ولژ مستقل فعالیت دارند، می‌پردازیم:

: ۲

-	عیسی (محمد مهدی)	آبتین
مولوی - کسرا	موسی (مهدی)	آبتین
-	منوچهر	آبتین
فارابی	انوشیروان	آبتین
تهران	سیوگی	آقاجانزاده
-	سورن	آقازادیان
	آندرانیک	آبکار
همایون	امیرقلی	آذری
تهران - خوزستان	نصرالله	آذری
کسرا	سرهنگ رحیم	آذرپی
آفتاب	حسین	آذرفر
مهر	حسین	آذرین فر
ستاره سحر	عباس	آرام
لایت	فردریک	آرتور
کوروش	دکتر کمال الدین	آرمین
همایون	قاسم	آرین پور
لایت	ریچارد	آرواین
سعدی	غلامحسین	آزرم
اصفهان	علی محمد	آزما

مهر	دکتر احمد	آزیر
سعدی	مهندس طلعت	آلپائونی
همایون	زید	آل کاظمی
«	مهدی	آموده
«	بزرگ علینقی	آهاری ^۱
«	محسن	آهنچی

الف :

-	یدالله ^۱	ابراهیمی
-	دکتر مهدی	ابوسعیدی
فارابی	-	ابوالفتحی
مهر	دکتر علی	ابهری
صفا	یوسف	اتحادیه
-	-	احتیاج فر ^۲
تهران	علینقی	احسانی
خیام	دکتر احمد علی	احمدی
-	دکتر ناصر	اخترزاده
همایون	سرهنگ محمد علی	اخگر
وفا	محمد	اخوت
همایون	سرتیپ محمد حسن	اخوی
اهواز	علی اصغر	ادیب محمدی
مهر	ابراهیم	ادیبی

۱ - نام این شخص فقط یکبار در یک سند دیده شده .

۲ - ایضاً .

کورش	هادی	ادیبی
کورش	مهندس علی اصغر	اربابی
تهران	هوشنگ	اربابی
آفتاب	خسرو	ارداقی
صفا	دکتر اسمعیل	اردلان
فرانسه	سلطان حمید	اردلان
همایون	سلیمان	ارسطوزاده
ژاندارك	مهندس حیدر علی	ارفع
-	دکتر فرج الله	ارفع
لایت	جون	ازداک
تهران	دکتر احمد	اژدری
تهران - کورش	عباس	اژدری
مولوی	ال - دی	استریک
فارابی	مهندس مسعود	استوار
تهران	مهندس حسن	اسدی
صفا	نصرت الله	اسدی لنگرودی
مولوی	دکتر امیر	اسفندیاری
خیام	دکتر حسین	اسفندیاری
مولوی	رضا	اسفندیاری
خیام	عباس	اسفندیاری
-	اسعد	اسفندیاری بختیاری
-	علیرضا	اسفندیاری دارائی
مهر	دکتر محمد تقی	اسکندانی
تهران	حسن	اسکندری

گورش	دکتر اسماعیل	اسماعیلی
سعدی (افتخاری)	لئون	اسنایدر
ستاره سحر	علی	اشرف احمدی
همایون	امیر قاسم	اشراقی
همایون	حبیب الله	اشراقی
مهر	دکتر علی اکبر	اصفہانی
مهر	حمید	اصفہانیان
همایون	محمد رضا	افتخار
تهران	محمد حسن	افخم ابراهیمی
تهران	احمد	افخمی
مولوی - ابن سینا	محمد	افخمی
تهران	امیر اصلان	افشار
گورش	دکتر سید علی	افقه
تهران	دکتر منوچهر	افقی
همایون - مولوی	احمد	اقبال
-	عزیز الله	اکبر بریانکی
فارابی	دکتر	اکرامی
مولوی	عباس	اکرامی
ابن سینا	آقا جان	القانیان
ابن سینا	حبیب بابائی	القانیان
فرانس	داود بابائی	القانیان
ابن سینا	ف	القانیان
وفا	دکتر خان بابا	الی
-	-	الیام بس

همایون - کورش - اهواز	سید احمد	امام
« « «	دکتر سید رضا	امام
« « «	دکتر سید ضیاء	امام
همایون - اهواز	جلال	امام جمعه
مولوی	سید محمد علی	امام شوشتری
تهران	دکتر احمد	امامی
نور	دکتر سید حسن (امام جمعه)	امامی
سعدی	ابراهیم	امامی خوئی
کسرا	فتح الله	امامی
سعدی	دکتر احمد	امید
سعدی	مهندس محمد حسین	امید سالار
سعدی - فرانسه	محمد رضا	امید سالار
خوزستان	ابراهیم	امرائی
صفا	دکتر جهانگیر	امیر ابراهیمی
سعدی	هادی	امیر ابراهیمی
ستاره سحر	سناتور دکتر علی	امیر حکمت
مهر	دکتر کیومرث	امیر حکمت
همایون	دکتر عبدالحسین	امیر حکمت
تهران	مهندس علیرضا	امیر سلیمانی
-	هادی	امیر شارب
صفا	عنایت الله	امیری
-	محمد صادق	امیری
تهران - فرانسه	غلامحسین	امیری قراگوزلو
همایون - اصفهان	دکتر ناصر	امیر نیرومند

اصفهان	دکتر عیسی	امیر نیرومند
فاراہی	غنی	امین
صفا	سید جعفر	امین
صفا	دکتر شفیع	امین
اصفهان	دکتر محمد کاظم	امین
وفا	ایرج	امینی
-	دکتر بہمن	امینی
کورش	دکتر رضا	امینی
لایت - تهران	اوانس	اوانسف
لایت - تهران	ژرژ	اوانسف
ابن سینا (افتخاری)	ر	اودی
فرانس	داوید	اویون
خوزستان	دکتر حسین	اہری
کورش	مهندس منوچہر	ایازی
فاراہی	محمد رضا	ایٹاری
		ب :
فرانسہ - سعدی	دکتر اسد	بابایان
کسرا	دکتر عباس	بابک
ابن سینا	« فریدون	باتمانقلیچ
ہمایون	میروسلاواوگستین	بادین
روشنائی	ویلیام	باگلی
ہمایون	اوراہام	بالاس
-	ابوالفضل	بامداد

لایت - سعدی	هارتون	بجانیان
کوروش	دکتر غلامرضا	بخشی
مهر	آقاخان	بختیار
تهران	ابدال - غلامحسین	بختیار
آفتاب	خانی	بختیار
ژاندارک	عبدالحمید	بختیار
تهران - اصفهان	علی اصغر	بختیار
فرانس	محمد	بدیع
فرانس	مهندس ناصر	بدیع
همایون	احمد	براتلو
لایت-ابن سینا(افتخاری)	ای - اف	براون
اصفهان	قدرت الله	برومند
اصفهان	عبدالغفار	برومند
اصفهان	محمدباقر	برومند
اصفهان	محمد طاهر	برومند
همایون	محمد	بشر السلطان
فارابی	حسین	بصیری
مولوی	محمد حسن	بشیری
مولوی	حسن	بقائی
تهران	مهندس سیروس	بقائی
لایت	دبلیو	بکری
همایون	سیدمحمد	بلادی
اصفهان	مصطفی	بنی سلیمان شیبانی
آفتاب	جلال الدین	بنی هاشمی

آفتاب	ژوزف	بو
ابن سینا	داریوش	بوربور
همایون	غلامحسین	بوربور
مزدا - کسرا	محمد علی	بوذری
ابن سینا	ج - ب	بوربیج
ابن سینا (افتخاری)	اس - جی	بوو
خیام	مهندس شاهپور	بهبهانی
کوروش	« عنایت	بهبانی
روشنائی - تهران	سلیمان	بهبودی
کوروش - تهران	مهندس ناصر	بهبودی
سعدی	مهدی	بهروز
مولوی - کسرا	جمشید	بهروش
کسرا	زرین	بهروش
کسرا	دکتر مجید	بهروش
تهران	دکتر حمید	بهزاد
فرانسه - سعدی	مهندس بهمن	بهزادی
کوروش	دکتر علی اصغر	بهزادی
مولوی	عیسی	بهزادی
-	همایون	بهزادی
مهر - آفتاب	سیف الله	بهمن
مولوی	محمود	بهمنیار
مولوی	محمود	بهنیا
آفتاب	پرویز	بیات
-	عیسی	بیات

سعدی	دکتر خان بابا	بیانی
مزدا	باباجان	بیت وردا
آفتاب	عزیز الله	بیگ لیک

پ :

ابن سینا (افتخاری)	A . T . Parker	پارکر
آریا	مهندس ابراهیم	پارسا
تهران	دکتر فرخ	پارسی
تهران	دکتر محمدرضا	پایا
کورش	دکتر علی	پرتو
ابن سینا	-	پرتو اعظم
مولوی (افتخاری)	ژرژ	پروو
-	-	پطرسیان
همایون	ابراهیم	پناه
همایون	فتح الله	پورسرتیب
وفا	دکتر رسول	پورنگی
آفتاب	حسین	پویان
مهر	دکتر حسین	پویانی
ستاره سحر	دکتر سید مهدی	پیراسته
-	ویگن	پیرزاریان
-	حاجی	پیر مرادیان
تهران - کورش	دکتر ابوالقاسم	پیرنیا
مزدا	باقر	پیرنیا
آفتاب	دکتر حسین	پیرنیا

تهران	هرمز	پیرنیا
تهران	مهندس محمد حسین	پیروز
تهران	دکتر جواد	پیروز بخت
		ت :
وفا	منوچهر	تاج بخش
تهران	مهندس عباس	تاد (محمدی سابق)
همایون	غلامعلی	تربیت
مولوی	عماد	تربتی
ابن سینا	منوچهر	تسلیمی
ابن سینا	او	تشرشیان
مهر	دکتر تقی	تفضلی
آفتاب	سید حسن	تقی زاده
آفتاب	دکتر منوچهر	تهرانی
مهر - آفتاب	احمد	تهرانیان
تهران	دکتر	توانا
-	محمد	توحیدی
تهران	دکتر محمد حسن	توران
کورش	عبدالله	توکل
لایت - کورش	احمد	توکلی
تهران	علی اصغر	توکلیان
تهران	سر نیپ عبدالله	توماج
بن سینا (افتخاری)	R.R. TOWNLY	توانلی
تهران .	علی	تیموریان

ث :

کسرا	دکتر محمود	تقفی
تهران	مهندس سعید	ثقة الاسلامی
همايون	موسی	ثقة الاسلامی

ج :

آریا - مهر	مهندس عبدالوهاب	جالینوس
کسرا	محمدعلی	جاوید
کوروش	رضا	جعفری
مولوی - ابن سینا	پرویز	جلالی
مولوی - سعدی	فتح الله	جلالی
-	فضل الله	جلالی
مهر	علی	جمالپور
تهران	جهانبخش	جمهری
سعدی	دکتر محمد جواد	جنیدی
ابن سینا (افتخاری)	R.A. JOUNS	جونز
تهران	دکتر جعفر	جهان
سعدی	جهانگیر	جهاننداری
آفتاب - وفا	کیکوس	جهاننداری
مزدا	غلامحسین	جهانشاهی
مولوی	محمد	جهانشاهی
آفتاب	سیدابوالحسن	جلیلی
کوروش	محمود	جلیلی یزدی

ج :

مزد	مهندس پرویز	چارلز
همایون - مزد	صالح	چاکوتاهی
لایت - کورش	ادوارد	چتایات
لایت - کورش	صالح	چتایات
ابن سینا	اف	خرچیان
فرانسه	دکتر ابراهیم	چهرازی

ح :

خیام	دکتر محمد حسین	حائری
فرانس	دکتر محمد حسین	حاجبی
وفا	دکتر مسعود	حافظی
فارابی	مهندس	حاجی اصغرزاده
اهواز	حسنعلی	حجازی
همایون	سمیر	حداد
فرانس	دکتر کمال	حداد
کورش	دکتر محسن	حداد
خیام	دکتر ناصر	حداد
مهر	فتاح	حریر فروش
کورش	محمد جواد	حریری
تهران	دکتر محمد	حسابی
لایت	ک. م.	حسو
لایت	ح. م.	حسو

سعدی	فضل الله	حقیق
تهران	بهمن	حکمت
تهران	حسنعلی	حکمت
همایون	فضل الله	حکمت یار
آفتاب	رضا	حکیم زاده
فرانس	ام - اف	حولوی

خ:

مولوی	البریک	خاچاطوریان
خیام	مهدی	حازنی مقدم
سعدی - تهران	نعمت الله	خان اکبر
سعدی	مارک	خان زاده
سعدی	مهدی	خانلری گودرزی
-	محمد میر شکار ^۱	خجسته
سعدی	حسین	خداداد
-	محمد داود	خداداد فر
-	امیر مسعود	خدایار
تهران	دکتر عباس	خرازی
تهران - فیحا	شیخ احمد فیصل	خزعلی
همایون	امیر حسین	خزیمه علم
تهران	تقی	خستو
مهر	دکتر خسرو	خسروانی
مولوی - همایون	شهاب	خسروانی

۱- فقط در يك عدد نام این شخص دیده شده است

فرانس - کورش	دکتر علی اصغر	خشایار
سعدی - همایون	موسی	خطاطان
-	پرویز	خضرائی
مولوی - همایون	دکتر عباسقلی	خلعتبری
همایون از خرمشهر	محمد ح ن	خلفی
فرانس	یعقوب	خلیفی
-	علی اکبر	خلیلی
حافظ - همایون از شیراز	مهندس	خمسی
مولوی	حبیب	خمسی
مولوی	امیر مهدی	خواجوی
-	محسن	خواجه نوری
تهران	دکتر غلامحسین	خوش بین
ابن سینا	یوسف	خوش کیش

د :

لایت	فیروز	دارابجی
همایون	محمد	دادور
سعدی - کسرا	دکتر احمد	دارائی
-	طغرل	دارائی
همایون	یهودالثون	داتر
-	محمود	دانشزاده
کورش	دکتر مهدی مسیح	دانشی
کورش	دکتر حسین	داودی
همایون	محمد	داودیان

ابن سینا (افتخاری)	د	داوید
فرانس	مهندس	داریوش
تهران روشنائی	الیاس	دبی
مولوی - سعدی (افتخاری)	M.S. DRABBLE	درا بل
-	علیرضا	دره
مولوی - سعدی (افتخاری)	آ. ال	دروزی
کسرا	مهندس کمال	دری
مهر	محمد	دری
حافظ	کاظم	دستغیب
مزدا	حسین	دفتریان
مولوی (افتخاری)	ماکس	دوبسکی
کورش - اهواز	محمد	دورقی
همایون	عباس	دولت‌شاهی
همایون	جمشید	دولو قاجار
ابن سینا	E.P. POYIES	دیویس
کورش	مهندس عبدالعلی	دهستانی
حافظ - همایون	محمود	دهقان
مولوی	محمد علی	دهقان
فرانس	ابوالحسن	دیبا
لایت - ابن سینا	زوریک	دیلابیان
تهران	مهندس عبدالحسین	دیلمقانی
روشنائی	د	دیوید
تهران	بهرام	دیویدخانیان

ذ:

ذوالریاستین صدی کورش - همایون

ر:

فرانس	محسن	رئیس
مولوی	محمود	رئیس
فرانس	مهدی	رئیس
کسرا - سعدی	ابراهیم	رئیس روحانی
سعدی - ژاندارک	یوسف	رئیس سمعی
فرانس	سعید	رئیس
کورش	محمد	رئیس
همایون	محسن	رأفت
مزدا - مولوی - همایون	دکتر عبدالحسین	راجی
تهران	دکتر مسعود	رادمرز
فارابی	دکتر	رازانی
خیام	دکتر هوشنگ	رام
تهران - همایون	هلاکو	رامبد
تهران - کورش	حسین	رامتین
کورش	سیروس	رامتین
-	مهندس روح الله	رحمانی
کورش - فرانس	حسین	رحمتیان
-	ایرج	رحیم زاده
سعدی	مهندس رضا	رزم آرا

کورش	دکتر مرتضی	رسا
کورش	دکتر عبدالحسین	رشیدی حائری
مولوی - کسرا	عبدالامیر	رشیدی حائری
-	حسین	رضوی
سعدی	دکتر پرویز	رفوآه
-	محمد مهدی	رفیع
-	دکتر احمد	رفیعی
فارابی	دکتر عزیزالله	رفیعی
تهران	علی اصغر	رفیعی
همایون تبریز	فضلعلی	رفیعی
مولوی	اسداله	رکنی فرد
تهران	لطیف	رمضان نیا
لایت	و - ه	روب
ابن سینا	W. H. ROBINSON	روبینسن
سعدی	مهندس ابوتراب	روحانی
-	سید طاهر	روحانی
-	علاءالدین	روحانی
مزدا	محمود	روحانی
-	محمد حسن	روحی
مولوی	محمد	روستا
فرانس	ابراهیم	ریاحی
لایت	ال. ی.	ریچارد
		ز:
سعدی	مهندس جلیل	زراندوز

فاراہی	رستم	زرتشتی
آفتاب - ہمایون	دکتر عباس	زریاب خوئی
وفا - مہر	علی اصغر	زرین کفش
مہر	دکتر عبدالحسین	زرین کوب
آفتاب	اسمعیل	زند
آفتاب	امیر حسین	زند
روشنائی	دکتر بہمن	زند
تہران	تقی	زند
آفتاب	دکتر داریوش	زند
آفتاب	شاہرخ	زند
ژاندارک	علیمراد	زند
-	اعظم	زنکنہ
فاراہی	اکبر	زوار

ژ:

مہر - آفتاب	ادوارد	ژوزف
مولوی (افتخاری)	ژرژ	وٹن

س:

مولوی	محمد	ساعد
کوروش	عیسی	سالار بہزادی
تہران	دکتر محمد	سام
-	تیکران	ساہاکیان
تہران	مهندس حسین	سپہر

ژاندارك	مهندس فتح الله	ستوده
تهران	دکتر يحيى	ستوده
تهران	حسن	سراج حجازى
لايت	دکتر امير منصور	سردارى
لايت	خان بابا	سردارى
ابن سينا	دکتر سرکيس	سرکيسيان
همايون	عزت الله	سردار گودرزى
همايون	سيد مرتضى	سرمد
همايون	صادق	سرمد
مولوى - همايون	عبدالله	سعيدى
مزدا - همايون - تهران	مهندس محمود	سلامت
لايت	عزت الله ^۱	سلامتى
تهران	مهندس ابراهيم	سلجوقى
مولوى	على اصغر	سلسيلى
همايون	محمد بشير	سلطان
آفتاب	دکتر حسينقلی	سلطانزاده پسيان
کسرا	مهندس مجتبى	سلطانى
تهران	مهندس سلطان محمد	سلطانى
لايت	ج	سليمان
فرانس	يوسف	سليمان خانى
-	محمد	سليمى
مولوى	عبدالعلى	سمندرى عطوف
مولوى	پرويز	سميعى

مولوی - همایون	عبدالحمید	سنندجی
همایون	مرتضی	سنہی
مولوی - همایون	علی	سہیلی
وفا	حمید	سیاح
همایون	محمد ولی	سیاسی منتظم
سعدی	محمد علی	سید حسنی
وفا	حسین	سید طیب
همایون	امان اللہ	سیف
لایت	راجیک	سیمونیان
شمس تبریزی - کورش	دکتر عبداللہ	سینا
		ش :
نور	محمد علی	شاپوریان
سعدی	دی - ال	شارل
همایون	عباس	شایان
ژاندارک	کاظم	شایاز
-	محسن	شایان
ژاندارک	دکتر منوچہر	شایان
سعدی	رضا	شایگان
فارابی	موسی	شایگان
فرانس - ابن سینا	امیر منصور	شاپیرکی
ابن سینا	ابوالحسن	شاهق
وفا	مهندس نصرت الہ	شاهمیر
همایون	عباس	شاہیدہ
همایون	موسی	شپیرا

ابن سینا	R. SHEPHERD	شپرد
آفتاب	والتر	شتنگل
تهران	دکتر هاشم	شجاع نیا
همایون	عبدالرسول	شریعتمداری
ستاره سحر	مهندس جعفر	شریف امامی
مولوی	ناصر	شریف رازی
لایت	د	شعشعو
همایون	دکتر جلال	شفا
همایون	دکتر احمد	شفائی
تهران	سر لشکر اسمعیل	شفائی
صفا	احمد	شفیعیها
تهران	مهندس حسین	شقایق
تهران	نصرت اله	شکوفی
مولوی - همایون	مهدی	شوکتی
همایون	مسعود	شکوه
همایون	باقر	شهنائی
کوروش	میر شهاب الدین	شهابی
همایون	دکتر یحیی	شهردار
اهواز	دکتر حسن	شهمیرزادی
فرانس	مهندس	شهیدی
آفتاب	دکتر احمد علی	شیبانی
تهران	دکتر ابوالحسن	شیخ
آفتاب	مهندس حسینعلی	شیخ الاسلامی
آفتاب	دکتر امیر	شیلاتی

خیام	مهندس نصرت‌اله	شیلاتی فرد
ژاندارك	دکتر حسین	شیخ‌نیا
		ص :
کوروش	حسن	صابرزاده ^۱
فرانس	علی‌اکبر	صادق
مولوی - مزدا	غلامحسین	صارمی
فارابی	منوچهر	صانعی
وفا - مهر	نصراله (مختارالملک)	صبا
همایون	امین	صباحی
مهر	مهدی	صدرزاده
وفا	دکتر حسین	صدوقی
فرانس	دکتر محمد علی	صدری
همایون - اهواز	محمد حسن	صدیقی
همایون	محمد علی	صدیقی
تهران - اصفهان	احمد	صدریه
اصفهان	سید کاظم	صدریه
همایون	رضا	صراف زاده
وفا	دکتر جواد	صفائی
همایون	عبدالصاحب	صفائی
صفا	عبدالعلی	صفائی سمنانی
صفا	دکتر ذبیح‌اله	صفا

۱ - این شخص روز چهارشنبه ۴ دیماه ۱۳۴۷ بمقام «استاد ارجمند» ترقی کرد.

نور	مرتیب محمدعلی	صفاری
-	دکتر ابراهیم	صفرزاده
مزدا	فرهاد	صفانیا
تهران	دکتر ضیاءالدین	صفی‌نیا
همایون	احمد	صلاحی
-	رضا	صلحجو
ابن‌سینا	مهدی	صناعی
تهران	نعمت‌اله	صوفی
مولوی	اسدالله	صوفی‌املشی
همایون - اهواز	مظفر	صولتی
اهواز	محمد	صمیمی
همایون - اهواز	اسدالله	صمیمی‌بهبهانی

ض :

-	جلال	ضیاء پور
تهران	دکتر خلیل	ضیائی
تهران	دکتر طاهر	ضیائی
مزدا	علی‌اکبر	ضیائی
مزدا	محمود	ضیائی
فرانس	دکتر محمد	ضیائی
سعدی	ضیاءالدین	ضیائیان

ط :

ابن‌سینا - مولوی	مهندس خلیل	طالقانی
------------------	------------	---------

طاهری	مهندس محمد	تهران
طباطبائی	سیدعلی اکبر	کورش
طباطبائی	دکتر سیدمحمد	کورش
طباطبائی یزدی	عبدالله	وفا
طلیعه	منوچهر	مولوی
طوب	موسی	همایون
طوبی	حاج حسین	همایون دراصفهان
طه	دکتر ابراهیم	فرانس

ظ :

ظریف	عباس	کورش - فرانس
ظفر	مهندس کیقباد	تهران
ظلی	دریادار عبدالله	مولوی
ظلی	دکتر هوشنگ	مولوی - فرانس

ع :

عاطفی	دکتر احمد	کورش
عاملی	دکتر باقر	خیام
عامری	احمد	همایون
عامری	دکتر بهادر	تهران
عامری	دکتر مظفر	تهران
عامری	مصطفی	تهران
عامری	مهندس نظام	اهواز
عامری	هوشنگ	خیام

مولوی	محمدعلی	عبادی
صفا	-	عبدالوند
همایون	ناصر	عجم
همایون	احمدحسین	عدل
کورش	مهندس فیروز	عدل
همایون	مجید	عدل
-	جلال	عدیلی
کورش	اسدالله	عرب شیبانی
تهران	عباسقلی	عرب شیبانی
کورش	مسعود	عرب شیبانی
مهر	محمود	عرفان
تهران	محمد	عریضی
کورش	سید علی	عطری
همایون	دکتر حسین	عظیمی پور
فاراابی	حسین	علاقبند
تهران - آریا	دکتر پرویز	علاء
وفا	دکتر فریدون	علاء
تهران و اهواز	دکتر محمدعلی	علم
ابن سینا	دکتر حسن	علوی
همایون	مهدیقلی	علوی مقدم
کورش	دکتر محمود	علومی
کورش	دکتر احمد	علی آبادی
همایون - مولوی	عمادالدین	عماد تربتی

غ :

غروی	دکتر ابراهیم	فرانس
غروی موسوی	علی اکبر	همایون
غفاری	حسنعلی (معاون الدوله)	وفا

ف :

فاتحی	محمود	ابن سینا
فاضل	م - ح	ابن سینا
فاطمی	کریم	-
فتحی	دکتر عبدالله	مولوی - فرانس
فخر طباطبائی	غلامحسین	آفتاب
فداکار	علیرضا	ژاندارک
فرجام	مصطفی	همایون
فرخان	هوشنگ	مهر
فرخ	دکتر امیر مظفرالدین	
	ارفع السلطنه خان فرخ	لایت
فرزاد	علی	همایون
فردوس	مهندس هوشنگ	کوروش
فرزانه	دکتر تمدن	حافظ
فرزین	دکتر	خیام
فرشی	محمد حسن	مهر
فروغی	مهندس محسن	تهران
فروغی	مسعود	همایون
فرمانفر مائیان	دکتر حافظ	مهر

	اکبر	فرما
تهران	محمود	فرمند
کورش - تهران	مصطفی	فرهنگ
ژاندارک	محمد	فرهمند
حافظ	دکتر	فرهمندفر
مولوی	سیدحسین	فرهوری
سعدی	مهدی	فرهودی حسابی
-	مهندس	فرهودی حسابی
تهران	اسدالله	فروود
تهران	سیدفتح الله	فروود
تهران	مهندس همایون	فروود
تهران	سروش	فروهر
تهران	عباس	فروهر
کورش	غلامحسین	فروهر
لایت - تهران	کریستوفر اسحق	فری
همایون	دکتر عبدالله	فریبار
کورش	مهندس جعفر	فزونى
کورش	سیدکاظم	فشارکی طباطبائی
تهران	محمد	فضائلی
مولوی - فروغی	دکتر رضا	فلاح
مهر	احمد	فلاح رستگار
آفتاب	فرانتز گئورگ	فن شپالارت
همایون	سویی	فوترلیب
آفتاب	دکتر ثودور	فوکل

ابن سینا	شاهرخ	فیروز
سعدی	مهدی	فیروز
همایون	مهندس محمد علی	فیروزی
همایون	حاج علی	فیصلی
سعدی - مولوی	دکتر اسمعیل	فیلسوفی

ق:

ژاندارك	دکتر رحیم	قادری نژاد
-	دانیل	قازاریان
ستاره سحر - همایون	حسین	قدس نخعی
همایون	دکتر حسین	قدیمی نوائی
کوروش	مهندس محمد	فراگوزلو
حافظ	دکتر ذبیح	قربان
همایون	جمشید	قریب
همایون	محمد	قریشی
همایون	حسینقلی	قرزلیباغ
همایون	سید کاظم	قطب
تهران	مهندس محمد علی	قطبی گیلانی
کوروش	دکتر ضیاءالدین	قهاری
همایون	محمد	قهرمانی
همایون - تهران	مهدی	قهرمانی
مهر	محمد	قوام
وفا	هادی	قوام
تهران - ابن سینا	رحمت	قوامی

همایون وفا	محمدعلی مهندس حسن	قوامی قویمی
ک :		
لایت	داوید	کاپداند
تهران	محمد	کاریابی
تهران	خلیل	کلزرونی
همایون	نصرالله	کاسمی
لایت - آریا	جمال الدین	کاشانی
-	کریم	کاشانی
کوروش - تهران	دکتر پرویز	کاظمی
ژاندارک	دکتر محمد	کاظمی
مولوی	مشفق	کاظمی
ژاندارک	داریوش	کامیاب
تهران	عزیزالله	کامیاب
کسرا	-	کاهانا
همایون	محمد	کرامتی
همایون	نعمت الله	کرامتی
خیام	دکتر محمد علی	کرباس فروشان
آفتاب	دکتر گئورک	کرمر
مزدا	هدایت الله	کسرائی
سعدی	دکتر	کشاوری
کوروش - ژاندارک	محمد	کشاوریان
همایون	جمشید	کشفی

اهواز	مهندس نظام	کعب عامری
همایون	جعفر	کفائی
مزدا	محسن	کلانتری
سعدی	جان	کلی
سعدی	جواد	کمالیان
سعدی	مهدی	کمالیان
مولوی - ابن سینا	مایکل	کندال
همایون	مهدی	کهنیم
کورش - تهران	علی	کوچکعلی
ابن سینا	سی-بی	کودورث
آفتاب -	حسن	کورس
تهران	کاظم	کورس
ابن سینا (افتخاری)	S. C. KNIGHT	کنیت
همایون	دکتر امیر	کیا
همایون	حاج علی	کیا
تهران	دکتر غلامرضا	کیان
فارابی	مهندس جلال الدین	کیان
-	مرتضی قلی	کیان
کسرا	صدری	کیوان
تهران	مهندس محمد	کیوان
تهران	هوشنگ	کیوان
وفا-صفا	مهندس رضا	کیوانی
تهران	مهندس پرویز	کیهان

همایون	ایوب	کبریل
ابن سینا	اف.ای	کرات
خیام	مهندس	گر جیان
مولوی (افتخاری)	ن	گرانشین
کسرا	-	گرین تن
فارابی	-	کلچینی
مولوی	عباسقلی	کلشائیان
لایت	ابوالقاسم	کلشن
ژاندارک	غلامحسین	کلشن بزرگ
وفا	مهندس رضا	کنجه
-	جواد	کنجینه
تهران	مهندس جمال	کنجی نیشابوری
همایون	فریدون	کنجی وش
لایت	ن-اس	گوبای
ابن سینا - (افتخاری)	سی-تی	گودورث
کوروش	-	گونیلی
وفا	مهندس ابوطالب	گوهریان

ل :

ستاره سحر	قاسم	لاجوردی
کوروش	محمد مهدی	لاری زاده
لایت	پرل الکساندر	لاهو
سعدی	مهدی	لشکری

م :

همایون	بالاس - اوراهام	مثیر
سعدی	درا بل	مازك
لایت	فس	مارون
كورش	یوسف	مازندى
تهران	حسینقلی	مانی
همایون	عباسقلی	مانی
كسرا	فتحاله	مانی
مولوی	عیسی	مالك
مولوی	دکتر لقمان	مالك
مولوی (افتخاری)	پیر	ماریل
فارابی	دکتر	مبین
تهران	محمد	مبصر
خیام	محمد رحیم	متقی ایروانی
فرانسه	جمشید	مجتبائی
همایون	دکتر علی اکبر	مجتهدی
آریا	محمد	مجلسی
كسرا	مهندس خلیل	محلوجی
همایون	امیر سلیمان	محمدی
تهران - اهواز	علی اصغر	محمدی
تهران	مهندس طاهر	محمدی
همایون	احمد	محمودیه
اصفهان	دکتر اصغر	محمی
كورش	مهندس عزتاله	مخاطب رفیعی

مداروی	دکتر علی	کورش - ژاندارك
مدرسی چهاردهی	مرتضی	تهران
مدنی	دکتر محمد	ژاندارك
مرآت اسفندیاری	حسن	کورش
مرادپور	حبیب‌اله	تهران
مرتضوی	ابوالحسن	کورش
مرتضوی	سید محمد	کورش
مرتضوی	سید محمد علی	اهواز
مرشد	دکتر حسن	مهر
مرشدزاده	دکتر رحمت‌اله	تهران - کورش
مرعشی	علی اکبر	کسرا - همایون
مرتدی	علی	مولوی
مریا	ژاک	مولوی (افتخاری)
مرید	محمد جواد	کورش - خوزستان
مزینی	دکتر مهندس مصطفی	مزدا
مژدهی	-	-
مستوفی‌زاده	خسرو	کسرا - اهواز
مستوفی‌زاده	ناصر	کسرا - اهواز
مستوفی‌زاده	محمد جواد	تهران
مسعود	قیصر	وفا
مسعود	...	فرانس
مسعودی	محمد علی	کورش
مشکاتی	نصرت‌اله	همایون
مشکوتی	مهندس محمدولی	صفا

سعدی	عبدالاحسین	مشیر فاطمی
تهران	رضا	مشیری
وفا (افتخاری)	علی	مشیری
مولوی	محمدحسن	مشیری
کورش	محمد	مشیری یزدی
فرانسه	ب	مصدافی
تهران	هادی	مصدقی
همایون	هدایت‌اله	مصدقی
همایون	محسن	مصدقی
همایون	محمود	مصطفوی
کورش	سیدحسن	مصطفوی نائینی
فارابی	محسن	مظاهر
مهر	محمود	مطیر
تهران	حسینقلی	معافی
تهران	حسینقلی	معارفی
تهران	دکتر علی	معارفی
همایون	دکتر عباس	معتضدی
تهران	دکتر فضل‌اله	معتضدی
مولوی	دکتر عباس	معتمدی
فرانس	منصور	معتمدی
کسرا	ابوالحسن	معدل
مزدآ-کسرا	مهندس علی	معین
فرانس	دکتر ابوالقاسم	مفازة
آفتاب	حسین	مفتاح

مولوی	عبدالحسین	مفتاح
مولوی	عبدالعلی	مفتاح
صفا	دکتر جمشید	مفخم
تهران	سرهنگ فضل‌اله	مقدم
تهران	ل .	مفخم
وفا	محمد	مقیم
-	باقر	مکی
همایون	محمود	ملایری
آفتاب	دکتر امانوئل	ملك اصلايان
تهران	ذبیح‌اله	ملك پور
وفا	سیدهاشم	ملك مدنی
فرانس	امیر اسمعیل	ملك منصور
فارابی	امیر حسین	ملك منصور
فرانس	محمود	ملك نیا
تهران-فرانس	ابوالقاسم	ملکی یزدی
همایون	عبداله	ممتاز
ابن سینا	الف	مناشی
مولوی	جواد	منصور
همایون	حسنعلی	منصور ^۱
تهران	احمد	منصوری

۱ - در یکی از جلسات لژ فروغی که جواد منصور - هویدا و دیگر یاران حسنعلی منصور حضور داشتند ، تقاضای عضویت آن مرحوم مطرح شد ولی چون دو نفر از حضار بامهره کبود با عضویت او مخالفت کردند، مورد قبول واقع نشد. مرحوم منصور پس از انحلال لژ همایون همواره علیه فراماسونها سخن می‌گفت .

منصوریان	جعفر	مولوی
موئه	ژانت	سعدی
موحد	دکتر افضل	تهران
موسوی	مهندس کمال الدین	تهران
موسوی	سید محمد علی	همایون
موسوی	علی اکبر	تهران
موسوی	نیرالدین	تهران
موسوی	اسحق	همایون
موسوی ماکوئی	سید اسداله	تهران
موسوی ماکوئی	میر اسداله	کورش
موسوی غروی	دکتر ابراهیم	-
موسوی غروی	علی اکبر	سعدی
موسوی گرکانی	دکتر محمد حسین	ژاندارک
موقر	علی	همایون
مولر	بورز	آفتاب
موید کاشانی	جمال الدین	تهران
مهران	دکتر محمود	همایون
مهران	احمد	همایون
مهدوی	مهندس مسعود	ژاندارک
مهدوی	دکتر یحیی	کورش
مهین	دکتر علی محمد	همایون
میر جلالی	سر لشکر	مولوی
میر حسینی	دکتر احمد	همایون

۱. آقای دکتر یحیی مهدوی استاد دانشگاه تهران تنها کسی بودند که پس از انتشار این کتاب در ایران، در طی شرحی در روزنامه کیهان عضویت خود را در فراماسونری تکذیب کردند.

تهران-لایت	مهندس عبدالرسول	میر عبدالباقی
-	سیدحسین	میر مهدی
سعدی-کسرا	سیدمحمد	میر هادی
سعدی	ابراهیم	میرزا حسابی
تهران	دکتر مهدی	میرزا حسابی
مولوی (افتخاری)	روبرت	میشا
مولوی	داود	میشائیل
فرانس-ابن سینا (افتخاری)	و-د	میلز
آفتاب	فریدون	میکده
آفتاب	دکتر غلامعلی	میکده

ن :

حافظ	احمد	نادری
-	اسمعیل	ناصر
فرانس	علی اصغر	ناصر
فرانس	ناصرالدین	ناصری
تهران	خسرو	ناظریون
خیام-سحر	دکتر مصطفی	نامدار
مزدا	عزیز	نبوی
آفتاب	مهدی	نبوی
تهران	مهندس امیر	نجات
تهران-آریا	عبدالحمید	نجات
تهران	حسین	نجفی
کورش	دکتر غلامرضا	نجفی

تهران	نصراله	نجفی
مهر	سیفاله	نجفی عرب
همایون	دکتر محمود	نجم آبادی
همایون	دکتر عباس	نخجوانی
لایت	دکتر عدل	نخستین
تهران	محمدعلی	نشاط
تهران - سعدی	سیدعلی	نصر
مزدا	احمد	نظام
کوروش	-	نعمت بخش
فرانس	دکتر ابراهیم	نقوی
تهران	محمدعلی	نقیب زاده مشایخ
همایون	داریوش	نمدچی
فرانس	دکتر پرویز	نوا
اصفهان	دکتر عبدالباقی	نواب
-	علی	نواب ترکی
تهران	دکتر محمدحسن	نوری
فرانس	نصیرالدین	نوری خواجهوی
فارابی	دکتر هوشنگ	نهادندی
همایون	سلیم	نیساری
همایون	عباسقلی	نیساری
مهر	کاظم	نیامیر
لایت	عبدالحسین	نیک پور
-	دکتر بهروز	نیکذات
-	آلکس	نیکلاس

تهران	حسن	نیری
تهران	حمید	نیری

: ۹

وفا	عباس	وارسته
کورش	مهندس عبدالله	والا
ژاندارك	عزت‌اله	والا
کورش	دکتر فتح‌اله	والا
تهران	اسمعيل	واعظ‌پور
مولوی-ابن‌سینا(افتخاری)	ارنست	وان‌هک
ابن‌سینا- سعدی	ادیه	وان‌آلست
آفتاب	اسکار	وانشافت
ابن‌سینا	اف-اچ-ار	وایت
وفا	علی	وثوق
تهران	دکتر سیف‌اله	وحیدنیا
خیام	دکتر ایرج	وحیدی
کورش	هرمز دیار	ورهرامیان
تهران	مرتضی	ورزی
مهر	حبیب‌اله	ورزیده
مولوی	-	ویشکائی
ابن‌سینا	کت	ویلسن
مولوی-سعدی(افتخاری)	شارل	ویودل

: ۵

فارابی	مهندس محمد	هادی
--------	------------	------

لایت	ب	هال
ابن سینا	ام-اف	هالودی
-	سیدعلی	هاشمی حائری
کوروش	دکتر حسن	هاشمیان
مهر	زاون	هاکوپیان
کوروش	دکتر حبیب‌اله	هدایت
ناهید	مهندس خسرو	هدایت
سعدی	علیقلی	هدایت
مزدا-کسرا	مسعود	هدایت
-	دکتر جواد	هدایتی
مهر	محمدعلی	هدایتی
ابن سینا (افتخاری)	ر	هارگراوز
کوروش	علیرضا	هروی
ابن سینا	جی	هرن
آفتاب	گرت	هس‌پا
کوروش	مهندس ابراهیم	همایون‌نفر
صفا	دکتر علی‌اصغر	همایون‌نفر
مهر	محمد	همایون‌نفر
تهران	رکن‌الدین	همایون‌فرخ
مولوی - کسرا (افتخاری)	ای - جی - ال	همبرت
تهران	محمدعلی	هنجنی
تهران - مولوی - سعدی	دکتر نصرالله	هنجنی
-	مهندس ژرژ	هوانسیان
ابن سینا (افتخاری)	ام - اف	هولووای

مولوی	دکتر احمد	هومن
مولوی	دکتر محمود	هومن
فروغی	-	هویدا
تهران	ادیب	هویدا
سعدی	دکتر جمیل	هویدا
تهران	فرید	هویدا
تهران	دکتر ضیاءالدین	هیئت

ی :

مهر	دکتر احسان	یارشاطر
همایون	حسن	یاسائی
لایت	ر - ی	یاورد
مولوی	حسینعلی	یاوری
همایون	دکتر حبیبالله	یدیدی
کسرا	محمد	یزدانفر
تهران	حسن	یزدی
همایون	اژن	یغیموف
خیام	دکتر ناصر	یگانه
تهران - کورش	دکتر هادی	یگانه حائری
ابن سینا	اسفندیار	یگانگی
کسرا	پرویز	یگانگی
همایون	جمشید	یگانگی
کسرا - همایون	حاج علی	یوسفی
همایون	مهدی	یوسفی

فصل سی و سوم

مکاتبه با گرانند لژهای جهان

و

قانون اساسی اسکاتلند

چنانکه در فصول و مجلدات مختلف کتاب حاضر ملاحظه شد، سازمانهای فراماسونری در ایران پیوندی مستقیم و ارتباطی مداوم با تشکیلات فراماسونری جهان، از جمله لژهای بزرگ انگلیسی و فرانسوی و امریکائی دارند. لذا بررسی فعالیتهای یک سازمان محلی، در یک کشور بخصوص بدون توجه به ریشههای خارجی و پیوندهای آن سازمان با لژهای جهانی، نمی تواند یک بررسی کامل و همه جانبه باشد. بهمین جهت نگارنده پس از پایان کار تحقیق و مطالعه در ایران و استفاده از کلیه مآخذ و منابعی که دسترسی بهر کدام از آنها متضمن تلاش پی گیر و زحمات شبانه روزی فراوان بوده و هم چنین پس از استخراج مطالب مورد نیاز از رسالات، کتب و یادداشتهای چاپی و خطی در کتابخانههای ایران و جهان به بررسی دقیق و یادداشت مشاهدات و معلومات خصوصی افراد، و بهره برداری از پروندههای خصوصی و یادداشتهای شخصی فراماسونهایی که سالها در سازمانهای فراماسونری فعالیت داشته و اینک زندگی را بدرود گفته اند، پرداختیم. بعد از خاتمه تحقیقات در داخل کشور، در صدد برآمدیم از منابع و مآخذ تاریخی گرانند لژهای فراماسونی جهان نیز از طریق مکاتبه و ارتباط مستقیم استفاده کنیم، تا کاربرگی که توفیق انجام آن بدست آمده بوده، از همه نظر کامل و بدون نقص باشد.

قبل از اتخاذ این تصمیم بارها بمسئولان لژهایی که در ایران کار می‌کنند مراجعه کرده و از آنها خواستیم که به منظور کمک به روشن شدن نکاتی تاریک از تاریخ کشورشان، با نگارنده همکاری کرده و اطلاعات و معلومات تاریخی خود را در ایران، برای راقم این سطور باز گویند. ولی آنها باین تقاضا پاسخ منفی دادند.

آنها به نگارنده تکلیف می‌کردند که عضویت یکی از لژهای فراماسونری را بپذیرم، زیرا برای دست یافتن به مطالب مورد نیاز و اسرار محرمانه فراماسونری، جز پذیرفتن عضویت لژها، راه دیگری وجود ندارد، و قبولی این پیشنهادات هم مورد قبول و هدف ما نبود.

پس از نومییدی از همکاری آنان، به ناچار نامه مشترکی برای پانزده گرانده لژ اصلی فراماسونری که در انگلستان، فرانسه، بلژیک و آمریکا دایر بوده و سازمانهای وابسته به آنها، همواره در ایران فعالیت مداوم دارند^۱، نوشته شد. باین امید که پاسخ آنها بیش از پیش به مستند بودن مطالب کتاب و روشن شدن نکات تاریک تاریخ معاصر ایران، نگارنده رایاری کند. متن نامه ارسال شده بدین- شرح بوده:

آقای محترم

چون مشغول مطالعه و نگارش تاریخی در باره «فراماسونری در ایران» هستم خواهشمندم جواباً به من اطلاع دهید:

- ۱- در چه تاریخی اولین لژ شما در ایران تأسیس شده؟
- ۲- از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۲ چند نفر ایرانی عضو لژ شما بوده‌اند؟
- ۳- آیا ممکن است اسامی اعضای برجسته ماسونهای ایرانی را از بدو فعالیت در ایران ذکر کنید؟

۱- نشانی محافل و مجامع فراماسونی با مشخصاتی که ذکر شده عیناً از سالنامه‌های عمومی مرکز جهانی فراماسونری استخراج شده است.

۴ - ممکن است مرا راهنمایی کنید که در باره چگونگی فعالیت‌های فراماسونری در ایران چه کتابهای قدیم و جدیدی را مطالعه کنم؟

گراند لژ اسکاتلند در تاریخ ۱۰ اگست ۱۹۶۰ جوابی جوابهای رسیده به نامه فوق داد^۱ و دبیر اعظم لژ اسکاتلند طی این پاسخ نوشت:
از انگلستان «از وصول نامه شما با تشکر واقف شدم. من با نماینده خودمان در ایران تماس گرفتم و به آنها اطلاع دادم و خواهش کردم که به سئوالات شما پاسخ گویند و به شما کمک و راهنمایی کنند».

چهل و یک روز پس از وصول این نامه، چون هیچگونه تماسی با نگارنده برقرار نشد و از طرف فراماسنهای ایرانی نامه و یادداشتی نرسید، در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۶۰ نامه دیگری به دبیر اعظم گراند لژ اسکاتلند به این شرح نوشته شد:
 آقای عزیز و محترم

نامه مورخ ۳۰ اگست ۱۹۶۰ شما رسید، متأسفانه تا امروز هیچیک از نمایندگان شما به نگارنده مراجعه نکردند و تصور هم نمی‌کنم که هیچگاه چنین مراجعه‌ای بشود. زیرا سابق فراماسونری در ایران نشان داده است که ایرانیانی که عضویت این مؤسسه بظاهر اخلاقی و تعاونی جهانی را در ایران دارند، از این مؤسسه بهره‌برداری سیاسی می‌کنند.

فراماسونهای ایرانی برای اینکه همیشه مقامات عالی مملکتی را در دست داشته باشند، این مؤسسه اخلاقی را بصورت و شکل دیگری بمردم معرفی کرده‌اند. با وجودی که بارها در مطبوعات، کتب و پارلمان ایران چندین بار بشدت به تشکیلات فراماسونری حملات زننده و غیر مؤدبانه صورت گرفته است، با اینحال حتی قدیمی‌ترین فراماسون ایرانی هم دفاعی در مقابل این حملات نکرده و نمی‌کنند. زیرا می‌ترسند به حیثیت سیاسی و اجتماعی آنها لطمه وارد شود!!

۱ - نامه ۳۰ اگست ۱۹۶۰ - رجوع شود به صفحه ۶۸۶ همین کتاب

من در نوشتن تاریخی که از سال‌ها قبل تهیه و تدوین آن را شروع کرده‌ام و یقیناً آن را به پایان می‌رسانم تا آنجا که توانسته‌ام سعی کرده‌ام فقط «حقایق تاریخی» را ذکر کنم و از شما خواهش دارم بدون مراجعه به ایران مرا در راه مطالعه فقط «تاریخ فراماسونی در ایران» نه «در دنیا» راهنمایی کنید و منابع و مآخذی را که سوابق تاریخی از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۲ را در ایران روشن می‌کند، در اختیارم بگذارید. قبلاً از مرحمتی که می‌نمائید تشکر می‌کنم.

گراند لژ اسکاتلند پس از چندی نامه‌ای را که در فصل ۲۶ صفحه ۱۸۳ نقل شد، در پاسخ نگارنده ارسال داشت. این نامه مرا از ادامه مکاتبه بالترهای انگلیسی مایوس کرد. در عوض از میان یازده نامه‌ای که به گراند لژهای امریکائی نوشته شده بود، پنج سازمان فراماسونری امریکاکه خودمختار و مستقل هستند و عبودیت و سروری و برتری لژهای انگلستان را قبول ندارند، جوابهائی همراه با فتوکپی صفحاتی از کتب چاپ شده و با معرفی کتبی که در آنها درباره ایران مطالبی نوشته شده است، برای نگارنده فرستادند. ضمناً در سفر سال ۱۳۴۰ به لندن با معرفی و وساطت (دانشگاه لندن - قسمت شرق شناسی) از دبیر گراند لژ انگلند تقاضا کردم اجازه مطالعه کتب کتابخانه سیصدساله خود را به نگارنده بدهند. ولی به موجب نامه مورخ ۱۴ اپریل ۱۹۶۱، آنان نیز چنین اجازه‌ای را ندادند. عین نامه گراند لژ که گراور شده همراه با سایر نامه‌ها، از نظر خوانندگان می‌گذرد.

ضمائم

- ۱- مکاتبه بالزهای انگلیسی و امریکائی
- ۲- قانون اساسی ، آئین نامه و نظامنامه
لژهای اسکاتلند در ایران
- ۳- مآخذ و منافع فراماسونری در کتب ،
جراید و مجلات زبان فارسی

THE GRAND LODGE OF SCOTLAND

• Telegraphic Address
MASONICA, EDINBURGH"

FREEMASONS' HALL
96 GEORGE STREET
EDINBURGH

Ra/1/3

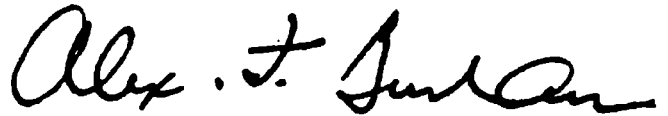
30th August 1960.

Ismail Raein, Esq.,
Ave. Eshrat-abad,
Kutchen,
Shaftei No. 11,
Tehran,
Iran.

Dear Sir,

I acknowledge with thanks your letter. I am getting in touch with our Representative in Iran and am asking him to reply to you on my behalf.

Yours faithfully,



Grand Secretary.

نامه سی ام اگست ۱۹۶۰ دبیر کل گرانڈ لژ اسکاتلند .

در این نامه دبیر کل لژ، بما اطلاع داد که، « در آتیه نزدیکی نماینده ما بشما مراجعه می کند. و من از او خواسته ام که بشما در این راه کمک کند .»

TELEGRAPHIC ADDRESS:-
LITCHWORTH, WESTCENT, LONDON!
PHONE:
HOLBORN 3633.



GRAND SECRETARY'S
OFFICE.

A.G.S.

United Grand Lodge of England.

*Freemasons' Hall,
St. Queen Street, London. W.C.2.*

14th April, 1961

Dear Sir,

I have received your letter of the 11th April but, as you will appreciate, this is not a public building, and entrance to it is normally limited to members of our Order and to those who may be accompanying them.

In the circumstances I am afraid it will not be possible to accede to your request.

Yours faithfully,

J.W. Smith
Grand Secretary

نامه ۱۴ اپریل ۱۹۶۱ دبیر کل گرانڈ لژ انکلند

دریازدهم آپریل ۱۹۶۱ باراهنمائی قسمت شرق شناسی دانشکاه لندن ، از قدیمی ترین سازمان فراماسونری انکلستان تقاضا شد که اجازه مطالعه کتابخانه سہ صدسالہ را بہ ما بدهند . ولی دبیر کل سازمان مذکور روز ۱۴ آپریل جواب داد کہ کتابخانہ آنہا عمومی نیست و فقط اعضاء فراماسون حق استفادہ از آن را دارند .

**GRAND LODGE
FREE AND ACCEPTED MASONS
OF THE
STATE OF NEW YORK**

71 WEST 23 STREET
NEW YORK 10, N. Y.

August 18, 1960

Mr. Esmail Arein
Eshratabad
Kooye Shafei, House 9
Tehran, Iran

Dear Sir:

At the request of the New York Public Library, we are sending a short list of current books on Freemasonry throughout the world. We have not been able to find one on Iran alone. This is in answer to your inquiry dated 31 July 1960.

Sincerely yours,

نامه ۱۸ اگست ۱۹۶۰ سازمان فراماسونری نیویورک

در پاسخ نامه ۳۱ جولای شما، بدینوسیله لیست کوتاهی از کتبی که در باره فراماسونری جهانی، از جمله ایران، مطالبی نوشته شده برای شما می فرستیم. متأسفیم که نتوانستیم در باره ایران کتاب بخصوصی پیدا کنیم.

The Supreme Council

(MOTHER COUNCIL OF THE WORLD)
OF THE
THIRTY THIRD AND LAST DEGREE

CLAUD F. YOUNG 33°
GRAND SECRETARY GENERAL
C. F. KLEINKNECHT 33°
ASSISTANT GRAND SECRETARY GENERAL



OFFICE
1733 SIXTEENTH STREET, N.W.
WASHINGTON, D. C.

ANCIENT AND ACCEPTED SCOTTISH RITE OF
FREEMASONRY, SOUTHERN JURISDICTION, U. S. A.

AIR MAIL

October 17, 1960

Ismail Rasin,
Ave. Wahrat-Abad,
Kutcheh Shafiei No. 11,
Tehran, Iran.

Dear Mr. Rasin:

We have your letter of October 13th asking for information about Freemasons' Lodge in Iran; how many Iranians were members of the Freemasons' Lodge between 1800 and 1924; and if it is possible to mention the names of prominent Iranian Freemasons, and last the names and titles of books in which Iranian Freemasonry is mentioned.

Replying to these questions, will state that we do not have very much information concerning Freemasonry in Persia. However, we are attaching what information we have and we trust it will be beneficial to you.

Sincerely yours,

Claud F. Young
GRAND SECRETARY GENERAL

CFY:GH

نامه ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰ شورای طریقت ماسونی امریکا

دبیر بزرگ شورا، طریقت ماسونی امریکا در جواب نامه ۱۳ اکتبر به ما می نویسد .
متأسفانه جواب ما نشان می دهد که اطلاعات ما در باره فراماسونری در ایران زیاد نیست . بهر حال
با ارسال اطلاعات سری که موجود است ، اطمینان حاصل داریم که این اطلاعات برای
شما سودمند خواهد بود .

THE MASONIC SERVICE ASSOCIATION
OF THE UNITED STATES
700 TENTH STREET, N.W.
WASHINGTON 1, D. C

JOHN D. CUNNINGHAM
Executive Secretary

Oct. 17, 1960

CONRAD HAHN
Editor
WILLIAM C. EDMUNDS
Chief Field Agent

Mr. Ismail Rasin
Ave. Bahrat-abad
Kutcheh Shafiei No. 11
Tehran, Iran

Dear Mr. Rasin:

Thank you for your letter of October 12. It raises some very interesting speculations concerning the spread of Freemasonry, but unfortunately we are in no position to give you any information or any answers to the questions you ask.

The only book that I find any mention of Freemasonry in Iran is Gould's History of Freemasonry Throughout the World in six volumes. In Volume four, page 494, there is a paragraph concerning Freemasonry in Persia which states, "No lodges, however, were established in Persia at any time by the Grand Lodge of England, nor -- so far as the evidence extends -- by any other external authority."

It may be that some Masonic lodges were established in Iran since that book was written, but we have no knowledge of that fact. Perhaps the Grand Secretary of the United Grand Lodge of England, Mr. J. W. Stubbs, Freemasons Hall, London, England, might be able to help you secure that information.

Sincerely yours,

Conrad Hahn

CONRAD HAHN
Editor

نامه ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰

کنراد هان مدیر اتحادیه خدمات ماسونی
در جواب نامه مامی نویسد ، ضمن تشکر از ارسال نامه ۱۲ اکتبر شما و اطلاعات جالبی
که از ما خواسته بودید ، متأسفانه مادر وضعی هستیم که نمی توانیم به سئوالات شما پاسخ
بدهیم . فقط صفحه ۴۹۴ جلد ششم تاریخ گاولد را که در باره فراماسونری در ایران
شرحی نوشته است برای شما می فرستیم ممکن است بعضی از کتلهای فراماسونری در این ایام
در ایران دایر شده باشد . شاید J. W. stubbs کمک دبیر بزرگ اتحادیه بزرگ فراماسون
انگلستان بتواند به اطلاعات مورد نیاز شما کمک کند .

The Supreme Council

OF SOVEREIGN GRAND INSPECTORS GENERAL
OF THE THIRTY-THIRD AND LAST DEGREE
OF THE ANCIENT ACCEPTED SCOTTISH
RITE OF FREEMASONRY FOR THE
NORTHWESTERN JURISDICTION
OF THE UNITED STATES
OF AMERICA

GEORGE E. BUSHNELL, 33°
SOVEREIGN GRAND COMMANDER
FRANK S. MERRILL, 33°
GRAND SECRETARY GENERAL

CABLE ADDRESS
"SCOTRITE BOSTON"
1117 STATLER BUILDING
BOSTON 19, MASSACHUSETTS

November 1, 1960

Mr. Ismail Raein
Ave. Eshrat-Abad,
Kutcheh Shafiei No. 11,
Tehran, Iran

Dear Sir:

Your letter addressed to the late F. Elmer Raschig, who was my predecessor as the Grand Secretary General, has been received at this office. The transactions of this office embrace only matters pertaining to the Supreme Council and not to Grand Lodges. The register which I refer to states that the Grand Lodges of Tehran, Iran, are under the Grand Lodge of Scotland. I suggest that you write to the Grand Secretary at 96 George Street, Edinburgh 2, Scotland, for your information.

Very truly yours,


Frank S. Merrill
Grand Secretary General

نامه اول نوامبر ۱۹۶۰

شورای طریقت فراماسونی وابسته به اسکاتلند
فرانک Merrill دبیر بزرگ سازمان ماسونی مذکور که نامه ما را به عنوان دبیر کل سابق دریافت
داشته بود، در جواب می نویسد: « به دبیر کل گراند لژ اسکاتلند در ادنبرگ
مراجعه کنید »

THE MASONIC SERVICE ASSOCIATION
OF THE UNITED STATES
700 TENTH STREET, N.W.
WASHINGTON 1, D. C.

November 28, 1960

CONRAD HAHN
Editor
WILLIAM C. REMUNDS
Chief Field Agent

Mr. Ismail Raein
Eshtrabad, Kooye Shafee
House #11
Tehran, Iran

Dear Mr. Raein:

In response to your letter of October 24, I am happy to enclose two Thermofaxed pages from GOULDS HISTORY OF FREEMASONRY THROUGHOUT THE WORLD. However, I find that we gave you the wrong page number in the letter I wrote to you earlier in October, for the pages were 194-195, rather than 494.

With this correction, I think you will find the enclosed paragraph on "Persia" the only paragraphs I can find on Freemasonry in Iran that have been printed, so far as they have been brought to my attention.

With all good wishes,

Sincerely yours,



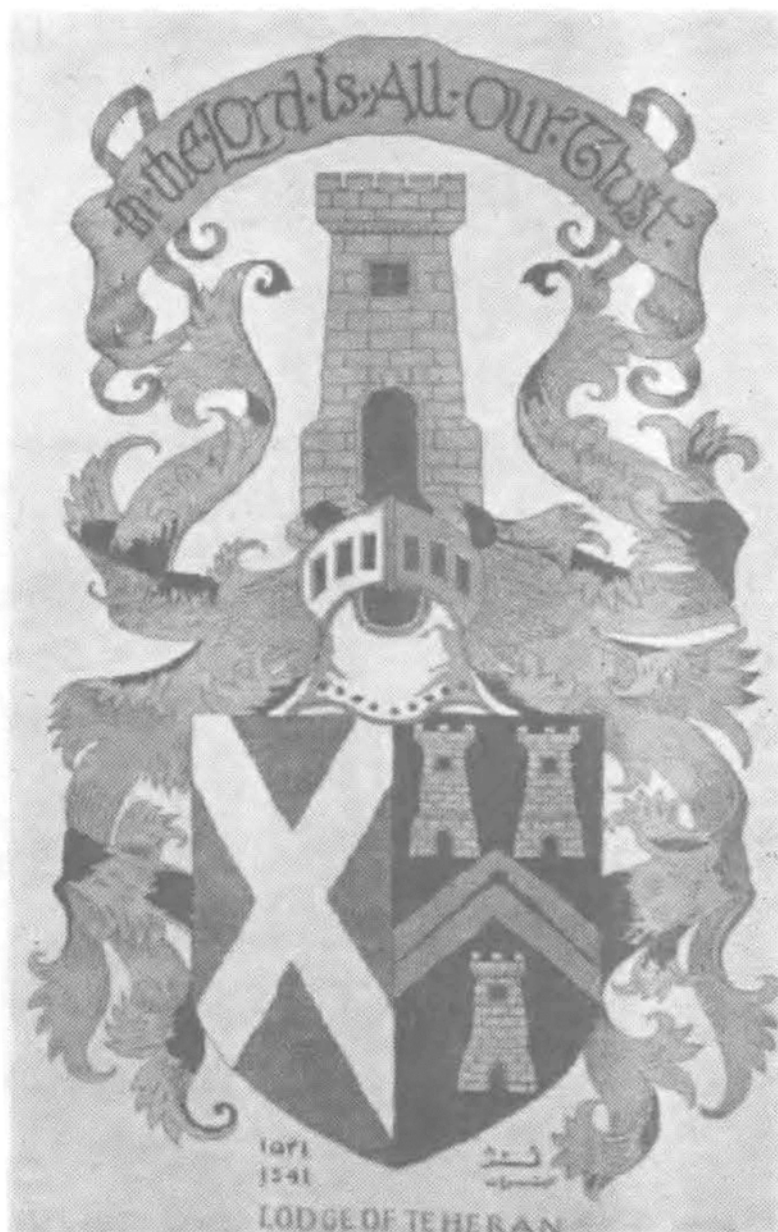
CONRAD HAHN
Editor

CR:ec

نامه دیگری از طرف کنرادهاهن مدیر اتحادیه خدمات ماسونی
در باره آنچه را که گاولده انکلیسی تحت نام (پرشما) در باره فراماسونری ایران نوشته است.

اساسنامه و قوانین

لژ اعظم بنایان آزاد و پذیرفته شده اسکاتلند



مصوب سال ۱۹۵۸ میلادی

ضمیمه دوم

«اساسنامه و قوانین»

ماده ۱ - لژ اعظم بنایان آزاد قدیمی و پذیرفته شده اسکاتلند ترکیب می‌یابد از صاحبمنصبان اعظم (به استثنای نگهبان خارجی اعظم) و کلیه استادان اعظم حائز شرایط و استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای پیشین و استادان اعظمی که نمایندگان نواحی باشند به علاوه استادان ارجمند و سرپرستان هر لژ که بطور منظم تابع لژ اعظم باشند یا نمایندگان استادان ارجمند و سرپرستان لژهای تابعه .

ماده ۲ - هر عضو لژ اعظم باید برادری باشد متصف به صفات تصریح شده در ماده ۲۷۷ و فقدان هر یک از صفات لازم یا عدم پرداخت حق عضویت سالیانه (تاسی و یکم ژانویه سال بعد) یا عدم پرداخت مقرریهای مخصوص و افتخاری که در فهرست شماره ۱۰۰ قانون مندرج است مانع عضویت در لژ اعظم خواهد بود .

ماده ۳ - افسران در لژ عبارتند از استاد اعظم - استاد اعظم قبلی - قائم مقام استاد اعظم - معاون استاد اعظم - سرپرست اعظم اول - سرپرست اعظم دوم - دبیر اعظم - خزانه‌دار اعظم - امین اعظم و جوهر خیریه - خطیب اعظم اول - خطیب اعظم دوم - راهنمای اعظم اول - راهنمای اعظم دوم - مدیر اعظم تشریفات - کتابدار اعظم - معمار اعظم - زیوردار اعظم - حامل اعظم کتاب - شاعر اعظم - شمشیردار

اعظم - مدیر اعظم موسیقی - معاون رئیس تشریفات اعظم - معاون دبیر اعظم - ارگ نواز اعظم - نی نواز اعظم - مدیر اعظم انتظامات - بیرق‌دار اعظم اول - بیرق‌دار اعظم دوم - نگهبان اعظم داخلی - رئیس مباشرین عظام - نگهبان اعظم خارجی .

ماده ۴ - لقب و عنوان استاد ارجمند اعظم و استاد بنای اعظم متعلق است فقط به استاد اعظم لژ اعظم .

ماده ۵- عنوان (حضرت ارجمند) اطلاق می‌شود به تمام استادان اعظم پیشین و قائم مقام استاد اعظم و معاون استاد اعظم و سرپرستان اعظم و دبیر اعظم و خزانه‌دار اعظم و امین اعظم و جوه خیریه عنوان (بسیار ارجمند) اطلاق می‌شود به خطبای اعظم و راهنمایان اعظم و مدیر اعظم تشریفات - کتابدار اعظم - معمار اعظم - زیور دار اعظم و حامل کتاب و عنوان (ارجمند) اطلاق می‌شود به شاعر اعظم - شمشیر دار اعظم - مدیر اعظم موسیقی - معاون رئیس تشریفات اعظم - معاون دبیر اعظم ارگ نواز اعظم - نی نواز اعظم - مدیر اعظم انتظامات - بیرق‌دار اعظم اول - بیرق‌دار اعظم دوم - نگهبان اعظم داخلی و رئیس مباشرین عظام .

ماده ۶ - افسران اعظم به‌غیر از چهار نفری که بعداً ذکر خواهد شد سالیانه انتخاب می‌شوند قائم مقام استاد اعظم و معاون استاد اعظم همه ساله به توسط شخص وی در روز تنصیب افسران برگزیده می‌شوند . انتخاب دبیر اعظم و معاون دبیر اعظم سالیانه انجام نمی‌گیرد ولی مدت تصدی آنها همه ساله قابل خاتمه یافتن است مشروط بر اینکه تصمیم لژ اعظم در این باره سه ماه قبل باطلاع آنها رسیده باشد .

ماده ۷ - در آخرین جلسه از جلسات فصلی لژ اعظم که بلافاصله قبل از روز سینت اندرو تشکیل می‌شود نامزد کردن و انتخاب افسران اعظم برای سال بعد جز در مواردی که تکلیف آن طبق مواد دیگر بنحود دیگری تعیین شده است بعمل خواهد آمد . تمام جلسات ارتباطیه نامیده می‌شود .

ماده ۸ - انتخاب غیابی برادری برای اشغال منصبی در لژ اعظم شایسته

نخواهد بود مگر با رضایت قبلی او و ضمانت یکی دیگر از برادران .
 ماده ۹ - دادز رأی جهت انتخاب افسران اعظم به وسیله بلند کردن دست صورت می گیرد و قتی برای اشغال منصبی بیش از يك نفر نامزد باشد، اخذ رأی جدا جدا نسبت بهر نامزد صورت می گیرد و دارنده رأی بیشتر انتخاب شده اعلام می گردد.
 اگر پیش از يك منصب دارای کاندیدهای متعدد باشد برای هر منصب با رعایت اولویت بترتیب فوق علیحده رأی گرفته خواهد شد و هنگامی برای منصب بعدی اخذ رأی به عمل می آید که اخذ رأی برای منصب قبلی خاتمه یافته و نتیجه اعلام شده باشد .

ماده ۱۰ - برادرانی که در هر سال به عنوان افسران اعظم انتخاب یا منصوب می شوند در روز سینت اندرو (سی ام نوامبر) قبل از انجام مراسم عید سینت اندرو تنصیب می گردند در صورتیکه عید سینت اندرو با شنبه یا یکشنبه تصادف کند تنصیب و مراسم عید در روز جمعه قبل برگزار خواهد شد .
 افسری که نتواند در آن روز شرکت کند در اولین جلسه ارتباطیه بعد که در آن حضور یابد تنصیب خواهد شد .

ماده ۱۱ - افسران اعظم انتخابی (باستثنای استاد اعظم - دبیر اعظم - خزانه دار اعظم - امین اعظم و جوه خیریه - مدیر اعظم تشریفات - کتابدار اعظم - معاون دبیر اعظم - ارگ نواز اعظم - نی نواز اعظم و نگهبان اعظم خارجی) نمی توانند بیش از دو سال بطور متوالی در يك منصب باقی بمانند .

ماده ۱۲ - در صورت فوت - استعفا یا سلب صلاحیت هر يك از افسران اعظم انتخابی لژ اعظم در اولین جلسه ارتباطیه بعدی یا در جلسه ارتباطیه ای که به موجب اخطار قبلی تشکیل شده باشد می تواند برادر شایسته ای را بجای او انتخاب نماید .

ماده ۱۳ - هر يك از افسران اعظم پیشین و افسران اعظم پیشین ایالتی و ناحیه ای و اعضاء کمیته اعظم و مباشر اعظم در صورت پرداخت مقرری مندرج در

بند ۱۳ از قسمت اول از فهرست اول محقق خواهد بود که گواهی نامه‌ای از دبیر اعظم دریافت دارد مشعر بر اینکه شاغل آن منصب یا سمت بوده است .

ماده ۱۴- استادبنای اعظم عضو قهری هر لژ تابع و هر لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای می‌باشد ولی باین عنوان ملزم به هیچ نوع پرداخت یا مشارکت مالی در لژهای فوق‌الذکر نخواهد بود.

ماده ۱۵- دبیر اعظم مسئول و مدیر امور لژ اعظم بوده و نسبت به کلیه کارمندان لژ اعظم سمت ریاست و مدیریت دارد و مکاتبات و مراسلات به‌عنوان او ارسال و ارتباطات با او برقرار می‌گردد. دفاتر- اسناد - مهر و تمام دارائی منقول لژ اعظم زیر کلید دبیر اعظم است که باید در تمام جلسات ارتباطیه لژ اعظم و جلسات کمیته اعظم شرکت داشته - صورت جلسات را تهیه - دفتر ثبت نام اعضاء را نگاهداری - اسامی اعضاء تازه وارد و ملحقه و اعضاء مؤسس رادر دفاتر مربوطه ثبت و دفتر ثبت نام استادان تنصیب شده و استادان مارک را نگاهداری و تمام فرامین- مأموریتها و دیپلمها و غیره را که از طرف لژ اعظم صادر می‌شود تهیه و توزیع نماید و هر سه ماه به سه ماه يك نسخه چاپی از صورت جلسات لژ اعظم - کمیته اعظم و کمیته خیریه و صورت جلسه هیئت مقرریهای سالیانه را که توأم با گزارش مبالغ دریافتی لژ اعظم در ظرف سه ماه گذشته باشد به صورت قابل تقدیم بدجلسه ارتباطیه بعدی تهیه و برای هر يك از لژهای تابعه و دبیران اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و برای هر يك از اعضاء لژ اعظم ارسال دارد و همچنین همه ساله خلاصه‌ای از صورت حساب لژ اعظم را که به گواهی ممیز حساب کل رسیده باشد برای هر يك از آنها خواهد فرستاد و نیز رونوشت خلاصه مذاکرات لژ اعظم را برای دبیران اعظم لژهای اعظم شناخته شده ارسال می‌دارد و همچنین برای هر بنای آزادی که تقاضا کند و مبلغ تعیین شده در بند ۱۸ از قسمت اول فهرست یکم را سالیانه و قبلا پرداخت نموده باشد ارسال خواهد داشت .

دبیر اعظم افسران و اعضاء لژ اعظم را برای مشارکت در جلسات ارتباطیه

به وسیله بخشنامه که حاوی دستور کار جلسه باشد دعوت می‌کند و همچنین کمیته اعظم را به وسیله بخشنامه‌ای دعوت می‌نماید و موضوع کارهای آن را تا آنجا که به نظر او لازم آید در بخشنامه ذکر خواهد نمود.

دبیر اعظم دبیر قهری تمام کمیته‌ها بوده باید به این سمت به تشکیل آنها اقدام نماید و باید ترتیبی بدهد که دیپلمها - فرامین - برگهای الحاق - کتابهای قوانین و قانون اساسی و امثال اینگونه اموال ثبت و حساب سالیانه آنها تراز گردد. دبیر اعظم همچنین باید تمام دستورهای لژ اعظم و کمیته اعظم را ابلاغ و اعلام نماید.

دبیر اعظم باید حساب کلیه وجوه مربوط به لژ اعظم را که به وسیله او دریافت و پرداخت شده است صحیحاً و طبق فورمول‌های مصوب کمیته اعظم منظمأً نگاهداری نماید.

دبیر اعظم مراقبت خواهد نمود که کلیه وجوه قابل پرداخت به لژ اعظم اسکاتلند عیناً در دفتر مربوط به وجوه واصله ثبت گردد و قبوض رسید یا اعلامیه های وصول مربوطه را بدون تأخیر برای اشخاص یا لژهاییکه وجوه مزبور را پرداخت کرده‌اند ارسال خواهد داشت - رسیدهای وجوهی که از طرف تازه‌واردین یا ملحق شدگان و یا کسانی که استاد مارك می‌شوند و یا اعضاء مؤسس لژها را تشکیل می‌دهند و به لژ اعظم واصل می‌گردد باید بنام همان اشخاص که وجوه از طرف آنها و یا به نام آنها پرداخت شده است صادر گردد. دبیر اعظم هرگز نباید بیش از پنجاه پوند از وجوه لژ اعظم را در نزد خود نگاهدارد و هر وجهی که علاوه بر این مبلغ باشد باید بحساب مخصوص به آن وجه در حسابهای بانکی لژ اعظم واریز گردد هیچ صورت حسابی نباید از طرف دبیر اعظم پرداخت گردد مگر به وسیله چك و آن هم در صورتیکه قبلاً به تصویب کمیته امور مالی رسیده باشد. در آخر هر سال مالی (آخرین پنجشنبه ماه نوامبر) دبیر اعظم باید صورت کاملی از حسابها را تهیه و توأم با دفاتر و اسناد خرج مربوطه تسلیم ممیز حساب کل بنماید^۹

دبیر اعظم باید صورت کلیه قسمت‌ها و آپارتمانها و مغازه‌های متعلق و وابسته به کاخهای لژ اعظم را که به اجاره واگذار شده و یا قابل انتفاع باشد و همچنین درآمد آنها را به تفکیک در دفتر مخصوص ثبت و نگاهداری نماید.

ماده ۱۶ - دبیر اعظم باید تمام وقت خود را به مصرف انجام وظائف باین شغل برساند و در مقابل خسارات ناشیه از کسر و کمبودی که ممکن است بیاورد تا مبلغ یکهزار لیره بیمه می‌شود. و حق این بیمه از وجوه لژ اعظم پرداخت می‌گردد و حقوق او بهر میزانی که از طرف لژ اعظم هر چند مدت یکبار تعیین می‌شود باید پرداخت گردد و هر کمک اضافی دیگری که از طرف دبیر اعظم تقاضا و به تصویب کمیته اعظم برسد از وجوه لژ اعظم باید پرداخت شود.

در غیاب دبیر اعظم وظائف او را معاون دبیر اعظم انجام خواهد داد.

ماده ۱۷ - معاون دبیر اعظم در غیاب او نمایندگی او را خواهد داشت و همچنین مجاز است در غیاب دبیر اعظم کاملاً در مقابل دبیر اعظم مسئول بوده و تابع او خواهد بود.

ماده ۱۸ - دبیر اعظم کلیه وجوه مربوط به صندوق خیریه لژ اعظم را دریافت و پرداخت خواهد نمود و حساب آنرا نگاه خواهد داشت.

به منظور تأمین هزینه صندوق‌های لژ اعظم مبلغی معادلده درصد از جمع درآمد سالیانه هر يك از صندوق‌های زیر :

صندوق خیریه ماسونی اسکاتلند - صندوق عمومی مقرریهای سالیانه - صندوق مقرریهای سالیانه ایتم - صندوق کمکهای اتفاقی و همچنین ده درصد از مازاد عواید اموال غیر منقول داده خواهد شد مبالغی که از درآمد اماکن ماسنی اسکاتلند برای اداره امور باید تخصیص داده شود ارقام متناسبی خواهد بود که هر چند وقت یکبار از طرف کمیته اعظم برای این منظور تعیین می‌گردد و مبالغی که از این محل تخصیص داده می‌شود در آخرین روز سال مالی به حساب بستانکار صندوق عمومی واریز خواهد شد.

ماده ۱۹ - معاون دبیر اعظم باید تمام وقت خود را به مصرف انجام وظائف مربوطه به این شغل برساند و در مقابل خسارات ناشیه از کسر و کمبودی که ممکن است بیاورد تا مبلغ یکهزار لیره بیمه می‌شود و حق بیمه آن از وجوه لژ اعظم پرداخت و همچنین حقوق او بهر میزانی که از طرف لژ اعظم هر چند وقت يك بار تعیین می‌شود پرداخت می‌گردد .

ماده ۲۰ - در مواردیکه حضور دبیر اعظم و کتابدار اعظم برای انجام مأموریت‌های لژ اعظم ضروری باشد هزینه های مربوطه از طرف لژ اعظم پرداخت می‌گردد .

ماده ۲۱ - امین اعظم وجوه خیریه باید منافع صندوق خیریه و صندوق مقرریهای سالیانه لژ اعظم را حفظ نماید و مراقبت کند که لژهای تابع تعهدات خود را نسبت باین صندوق‌ها ایفاء نمایند و توجه کمیته اعظم را نسبت بهر لژی که تخلف کند جلب نماید و با تصویب کمیته اعظم در موافقی که وضعیت این صندوقها ایجاب نماید مساعدت لژها و برادران را نسبت به آنها خواستار شود .

ماده ۲۲ - خطبای اعظم در جلسات ارتباطیه حاضر خواهند شد و در آنجا دعا های مخصوص را به تناسب موقعیت بر طبق رسوم باستانی بنائی آزاد خواهند خواند .

ماده ۲۳ - مدیر اعظم تشریفات منحصرأ مسئول است که افسران و سایر اعضاء لژ اعظم را بر حسب اقدمیت مرتب نماید و جزئیات امور تشریفاتی لژ اعظم را در هر عمارتی که جلسات آن تشکیل گردد سرپرستی نماید .

ماده ۲۳ - الف - کتابدار اعظم باید محتویات موزه و کتابخانه لژ اعظم را تحت مراقبت قرار داده توجه کند که در فهرست‌ها ثبت شده بنحومطلوب مرتب و در شرایط خوب منظمأ نگاهداری و هر چند مدت یکبار کنترل گردد . کتابدار اعظم باید منافع موزه و کتابخانه را حفظ نموده و بخششهایی که برای آنها می‌شود تصدیق نماید و نیز سایر وظایفی را که مربوط بشغل او بوده و هر چند مدت یکبار از طرف کمیته اعظم (یا کمیته موزه و کتابخانه تعیین می‌گردد) باید انجام دهد و هر نوع کمکی

که احتیاج پیدا کند و بتصویب کمیته اعظم برسد از طرف لژ اعظم پرداخت خواهد شد. کتابدار اعظم در مقابل خدمات خود می تواند حقوق یا حق الزحمه به میزانی که هر چند مدت یکبار از طرف لژ اعظم تعیین می شود دریافت دارد.

ماده ۲۴ - مدیر اعظم انتظامات حرکت دسته جمعی لژ اعظم را در خارج از محل آن ترتیب داده و سرپرستی می نماید و لژهای تابع و سایر لژهایی که در مراسم مزبور شرکت نمایند تحت مدیریت مدیر اعظم انتظامات خواهند بود.

ماده ۲۵ - نگهبان خارجی اعظم باید در تمام جلسات ارتباطیه شرکت کند و در ترتیب دادن امور مربوطه کمک نماید و مراقبت کند که فقط برادرانی پذیرفته شوند که متصف به صفات لازم باشند. به نگهبان خارجی اعظم حقوقی پرداخت خواهد شد که هر چند وقت یکبار از طرف لژ اعظم تعیین می گردد. او در لژ اعظم حق دادن رأی نخواهد داشت.

ماده ۲۶ - لژ اعظم در جلسه ارتباطیه فصلی ماه نوامبر خود یک نفر ممیز حساب برای سال بعد تعیین خواهد نمود. شخصی که باین سمت تعیین می شود باید حسابدار یا حسابرس حرفه ای بوده و عضو مرتب و حائز شرایط لژ تابعی باشد. ممیز حساب مزبور سه ماه به سه ماه و در آخر هر سال کلیه حسابهای صندوقهای لژ اعظم را مورد رسیدگی قرار داده و کتباً گزارش خواهد داد. همچنین در فواصل مواعد مزبور هر نوع گزارش و اطلاعات دیگری مربوط به امور صندوقهای فوق الذکر که از طرف لژ اعظم و کمیته های آن خواسته شود خواهد داد.

ممیز حساب در مقابل خدمات خود حق الزحمه ای که هر چند وقت یکبار از طرف لژ اعظم تعیین می شود دریافت خواهد داشت. در صورتی که در ضمن سال مالی پست ممیز حساب بهره ای که باشد خالی شود کمیته اعظم می تواند یک نفر شخص واجد شرایط را به جانشینی او برای بقیه مدت سال تعیین نماید ولی این انتصاب باید در اولین جلسه ارتباطیه فصلی بعدی لژ اعظم تأیید گردد.

ماده ۲۷ - لژ اعظم هر سال در جلسه ارتباطیه فصلی خود حداکثر پنجاه نفر

از اعضاء خود را بعنوان مباشرين عظام تعيين مي نمايد. باين هيئت تحت مديريت كميته اعظم، اداره امور عيد سينت اندرو وساير جشنها محول خواهد شد .

مباشرين عظام در لباسهاي مخصوص و باعصاهاي سمت خود تمام حرکات دسته-جمعي لثراعظم را بدرقه خواهد نمود و هر برادري که به سمت مباشر اعظم تعيين مي شود قبل از اينکه سمت خود را اجراز نمايد بايد مقرري افتخاري مخصوصي را که در بند ۲۲ قسمت اول از فهرست اول مقرر شده است پردازد .

ماده ۲۸ - هيئت مباشرين عظام در ظرف مدت هفت روز بعد از تعيين شدن، يکنفر را از بين خود بسمت نايب رئيس هيئت فقط براي يکسال انتخاب خواهد کرد. نايب رئيس اين هيئت قبل از اينکه باين سمت شروع بکار نمايد بايد مقرري افتخاري که در بند ۲۲ از قسمت اول از فهرست اول مذکور است پرداخت نمايد .

ماده ۲۹ - لثراعظم در هر سال چهار جلسه ارتباطيه فصلي در اولين پنجشنبه هريك از ماههاي فوريه- مه - اوت و نوامبر ساعت سه بعد از ظهر ياد ساعت ديگري که لثراعظم يا كميته اعظم بعداً تعيين نمايند خواهد داشت . حد نصاب لازم براي تشكيل اين جلسات حضور بيست ويکنفر از اعضاء واجد شرايط خواهد بود و تاريخ تشكيل جلسات مزبور ممكن است براي يك يا چند روز به تعويق انداخته شود. کارها در لثراعظم در درجه سه انجام مي شود .

ماده ۳۰ - تشكيل جلسه ارتباطيه مخصوص در هر موقع بنا بدعوت استاد بنای اعظم ياد رغياب او بر حسب دعوت استاد اعظم قبلي يا قائم مقام و يا معاون استاد اعظم و يا بنا- بدستور كميته اعظم ميسر خواهد بود همچنين بيست ويکنفر اعضاء واجد شرايط لثراعظم مي توانند طی تقاضا نامه ای که بامضاء آنها رسیده و موضوع بحث جلسه در آن صريحاً قيد شده باشد دعوت جلسه ارتباطيه مخصوص را تقاضا نمايد .

به وصول دستور يا تقاضای منظم جهت منظور فوق دبیر اعظم فوراً جلسه ارتباطيه را دعوت خواهد کرد که ظرف ۱۴ روز بعد از تاريخ وصول دستور با تقاضا نامه تشكيل گردد .

در بخشنامه‌ای که به موجب آن جلسه ارتباطیه دعوت می‌شود باید موضوع بحث ذکر شود و کار دیگری در آن جلسه انجام نخواهد شد و جلسه ارتباطیه مخصوص نیز ممکن است برای يك یا چندروز به تعویق افتد.

ماده ۳۱ - همه ساله در موقع دریافت حق عضویت سالیانه اعضاء کارت‌هایی از طرف دبیر اعظم به آنها داده می‌شود که به موجب آن حق حضور در جلسات لژ اعظم را خواهند داشت و صاحب کارت باید آنرا در موقع ورود ارائه دهد. این کارتها قابل انتقال بغیر نبوده و تخلف از این امر تقلب و تزویر تلقی و مستلزم مجازات خواهد بود. فقط اعضاء لژ اعظم حق حضور به داخل کاخ را خواهند داشت.

ماده ۳۲ - اعضاء لژ اعظم که مقرری سالیانه خود را پرداخته‌اند چنانچه در ظرف همان سال استعفا داده یا عدم صلاحیت آنها محرز گردد باید کارتهای ورودی خود را به دبیر اعظم مسترد دارند.

ماده ۳۳ - در غیاب استاد بنای اعظم جلسه لژ اعظم بریاست استاد اعظم قبلی و در غیاب او به ترتیب حضور تحت ریاست یکی از اشخاص زیر تشکیل می‌گردد: یکی از استادان اعظم پیشین - قائم مقام استاد اعظم - معاون استاد اعظم - قائم مقام پیشین استاد اعظم - معاون پیشین استاد اعظم - استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای سرپرست اعظم اول - سرپرست اعظم دوم - راهنمای اعظم دوم - و در صورت غیبت کلیه اشخاص فوق یکی از افسران اعظم حاضر در جلسه بر حسب اقدمیت.

ماده ۳۴ - مفهوم تائید صورت جلسه لژ اعظم این است که جریانات جلسه ارتباطیه قبل صحیحاً به ثبت رسیده است - هیچ امر یا مطلبی را که در جلسه ارتباطیه پیشین نسبت به آن اقدام شده است نمی‌توان در موقعی که صورت جلسه برای تائید مطرح می‌شود مورد بحث یا سؤال و پرسش قرار داد.

ماده ۳۵ - هر پیشنهاد باید کتبی بوده و به امضای دو نفر از اعضاء واجد شرایط لژ اعظم که یکی پیشنهاد کننده در جلسه ارتباطیه لژ اعظم قرائت شود و قبل از جلسه ارتباطیه‌ای که در جریان آن پیشنهاد داده شده است به دبیر اعظم

تسلیم گردد .

استاد اعظم یا برادری که کرسی ریاست را عهده دار است می‌تواند پیشنهاد کننده را از قرائت پیشنهاد خود در جلسه (شخصاً) معاف نماید .

ب - و یا این که به وسیله پست سفارشی برای دبیر اعظم فرستاده شود .

کلیه پیشنهادات باید فوراً به کمیته قوانین و مقررات ارجاع گردد .

ماده ۳۶ - هر پیشنهاد اعم از اینکه در لث اعظم داده شده یا به دبیر اعظم رسیده باشد باید به ضمیمه گزارش کمیته قوانین و مقررات به کمیته اعظم تقدیم گردد و کمیته اعظم تصمیم خود را از لحاظ شایستگی و منظم بودن و قابل قبول بودن مفاد آن پیشنهاد در اولین جلسه عادی کمیته اعظم که زودتر از ۱۴ روز بعد از تاریخ تقدیم یا وصول پیشنهاد تشکیل نشده باشد اتخاذ خواهد نمود مگر آن که در آن تاریخ هنوز گزارش کمیته قوانین و مقررات حاضر نشده باشد که در این صورت تعیین تکلیف آن به جلسه عادی بعدی کمیته اعظم موکول خواهد شد .

دبیر اعظم پیشنهاد کننده و تائید کننده پیشنهاد مزبور را از تاریخ تشکیل جلسه‌ای که برای مطرح شدن آن در کمیته اعظم تعیین می‌شود و همچنین از هر تأخیری که در این خصوص رخ دهد مطلع خواهد ساخت و این اعضا چنانچه حضور یابند توضیحات آنها نسبت به نکاتی که مورد سؤال و بحث واقع شود شنیده خواهد شد . در باب مزایای پیشنهادی طول کلام جایز نیست و در تصمیم کمیته اعظم از محاسن آن زکری نخواهد شد و کمیته اعظم می‌تواند به میل خود هر اصلاحی که لازم بداند در آن بنماید .

در صورتی که پیشنهاد (خواه بدون اصلاح و خواه پس از اصلاح) در کمیته اعظم مورد قبول واقع شود مطابق ماده ۳۸ بخشنامه شده و نسبت به آن عمل خواهد شد در صورتیکه پیشنهاد در کمیته اعظم پذیرفته نشود اعضا ذی ربط حق دارند مستقیماً به لث اعظم استیناف دهند، در صورت پذیرفته نشدن پیشنهاد چه در کمیته اعظم و چه بعداً در لث اعظم متن آن در صورت جلسه درج نخواهد شد و در هر حال

کافی است در صورت جلسه نوشته شود پیشنهادی که از طرف برادران (فلان و فلان) داده شده بود مورد قبول واقع و یا مورد قبول واقع نگردید .

ماده ۳۷ - رونوشت پیشنهاداتی که به لژ اعظم داده شده و از طرف کمیته اعظم قبول شده است برای دبیر هر يك از لژهای اعظم ایالتی و یا ناحیه‌ای و برای دبیر هر يك از لژهای تابع با تذکر این نکته که باید در جلسه لژهای مربوطه با اطلاع برادران برسد ارسال خواهد شد .

پیشنهادی که به دبیر اعظم رسیده و از طرف کمیته اعظم پذیرفته شده است در بخشنامه‌ای که برای تشکیل جلسه ارتباطیه فصلی بعدی ارسال می‌شود درج می‌گردد و این عمل خود در حکم اجرای دستور مندرج در جمله اول این ماده قانون خواهد بود .

و نیز این پیشنهاد در بخشنامه مربوط به تشکیل جلسه ارتباطیه مابعد که باید منظور جمله فوق‌الاشعار را مورد بحث و تصمیم قرار دهد تکرار خواهد شد .

ماده ۳۸ - برادرانی که پیشنهاد آنها مورد قبول کمیته اعظم واقع شده است باید در جلسه ارتباطیه فصلی که این پیشنهاد در آن مطرح می‌شود حضور داشته باشند این جلسه ارتباطیه جلسه‌ایست که بعد از جلسه ارتباطیه فصلی قبلی که پیشنهاد مزبور برای اولین مرتبه جهت اطلاع در دعوتنامه آن بخشنامه شده بود تشکیل می‌گردد چنانچه پیشنهادکننده غایب باشد تائیدکننده آن صلاحیت دارد سمت پیشنهادکننده را در موقع طرح در لژ اعظم احراز نماید مشروط بر اینکه فرد دیگری از برادران حاضر عنوان تائیدکننده را قبول نماید و در صورتی که پیشنهادکننده حاضر ولی تائیدکننده غائب باشد هر يك از برادران حاضر می‌تواند بعنوان تائیدکننده پذیرفته شود ولیکن چنانچه هم پیشنهادکننده و هم تائیدکننده غائب باشند پیشنهادکننده لم‌یکن تلقی خواهد شد .

ماده ۳۹ - وقتی که پیشنهاد شایسته‌ای منظمأً پیشنهاد گردید و تائید شده و جریان خود را طی کرده باشد استاد اعظم یا برادری که عهده‌دار کرسی ریاست می‌باشد

ناگزیر از اینست که نسبت به آن اخذ رأی بعمل آورند تعویق طرح پیشنهادی که در دستور لژ اعظم قرار گرفته است بدون علت ممکن نیست و از نظر تسهیل و پیشرفت آن ممکن است پیشنهاد را تقسیم و نسبت بهر قسمت علیحده بحث و رأی گرفته شود. ماده ۴۰ - پیشنهاد تغییر یا حذف يك قانون موجود و یا ایجاد يك قانون جدید را که در جلسه ارتباطیه فصلی داده می شود نمی توان قبل از اولین جلسه ارتباطیه بعدی در لژ اعظم مورد بحث قرارداد و چنانچه پیشنهاد طبق ماده ۳۵ بوسیله پست سفارشی برای دبیر اعظم ارسال شده باشد نمی توان قبل از دومین جلسه ارتباطیه فصلی که بعد از تاریخ بررسی آن توسط کمیته اعظم تشکیل شده باشد در لژ اعظم مورد بحث قرار داد.

ماده ۴۱ - پیشنهادی که موضوع آن یکبار مورد تصمیم لژ اعظم قرار گرفته است نمی توان قبل از نقض ۱۲ ماه از تاریخ تصمیم مزبور مجدداً در لژ اعظم عنوان نمود یا مورد بحث قرارداد.

ماده ۴۲ - قوانین مصوب و تصمیمات متخذ در جلسات ارتباطیه را نمی توان زودتر از ۱۲ ماه از تاریخ تصویب یا تصمیم لغو نمود یا تغییر داد در صورتی که در تفسیر و تعبیر قانونی تردیدی حاصل شود اختیار اخذ تصمیم نسبت به آن بوسیله لژ اعظم اعطاء می شود و نه بوسیله رئیس جلسه.

ماده ۴۳ - لژ اعظم می تواند باستناد دلیل اقامه شده دستور جلسه را معلق بگذارد مشروط بر اینکه لااقل دوسوم از اعضاء حاضر و واجد شرایط باین تعلیق رأی موافق دهند.

ماده ۴۴ - بعد از بحث در يك موضوع رأی اکثریت اعضاء واجد شرایط و رأی دهنده نسبت به موضوع قاطع است در صورت تساوی آراء رأی طرفی که رأی استاد ارجمند (یا برادری که در کرسی ریاست می باشد در آن واقع است قاطع خواهد بود) و در سایر موارد دادن رأی از طرف رئیس اختیاری است.

ماده ۴۵ - فقط اعضاء واجد شرایط حق صحبت و دادن رأی در موضوعات مشروح را دارند و هیچ عضوی اجازه ندارد بیش از يك مرتبه راجع به يك موضوع

صحبت کند مگر منحصرأ برای دادن توضیح و فقط پیشنهاد کننده حق دارد جواب دهد .

ماده ۴۶ - اعضاء لژ اعظم نسبت بهر موضوع که مصالح خاندان رادر آن تشخیص می دهند رأی خواهند داد . لژ اعظم ایالتی و ناحیه ای و لژ های تابع حق ندارند به نمایندگان خود دستور دهند که رأی خود را بنحو مخصوصی بدهند و آنها فقط می توانند نمایندگان خود را از نظریات خودشان آگاه سازند .

ماده ۴۷ - هیچ برادر میهمان رانمی توان در جلسه ارتباطیه پذیرفت مگر پس از اینکه توسط سه نفر از مباشرین عظام که باین منظور از طرف رئیس یا نایب رئیس تعیین شده اند مورد امتحان قرار گیرد و باین خود دیگری شایستگی او طبق مقرر تضمین شده است .

ماده ۴۸ - هیچ برادر نباید جلسه ارتباطیه را قبل از بسته شدن آن بدون درخواست و کسب اجازه از استاد اعظم یا برادری که کرسی ریاست را عهده دار است ترك نماید .

ماده ۴۹ - موقعی که استاد اعظم - استاد اعظم پیشین - قائم مقام استاد اعظم یا معاون استاد اعظم و یا قائم مقام یا معاون استاد اعظم و یا قائم مقام یا معاون پیشین و یا یک سرپرست اعظم یا سایر افسران اعظم يك لژ ایالتی یا ناحیه ای یا يك لژ تابع را رسماً سرکشی می کنند استاد ارجمند - سرپرستان و سایر افسران لژ باید کرسی های خود را متناسباً با مورد بنفع افسران مربوطه لژ اعظم خالی نمایند. در صورتی که استاد اعظم یا یکی دیگر از افسران ریاست هیئت سرکشی کننده را عهده دار باشد و طبق حق خود کرسی ریاست را اشغال نماید استاد ارجمند لژ در دست راست او خواهد نشست.

ماده ۵۰ - قبل از اینکه استاد اعظم یا دیگر افسران برای سرکشی لژ تابع حرکت کنند دبیر اعظم باید لژ مزبور را بوسیله اطلاعیه ای مطلع نموده و همچنین لژ اعظم ناحیه ای و یا ایالتی مربوط رانیز مستحضر نماید و اگر سرکشی باید به يك لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای بعمل آید اطلاعیه مذکور باید برای دبیر اعظم ایالتی

یا ناحیه‌ای فرستاده شود و او به نوبه خود بدل‌زهای تابعه در ایالت یا ناحیه مربوطه اطلاعیه خواهد فرستاد.

ماده ۵۱ - چنانچه سرکشی صرفاً جنبه کارداشته و به منظور تحقیق در نحوه اداره لژ و رسیدگی به دفاتر و از قبیل آن باشد احتیاجی به فرستادن اطلاعیه درباره این سرکشی برای سایر لژهای تابعه در آن ایالت یا ناحیه نخواهد بود.

ماده ۵۲ - تشریفات عید سینت اندرو باید در لژ دائر در درجه اول برگزار شود و هر برادری از خاندان که کارت ورود مربوطه را برای خود تهیه نماید می‌تواند در آن حضور یابد و بهاء کارت ورود با تصویب لژ اعظم در جلسه ارتباطیه فصلی که بلافاصله قبل از روز سینت اندرو تشکیل می‌شود از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد. جشن عید مزبور باید بنحوی اداره شود که مخارج آن (باستثناء هزینه متعارف موسیقی و سایر مخارج اتفاقی که از طرف کمیته اعظم معین می‌شود) از محل وجوه مأخوذه از برادرانی که حضور می‌یابند تأمین گردد.

ماده ۵۳ - در مواقعی که از استاد اعظم تقاضا شود برای انجام مراسم گذرانیدن سنگهای پی پیشوائی نماید درخواست مربوطه از طرف دبیر اعظم بعمل می‌آید و او آن درخواست را برای طرح به کمیته اعظم تقدیم خواهد کرد و چنانچه درخواست مزبور پذیرفته شود کمیته اعظم اختیار دارد اقدامات لازم را در اجرا منظور، بعمل آورد.

ماده ۵۴ - چنانچه مراسم گذرانیدن سنگهای پی باید در ایالتی انجام یابد که لژ اعظم شرکت خود را در تشریفات آن مقتضی ندانسته و یا دعوت نشده باشد استاد اعظم ایالتی ترتیب مراسم مزبور را خواهد داد و در این صورت ریاست انجام مراسم مزبور با استاد اعظم ایالتی - در غیاب او استاد اعظم ایالتی قبلی یا هریک از استادان ایالتی پیشین یا قائم مقام یا معاون استاد اعظم ایالتی یا سرپرست اعظم ایالت اول یا دوم و در غیاب آنها با استاد ارجمند لژ تابع ارشد در آن ایالت خواهد بود. در صورتیکه فعالیت لژ اعظم ایالتی در حال توقف باشد لژ اعظم یا کمیته اعظم یکی از برادران

واجد شرایط را برای پیشوائی در انجام مراسم مزبور تعیین خواهد کرد و او خود سایر افسران لازم را انتخاب خواهد نمود .

ماده ۵۵- يك لژ تابع مراسم نهادن سنگهای پی در صورتی که در منطقه مرکزی باید انجام شود با اجازه قبلی لژ اعظم یا کمیته اعظم انجام خواهد داد و چنانچه مراسم مزبور باید در حوزه ایالتی و یا ناحیه‌ای انجام یابد با موافقت استاد اعظم ایالت یا ناحیه مربوطه باین کار اقدام خواهد شد .

ماده ۵۶- موقعی که لژهای اعظم ایالتی برای مراسم تأسیس با جهت انجام سایر تشریفات ماسونی محتاج به گرفتن ظروف مخصوص به تقدیس از لژ اعظم باشند. درخواست مربوطه باید از طریق دبیر اعظم بعمل آید و تمام مخارج مربوطه به نقل و انتقال ظروف مزبور و غیره بر عهده اشخاص درخواست کننده خواهد بود.
ماده ۵۷- در تمام جلسات ارتباطیه و در تمام تظاهرات دسته جمعی و در کلیه اعمال دیگر در لژ اعظم مراتب تقدم و تأخر بشرح زیر تنظیم می شود .

مقام «پیشین» به افسران اعظم پیشین و استادان اعظم پیشین ایالتی و ناحیه‌ای که عضو واجد شرایط لژ اعظم باشند داده می شود و افسران اعظم افتخاری بلافاصله بعد از افسران اعظم هم منصب خود در ردیف اقدمیت قرار خواهند گرفت .

استاد اعظم - استادان اعظم پیشین - قائم مقام استاد اعظم - قائم مقامان پیشین
استاد اعظم - معاون استاد اعظم - معاونین پیشین استاد اعظم - استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و نمایندگان استادان اعظم ناحیه - نمایندگان لژهای اعظم وابسته -
سرپرستان اعظم - سرپرستان اعظم پیشین - دبیر اعظم - دبیران اعظم پیشین -
خزانه دار اعظم - خزانه داران اعظم پیشین - امین خیرید اعظم - امنای خیریه
اعظم پیشین - خطبای اعظم - خطبای اعظم پیشین - راهنمایان اعظم پیشین - مدیر
اعظم تشریفات - مدیران اعظم تشریفات پیشین - کتابدار اعظم - کتابدار اعظم پیشین -
مهندس لژ اعظم - مهندسين پیشین لژ اعظم - زیوردار اعظم - زیورداران اعظم

پیشین - کتاب بر اعظم - کتاب بران اعظم پیشین - شاعر اعظم - شاعران اعظم پیشین -
 شمشیردار اعظم - شمشیرداران اعظم پیشین - مدیر اعظم موسیقی - مدیران اعظم
 پیشین موسیقی - معاون اعظم تشریفات - معاون دبیر اعظم تشریفات پیشین -
 معاون دبیر اعظم - معاونین دبیران اعظم پیشین - اعضاء کمیته اعظم - ارگ نواز
 اعظم - ارگ نوازان اعظم پیشین - نی نواز اعظم - نی نوازان اعظم پیشین - مدیر
 اعظم انتظامات - مدیران اعظم پیشین انتظامات - بیرق دار اعظم اول - بیرق دار
 اعظم دوم - بیرق داران اعظم پیشین و نگهبان اعظم داخلی - نگهبانان داخلی اعظم
 پیشین - رئیس کارپردازان عظام - رؤسای کارپردازان عظام پیشین - کارپردازان
 اعظم - نگهبان خارجی اعظم .

ماده ۵۸ - سایر اعضاء لژ اعظم بلافاصله بعد از افسران اعظم - افسران اعظم
 پیشین - استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و سایر کسانی که در ماده ۵۷ عنوان آنها ذکر
 گردید هر يك بر حسب اقدمیت لژهای خود به نحوی قرار می‌گیرند که نام لژ آنها
 در فهرست لژ اعظم ثبت شده است .

ماده ۵۹ - ترتیب تقدم لژهای تابع بر حسب اقدمیت آنها به نحو ثبت شده
 در فهرست لژ اعظم خواهد بود و افسران آنها بر حسب تقدم پست‌هایشان قرار
 خواهند گرفت .

ماده ۶۰ - در تمام تظاهرات دسته جمعی حمل چکش در منطقه مرکزی با
 ارشدترین عضو غیر افسر لژ شماره ۸ «بنایان روزمزد» می‌باشد و حمل ابزار کار
 در این تظاهرات با کار آموزان همان لژ می‌باشد . در موارد دیگر موقعی که لژ
 اعظم گذاردن سنگهای پی را پیشوائی می‌نماید اعضاء مشابه لژ تابع ارشد ایالتی
 یا ناحیه‌ای عهده دار انجام وظائف خواهند بود . سایر لوازم در تمام موارد باید
 توسط افسران لژ اعظم حمل گردد .

ماده ۶۱ - تظاهرات دسته جمعی یا عمومی خاندان با بکار بردن زیورآلات
 ماسونی ممنوع است مگر با اجازه استادبنای اعظم یا استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای

و در غیاب آنها قائم مقام یا معاون استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در منطقه مرکزی با اجازه رئیس کمیته منطقه مرکزی .

ماده ۶۲ - استادان ارجمند و سرپرستان لژهای تابع که مایل باشند شخصاً به نمایندگی از طرف لژهای خود در لژ اعظم حضور یابند باید بلافاصله بعد از تنصیب مراتب را به وسیله دبیر لژ خود به اطلاع دبیر اعظم برسانند و این اطلاعیه هیچ وقت نباید دیرتر از ۱۵ ژانویه بعدی اعلام گردد .

ماده ۶۳ - هر لژ تابعی که استاد ارجمند آن بروفق ماده قبل در لژ اعظم حضور نیابد می‌تواند يك استاد واجد شرایط را بعنوان استاد وکیل به نمایندگی خود در لژ اعظم تعیین نماید و این نماینده اختیار دارد در صورت لزوم وکلای برای سرپرستان لژ معین نماید .

ماده ۶۴ - تعیین نمایندگان لژهای تابع باید در روز انتخابات سالیانه افسران لژ بعمل آید و اسناد مأموریت کلیه نمایندگان لژهای تابع به استثنای لژهایی که در خارجه واقع است باید قبل از روز پانزدهم ژانویه در اختیار دبیر اعظم گذاشته شود و اسناد مأموریت وکلای لژهای واقع در خارجه در هر موقع قابل پذیرش است. در مورد لژهایی که از طرف استاد ارجمند نماینده تعیین نشده باشد و همچنین در صورتیکه وکیل استاد ارجمند نماینده سرپرستان را معین ننماید کمیته اعظم اختیار دارد که خود نمایندگان مزبور را تعیین نماید . اشخاص که بدین صورت تعیین می‌شوند دارای همان اختیارات و مزایا و تابع همان مقررات بوده و عیناً مانند این است که طبق ماده ۶۳ یا ۶۷ قانون تعیین شده باشند .

ماده ۶۵ - لژ تابعی که از طرف آن نماینده استاد ارجمند طبق مواد ۶۳ و ۶۴ تعیین شده است نمی‌تواند به وسیله استاد ارجمند خود در لژ اعظم شرکت نماید مگر اینکه نمایندگی که قبلاً داده است بروفق ماده ۶۶ ملغی شده باشد .

ماده ۶۶ - لژ تابعی که به وسیله وکیل در لژ اعظم دارای نماینده می‌باشد نمی‌تواند نمایندگی مزبور را لغو و باطل نماید مگر در روز انتخابات سالیانه

افسران لژ و همچنین مأموریت وکیل ملغی شده است مگر در صورتیکه ابلاغ آن در ظرف ۱۴ روز بعد از تاریخ الغاء یا ابطال به وسیله پست سفارشی برای دبیر اعظم و استاد و کیلی که دارای مأموریت ملغی شده بوده است ارسال گردد .

ماده ۶۷ - در صورت فوت - استعفاء یا سلب صلاحیت وکیل استاد لژ تابعی که این نمایندگی را داده است می تواند فوراً تشکیل جلسه داده و استاد وکیل دیگری انتخاب نماید ولی باین حال سرپرستان وکیل که قبلاً تعیین شده اند تا روز انتخابات سالیانه افسران لژ به نمایندگی خود ادامه خواهند داد .

ماده ۶۸ - استاد وکیل می تواند وکلای سرپرستان لژ مربوطه را که برای آن سال مقرری سالیانه خود را پرداخت کرده اند تغییر دهد مگر در مورد فوت - سلب صلاحیت یا استعفاء .

ماده ۶۹ - تعیین نماینده از طرف لژهایی که در پرداخت مقرری های خود تأخیر کرده باشند پذیرفته نمی شود و چنانچه لژی یکسال در این پرداخت تأخیر کرد یا معلق شده و یا اینکه فعالیت آن در حال توقف باشد این نمایندگی ها بلافاصله از درجه اعتبار ساقط خواهند شد .

ماده ۷۰ - همینکه دبیر اعظم مأموریت محوله به يك استاد وکیل را منظم و رضایت بخش تشخیص داد موضوع در فهرست لژ اعظم به ثبت رسیده و گزارش مربوطه به جلسه ارناطیه بعدی داده خواهد شد. برای اینکه وکالت یا نمایندگی به ثبت برسد بایستی مقرری مخصوص مذکور در بند هفتم قسمت اول از فهرست اول پرداخت شده باشد .

ماده ۷۱ - هر لژ اعظم ناحیه ای می تواند يك عضو واجد شرایط هر يك از لژهای تابع را که دارای وضع مرتب باشد بعنوان نماینده استاد اعظم ناحیه ای تعیین نماید و این نماینده می تواند در لژ اعظم به این سمت انجام وظیفه نموده در رأی شرکت نماید .

ماده ۷۲ - هیچ برادر نمی تواند در عین حال نمایندگی بیش از يك لژ اعظم

ناحیه‌ای یا لژ تابع را قبول نماید.

ماده ۷۳ - چنانچه برادری شخصی را که عضو واجد شرایط لژ اعظم نیست به این عنوان وارد لژ اعظم نموده یا در رأی دادن شریک کند و یا چنین شخصی را در یکی از این کارها کمک و معاونت نماید از تمام مزایای ماسونی تا هر موقع که لژ اعظم صلاح بداند خلع می‌شود و همین مجازات در باره شخصی که برخلاف این ترتیب و به این عنوان داخل شده یا رأی داده است چنانچه عضو خاندان ماسونی اسکاتلندی باشد اعمال خواهد شد .

ماده ۷۴ - هر عضو لژ اعظم به استثنای نمایندگان لژهای تابع باید بعنوان دلیل عضویت خود مبلغ تعیین شده در بندیک قسمت یک از فهرست اول راسالیانه پرداخت نماید . حق عضویت اعضاء باید در هر موقع از سال که اسم آنها در صورت اعضاء منظم آن سال وارد می‌شود پرداخت گردد .

ماده ۷۵ - فهرست اسامی اعضاء لژ اعظم باید روز اول فوریه هر سال تنظیم گردد و حاوی اسامی تمام برادرانی که در آن روز اعضاء واجد شرایط لژ اعظم شناخته شده باشند خواهد بود و فقط اعضاء موسوم در فهرست مزبور صلاحیت دارند در جلسات ارتباطیه فصلی که تا قبل از جلسه ارتباطیه فوریه سال بعد تشکیل می‌گردد در لژ اعظم رأی دهند - به استثنای موارد زیر :

۱ - نام برادرانی که بجای اعضاء متوفی یا مستغفی و یا آنهایی که سلب صلاحیت از آنها شده است وارد لژ اعظم می‌شوند ممکن است در هر موقع از سال در فهرست مزبور ثبت گردد .

۲ - اسامی نمایندگان لژهای تابع واقع در خارجه را ممکن است در هر موقع از سال وارد فهرست نمود .

۳ - اسامی نمایندگان لژهای تابعی که افسران خود را در ماه ژوئن در روز سینت جان تعیین می‌کنند می‌توان تا تاریخ اولین دوشنبه ماه اوت همان سال وارد فهرست اسامی اعضاء لژ اعظم نمود .

ماده ۷۶ - هر لژ تابع باید حقوق مربوط به گواهینامه سالیانه و نمایندگی خود را در لژ اعظم قبل از اول ژانویه همان سال پرداخت نماید .

ماده ۷۷ - به کلیه اعضاء لژ اعظم - تمام لژها و همچنین به تمام برادران عموماً توصیه می شود از آخرین چاپ این قوانین که به وسیله مقامات لژ اعظم چاپ و منتشر شده باشد نسخه یا نسخه‌هایی برای خود تهیه نمایند بهای این نسخه‌ها از طرف کمیته اعظم تعیین می گردد .

ماده ۷۸ - استاد بنای اعظم اختیار دارد برادران ممتاز را برای عضویت افتخاری لژ اعظم نامزد نماید . این عضویت باید از طرف لژ اعظم تأیید گردد .

ماده ۷۹ - اعضاء افتخاری در لژ اعظم حق رأی ندارند .

ماده ۸۰ - نشان اعضاء افتخاری روی سینه گذارده می شود .

ماده ۸۱ - نمایندگان لژ اعظم در لژهای اعظم وابسته ممکن است در هر يك از جلسات ارتباطیه فصلی تعیین گردند .

نمایندگان لژهای اعظم وابسته را ممکن است در هر جلسه ارتباطیه فصلی به محض ارائه شدن سند مأموریت آنها پذیرفت. این نمایندگان باید اعضاء لژ اعظم باشند و بعد از آنکه به این عنوان پذیرفته شدند در ردیف این قبیل نمایندگان جای داده خواهند شد .

ماده ۸۲ - اعضائی که در لژهای اعظم وابسته نماینده می شوند می توانند مانند افسران اعظم ملبس به لباس‌های زیر شوند :

پیش بند - گردن بند - نشان باروبان .

نشان‌هایی که از طرف لژ اعظم تهیه شده است متعلق به لژ اعظم خواهد بود و به نماینده جدیدی که برای يك لژ اعظم وابسته تعیین می شود موقتاً داده می شود .

ماده ۸۳ - به برادرانی که دارای لیاقت عالی و برجسته بوده و نسبت به خاندان خدمت کرده باشند ممکن است بنا به تعیین استاد بنای اعظم هر درجه افسری افتخاری لژ اعظم که مناسب تشخیص شود اعطاء گردد .

ماده ۸۴ - درجات فراماسونی که از طرف لژ اعظم اجازه آن داده شده و اداره می‌شود عبارتند از کارآموزی - کاریاری (که متضمن مارك نیز می‌باشد) و درجه استاد ماسونی .

ماده ۸۵ - لژ اعظم تشریفات تنصیب استاد ارجمند را به رسمیت می‌شناسد . این تشریفات فقط در باره استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و یا در باره استادان ارجمند لژهای تابع در موقع تنصیب آنها یا در دوره‌ای که صندلی ریاست را اشغال کرده‌اند و همچنین در باره هر استاد قبلی یا پیشین که برای ریاست لژ به مدت یکسال بعنوان استاد ارجمند انتخاب شده باشد اجرا می‌گردد .

این تشریفات باید در حضور لااقل سه استاد تنصیب شده اجرا گردد. در مورد لژهایی که سه استاد تنصیب شده حاضر نداشته باشند استاد ارجمند آن لژ یا هر استاد پیشین آن می‌تواند تشریفات مزبور را در لژ دیگری که سه استاد تنصیب شده حاضر داشته باشد اجرا کند مشروط بر اینکه مدرک کافی به استادان تنصیب شده مزبور ارائه دهد مبنی بر اینکه او عملاً و قانوناً استاد ارجمند آن لژ بوده و یا اینکه مدت یکسال باین عنوان خدمت کرده است. در مورد لژهای واقع در خارجه تشریفات مزبور را ممکن است با اجازه معافیت مخصوصی که از طرف استاد اعظم ناحیه‌ای صادر شده باشد با حضور یکی یا بیشتر از استادان تنصیب شده اجرا نمود و در این موارد چنانچه لژ اعظم ناحیه‌ای وجود نداشته باشد اجازه معافیت باید از طرف کمیته اعظم صادر گردد . برای اینکه استاد ارجمندی استحقاق دریافت دیپلم استاد تنصیب شده را از لژ اعظم احراز نماید گواهی‌های زیر باید از طرف دبیر لژ جهت استاد لژ اعظم ارسال گردد :

۱ - يك گواهی امضاء شده از طرف سه استاد تنصیب شده که نام آنها باین عنوان در لژ اعظم به ثبت رسیده باشد مبنی بر اینکه تشریفات مزبور در باره برادر مورد نظر بموقع اجرا گذاشته شده است (این گواهی در مورد لژهای واقع در خارجه ممکن است تحت شرایط مذکور در فوق فقط دارای يك امضاء یا بیشتر از استادان

تنصیب شده و ثبت شده به نحو فوق باشد).

۲ - يك گواهی به امضای دبیر لژ مبنی بر اینکه برادر مزبور مدت یکسال صندلی ریاست لژ را به عنوان استاد ارجمند اشغال کرده است. جهت صدور این دیپلم و ثبت آن بایستی حقوق مذکور در بند ۱۲ از قسمت اول از فهرست اول به لژ اعظم پرداخت گردد.

ماده ۸۶ - اختیار صدور دیپلمهای مربوط به خاندان اسکاتلند فقط متعلق به لژ اعظم اسکاتلند می باشد در صورتیکه دیپلم برادری مفقود شده یا معدوم شده باشد المثنی آن ممکن است از طرف لژ اعظم صادر شود مشروط بر اینکه این امر از طرف لژ درخواست کننده توصیه شده و اظهار نامه ای از طرف صاحب دیپلم بصورتی که برای لژ اعظم رضایت بخش باشد با حقوق مذکور در بند ۱۵ از قسمت يك از فهرست اول به دبیر اعظم رسیده باشد (این اظهار نامه باید در مقابل يك قاضی یا يك محکمه صلح یا يك سردفتر اسناد رسمی و یا در مقابل قنصل دولت انگلستان که اوضاع و احوال مفقود شدن یا معدوم شدن نسخه اصلی را گواهی نمایند اظهار شده باشد) حقوق مذکور در فوق در موارد ترمیم یا تکمیل یک دیپلم نیز باید به لژ اعظم پرداخت گردد.

ماده ۸۷ - استاد بنای اعظم یا قائم مقام و یا معاون او بنام خود و از طرف خود مختار است هر نوع معافیتی را که مقتضی بداند اعطاء نماید و لوائیکه موضوع معافیت اختصاصی در این قوانین ذکر نشده باشد. و برای هر معافیت که اعطاء شود بایستی حقوق مذکور در بند ۱۶ قسمت اول از فهرست اول به لژ اعظم پرداخت گردد.

قانون اساسی لژ اعظم ناحیه ای ایران

ماده ۱ - ترکیب لژ اعظم ناحیه ای ایران تابع قوانین اساسی لژ اعظم اسکاتلند بوده و اعضای آن عبارتند از : استاد اعظم ناحیه ای - استادان اعظم ناحیه ای - پیشین - تمام افسران اعظم لژ اعظم ناحیه با استثنای نگهبان خارجی اعظم ناحیه ای - تمام استادان ارجمند پیشین که لا اقل مدت یکسال کرسی استادی يك لژ تابع قانون اساسی اسکاتلندی را بر عهده داشته و عضو منظم يك لژ تابع واقع در حوزه ناحیه

باشند . به علاوه استادان ارجمند شاغل و سرپرستان لژهای تابع مزبور (به عنوان سمت خود در لژهای تابع) به جای استاد یا استادان ارجمند يك یا چند لژ تابع که خارج از حوزه تشکیل لژ اعظم ناحیه‌ای بوده و دارای وضع منظم باشند و همچنین به جای سرپرستان نماینده آنها شرکت خواهد نمود .

ماده ۲ - جلسات ارتباطیه - جلسات ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای در ماههای شهریور- آذر- اسفند و خرداد هر سال در روز و ساعتی که از طرف استاد اعظم ناحیه‌ای تعیین شود تشکیل خواهد شد . تمام کارها در درجه سوم انجام می‌شود و احياناً ممکن است بعضی جلسات را به عنوان تنفس تعطیل و بقیه کارهای آنرا بوقت دیگر موکول نمود مشروط به اینکه هیچ کار جدید که از ابتدا جزو دستور جلسه ارتباطیه نبوده در جلسه یا جلسات تکمیلی بعدی آن مطرح و انجام نگردد . انتهای سال مالی لژ اعظم ناحیه ایران آخر اسفند آن سال خواهد بود .

ماده ۳ - نمایندگان استاد ارجمند و سرپرستان .

الف - لژهایی که استاد ارجمند یا سرپرستان آنها قادر یا مایل به حضور یافتن در جلسات ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای نباشند می‌توانند نماینده معین کنند مشروط بر اینکه این نمایندگان از بین استادان ارجمند قبلی یا تنصیب یافته‌ای که عضو لژ اعظم ناحیه ایران باشند انتخاب شده باشند .

ب - معرفی نامه نماینده باید روی نمونه مخصوص تنظیم و لااقل سی روز قبل از روز تشکیل جلسه برای دبیر اعظم ناحیه‌ای ارسال گردد تا او بتواند به این عنوان در لژ اعظم ناحیه‌ای رأی داده و عمل نماید (نمونه مزبور از دبیر اعظم لژ اعظم ناحیه‌ای اخذ می‌گردد) .

ج - نماینده استاد ارجمند باید مراقبت نماید که انتخاب او و همچنین انتخاب نمایندگان سرپرستان لژ مربوطه قبل از اینکه در دادن رأی و سایر امور لژ اعظم ناحیه شرکت کنند توسط دبیر اعظم ناحیه‌ای به ثبت رسیده باشد .

د - لژ تابعی که بجای استاد ارجمند و سرپرستان آن در جلسات لژ اعظم ناحیه نماینده معرفی کرده است جز به وسیله آنها در جلسات مزبور شناخته نخواهد شد و لو اینکه استاد و سرپرستان مذکور در جلسه حضور یافته باشند .

ه - لغواتصاب نماینده قبل از شش ماه از تاریخ انتصاب مجاز نیست و تغییر او در ظرف این مدت فقط در صورت فوت یا استعفاء یا علل دیگری که برای کمیته اعظم ناحیه‌ای در موقع معرفی جانشین او قابل قبول باشد میسر خواهد بود .

و - استاد ارجمند هر لژ تابع موظف است مراقبت نماید که لژ او در هر جلسه ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای طبق موازین فوق معرفی و مشارکت داشته باشد .

ماده ۴- افسران انتصابی و افسران انتخابی لژ اعظم ناحیه‌ای .

الف- بطوری که در مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ قوانین اساسی لژ اعظم اسکاتلندی مصرح است قائم مقام استاد اعظم ناحیه‌ای و معاون او دبیر و خطیب یا خطبای لژ اعظم ناحیه‌ای توسط استاد اعظم ناحیه‌ای منصوب می‌شوند و تغییر آنها نیز در صلاحیت او خواهد بود و همچنین تعیین و انتصاب نظار منطقه‌ای برای قسمتهائی از ناحیه که احتیاج به ناظر داشته باشد به عهده استاد اعظم ناحیه‌ای می‌باشد.

ب - بقیه افسران ناحیه‌ای سوای استاد اعظم قبلی ناحیه‌ای انتخابی بوده و همه ساله در جلسه ارتباطیه ماه سپتامبر لژ اعظم ناحیه‌ای انتخاب می‌گردند و عبارت خواهند بود از:

سرپرست اعظم اول ناحیه‌ای - سرپرست اعظم دوم ناحیه‌ای - خزانه‌دار اعظم ناحیه‌ای - امین خیریه اعظم ناحیه‌ای - راهنمای اعظم اول ناحیه‌ای - راهنمای اعظم دوم ناحیه‌ای - رئیس تشریفات اعظم ناحیه‌ای - کتابدار اعظم ناحیه‌ای زیوردار اعظم ناحیه‌ای - کتاب‌بر اعظم ناحیه‌ای - شمشیردار اعظم ناحیه‌ای - ارگ نواز اعظم ناحیه‌ای - مدیر اعظم انتظامات ناحیه‌ای - نگهبان داخلی اعظم ناحیه‌ای -

رئیس اعظم کارپردازان ناحیه‌ای^۱ نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای .

ج - تمام افسران اعظم ناحیه‌ای و تمام اعضای کمیته اعظم ناحیه‌ای باید محل اقامتی در حوزة لژ اعظم ناحیه‌ای برای خود تعیین نمایند .

د - استاد اعظم ناحیه‌ای می‌تواند هر يك از اعضاء لژهای تابع را که خدمتی ارزنده نسبت به طریقت بنائی آزاد اسکا تلندی انجام داده باشند برای افسری افتخاری لژ اعظم اسکا تلندی پیشنهاد کند .

ماده ۵ - انتخاب افسران : انتخابات افسران انتخابی در لژ اعظم ناحیه‌ای در جلسه ارتباطیه ماه سپتامبر هر سال صورت می‌پذیرد . کمیته اعظم ناحیه‌ای قبلاً فهرستی مشتمل بر اسامی برادرانی که شایسته هر پست تشخیص می‌دهد تهیه و نام آنها را در دعوتنامه ذکر و در جلسه انتخابات توصیه می‌نماید ولی این توصیه حق اعضاء لژ اعظم را از اینکه نامزدان واجد شرایط دیگری طبق مقرر پیشنهاد کنند سلب نخواهد نمود و نسبت به پیشنهادهای در جلسه انتخاب بوسیله رأی کتبی و جملگی به اکثریت صورت خواهد گرفت و هیچ برادر غایب را نمی‌توان نامزد سمتی نمود مگر اینکه رضایت کتبی او قبلاً تحصیل و در موقع معرفی یا پیشنهاد ارائه داده شود .

ماده ۶ - دبیر اعظم ناحیه‌ای صدور دعوتنامه برای تمام جلسات لژ اعظم ناحیه‌ای و همچنین جلسات کمیته اعظم ناحیه‌ای با دبیر اعظم ناحیه‌ای می‌باشد که باید خود در تمام جلسات مزبور شرکت نموده صورت مجلس تهیه و کلیه کارهایی که معمولاً به عهده دبیر می‌باشد بانجام رساند . حفظ و حراست اسناد و دفاتر و اسناد مربوط به اموال منقول و غیر منقول لژ اعظم ناحیه‌ای باستثنای آنچه از دفاتر و اسناد که اختصاصاً در زیر کلید خزانه‌دار است و انجام سایر وظایف مقرر در قوانین اساسی به عهده دبیر اعظم ناحیه‌ای می‌باشد . او باید فهرستی

۱ - در هر سال لژ اعظم ناحیه‌ای از بین اعضاء واجد شرایط خود هیئتی را به عنوان هیأت کارپردازان اعظم ناحیه‌ای انتخاب می‌نماید و وظایف این هیئت در ناحیه نظیر وظایف هیئت کارپردازان اعظم در لژ اعظم می‌باشد . لژ اعظم ناحیه‌ای می‌تواند در هر سال در حدود فهرست مجاز و مندرج در قوانین اسکا تلندی افسران دیگری که لازم داشته باشد انتخاب نماید .

از اسامی افسران و اعضای که لژ اعظم ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهند همه‌ساله بعد از جلسه تنصیب آنها تنظیم و نگهداری نماید و با لژ اعظم اسکاتلند و یالزهای تابع و همچنین با برادران در موضوعات مربوط به لژ اعظم و لژ ناحیه‌ای مکاتبه نماید

ماده ۷ - خزانه دار اعظم ناحیه‌ای.

دریافت تمام وجوهی که باید به لژ اعظم ناحیه‌ای برسد و نگاهداری حساب منظم آنها و نیز تهیه و تقدیم حساب سالیانه به لژ اعظم ناحیه در جلسه ارتباطیه ماه سپتامبر به عهده خزانه دار می‌باشد که باید به دستور استاد اعظم ناحیه‌ای و در غیاب او به دستور قائم مقام و یا نبودن قائم مقام به دستور معاون استاد اعظم ناحیه‌ای تمام مخارج جاری لژ اعظم ناحیه‌ای را پرداخت کند. تمام وجوه دریافتی باید به حساب معینی در بانک سپرده شود و برداشت از این حساب باد و امضاء از پنج امضاء زیر میسر خواهد بود: استاد اعظم ناحیه‌ای یا قائم مقام استاد اعظم - معاون استاد اعظم ناحیه‌ای - دبیر اعظم ناحیه‌ای - خزانه دار اعظم ناحیه‌ای .

ماده ۸ - نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای - حضور یافتن به موقع و به مدت کافی برای آماده نمودن اطاق لژ جهت تشکیل جلسه، زیر نظر قراردادن هر کس که به لژ نزدیک می‌شود و مراقبت در اینکه دفتر حضور و غیاب از طرف امضاء و مهمانان به امضاء برسد و همچنین مسئولیت البسه و زیور آلات (در مواقع تشکیل جلسات) بر عهده نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای می‌باشد .

ماده ۹ - کمیته اعظم ناحیه‌ای

الف - این کمیته مرکب است از استاد اعظم ناحیه‌ای و استادان اعظم پیشین ناحیه‌ای و قائم مقام و معاون استاد اعظم ناحیه‌ای و صاحبان پیشین این سمت‌ها و سرپرستان اعظم ناحیه‌ای و دبیر اعظم ناحیه‌ای و خزانه دار اعظم ناحیه‌ای و امین اعظم خیریه ناحیه‌ای یا معاونت هر یک از سه عضو اخیر الذکر در صورت غیبت آنان - کمیته اعظم ناحیه‌ای تحت ریاست اعظم ناحیه‌ای و در صورت غیبت او به ریاست عضوی که در سلسله مراتب مندرج در قوانین اساسی اسکاتلندی برای جانشینی رئیس در لژها تعیین شده است تشکیل می‌گردد و با حضور پنج نفر از امضاء رسمیت خواهد

یافت و امور عمومی لژهای تابع واقع در ناحیه را طبق اختیارات و وظائفی شبیه به اختیارات و وظائف کمیته لژ اعظم با تغییرات لازم جهت انطباق با رعایت سایر موازین این آئین نامه اداره خواهد نمود و حداقل چهار مرتبه در سال تشکیل می‌گردد -
 دعوتنامه برای جلسات کمیته اعظم ناحیه‌ای با دستور جلسه باید لااقل ۱۵ روز قبل (جز در موارد ضروری) با اطلاع اعضاء برساند برای جلسات فوری نیز باید اعضاء لااقل پنج روز قبل از تاریخ دستور جلسه مطلع گردند. کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند به تعدادی که صلاح بداند و در مواردی که لازم تشخیص دهد کمیته‌های فرعی از بین اعضاء خود انتخاب و تعیین نماید.

ب - کمیته اعظم ناحیه‌ای یکی از اعضاء لژ اعظم ناحیه‌ای را که در امر حسابرسی دارای تجربه و معلومات لازم باشد معین می‌نماید که حسابهای صندوق‌های لژ اعظم ناحیه را رسیدگی و حسابرسی نموده و گزارش وضع آنها را طبق روش معمول در لژ اعظم اسکاتلند تهیه و به لژ اعظم ناحیه‌ای بدهد.

ج - کمیته اعظم ناحیه‌ای اختیار تام دارد که اسناد و اوراق و دفاتر مربوط به حسابها را تا آنجا که احتیاج داشته باشد خواسته و مورد امتحان و رسیدگی قرار دهد. کسیکه ریاست جلسه کمیته اعظم ناحیه‌ای را عهده‌دار است دارای حق رأی در این کمیته بوده و در صورت تساوی آراء طرفی که رأی رئیس در آن واقع است برنده شناخته می‌شود.

د - کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند موضوعی را که نزد او مطرح شده در صورتیکه صلاح بداند به یک کمیته فرعی که از اعضاء خود تشکیل می‌دهد ارجاع نماید و استاد اعظم ناحیه‌ای در هر جلسه از کمیته‌های فرعی که حضور داشته باشد ریاست آنرا بر عهده خواهد داشت.

ماده ۱۰ - استاد اعظم ناحیه شخصاً یا به وسیله قائم مقام یا معاون خود همه ساله هر يك از لژهای تابع را که در حوزه مسئولیت او واقع است سرکشی نموده در هر موقع و در هر مکان که صلاح بداند جلسه لژ اعظم ناحیه‌ای را دعوت و

تشکیل داده و در موارد لزوم به لژ اعظم اسکاتلند گزارش خواهد داد ، قبل از سرکشی‌های مزبور دبیر اعظم ناحیه‌ای باید استاد لژ تابعی را که لژ او مورد سرکشی واقع می‌شود به وسیله اطلاعیه‌ای مطلع نمایند .

ماده ۱۱ - زیورها - نشانها و علامات لژ اعظم ناحیه‌ای .

الف - زیورها و نشانها طبق قوانین لژ اعظم اسکاتلند تهیه خواهد شد .

ب - لژ اعظم ناحیه ایران می‌تواند علامات خاصی برای خود انتخاب نماید .

ج - شعار لژ اعظم ناحیه‌ای ایران عبارت است از :

به افتخار نوع بشر

ماده ۱۲ - لژهای تابع - حقوقی که باید از طرف هر لژ تابع واقع در ناحیه

به لژ اعظم ناحیه‌ای پرداخت شود هر چند وقت یکبار بر اساس ماده ۱۴۰ قوانین

اساسی لژ اعظم اسکاتلند از طرف لژ اعظم ناحیه‌ای ایران تعیین می‌شود و تمام حقوقی

که لژهای تابعه مزبور باید به لژ اعظم اسکاتلند پرداخت نمایند تحویل دبیر اعظم

لژ اعظم ناحیه‌ای می‌شود که برای لژ اعظم اسکاتلندی ارسال دارد .

ماده ۱۳ - حقوقی که اعضاء باید پرداخت کنند .

الف - هر يك از اعضاء لژ اعظم ناحیه‌ای ایران (به استثنای نگهبان خارجی

استاد اعظم ناحیه و استادان اعظم پیشین ناحیه‌ای و سرپرستان لژهای تابعه واقع

در ناحیه) در صورتی دارای وضع مرتب خواهند بود که همه ساله قبل از ۳۱ اکتبر

آن سال مبلغ هفتصد ریال به عنوان حق عضویت به لژ اعظم ناحیه‌ای پرداخت

نمایند و این حقوق علاوه بر مبلغی است که هر يك از افسران لژ اعظم ناحیه‌ای

باید بابت حق سمت افسری خود در لژ اعظم پرداخت نمایند و در صورت تأخیر يك

سال در پرداخت حق عضویت فوق‌الذکر حق شرکت در رأی، از عضو تأخیر کننده

سلب می‌شود .

ب - چنانچه برادری بعد از اتمام دوره ریاست خود در لژ مایل نباشد به

عضویت خود در لژ اعظم ناحیه‌ای ادامه دهد باید فوراً دبیر اعظم ناحیه‌ای را کتباً

مطلع نماید و در غیر این صورت نام او کماکان در لیست اعضاء لژ اعظم ناحیه‌ای باقی خواهد ماند .

ج - پرداخت حقوق عضویت ده سال بطور يك جا عضو پرداخت کننده راعضو دائمی لژ اعظم ناحیه‌ای قرار خواهد داد ولی فقط استادان ارجمند پیشین و استادان ارجمند شاغل حق دارند از این مزیت استفاده نمایند .

د - حقوقی که افسران باید پرداخت کنند .

افسران اعظم لژ اعظم ناحیه‌ای باید در موقع شروع به خدمت افسری حقوق مخصوص زیر را پرداخت نمایند :

۲۵۰۰ ریال	استاد اعظم ناحیه‌ای
۱۵۰۰	قائم مقام استاد اعظم ناحیه‌ای
۱۲۰۰	معاون استاد اعظم ناحیه‌ای
۱۰۰۰	ناظر اعظم مخصوص يك منطقه از ناحیه
۷۰۰	سرپرست اعظم اول ناحیه‌ای
۷۰۰	سرپرست اعظم دوم ناحیه‌ای
۵۰۰	دبیر اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	خطیب اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	خزانه دار اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	امین اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	راهنمای اعظم اول ناحیه‌ای
۵۰۰	راهنمای دوم اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	مدیر اعظم تشریفات ناحیه‌ای
۵۰۰	معاون دبیر اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	کتابدار اعظم ناحیه‌ای

۵۰۰ ریال	معمار اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	زیور دار اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	کتاب بر اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	شاعر اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	شمشیر دار اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	مدیر موسیقی اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	ارگ نواز اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	مدیر انتظامات اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	بیرق دار اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	نکبه‌بان داخلی اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	رئیس اعظم مباشرین اعظم ناحیه‌ای
‘ ۵۰۰	مباشر یا مهماندار اعظم ناحیه‌ای

۵ - حقوق مذکور در فوق باید عیناً از طرف برادرانی هم که سمتهای فوق را بطور افتخاری دریافت می‌دارند پرداخت گردد مگر اینکه صراحتاً استاد اعظم ناحیه‌ای آنها را از پرداخت آن معاف نموده باشد .

۶ - حقوق فوق‌الذکر باید فوراً بعد از جلسه تنصیب پرداخت گردد و در صورتیکه ظرف شش ماه از آن تاریخ پرداخت نشود سمت افسری مربوطه ممکن است بلامتصدی اعلام گردد ولی این اعلام برادر تأخیرکننده را از مسئولیت پرداخت حقوق معوقه در مقابل لژ اعظم ناحیه‌ای مبری نخواهد ساخت .

۷ - حقوقی که بابت تعیین نماینده از طرف سرپرستان آن به لژ اعظم ناحیه‌ای پرداخت می‌شود ۱۰۰ ریال است و این حقوق باید از وجوه لژ تابع مربوطه پرداخت شود

۸ - کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند در صورت تمایل دبیر اعظم ناحیه و خزانه

دار اعظم ناحیه‌ای یا معاونین آنها را از پرداخت کلیه حقوقی که باید از طرف آنها تأدیه شود معاف نماید.

ماده ۱۴- حقوقی که هر لژ تابع علاوه بر پرداختی به لژ اعظم ناحیه‌ای باید به لژ اعظم ناحیه‌ای بپردازد بشرح زیر است :

الف - حقوق سالیانه ۱۰۰۰ ریال

ب - بابت ورود هر داوطلب یا هر الحاق ۲۰۰ ریال

ج - بابت هر عضو لژ تابع که دارای درجه استادی باشد ۵۰ ریال

د - بابت عضویت دائمی در لژ (بطور مقطوع) ۵۰۰ ریال

ه - بابت هر معافیت یا هر کسب اجازه مخصوص و یا اجازه تغییر آئین نامه و

نظائر آن که احتیاج به تصویب لژ اعظم ناحیه داشته باشد ۵۰ ریال

ماده ۱۵ - حسابهای زیر باید توسط لژ اعظم ناحیه‌ای ایران ایجاد و افتتاح

گردد .

الف - حساب عمومی - این حساب برای تمام دریافتی‌ها و مخارجی که طبق

ماده ۷ مجاز باشد ایجاد و نگهداری می‌شود .

ب - حساب وجوه خیر .

۱- از حقوقی که بابت ورود یا الحاق هر تازه وارد به لژ اعظم ناحیه‌ای

پرداخت می‌شود مبلغ پنجاه ریال به حساب وجوه خیریه لژ اعظم ناحیه‌ای ریخته

می‌شود .

۲- کلیه حقوقی که افسران اعظم ناحیه‌ای سالیانه بابت سمت افسری خود به

لژ اعظم ناحیه پرداخت می‌نمایند .

تبصره - این حساب از حساب وجوه عمومی لژ اعظم ناحیه جداگانه نگاه -

داشته می‌شود و استفاده از آن منوط به تصمیمات کمیته اعظم ناحیه‌ای خواهد بود .

ماده ۱۶- اصلاح یا تغییر آئین نامه- هیچ پیشنهاد اصلاح یا تغییر یا اضافه به

این آئین نامه (یا به مواد تغییر یافته و یا اضافه به آن) در لژ اعظم ناحیه‌ای به عمل

نخواهد آمد مگر اینکه بصورت کتبی واصل و موضوع در دعوتنامه جلسه‌ای که پیشنهاد باید در آن مطرح شود درج شده باشد و در این صورت نیز موافقت اکثریت دوثلث اعضاء حاضر واجد شرایط دادن رأی در جلسه مزبور و تصویب از طرف لژ اعظم اسکاتلندی ضروری است و بدون طی این مراحل صورت قانونی نخواهد گرفت. ماده ۱۷- در موارد پیش بینی نشده در این آئین نامه طبق قوانین اساسی لژ بزرگ اسکاتلند (مخصوصاً مواد ۱۱۶ تا ۱۴۳) رفتار خواهد شد و هر مورد که مغایرتی بین مواد این آئین نامه با قوانین اساسی مزبور استنباط شود مفهوم قوانین اساسی لژ بزرگ اسکاتلند معتبر و متبع می‌باشد.

این آئین نامه بتصویب کمیته اعظم لژ اعظم اسکاتلند رسیده و اجازه اجرای آن داده شده است.

لژهای تابع

ماده ۱۴۴- هرگاه عده‌ای از استادان منظم بنائی آزاد که تعداد آنها از هفت نفر کمتر نباشد بخواهند لژ تابع جدیدی تأسیس کنند می‌توانند بوسیله یک درخواست دلائلی که به موجب آن شائق ایجاد چنین لژ جدیدی هستند اظهار داشته و از لژ اعظم استدعا کنند آنها را بصورت یک لژ منظم در آورده و به آنها فرمان لازم را اعطا نماید.

ماده ۱۴۵- درخواست کنندگان لژ جدید باید به ضمیمه درخواست خود توصیه‌ای ممضی به امضای استاد ارجمند و سرپرستان لژ تابع دیگر واقع در ایالت یا ناحیه‌ای که لژ جدید را می‌خواهند در آن تأسیس کنند تقدیم دارند.

استاد ارجمند و سرپرستان توصیه کننده باید قبلاً موافقت لژهای خود را جلب کرده باشند. این درخواست باید مورد تأیید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای مربوطه بوده و در صورتیکه محل پیشنهادی در منطقه مرکزی باشد مورد تأیید کمیته منطقه مرکزی واقع گردد و در صورتیکه درخواست برای تأسیس لژی داده شود که محل پیشنهادی آن خارج از منطقه مرکزی بوده و در قلمرو هیچ لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای نباشد باید توصیه استاد ارجمند و سرپرستان لژ که در نزدیکی محل لژ پیشنهاد شده

واقع باشند ضمیمه گردد. توصیه مزبور پس از جلب موافقت لژهای مربوطه صادر خواهد شد .

ماده ۱۴۶ - هر فرمان مورخ بتاریخ اعطاء آن بوده و ترتیب تقدم لژهای تابع از این رو تعیین می گردد کلیه فرامین باید بوسیله دبیر اعظم در دفتر ثبت فرامین لژ اعظم ثبت گردد .

ماده ۱۴۷ - حقوقی که باید بابت هر فرمان به لژ اعظم تأدیه شود در بند ۴ قسمت اول از فهرست اول تعیین گردیده و این مبلغ بایستی در موقع تسلیم درخواست به دبیر اعظم پرداخت گردد هر يك از برادران واجد شرایطی که درخواست فرمان می کنند بعد از صدور فرمان باید حقوق مخصوص مذکور در بند ۵ قسمت اول از فهرست اول را به لژ اعظم پرداخت کنند . و همچنین باید حقوق مذکور در بند ۱۰ قسمت سوم از فهرست اول به لژی که تأسیس می شود بپردازد .

ماده ۱۴۸ - مراقبت در حفاظت کامل فرمان يك لژ وظیفه خاص استاد ارجمند می باشد. هرگاه فرمان يك لژ مفقود - معدوم یا مورد تصرف غیر قانونی واقع شود صدور المثنی ممکن است از طرف کمیته اعظم اجازه داده شود و برای صدور المثنی حقوق مذکور در بند ۱۴ قسمت اول از فهرست اول باید پرداخت گردد. این المثنی باید به امضای استاد بنای اعظم و دبیر اعظم برسد و دارای همان قوت و اعتبار نسخه اصلی خواهد بود. تقاضای صدور المثنی فرمان باید کتبی بوده و اظهار نامه ای که طبق مقررات تنظیم شده باشد مشعر بر جریان واقعه و علت احتمالی فقدان - معدوم شدن یا تصرف غیر قانونی فرمان ضمیمه در خواست باشد . این اظهار نامه باید توسط استاد ارجمند و سرپرستان لژ در مقابل يك قاضی عالی مقام دادگاه بخش - دفترخانه اسناد رسمی یا قنصل انگلستان تنظیم شده باشد و در صورت فوت یا غیبت افسران فوق الذکر اظهار نامه مزبور به همان ترتیب توسط پنج برادری که به این منظور از طرف لژ به آنها اجازه داده شده است تنظیم خواهد شد .

ماده ۱۴۹ - يك لث قبل از این که بتواند طبق فرمان خود عمل نماید باید تقدیس گردد هر گاه فرمانی برای تأسیس لث در ناحیه ای اعطاء شود که لث اعظم ایالتی یا ناحیه ای در آن وجود نداشته باشد لث اعظم در این حال برادر واجد شرایطی را تعیین خواهد نمود که آن لث را تقدیس نماید .

ماده ۱۵۰ - فرمان لث باید در تمام مدت هر جلسه در اطاق لث موجود و برای ملاحظه برادران باز باشد و چنانچه فرمان در اطاق لث نباشد جلسه قابل تشکیل نخواهد بود. فرمان- کتب - اوراق - زیورآلات - البسه و اثاثیه پیرایشی يك لث قابل انتقال به غیر نمی باشند . چنانچه اکثریت اعضاء يك لث از آن خارج شوند اختیار ادامه دادن کار آن بدست اقلیت خواهد افتاد ولی چنانچه عده برادران واجد شرایط از هفت نفر کمتر شود لث را می توان در حال توقف اعلام کرد و در این صورت فرمان- کتب- اوراق- زیورآلات - البسه- اثاثیه پیرایشی و موجودی های صندوقها (که شامل صندوق مقرریهای سالیانه و صندوق خیریه نیز خواهد بود) به لث اعظم مربوطه تخصیص یافته فوراً منتقل شده و تحویل لث اعظم خواهد گردید. هر گاه فرمان کتب - اوراق - زیورآلات- البسه - اثاثیه پیرایشی و وجوه صندوقها از طرف يك یا چند نفر از اعضاء خاندان اسکا تلند نصب شود آن شخص یا اشخاص معلق یا اخراج خواهند شد. دبیر اعظم - دبیر اعظم ایالتی یا ناحیه ای یا هر يك از اعضاء باقیمانده لث در حال توقف که این مأموریت به او داده شود می تواند از طرف لث اعظم از محاکم حقوقی درخواست کنند تا حکم استرداد اموال فوق الذکر و پرداخت وجوه مزبور را به لث اعظم صادر نماید .

يك لث در حال توقف ممکن است توسط لث اعظم ایالتی یا ناحیه ای احیاء گردد و برای این منظور باید لااقل هفت نفر از برادران واجد شرایط که ساکن ایالت یا ناحیه مربوطه بوده و یا (چنانچه در آن ناحیه لث اعظم ایالتی یا ناحیه وجود نداشته باشد) در داخل یا در نزدیکی حوزه محل لث پیشنهادی سکون داشته

باشند درخواست احیاء لژ در حال توقف را بنمایند مشروط بر این که یکی یا بیشتر از اعضای لژ در حال توقف در این درخواست شرکت نماید .

ماده ۱۵۱ - هر لژ تابع برای تشکیل جلسات خود باید دارای محل یا محل های ثابت باشد که طبق ترتیب مقرر در ماده ۱۶۱ این قانون به تصویب رسیده باشد و تغییر این مکان یا امکانه نیز باید به همان ترتیب به تصویب برسد .

ماده ۱۵۲ - در صورتی که اوضاع و احوال ایجاب نماید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای و در منطقه مرکزی کمیته منطقه مرکزی برای نقاطی که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای وجود ندارد کمیته اعظم می تواند اجازه دهد که لژی جلسه یا جلسات خود را در محل دیگری در همان شهر یا منطقه تحت شرایط و محدودیت هایی که از طرف مقام اجازه دهنده مقرر می شود تشکیل دهد .

ماده ۱۵۳ - لژها از تشکیل هر نوع جلسه در روز های یکشنبه ممنوعند مگر اینکه موضوع جلسه نیایش خداوند یا مجلس تذکر یا تشییع جنازه يك برادر باشد .

ماده ۱۵۴ - هر لژ تابع باید قبل از شروع هر سال از لژ اعظم تقاضای تجدید اجازه نامه خود را برای آن سال بنماید و این اجازه نامه باید تا اول ژانویه واصل شده باشد . اجازه نامه مزبور برای لژ متضمن این امتیاز است که می تواند طرف دوازده ماهی که به ۳۱ دسامبر همان سال ختم می شود ، جلسات ماسونی خود را با صحنه لژ اعظم و تحت سرپرستی آن تشکیل دهد. این اجازه نامه باید قبل از اول ژانویه هر سال مبلغ تعیین شده در بند ۶ قسمت اول از فهرست اول را پرداخت نماید. این حقوق شامل حقوق نمایندگی در لژ اعظم و بهای نسخ خلاصه مذاکرات لژ اعظم و حقوق هر نماینده باوکیل لژ در لژ اعظم خواهد بود .

ماده ۱۵۵ - برای اینکه لژی استحقاق دریافت گواهینامه کار سالانه خود را پیدا کند باید اقرارنامه ای به امضای استاد ارجمند و دبیر لژ (و در غیاب آنها به امضای دو نفر از افسران لژ که از طرف لژ مجاز شده باشند) برای دبیر اعظم

فرستاده شود مشعر براین که با ضامن دادن شرافت خودشان بعنوان بنایان آزاد اعلام می‌دارند که لث حقیقتاً به نام یک لث بنائی آزاد دائر و دقیقاً طبق این قوانین اداره می‌شود و همچنین مواد فرمان اعطاء شده از طرف لث اعظم بنحو شایسته رعایت شده و کاملاً طبق این قوانین رفتار می‌شود.

ماده ۱۵۶ - لث‌های تابع می‌توانند بر گهای انتقال را طبق نمونه مخصوصی که قبلاً از عضویت تأخیر کرده است شناخته خواهد شد طرف لث اعظم در مقابل حقوق مذکور در بند ۱۷ قسمت اول از فهرست اول در اختیار آنها گذاشته شده است به اعضاء واجد شرایط بدهند. این مبالغ طبق مصوبات کمیته اعظم می‌باشد. برگ انتقال باید به امضای استاد ارجمند و دبیر لث صادرکننده آن رسیده و از طرف دبیر اعظم نیز تأییداً امضاء شده باشد. این برگ در لثی که برادر متقاضی به آن منتقل می‌شود نگاهداری می‌گردد.

برگ انتقال تا مدت ۱۲ ماه از تاریخ صدور دارای اعتبار است و چنانچه در ظرف این مدت برای عضو شدن در لث دیگری از آن صرف نظر نشود عضویت کامل برادر استفاده کننده در لث صادر کننده برگ انتقال ابقاء می‌گردد و مانند عضو که در پرداخت حق شد. [کذا]

ماده ۱۵۶- الف- عضو یک لث تابع می‌تواند از عضویت خود به وسیله اعلامیه کتبی که به دبیر می‌دهد استعفا دهد و چنانچه دارای وضع مرتب بوده و در تاریخ استعفای خود مورد بازخواست‌های ماسونی نباشد لث می‌تواند یک گواهی استعفا به ترتیب و فورمی که از طرف لث اعظم تعیین گردیده است به او بدهد و حقوق مربوط به برگ استعفا مانند حقوق مربوط به برگ انتقال است که در ماده ۱۵۶ بالا ذکر گردیده و توسط کمیته اعظم تعیین شده است. گواهی استعفا باید به امضای استاد ارجمند و دبیر لث رسیده و دارای امضای تأییدی دبیر اعظم باشد. برادری که از یک لث استعفا داده و بخواهد مجدداً عضویت همان لث پذیرفته شود باید در خواست کتبی طبق فورم مقرر بدهد این در خواست باید به امضای دو نفر از برادران واجد شرایط یکی

بعنوان پیشنهاد کننده و دیگری بعنوان تأیید کننده رسیده باشد. این درخواست در جلسه عادی لژ فرائت و فوراً به کمیته تحقیق برای رسیدگی و گزارش ارجاع می‌گردد و سپس نسبت به آن به نحو مقرر در ماده قانون ۱۸۰ با مهره رأی گرفته خواهد شد و در صورتیکه مخالفی نباشد در خواست کننده مجدداً عضویت پذیرفته می‌شود و باید حقوق مذکور در بند ۹ قسمت سوم از فهرست اول یا هر مبلغ بیشتری را که در آئین نامه داخلی لژ مقرر شده باشد در موقعی که مجدداً جزو اعضاء لژ محسوب می‌گردد پرداخت نماید.

ماده ۱۵۷ - لژهای تابع منحصرأ می‌توانند در درجات کارآموزی - کاریاری (که متضمن مارک نیز می‌باشد) و در درجه استادی و همچنین برای انجام تشریفات تنصیب استاد ارجمند کارکنند و کارکردن در درجات دیگر برای آنها اکیداً ممنوع می‌باشد و نیز لژهای تابع بهیچ گونه تشکیلاتی را که جنبه ماسونی به خود گرفته ولی از طرف لژ اعظم یا سازمان ماسونی اعظم دیگری به رسمیت شناخته نشده است مورد توجه و اعتنا قرار دهند.

ماده ۱۵۸ - عضو يك لژ تابع نمی‌تواند بهیچ عنوان در انجام مراسم هیچ درجه یا آئین یا نظامی که ادعای ماسونی بودن داشته ولی از طرف لژ اعظم یا لژهای اعظم وابسته و شناخته شده مجاز تشخیص نشده باشد بعنوان مهمان یا هر عنوان دیگری مرادده نماید. هر برادری که برخلاف این قانون رفتار کند معلق یا اخراج خواهد شد.

ماده ۱۵۹ - مارک فقط به استادان بنائی آزاد که اسامی آنها در دفاتر لژ اعظم ثبت شده باشد اعطا می‌گردد و به برادرانی که تابع سازمان ماسونی دیگری باشند قبل از اینکه نام آنها بعنوان عضو ملحق شده در دفاتر لژ اعظم ثبت شود اعطاء نخواهد شد ولی يك لژ تابع مجاز است که خواهش لژ تابع دیگری را مبنی بر اعطای مارک بدون الحاق به یکی یا بیشتر از اعضای آنها بپذیرد و این کار فقط در صورتی ممکن است که در خواست کتبی به امضای استاد ارجمند و سرپرستان لژ درخواست

کننده به لث اعطاء کننده مارك برسد و این درخواست در صورت جلسات هر دو لث باید درج گردد .

ماده ۱۶۰ - لث تابع می‌تواند در آئین نامه داخلی خود حقوقی برای مارك مقرر بدارد مشروط بر این که از مبلغ تعیین شده در بند ۳ (الف) از قسمت سوم از فهرست اول کمتر نباشد چنانچه به منظور فوق حقوقی در آئین نامه پیش‌بینی نشده باشد حقوق مذکور در بند ۳ (ب) از قسمت سوم فهرست اول دریافت خواهد شد . هر برادر قبل از اینکه مارك به او اعطاء شود باید حقوق مذکور در بند ۱۰ قسمت اول از فهرست اول را برای ثبت دیپلم برادری که مارك به او اعطاء شده به لث اعظم پرداخت نماید .

ماده ۱۶۱ - به استثنای موادی از این قوانین که منحصراً مربوط به لث اعظم - کمیته اعظم - لث اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای بوده (و قابل عمل در لث‌های تابع را با تغییرات لازم جهت انطباق تنظیم خواهد نمود) و در مورد لث‌های تابع عنوان (جلسه عادی) جایگزین اصلاح (جلسه ارتباطیه فصلی) می‌شود هر قسمت از آئین نامه‌های داخلی که با این قوانین و آئین نامه عمومی (مندرج در فهرست دوم که شامل تمام لث‌های تابع می‌باشد) مغایرت داشته باشد بلا اثر خواهد بود. آئین نامه داخلی برای هر لث جز در موارد زیر ضرورت نخواهد داشت .

تعیین محل یا محل‌های جلسات - طرز دعوت جلسات - تاریخ و ساعات جلسات عادی (که شامل جلسات مربوط به انتصابات - انتخابات و تنصیب افسران نیز می‌باشد) افسران لث - کمیته‌ها - ممیزین حساب و انتصاب آنها . حق الزحمه افسران - اداره صندوق‌های مختلف و جوهر لث - حفظ و اداره اموال انتقالی یا غیر منقول و به کار انداختن سایر سرمایه‌های لث - ورودی‌ها و سایر حقوق مبلغ حقوق عضویت سالیانه اعضا و مبلغ مربوط به حقوق عضویت یکجا (در صورتی که پرداخت حقوق عضویت را برای يك‌مر تبه و یکجا مجاز تشخیص دهند) و همچنین کلیه موضوعات دیگری که بنا به تجویز کمیته اعظم باید در آئین نامه داخلی تکلیف آنها معین گردد آئین نامه داخلی

لژها و تجدید نظر یا اصلاح آن در مرحله اول محتاج به موافقت و تصحیح از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در منطقه مرکزی محتاج به موافقت و تصحیح کمیته منطقه مرکزی می‌باشد و سپس باید برای تصویب به کمیته اعظم تقدیم گردد.

در مواردی که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای وجود ندارد آئین‌نامه‌های داخلی باید برای تجدید نظر و تصویب مستقیماً به کمیته اعظم تقدیم گردد. از تمام آئین-نامه‌های داخلی تصویب شده باید دو نسخه چاپی به لژ اعظم ارسال گردد و همچنین دو نسخه به لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای (در صورت وجود) یا به کمیته منطقه مرکزی (در صورتیکه لژ مربوطه تابع لژ اعظم منطقه مرکزی باشد) ارسال خواهد شد.

ماده ۱۶۲ - تعداد جلسات عادی يك لژ در هر سال مالی جهت اعطاء درجات (یا مارك) نباید از بیست و پنج جلسه تجاوز نماید. استادارجمند يك لژ و درغیاب او استادارجمند قبلی يك قائم‌مقام یا معاون استاد ارجمند اختیار دارد اجازه دهد جلسات فوق‌العاده یا مخصوص برای هر موضوع که با مقررات وفق دهد تشکیل گردد. عدد جلسات فوق‌العاده یا مخصوص که يك لژ می‌تواند برای اعطاء درجات یا مارك ظرف دوازده ماه تشکیل دهد نباید از تعداد جلسات عادی آن لژ در همان مدت تجاوز نماید.

ماده ۱۶۳ - هر لژ باید دارای مجموعه‌ای از دفاتر زیر باشد که عبارتند از :

- ۱ - دفتر درخواستهای عضویت که دارای فهرست نیز می‌باشد . ۲ - دفتر ثبت صورت جلسات . ۳ - دفتر صورت اسامی اعضاء . ۴ - دفتر ثبت حضور اعضاء . ۵ - دفتر چیه قبوض رسید وجه . ۶ - دفاتر حسابهای خزانه‌داری نمونه هر يك از این دفاتر نزد دبیر اعظم برای راهنمایی لژها نگاهداری می‌شود .

ماده ۱۶۴ - دفاتر لژهای تابع باید همه ساله از طرف لژ اعظم توسط استاد لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا بوسیله برادرانی که از طرف آنها تعیین شوند مورد رسیدگی قرار گیرد و در منطقه مرکزی این رسیدگی از طرف کمیته منطقه مرکزی

انجام می‌گیرد اشتباه یا غلط یا از قلم افتادگی که در دفاتر روی داده باشد باید اصلاح گردد.

ماده ۱۶۵ - هر لژ تابع ملزم است يك نسخه چاپی از آخرین چاپ این قوانین داشته باشد و اعضاء لژ می‌توانند در مواقع لازم این امر را بازرسی نمایند. بهر داوطلب در موقع ورود و بهر عضو سازمان ماسونی دیگر در موقع الحاق يك نسخه از چاپ اختصاری این قوانین که تحت نظر کمیته اعظم تهیه و در اختیار لژهای تابع گذاشته شده است به بهائی که از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد داده می‌شود. این چاپ اختصاری باید فهرستهای اول و دوم را به طور کامل حاوی باشد.

ماده ۱۶۶ - هر لژ تابع باید در سال يك جلسه برای انتخاب افسران خود تشکیل دهد در این جلسه باید لااقل هفت عضو واجد شرایط حضور داشته باشند مگر در مورد لژهای واقع در خارج که ممکن است نسبت به تقلیل تعداد مزبور از استاد بنای اعظم یا از استاد اعظم ناحیه معافیت گرفته شده باشد.

در این انتخابات (و در انتخاب تمام کمیته‌هایی که صرفاً برای موضوعات ماسونی تشکیل می‌گردد) کارگاه باید در درجه سوم کار کند. فقط اعضاء واجد شرایط حق شرکت و رأی‌دادن و انتخاب شدن یا منصوب شدن برای سمتهای افسری و عضویت کمیته‌ها را خواهند داشت.

انتخابات مزبور باید در يك جلسه تمام شود و نباید به تعویق انداخته شود.

در مدتی که انتخابات به عمل می‌آید يك نسخه از این قوانین باید روی میز باشد و این امر در صورت مجلس قید گردد. این مقررات در مواردی نیز که در ظرف سال محل خالی یکی از انتخاب‌شدگان اشغال می‌گردد لازم‌الاجراء خواهد بود. هرگاه يك لژ جلسات جداگانه برای نامزدی و برای انتخاب افسران داشته باشد فاصله این دو جلسه باید لااقل شش‌روز تمام (بجز روز تعیین نامزدها و روز

انتخابات) باشد .

ماده ۱۶۷ - اعضاء ملحق شده به يك لژ برای اينكه بتوانند در انتخاب افسران شرکت نموده یا به عنوان افسر یا عضو کمیته‌ای انتخاب یا منصوب شوند باید لااقل در جلسه‌ای که چهارده روز قبل از جلسه نامزدی افسران تشکیل یافته است به عضویت لژ پذیرفته شده باشند .

ماده ۱۶۸ - هر لژ تابع باید دارای افسران زیر باشد : استاد ارجمند - قائم مقام استاد ارجمند - معاون استاد ارجمند - سرپرست اول - سرپرست دوم - دبیر - خزانه‌دار - امین خیریه - راهنمای اول - راهنمای دوم - نگهبان داخلی و نگهبان خارجی . استاد ارجمند قبلی خود بخود افسر لژ می‌باشد يك لژ می‌تواند چنانچه عادت یا سنت آن بوده و با این قوانین مغایر نباشد پستهای افسردیگری داشته باشد . هیچ لژی نمی‌تواند استاد ارجمند مارك یا افسران دیگر برای درجه مارك انتخاب نماید مگر اینکه موضوع در فرمان آن ذکر شده باشد و کارهای این درجه و وظیفه استاد ارجمند لژ بوده و باید بوسیله او یا برادرانی که استاد ارجمند برای این کار انتخاب بنماید انجام پذیرد .

ماده ۱۶۹ - هر عضو واجد شرایط لژ می‌تواند برای انتخاب شدن جهت هر يك از پست‌های افسری انتخابی در آن لژ نامزد گردد . به استثنای مواردی که معافیت از کمیته اعظم گرفته شده باشد . هیچ برادری نمی‌تواند در بیش از يك لژ در يك موقع استاد ارجمند باشد و یا در يك لژ دو منصب را اشغال کند و یا اینکه در آن واحد در دو لژ از يك ایالت یا ناحیه عهده دار سمت افسری باشد ولی هیچ يك از این ممنوعیت‌ها شامل پست نگهبان خارجی و عضویت کمیته‌ها در لژهای تابع نخواهد بود و معافیت مزبور در نواحی واقع در خارجه از استاد اعظم آن ناحیه باید اخذ شود .

ماده ۱۷۰ - هر لژ تابع باید روز ثابتی را برای تنصیب سالیانه افسران خود داشته باشد و در این جلسه (جز در مورد لژهای واقع در خارجه که می‌توانند

باجازه استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ناحیه‌ای از این قاعده معاف شوند) باید لااقل هفت عضو و اجدشرايط حضور داشته باشند و برادری که به سمت افسر انتخاب یا تعیین می‌شود نمی‌تواند قبل از انجام مراسم تنصیب به این عنوان عمل نماید .

ماده ۱۷۱ - هر لژ تابع در روز تنصیب سالیانه باید برای صندوقهای خیریه لژ اعظم و جوهی جمع آوری نماید . وجوه مزبور در هر سال بنا به تصمیم کمیته اعظم ممکن است کلاً یا جزئاً برای يك یا چند صندوق مخصوص از صندوقهای فوق اخذ گردد و قبل از جمع آوری این وجوه استاد ارجمند باید بوسیله بیان خود كميك به صندوقهای خیریه مزبور را به برادران توصیه نماید . تمام آنچه به این عنوان جمع آوری می‌شود باید بدون تأخیر توسط خزانه‌دار لژ برای لژ اعظم ارسال شود و به حساب مذکور در بند ۲۳ قسمت اول از فهرست اول تخصیص یابد و صورت اسامی لژها و اعانات ارسالی آنها ضمن گزارش لژ اعظم در ماه مه هر سال انتشار خواهد یافت .

ماده ۱۷۲ - دبیر هر لژ باید ظرف یکماه از تاریخ انتخابات سالیانه افسران اسامی و نشانی‌های استاد ارجمند - سرپرستان - دبیر و خزانه‌دار را برای دبیر اعظم ارسال دارد و در غیر این صورت هیچ نماینده لژ مجاز نخواهد بود که در جلسات لژ اعظم به این سمت حاضر شده و رأی بدهد .

ماده ۱۷۳ - عنوان استاد ارجمند در لژهای تابع «حضرت ارجمند» و عنوان سرپرستان «... ارجمند» می‌باشد .

ماده ۱۷۴ - در غیاب استاد ارجمند و استاد ارجمند قبلی یکی از استادان ارجمند پیشین بر حسب تقدم یعنی هر کدام که تاریخ اشغال کرسی ریاست او مقدم باشد ریاست لژ را عهده‌دار خواهد شد و در غیاب تمام آنها قائم مقام یا معاون استاد ارجمند کرسی ریاست را اشغال خواهد نمود و هیچ افسر یا برادر نمی‌تواند شاغل کرسی ریاست گردد . در موقع اعطاء درجات استاد ارجمند یا برادری که ریاست می‌کند می‌تواند به سایر افسران یا برادران اجازه دهد قسمتهائی از ریتول را که

معمولاً توسط استاد ارجمند اجرا می‌شود انجام نماید ولی در هر حال سوگند باید توسط استاد ارجمند یا استاد ارجمند پیشین - قائم مقام یا معاون استاد ارجمند یا یکی از سرپرستان اول یا دوم لژ یا توسط استاد تنصیب شده لژ دیگری که تابع لژ اعظم بوده یا تابع يك لژ اعظم وابسته باشد انجام پذیرد .

ماده ۱۷۵ - هر داوطلب ورود (به درجه اول) یا الحاق باید تقاضانامه‌ای حاوی اسم - شغل - تاریخ و محل تولد - ملیت و محل سکونت خود را به لژ تابع تسلیم نماید و در همان تقاضانامه نکات زیر باید اعلام گردد :

۱ - آیا قبلاً تقاضانامه‌ای برای ورود در یکی از لژهای زیر نظر لژ اعظم یا زیر نظر لژ اعظم وابسته تقدیم داشته است ؟ و در این صورت چه وقت و به کدام لژ یا لژها .

۲ - آیا قبلاً تقاضایی آورده شده است؟ و در این صورت چه وقت و از طرف کدام لژ یا لژها؟ چنانچه تقاضانامه‌ای به لژی داده و بعداً آن را پس گرفته است باید این موضوع و دلیل استرداد تقاضا را نیز اعلام نماید هر تقاضانامه باید به امضای داوطلب و دو نفر از اعضاء واجد شرایط لژ تابع (یکی به سمت پیشنهاد کننده و دیگری به سمت تأیید کننده) رسیده باشد . هر داوطلب الحاق علاوه بر دیپلم یا گواهی نامه عضویت خود که از طرف لژ اعظم یا يك لژ اعظم وابسته صادر شده باشد باید یکی از مدارك زیر را ارائه دهد .

الف - برک انتقال که روی نمونه منظم صادر شده باشد .

ب - و چنانچه مایل باشد در عین حال به عضویت در لژ خود باقی بماند باید گواهی نامه ممضی به امضای استاد ارجمند و دبیر لژ مربوطه مشعر بر اینکه در وضع مرتب و منظمی می‌باشد ارائه دهد و بهای این گواهی نامه از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد .

ج - و اگر از لژ خود استعفا داده باشد گواهی استعفائی که طبق ماده ۱۵۶ -

الف از این قوانین به او داده شده باشد ارائه دهد. درخواست ورود از شخصی که

بکلی کور یا کرولال باشد و یا اینکه تقاضای او برای پذیرش در لژ دیگری هنوز مورد تصمیم قرار نگرفته است پذیرفته نخواهد شد ولی لژها مختارند درخواست ورود داوطلبانی را که يك عضو یا يك دست یا يك پای او قطع شده یا چلاق باشد بپذیرد. هر داوطلب ورود یا الحاق که ظرف دوازده ماه از تاریخ اخذ رأی نسبت به او خود را برای انجام مراسم معرفی نماید باید درخواست جدیدی بدهد و نسبت به این درخواست عیناً از هر جهت همان گونه رفتار خواهد شد که نسبت به تقاضا نامه بدوی.

ماده ۱۷۶ - هیچ لژ تابعی درخواست ورود داوطلبانی را که محل اقامت دائم آنها در انگلستان یا لژ اعظم ایرلند باشد مورد توجه قرار نخواهد داد مگر این که قبلاً از استادبنای اعظم معافیت از این قاعده اخذ شده باشد - حقوق مربوط به این معافیت طبق بند ۱۶ قسمت اول از فهرست اول علاوه بر حق ورودیه باید از داوطلب اخذگردد این ماده قانون شامل اعضاء ارتش پادشاهی انگلستان که در لیست اکتیف هستند و همچنین شامل لژهای دانشگاهها و کالجها و مدارس نخواهد بود. ماده ۱۷۷ - هر لژ تابع دارای يك کمیته تحقیق خواهد بود که اعضاء آن عبارتند از :

استاد ارجمند - استاد ارجمند قبلی - سرپرستان دبیرخانه دار و لااقل دو نفر دیگر از اعضاء واجد شرایط لژ که در جلسه انتخابات سالیانه یا در جلسه تنصیب افسران تعیین می گردند و حد نصاب برای تشکیل کمیته چهار نفر می باشد. کلیه درخواست های ورود یا الحاق باید در جلسه لژ قرائت شود و فوراً به کمیته تحقیق ارجاع گردد.

ماده ۱۷۸ - وظائف کمیته تحقیق عبارت است از : تحقیق کامل نسبت به اخلاق و صفات داوطلبان. مصاحبه با پیشنهاد دهنده و تأییدکننده راجع به اینکه از چه تاریخ داوطلب را شناخته و چه مناسبات و موجباتی باعث شده که نسبت به اخلاق و شایسته بودن او جهت عضویت اطمینان حاصل نماید.

مکاتبه با هر لژی که احیاناً تقاضانامه داوطلب را برای عضویت دریافت داشته ولی رد کرده است و نیز با هر لژی که داوطلب قبلاً به آن تقاضانامه داده و سپس مسترد داشته است. مصاحبه با خود داوطلب و در مورد داوطلب ورودی که کمتر از سه سال قبل از تاریخ تقاضانامه در ایالت یا ناحیه‌ای که لژی در آن واقع است یا در نزدیکی آن لژ سکونت یا شغل داشته است باید از لژ مزبور و یا از هر منبع دیگری که مورد قبول کمیته اعظم یا دبیر اعظم واقع شده باشد تحقیقات لازم بعمل آید. کمیته تحقیق باید کلیه جریانات خود را در صورت مجلسهای خود قید نموده و نگهداری نماید و نتیجه تحقیقات خود را به لژ گزارش دهد. مادامی که گزارش کمیته تحقیق نرسیده است هیچ درخواست عضویتی مورد توجه لژ واقع نخواهد شد و این گزارش باید در ظرف دوازده ماه داده شود. در مورد لژهای تابع واقع در خارج رعایت مقررات مذکور در این ماده راجع به داشتن سه سال سکونت - یا شغل یا کار ضرورت نخواهد داشت ولی در این موارد لژهای اعظم ناحیه (و در نقاطی که لژ اعظم ناحیه‌ای نباشد) کمیته اعظم مقرراتی را برای تحقیقات شایسته بدانند می‌تواند برقرار نماید.

ماده ۱۷۹ - پس از آنکه کمیته تحقیق گزارش خود را که مربوط به درخواست داوطلب است تکمیل و بدبیر لژ تسلیم نمود این گزارش باید به اطلاع اعضاء لژ برسد. درخواست ورود فقط در جلسه عادی لژ مطرح و بامهره نسبت به آن رأی گرفته خواهد شد. فاصله بین قرائت درخواست داوطلب (که طبق ماده ۱۷۷ به عمل می‌آید) و اخذ رأی به آن نباید از چهارده روز کمتر باشد. و فاصله بین تاریخ وصول گزارش کمیته تحقیق به لژ و تاریخ اخذ رأی نباید از هفت روز کمتر باشد و بین تاریخ اخذ رأی و موقع انجام تشریفات ورود به درجه اول نباید کمتر از چهارده روز فاصله باشد. در محاسبه هر یک از فاصله‌های چهارده روز و هفت روز مذکور در این ماده روز چهاردهم و روز هفتم جزء مدت محسوب می‌گردد.

ماده ۱۷۹ الف - ۱ - چنانچه خبر تشکیل جلسه‌ای که درخواست ورود طبق

ماده ۱۷۹ در آن طرح و اخذ رأی بعمل می‌آید به وسیله دعوت نامه یا اطلاعیه داده شد این دعوت نامه یا اطلاعیه باید لااقل پنج روز قبل از جلسه بهره‌عضو واجد شرایط تسلیم و یا برای او به پست داده شود و باید حاوی اسم - شغل - تاریخ - محل تولد - ملیت و محل سکونت داوطلب بوده و اسامی پیشنهاد کننده و تائید کننده را نیز دربر داشته باشد .

۲- چنانچه دعوت بوسیله آگهی بعمل آید باید روزنامه‌ای که آگهی در آن درج می‌شود لااقل چهل و هشت ساعت قبل از ساعت تشکیل جلسه در محل انتشار یابد و کلمه رأی بامهره باید در اعلام قید گردد .

۳- در لژهایی که دعوت بوسیله اطلاعیه - دعوتنامه یا آگهی در روزنامه معمول نیست طرح تقاضای ورود و اخذ رأی نسبت به آن در جلسه عادی بعمل می‌آید که بفاصله لااقل چهارده روز از تاریخ قرائت تقاضانامه در جلسه عادی و هفت روز از تاریخ وصول گزارش کمیته تحقیق به دبیر لژ تشکیل شده باشد در صورتیکه گزارش بعلمتی دیرتر از مدت هفت روز فوق به دبیر لژ واصل شده باشد وصول گزارش کمیته تحقیق در جلسه منظم عادی که قبل از انقضای هفت روز مزبور تشکیل گردیده است به اطلاع لژ خواهد رسید و تذکر داده خواهد شد که این گزارش و درخواست مربوط توأمأ در جلسه منظم بعدی طرح و مورد اخذ رأی واقع خواهد شد .

ماده ۱۸۰- در جلسه‌ای که درخواست مطرح می‌شود گزارش کمیته تحقیق قرائت و سپس نسبت به آن با مهره اخذ رأی بعمل می‌آید کلیه درخواستهایی که به کمیته تحقیق ارجاع می‌شود باید گزارش آن داده شود و نسبت به آن اخذ رأی بعمل آید مگر آنکه موضوع از طرف لژ مسترد و خارج شده باشد . تصمیم لژ نسبت بدرخواست هر داوطلب باید توسط دبیر لژ کتباً به او اعلام گردد . سه مهره سیاه مانع ورود داوطلب می‌گردد ولی لژهای واقع در خارجه می‌توانند در آئین - نامه داخلی خود مقرر بدارند که دو مهره سیاه مانع ورود خواهد بود . در مواقع تردید نسبت به نتیجه اخذ رأی بشرط اینکه بلافاصله عمل شود ممکن است اخذ-

رأی یکبار تجدید گردد . فقط اعضاء واجد شرایط لث حق دادن رأی دارند قبل از انجام مراسم ورود یا الحاق هم داوطلب وهم پیشنهادکننده و تأییدکننده او باید دفتر مخصوص ثبت درخواستها را امضاء نمایند .

ماده ۱۸۱- سن داوطلب باید در موقع درخواست ورود لااقل بیست و يك سال باشد به استثنای پسران استادان بنایان آزاد تابع لث اعظم که می توانند بعد از رسیدن به هیجده سالگی تقاضای ورود بدهند .

ماده ۱۸۲- در موقع ورود یا الحاق از يك لث اعظم وابسته هر داوطلب باید شرافت خود را ضامن دهد که حافظ این قوانین بوده و از آئین نامه داخلی لثی که در آن وارد یا به آن ملحق می شود اطاعت خواهد نمود .

ماده ۱۸۳- هیچ داوطلب ورودی با کمتر از میزان حقوق مقرر در بند يك قسمت سوم از فهرست اول پذیرفته نخواهد شد و این مبلغ به او حق می دهد درجات کارآموزی کاریاری (توأم با مارک که مستلزم پرداخت حقوق اضافی مذکور در ماده ۱۶۰ نیز می باشد) و همچنین درجه استادی را بگیرد تمام حقوق مذکور در فوق باید قبل از ورود پرداخت شود بدون اینکه به هیچ دلیل چیزی از آن کسر و یا به تعویق انداخته شود حقوقی که در موقع الحاق به لث تابع پرداخت شود عبارت است از مبلغ مذکور در بند ۲ قسمت سوم از فهرست اول علاوه بر آن (در صورتیکه آئین نامه داخلی لث مقرر داشته باشد) مازاد حقوق ورودی لثی که می خواهد به آن ملحق شود نسبت به حقوق ورودی لثی که عضو آن بوده یا برگ انتقال از آن دریافت داشته است .

ماده ۱۸۴- ورود مجانی در خاندان و الحاق مجانی به لثها ممنوع است .
ماده ۱۸۵- هر لث تابع باید برای هر داوطلب که وارد می کند مبلغ معینی که بند ۸ قسمت اول از فهرست اول مندرج است و برای هر داوطلب که ملحق می کند مبلغ مخصوصی که در بند ۹ قسمت اول فهرست اول تعیین شده به لث اعظم بپردازد این مبالغ باید توأمأ با گزارش مذکور در پاراگراف اول از ماده ۱۹۲ ظرف یکماه از تاریخ ورود یا الحاق توسط خزانه دار لث برای لث اعظم ارسال گردد . هر داوطلب

ورود در موقع ورود و هر دو طلب الحاق از سایر سازمانهای ماسونی در موقع الحاق باید مبلغ مذکور در بند ۱۱ قسمت اول از فهرست اول را به عنوان مشارکت مستقیم و انفرادی در صندوق عمومی لژ اعظم (و نه بعنوان حقوق اضافی به لژ تابع) پرداخت نماید. به این مشارکت انفرادی توسط لژ تابع بحساب لژ اعظم وصول می شود و توأمأ با سایر وجوهی که باید لژ تابع پرداخت کند به لژ اعظم ارسال خواهد گردید. ماده ۱۸۶- دیپلم های اعضای پذیرفته شده در لژهای تابع فقط از طرف لژ اعظم صادر می شود.

دیپلمهای واردین به درجه اول فقط بعد از آنکه به درجه استادی بنای آزاد نائل شدند صادر می گردد و دیپلم های الحاق شدگان و اعضاء مؤسس و استاد بنایان مارك فقط بعد از آنکه اسامی آنها باین عنوان در دفاتر لژ اعظم به ثبت برسد صادر خواهد شد.

ماده ۱۸۷- هر لژ تابع ملزم است از کلیه اعضاء خود (باستثنای کارآموزان و کاریاران که حق اظهار عقیده و رأی ندارند) حق عضویت سالیانه ای که کمتر از مبلغ تعیین شده در بند ۴ قسمت سوم از فهرست اول نخواهد بود وصول نماید و این حق عضویت جز در صورتی که آئین نامه داخلی لژ نحوه دیگری مقرر داشته باشد باید قبل از تاریخ تشکیل جلسه سالیانه ای که افسران در آن نامزد می شوند پرداخت گردد. لژ تابع می تواند در آئین نامه داخلی اعضای واجد شرایط را که مدت ۲۱ سال متوالی حق عضویت سالیانه خود را پرداخته اند از پرداخت این وجوه در سالهای بعد معاف دارد. جمع وصولی حقوق عضویت سالیانه باید مبلغی که کمتر از مبلغ مذکور در بند ۶ قسمت سوم از فهرست اول نباشد برداشت و به صندوق خیریه لژ ریخته شود و بقیه را بحساب صندوق عمومی لژ منظور گردد. هر يك از اعضای لژ از جمله کارآموزان و کاریاران باید دبیر لژ را از هر تغییری که در نشانی آنها حاصل می شود مطلع سازند. ماده ۱۸۸- در صورتی که لژی دارای حقوق تخفیف یافته بوده یا تصمیم به داشتن آن گیرد اعضای واجد شرایط می توانند حقوق عضویت سالیانه خود را برای

تمام عمر یکجا پردازند و مبلغ آن باید از طرف لژ تعیین و در آئین نامه داخلی لژ ذکر گردد. و در هر حال این مبلغ نباید از حداقل حقوق تخفیف یافته که در بند ۵ قسمت سوم از فهرست اول معین شده است کمتر باشد. مبالغی که از این بابت وصول می گردد باید در حساب جداگانه نگهداری شده و قسمتی از آن که در آئین نامه داخلی لژ تعیین شده است همه ساله برداشت و به جمع وجوه حاصله از حق عضویت سالیانه اعضاء اضافه و بهمان طریق نسبت به آن رفتار گردد مشروط بر اینکه میزان برداشت مزبور در آخر هر سال مالی از نسبتی که در بند ۵ قسمت سوم از فهرست اول تعیین شده است زیادتر نباشد.

ماده ۱۸۹- صندوق خیریه هر لژ تابع شامل وجوه زیر خواهد بود.

قسمت ۱- از حقوق عضویت سالیانه به نسبتی که در ماده ۱۸۷ تعیین گردیده است. و قسمتی از وجوه برداشتی سالیانه از صندوق «حقوق تخفیف یافته» به نحوی که در ماده ۱۸۸ معین شده است و تمام وجوهی که از صندوق عمومی لژ گاه بگاه به صندوق خیریه انتقال داده شود و همچنین تمام حبه‌ها و بخششها به لژ که توسط مؤسسات یا اشخاص (چه در زمان حیات و چه بموجب وصیتنامه) از هر منبع دیگری که باشد. وجوه صندوق خیریه را نمی توان به مصرف پرداخت هزینه‌ها یا دیون لژ رسانید. این وجوه باید بامنت سپرده شده و از سایر وجوه لژ بکلی جداگانه نگهداری شود و فقط طبق تصمیمات لژ آنهم منحصرأ برای امور خیریه ماسونی اداره شده و به مصرف برسد. بکار انداختن وجوه این صندوق فقط به نحوی که با قوانین تراستهای اسکاتلند مطابقت داشته باشد ممکن می باشد و تمام سرمایه‌گذاری‌ها از این محل بنام استادار جمند و دبیر لژ و خزانه‌دار (یا امین خیریه) و جانشینهای آنها به عنوان معتمدین صندوق مزبور انجام خواهد شد ولی لژ می تواند تصمیم بگیرد که این سرمایه‌گذاری بنام هر بانکی که از طرف کمیته اعظم تصویب شده باشد یا بنام اشخاصی که از طرف آن بانك بعنوان معتمد معرفی شوند بعمل آید و وجوه صندوق خیریه باید در حساب مخصوصی در بانك ریخته شود.

مقررات فوق در مورد هر صندوقی که نظیر آن در لژ اعظم بنام صندوق سالیانه نامیده می‌شود و همچنین در مورد هر صندوقی که از طرف لژ تابع برای منظورهای خاص خیریه‌های ماسونی تأسیس شده یا بشود با تغییرات لازم جهت انطباق باید رعایت گردد .

ماده ۱۹۰ - تمام حسابهای بانکی لژ و رسید سپرده‌ها باید بنام لژ باشد . چکها و براتهایی که روی این حسابها کشیده می‌شود باید به امضای دو نفر از افسران زیر باشد . استاد ارجمند - دبیر و خزانه‌دار (یا امین خیریه) - و ظهر نویسی‌ها به نفع لژ نیز به طریق فوق انجام خواهد شد .

ماده ۱۹۱ - هر برادری که در پرداخت حق عضویت سالیانه خود موضوع ماده ۱۸۷ این قانون تأخیر کننده شناخته شود حقی به دریافت اطلاعیه مربوط به دعوت جلسات را نداشته - قابل انتخاب شدن برای پست افسری و عضویت کمیته نبوده حق مداخله و دادن رأی در موضوع پرداخت‌هایی که از صندوقهای لژ می‌شود نداشته و نسبت به هر موضوعی که در لژ مطرح شود حق اظهار نظر و دادن رأی نخواهد داشت .

تأخیر پرداخت هر قدر باشد هیچگاه بابت پیش از پنج سال آن از تأخیر کننده مطالبه نمی‌شود و هیچ تخفیفی بیش از این نمی‌توان برای تأخیر کننده قائل شد مگر در لژهای واقع در خارجه آنها در صورتی که در آئین نامه داخلی لژ مقرر شده باشد که تأخیرات عضو تأخیر کننده را بتوان در مقابل مبلغ معین مذکور در آئین نامه داخلی واریز نمود ولی این مبلغ در هر حال نمی‌تواند کمتر از وجه حق عضویت سالانه آن لژ باشد . عدم پرداخت حق عضویت سالیانه هیچ برادر را از حق حضور یافتن در لژ خود محروم نخواهد کرد ولی حق حضور در سایر لژها را نخواهد داشت . لژ تابع می‌تواند در آئین نامه داخلی خود تفاوتی بین حق عضویت سالیانه اعضایی که در داخل یا خارج از شعاع معینی سکونت دارند قائل شود مشروط بر اینکه در هر صورت حد اقل تعیین شده برای حق عضویت سالیانه هر عضو از آنچه در ماده

۱۸۷ این قانون مقرر شده است کمتر نباشد .

ماده ۱۹۲ - هر کس در لژ تابع وارد یا به آن ملحق می‌شود باید نامه او در دفاتر لژ اعظم ثبت گردد . هر لژ تابع باید ظرف یکماه بعد از هر ورود بدرجه اول یا الحاق گزارشی به لژ اعظم بدهد که شامل نام - شغل و سن تازه وارد یا ملحق شونده و همچنین تاریخ اعطاء درجه با قبول الحاق و مبلغی که برای ورود یا الحاق دریافت شده است باشد به علاوه در مورد برادری که ملحق می‌شود تاریخ ثبت نامه و شماره لژ اصلی او و همچنین تاریخ دیپلم او باید در گزارش مزبور برای لژ اعظم ذکر گردد و نیز لژ باید در ظرف یکماه از تاریخ اعطاء درجه دوم یا سوم یا اعطاء مارك به هر عضو اطلاعیه مربوطه را برای لژ اعظم ارسال دارد . هر لژ تابع ظرف سه ماه از تاریخ درخواست دبیر اعظم باید صورت اسامی تمام اعضا و اجد شرایط لژ را طبق نمونه‌ای که به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد برای لژ اعظم ارسال دارد و همچنین در آخر هر سال از آن تاریخ روی نمونه دیگری که به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد کلیه تغییراتی را که ظرف ۱۲ ماه از تاریخ آخرین گزارش حاصل شده است ارسال دارد .

ماده ۱۹۳ - هرگاه لژ تابعی در ارسال اطلاعیه مربوط به عضو جدید خود یا در پرداخت حقوق مربوط به او به لژ اعظم کوتاهی کند عضو ذینفع با ارائه مدرکی به دبیر اعظم مشعر بر اینکه حقوق لژ را کاملاً پرداخته است حق خواهد داشت که اسم خود را در لژ اعظم به ثبت برساند و لژ مربوط باید فوراً حقوق لازم را پرداخت نماید .

ماده ۱۹۴ - هر لژ تابع که يك سال در فرستادن اطلاعیه‌های مذکور در ماده فوق یا حقوق لژ اعظم تأخیر نماید خود به خود حق داشتن نماینده در لژ اعظم از آن سلب می‌شود و تا موقعی که این گزارشها نرسد و حقوق تأخیر شده پرداخت نگردد او از این حق محروم خواهد بود . لژی که در پرداخت حقوق لژ اعظم دو سال تأخیر نماید را که محسوب خواهد شد ولی تجدید فعالیت آن با شرایطی که

لژ اعظم تعیین نماید امکان پذیر خواهد بود .

ماده ۱۹۵ - هر لژ تابع که گزارشهای خود را به لژ اعظم ندهد یا حقوق خود را نپردازد یا گزارشهای ناقص یا فریب دهنده بدهد یا سایر تعهدات مالی خود را انجام ندهد فرمان آن در معرض استرداد و ابطال قرار می‌گیرد یا ممکن است از مزایای ماسونی معلق شده و یا بنابه تصمیم لژ اعظم به نحو دیگری درباره آن حکم شود .

ماده ۱۹۶ - يك لژ تابع نمی‌تواند در يك روز بیش از يك درجه اعطاء کند و جز در مورد مارك تعداد داوطلبانی که در يك روز درجه می‌گیرند نباید از پنج نفر تجاوز نماید . لژ تابع نمی‌تواند درجه و مارك را در یکروز بدهد یا اینکه همان درجه یا مارك را بیش از یکبار در يك روز اعطاء نماید يك کارآموز را نباید به درجه کاریاری واصل کرد . و يك کاریار را نمی‌توان به درجه استادی ارتقاء داد مگر اینکه لااقل چهارده روز از تاریخ اعطاء درجه قبلی به داوطلب گذشته باشد . کمیته اعظم می‌تواند به استادان اعظم ناحیه و به استادان لژهای تابع در خارج که دارای لژ اعظم ناحیه‌ای نیستند اختیار معافیتی بدهد مشعر بر اینکه در صورت ضرورت اجازه دهند درجه بالاتر را در فاصله لااقل هفت روز (به جای چهارده روز) به برادران اعطاء نموده و تعیین مدت این اختیار معافیت با کمیته اعظم می‌باشد . در محاسبه چهارده روز و هفت روز مذکور در این ماده روز هفتم و روز چهاردهم جزء مدت‌های مذکور فوق احتساب خواهد شد .

ماده ۱۹۷ - چنانچه برادری هنوز عضو لژ تابع نشده و بخواهند او را به درجه کاریاری رسانیده و یا بدرجه سوم ارتقاء دهند باید قبل از انجام تشریفات درجه مزبور از طریق الحاق عضو لژ گردد و لکن لژ تابع می‌تواند از راه مساعدت با رعایت ماده ۱۹۶ بدون الحاق نیز کارآموز یا کاریار عضو لژ تابع دیگر را به درجه دوم رسانیده یا به درجه سوم ارتقاء دهد مشروط بر اینکه درخواست کتبی یا امضاء استاد ارجمند و سرپرستان لژ درخواست کننده برای این مساعدت رسیده باشد

و این درخواست باید در صورت مجلس های هر دو لژ درج گردد این مساعدت ممکن است در باره عضو لژ تابع هر يك از لژهای اعظم وابسته نیز به عمل آید مشروط بر اینکه طبق قرارداد با لژ اعظم متقابلاً همین مساعدت از طرف لژهای اعظم وابسته ای که چنین درخواستی دارند نسبت به اعضاء لژهای تابع لژ اعظم اسکاتلند نیز بشود و در این مورد درخواست مربوطه باید با رعایت شرایط مذکور در فوق از طریق دبیران اعظم دو لژ اعظم به لژ تابع واصل شده باشد .

ماده ۱۹۸ - چنانچه یکی از اعضاء لژ تابع متهم به خلافی شود لژ مزبور حق دارد او را محاکمه نماید . شکایت نامه کتبی که موضوع اتهام در آن تصریح شده باشد به وسیله نامه ای با پست سفارشی به آخرین نشانی معلوم به برادر متهم ابلاغ می شود و او می تواند در ظرف چهارده روز از تاریخ به پست دادن نامه مزبور یا در ظرف مدت بیشتری که در شکایت نامه تعیین شده باشد کتباً به آن پاسخ دهد . به وصول پاسخ مزبور یا در آخر مهلت مرقوم در فوق موضوع شکایت برای رسیدگی و قضاوت در جلسه عادی لژ مطرح خواهد شد . در دعوت نامه جلسه ای که شکایت در آن مطرح نمی شود باید از طرف دبیر لژ جریان شکایت و پاسخ آن (اگر رسیده باشد) و این که موضوع شکایت مورد رسیدگی و قضاوت لژ واقع خواهد شد درج گردد و در مورد جلسه هائی که به وسیله دعوت نامه تشکیل نمی گردند این جلسه به طریقی که کمیته اعظم مقرر بدارد یا دبیر اعظم از طرف آن معین کند تشکیل خواهد شد . اطلاعیه این جلسه باید لااقل چهارده روز کامل قبل از روز تشکیل جلسه به وسیله پست سفارشی به آخرین آدرس معلوم برادر متهم اعم از اینکه به شکایت نامه پاسخ داده یا نداده باشد فرستاده شود و او حق خواهد داشت در این جلسه و هر جلسه بعدی دیگری که موضوع جهت طرح در آن به تعویق افتد حضور یافته و مدافعات خود را ابراز دارد و بعد از آن که مطلب مورد رسیدگی و سنجش قرار گرفت تصمیم لژ به وسیله رأی اکثریت اعضاء واجد شرایط که نسبت به موضوع رأی داده اند اتخاذ می گردد و فقط اعضائی که در تمام جریان بحث مطلب حاضر بوده اند حق رأی

دادن خواهند داشت. چنانچه شکایت وارد تشخیص شود لژ رأی خود را به صورت تویینخ نامه یا دادنامه‌ای بهر نحوکه اکثریت آراء تصویب نماید صادر خواهد کرد معذلك لژيك تابع نمی‌تواند دادنامه‌ای مشعر بر اخراج صادر کند زیرا این اختیار فقط به لژ اعظم تعلق دارد ولی چنانچه اوضاع و احوال تخلف را بقدر کافی شدید و مهم نشان دهد يك لژ تابع می‌تواند به لژ اعظم توصیه کند برادری از خاندان اخراج گردد. رأی صادر شده از لژ باید بلافاصله کتباً به وسیله پست سفارشی به برادر مورد رأی ارسال گردد و در این نامه ذکر شود که رأی صادر شده قطعی است مگر این‌که ظرف يك ماه از تاریخ به پست‌دادن نامه اخیرالذکر به لژ اعظم ایالتی یا با ناحیه‌ای و یا به لژ اعظم (در صورتی که لژ در حوزه حاکمیت يك لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای نباشد) از آن دادنامه استیناف خواسته شود. در اوضاع و احوال خاص کمیته اعظم می‌تواند به وسیله دبیر اعظم مهلت يك ماه مقرر برای دادن استیناف را تمدید نماید.

ماده ۱۹۹ - هیچ دادنامه قبل از قطعیت نباید اجراء یا منتشر گردد ولی لژ تابع اختیار دارد چنانچه به لحاظ رعایت آرامش و هماهنگی مصلحت بداند در فاصله بین صدور دادنامه و قطعیت آن برادر معلق را به جلسات خود نپذیرد.

ماده ۲۰۰ - از هر دادنامه‌ای که طبق ماده ۱۹۷ صادر شود باید فوراً اطلاعیه‌ای توسط دبیر لژ تابع برای دبیر اعظم یا دبیر اعظم لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای (بر حسب مورد) فرستاده شود. در این اطلاعیه باید گواهی شود که دادنامه صادر طبق ماده ۱۹۸ کتباً جهت برادر مورد رأی ارسال گردیده و نیز باید تاریخ به پست‌دادن نامه فوق که برای برادر مزبور فرستاده شده است در اطلاعیه ذکر گردد.

ماده ۲۰۱ - برادری که رأی صادره از لژ تابع (بر علیه خود را) عادلانه نمی‌داند می‌تواند ظرف مهلت مذکور در ماده ۱۹۸ به لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و یا به لژ اعظم (بر حسب مورد) مراجعه و از آن پژوهش بنخواهد بر حسب این که از هر يك از مراجع (لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای - کمیته اعظم یا لژ اعظم)

خواسته شده باشد طبق مواد ۱۲۸ - ۹۵ - ۱۰۴ تا ۱۱۱ جریان خود را طی خواهد کرد.

ماده ۲۰۲ - دادنامه صادر شده نسبت به برادری که به موقع از آن استیناف نخواست و از طرف کمیته اعظم نیز ماده ۹۵ تغییر داده نشده است به خودی خود قطعی می‌شود. مزایای ماسونی از چنین برادری سلب شده تلقی و دیگر مجاز نخواهد بود در لژ اعظم یا در هر يك از لژهای اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در هیچ لژ تابع حضور پیدا کند مگر این که مدت محکومیت مزبور منقضی شده و یا قطع گردد.

ماده ۲۰۳ - مدت دادنامه‌های مشعر بر تعلیق که بدون مدت صادر شده باشد فقط به وسیله لژ اعظم قابل تعیین می‌باشند.

ماده ۲۰۴ - لژهای تابع و برادران منفرداً و مجتمعاً از اینکه جریان لژ اعظم یا کمیته اعظم را به وسیله اعلان در جراید یا ارسال اطلاعیه یا گزارش به وسائل دیگر به اطلاع لژها و اعضاء خاندان برسانند ممنوعند مگر با اجازه از کمیته اعظم و از اعطاء این اجازه بدون دلیل عقلانی خودداری نخواهد شد.

ماده ۲۰۵ - برادران از استعمال علامات در بنا و لواحق محل کسب و کار خود یا دیگران ممنوعند.

همچنین از استعمال علامات ماسونی در هر اطلاعیه یا اعلانی که مستقیماً و منحصرأ مربوط به اطلاعات ماسونی و تشریفات و البسه و زیورها یا اثاثیه ماسونی نباشد ممنوع می‌باشند و نیز ممنوعند از اینکه هیچ کلمه‌ای را که به عقیده لژ اعظم یا کمیته اعظم اشاره یا دلالت بر بستگی یا بنائی آزاد دارد جزء اسم تجاری خود قرار داده یا به نام و عنوان کسب و کار خود ملحق یا مربوط نمایند.

ماده ۲۰۶ - درخواستهایی که برای کمک به صندوق‌های يك لژ تابع تهیه می‌شود در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا انجمن‌هایی که از اعضاء آن تشکیل نیافته باشد گذاشته نمی‌شود مگر با اجازه کمیته اعظم آنهم در صورتی که کتباً به تصویب استاد اعظم لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا کمیته منطقه مرکزی (بر حسب

مورد) رسیده باشد .

ماده ۲۰۷ - لژهای تابعی که با بی‌احترامی نسبت به استاد اعظم - استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و هر کس که از طرف آنها عمل می‌نماید و یا نسبت به لژ اعظم - کمیته اعظم - لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و یا نسبت به کمیته اعظم ناحیه منطقه مرکزی رفتار نمایند و یا طبق دستورات و قضاوت‌های آنها رفتار نکنند و یا اینکه از متابعت از هر یک از این قوانین تخلف نمایند آنها در معرض تعلیق یا ابطال قرار می‌گیرد و چنانچه در هر یک از موارد فوق بی‌احترامی یا نافرمانی از طرف یک فرد لژ باشد آن برادر در معرض تعلیق قرار خواهد گرفت .

ماده ۲۰۸ - برادر عضو لژ تعلیق یافته یا عضو لژی که فرمان آن ابطال گردیده قابل انتخاب به سمت عضو لژ اعظم یا یک لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا یک لژ تابع دیگر نخواهد بود مگر اینکه کتباً عدم موافقت خود را نسبت به رفتاری که منجر به تعلیق لژ یا ابطال فرمان گردیده است اظهار داشته ورد ایراد از او مورد قبول کمیته اعظم واقع شده باشد .

ماده ۲۰۹ - لژهای تابعی که دارای شرکت‌های انتفاعی وابسته به خود می‌باشند نمی‌توانند عضویت در چنین شرکت‌هایی را شرط عضویت در لژ قرار داده یا اینکه این موضوع را شرط لازم برای سمت افسری در لژ قرار دهند . لژهایی که چنین شرکت‌های انتفاعی دارند باید حسابهای آن را بکلی از حسابهای لژ جدا نگاهدارند .

فهرست اول

حقوق و سایر مبالغی که به وسیله قوانین پیش گفته معین شده یا مجاز تشخیص

داده شده است .

یادداشت : تمام مبالغ مذکور در قسمت اول از این فهرست باید به درآمد صندوقهای عمومی واریز شود مگر اینکه به نحو دیگری مقرر باشد . این مبالغ باید به لیره انگلیسی پرداخت گردد .

قسمت اول

مبالغی که باید به لث اعظم پرداخت شود :

بند ۱ - (ماده ۷۴) حق عضویت سالیانه هر عضو لث اعظم غیر از نمایندگان لثهای تابع (که شامل بهای نسخه اوراق چاپی جریانات لث اعظم نیز خواهد بود) ۱۰-۱۰-۰۰۰۰۰۰ پوند

بند ۲ (ماده ۱۱۴) که از طرف استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای . بابت این مأموریت ۱۰-۱۰-۰ پوند

بند ۳ (ماده ۱۱۵) بابت هر تجدید مأموریت بند ۲ ۲-۲-۰ پوند

بند ۴ (ماده ۱۴۷) فرمان لثهای تازه ۱۰-۱۰-۰ پوند

بند ۵ (ماده ۱۴۷) ثبت نام و دیپلم هر عضو مؤسس

الف - اگر عضو يك لث تابع باشد ۰-۵-۰ پوند

ب - اگر عضو تابع يك لث اعظم دیگر باشد ۱۰-۱۰-۰ پوند

بند ۶ (ماده ۱۵۴) لثهای تابع پرداختهای سالیانه لث تابع بابت گواهی نامه

کار سالیانه و حقوق نمایندگی در لث اعظم و بهای چهار نسخه از اوراق جریانات چاپی لث اعظم ۰-۰-۳ پوند و این مبلغ تشکیل می شود از :

لث اعظم ۰-۱۰-۱ پوند - چهار نسخه از جریانات چاپی لث اعظم ۰-۱۰-۱ پوند

جمعاً ۰-۰-۳ پوند

بند ۷ (ماده ۷۰) حقوقی که باید از طرف هر عضو وکیل لث اعظم در موقع

انتصاب پرداخت گردد ۰-۱۰-۰ پوند

بند ۸ (ماده ۱۸۵) بابت هر تازه وارد از طرف لث ۰-۱۵-۰ پوند که به شرح

زیر تقسیم می شود :

برای دیپلم ۰-۵-۰ برای ثبت نام ۰-۱۰-۰-۰-۱۵-۰
 و از طرف لژهای تابع واقع در اسکاتلند يك شیلینگ از هر پوند که بابت پذیرش از هر تازه وارد دریافت می‌گردد.

بند ۹ (ماده ۱۸۵) بابت هر الحاق از طرف لژ: الف - اگر نام قبلا در دفاتر لژ اسکاتلند به ثبت رسیده باشد و از بابت ثبت دیپلم ۰-۵-۰-۰ پوند ب - اگر نام قبلا در دفاتر لژ اسکاتلند به ثبت رسیده باشد همان مبلغ که برای هر تازه وارد پرداخت می‌شود و در بند ۸ بالا ذکر گردیده.

بند ۱۰ (ماده ۱۶۰) بابت ثبت نام هر استاد مارك که شامل دیپلم نیز خواهد بود ۰-۵-۰ پوند

بند ۱۱ (ماده ۱۸۵) از طرف اعضاء جدید لژهای تابع مبلغی که باید هر تازه وارد و هر عضو الحاقی از يك لژ اعظم دیگر (علاوه بر آنچه که باید به لژ بدهد) به لژ اعظم ۰-۱۰-۰ پوند بپردازد. بند ۱۲ (ماده ۸۵) استادان تنصیب شده حق ثبت نام استاد تنصیب شده و بابت دیپلم او ۰-۱۰-۰ پوند

بند ۱۲ (ماده ۸۵) حق گواهی نامه خدمت افسران اعظم پیشین ۰-۵-۰ پوند.

بند ۱۴ (ماده ۱۴۸) المثنی فرمان ۰-۲-۲ پوند

بند ۱۵ (ماده ۸۶) المثنی یا اصلاحیه دیپلم ۰-۵-۰ پوند

بند ۱۶ (ماده ۸۷) حق معافیتی که استاد بنای اعظم صادر می‌کند ۰-۱-۱- پوند.

بند ۱۷ الف (ماده ۱۵۵) دفترچه شامل ۱۲ گواهی ثبت نام ۶-۳-۰ پوند.

بند ۱۷ ب (ماده ۱۷۵) دفترچه شامل ۱۲ برگ تصفیه حساب بالتر ۶-۳-۰ پوند.

بند ۱۸ (ماده ۱۵۵) نسخ او راق جریانات چاپی نسخ چاپی فوق الذکر قابل تحویل به

عضو خاندان (بنای) آزاد در مقابل مبلغ فوق خواهد بود .

بند ۱۹ - (ماده ۱۰۷) اوراق چاپی- اوراق درخواست- اوراق شکایت- اوراق پژوهش یا سایر لوايح هر کدام ۰ - ۵ - ۵ - ۰ پوند. ساير اوراق چاپی مربوط به عملیات یا اقدامات بابت هر ورقه ۱ - ۱ - ۰ پوند. بابت هر گزارش عمل یا اقدام ۱ - ۱ - ۰ «مستخرجه از نسخ اوراق چاپی یا مربوط به اقدامات .

الف - بابت صفحه اول که شامل ۲۵۰ کلمه یا کمتر باشد ۶ - ۲ - ۰ پوند .

ب - بابت هر يك از صفحات بعدی که شامل ۲۵۰ کلمه یا کمتر باشد ۶ - ۱ - ۱ پوند .

پوند .

بند ۲۰ (ماده ۷۷) قوانین اساسی بابت نسخه کامل قوانین اساسی (هر مبلغ که کمیته اعظم تعیین نماید) .

بند ۲۱ (ماده ۱۶۵) نسخه طبع شده اختصاری قوانین مزبور (هر مبلغ که کمیته اعظم تعیین نماید).

بند ۲۲ (ماده ۲) حقوق افتخاری (که سالیانه به صندوق خیریه لژ اعظم پرداخت شده و علاوه بر حق عضویتی است که باید به صندوق عمومی پرداخت شود) .

استاد بنای اعظم	۰ - ۱۰ - ۱۰	پوند
استاد بنای اعظم پیشین	۰ - ۵ - ۵	پوند
قائم مقام استاد بنای اعظم	۰ - ۵ - ۵	پوند
معاون استاد بنای اعظم	۰ - ۵ - ۵	پوند
سرپرست اعظم اول	۰ - ۳ - ۳	پوند
سرپرست اعظم دوم	۰ - ۳ - ۳	پوند
استاد اعظم ایالتی یا ناحیه ای	۰ - ۳ - ۳	پوند
استاد اعظم ایالتی یا ناحیه ای پیشین	۰ - ۲ - ۲	پوند
وکیل استاد اعظم ناحیه ای	۰ - ۳ - ۳	پوند

۰-۲-۲	خزانه‌دار اعظم	پوند
۰-۲-۲	امین خیریه اعظم	پوند
۰-۱-۱	خطیب اعظم اول	پوند
۰-۱-۱	خطیب اعظم دوم	پوند
۰-۲-۲	راهنمای اعظم دوم	پوند
۰-۱-۱	رئیس اعظم تشریفات	پوند
۰-۱-۱	کتابدار اعظم	پوند
۰-۱-۱	مهندس اعظم	پوند
۰-۱-۱	زیوردار اعظم	پوند
۰-۱-۱	کتاب‌بر اعظم	پوند
۰-۱-۱	شاعر اعظم	پوند
۰-۱-۱	شمشیردار اعظم	پوند
۰-۱-۱	رئیس اعظم موسیقی	پوند
۰-۱-۱	معاون اعظم رئیس تشریفات	پوند
۰-۱-۱	مدیر اعظم انتظامات	پوند
۰-۱-۱	بیرق‌دار اعظم اول	پوند
۰-۱-۱	بیرق‌دار اعظم دوم	پوند
۰-۱-۱	نگهبان اعظم داخلی	پوند

رئیس کارپردازان عظام (علاوه بر حقوقی که به‌عنوان کارپرداز اعظم می‌پردازد)

۶-۱۰-۰ پوند .

(ماده ۲۸) نایب رئیس کارپردازان عظام (علاوه بر حقوقی که به‌عنوان کارپرداز

اعظم می‌پردازد) ۶-۱۰-۰ پوند.

(ماده ۲۷) هر کارپرداز اعظم ۶-۱۲-۱ پوند .

بند ۲۳ (ماده ۱۷۱) سایر مبالغ

مبالغی که به موجب این ماده دریافت می‌شود یا بعداً دریافت شود باید به حساب صندوق های خیریه لژ اعظم به تناسبی برده شود که کمیته امور مالی (بعد از توجه به گزارش کمیته هیئت های خیریه و خانه های ماسونی) هر چند وقت یکبار تعیین نماید و به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد .

«قسمت دوم»

مبالغی که به لژهای اعظم ایالتی یا ناحیه ای پرداخت می‌شود به منطقه مرکزی باید پرداخت شود .

الف - مبالغی که به لژهای اعظم ایالتی و ناحیه ای باید پرداخت شود و شامل لژ اعظم منطقه مرکزی نیز خواهد بود

بند ۱ - از طرف لژهای تابع (ماده ۱۴۰) برای کارهای لازم .

۱ - حداقل مبلغ سالیانه ۰ - ۰ - ۱ پوند .

۲ - بابت هر تازه وارد یا هر الحاق ۰ - ۵ - ۰ پوند .

۳ برای صندوق خیریه . به مناسبت هر تازه وارد یا هر الحاق حداکثر مبلغ ۰ - ۵ - ۰ پوند

ب - مبالغی که به لژ اعظم ایالتی و ناحیه ای فقط (که شامل لژ اعظم منطقه مرکزی نباشد) باید پرداخت شود .

بند ۲ (ماده ۱۴۱) بابت حقوق عضویت (که سالیانه پرداخت می‌شود) هر مبلغی

که از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای تهیه شده باشد .

بند ۳ - (ماده ۱۴۱) بابت حقوق تخفیف یافته (که اختیاری است مبلغ حداقل)

ده برابر حقوق سالیانه که باید در صندوق جداگانه نگاهداری شود و بیشتر از ده درصد از مبلغ اضافه شده به این صندوق را در هر سال نمی‌توان برای منظور داشتن به حساب حق عضویت سالیانه برداشت نمود .

بند ۴ (ماده ۱۴۱) بابت حقوق افتخاری. هر مبلغی که از طرف لژ اعظم ایالتی

یا ناحیه ای تعیین شده باشد .

بند ۵ (ماده ۱۳۱) بابت اوراق چاپی. نصف حقوق تعیین شده در بند ۱۹ از قسمت اول از این فهرست .

ج - مبالغی که به لثراعظم ناحیه‌ای منحصرأ پرداخت می‌شود (که شامل لثراعظم ایالتی یا لثراعظم منطقه مرکزی نخواهد بود)

بند ۶ (ماده ۱۴۲) از طرف لثرای تابع . بابت حقوق سالیانه هر عضو و بابت حقوق تخفیف یافته مربوط به هر عضو و بابت حق اعطای معافیت‌ها و بابت تجدید نظر در آئین نامه‌های داخلی و سایر اقدامات اداری (کلا به هر مبلغ که از طرف لثراعظم ناحیه‌ای تعیین گردد)

« قسمت سوم »

مبالغی که باید به لثرتابع پرداخت شود

(بند ۱ ماده ۱۸۳) حق ورود - حداقل ۰ - ۷ - ۷ پوند

بند ۲ (ماده ۱۸۳) حق الحاق - حداقل ۰ - ۳ - ۳ پوند

بند ۳ (ماده ۱۶۰) مارک

الف - حداقل ۶ - ۱۰ - ۰ پوند و (که آئین نامه داخلی کمتر از آن تعیین

نخواهد کرد) یا .

ب - برای ثبت، نام و دیپلم (اگر تعیین نشده باشد) ۰ - ۵ - ۰ پوند .

بند ۴ (ماده ۱۸۷) حق عضویت سالیانه حداقل ۰ - ۱۰ - ۰ پوند .

بند ۵ (ماده ۱۸۸) صندوق تخفیف یافته که (اختیاری است) که حداقل ده برابر

مبلغ عضویت سالیانه که باید در صندوق مخصوص ریخته شود و بیشتر از ده درصد از مبلغی که در هر سال مالی به این عنوان اخذ می‌گردد نباید جهت اضافه کردن به وجوه حقوق عضویت سالیانه اعضاء در همان سال برداشت گردد .

بند ۶ (مواد ۱۸۷ و ۱۸۹) صندوق وجوه خیریه . مبلغی که کمتر از یک شلینگ

نخواهد بود از هر حق عضویت سالیانه و بهمین تناسب از آن مبلغ که در هر سال

از وجوه حقوق عضویت سالیانه برداشت شده است .

بند ۷ (ماده ۸۷) معافیت اخذشده از استاد بنای اعظم . حقوقی که باید به لژ

اعظم پرداخت شود در بند ۱۶ از قسمت اول از این فهرست تعیین گردیده است.

بند ۸ (ماده ۱۶۱) سایر مبالغ .

بهر نحوی که در آئین نامه داخلی تعیین شده باشد .

بند ۹ (ماده ۱۵۶) الف - بابت حقوق مربوط به تجدید عضویت حداقل

۰ - ۲ - ۲ پوند

بند ۱۰ (ماده ۱۴۷) بابت حق مؤسس حداقل ۰ - ۰ - ۳ پوند .

فهرست دوم - آئین نامه عمومی

«مقدمه»

از لحاظ ماده ۱۶۱ قانون اساسی لژ اعظم آئین نامه و مقرراتی که يك لژ تابع مكلف

به رعایت آن می باشد تشکیل می شود از قوانین مربوط به لژ اعظم - آئین نامه عمومی

مربوط به کلیه لژها که ذیلاً درج می گردد و همچنین آئین نامه داخلی آن لژ.

قسمت اول «جلسات»

جلسه فوق العاده و جلسه خاص - دعوت جلسه فوق العاده برای اعطاء درجات

یا مارك ممكن است در هر موقع از سال از طرف استاد ارجمند و در غیاب او از طرف

استاد ارجمند قبلی یا قائم مقام استاد ارجمند و یا معاون او بعمل آید . دعوت برای

تشکیل يك جلسه خاص ممكن است برای هر منظور دیگر به ترتیب مذکور در فوق

و یا بر اثر درخواست هفت نفر از اعضاء واجد شرایط که درخواست خود را امضاء

کرده و موضوع تشکیل جلسه را در درخواست تعیین نموده و برای دبیر ارسال

داشته باشند نیز بعمل آید و در این صورت دبیر لژ باید فوراً درخواست مزبور را

به اطلاع استاد ارجمند برساند . دعوت برای تشکیل يك جلسه خاص به وسیله

بخشنامه یا اعلانی که حاوی موضوع مخصوص کار جلسه باشد بعمل می آید و در چنین

جلسه ای کار دیگری نمی توان انجام داد.

قسمت دوم «افسران»

۱- توصیه‌ای که از طرف کمیته برای انتخاب افسران بعمل می‌آید لطمه‌ای به حق اعضای لژ نسبت به نامزد کردن هر برادر جهت هر سمت افسری وارد نخواهد بود. هیچ برادری رانمی‌توان در غیاب او برای سمت افسری نامزد نمود. مگر اینکه رضایت او قبلاً کسب و بوسیله برادر و اجد شرایط دیگری شهادت داده شده یا ضمانت شده باشد.

۲- در انتخاب افسران لژ یا اعضای کمیته‌ها برای منظورهای ماسونی رأی ممکن است بامهره یا بابلند کردن دست به هر نحو که لژ تصمیم گرفته باشد اخذ گردد.

۳- پستهای افسری که خالی می‌شود. در صورتیکه استاد ارجمند فوت کند، استعفا دهد یا سلب صلاحیت او بشود انجام وظائف سمت او در عهده استاد ارجمند قبلی خواهد بود و در صورتی که هر یک از اتفاقات فوق برای یکی دیگر از افسران انتخابی لژ پیش آمد کنند لژ در جلسه عادی بعدی یا هر جلسه عادی لاحق می‌تواند برادر دیگری را برای تصدی سمت پست خالی شده (تا موقع انتخابات سال بعد) انتخاب نماید مشروط بر اینکه موضوع قبلاً به کلیه برادران و اجد شرایط اطلاع داده شده باشد.

۴- غیبت افسران - به استثنای استاد ارجمند هر افسر دیگری که سه جلسه عادی متوالی غیبت کند باید از طرف دبیر باو اخطار شود و چنانچه دلیل قانع کننده‌ای جهت غیبت خود به لژ ارائه ندهد لژ می‌تواند آن پست افسر را خالی شده اعلام و برادر دیگری را به نحو مقرر در بند ۳ بالا بجای او انتخاب نماید.

۵- استاد ارجمند - استاد ارجمند رئیس کلیه جلسات لژ و کمیته‌های آن خواهد بود در هر امری که بین اعضای اختلاف شود رئیس می‌تواند رأی خود را به نفع هر طرف که بخواهد اعلام نماید و در صورت تساوی آراء نظر ظرفی که رأی رئیس در آن واقع است قاطع خواهد بود.

در غیبت استاد ارجمند کرسی ریاست به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ از قوانین

اساسی اشغال خواهد شد و بهمین ترتیب در جلسات کمیته‌ها نیز رفتار می‌شود به‌جز در کمیته‌های خاص که برادر دیگری جهت ریاست آن (در غیاب استاد ارجمند) تعیین شده باشد.

۶- دبیر- دبیر و وظیفه دارد دعوتنامه جلسات لژ و کمیته‌های آنرا صادر نماید- در تمام جلسات حضور پیدا کند - کلیه جریانات را بطور منظم و مشخص ثبت نموده و در دفتر صورت جلسات وارد نماید و صورت جلسات را به لژ اعظم ایالتی و یا ناحیه‌ای ارسال دارد .

دبیر ضبط‌کننده تمام دفاتر و اسناد و مدارکی که به لژ تعلق دارد می‌باشد به استثنای فرمان لژ که مراقبت نسبت به آن در عهده استاد ارجمند خواهد بود و همچنین به استثنای وجوه دفاتر و اوراق مربوط به خزانه‌داری که به عهده خزانه‌دار بوده و دبیر باید صورت موجودی و سیاهه آنها را داشته باشد .

۷- خزانه‌دار- خزانه‌دار وظیفه دارد کلیه وجوه متعلق به لژ را وصول نمود و ضبط و ربط نماید .

دفاتر خزانه داری به خزانه‌دار تحویل شده و او باید حساب کلیه عملیاتی که نسبت به زجوه لژ انجام می‌دهد در آن دفاتر بطور صحیح ثبت و نگاهداری نماید. خزانه‌دار باید يك حساب بانکی برای هر يك از صندوقهای لژ نگاهداری کند که استفاده از این حساب‌ها به امضای استاد ارجمند و دبیر و خزانه‌دار یا به امضای دو نفر از سه نفر مزبور خواهد بود و خزانه‌دار در صورتی که حضور داشته باشد باید یکی از آن دو نفر باشد و ظهر نویسی اوراق بهادار از طرف لژ نیز در مواقع ضرورت به همین طریق انجام خواهد شد. خزانه‌دار نمی‌تواند هیچگاه بیش از هم ارز پنج لیره انگلیسی از وجوه لژ را در نزد خود نگاهدارد. خزانه‌دار باید تمام حقوق لژ اعظم و لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای را ولو اینکه لژ یا هر يك از کمیته‌ها خلاف آن را دستور دهند پرداخت نماید و همچنین باید تمام مطالبات اشخاص را بعد از آن که مورد تصویب لژ واقع و به پاراف استاد ارجمند یا برادر دیگری که در غیاب

استاد ارجمند ریاست لژ را عهده‌دار است رسیده باشد بپردازد. کمیته می‌تواند در هر موقع از خزانه‌دار بخواهد که حساب عملیات خود را بدهد و خزانه‌دار باید در آخر هر سال مالی حسابهای خود را بسته و خلاصه صورت درآمد و هزینه را توأم با بیلان لژ تهیه و در اختیار ممیزین حساب گذارد.

پس از آنکه صورت حساب و بیلان توسط ممیزین حساب گواهی شده و یا مورد امعان نظر واقع گردید باید به چاپ رسیده و در اختیار کلیه اعضا و اجدش رابط لژ (به ترتیب مقرر در آئین‌نامه داخلی) قرار گیرد.

مقررات مذکور در این بند عیناً شامل امین خیریه یا خزانه‌دار وجوه خیریه نسبت به وجوهی که در اختیار او گذاشته شده باشد نیز خواهد بود.

قسمت سوم «کمیته‌ها»

۱ - کمیته عمومی - در جلسه انتخابات سالیانه هر لژ يك کمیته عمومی برای اداره امور لژ انتخاب می‌گردد و مرکب از افسران یا اعضای آن لژ خواهد بود که در آئین‌نامه داخلی تعیین شده باشد. این کمیته می‌تواند اختیار خود را به سوکمیسیون‌هایی که از اعضا آن تشکیل یافته باشد واگذار نماید. انتخاب اعضا این کمیته باید در همان جلسه تکمیل گردد و قابل تعویق نخواهد بود.

۲ - کمیته‌های خاص - لژ می‌تواند گاه‌بگاه و به موجب ضرورت کمیته‌های مخصوصی تعیین و منصوب نماید.

۳ - در کمیته عمومی و کمیته تحقیق حدنصاب از طرف لژ تعیین خواهد شد.

۴ - گزارش اقدامات و تصمیمات کمیته‌ها باید در جلسه عادی بعدی لژ به اطلاع برادران رسد و مورد تصویب اعضا کمیته که حضور دارند واقع گردد.

قسمت چهارم «ترتیب کارها»

۱ - در هر جلسه عادی لژ که شامل جلسه انتخابات سالیانه نیز می‌باشد صورت جلسات قبلی اعم از عادی - فوق‌العاده و خاص که تشکیل یافته باشد باید قرائت شود

و پس از تأیید از طرف لژ باید توسط برادری که ریاست را عهده‌دار است و همچنین از طرف دبیر امضاء گردد. سپس گزارش کمیته‌ها مطرح و بعداً سایر کارهایی که در دستور جلسه قرار داده شده به ترتیبی که در دعوت‌نامه ذکر گردیده و یا اینکه مجاز باشد انجام خواهد یافت.

۲- برادری که بخواهد در لژ صحبت کند باید بپاخیزد و در تمام مدت صحبت خود ایستاده بماند و استاد ارجمند یا برادری را که ریاست می‌کند مخاطب قرار داده نظم و آداب حسن سلوک را رعایت نماید. هیچ برادری بیش از یکبار نسبت به یک موضوع نباید صحبت کند مگر برای توضیح یا جواب و یا برای تقدیم یک پیشنهاد آنهم با اجازه برادری که کرسی ریاست را عهده‌دار است.

۳- نسبت به تمام موضوعاتی که مطرح می‌شود نظر اکثریت اعضاء حاضر و واجد شرایط که رأی دهند قاطع خواهد بود و دادن رأی بوسیله بلند کردن دست انجام می‌شود مگر اینکه بنا به تصمیم لژ رأی بامهره اخذ گردد.

اخذ تصمیم نسبت به وجوه لژ و تغییر آئین‌نامه داخلی از این قاعده مستثنی بوده و به نحو مقرر نسبت به آنها اخذ رأی بعمل خواهد آمد.

۴- تمام کارها در درجه یک انجام خواهد شد به استثنای انتخاب افسران و اعضای کمیته‌هایی که صرفاً برای منظورهای ماسونی تعیین می‌گردند.

۵- استاد ارجمند یا برادر دیگری که وظیفه ریاست را عهده‌دار است به ترتیب انجام سایر کارها که در این آئین‌نامه ترتیب آنها ذکر نشده است تصمیم می‌گیرد ولی اختیار اخذ تصمیم نسبت به تفسیر یک ماده قانون اساسی یا یک ماده از آئین‌نامه داخلی را نداشته و یا یک موضوع را در جلسه مطرح نماید.

قسمت پنجم «دارائی و صندوقهای وجوه»

۱- تمام اموال لژ اعظم از منقول و غیر منقول با هر مشخصاتی که باشد به استثنای وجوهی که در بانک گذاشته شده در اختیار افسران و اعضای گذاشته می‌شود که هر چند وقت یکبار از طرف لژ تعیین شوند (یا در اختیار

جانشین‌های آنها). این اشخاص امانت‌دار تلقی شده و لژ همواره می‌تواند کار آنها را مورد کنترل و رسیدگی قرار دهد. امانت‌داران مزبور باید اموال و دارائی لژ را در مقابل آتش سوزی یا سرقت به هر مبلغ که لازم تشخیص دهند بیمه نمایند.

۲- وجوه صندوقهای عمومی لژ به مصرف هزینه‌های لازم لژ و تهیه و نگاهداری البسه و زیورآلات لژ خواهد رسید.

۳- پیشنهاد واگذاری قسمتی از دارائی یا وجوه لژ برای يك منظور فوق‌العاده و غیر عادی داده نمی‌شود مگر اینکه اطلاعیه‌ای مربوط به چنین پیشنهاد در جلسه‌ای که لااقل يك ماه قبل تشکیل گردیده است علناً و کتباً به لژ داده شده باشد. رونوشت این پیشنهاد باید در دعوتنامه جلسه‌ای که موضوع جهت اخذ تصمیم در آن طرح خواهد شد قید گردد و چنانچه جلسه بوسیله اعلان در روزنامه دعوت شود باید بطور روشن نسبت به آن در اعلان اشاره شود. چنین پیشنهادی باید لااقل از طرف ثلث اعضاء واجد شرایط تصویب گردد تا بتوان آن را پذیرفته شده تلقی نمود.

۴- پیشنهادی که ماهیت آن یکبار در لژ مطرح و مورد تصمیم قرار گرفته است نباید مجدداً تقدیم یا مورد بحث قرار گیرد مگر بعد از انقضای دوازده ماه از تاریخ مزبور.

قسمت ششم «حق عضویت سالیانه»

هر برادری که حق عضویت سالیانه خود را پرداخت نکرده باشد حق دریافت دعوتنامه مربوط به تشکیل جلسات را نخواهد داشت.

قسمت هفتم «پذیرش اعضاء»

۱- هیچ تقاضاکننده عضویت را که در نتیجه اخذ رأی به وسیله مهره پذیرفته نشود نمی‌توان قبل از انقضای مدت يك سال از تاریخ اخذ رأی مزبور مجدداً پیشنهاد نمود.

اعضاء و برادران مهمان از سعی در کشف اینکه کدام برادر با پذیرش تقاضای

عضویت مخالفت کرده است ممنوع می باشد .

۲ - برادران لژهای دیگر را که به سبب ابراز لیاقت در بنائی آزاد مشخص شده اند می توان بنا به پیشنهاد استاد ارجمند و تصویب هر جلسه عادی بعضویت افتخاری لژ پذیرفت . اعضای افتخاری دارای تمام مزایای اعضاء عادی به استثناء افسر شدن و شرکت در مذاکره و دادن رأی (در کارهای لژ) می باشند .

۳ - يك لژ تابع می تواند تحت شرایط زیر بهريك از اعضاء خود عنوان «عضو خدمتگذار مشخص» را اعطا نماید .

این افتخار فقط به برادری اعطاء می شود که مدت مدیدی خدمت مشخصی را نسبت به لژ انجام داده باشد چنین برادری در عین حال که تمام حقوق و مزایای عضو عادی را خواهد داشت ممکن است بر حسب تصمیم لژ از پرداخت حق عضویت سالیانه درآینده معاف گردد . این پیشنهاد باید در لژ دائر از طرف استاد ارجمند بعمل آید و قبول شدن آن موکول به این است که لااقل دوسوم از اعضاء واجد شرایط و رأی دهنده که حاضر باشند در جلسه عادی بعدی که دعوت نامه آن حاوی اطلاعیه مربوط به این پیشنهاد خواهد بود رأی موافق بدهند . چنین پیشنهادی را به لژ نمی توان کرد مگر بعد از آنکه از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای یا از طرف بازرس اعظم ناحیه ای یا از طرف رئیس کمیته اعظم ناحیه مرکزی و یا (در صورتی که لژ مستقیماً تحت نظارت لژ اعظم اداره می شود) از طرف استاد بنای اعظم تصویب شده باشد و چنین افتخاری را قبل از تصویب مزبور نمی توان اعطاء نمود .

قسمت هشتم «رفتار در لژ»

۱ - به محض اینکه استاد ارجمند برادران را به نظام فرا خواند سکوت فوری و مطلق برقرار خواهد شد .

هر برادر باید در جای خود ثابت بماند به استثنای آن عده از افسران لژ که وظیفه آنها انجام حرکت را ایجاب نماید . هیچ برادر نمی تواند داخل لژ شده و یا

از آن خارج شود مگر اینکه احترام لازم را نسبت به کرسی و استاد ارجمند معمول دارد .

۲ - چنانچه برادری به نحوی رفتار نماید که مزاحم هماهنگی لژ گردد و بعد از اخطار استاد ارجمند یا برادر ریاست کننده نیز در رویه نامطلوب خود سماجت نماید رئیس جلسه می تواند به او امر دهد که از لژ خارج شود و این امر به باید فوراً به موقع اجرا گذاشته شود .

قسمت نهم «مهمانان»

هیچ برادری را نمی توان بعنوان مهمان در لژ داخل نمود مگر اینکه قبلاً توسط يك استاد بنای شناخته شده به یکی از افسران لژ معرفی و تضمین شده باشد و اینکه دیپلم صادره به نام او و از طرف لژ اعظم و یا مدارك کتبی دیگری که به اعضای دبیر یا خزانه دار لژ او رسیده و حاکی از عضویت او در آن لژ باشد ارائه داده و توسط دو نفر از برادرانی که از طرف استاد ارجمند (یا برادر دیگری که ریاست لژ را عهده دار است) تعیین شده باشند مورد امتحان قرار گرفته و گزارش موافق داده و پذیرش او را توصیه نموده باشند .

قسمت دهم «اصلاح یا تغییر یکی از مواد آئین نامه داخلی»

پیشنهاد اضافه کردن هر ماده جدید به آئین نامه مزبور مورد توجه لژ قرار نخواهد گرفت، مگر اینکه لا اقل يك ماه قبل از آن پیشنهاد در جلسه عادی لژ قرائت و رونوشت آن به ضمیمه دعوت نامه جلسه ای که باید در آن طرح گردد بخشنامه شده باشد و یا در اعلان دعوت جلسه مزبور اشاره روشنی نسبت به آن بعمل آمده باشد . چنین پیشنهادی چنانچه به تصویب لا اقل دو نلک از اعضاء واجد شرایط و رأی دهنده حاضر برسد بعد از تأیید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای (در صورت

وجود) و یابعد از تأیید کمیته اعظم کمالاً قوت قانونی یافته و به موقع اجرا گذاشته خواهد شد .

قسمت یازدهم « کلی »

هر موضوعی که در آئین نامه داخلی یا آئین نامه های مخصوص لژ (در حدود قوانین اساسی) تکلیف آن معین نشده باشد باید قوانین اساسی لژ اعظم اسکاتلند نسبت به آن موضوع مراعات گردد .

پایان جلد سوم



ضمیمه دوم

فهرست منابع و مآخذ

۱- کتابها

- آراء و معتقدات سید جمال الدین افغانی - بقلم مرتضی مدرس چهاردهی -
سال ۱۳۲۷ شمسی - ۲۲۰ صفحه .
- اسرار سازمان مخفی یهود - زرژ لامبلن - ترجمه مصطفی فرهنگ -
۱۵۰ صفحه .
- اسرار فراموشخانه‌ها یا انجمنهای مخفی کنونی در اروپا و امریکا -
البر لانتون - ترجمه دکتر جعفر شاهی - ۷۲ صفحه - از انتشارات روزنامه جوانمردان .
- انقلاب ایران - پرفسور ادوارد براون - ترجمه و حواشی احمد پژوه -
۴۹۶ صفحه .
- الماسونیه العام - منذ نشاتها الی هذا الیوم - جرجی زیدان - ترجمه حسن
فرامرزی (برای نگارنده کتاب) .
- اقتصاد اجتماعی یا حقوق صنعتی و قوانین کار - دکتر شیدفر .
- انقلاب مشروطیت ایران - دکتر مهدی ملکزاده - هفت جلد - ناشر
کتابفروشی ابن سینا .

آئین فراماسونری - منظومه خطی ادیب الممالک فراهانی در ۵۰۰ بیت و ۹۳ صفحه - این آئین نامه با حواشی و زیر نویس های آن که تا کنون منتشر نشده است، به خط و امضاء و مهر ادیب الممالک می باشد و مالک آن مرحوم اشراق محضر - دار بوده که موقتاً به طباطبائی قاضی عدلیه داده و او آن را به هاشمی حائری مدیر روزنامه طلوع واگذار کرده است . میکروفیلم این منظومه در اختیار ما می باشد. **بیداری ایرانیان -** ناظم الاسلام کرمانی - چاپ سنگی در هفتاد و یک جزوه دو ورقی که هر جزوه شامل ۱۶ صفحه می باشد .

تحفة العالم - عبدالطیف بن ایطالب موسوی شوشتری جزایری چاپ حیدرآباد هندوستان جمادی الاولی ۱۲۱۶ - اکتبر ۱۸۰۱ - ۳۸۸ صفحه .
تاریخ تحولات اجتماعی - مرتضی راوندی از سلسله انتشارات حزب توده ۳۸۰ صفحه .

جمعیه های سری از قدیم تا عصر جدید - تألیف و تلخیص مرتاضزاده پنجابی - ۶۱ صفحه - چهار گفتار و نقل قسمتی از مقاله سالنامه کشوری ایران - چاپ تهران از نشریات لژ همایون - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۲ - چاپخانه فردوسی .
جمعیه های سری و جنبش های تخریبی - استاد محمد عبدالله عنان - ترجمه هاشمی حائری مدیر روزنامه طلوع - این کتاب ابتدا بصورت پاورقی در روزنامه طلوع چاپ شده، سپس در ۲۶۶ صفحه در چاپخانه تابش تجدید چاپ و بوسیله کتابخانه ابن سینا ، پخش و منتشر شده است .

چهارده ساله پرنس ملکم خان - چاپ تهران - ۱۰ صفر ۱۳۲۶ - ۱۹۰۸ ناشر عبدالله تهرانی مشهور به کوه .

حوادث - دکتر محمد حسین میمندی نژاد - ۱۲۲ صفحه - رایگان .

حکومت خانواده ها - ابوالفضل قاسمی - چاپ گیلان - ۲۱۹ صفحه .

در راه حق - دکتر محمد حسین میمندی نژاد - چاپ اول ۸۲ صفحه - رایگان

توزیع شده .

دیوان ادیب الممالک فراهانی قائم مقامی - تدوین و حواشی وحید - دستگردی مدیرارمغان - آبان ۱۳۱۲ در ۷۵۶ صفحه اصل و ۴۵ صفحه ضمیمه و متفرقه .

روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم - تألیف شادروان محمود محمود - مجلدات پنجم و هفتم .

روسیاهان - چاپ اول ۱۵۴ صفحه - رایگان توزیع شده .

رهبران مشروطه ایران - جلد اول - ابراهیم صفائی - سال ۱۳۴۳ .

زمامداران انگلستان - لردکهن - ارنست گلام - ترجمه اسماعیل نشاط - ۱۰۱ صفحه .

زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال الدین افغانی - مرتضی مدرس چهاردهی - ۲۱۱ صفحه .

سرگذشت مسعودی - بقلم سلطان مسعود میرزا ظل السلطان - ۳۶۸ صفحه چاپ سنگی - سال ۱۳۲۵ هجری .

سفرنامه میرزا حسین خان آجودانباشی - معروف به (سفرنامه چهارفصل)

نوشته عبدالفتاح کرم رودی - سفرنامه شامل جزئیات مسافرت هجده ماهه آجودانباشی است که در ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۵۵ هجری - ۱۲ ژوئن ۱۷۳۹ آغاز شده . نسخه کپی شده بفرمایش میرزا محمود خان پهلوی - گنجینه کتب خطی مجلس شورایی ملی .

ایضاً - شرح مأموریت آجودانباشی - تألیف محمد مشیری - ۵۱۷ صفحه -

تحقیقات عالمانه‌ای که مؤلف درباره سفرنامه آجودانباشی بعمل آورده در خور ستایش فراوان است . متأسفانه پس از خاتمه چاپ جلد اول کتاب حاضر ، این اثر نفیس انتشار یافت و ما نتوانستیم از آن استفاده کنیم .

سفر نامه رضاقلی میرزا یا تاریخ قاجاریه - نوشته رضاقلی میرزا پسرزاده

فتحعلیشاه .

يك نسخه از این سفر نامه خطی در کتابخانه ملك بشماره ۳۷۴۸ نگهداری می شود. نسخه مزبور بنام «تاریخ قاجاریه» ثبت شده و در ۷۲۱ صفحه می باشد. نسخه مزبور که اسم کاتب ندارد در سال ۱۳۲۲ قمری نوشته شده و نویسنده در آخر یادداشتها که ناتمام است چنین نوشته است :

«مخفی نماند که مرحوم رضاقلی میرزا نایب الایاله ولد مرحوم حسنعلی میرزا فرامانفرمای مملکت فارس ولد مرحمت پناه فتحعلیشاه قاجار موفق نشده که زیاده از این روزنامه نگاری کند یا آنکه از اصل نسخه افتاده در هر حال این نسخه از روی نسخه که بخط میرزا مصطفی ابن مرحمت پناه حاجی میرزا محمد رضای حکیم الهی شیرازی بوده نقل شد و آن مرحوم چنانکه خود نوشته از روی نسخه که بخط نایب الایاله مرحوم بوده در ۲۸ شهر رجب الرجب سنه ۱۳۱۱ هزار و سیصد و یازده هجری به اتمام رسانیده و نسخه منقول عنها بیش از این نداشته و استنساخ این نسخه که از روی خط مرحوم میرزا مصطفی استخراج شده تاریخ تحریر آن در روز بیست و چهارم شهر صفر المظفر سنه هزار و سیصد و بیست دو می باشد الحق عجیب سفر نامه ای است که باعث عبرت و موجب حیرت است ان فی ذلک لقبره فاعتبروا یا اولابصار»

صد مکتوب میرزا آقاخان کرمانی - کتابخانه ملی پاریس - خطی - بقطع

۳۳×۲۱ سانتیمتر - در روی این نامه ها که جمماً ۱۰۸ صفحه اصلی و چهار صفحه ضمیمه است، این جمله باخط نستعلیق نوشته شده «سلامت الانسان فی حفظ البیان» رونویس کنند نامه ها که خود را معرفی نکرده در حاشیه صفحه اول قول داده ، جواب نامه های میرزا آقاخان را بدهد. ولی در مجموعه کتابخانه ملی پاریس اثری از جواب دیده نمی شود .

صد مکتوب میرزا آقاخان - رونویس شده عباس اقبال - از مجموعه کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه

صد مکتوب - رونویس شده به وسیله پدر جلال آل احمد نویسنده معاصر. نسخه مذکور که بنظر می رسد کامل ترین نسخ باشد در اختیار آقای آل احمد می باشد. **سیزده رساله خطی میرزا ملکم خان ناظم الدوله -** مجموعه کتابخانه ملک - شماره ۳۱۱۶

- سیاستگران دوره قاجار - جلد اول - سید احمد خان ملک ساسانی - ۳۴۳ صفحه .

صرف و نحو خط میخی آریائی و جغرافیائی هند - نصیرالدین میرزا فرصت حسینی شیرازی چاپخانه ناصری بمبئی - ربیع الاول ۱۳۲۲ - بخش دوم فرامین .

فراوشخانه - آنتونی کوئن - ترجمه همایون فر بود - ناشر کانون معرفت ۵۶ صفحه .

فراوشخانه - رساله خطی - اثر میرزا ملکم خان ناظم الدوله. از این رساله: ۱ - به خط علی منشی تبریزی که از روی نسخه اصلی میرزا محمد حسین نایب اول و منشی سفارت اطریش رونویس شده . کتابخانه مرکزی دانشگاه شماره ۳۲۵۷

۲ - کتابخانه ملی ملک شماره ۳۱۱۶ - بدون نام رونویس کننده . در پایان این رساله ، جوابی که به میرزا ملکم خان در باره فراماسونری داده شده است بسیار جالب می باشد .

مجموعه آثار میرزا ملکم خان - تدوین و تنظیم و تألیف سید محمد محیط طباطبائی - با مقدمه و حواشی جامع - این اثر گرانها نخستین بار در زبان فارسی در باره فراوشخانه ملکم و فعالیت های سیاسی و اجتماعی او نوشته شده است - ۲۱۷ صفحه با ۱۹ صفحه ملحقات - سال ۱۳۲۷

- مجموعه اسناد و مدارك چاپ نشده درباره سيد جمال الدين مشهور به افغانى - اصغر مهدوى - ايرج افشار - ۱۶۵ صفحه از انتشارات دانشگاه تهران. مردان خود ساخته - از انتشارات فرانكلين .
- مردان نامى شرق - غلامحسين نراقى فرخزاد - جلد اول - ۳۵۵ صفحه - سال ۱۳۰۸ شمسى .
- نامه هاى سياسى سفير بریتانیا یا پایه سياست انگلستان در ایران - ترجمه احمد توکلى - ۵۳ صفحه .
- نفت و بحرین یا عباس اسکندرى در خدمت مجلس پانزدهم - ۴۷۹ صفحه سال ۱۳۳۱
- نیمه راه بهشت - سعيد نفیسی - ۲۸۹ صفحه - سال ۱۳۳۲
- یادگار جشن پنجاهمین سال انجمن اخوت - (۱۳۱۷ - ۱۳۶۷) - ۸۳ صفحه - سال ۱۳۲۷

۲- جراید و مجلات

- آخر الساعه - مجله - شماره ۱۱۶۳ - سال ۱۹۵۷
- آسیای جوان - مجله - ۲۴ خرداد ۱۳۳۵
- اتحاد ملی - روزنامه هفتگی - شماره ۳۰۸ - سال ۱۳۳۳
- اطلاعات - روزنامه - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۴
- اطلاعات هفتگی - مجله - شماره ۸۰۶ - ۲۶ بهمن ۱۳۳۵
- ایران ما - روزنامه هفتگی - از شماره ۲۷۳ تا ۲۷۷ - سال ۱۳۳۵
- این هفته - مجله هفتگی - از شماره ۵ تا ۱۰
- بامشاد - مجله هفتگی - ۱۲ شهریور ۱۳۴۰
- پیک ایران - روزنامه هفتگی - شماره ۶۵
- تهران مصور - مجله هفتگی - شماره‌های ۶۱۱ - ۶۴۰ - ۱۷ آذر ۱۳۳۴
- و شماره‌های ۷۰۶ - ۹۶۲ - ۱۰۳۱
- جهان - روزنامه هفتگی شماره ۱۰۸۶
- خواندنیها - مجله - ۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ - ۲۶ خرداد ۱۳۳۴ - ۴ آذر ۱۳۴۰
- شماره ۱۹ تا ۳۴
- خوشه - مجله - شماره‌های ۶۳ تا ۶۹ - سال ۱۳۳۴
- دنیا - سالنامه - سال ۱۳۳۶ - صفحه ۹۹
- فرمان - روزنامه - از شماره ۷۰ تا ۷۴

ساوه - مجله - دوره قدیم و جدید

لایف - مجله امریکائی - ۸ اکتبر ۱۹۶۵

نشریه وزارت امور خارجه - ۵ اسفند ۱۳۲۸ - جلد اول.

واهمه - شماره ۱۳۲ - اردیبهشت ۱۳۳۴

یادگار - مجله - سال اول شماره های ۳ و ۵

یغما - مجله - سال دوم شماره های ۱۰-۱۱-۱۲ - سال ۱۳۲۸

آثار نگارنده این کتاب

از مجموعه اسناد و مدارك سیاسی و تاریخی :

۱- درکرانه‌های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی و حاکمیت ایران

چاپ اول پاورقی روزنامه کیهان از شماره ۲۰۸۶ به بعد- چاپ دوم ۲۵۱ صفحه سال ۱۳۳۰

۲- من از بحرین می‌آیم - یا اسناد حقانیت ایران - روزنامه ایران-

سال ۱۳۲۷

۳- پسران صولت قشقایی- ۲۱۸ صفحه- سال ۱۳۳۳- چاپخانه تهران مصور.

۴- مورگان شوستر و اختناق ایران- ۷۱ صفحه سال ۱۳۴۵- چاپخانه کلویان

۵- مقدمه بر اختناق ایران - از انتشارات بنگاه صفی علیشاه

۶- دلالان بین‌المللی نفت - سال ۱۳۴۵ مجله تهران مصور

۷- انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران- ۲۰۸ صفحه سال ۱۳۴۶

چاپخانه تهران مصور.

۸- حقوق بگیران انگلیس در ایران- ۴۷۷ صفحه سال ۱۳۴۷- چاپخانه داورپناه

۹- سفرنامه میرزا صالح شیرازی - از انتشارات روزن- ۴۵۰ صفحه - سال

۱۳۴۷ چاپخانه داورپناه .

۱۰- میرزا صالح شیرازی- ۴۰ صفحه - سال ۱۳۴۶

۱۱- نخستین چاپخانه در ایران - سال ۱۳۴۷- یازدهمین نشریه روزنامه

ارمنی آلیک.

از مجموعه داستان‌ها :

۱۲- جاسوس - جنگ‌های پارتیزانی عشایر و مردم آذربایجان و زنجان

سال ۱۳۴۴ - در مجله تهران مصور .

۱۳- مأمور مخصوص هیتلر - عملیات خبز کبود - سرگرد شولتسه - مایر -

مولر - کرومر - آلفونس جاسوسان هیتلر

در سال ۱۳۲۰ در ایران از : ششم اردیبهشت

۱۳۴۷ به بعد در مجله تهران مصور .

در زیر چاپ :

۱۴- اسناد و نامه‌های سیاسی میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و شرح -

حال وی .

۱۵- ایرانیان ارمنی

آماده برای چاپ :

۱۶- حزب کمونیست در ایران از ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۰ شمسی

۱۷- هجوم امریکا به ایران ۱۸۵۶ - ۱۹۶۸

۱۸- قطع رابطه ایران و انگلیس